استفتائات جدید

۲



مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی (مدظله)

گردآورنده: ابوالقاسم علیان نژادی

بسم الله الرحمن الرحیم

رساله توضیح‌المسائل با اضافات فراوان و استفتاءات جدید

نویسنده:

ناصرمکارم شیرازی

ناشر چاپی:

مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

رساله توضیح‌المسائل با اضافات فراوان و استفتاءات جدید جلد ۲

مشخصات کتاب

سرشناسه : مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۰۵ –

عنوان و نام پدیدآور : رساله توضیح‌المسائل با اضافات فراوان و استفتاءات جدید /مطابق با فتاوای مکارم‌شیرازی.

وضعیت ویراست[: ویراست ؟].

مشخصات نشر : قم: قدس، ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری : ۴۹۶ ص.

شابک : ۱-۰۹-۶۳۹۵-۹۶۴-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

یادداشت : چاپ شصت و پنجم.

موضوع : فقه جعفری -- رساله عملیه

رده بندی کنگره : BP۱۸۳/۹/م۷ر۵ ۱۳۹۲

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۳۴۲۲

شماره کتابشناسی ملی : ۳۲۱۳۹۰۸

پیشگفتار

اشاره

أثنی علی الله احسن الثناء، و احمده فی السّراء و الضّراء، و الصلاهٔ و السلام علی رسوله خیر الوری، محمّد (صلی الله علیه و آله) و آله افضل الاوصیاء، و لعنهٔ الله علی اعدائهم اجمعین، من الآن الی قیام الدین.

ضرورت دانستن و فراگیری، و سپس عمل به احکام شرعی و فروعات فقهی، که هر روزه در تمام زوایای زندگی با آن سر و کار داریم، امری روشن و بدیهی است؛ امّا متأسّفانه این «ضرورت» در بسیاری از موارد گویا «باور» نشده است و طبیعتاً هنگامی که انسان «نیاز» خود را «باور» نکند، برای تحصیل آن اقدامی نمی‌کند، همان گونه که اگر شخص بیمار، بیماری خود را باور نکند به سراغ درمان آن نمی‌رود، و از این رهگذر چه بسا متحمّل ضررهای جسمی و روحی و مادّی و معنوی فراوانی می‌گردد؛ بلکه گاهی تمام هستی خود را از دست می‌دهد و تسلیم مرگ می‌گردد.

ناآگاهی از احکام و مسائل شرعی، گاهی باعث از بین رفتن یک عمر طاعت و عبادت انسان می‌گردد، و برخی از اوقات موجب به زحمت افتادن و تلخ شدن زندگی خودِ شخص و دیگران می‌گردد، و در پاره‌ای از موارد بنیان خانواده‌ای را متلاشی می‌کند! به گونه‌ای که هیچ راهی جز جدایی زن و شوهر برای آن دیده نمی‌شود؛ در حالی که اگر قبلًا از حکم شرعی آن اطّلاع داشتند، به چنین سرنوشتی دچار نمی‌گشتند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۱۸

همان گونه که بسیاری بر اثر ناآگاهی از این احکام نورانی اسلام به راحتی به حرام می‌افتند و گوشت و پوست خود و دیگر اعضای خانواده را آلوده به آن می‌کنند و به همین جهت از بسیاری از برکات معنوی محروم می‌گردند. در حالی که با دانستن یک

مسأله شرعی می‌توان از محیط ظلمانی حرام به حریم نورانی حلال منتقل شد.

چه کسانی مقصّرند؟

راستی چه کسانی مقصّرند؟ چرا در یک جامعه اسلامی باید چنین حوادث تلخی رخ دهد؟ چگونه می‌توان پذیرفت که برخی از مردم با ساده‌ترین مسائل شرعی خود آشنا نباشند؟

باید اعتراف کرد که ما طلّاب و روحانیّون، که وظیفه خطیر و بسیار با ارزش تبیین احکام الهی را داریم، شاید در این جهت بی‌تقصیر نباشیم و امکان دارد در بعضی موارد این وظیفه مهم را به فراموشی سپرده باشیم! و متأسّفانه عدّه‌ای، هرچند کم، این عبادت بزرگ را دون شأن خود می‌دانند! و این راستی عجیب است.

البتّه گروهی از مکلّفین نیز در این راستا بی‌تقصیر نیستند و کوتاهی آنها نیز قابل انکار نیست؛ ولی همان گونه که گذشت، کوتاهی مردم غالباً به این مطلب برمی‌گردد که احساس نیاز نمی‌کنند.

ارزش فوق‌العاده تعلیم و تعلّم احکام شرعی

برای روشن شدن ارزش این کار مهم و سرنوشت‌ساز (فراگیری احکام و مسائل شرعی) و اجر و قرب فراوانی که برای بیان‌کننده این احکام نورانی و مسائل شرعی و شنونده آن وجود دارد، کافی است در روایتی که از وجود مقدّس حضرت صدّیقه کبری، فاطمه زهرا (علیها السلام) به ما رسیده است، توجّه و دقّت لازم را بنماییم:

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۱۹

امام حسن عسکری (علیه السلام) روایت فوق را چنین نقل می‌فرماید: «زنی به خدمت صدّیقه کبری، حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) مشرّف شد و عرض کرد: مادر ضعیف و ناتوانی دارم که در مورد نماز مشکلی برایش پیش آمده است، مرا خدمت شما فرستاده تا مشکل او را حل فرمایید و سؤالش را پاسخ دهید (سپس مسأله را مطرح کرد و در روایت، شرح مسأله نیامده است) حضرت فاطمه (علیها السلام) پاسخ سؤالش را بیان فرمود. آن زن سؤال دیگری مطرح کرد، حضرت نیز پاسخ داد. برای بار سوّم سؤال‌کننده مسأله سوّمی مطرح نمود، حضرت صدّیقه (علیها السلام) نیز با صبر و حوصله پاسخ فرمود. این سؤالها و جوابها تا ده بار تکرار شد سپس زن سائل، که از تکرار سؤال خود شرمنده و خجل گشته بود، عرض کرد: ای فرزند رسول خدا، ای حبیبه پیامبر (صلی الله علیه و آله) شما را به زحمت انداختم، حضرت فرمودند: (نه! بازهم) بیا و هر مشکلی که برایت پیش آمد بپرس (سپس به بیان ارزش تبیین مسائل شرعی و احکام مورد نیاز مردم پرداخت و فرمود:) اگر از کارگری بخواهند که یک بار سنگین را به پشت بامی ببرد و برای این کار به او صد هزار دینار «۱» بدهند، آیا این کار برای او سنگین و سخت است؟ آن زن گفت: نه (این کار با این مزد بسیار زیاد کار مشکلی نیست!) حضرت صدّیقه (علیها السلام) فرمودند: برای هر سؤالی که تو می‌پرسی و من جواب می‌دهم بیش از آنچه در زمین و آسمان گنجایش جواهرات و لؤلؤ و مرجان دارد اجر می‌برم، پس سزاوار است که (چنین کاری با چنان اجری) بر من سنگین نباشد! (سپس فرمودند:) از پدرم حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) شنیدم که فرمودند: علما و دانشمندان شیعیان ما هنگامی که در روز قیامت محشور می‌شوند به مقدار علم و دانشی که داشته‌اند و تلاش و کوششی که در راه ارشاد و هدایت بندگان خداوند کرده‌اند به آنها از بهترین نعمتها و

---

(۱). هر دینار یک مثقال شرعی طلاست و هر مثقال شرعی ۴۳ مثقال معمولی است؛ بنابراین یک‌صد هزار دینار شرعی معادل هفتاد و پنج هزار مثقال طلای معمولی می‌شود که اگر هر مثقال طلا بیست هزار تومان باشد، قیمت طلای فوق به پول امروز ۰۰۰ /۰۰۰ /

۵۰۰ /۱ تومان می‌شود!.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۲۰

خلعتها داده می‌شود؛ به گونه‌ای که به یک عالِم هزار هزار لباس از نور! داده می‌شود «... ۱»

کتاب حاضر

به دنبال انتشار جلد اوّل کتاب «مجموعه استفتائات جدید» و استقبال شایسته شما خوانندگان محترم و تقاضای مکرّر بسیاری از عزیزان خواننده، مبنی بر انتشار جلد دوّم این کتاب، از میان نامه‌های فراوان و بسیار زیادی که از «داخل» و «خارج» کشور به ما می‌رسید هزار و هشتصد سؤال تازه و نو انتخاب شد، و مرجع عالیقدر تمام سؤال و جوابهای آن را با صبر و حوصله مورد مطالعه و بررسی مکرّر قرار دادند، قسمت مهمّی از این کار در تابستان امسال (۱۳۷۸) در کنار بارگاه هشتمین امام شیعیان جهان، حضرت علیّ بن موسی الرّضا (علیه السلام) انجام شد، و به صورت کنونی در اختیار شما عزیزان قرار گرفت. امید است که این کتاب راهگشای مشکلات بسیاری از مؤمنین و مؤمنات، به ویژه فضلا و دانشمندان، و ذخیره‌ای برای عالم قیامت ما باشد، و مورد قبول خداوند متعال و نماینده‌اش، حضرت ولیّ عصر، عجّل الله تعالی فرجه الشّریف، قرار گیرد.

تقاضا از خوانندگان

همان طور که در جلد اوّل این کتاب اشاره شد هر روز، نامه‌های فراوانی از داخل و خارج از کشور به دست ما می‌رسد که یک جلسه استفتا در روز پاسخگوی آن نیست، به همین جهت روزانه دو جلسه برگزار می‌شود و مرجع عالیقدر حضرت آیة اللّه العظمی مکارم شیرازی (مدّ ظلّه) در هر دو جلسه حضور دارند، و به آنها پاسخ

---

(۱). بحار الأنوار، جلد ۲، صفحه ۳، حدیث ۳.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۲۱

می‌دهند و در صورت لزوم تحت مطالعه قرار خواهند داد؛ ولی بازهم جوابگوی سیل عظیم نامه‌های شما خوانندگان گرامی نیست، که برخی از اوقات این امر باعث تأخیر زیاد در پاسخ نامه‌های شما می‌شود. برای تسهیل در پاسخگویی به استفتائات و استفاده بهتر از وقت آن مرجع عالیقدر در این دو جلسه روزانه، از خوانندگان عزیز خواهشمندیم نکات زیر را در نامه‌های ارسالی حتماً مراعات فرمایند:

۱- لطفاً سؤالات دینی خود را با خطّی خوش و خوانا بنویسید؛ چون گاهی قسمتی از وقت جلسه صرف خواندن نامه‌های بدخط و ناخوانا می‌شود.

۲- قبل از طرح سؤالات و ارسال آن، حتماً به رساله توضیح المسائل و استفتائات جدید جلد اوّل و دوّم مراجعه کنید، تنها سؤالاتی را که در این کتابها نیافتید برای ما ارسال کنید.

۳- لطفاً در هر نامه بیش از پنج سؤال مرقوم نفرمایید، تا نوبتها طولانی نشود و به سؤالات دیگر عزیزان نیز زودتر پاسخ داده شود.

۴- در مسائل اختلافی که سؤال مربوط به دو نفر یا بیشتر می‌شود سؤال با امضای طرفین دعوا طرح شود، تا جواب روشنتری داده شود.

۵- سعی شود در نامه‌ها از مسائل کلّی سؤال شود و از سؤال در مورد اشخاص پرهیز شود.

در پایان از تمام عزیزانی که به شکلی در پدید آمدن این اثر با ارزش سهیم بوده‌اند، مخصوصاً اعضای محترم شورای استفتای مرجع

عالیقدر حضرت آیهٔ اللّه العظمی مکارم شیرازی (مدّ ظلّه) و سایر عزیزانی که در مراحل دیگر، تنظیم، تصحیح و نشر همکاری نموده‌اند تشکّر و سپاسگزاری می‌نمایم و برایشان آرزوی موفقیّت و بهروزی دارم.

پیشاپیش از خوانندگان گرامی که با دقّت این کتاب را مورد مطالعه قرار می‌دهند

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۲۲

و پیشنهادات خود را برای ما ارسال می‌دارند نیز تشکّر می‌کنم.

خداوندا، به ما توفیق تفقّه در دین و آیین خود را عنایت فرما!

پروردگارا، به ما توفیق درک و شناخت احکام نورانی اسلام، و سپس عمل بر طبق آن را عنایت کن، تا مشمول آن دسته از کسانی باشیم که در روایت حضرت صدّیقه طاهره (علیها السلام) به آن اشاره شد.

رَبَّنا تَقَبَّلْ مِنّا إِنَّکَ أَنْتَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ

قم حوزه علمیّه

أبو القاسم علیان‌نژادی

آبان ۱۳۷۸ ه- ش مطابق با بیست و پنجم رجب ۱۴۲۰ ه- ق

سالروز شهادت حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام)

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۲۳

فصل اوّل: احکام تقلید

سؤال ۱- این جانب پیرو مذهب اهل حق هستم، البتّه اعتقاد ما نسبت به بعضی از افراد این گروه، که حضرت علی (علیه السلام) را (نعوذ باللّه) خدا می‌دانند، متفاوت است؛ این شاخه از اهل حق، که ما پیرو آن هستیم، از بسیاری جهات با مذهب شیعه مشابه است؛ ولی در تحقیقاتی که انجام داده‌ام برایم ثابت شده که مذهب شیعه کامل‌ترین مذاهب است، به همین علّت تصمیم گرفته‌ام که تغییر مذهب دهم؛ با توجّه به این که در مذهب شیعه باید از کسی تقلید نمود، لذا بنده بر سر دوراهی قرار گرفته‌ام که از کدام یک از مراجع بزرگ شیعه تقلید کنم؟ و با توجّه به اطّلاعاتی که کسب کرده‌ام شما را به عنوان مرجع تقلید خود انتخاب کرده‌ام، در ابتدای کار سؤالاتی به شرح زیر برایم پیش آمده است:

الف) چرا باید از کسی تقلید کنیم؟ آیا در این زمینه، حدیث یا آیه‌ای وجود دارد؟

جواب: تقلید به معنای رجوع غیر متخصّص به متخصّص است؛ به همان دلیل که شما در مسائل طبّی، به طبیب و در مسائل ساختمانی، به مهندس ساختمان و در سایر کارها، به اهل خبره آن کار مراجعه می‌کنید، در احکام اسلام نیز باید به فقیه، که متخصّص در دین است، مراجعه شود، قرآن مجید می‌فرماید: «فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّکْرِ إِنْ کُنْتُمْ لا تَعْلَمُونَ* «۱»»؛ یعنی اگر چیزی را نمی‌دانید، از اهل اطّلاع سؤال کنید».

---

(۱). سوره نحل، آیه ۴۳.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۲۴

ب) آیا تمام مسائلی که در رساله مراجع تقلید وجود دارد، برگرفته شده از احادیث و آیات قرآنی است؟ یا این که می‌توان بعضی از مسائل را با دلیل عقلی بیان کرد؟

جواب: معمولًا تمام مسائل مزبور، از قرآن و اخبار اسلامی گرفته شده است؛ ولی دلیل عقلی نیز یکی از ادلّه چهارگانه فقهی است.

سؤال ۲- آیا در احتیاط واجب می‌توان به هر مجتهدی مراجعه کرد؟

جواب: رجوع به مجتهدی که اعلم یا حدّ اقل مساوی دیگران باشد، مانعی ندارد.

سؤال ۳- اگر برای انسان طبق فتوای مرجع تقلید قبلی، احکامی از قبیل خمس و مانند آن، واجب و یا بعضی از اعمالش باطل و یا مشکوک به نظر برسد، ولی طبق فتوای مرجع فعلی، اعمالش صحیح و یا خمس و مانند آن واجب نباشد، آیا می‌تواند طبق فتوای مرجع بعدی خود عمل و در نتیجه اعمالش صحیح و خمس و امثال آن را پرداخت ننماید؟

جواب: خالی از اشکال نیست.

سؤال ۴- طرح مسائل قومی و نژادی در باب مرجعیّت چه حکمی دارد؟

جواب: مرجعیّت هیچ ارتباطی با مسائل قومی و نژادی ندارد؛ شرایط و ضوابط آن در رساله‌های عملیّه نوشته شده است.

سؤال ۵- وظیفه مکلّفی که از چند مجتهد، یکی پس از فوت دیگری، تقلید نموده و از هر کدام مسائلی را در زمان حیاتشان یاد گرفته، نسبت به بقای بر تقلید در موارد ذیل چیست؟

الف) هر یک از مراجع میّت قبلی، اعلم از بعدی بوده‌اند و هر یک، اعلم از حیّ بوده‌اند.

جواب: باید در مسائلی که از مرجع اوّل تقلید کرده است، بر تقلید او باقی بماند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۲۵

ب) دو نفر از این مراجع متوفّی با هم مساوی یا مشکوک الاعلمیّه بوده‌اند و هر دو، از میّتِ سوّم و از حیّ اعلم بوده‌اند.

جواب: مانند جواب سابق است.

ج) هر سه میّت با هم مساوی یا مشکوک الاعلمیّه و اعلم از حیّ بوده‌اند.

جواب: بر تقلید اوّل باقی بماند.

سؤال ۶- اگر مکلّفی از مرجعِ میّتِ اعلم از حیّ تقلید نموده باشد؛ ولی بعد از فوت ایشان، حیّ، اعلم از میّت و یا مشکوک الاعلمیّه گردیده باشد، در این صورت نظر مبارک را راجع به بقای بر تقلید بیان فرمایید. و نیز هرگاه این موضوع فقط در بین امواتی که مکلّف از آنها تقلید می‌کرده، پیش آمده باشد، آیا اعلمیّت سابق بر بقای تقلید متعیّن است یا اعلمیّت لاحق؟ حکم مشکوک الاعلمیّه را نیز بیان فرمایید.

جواب: در صورتی که اعلمیّت حیّ محرز شود، باید در مسائل اختلافی به او عدول کند.

سؤال ۷- آیا طلبه‌هایی که سالهای اوّل طلبگی را می‌گذرانند، می‌توانند با استفاده از معیارهای فکری خودشان، مجتهد اعلم را انتخاب کنند؟

جواب: کافی نیست؛ بلکه لازم است از افراد سابقه‌دار حوزه، که مورد وثوق هستند، سؤال کنند.

سؤال ۸- آیا کسی که در میان مراجع کنونی، فقط درباره اعلمیّت مثلًا سه نفر شک دارد، می‌تواند رساله هر سه نفر را بگیرد و بدون توجّه به نظر مراجع دیگر، که احتمال اعلمیّت آنها را نمی‌دهد، احتیاط کند؟

جواب: اشکالی ندارد

سؤال ۹- آیا شلوغ بودن درس خارج یک مجتهد، با توجّه به سوّمین راه شناخت مجتهد اعلم (اشتهار در محافل علمی)، و با توجّه به این که کسانی که درس

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۲۶

خارج می‌خوانند عموماً از اهل علم هستند، می‌تواند دلیل اعلمیّت او باشد؟

جواب: می‌تواند یکی از قرائن باشد؛ ولی به تنهایی دلیل قطعی نیست.

سؤال ۱۰- تقلید از کدام یک از این دو مرجع رجحان دارد، عالمِ اعدل، یا عادلِ اعلم؟

جواب: عادِل اعلم مقدّم است.

سؤال ۱۱- اگر دو مجتهد مساوی باشند، آیا مکلّف می‌تواند در یک مسأله از یک مجتهد و در مسأله دیگر از مجتهد دیگر تقلید کند؟

جواب: تبعیض در تقلید، در صورت تساوی دو مجتهد مانعی ندارد؛ ولی در عملِ واحد از یک نفر تقلید کند؛ زیرا در بعضی از موارد مبتلا به اشکال می‌شود.

سؤال ۱۲- شخصی از مجتهد زنده‌ای تقلید می‌کند، ولی اعلمیّت آن مجتهد برایش محرز نیست، همان طور که اعلمیّت سایر مراجع نیز بر وی پوشیده است، آیا می‌تواند در بعضی از مسائل عمل به احتیاط نماید؟

جواب: مانعی ندارد.

سؤال ۱۳- در زمان مراجع و علمای گذشته- رضوان الله تعالی علیهم- انتخاب مرجع تقلید، به جهت شهرت آن بزرگواران آسان بود؛ ولی در این زمان تشخیص اعلم و حتّی آشنایی با مراجع حیّ، برای مردم مشکل است، در این صورت طاعات و عبادات و اعمال کسانی که مرجعشان از دنیا رفته و بدون رجوع به مجتهد حیّ، بر تقلید میّت باقی مانده‌اند، چه حکمی دارد؟

جواب: به حمد الله مشکلی در کار نیست، جنابعالی با مراجعه به اهل خبره و علمای آگاه می‌توانید مرجع خود را تعیین کنید و آشنایی با مراجع کار سختی نیست، و باقی ماندن بر تقلید میّت باید به نظر مجتهد حیّ باشد و مراجع فعلی بقای بر تقلید را معمولاً جایز می‌دانند، در گذشته نیز مسأله به همین منوال بوده است.

سؤال ۱۴- بعضی از فقها در مسأله سودهای بانکی و نیز چند مسأله دیگر، که

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۲۷

محلّ ابتلای من است، با مرجع این جانب اختلاف نظر دارند، آیا در این چند مسأله می‌توانم به مرجع دیگری رجوع کنم؟

جواب: در مسائلی که از کسی تقلید کرده‌اید، باید باقی بمانید؛ مگر این که ثابت شود نفر دوّم اعلم است و یا مرجع شما در آن مسأله احتیاط کند، که در این مورد رجوع به غیر جایز است.

سؤال ۱۵- الف) با توجّه به این که ما در مسأله تقلید با مشکلاتی مواجه می‌شویم، مثلًا بعضی می‌گویند: فلانی اعلم است و بعضی دیگر بر خلاف آنها نظر می‌دهند، در این صورت تکلیف ما چیست؟

جواب: هر کس وظیفه دارد در صورت علم به اختلاف، نسبت به اعلم، از اهل خبره- یعنی علما و مدرّسین مورد وثوق- تحقیق کند، اگر اعلم برای او ثابت نشد، در میان آن عدّه که مطرح هستند مخیّر است.

ب) در جاهایی که شما احتیاط واجب فرموده‌اید، آیا در مراجعه به غیر، رعایت «الاعلم فالاعلم» «۱» لازم است؟

جواب: در مورد علم به اختلاف، رعایت این شرط لازم است.

سؤال ۱۶- بنده از ابتدای تکلیف، مقلّد یکی از مراجعی که اکنون از دنیا رفته‌اند بوده‌ام. البتّه فتاوای ایشان را ندیده بودم و به دستورات ایشان نیز عمل نکرده بودم، فقط در حدود شش ماه ایشان را مرجع قرار داده بودم که متأسّفانه به رحمت ایزدی پیوستند؛ پس از ایشان به شما رجوع کردم؛ آیا عمل من صحیح است؟

جواب: چون به فتاوای معظّم له عمل نکرده‌اید، رجوع شما اشکالی ندارد.

سؤال ۱۷- معنای جمله «اشکال دارد» چیست؟ اگر مجتهدی از این الفاظ

---

(۱). منظور از این جمله این است که در احتیاطات می‌توانید از مجتهدی که پس از مرجع شما از بقیّه اعلم است- هرچند نسبت به

مرجع شما اعلم نباشد- تقلید کنید و اگر او هم در آن مسأله فتوای صریح نداشت از مجتهد سوّمی که- با قطع نظر از دو مرجع فوق- از بقیّه مراجع اعلم است می‌توانید تقلید کنید.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۲۸

استفاده کند و مقلّد آن عمل را انجام دهد، آیا عملش باطل و مرتکب عمل حرامی شده است؟

جواب: تعبیر به «اشکال دارد» در فتاوای ما، به معنای احتیاط واجب است؛ که یا باید مطابق آن رفتار کنید و یا به مجتهدی دیگری مراجعه نمایید.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۲۹

فصل دوّم: احکام آبها

سؤال ۱۸- شرکتی در نظر دارد فاضلابهای ناشی از خطّ تولید نوشابه (شامل آبهای شستشو، آبکشی کف سالنها و دستگاهها را) به همراه فاضلابهای بهداشتی (ناشی از حمام‌ها و دستشویی‌ها را) تصفیه نماید، در تصفیه‌خانه جریان مخلوط فاضلاب صنعتی و انسانی مراحل مختلفی را طی می‌کند و در مرحله اصلی تبدیل به حالتی خواهد شد که با حالت اوّلیّه فاضلاب تصفیه نشده، کاملًا متفاوت است و مایعی ایجاد می‌شود که حالت آب مضاف را دارد. در ادامه خطّ تصفیه، با جداسازی مایع مذکور دو فاز ایجاد می‌شود، که یک فاز آن کاملًا زلال و شبیه آب معمولی بدون رنگ و بو و بدون آثار آلودگی است؛ چنانچه آب خروجی از تصفیه‌خانه دارای مشخّصات ظاهری آب معمولی باشد، آیا پاک است؟ در صورت منفی بودن پاسخ، آیا اتّصال آن با آب جاری یا کر یا باران، باعث طهارت آن می‌شود؟

جواب: آب مزبور نجس است؛ ولی اگر به آب کر یا باران متّصل و سپس ممزوج گردد پاک خواهد شد.

سؤال ۱۹- گاهی از اوقات که آب شلنگ را باز می‌کنیم آب وقتی به سوراخ توالت می‌ریزد ترشّح می‌کند، آیا این ترشّح نجس است؟ با علم به این که در سوراخ مدفوع و ادرار وجود دارد.

جواب: چنانچه با آن ترشّح نجاست همراه نباشد، نجس نیست؛ زیرا آب جاری با ملاقات نجاست نجس نمی‌شود؛ مگر این که بو، یا رنگ، یا طعم نجاست به خود گیرد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۳۰

سؤال ۲۰- گاه آبی که از لوله خارج می‌شود کاملًا به رنگ سفید است؛ ولی هرگاه چند لحظه در ظرفی بماند صاف و بی‌رنگ می‌شود، آیا این آب در ابتدا مضاف است؟

جواب: مضاف نیست و حبابهای هواست که آن را به این صورت درآورده است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۳۱

فصل سوّم: احکام تخلّی

سؤال ۲۱- آبی که بعد از بول بیرون می‌آید گاه چسبندگی دارد، آیا در وقت تطهیر باید دست کشید؟ یا ریختن آب روی آلت کفایت می‌کند و دست کشیدن لازم نیست؟

جواب: هرگاه بدون دست کشیدن برطرف نمی‌شود، دست بکشید.

سؤال ۲۲- در کشورهای غیر مسلمان که احکام اسلام را در ساخت دستشویی‌ها رعایت نمی‌کنند و توالت رو به قبله است، وظیفه مسلمانان چیست؟

جواب: باید طوری بنشینند که رو به قبله و پشت به قبله نباشند، و وظیفه شرعی آنها ساقط نمی‌شود.
استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۳۳

فصل چهارم: احکام نجاسات

[نجاسات]

۱- مردار

سؤال ۲۳- ظاهراً بین مسأله ۱۷۵۶ و مسأله سوّم (در رساله‌های چاپ قدیم، و مسأله سی و یکم در رساله‌های چاپ جدید) از مسائل عمومی و مورد ابتلا، که در آخر توضیح المسائل حضرتعالی آمده است، تناقضی به چشم می‌خورد؛ لطفاً بفرمایید: چنانچه حیوانی به غیر از دستور شرعی ذبح شده باشد، آیا پوست و چرم آن حیوان (چنانچه از ممالک غیر اسلامی باشد) پاک است؟
جواب: این دو مسأله با هم منافاتی ندارد؛ در یک مسأله سخن از حلال و حرام بودن گوشت است و در مسأله دیگر سخن از پاک بودن آن، آری حیوانی که به صورت غیر شرعی ذبح شده گوشتش حرام، ولی چرم و پوست آن پاک است.
سؤال ۲۴- آیا تماسّ اشیا با رطوبت بدن میّت، بعد و قبل از سرد شدن بدن، باعث نجاست می‌شود؟
جواب: باعث نجاست می‌شود، حتّی اگر با رطوبت نباشد و باید از آن اجتناب کرد (بنابر احتیاط واجب).
سؤال ۲۵- آیا میّت مسلمان قبل از غسل نجس است؟
جواب: هر حیوانی که روح از بدنش خارج شود نجس می‌باشد، خواه انسان باشد یا غیر انسان ولی بدن انسان با غسل پاک می‌شود.
سؤال ۲۶- آیا غساله‌ای که در زمان غسل مستقیماً از بدن میّت ترشّح می‌کند نجس است؟
استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۳۴
جواب: آری نجس است، مگر این که متّصل به آب لوله‌کشی باشد.
سؤال ۲۷- استفاده نمودن از چرمهای کشورهایی که ذبح شرعی ندارند، مثل کیف، کفشها و جلد دفترهایی که چرم آنها خارجی است، چه صورت دارد؟
جواب: در صورتی که ذبح شرعی نباشد، خوردن گوشت آن حرام است؛ ولی چرم آن نجس نیست.
سؤال ۲۸- استفاده از اشیای چرمی که از کشورهای خارجی خریداری می‌شود و ذبح اسلامی آن مورد شکّ و تردید است، چه صورتی دارد؟
جواب: اشیای چرمی، خواه از ذبح اسلامی باشد یا ذبح غیر اسلامی، پاک و خریدوفروش آن جایز است؛ ولی گوشت و اجزای خوردنی باید حتماً ذبح اسلامی شود.
سؤال ۲۹- آیا پوست مار و اشیایی که از پوست مار درست می‌شود، نجس است؟
جواب: نجس نیست.

۲- خون

سؤال ۳۰- بیمارانی که دارای ناراحتی لثه می‌باشند، به هنگام غذا خوردن مقداری خون از لثه آنها خارج و با غذا مخلوط می‌گردد، خوردن غذای فوق برای آنها چه حکمی دارد؟
جواب: اگر خون قطع نمی‌شود و جنبه ضرورت دارد جایز است؛ امّا احتیاط واجب آن است که اگر ممکن است درمان کنند.

سؤال ۳۱- آیا با خوردن چیز نجس (مثل خون)، یا متنجّس (ماننـد غـذای نجس) به مجرّد بلعیـدن دهان پاک می گردد؟ در صورت وجود دندان مصنوعی، برای پاک شدن دهان چه باید کرد؟

جواب: به مجرّدِ بلعیدنِ غذایِ نجس دهان پاک می‌شود؛ ولی پاک شدن

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۳۵

دندان‌های مصنوعی و مانند آن، خالی از اشکال نیست و احتیاط آن است که آب بکشد.

سؤال ۳۲- اگر در دهان، دنـدان مصـنوعی متحرّک (پارسیل یا کامل) باشد، در صورت نجس شدن آیا باید حتماً از دهان خارج و پاک گردد؟ طریقه پاک شدن با آب قلیل چگونه است؟

جواب: با گرداندن یک مرتبه آب قلیل در دهان و بیرون ریختن، پاک می‌شود.

۳- کافر

سؤال ۳۳- فتوای شما را درباره طهارت کفّار دیدم، لطفاً در این باره مسائل زیر را توضیح دهید.

الف) آیا این فتوا شامل مشرکین هم می‌شود؟

جواب: اگر بتوانید، احتیاط کنید.

ب) آیا مراد از کفّار، تنها افرادی هستند که منکر رسالت و خاتمیّت می‌باشند؟ یا منظور افرادی است که با انکار رسالت و خاتمیّت، برای خدا شریک هم قایل باشند؟

جواب: هر دو گروه جزء کفّارند.

ج) اگر خوردن دست‌پخت کافر جایز باشد، آیا گوشت و ماهی که کافر می‌پزد را نیز می‌توان خورد؟

جواب: اگر ذبیحه اسلامی باشد و ماهی با شرایطش از آب گرفته شده باشد، اشکالی ندارد؛ ولی تا ضرورتی نباشد پرهیز کنید.

د) اگر کافر پاک است، در این صورت آیا فقط خوردن غذای آنان جایز است، یا ازدواج با آنان نیز جایز است؟

جواب: ازدواج موقّت با اهل کتاب جایز است و با غیر آنها جایز نیست.

سؤال ۳۴- آیا صابی‌ها، که مردم آنها را «صبی» می‌نامند، از اهل کتاب هستند؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۳۶

معامله، معاشرت و هم‌غذا شدن با آنها، یا غذا خوردن از دست آنها، چه حکمی دارد؟

جواب: ثـابت نیست که آنهـا جزء اهـل کتـاب باشـند؛ ولی روابط حسـنه با هر کسـی که با اسـلام خصومت نـدارد کار خوبی است، مخصوصاً اگر سبب تمایل آنها به اسلام شود؛ امّا خوردن و آشامیدن از دست آنها مشکل است؛ مگر در موارد ضرورت.

سؤال ۳۵- آیا برنامه‌هایی که دراویش در خانقاه دارند و با خواندن اشـعار بعضـی از شـعرا و ... و یا سر تکان دادن زنها و مردان به شکلی که به حدّ سرگیجه و مستی می‌رسند و می گویند خدا را دیدیم، از نظر اسلام چه حکمی دارد؟

جواب: این برنامه‌ها مشروع نیست، و ادّعاهای مزبور خیال و اوهامی بیش نمی‌باشد.

سؤال ۳۶- عدّه زیادی از اهالی یکی از شـهرهای فارس، از قدیم الأیّام به فرقه تصوّف گرویده‌اند و همواره بر اساس رهنمود اقطاب و بزرگان این مسـلک و روش‌های مختصّ خود عمل نموده‌انـد؛ حقیقت این است که رونق خانقاه در این محل بیش از یک مسـجد است و کتاب‌هایی چون مثنوی مولوی، دیوان حافظ، بوستان و گلستان سعدی، نیز بر قرآن و سایر کتابها برتری دارد، تا این که پس از پیروزی انقلاب اسـلامی و اعزام روحـانیّون در مـاه مبـارک رمضـان و محرّم الحرام، صـحبت از بطلان این مسـلک به میان آمـد، مستدعی است نظر خود را نسبت به این گروه، که از فرقه شاه‌نعمت‌الله ولی می‌باشند، اعلام نمایید.

جواب: تمام فرق صوفیّه گرفتار اشتباهات و انحرافاتی هستند و اکنون که به حمد الله اهالی محترم آن منطقه روشن شده‌اند، لازم است خانقاه را تبدیل به مسجد کنند و همانند سایر مسلمین و شیعیان خالص و مخلص علی (علیه السلام) و یازده فرزند معصومش (علیهم السلام)، برنامه‌های دینی را انجام دهند و از گذشته خود توبه کنند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۳۷

خداوند همه طرفداران حق را ثابت‌قدم نگهدارد و توفیق دهد.

سؤال ۳۷- نظر حضرتعالی در مورد عرفانی که قائل به «طریقت»، «وحدت وجود و موجود»، «حلول»، «اتّحاد»، «مهدویّت نوعیّه»، «صلح کل»، «ترک عبادت» و «اتیان محرّمات» «۱» می‌باشد، چیست؟ با توجّه به این که داشتن این گونه عقاید، مستلزم انکار ضروری دین می‌باشد، آیا این گونه افراد در حکم بقیّه کفّارند؟ و اگر کسی قبلًا در سِلک مسلمان‌ها بوده ولی بعدها در اثر ارتباط با این فرق، دارای چنین عقایدی شده باشد و عقایدش را هم برای دیگران اظهار کند، آیا چنین کسی در حکم مرتد است؟

جواب: فِرَق صوفیّه عموماً گرفتار انحرافاتی هستند، بعضی بیشتر و بعضی کمتر، کسی که عقاید فوق را داشته باشد، مانند «حلول» و «اتّحاد» و «وحدت موجود» (نه وحدت مفهوم وجود) و «ترک عبادت» و «انکار محرّمات»، به گونه‌ای که مستلزم انکار توحید یا نبوّت شود در سلک کفّار است و اگر قبلًا مسلمان بوده و سپس به این عقاید معتقد شده، مرتد است و تا آنجا که ممکن است باید در رفع شبهات آنها از طرق منطقی کوشید و اگر ممکن نشد باید از آنها دوری کرد.

۴ و ۵- سگ و خوک

سؤال ۳۸- آیا حیواناتی که در علم جانورشناسی جزء خانواده سگ و یا خوک هستند، مانند بعضی از انواع درندگان، حکم سگ و یا خوک را دارند و باید از آنها اجتناب کرد؟

جواب: حکم سگ و خوک را ندارند.

---

(۱). شرح این اصطلاحات را در کتاب «جلوه حق» مطالعه فرمایید.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۳۸

۶- مسکر مایع و انواع الکل

سؤال ۳۹- بعضی از مردم در کشور هندوستان به این اعتقاد که اگر قلب انسان پاک باشد کافی است، شراب می‌خورند و می‌گویند: «خدا در قرآن فرموده خمر حرام است، نه مشروبات الکلی» ما در مقابل این گونه افراد با چه دلایلی سخن بگوییم؟

جواب: این افراد به یقین از احکام شرع اسلام و قرآن و سنّت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و روایات معصومین (علیهم السلام) بی‌خبرند؛ تمام علمای اسلام، بدون استثنا، معتقدند که تمام انواع مشروبات الکلی حرام است و هیچ مسلمانی حق ندارد با این بهانه‌ها و خیالات شیطانی به سراغ یکی از مشروبات الکلی برود، و در احادیث پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) و سایر معصومین (علیهم السلام) تصریح شده که همه مسکرات یکسانند و در آیات قرآن نیز اشاراتی به این معنا وجود دارد.

سؤال ۴۰- لطفاً به سؤالات زیر پاسخ فرمایید:

الف) آیا از نظر طهارت تفاوتی بین الکل صنعتی و الکل طبّی وجود دارد؟

جواب: تمام الکلهایی که درجه غلظت آن بالاست و به خاطر غلظت آن قابل شرب نیست، هرچند مواد سمّی در آن نباشد پاک است و فرقی میان الکل طبّی و صنعتی از این نظر نیست؛ امّا الکلهایی که درجه غلظت آنها در حدّی است که قابل شرب است از

نظر طهارت اشکال دارد.

ب) الکل را می‌توان از تقطیر مشروبات الکلی نیز به دست آورد. این چنین الکلی چه حکمی دارد؟

جواب: آنچه از تقطیر مشروبات الکلی به دست می‌آید همان حکم را دارد.

ج) اگر ندانیم الکلی از مشروبات الکلی تهیّه شده است یا از طرق دیگر، آیا این الکل پاک است؟

جواب: با شرایطی که در بالا گفته شد پاک است.

د) آیا استفاده از الکل برای ضد عفونی کردن محلّ تزریقات، یا ناف بچّه، موجب

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۳۹

نجاست پوست می‌شود؟

جواب: اشکالی ندارد، پاک است.

ه‍) برخی از داروهای پوستی، نظیر محلولهای جلوگیری از ریزش مو، یا برطرف‌کننده جوش‌های جلدی، حاوی الکل می‌باشند؛ آیا استفاده از این محلولها موجب نجاست مو و پوست بدن می‌شود؟

جواب: اگر از الکلهای پاک در آن استفاده شده اشکالی ندارد، همچنین، اگر شک داشته باشیم.

و) مصرف عطرها و ادکلن‌هایی که حاوی الکل می‌باشند از لحاظ طهارت چه حکمی دارد؟ منظور عطرها و ادکلن‌های خارجی (فرانسوی، ایتالیایی و مانند آن است) که در مغازه‌های فروش لوازم آرایشی و بهداشتی بفروش میرسد. آیا برای نماز اشکال دارد؟ استفاده نمودن طلّاب و روحانیّت معزّز از آنها چه صورت دارد؟

جواب: آنها نیز اشکالی ندارد.

سؤال ۴۱- لطفاً به دو سؤال زیر پیرامون الکل پاسخ دهید:

الف) در مواردی الکل حکم دارو دارد (مثل مسمومیّت با متانول) و خوردن آن ضرورت پیدا می‌کند. در این گونه موارد شُرب الکل چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که از الکلهای مست‌کننده و در غلظت‌های قابل شرب باشد، تنها وقتی جایز است که داروی منحصر به فرد محسوب شود و جانشینی نداشته باشد.

ب) گروهی از داروهای تزریقی به دلیل مسائل فرمولاسیون حاوی مقادیری الکل هستند. مصرف این گونه داروها چه حکمی دارد؟

جواب: اگر از الکلهای طبی در آن استفاده شود و در شرایط فعلی جنبه مایع مسکر ندارد اشکالی ندارد.

سؤال ۴۲- آیا الکلِ سفیدِ خالص، که مسکر است و برای مصارف پزشکی مورد

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۴۰

مصرف قرار می‌گیرد، نجس است و باید از آن پرهیز کرد؟ سایر الکل‌ها که مسکر نیستند چطور؟

جواب: الکلهایی که به صورت فعلی قابل شرب نیست و باید آن را رقیق کرد نجس نمی‌باشد؛ ولی اگر به صورت کنونی‌اش قابل شرب باشد نجس است (بنابر احتیاط واجب) و اگر مشکوک باشد آن نیز پاک است.

سؤال ۴۳- اگر الکل سفید را در ادکلن‌ها و مواد آرایشی بکاربرند، با توجّه به این که موادّ شیمیایی دیگری نیز به این گونه کالاها اضافه می‌کنند و در نتیجه مثل الکل صنعتی، قابلیّت شرب ندارند، محکوم به طهارت هستند؟

جواب: اگر بدون آن مواد قابل شرب است و مایع مست‌کننده محسوب می‌شود نجس است (بنابر احتیاط واجب).

سؤال ۴۴- اگر مقادیر کمی الکل سفید، به منظور استفاده و خواص دارویی، به شربت‌ها اضافه شود این گونه کالاها پاک

می‌باشند؟

جواب: از جواب بالا معلوم شد.

سؤال ۴۵- «کامبوجیا» قارچی است که در محلول چای و شکر تکثیر می‌شود و مدّت تکثیر آن، یک هفته تا ۱۵ روز است. قارچ را در محلول شکر و چای قرار می‌دهند و بعد از یک هفته محلول به دست آمده را به مصرف دارویی- که یک نوشیدنی است- می‌رسانند، البتّه بدون بیماری هم می‌توان از آن استفاده کرد؛ ولی این محلول حاوی ۵٪ الکل است. آیا نوشیدن این محلول حلال است؟

جواب: اگر این محلول مست‌کننده بوده باشد، هرچند مستی خفیف بیاورد، حرام است؛ مگر در مواردی که داروی منحصر به فرد باشد.

راههای ثابت شدن نجاست و احکام وسواس

سؤال ۴۶- جوانی ۲۰ ساله هستم و به شدّت وسواس دارم، این وسواس مانع

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۴۱

ترقّی من شده است. یک بار برای شما در این مورد نامه نوشتم و شما این گونه جواب دادید: «ما راهی نشان می‌دهیم که به افراد بسیاری توصیه کرده‌ایم و بسیار مؤثّر است و آن این است که شما نگاه کنید به افراد متدیّن معمولی، ببینید آنها چقدر آب می‌کشند، به همان مقدار قناعت کنید. بقیّه برای شما پاک است و ما مسئولیّت آن را شرعاً می‌پذیریم»، در حالی که من در نامه قید کرده بودم که فقط از شما یک فتوا می‌خواهم و آن این که چیزهای نجس و متنجّس را برای مدّتی بر من پاک بدانید؛ ولی شما جوابی که در بالا ذکر شد را مرقوم داشتید و من بازهم روی حرفم هستم، این فتوا را بدهید تا من چیزهای نجس و متنجّس را پاک بدانم.

جواب: شما باید تسلیم حکم خدا باشید. حکم خدا این است که به مقدار متعارف بشویید؛ بقیّه برای شما «پاک» است، هرچند حالت وسواس به شما می‌گوید نجس است، این روشن‌ترین راه است، و بسیاری از این طریق درمان شده‌اند.

سؤال ۴۷- چند مسأله در مورد طهارت و نجاست برایم پیش آمده که همواره فکر و ذهن مرا مشغول کرده است. و مرا به شدّت عذاب می‌دهد، از درس و مطالعه افتاده‌ام و خانواده‌ام نیز از رفتار من به تنگ آمده‌اند. شما را به مقام رسول الله (صلی الله علیه و آله) قسم می‌دهم، مرا نجات دهید. اگر شما بفرمایید: «اعتنا به این موارد حرام است؛ و در صورت اعتنا، به جهنّم می‌روی» و گناهش را به گردن بگیرید، نجات پیدا می‌کنم.

جواب: به یقین اعتنا کردن شما به مواردی که برخاسته از وسواس است حرام می‌باشد و باید آن را ترک کنید و ما مسئولیّت آن را به گردن می‌گیریم.

سؤال ۴۸- تکلیف من در موارد زیر چیست؟

الف) گاهی زمینی نجس می‌شود، بعداً برف یا باران می‌آید و تمام زمین‌ها خیس می‌شود، مردم و وسایل نقلیّه از روی آن زمین نجس عبور می‌کنند و به همه جا میروند (مسجد، حرم، نانوایی، قصّابی، داخل اتوبوس شرکت واحد، مدرسه، بازار

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۴۲

و) ... و به خاطر خیس بودن زمین‌ها نجاست را به همه آن مکان‌ها منتقل می‌کنند، به همین جهت آن مکان‌ها را نجس می‌دانم، همان‌گونه که گرد و خاک‌های آن خیابان‌ها و مکان‌ها را نیز نجس می‌دانم.

ب) هرگاه توالت می‌روم با این که در موقع بول کردن بسیار مواظب هستم تا بول من ترشّح نکند، در عین حال قطع پیدا می‌کنم که

بول به شلوار و پایم ترشّح کرده است؛ لذا توالت رفتن برایم مشکل شده و تا آن موضع را آب نکشم راحت نمی‌شوم.

ج) در بعضی مواقع پشت و جاهای دیگر دستم به لبه میز و یا لبه کتاب و یا چیزهای زبر برخورد می‌کند و بدون این که دستم زخم شود یا خونی بیرون بیاید، از گوشه و کنار ناخنها و جاهای دیگر دستم چیزی با احساس کمی درد جدا می‌شود و یا روی انگشت‌های دستم پوست‌های مختصری وجود دارد که با فرو بردن دست به داخل جیب و یا تماس گرفتن با چیز دیگر، آنها با احساس کمی درد از دستم جدا می‌شود، لطفاً در این موارد تکلیف مرا بیان فرمایید.

جواب: بدون شک شما گرفتار وسواس هستید؛ وظیفه شما این است که به سایر مردم نگاه کنید و ببینید در چه حد به این امور اعتنا می‌کنند و علم به نجاست پیدا می‌کنند (منظور قشر متدیّن است) آن مقدار که آنها یقین پیدا می‌کنند و آب می‌کشند شما هم آب بکشید و نسبت به بقیّه تکلیفی ندارید؛ هرچند فکر شما به شما بگوید نجس است؛ زیرا در اینگونه موارد افراد متدیّن عادی علم و یقین به نجاست پیدا نمی‌کنند. ضمناً پوستهایی که از دست و بدن جدا می‌شود محکوم به پاکی است، مگر این که شما آنها را با فشار بکنید و محلّ آنها سوزش پیدا کند، که در این صورت احتیاط کنید.

سؤال ۴۹- منزل ما از نظر طهارت مشکل دارد؛ فرشها، دربها، دیوارهای اطاقها، پنجره‌ها، پرده‌ها، بخاری زمینی، بخاری دیواری، جاروبرقی، کمدها، بعضی از کتاب‌ها، بالشت‌ها، رختخواب و تشک‌ها، قاب عکس‌ها و خلاصه تمام زندگی ما

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۴۳

نجس است، گفتم نامه‌ای برای شما بنویسم تا بلکه در مورد من فتوای خاص (اجازه مخصوص) بدهید و این جانب را از معافیّت مخصوصی در مورد چیزهایی که تا به حال نجس شده برخوردار سازید، تا همه چیز و همه کس برای من طاهر باشد.

جواب: شما گرفتار وسواس هستید و تنها درمان آن بی‌اعتنایی است. فتوای ما برای شما این است که ببینید مؤمنان دیگر چه اندازه به این امور اعتنا می‌کنند، به همان اندازه اعتنا کنید؛ بقیّه برای شما پاک است.

مسائل متفرّقه نجاسات

سؤال ۵۰- آیا مایعی که از کیسه آب جنین (مایع آمنیوتیک) خارج می‌شود حکم نجاست دارد؟ شایان ذکر است که کیسه آب جنین ممکن است قبل از زایمان پاره شود و از طریق مجرای تناسلی خارج گردد.

جواب: محتوای کیسه آب جنین نجس نیست؛ مگر این که آلوده به خون باشد.

سؤال ۵۱- چنانچه شیئی با تماسّ با نجاست نجس شود، سپس خود این شیء با شیء دوّمی تماس پیدا کند و همان طور شیء دوّم با شیء سوّم و ... حال این واسطه‌ها تا چه تعداد باعث انتقال نجاست به شیء بعدی می‌شود؟

جواب: تا دو واسطه باعث انتقال نجاست می‌شود نه بیشتر، یعنی اگر دست نجس مثلًا به دست دیگری بخورد آن هم نجس می‌شود و اگر آن، به شیء سوّمی بخورد نجس می‌شود؛ ولی اگر شیء سوّم به چهارمی بخورد نجس نخواهد شد و به تعبیر دیگر، متنجّس اوّل و دوم سبب سرایت نجاست می‌شود ولی متنجّس سوم سبب نخواهد شد. و این امر بسیاری از مشکلات باب طهارت و نجاست را حل می‌کند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۴۵

فصل پنجم: احکام مطهّرات

سؤال ۵۲- اگر لباسی را غیر مسلمان شسته باشد، ولی لباس در آفتاب خشک شده باشد، آیا آن لباس پاک است؟

جواب: آفتاب لباس را پاک نمی‌کند، فقط اشیای غیر منقول اگر با آفتاب خشک شود پاک می‌شود و در تماسّ دست غیر مسلمان،

اگر رطوبت سرایت‌کننده‌ای در دست باشد، احتیاطاً آب می‌کشید و اگر احتمال بدهید با ماشین لباسشویی یا با دستکش شسته است، آن هم پاک است و جستجو لازم نیست.

سؤال ۵۳- پوسته‌ای که روی زخمها به وجود می‌آید و معمولًا متشکّل از خون و ترشّحات زخم می‌باشد، آیا حکم نجاست را دارد؟

جواب: هرگاه استحاله گردد، یعنی تبدیل به پوست بدن یا شبیه آن باشد، نجس نیست، و اگر واقعاً خون است و با شستشو از بین می‌رود نجس است.

سؤال ۵۴- هرگاه دندانپزشک هنگام پر کردن دندان، متوجّه نجس شدن مادّه پرکننده یا خود دندان طبیعی شود که طبعاً بعد از پر کردن، باطن آن نجس است، آیا تطهیر ظاهر کفایت می‌کند؟

جواب: آری کفایت می‌کند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۴۷

فصل ششم: مسائل وضو

شرایط وضو

سؤال ۵۵- آیا جوهر خودکار، ماژیک، رنگ و مانند آنها، مانع از رسیدن آب به پوست می‌گردد؟ رنگی که خانمها برای موی سر استفاده می‌کنند چطور؟

جواب: اگر جرم نداشته باشد مانع نیست؛ در مورد خودکار، که رنگ غلیظتری دارد تجربه کرده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که جرم ضعیفی دارد که مانع از آب نمی‌باشد.

سؤال ۵۶- استفاده از آب قنات و آبی که صاحبانش مجهول می‌باشد، ولی در فضای باز جریان دارد، برای گرفتن وضو و شستن فرش و مانند آن چه حکمی دارد؟

جواب: استفاده در حدّی که متعارف و معمول است مانعی ندارد.

سؤال ۵۷- شخصی قصد خواندن نماز در مسجدی را ندارد، ولی قصد قرائت قرآن مجید دارد، آیا می‌تواند با آب مسجد وضو بگیرد و مقداری قرائت قرآن کند و برای نماز به جای دیگر برود؟

جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۵۸- خانمی سؤال نموده که در آرایشگاه‌های زنانه خطّ ابرو را ترمیم می‌کنند، حکم این عمل چیست؟ آیا برای وضو و غسل اشکالی ندارد؟

جواب: اگر منظور از ترمیم، کاشتن مو است و آب به پوست بدن برای وضو و غسل می‌رسد، اشکالی ندارد، و اگر منظور خال‌کوبی با رنگ است که زیر پوست قرار می‌گیرد، آن هم اشکالی ندارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۴۸

احکام وضو

سؤال ۵۹- شخصی چند سال پیش به علّت غدّه پروستات تحت عمل جرّاحی قرار گرفت، تا یک سال و نیم پیش هیچ گونه ناراحتی نداشته و فرایض دینی خود را انجام می‌داد، اکنون مکرّر از وی ادرار خارج می‌شود، به شکلی که حتّی امکان رسیدن به دستشویی نیست، وظیفه او چیست؟

جواب: هرگاه توانایی داشته باشد که خود را به اندازه وضو و نماز حفظ کند و بدن و لباس را پاك نگهدارد باید این گونه نماز بخواند و اگر این حالت در وسط نماز دست می‌دهد و می‌تواند ظرف آبی در کنار خود بگذارد و وضو بگیرد باید چنین کند و اگر این کار طبق آنچه قبلًا گفته شد مشقّت شدید دارد می‌تواند یک وضو برای نماز بگیرد و به همان حال نماز بخواند و بعداً نیز قضا لازم نیست.

سؤال ۶۰- این جانب از مدّتی قبل دچار بیماری داخلی شده‌ام؛ از نشانه‌های آن تکرّر ادرار و باد شکم می‌باشد، گاهی فکر می‌کنم شاید جنبه وسواس داشته باشد، فقط در هنگام وضو گرفتن و یا نماز خواندن و یا نشستن در یک جا مقیّدم که چیزی از من خارج نشود؛ با توجّه به توضیحات فوق به دو سؤال زیر پاسخ دهید:

الف) آیا به احساس دوّم که فقط در مواقع خاص (وضو و نماز) به من دست می‌دهد اعتنا نکنم؟

جواب: در مورد شک، مخصوصاً اگر ناشی از وسواس باشد، ابداً اعتنا نکنید.

ب) آیا به قطراتی که امکان دارد بعد از چند دقیقه از من خارج شود اعتنا نکنم، یا حکم دیگری می‌فرمایید؟

جواب: اگر استبرا کرده‌اید و قطرات مشکوک است که بول است یا چیز دیگر، باز اعتنا نکنید و اگر یقین دارید بول است، چنانچه تجدید وضو مایه مشقّت زیاد می‌شود یک بار وضو برای هر نماز کافی است.

سؤال ۶۱- شخصی دارای دست و پای اضافی است، چگونه وضو بگیرد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۴۹

جواب: در صورتی که دست اضافی بالای مرفق باشد و یکی اصلی و دیگری فرعی باشد، اصلی را بشوید کافی است و اگر هر دو مانند یکدیگر هستند، هر دو را بشوید ولی مسح با یکی کافی است و اگر پایین مرفق باشد احتیاطاً هر دو را بشوید و با هر دو مسح کند.

سؤال ۶۲- برادران جانبازی که از گردن به پایین قطع نخاع هستند و قدرت انجام وضو و تیمّم و گرفتن نایب را ندارند، تکلیفشان برای نماز چیست؟

جواب: اگر توانایی بر وضو و تیمّم و گرفتن نایب ندارند، با همان حال نماز بخوانند کافی است و در پیشگاه خداوند مقبول است.

سؤال ۶۳- کسی که به علّت جراحات جنگی بول و غائط او بی‌اختیار خارج می‌شود، با توجّه به این که هیچ گونه احساسی ندارد تا بفهمد چه موقع از او خارج می‌شود، آیا می‌تواند با یک وضو، دو نماز بخواند؟

جواب: در صورتی که بول و مدفوع مرتّباً از او خارج می‌شود، برای هر نماز یک وضو بگیرد و اگر احتمال می‌دهد که بعد از گرفتن وضو برای نماز اوّل چیزی از او خارج نشده، می‌تواند نماز دوّم را با آن بخواند.

سؤال ۶۴- کسی که از یک پا و یا از هر دو پا محروم است، چگونه وضو بگیرد؟

جواب: افعال وضو را بجا می‌آورد و مسح پا از او ساقط است.

سؤال ۶۵- بعضی از فقها در موضوع شستن صورت در وضو تصریح کرده‌اند که سفیدی دو طرف جلو سر (نزعتان) از حدّ صورت خارج است، آیا این مطلب اتّفاقی است؟

جواب: در مورد خروج «نزعتان» ادّعای اجماع شده است.

سؤال ۶۶- کسی که یک دست یا هر دو دست او از مرفق قطع شده و وضو و تیمّم برایش ممکن نیست، تکلیفش چیست؟

جواب: احتیاط آن است که اگر ممکن است صورت خود را زیر شیر یا مانند

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۵۰

آن بشوید و پیشانی خود را آهسته بر چیزی که تیمّم بر آن جایز است بمالد و نماز بخواند، این در صورتی است که فاقد هر دو

دست باشد؛ امّا اگر یک دست دارد از آن برای شستن صورت و سپس شستن دست و مسح سر و پا استفاده می کند و تیمّم لازم نیست، و در همه این صورتها نماز و عبادات او صحیح و مقبول درگاه خداوند است.

سؤال ۶۷- اگر احتیاطاً چند بار مسح سر و پا را تکرار کنیم، آیا به وضو ضرر نمی‌رساند؟

جواب: از وسوسه اجتناب کنید؛ اگر دفعه اوّل مسح صحیح انجام شده تکرار نکنید، ولی اگر واقعاً در اوّلی شک دارید تکرار آن لازم است.

اموری که باید برای آنها وضو گرفت

سؤال ۶۸- هر روزه هزاران اسمای متبرّک پس از استفاده، در قصّابی‌ها و اغذیه‌فروشی‌ها به سطل‌های زباله و مکان‌های ناپاک ریخته و یا زیر دست و پا می‌افتد. آیا مسئولان روزنامه‌ها که این اسمای متبرّک را چاپ می کنند مسئول هستند؟ در صورت مسئول بودن، آیا نباید آنها را امر به معروف و نهی از منکر نمود؟

جواب: مسئولین مطبوعات در این زمینه مسئولیّتی ندارند. آنها برای نشر اسلام و مسائل دینی ناچار از این کار هستند و هرگز نباید به این بهانه‌ها، آیات الهی و روایات و نام خدا را از نظرها محو کرد؛ ولی مردم در مورد حفظ آنها مسئولیّت دارند. در زمان معصومین (علیهم السلام) اسم خداوند و پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) روی سکّه‌ها بوده و سبب تعظیم شعائر می‌شده و کسی از آن نهی نمی کرده است.

سؤال ۶۹- اگر سکّه ده تومانی که اسم شریف امام رضا (علیه السلام) روی آن نقش بسته است، در دستشویی بیفتد و نتوان آن را بیرون آورد، وظیفه چیست؟

جواب: باید آن دستشویی را تخلیه کنند و سکّه را بیرون آورند، و اگر این کار

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۵۱

امکان ندارد، باید آن دستشویی را بسته و در جای دیگر دستشویی بسازند.

سؤال ۷۰- اگر حیوان حلال گوشتی صفحه‌ای از قرآن را ببلعد، وظیفه صاحب آن چیست؟ آیا ذبح آن واجب است؟

جواب: اگر طوری جویده باشد که صورت قرآن کاملًا محو شده است وظیفه‌ای ندارد؛ ولی اگر اوراق قرآن به حال خود باقی است، باید وقتی که از شکم او بیرون آمد آن را تمیز کنند، ولی ذبح آن حیوان واجب نیست.

سؤال ۷۱- مسّ قرآن توسّط دانش‌آموزانی که در کلاسهای قرآن مدرسه شرکت می کنند، امّا وضوی آنان تمام شرایط را دارا نیست، چه صورتی دارد؟ وظیفه مربّی آنها چیست؟

جواب: وظیفه مربّی ارشاد آنهاست؛ ولی این امر مانع از شرکت در کلاس قرآن نمی‌شود.

سؤال ۷۲- تکلیف کسانی که اسمای جلاله و یا آیاتی از قرآن را بر روی بدن خود خالکوبی نموده‌اند، نسبت به طهارت و جنابت و مسّ بدن بدون وضو چیست؟

جواب: چون هنگام خالکوبی آیات زیر پوست قرار می گیرد، مسّ آنها اشکالی ندارد؛ ولی اگر بتوانند بدون عسر و حرج آنها را پاک کنند، احتیاط واجب آن است که آن را پاک کنند.

سؤال ۷۳- به موجب فتاوای کلیّه علمای اعلام و آیات عظام لمس و تماسّ بدن با خطّ قرآن برای کسی که وضو نداشته باشد حرام است، آیا این فتوا بین مؤمنین و قرآن فاصله ایجاد نمی کند؟ آیا بنده مؤمنِ متعبّدِ تارک الکبائر به علّت نداشتن وضو از لمس قرآن ممنوع است، در حالی که بنده عاصی به علّت داشتن وضو می‌تواند قرآن را لمس کند؟ آیا وضو، بنده عاصی را جزء مطهّرون و مؤمن را خارج از آن قرار می‌دهد؟

جواب: دست زدن به جلد و کاغذ قرآن برای کسانی که وضو ندارند اشکالی

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۵۲

ندارد، فقط دست روی خط قرآن نباید بگذارند، خواندن قرآن نیز با وضو و بی‌وضو هر دو ثواب دارد، هرچند با وضو بهتر است، بچّه‌ها را نیز نباید از دست زدن به قرآن نهی کرد؛ بلکه باید آنها را به قرآن آشنا کنید؛ حتّی اگر دست روی خطوط قرآن بگذارند برای بچّه‌های نابالغ اشکالی ندارد؛ امّا باید به آنها توجّه داد که احترام قرآن را حفظ کنند.

سؤال ۷۴- در صورتی که خطوط قرآن، یا صفحه‌ای از آن، در اثر آفتاب و یا باران از بین رفته و قابل خواندن نباشد و فقط مقداری از سیاهی خطوط معلوم باشد، آیا در موقع لمس و مسّ آن، حکم قرآن جاری می‌شود؟

جواب: این سیاهی حکم قرآن را ندارد.

سؤال ۷۵- دست زدن به آرم جمهوری اسلامی ایران به صورت مستقیم، یا در مکان در نظر گرفته شده برای آرم، مثل اسکناس، چه حکمی دارد؟

جواب: اشکال ندارد، هرچند احتیاط بهتر است.

سؤال ۷۶- اسامی متبرّکه، اعم از اسماء اللّه و اسمای ائمّه اطهار (علیهم السلام)، که زیر دست و پا می‌افتد چه حکمی دارد؟ و جهت رفع این مشکل چه راه حلّی پیشنهاد می‌شود؟

جواب: احترام آنها باید حفظ شود؛ بهترین راه همان است که در بعضی از مراکز انتخاب شده است، که ظرف یا محلّی برای نگهداری این گونه اسما و کلمات در نظر گرفته شود و بعد از چند مدّت محتوای آن را، یا در گوشه‌ای از بیابان دفن می‌کنند، یا در رودخانه‌ای می‌ریزند، و یا به مراکزی می‌دهند که آنها را خمیر کرده، برای کارتن از آن استفاده می‌کنند.

سؤال ۷۷- خالکوبی اسامی ائمّه (علیهم السلام) در قسمتی از بدن، اگر از روی ارادت قلبی- نه به منظور دیگر- باشد چه حکمی دارد؟

جواب: احتیاط واجب آن است که این کار را ترک کنند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۵۳

سؤال ۷۸- آیا کوبیدن خال سوزنی برای شخص خالکوب و شخصی که خالکوبی شده جایز است؟

جواب: خالهای معمولی اشکال ندارد؛ ولی اگر بیش از حد باشد و موجب آزار بدن شود؛ یا اسامی مقدّسه معصومین خالکوبی شود اشکال دارد.

سؤال ۷۹- آیا در غسل و وضو خال سوزنی مانع رسیدن آب به نقاط خالکوبی شده می‌گردد؟

جواب: مانع نیست.

سؤال ۸۰- اگر خالکوبی جایز نیست، کسی که خالکوبی کرده، چگونه آنها را از بین ببرد؟

جواب: در مواردی که خالکوبی جایز است، از بین بردن آن لزومی ندارد و در مواردی که جایز نیست، چنانچه بتواند با کمک پزشک، بدون صدمه دیدن بدن از بین ببرد اقدام می‌کند؛ در غیر این صورت وظیفه‌ای ندارد؛ ولی احتیاط آن است که تا می‌تواند وضو داشته باشد.

مسائل متفرّقه وضو

سؤال ۸۱- آیا سوزانیدن آیات قرآن و اسامی مبارکه ائمّه معصومین (علیهم السلام) که در روزنامه‌هاست جایز می‌باشد؟

جواب: جایز نیست؛ برای محو آنها راههای صحیحی وجود دارد که قبلًا اشاره کرده‌ایم.

سؤال ۸۲- وضو گرفتن زن، آنجا که نامحرم او را ببیند چگونه است؟

جواب: جایز نیست؛ ولی اگر وضو بگیرد وضوی او باطل نمی‌شود.

سؤال ۸۳- پاره کردن کاغذی که اسم باری تعالی بر روی آن نوشته شده باشد چه حکمی دارد؟ در صورتی که قصد بی‌احترامی یا توهین نباشد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۴

جواب: لازم نیست قصد بی‌احترامی کند، این کار خود بی‌احترامی است؛ مگر این که منظورش این باشد که آن را از صورت اسم باری تعالی درآورد تا بعداً مورد بی‌احترامی قرار نگیرد.

سؤال ۸۴- موقعی که به نیّت طهارت وضو گرفته شود سپس وقت نماز واجب داخل شود، آیا تجدید وضو برای آن نماز واجب است؟

جواب: تجدید وضو لازم نیست؛ ولی به قصد رجا مانعی ندارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۵

فصل هفتم: مسائل مربوط به غسل

احکام غسل

سؤال ۸۵- شخصی ۳۵ سال در غسل کردن، اوّل سمت راست بدن و سپس سمت چپ و در مرحله سوم سر و گردن را غسل داده و با همین وضع حج رفته و نماز خوانده و روزه گرفته است، اکنون چه وظیفه‌ای دارد؟

جواب: نمازهای خود را باید تدریجاً و بطوری که به زحمت نیفتد قضا کند؛ ولی روزه او صحیح است و در مورد حج باید طوافها و نماز طوافها و احتیاطاً سعی و تقصیر را اعاده کند و اگر خودش قادر به انجام این کار نیست از کسانی که به حج یا عمره می‌روند بخواهد تا به نیابت او تمام طواف‌های عمره و حج و نمازهای آنها و همچنین احتیاطاً سعی و تقصیر را از طرف او بجا آورند.

سؤال ۸۶- این جانب دختر ۱۶ ساله‌ای هستم که می‌خواستم نظر حضرتعالی را در مورد کوتاه نمودن موهای زاید بدن قبل از ازدواج جویا شوم؛ زیرا مادرم من را از این کار منع می‌کند، ولی دبیران دینی و قرآن در مدرسه همواره به کوتاه نمودن موهای زاید سفارش می‌کنند و می‌گویند: «بلند بودن این موها باعث باطل شدن غسل می‌گردد» حال وظیفه من چیست؟

جواب: کوتاه کردن موهای زاید بدن نه تنها اشکالی ندارد، بلکه کار خوبی است؛ ولی بودن و نبودن آن ضرری برای غسل ندارد، امّا در مواردی که متعارف است دوشیزه‌ها موهای زاید را از بین نمی‌برند (مانند اصلاح ابرو و صورت) بهتر است مراعات عرف و عادت را بکنند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۶

سؤال ۸۷- افرادی که به علّت قطع نخاع و یا علل دیگر نمی‌توانند خودشان غسل کنند و مجبورند نایب بگیرند، نایب چگونه باید این افراد را غسل دهد؟

جواب: باید طبق آداب غسل ترتیبی یا ارتماسی آنها را غسل دهند، یعنی در غسل ترتیبی اوّل آب را روی سر و گردن آنها بریزند، سپس طرف راست را بشویند و بعد طرف چپ را، البتّه خود آنها نیّت غسل می‌کنند.

سؤال ۸۸- مدّتی قبل، تقریباً در همه امور در دام وسواس افتادم. اکنون تا حدودی آن را از خود دور کرده‌ام، ولی مشکلی که هنوز دارم طول کشیدن غسل (در حدود ۴۰ دقیقه) و گاهی هم تکرار الفاظ نماز است. لطفاً مرا راهنمایی کنید.

جواب: بهترین راه برای ترک وسواس، بی‌اعتنایی به آن است؛ یعنی ملاحظه کنید دیگران چه مقداری مثلًا برای غسل معطّل می‌شوند، شما هم چنین کنید، مثلًا ۱۰ دقیقه یا حدّ اکثر یک ربع ساعت، اگر شیطان گفت درست نشد، اعتنا نکنید، عمل شما صحیح است و نگران نباشید، و ما مسئولیّت آن را بر عهده می گیریم.

احکام جنابت

سؤال ۸۹- آیا نوشتن آیات قرآن و اسمای متبرّکه برای حائض یا جنب، مکروه یا حرام است؟

جواب: اگر آن را لمس نکند حرام نیست، ولی بعید نیست مکروه باشد.

سؤال ۹۰- آیا کار کردن (مثل پخت‌وپز یا شیر دادن بچّه) قبل از انجام غسل جنابت کراهت دارد؟

جواب: امور مزبور کراهتی ندارد، هرچند بهتر است انسان در همه حال با طهارت باشد.

سؤال ۹۱- اگر در آزمایش ادرار شخصی منی مشاهده شود، آیا این شخص جنب محسوب می‌شود؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۵۷

جواب: اگر منی به صورت مشخّص و نمایان باشد غسل واجب می‌شود؛ ولی اگر آمیخته با ادرار و ظاهراً ناپیدا باشد چیزی بر او نیست.

سؤال ۹۲- گاه در موقع عمل جرّاحی لوله انزال منی در مثانه قرار گرفته و منی با ادرار دفع می‌شود، این ترشّحات چه حکمی دارد؟ آیا با این وضعیّت فرایض دینی (نماز، روزه، مسّ خطّ قرآن و توقّف در مساجد) را چگونه انجام دهد؟

جواب: هرگاه منی در ادرار مستهلک شود، یعنی به صورت چیز ناپیدایی درآید، موجب جنابت نمی‌شود؛ ولی اگر منی بطور آشکار دفع می گردد باید غسل کند و اگر مشقّت دارد تیمّم کند؛ ولی در این گونه موارد معمولًا از قبیل قسم اوّل است.

سؤال ۹۳- أیا شخص جنب می‌تواند قرآن همراه داشته باشد؟

جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۹۴- اگر رطوبتی از مرد خارج شود که نداند منی است یا آب دیگر، آیا ملاحظه این رطوبت جهت فهمیدن آن که چه نوع رطوبتی است ضروری است؟ یا بدون مشاهده هم می‌توان رأی به پاک بودن آن داد؟

جواب: اگر با مختصر بررسی روشن می‌شود باید بررسی کند و الّا لازم نیست.

غسل استحاضه

سؤال ۹۵- زنی حامله هستم که مدّت سه ماه است پشت سر هم خون می‌بینم، به سونوگرافی مراجعه کردم خونریزی را از ناحیه جفت تشخیص داده‌اند، دکتر هم همین عقیده را دارد و می گوید: «چون جفت پایین‌تر از حدّ معمول است خونریزی می کنید، اگر جفت بالا رود خون قطع خواهد شد» تا حال به وظیفه مستحاضه عمل کرده‌ام، چون خون کم بود حتّی بعضی اوقات فقط ترشّح زردرنگی می‌آمد. ولی امروز یک ساعت مانده به سحری ناگهان خون زیادی آمد یعنی به اندازه استحاضه کثیره

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۵۸

خون دیدم، برای نماز صبح غسل کردم ولی باز خون قطع نشد و هر بار بعد از غسل بلافاصله خون می‌آمد ناچاراً وضو گرفتم و نماز خواندم.

الف) وظیفه‌ام را بیان فرمایید.

جواب: مطابق دستور مستحاضه عمل کنید و اگر غسل کردن برای شما ضرر دارد یا موجب مشقّت شدیده است تیمّم نمایید؛ ولی

در ایّام عادت، آن خون در حکم عادتِ ماهیانه است.

ب) چون دکترها خون را از جفت می‌دانند، آیا بازهم حکم استحاضه دارد، وانگهی سه ماه پی‌درپی حتّی بدون یک روز فاصله خون دیده‌ام، آیا استحاضه این قدر طول می‌کشد؟

جواب: خون مزبور حکم استحاضه را دارد و استحاضه حدّ معینی ندارد و انجام اعمال آن ساده است.

سؤال ۹۶- آیا زن در ایّام استحاضه می‌تواند قرآن تلاوت نماید؟

جواب: اگر وظایف مستحاضه را انجام دهد در حکم طاهر است، و همه عبادات را می‌تواند انجام دهد.

سؤال ۹۷- خانمی که عمل جرّاحی کرده و رحم او را برداشته‌اند، خونی که می‌بیند و در سنّ کسی است که عادتاً حیض می‌بیند، آیا حکم حیض را دارد یا حکم استحاضه؟ در صورتی که احتمال بدهد و یا این که یقین کند که خون از زخم و عمل جرّاحی است چه صورت دارد؟

جواب: اگر یقین داشته باشد یا احتمال بدهد خون زخم یا جرّاحی است تکلیفی برای او ایجاد نمی‌کند تنها خود را می‌شوید و غسل و وضو به خاطر آن واجب نیست.

سؤال ۹۸- همان طور که در توضیح المسائل ذکر شده، خانمها در سنّ ۵۰ سالگی (ه- ق) که تقریباً مطابق با ۴۸ سال و ۶ ماه (ه- ش) است یائسه می‌شوند. اگر بعد از

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۵۹

این سن هر ماه مثل عادت ماهانه خون ببینند، آیا باید آن را حیض قرار دهند، یا استحاضه؟ و عبادت خود را در این حال انجام دهند یا ترک نمایند؟

جواب: خونهایی که زنان بعد از ۵۰ سال قمری می‌بینند استحاضه محسوب می‌شود، خواه به شکل و صفات حیض باشد یا نباشد.

غسل حیض

سؤال ۹۹- اگر زنی به وسیله خوردن قرص از عادت ماهانه خود جلوگیری نماید، آیا می‌تواند با آن حال قرآن بخواند و روزه و حج و سایر عبادات را انجام دهد؟

جواب: می‌تواند و اعمال او اشکالی ندارد.

سؤال ۱۰۰- زنی برای جلوگیری از بچّه‌دار شدن از دستگاه استفاده می‌کند، به همین علّت روزهای عادتش کم و زیاد می‌شود و موقع معیّنی ندارد، وظیفه او چیست؟ آیا عباداتی که انجام داده، باطل است؟ توضیح این که: قبل از استفاده از دستگاه، ایّام عادت او هفت روز بوده است. آیا بعد از هفت روز می‌تواند غسل کند و عباداتش را انجام دهد؟

جواب: اگر چند مرتبه در مواقع مختلف یا ایّام مختلف بر خلاف عادت اوّل خون ببیند جزء مضطربه است و در این حال اگر ۱۰ روز یا کمتر خون ببیند همه‌اش حیض است، و اگر بیش از ده روز خون ببیند آن مقدار از آن که نشانه حیض را داشته باشد و از سه روز کمتر و از ده روز بیشتر نباشد حیض محسوب می‌شود و اگر همه‌اش یک جور باشد مطابق عادت خویشاوندان خود عمل می‌کند.

سؤال ۱۰۱- آیا نزدیکی در روز آخر عادت ماهیانه در حالی که هنوز خون قطع نشده، حرام است؟ و در صورتی که قطع شده ولی هنوز غسل نکرده چه حکمی دارد؟

جواب: اگر خون قطع نشده حرام است و بعد از آن اشکالی ندارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۶۰

سؤال ۱۰۲- در بعضی از اوقات عادت ماهانه زنان در اثر مصرف دارو دچار اختلال می‌شود؛ از آن جمله این که در ایّام عادت خون کمرنگ و گاهی به صورت لکه مشاهده می کنند، در این صورت وظیفه زن نسبت به نماز و روزه و طواف چیست؟

جواب: خون کم‌رنگ و لکه در ایّام عادت اگر سه روز متوالی ادامه یابد در حکم عادت است؛ ولی اگر سه روز متوالی ادامه نیابد حکم استحاضه را دارد.

غسل نفاس

سؤال ۱۰۳- در صورت شک بین خون نفاس و خون زخم، تکلیف زن چیست؟

جواب: در این مورد احتیاط کند؛ یعنی عبادات را انجام دهد و از آنچه بر حائض حرام است پرهیز کند تا وضع او روشن شود.

غسل مسّ میّت

سؤال ۱۰۴- مادری که در شکم خود جنین مرده‌ای دارد، آیا لازم است جهت انجام فریضه نماز غسل مسّ میّت انجام دهد؟ و در صورت لزوم، آیا باید برای هر نماز غسلی بجا آورد، یا یک غسل تا خارج شدن جنین کافی است؟ آیا در این مسأله تفاوتی میان جنین کامل و ناقص می‌باشد؟

جواب: در هیچ یک از دو حالت غسل مسّ میّت بر او نیست.

سؤال ۱۰۵- چنانچه دست پزشک با جنینِ مرده داخلِ شکمِ مادر تماس پیدا کند، آیا غسل مسّ میّت بر او واجب می‌شود؟ خواه سنّ جنین زیر چهار ماه باشد، یا بالای چهار ماه.

جواب: تنها در صورتی غسل مسّ میّت واجب می‌شود که تماس در بیرون از رحم انجام گیرد و خلقت جنین کامل شده باشد؛ یعنی بعد از چهار ماه.

سؤال ۱۰۶- یکی از مؤمنین به دست ظلمه شهید شد و بعد از آن، ظلمه برای

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۶۱

محو آثار جنایتشان بر روی بدن مطهّر شهید ماشین رانده‌اند، به همین جهت حتّی شیشه فانوس همراه و موتور وی سالم مانده؛ ولی بدن شهید بطور دلخراشی متلاشی شده است و فقط توانسته بودند تکّه‌های جمجمه و مغز سر وی را از روی آسفالت جمع آوری کنند و همراه با بدن، پس از غسل به خاک بسپارند، سپس قطعه استخوان دیگری از او پیدا شد، کسی که این تکّه جمجمه را مسّ کند، غسل مسّ میّت می‌خواهد؟ حکم کفن و دفن این تکّه چگونه است؟

جواب: غسل آن واجب نیست؛ در لفّافه‌ای بپیچید و دفن کنید و غسل مسّ میّت نیز ندارد.

سؤال ۱۰۷- آیا غسل مسّ میّت برای مسّ دندان جدا شده هم لازم است؟ و اگر همراه دندان، مقداری گوشت لثه نیز باشد، چه حکمی دارد؟ مقدار گوشت لثه (کم یا زیاد) نقشی در حکم دارد یا خیر؟

جواب: در هر حال غسل ندارد.

سؤال ۱۰۸- در جرّاحی‌های فکّ و صورت، مقداری گوشت و استخوان به صورت ریز و پودر شده، جدا می گردد و به دست و صورت دندانپزشک می‌ریزد. آیا این امر باعث وجوب غسل مسّ میّت می گردد؟

جواب: غسل مسّ میّت ندارد.

سؤال ۱۰۹- اگر دست کسی که تماسّ با میّت انسان داشته، به دست شخص دیگری، که مستقیماً با میّت تماس نداشته، اصابت کند، آیا بر شخص دوّم نیز غسل مسّ میّت واجب می‌شود؟

جواب: غسل ندارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۶۳

فصل هشتم: احکام اموات

۱- غسل میّت

سؤال ۱۱۰- میّتی که خون زخم او را با پلاستیک و یا چیز دیگری قطع کرده‌اند و مقداری از اعضایش هنگام غسل شسته نمی‌شود، آیا تیمّم تنها کافی است؟ یا باید اوّل غسل بدهند و بعد تیمّم کنند؟ آیا باید غسل را با آب لوله‌کشی انجام بدهند یا با آب قلیل نیز صحیح است؟

جواب: فقط او را غسل دهند و با آب لوله‌کشی بی‌اشکال‌تر است.

سؤال ۱۱۱- آیا میّت پس از غسل طاهر می‌شود؟

جواب: بعد از تمام شدن سه غسل، بدن میّت مسلمان طاهر می‌شود.

سؤال ۱۱۲- شخصی در اثر تصادف با ماشین می‌میرد، سر و صورت او بر اثر جراحات وارده خون می‌آید و نمی‌توان جلوی خون را گرفت، آیا می‌توان عوض هر سه غسل، او را تیمّم داد؟

جواب: آری می‌توانند او را تیمّم دهند، بجای هر غسل یک تیمّم.

سؤال ۱۱۳- بدن میّت قبل از اتمام غسلهای سه‌گانه نجس است، کسی که میّت را غسل می‌دهد، یا ظروف و وسایلی که استفاده می‌کنند نجس می‌شود؛ فقها می‌فرمایند: «بعد از تمام شدن غسلها میّت طاهر می‌شود و نیز دست و لباس غسل دهنده و ظروف و وسایلی که مورد استفاده قرار گرفته به حکم تبعیّت طاهر می‌شود» آیا افرادی که تماشا می‌کنند، ظروفی که مورد استفاده نبوده و لباسهایی که به دیوار

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۶۴

آویزان بوده و آب به آنها ترشح شده نیز طاهر می‌شوند؟

جواب: اشیایی را که ذکر کردید مشمول تبعیّت نیست؛ ضمناً توجّه داشته باشید که غیر از دست و محلّی که میّت را بر آن می‌شویند و لباس خود میّت (چنانچه با لباس او را غسل دهند)، پاک شدن بقیّه، که ذکر کرده‌اید، محلّ اشکال است.

سؤال ۱۱۴- همان گونه که مستحضرید باقیمانده اجساد مطهّر برخی از شهدای مفقود الاثر پس از سالیانی دراز کشف و به خانواده‌های معزّز آنها تحویل داده می‌شود، با توجّه به این که جز مشتی استخوان چیزی از این پیکرهای پاک باقی نمانده است، کیفیّت غسل و کفن و نماز میّت و نماز وحشت آن را بیان فرمایید. آیا تماسّ با آنها موجب غسل مسّ میّت می‌شود؟

جواب: در صورتی که در میان استخوانها استخوان سینه بوده باشد، احتیاط آن است که آن را غسل دهند و کفن کنند و نماز بر آن بخوانند و دفن کنند، و اگر استخوان سینه در آن نباشد بنابر احتیاط غسل و کفن و دفن لازم است، ولی نماز واجب نیست. و در هر حال غسل مسّ میّت ندارد و بهتر خواندن نماز وحشت است به قصد رجا.

۲- نماز میّت

سؤال ۱۱۵- میّتی را غسل داده و سپس بر او نماز خوانده‌اند، ولی در موقع دفن متوجّه شدند که از جنازه خون آمده است. آیا بعد از پاک کردن کفن و جنازه، تکرار نماز میّت واجب است؟

جواب: اگر نمی‌دانید کی خون آمده است تکرار نماز لازم نیست.

سؤال ۱۱۶- آیا نماز میّت بر بچّه‌ای که کمتر از شش سال دارد، واجب است؟

جواب: احتیاط واجب آن است که بر بچّه نابالغ نیز، اگر کمتر از شش سال

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۶۵

نداشته باشد، نماز خوانده شود.

سؤال ۱۱۷- کیفیّت ذکر نماز میّت برای میّت منافق، مستضعف و بچه نابالغ را بیان فرمایید.

جواب: اگر منافق است چهار تکبیر اوّل را بگوید و تکبیر پنجم را نگوید، و اگر مجهول الحال است بعد از تکبیر چهارم بگوید: «اللّهُمَّ انْ کانَ یُحِبُّ الْخَیْرَ وَ اهْلَهُ فَاغْفِرْ لَهُ وَ ارْحَمْهُ وَ تَجاوَزْ عَنْهُ» و اگر طفل است بگوید: «اللّهُمَّ اجْعَلْهُ لَابَوَیْهِ وَ لَنا سَلَفاً وَ فَرَطاً وَ اجْراً».

۳- دفن

سؤال ۱۱۸- آیا دفن میّت در حیاط مسجد، در صورتی که وصیّت کرده باشد، لازم است؟

جواب: جایز نیست؛ مگر این که واقف در حال وقف کردن چنین حقّی را برای خود یا دیگری قائل شده باشد.

۴- نبش قبر

سؤال ۱۱۹- آیا ورثه میّت می‌توانند جنازه میّت را از قبر بیرون آورند و آن را در گورستان دیگری (در همان شهر یا شهر دیگری) دفن کنند؟ آیا در این مسأله تفاوتی بین کسی که تازه دفن شده با کسی که مدّت زیادی از دفن او می‌گذرد، وجود دارد؟

جواب: اشکال دارد؛ مگر این که ضرورتی ایجاب کند.

۵- مسائل متفرّقه اموات

سؤال ۱۲۰- تعدادی از قبرها (به استثنای قبور شهدا) در قبرستان عمومی کوچک

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۶۶

این روستا قرار دارد که به وسیله فرزندان آنها مسقّف شده است، اطراف این سرپوشها باعث مزاحمت در رفت و آمد و پاره شدن لباس و بدن زائرین قبرستان شده است، زائرین از شورای روستا درخواست رفع ممانعت و سهولت در رفت و آمد را نموده‌اند، آیا برداشتن پوششهای آهنی سقف (نه نرده اطراف آن) شرعاً موجب هتک حرمت به میّت می‌شود؟

جواب: چنانچه بازماندگان اموات حاضر شوند سقفها را طوری نصب کنند که مزاحم مردم نباشد، باقی ماندن سقفها جایز است، در غیر این صورت می‌توان رفع مزاحمت کرد.

سؤال ۱۲۱- آیا نگهداری جنین ساقط شده، چه از حیث جسمی سالم یا ناقص الخلقه و یا عقب مانده باشد و چه مال خود شخص باشد و یا آن را از صاحبش گرفته باشد، به عنوان کلکسیون در شیشه الکل جایز است؟

جواب: هرگاه جنین به صورت انسان کاملی درآمده باشد باید او را غسل داد و کفن کرد و دفن نمود و نگهداری آن به صورتی که نوشته‌اید جایز نیست، امّا اگر به این مرحله نرسیده باشد، مانعی ندارد.

سؤال ۱۲۲- آیا جایز است انسان جسد مورّث خود را، چه زن باشد و چه مرد، بجای دفن در قبر، به صورت مومیایی و یا در شیشه الکل نگهداری نماید؟ و اگر جایز نیست موضوع مشمول تعقیب و تعزیر است؟

جواب: جايز نيست و مشمول تعزير است.

سؤال ۱۲۳- آيا قبر به منزله ملك شخصى محسوب مى‌شود؟

جواب: در زمين‌هاى موقوفه و مباح، قبر ملك نمى‌شود؛ ولى اگر زمين را خريدارى كند، يا زمين مباح بوده و قصد تملّك و حيازت نموده است، مالك مى‌شود.

سؤال ۱۲۴- چرا ميّت مرد را از طرف سر، و ميّت زن را از طرف عرض بدن، وارد

استفتاءات جديد (مكارم)، ج۲، ص: ۶۷

قبر مى كنند؟ خواهشمند است محسّنات آن را بيشتر شرح دهيد.

جواب: اين كار در مردان نوعى عبرت و در زنان براى رعايت اصول عفّت است.

سؤال ۱۲۵- شعرى را سروده‌ام كه بر سنگ قبرم نوشته شود؛ ولى فرزندانم اين شعر را بر خلاف شرع مقدّس مى‌دانند؛ امّا به نظر خودم بسيار مناسب حالم مى‌باشد، لطفاً نظر مبارك خود را در اين مورد مرقوم داريد:

به يك عمر طبيعى با دل ريش نمودم زندگى شد عاقبت هيچ

ترحّم كن تو اى داناى اسرار كه در گور التيام يابد دل ريش

جواب: شعرى كه در بالا ذكر كرده‌ايد خلاف شرع نيست؛ ولى جستجو كنيد اشعارى بهتر از آن پيدا كنيد.

سؤال ۱۲۶- با توجّه به اين كه تجهيزات ميّت و هزينه كفن و دفن او شرعاً واجب است، اگر ميت مالى نداشته باشد كه از مال او مخارج كفن و دفنش را بدهند، و بدين جهت يكى از ورثه حين الفوت ميّت به تنهايى و از مال خودش اين مخارج را متحمّل شود، آيا اين فرد مى‌تواند به منظور وصول سهم ساير ورثه به آنها مراجعه كند؟ و اگر مى‌تواند، آيا اين مخارج بايستى بطور مساوى از كلّ ورثه وصول شود يا طبق قانون ارث؟

جواب: در چنين فرضى نمى‌تواند به ساير ورثه رجوع كند، مگر اين كه با توافق آنها اين كار را كرده باشد، و در اين صورت بايد طبق توافق عمل شود.

استفتاءات جديد (مكارم)، ج۲، ص: ۶۹

فصل نهم: مسائل تيمّم

طريقه تيمّم

سؤال ۱۲۷- كسى كه يك دست او قطع گرديده، ولى ذراع او باقى است و دست ديگر او سالم مى‌باشد، چگونه تيمّم نمايد؟

جواب: ذراع را به جاى كف دست قطع شده قرار دهد.

سؤال ۱۲۸- كسى كه هر دو دستش به گونه‌اى قطع گرديده كه حتّى ذراع او هم باقى نمانده است، چگونه بايد تيمّم نمايد؟

جواب: پيشانى را آهسته بر روى خاك تميز، يا قطعه سنگ صافى مسح كند.

سؤال ۱۲۹- كسى كه هر دو دستش قطع گرديده، ولى ذراع هر دو دست او باقى است، وظيفه او در تيمّم چيست؟

جواب: از ذراع به جاى كف دست استفاده كند.

سؤال ۱۳۰- كسى كه يك دست او به گونه‌اى قطع شده است كه ذراع هم باقى نمانده و دست ديگر او سالم است، چگونه بايد تيمّم نمايد؟

جواب: دست سالم را روى خاك مى‌زند و با آن صورت را مسح مى‌كند، و سپس پشت دست را به روى خاك مسح مى‌كند.

احکام تیمّم

سؤال ۱۳۱- شخصی که به علّت بیماری، برای انجام وضو و غسل، نمی‌تواند از آب سرد استفاده کند و آب گرم نیز در دسترس ندارد، چنانچه تیمّم نماید تکلیف او بعد

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۷۰

از یافتن آب گرم، قبل و بعد از نماز چیست؟

جواب: اگر داخل وقت باشد احتیاطاً اعاده کند و اگر وقت گذشته است قضا لازم نیست.

سؤال ۱۳۲- کسی که به خاطر بیماری ناگزیر از تیمّم شده است، اگر قبل از شروع به نماز بتواند وضو بگیرد، یا غسل کند تکلیف او چیست؟

جواب: لازم است وضو یا غسل بجا آورد.

سؤال ۱۳۳- سجده کردن بر سیمان و موزاییک، آهک و گچ پخته، و همچنین تیمّم بر آنها چه حکمی دارد؟

جواب: سجده بر آنها جایز است؛ ولی تیمّم بر آنها اشکال دارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۷۱

فصل دهم: احکام نماز

اوقات نمازهای پنج‌گانه

سؤال ۱۳۴- از ظاهر مسأله ۶۷۳ رساله حضرتعالی این طور برداشت می‌شود که بین غروب و مغرب، وقت نماز نمی‌باشد؛ یعنی نماز عصر قضا شده و هنوز وقت نماز مغرب نرسیده است، آیا این برداشت از فتوای حضرتعالی صحیح است؟

جواب: با غروب آفتاب نماز ظهر و عصر قضا می‌شود؛ ولی احتیاط آن است که نماز مغرب و عشا را تا مغرب تأخیر بیندازد.

سؤال ۱۳۵- آیا هنگامی که قرص خورشید در افق پنهان شود، می‌توان نماز مغرب را خواند و روزه را افطار کرد؟ آیا پنهان شدن قرص خورشید در افق، همان غروب آفتاب است؟

جواب: پنهان شدن قرص در افق همان غروب آفتاب است؛ ولی احتیاط آن است که نماز مغرب و افطار روزه را تا مغرب تأخیر بیندازد.

سؤال ۱۳۶- ملاک در طلوع و غروب آفتاب چیست؟ آیا همین‌که خورشید از پشت کوه دیده شد و یا این که پشت کوه رفت، طلوع و غروب محسوب می‌شود؟

جواب: ملاک، طلوع و غروب از خطّ افق است نه کوه، بنابراین اگر خورشید از خطّ افق گذشته و در پشت کوه قرار گرفته، آفتاب طلوع کرده است.

سؤال ۱۳۷- حدود ۱۸ سال قبل به منظور دستیابی به ساعات شرعی دقیق به راهنمایی دفتر حضرت امام خمینی (رضوان اللّه تعالی علیه)، به محضر حضرت

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۷۲

آیت اللّه العظمی مرعشی نجفی (رضوان اللّه تعالی علیه) هدایت و با راهنماییهای پرارج معظّم له توفیق این کار حاصل شد. ایشان پس از اطمینان از انطباقِ کاملِ ساعاتِ شرعیِ مستخرجِ مرکزِ تقویم مؤسّسه ژئوفیزیک دانشگاه تهران با موازین شرعی، نسبت به صدور حکم شرعی اقدام فرمودند. اضافه می‌نماید که این ساعات شرعی با ساعات شرعی استفاده شده در چندین قرن گذشته در

ایران نیز بخوبی مطابقت دارد؛ لذا حدود ۱۵ سال است که ساعات شرعی استخراج این مرکز، مورد استفاده امّت مسلمان ایران و جهان قرار می‌گیرد و از رسانه‌های گروهی اعلام می‌شود.

اخیراً مقام معظّم رهبری (مدّ ظلّه) در پاسخ به استفتای مصلّای امام خمینی تهران، که علّت استفتا عدم امکان تشخیص دقیق لحظه طلوع فجر اعلام شده است، فرمودند: «با شروع اذان صبح اعلامی از رسانه‌ها روزه‌داران امساک کنند و حدود ۵ تا ۶ دقیقه بعد از آن، شروع به ادای فریضه صبح شود»، بنابراین ساعات شرعی، از جمله لحظه اذان صبح استخراج این مرکز با تغییری حدود ۸ تا ۱۰ دقیقه از رسانه‌ها اعلام می‌شود، این عمل رسانه‌ها با توجّه به این که در ۱۵ سال گذشته ساعات شرعی استخراج این مرکز، بطور گسترده در شهر یا بخش یا روستاهای کشور مورد استفاده قرار گرفته، مردم را در بلا-تکلیفی قرار داده است، از این رو تقاضا می‌شود نظر مبارک را درباره لحظه اذان صبح استخراج این مرکز و تغییری که در رسانه‌ها داده شده است اعلام فرمایید.

جواب: قبل از آن که سر و صدا درباره چگونگی استخراج تقویمی که ملاک رسانه‌های گروهی بود شود، ما احساس کرده بودیم که این استخراج منطبق با وقت شرعی نماز صبح (فجر صادق) نیست، لذا خود این جانب شخصاً قبل از طلوع فجر به بیابان رفتم و ملا-حظه کردم که حدود یک ربع ساعت میان اذان صبح رادیو و صبح واقعی فاصله است؛ یعنی اذان رادیو زودتر گفته می‌شود، جمعی از

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۷۳

آقایان مورد اعتماد در قم نیز همین کار را در وقت دیگری انجام داده بودند و نتیجه آن نیز همین بود. بنابراین عقیده ما این است که آنچه اخیراً مورد عمل قرار گرفته، که وقت اذان صبح را حدود ۱۰ دقیقه عقب کشیده‌اند، و با توجّه به این که حدود ۵ دقیقه نیز اذان طول می‌کشد، بعد از پایان اذان وقت نماز صبح داخل شده است و قبل از آن مشکل است.

سؤال ۱۳۸- شخص مکلّفی ۵ دقیقه مانده به اوّل غروب شرعی می‌خواهد نماز ظهر و عصر را بجا آورد، با احتساب یک دقیقه برای هر رکعت، ۴ دقیقه اوّل را نماز ظهر بجا می‌آورد، منتها در نماز ظهر به دلیل شکّ بین ۳ و ۴ احتیاج به نماز احتیاط جهت تکمیل نماز ظهر اقامه شده دارد، آیا یک دقیقه باقیمانده را نماز عصر بخواند، یا صرف نماز احتیاطی مکمّل ظهر نماید؟

جواب: نماز عصر را بجا آورد و نماز ظهر را قضا کند.

سؤال ۱۳۹- تعدادی از پرسنل شرکت فولاد آلیاژ ایران، برای آموزش فنی، مدّتی به کشورهای اروپایی می‌روند، در مناطق شمالی اروپا، واقع در بالای مدار قطبی، از ۲۶ ماه مه (۵ خرداد) تا ۱۸ ژوئیه (۲۷ تیر) خورشید در آسمان غروب نمی‌کند، در ۲۱ ژوئن در «ماپاراند» واقع در خلیج «بوتینا»، طول روز ۲۳ ساعت و در «آکین»، در منتها الیه جنوب، ۱۷ ساعت می‌باشد. تکلیف نماز و روزه این برادران در این ایّام چیست؟

جواب: در مناطقی که خورشید غروب نمی‌کند، یا طول روز بسیار زیاد و خارج از متعارف مناطق مختلف دنیاست، باید بر طبق مناطق معتدله در آن فصل از سال عمل کنند؛ یعنی اگر در مناطق معتدله (روی همان خطّ نصف النهار) روزها در آن موقع ۱۴ ساعت است و شبها ۱۰ ساعت، به همان صورت نماز و روزه خود را تنظیم کنند؛ شرح بیشتر درباره این موضوع را در کتاب «معراج، شقّ القمر، عبادت در قطبین» نوشته‌ایم.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۷۴

سؤال ۱۴۰- با وسایل پیشرفته امروزی، انسان می‌تواند در یک شبانه‌روز چندین بار به دور کره زمین بچرخد؛ در این صورت وظیفه او در مورد نمازهای پنج‌گانه چیست؟

جواب: هرگاه با سفینه‌های فضایی دور زمین بگردد، باید پنج نماز را در شبانه‌روز بجا آورد و می‌تواند مقیاس را وطنش در روی زمین قرار دهد.

سؤال ۱۴۱- جهت معالجه به یکی از شهرهای «آلمان»، که در ۷۵ کیلومتری «فرانکفورت» می‌باشد، رفتم. چون هوا ابری و مه‌آلود بود، تشخیص طلوع و غروب آفتاب امکان نداشت، یک مسجد که مربوط به برادران اهل تسنّن ترکیه بود، پیدا نمودم. کسی جز امام مسجد در آنجا نبود. از او اوقات شرعی را سؤال کردم. ایشان تقویم دیواری که اوقات نماز هر روز زیر آن نوشته شده بود را به من داد، مطابق آن نماز صبح و ظهر را بجا می‌آوردم ولی نماز مغرب و عشا را ده دقیقه بعد از زمان تقویم انجام می‌دادم، تا این که در تاریخ ۱۳/ ۶/ ۷۶ روزنامه اطّلاعات خارج از کشور، شماره ۸۱۱ بدستم رسید. اوقات شرعی که در آن قید شده بود با اوقات شرعی ترکها تفاوت فاحشی به شرح زیر داشت:

اوقات شرعی روزنامه اطّلاعات: طلوع آفتاب (۴۵ و ۵)، ظهر (۲۴ و ۱۲)، مغرب (۲۴ و ۱۹) (که البتّه ساعت ۴۵ و ۱۹ هم آفتاب روی دیوار مشاهده می‌شد!).

و امّا اوقات شرعی ترکها: طلوع آفتاب (۳۹ و ۶)، ظهر (۳۹ و ۱۳)، مغرب (۱۰ و ۲۰).

از آن تاریخ نمازها را بدین شرح به جا می‌آوردم: طبق روزنامه اطّلاعات نماز صبح را در ساعت ۵، ظهر را در ساعت ۴۰ و ۱۳ و نماز مغرب را، با توجّه به رؤیت آفتاب، ساعت ۱۵ و ۲۰، آیا نمازهایم صحیح بوده است؟

جواب: چنانچه در آنجا، مطمئن‌ترین طریق شما برای وقت، همان شیوه‌ای بوده که عمل کرده‌اید عمل شما صحیح و کافی بوده است، در این گونه موارد اگر مقداری احتیاط در تأخیر بشود، بهتر است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۷۵

سؤال ۱۴۲- آیا می‌توان به ساعات شرعی رسانه‌های خبری و تقویمها عمل نمود؟

جواب: چنانچه موجب اطمینان یا ظنّ قوی شود، مانعی ندارد.

سؤال ۱۴۳- ابتدای وقت ادای نماز نافله صبح و انتهای آن چه زمانی است؟

جواب: وقت نافله صبح پیش از نماز صبح است، از طلوع فجر تا آشکار شدن سرخی در طرف مشرق، و می‌توان آن را بعد از نماز شب بلافاصله بجا آورد.

نمازهای مستحبّی

سؤال ۱۴۴- اگر کسی موفّق به خواندن نوافل روزانه، در اوقات شرعی آن نشود، تکلیف چیست؟

جواب: می‌تواند قضا کند.

سؤال ۱۴۵- اگر نمازگزار دعاهای وارده قنوت نماز وِتر را نخواند و تنها به قنوت ساده‌ای قناعت کند و همچنین برای ۴۰ نفر مؤمن دعا نکند، بلکه بصورت کلّی «اللّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤمِنینَ وَ الْمُؤْمِناتِ» بگوید، آیا نماز او صحیح است؟

جواب: نماز وتر او به این صورت صحیح است؛ ولی ثواب کمتری دارد.

سؤال ۱۴۶- شخصی که نماز ظهر و عصر را به جماعت می‌خواند، وقتی برای انجام نافله‌های آن نخواهد داشت، اگر بعد از ادای نماز بخواهد نافله‌ها را هم بخواند چه نیّتی باید بکند؟

جواب: نیّت ما فی الذّمه کند.

سؤال ۱۴۷- هرگاه پس از خواندن چهار رکعت از نماز شب، اذان از مسجد یا رادیو به گوش برسد، آیا بقیّه نافله شب را باید به نیّت ادا بخوانیم یا قضا؟

جواب: اگر چهار رکعت یا بیشتر از نماز شب را بجا آورده باشید، بقیّه را به نیّت ادا تکمیل کنید، سپس به نافله صبح یا نماز صبح مشغول شوید.

سؤال ۱۴۸- با توجّه به این که در نماز غفیله، بعد از قرائت سوره حمد، باید آیات

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۷۶

وارده مخصوصه خوانده شود، حکم گفتن «بسم اللّه الرحمن الرحیم» یا «اعوذ باللّه من الشیطان الرجیم»، قبل از شروع آیات مخصوصه چیست؟

جواب: لازم نیست.

احکام قبله

سؤال ۱۴۹- مسجدی، در زمان سلسله صفویّه، در یکی از روستاها بنا شده است و تا کنون حدود چهارصد سال مردم در آن نماز خوانده‌اند. اکنون آقای معمّمی قبله مسجد را کمی تغییر داده است؛ آیا نمازهایی که تا به حال خوانده شده صحیح است؟ نماز خواندن به سمت قبله‌ای که ایشان تعیین کرده‌اند چه حکمی دارد؟

جواب: نمازهای گذشته اشکالی نداشته است، و امّا در حال حاضر می‌توانید به وسیله قبله‌نماهای سالم، قبله مسجد را تعیین کنید و مطابق آن عمل نمایید، و چنانچه ایشان هم این کار را کرده باشد اشکالی ندارد.

لباس نمازگزار

سؤال ۱۵۰- رأی شریف حضرتعالی در مورد وجه و کفّین برای زنان، در حال نماز و در اعمال حجّ و غیر این دو چیست؟

جواب: وجه و کفّین در حکم حجاب در همه جا مستثناست.

سؤال ۱۵۱- در عرف مرسوم است که بانوان بعد از ازدواج، خود را به اموری از قبیل برداشتن زیر ابرو و زایل کردن موهای ریز صورت و مانند آن زینت می‌کنند، آیا در این صورت، بنا بر رأی جواز در مسأله قبل، استتار واجب است؟

جواب: اگر تنها کم کردن موهای صورت و ابرو و مانند آن باشد اشکالی ندارد.

سؤال ۱۵۲- گفته می‌شود که استفاده از چادر مشکی برای خواهران مناسب نیست و مکروه می‌باشد، و خواهران باید از پوشاك روشن و رنگهای متنوّع استفاده

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۷۷

نمایند و دلیلی ندارد که توصیه شود خانمها کفش و مانتوی تیره بپوشند، حال سؤال این است که در حال حاضر و با توجّه به شرایط فعلی جامعه ما، تکلیف پوشش خواهران چیست و آیا سخنان فوق و امثال آن، با توجّه به آثار و تبعات آن برای جامعه، شرعاً صحیح است؟

جواب: انتخاب چادر مشکی برای زنان، و عبای مشکی برای مردان، مکروه نیست. و استفاده از رنگهای ساده دیگر مادام که منشأ مفاسدی نشود نیز جایز است؛ البتّه رنگهای سنگین بهتر است.

سؤال ۱۵۳- آیا پوشیدن مانتو برای زنان، در صورتی که حفظ حجاب اسلامی نشود و برجستگی‌های اندام مشخّص باشد، اشکال دارد؟

جواب: در صورتی که لباس چسبان باشد حرام است؛ ولی اگر لباس گشاد باشد اشکال ندارد.

سؤال ۱۵۴- آیا پوشیدن جورابهای نازك، در صورتی که پا در آن پیدا باشد برای زنان جایز است؟

جواب: اگر پا در آن پیدا باشد جایز نیست؛ ولی معلوم بودن حجم پاها ضرری ندارد.

سؤال ۱۵۵- اگر مدرسه‌ای ابلاغ کند که دختران در مدرسه دخترانه برای ورزش باید لباس مخصوص ورزش بپوشند، چه باید کرد؟

جواب: پوشیدن لباس ورزشی برای دختران، در صورتی که در محیط مخصوص خودشان باشند، مانعی ندارد.

سؤال ۱۵۶- پوشیدن لباسهای مبتذل و یا لباسهای تنگ و مهیّج و یا مدلهایی که موجب ترویج فرهنگ غرب است، چه برای زن و چه برای مرد، چگونه است؟

جواب: این گونه لباسها اشکال دارد و بر پسران و دختران و مردان و زنان مسلمان لازم است رعایت موازین عفّت اسلامی را، که مایهٔ سعادت دنیا و آخرت آنهاست، بنمایند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۷۸

سؤال ۱۵۷- پوشیدن لباسی که مخصوص زن نمی‌باشد و صرفاً برای پوشیدن در شبیه‌خوانی درست شده است (این لباس از قطعه‌ای پارچه سیاه که تا اندازه‌ای شبیه چادر دوخته شده می‌باشد تشکیل شده است) و مردانی که در نقش زن انجام وظیفه می‌نمایند و از آن استفاده می کنند، چه صورت دارد؟

جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۱۵۸- آیا مردانی که نقش زنان کفّار را به نمایش می گذارند، می‌توانند لباس زنانه بپوشند؟

جواب: جایز نیست.

سؤال ۱۵۹- پوشیدن لباس مختصّ زنان توسّط مردان و یا بالعکس در منزل چه حکمی دارد؟

جواب: اگر مفسده خاصّی بر آن مترتّب نشود، اشکالی ندارد.

سؤال ۱۶۰- اگر در حال نماز خواندن از دماغ انسان خون بیاید، آیا باید نمازش را ادامه بدهد یا شکستن نماز واجب است؟

جواب: چنانچه ظاهر صورت یا دست او بیش از مقدار درهم آلوده شود باید نماز را بشکند و اعاده کند، و اگر کمتر باشد ادامه نماز اشکالی ندارد.

سؤال ۱۶۱- اگر دستمال نجسی در جیب لباس نمازگزار باشد، آیا نماز صحیح است؟

جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۱۶۲- بیماران یا بعضی از عزیزان که در جنگ بدنشان ترکش خورده و چندین جای آن مجروح است، گاه در طول شبانه‌روز از بدن آنها خون می‌آید، وظیفه این عزیزان برای نماز چیست؟

جواب: آن مقدار که می‌توانند، از سرایت به سایر اعضا جلوگیری می کنند و بقیّه مانعی ندارد و نمازشان صحیح است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۷۹

سؤال ۱۶۳- به کار بردن روکش طلا- و گذاشتن دندان مصنوعی از جنس طلا- یا محکم کردن دندانها با طلا، برای مردان چه حکمی دارد؟

جواب: اگر جنبه تزیینی نداشته باشد اشکالی ندارد، و در موارد ضرورت نیز جایز است؛ هرچند زینت باشد.

سؤال ۱۶۴- استفاده از طلا- جهت زینت مردان، مثل ساعت، حلقه، انگشتر و غیره چه حکمی داد؟ و اگر جهت امتحان کردن و یا برای نگهداری موقّت استفاده شود، چه حکمی دارد؟

جواب: استفاده کردن از زینت‌آلات طلا- برای مردان مطلقاً جایز نیست و نماز را باطل می کند؛ ولی برای امتحان و یا به قصد نگهداری موقّت و کوتاه مدّت مانعی ندارد.

سؤال ۱۶۵- استفاده از حلقه طلا برای مردان (جدای از این که نماز را باطل می کند) چه حکمی دارد؟ حلقه نامزدی چطور؟

جواب: حلقه طلا برای مردان حرام است؛ ولی می‌توانند به جای آن از پلاتین استفاده کنند.

مکان نمازگزار

اشاره

سؤال ۱۶۶- آیا نجس بودن صندلی چرخ‌دار، یا عصایی که به دست برادران جانباز است، برای نماز مانعی دارد؟
جواب: اشکالی ندارد.
سؤال ۱۶۷- نماز خواندن بر سجّاده‌ها و یا قالیچه‌هایی که در آن آیات قرآن و کلمات مقدّسه نوشته شده است، چه صورتی دارد؟ در حالی که در موقع نشستن و به سجده رفتن، آیات قرآن زیر پا قرار می گیرد.
جواب: جایز نیست؛ مگر این که آیات زیر پا نماند.
استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۸۰
سؤال ۱۶۸- آیا نماز خواندن بر سجّاده‌هایی که بر آن عکس مسجد النّبی (صلی الله علیه و آله) یا مسجد الحرام کشیده شده است و گاهی در زیر پا قرار می گیرد، اشکال دارد؟
جواب: اگر قصد توهین نباشد اشکالی ندارد؛ ولی بهتر این است که آن طرف سجّاده را در جلوی رو قرار دهند.
سؤال ۱۶۹- گاهی مشاهده می‌شود که هنگام مسافرت با اتوبوس، بعضی از رانندگان مسافران را برای خواندن نماز پیاده نمی کنند و اگر تذکّر بدهند احتمال دارد که توجّه نکنند، تکلیف چیست؟
جواب: تا آنجا که توان دارید تذکّر بدهید و اگر جدّی تذکّر بدهید مطمئن باشید اثر می کند و نگه می‌دارند و اگر نگه نداشتند باید در ماشین، به هر طور که می‌توانید، نماز بخوانید.
استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۸۱

[احکام مسجد]

فضیلت مسجد

سؤال ۱۷۰- تعدادی از مساجد در افکار عامّه مردم از قداست بیشتری برخوردار است، مثل مسجد جمکران، سهله، کوفه و مانند آن؛ دلیل اهمّیّت این مساجد چیست؟
جواب: هر کدام از اینها، روایت خاصّی دارد که دلالت بر اهمّیّت و قداست فوق‌العاده آن می کند.
سؤال ۱۷۱- آیا در ثواب نماز جماعت، بین مسجد پیامبر (صلی الله علیه و آله) در مدینه و مساجد اطراف، تفاوتی وجود دارد؟
جواب: مسلّماً نماز در مسجد النّبی (صلی الله علیه و آله) افضل است.
سؤال ۱۷۲- چگونگی نماز تحیّت، که به هنگام ورود در مساجد مستحبّ است، را بیان فرمایید و فلسفه آن را توضیح دهید.
جواب: نماز تحیّت دو رکعت، مانند نماز صبح یا نمازهای نافله است و اذان و اقامه ندارد؛ و می توان آن را بلند یا آهسته خواند و فلسفه‌اش احترام به مسجد است.

تجدید بنا و توسعه مسجد

سؤال ۱۷۳- زمینی وقف مسجد شده، و طبق معمول قسمتی از آن تبدیل به حیاط، توالت و آبدارخانه، و قسمتی دیگر تبدیل به مسجد شده است، ولی به علّت تجدید بنا مقداری از شبستان مسجد جزء حیاط شده یا بالعکس، آیا اشکال دارد؟

شیرازی، ناصر مکارم، استفتاءات جدید (مکارم)، ۳ جلد، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم - ایران، دوم، ۱۴۲۷ ه ق استفتاءات جدید (مکارم)؛ ج ۲، ص: ۸۲

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۸۲

جواب: در صورتی که این کار به نفع مسجد و نمازگزاران بوده باشد اشکالی ندارد.

سؤال ۱۷۴- مسجد کوچکی در فاصله ۲۰ الی ۳۰ متری مسجد جامع قرار دارد که قبلًا دارای سقف و درب بوده و در تنگی وقت از آن استفاده می‌شده است، اخیراً در اثر مرور زمان و عدم توجّه، به حالت مخروبه درآمده، و احتمالًا قسمتی از این مسجد در طرح خیابان و تعریض راه قرار می‌گیرد، مضافاً به این که مورد بی‌احترامی از طرف بچّه‌های غیر ممیّز قرار می‌گیرد، آیا جایز است مسجد مذکور نوسازی شود و به عنوان انبار مسجد جدید مورد استفاده قرار گیرد، یا باید به حالت مسجد برگردد؟ لازم به ذکر است که اگر به حالت مسجد برگردد، کمتر کسی در آن نماز می‌گزارد؛ چون در چند قدمی آن، مسجد جامع محل می‌باشد.

جواب: آن را طوری بسازید که هم قابل استفاده برای نمازگزاران باشد و اگر هم کسی حاضر به نماز در آن نبود بتوانند به عنوان انبار مسجد مجاور از آن استفاده کنند.

سؤال ۱۷۵- مسجدی در تهران با بیش از ۴۰ سال سابقه ساخت و عدم رعایت اصول فنّی ساختمان‌سازی وجود دارد که طبق نظر کارشناسان ساختمانی، فاقد مقاومت لازم در برابر حوادث احتمالی است و با توجّه به عدم وجود امکانات تأسیساتی در حال حاضر به هیچ وجه قابل استفاده برای نماز و فعّالیت‌های فرهنگی و مذهبی و کلاسهای درسی و مانند آن نمی‌باشد. در نهایت اکثر اهالی مؤمن و متدیّن نمازگزار و هیأت امنای محترم، با بررسیهای همه‌جانبه تصمیم به تخریب و ساخت مجدّد با طرّاحی مطلوب گرفته‌اند. استدعا داریم در موارد ذیل راهنمایی لازم را بفرمایید.

الف) تخریب بنای موجود با توجّه به موارد فوق چه حکمی دارد؟

جواب: در فرض مسأله تخریب و تجدید بنای این مسجد مانعی ندارد؛ بلکه کار بسیار خوبی است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۸۳

ب) مجوّز دفع ضایعات ساختمانی و فروش بعضی اقلام که نمی‌توان در مسجد جدید استفاده نمود و صرف درآمد حاصل از فروش آن در ساختمان جدید مسجد را صادر بفرمایید.

جواب: اگر ضایعات مربوطه در مساجد دیگر قابل استفاده نباشد، مجاز هستید آن را به فروش رسانده در همان مسجد مصرف کنید.

سؤال ۱۷۶- مسجدی است در یکی از شهرها، که جهت اقامه نماز جماعت و برگزاری مجالس دینی، مخصوصاً در ماه مبارک رمضان مشکلاتی برای مؤمنین دارد. پشت مسجد باغچه‌ای در حدود دویست متر وجود دارد، که گویا در قدیم مردم مراجعات خود را در همین مکان نزد عالم محل می‌بردند؛ به همین جهت محکمه نامیده شده است، امّا وقفنامه خاصّی ندارد، چند سال پیش شخصی یک نهال گردو در همین زمین کاشته است که الآن سالی حدود چند هزار دانه گردو دارد، آن شخص نهال گردو را وقف نکرده، بلکه فقط جهت نیل به ثواب این کار را کرده است و اکنون که نیاز به توسعه مسجد است، لازم است درخت گردو قطع و آن زمین ضمیمه مسجد گردد، آیا اجازه می‌فرمایید درخت گردو قطع و زمین محکمه ملحق به مسجد گردد؟

جواب: چنانچه باغچه متعلّق به مسجد است و توسعه مسجد برای نمازگزاران لازم می‌باشد، قطع درخت مزبور اشکال ندارد.

امور اقتصادی، مالی مساجد

سؤال ۱۷۷- آیا جمع‌آوری پول در مساجد، جهت امام جماعت یا بنای مسجد یا غیر اینها، جایز است؟ مورد مصرف آن چیست؟

جواب: در صورتی که به صورت آبرومندانه باشد اشکالی ندارد و طبق وکالتی که مردم داده‌اند در مصارفش صرف کنید.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۸۴

سؤال ۱۷۸- فعّالیّت اقتصادی در مسجد، جهت رونق امور مساجد چه صورتی دارد؟ برای مثال ما در منطقه جنوب تهران در آشپزخانه وسیع و مجهّز مسجد اقدام به پخت غذا برای مراسم مختلف مؤمنین می‌نماییم و درآمد حاصله را پس از پرداخت اجرت آشپز، صرف امور جاریه مسجد می‌نماییم. آیا این کار مشروع است؟

جواب: چنانچه آشپزخانه مختصّ به مسجد باشد جایز نیست؛ ولی اگر از روز اوّل به نیّت عام ساخته شده است، مانعی ندارد.

سؤال ۱۷۹- مبالغی پول جهت ساختمان و تعمیر مسجدی جمع‌آوری شده که پس از مصارف لازمه، مقداری از آن پول‌ها موجود و در اختیار شخص امینی است، مسجد در حال حاضر احتیاج ندارد؛ ولی بعدها احتیاج بیشتری خواهد داشت.

الف) آیا می‌شود با آن پول معامله انجام داد و سود آن برای مسجد باشد؟

ب) آیا اجازه می‌فرمایید آن پول در یکی از صندوق‌های قرض‌الحسنه، جهت رفع احتیاجات مؤمنین، قرار گیرد؟

ج) آیا می‌شود پول مزبور را در بانکی به حساب سپرده بلندمدّت یا کوتاه‌مدّت سپرد؟

د) امام جماعتی در آن مسجد در تمام ایّام سال و ماه رمضان بدون چشم‌داشتی نماز جماعت می‌خواند و مسأله می‌گوید و مردم را ارشاد می‌کند و مسجد عایدات دیگری ندارد، آیا جایز است مبالغی از آن پول را به امام جماعت داد؟

جواب: مصرف کردن این پول تنها در صورتی جایز است که رضایتِ دهندگان پول نسبت به آن جلب شود؛ ولی حفظ آن در صندوق قرض الحسنه یا سپرده بانکی برای آینده مانعی ندارد.

الحاق بخشی از مسجد به جای دیگر

سؤال ۱۸۰- مسجدی است در منطقه راوند کاشان که مدّتهاست مؤمنین در آن

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۸۵

اقامه نماز می‌کنند؛ در کنار آن کوچه‌ای قرار دارد که مربوط به بهداری است و این کوچه احتیاج ضروری به تعریض دارد، فعلًا هم مسجد تخریب شده تا تجدید بنا شود و از نظر نقشه شهرداری چهار متر عقب‌نشینی دارد. مستدعی است بفرمایید از نظر حکم شارع مقدّس آیا شهرداری مجاز به تعریض می‌باشد؟

جواب: تصرّف در مسجد برای این گونه امور جایز نیست، مگر این که واقعاً ضرورتی ایجاب کند و شهرداری عوض آن را بدهد و صرف مسجد شود.

سؤال ۱۸۱- مسجدی است به نام مسجد قلعه با قدمت زیاد که در اثر مرور زمان و ازدیاد نسلهای قدیم و جدید، در ایّام سال، مخصوصاً ماه مبارک رمضان، کشش و ظرفیّت نمازگزاران را ندارد؛ در جوار این مسجد خانه‌ای قدیمی بوده که مالك آن، آن را به مسجد اهدا نموده و مسجد مذکور توسعه پیدا کرده است، لازم به ذکر است در این مسجد اکثراً مجالس روضه‌خوانی و ذکر مصائب اهل بیت (علیهم السلام) خصوصاً در ایام محرّم و صفر برپا می‌شود و هیأتی به نام هیأت چهارده معصوم (علیهم السلام) وابسته به مسجد در ایّام محرّم و صفر برنامه دارند؛ در قسمت غربی مسجد چهار صفّه و غرفه وجود دارد، آیا جایز است آن صفّه و غرفه‌ها را به صورت مجزّی به نام هیأت چهارده معصوم وقف و صیغه جاری کرد؟

جواب: صفّه‌ها و غرفه‌های مسجد متعلّق به خود مسجد است و نمی‌توان آن را وقف مجدّد کرد.

سؤال ۱۸۲- اگر زمینی برای مسجد وقف شده باشد، آیا جایز است طبقه اوّل آن را حسینیّه و طبقه دوّم را مسجد بنا کنند؟

جواب: هر دو طبقه حکم مسجد را پیدا می‌کند؛ ولی عزاداری در آن اشکال ندارد؛ به شرط آن که مزاحم نماز نباشد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۸۶

هیأت امنای مسجد

سؤال ۱۸۳- به نظر حضرتعالی جهت رشد و استفاده بهینه از مساجد، هیأت امنا باید چه شرایطی داشته باشند؟
جواب: باید افرادی متدیّن، خوش نام، مدیر و مدبّر باشند، و بتوانند امور مسجد را به بهترین وجهی اداره کنند.
سؤال ۱۸۴- هیأت امنای مسجد چگونه انتخاب می‌شوند؟
جواب: مردم آن محلّ و امام جماعت مسجد می‌توانند با اجازه حاکم شرع، هیأت امنایی از افراد صالح، برای تمشیت امور مسجد انتخاب کنند.
سؤال ۱۸۵- آیا سازندگان و بانیان مسجد می‌توانند مانع فعالیتهای فرهنگی، دینی در مسجد شوند؟ و آیا امام جماعت می‌تواند در امر تعیین هیأت امنا یا برکناری آنها دخالت نماید؟
جواب: پس از تحقّق وقف مسجد کلیّه کارهایی که موجب تقویت برنامه مسجد و مراسم نماز و نشر حقایق تشیّع در آن است، احتیاج به اجازه دیگران حتّی واقف یا متولّی ندارد، همچنین نماز و اقامه جماعت؛ و اگر هیأت امنا از طرف واقف یا واقفین برای حفظ مسجد و اموال آن تعیین شده‌اند، کسی نمی‌تواند آنها را عزل کند.
سؤال ۱۸۶- حدود اختیارات امام جماعت، هیأت امنا، متولّی و واقف مسجد را مشخص فرمایید، تا در کارهای یکدیگر تداخل نکنند و از بروز اختلاف جلوگیری شود.
جواب: مسجد تعلّق به همه مسلمانان دارد، و کسی نمی‌تواند محدودیّتی در آن قائل شود، و اگر حفظ مسجد و نگهداری اموال و نظم برنامه‌های آن احتیاج به مدیرانی دارد، هیأتی از طرف حاکم شرع برای این کار تعیین می‌شود.
استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۸۷

تطهیر مسجد

سؤال ۱۸۷- ساختمانی که به دست کفّار تعمیر شده، آیا بدون تطهیر آن، احکام مسجد بر آن مترتّب می‌شود؟ آیا نماز خواندن در آن ثواب مسجد را دارد؟ داخل شدن زن حائض و شخص جنب در آن چه حکمی دارد؟
جواب: اگر برای مسجد وقف شود ثواب مسجد را دارد و احکام مسجد بر آن مترتّب می‌شود؛ ولی بهتر آن است که ظاهر آن را تا آنجا که در دسترس است، اگر موجب خرابی نمی‌شود آب بکشند، یا چیزی بر آن نصب کنند که دست با آن تماس پیدا نکند و ورود جنب و حائض در فرض وقف شدن برای مسجد، در آن جایز نیست.
سؤال ۱۸۸- عدّه‌ای از مردم بدون هماهنگی با دیگران مسجدی را تخریب نموده‌اند و اکنون به صورت تلّی از خاک درآمده است.
الف) آیا تطهیر آن خاک و گِلها لازم است؟
جواب: تطهیر خاکها لازم نیست؛ ولی بهتر آن است که آن را از محوطه زمین مسجد بیرون ببرند.
ب) اشخاصی که بدون رضایت و هماهنگی بقیّه مردم، مسجد فوق را خراب کرده‌اند چه وظیفه‌ای دارند؟
جواب: آنها موظّفند مسجد را تعمیر کنند و به صورت اوّلیّه یا بهتر از آن درآورند، مگر این که دیگران عهده‌دار این کار شوند.

متعلّقات و لوازم مسجد

سؤال ۱۸۹- قطعه زمینی، که در کنار مسجد است، را وقف مسجد نموده‌اند، الآن می‌خواهیم از گوشه آن کتابخانه‌ای درست کنیم،

آیا این کار جایز است؟ و در فرض جواز، بانوانی که عذر شرعی دارند می‌توانند در آنجا رفت و آمد کنند؟ و در ضمن

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۸۸

آیا می‌توان از یک اتاق از کتابخانه یاد شده موقّتاً برای پایگاه بسیج استفاده کرد؟

جواب: احداث کتابخانه مسجد در آن قسمت، اگر مزاحم نمازگزاران نباشد و هر زمان مورد نیاز قرار گیرد در اختیار مسجد قرار دهند، مانعی ندارد؛ ولی بانوانی که عذر شرعی دارند نمی‌توانند در آنجا رفت و آمد کنند و برای پایگاه نیز با شرایط فوق می‌توان استفاده کرد.

سؤال ۱۹۰- اگر مسجدی ایوان داشته باشد، آیا می‌توان گفت: ایوان شرعاً اختصاص به خواهران دارد؟ در صورتی که ایوان از داخل شبستان احداث شود، آیا خواهرانی که عذر شرعی دارند می‌توانند در ایوان توقّف نموده یا فعّالیتی نمایند؟

جواب: فرقی میان ایوان و شبستان نیست؛ مگر این که در عرف محل چنین باشد که ایوان را خارج از مسجد و مخصوص خواهران بدانند.

سؤال ۱۹۱- خیّری قطعه زمینی به نام مسجد اهدا نموده است؛ ولی نظر خویش را در مورد احداث سرویس بهداشتی، ایوان، چایخانه، حیاط و آشپزخانه بیان نکرده است، آیا می‌شود در موقوفه فوق موارد بالا را احداث نمود؟

جواب: اگر این امور مورد نیاز مسجد است و در عرف محل جزء لوازم مسجد محسوب می‌شود، مانعی ندارد.

سؤال ۱۹۲- اشخاصی، مقداری از شبستان داخل مسجد را در یکی از شهرستانها به صورت مغازه مانندی درآورده و از آن برای نوارفروشی و کتابفروشی استفاده می‌نمایند، آیا انجام چنین کاری در مسجد از نظر شرعی صحیح است؟

جواب: هرگاه این کارها داخل مسجد باشد و در طریق نشر فرهنگ اسلامی قرار گیرد و کمک به اهداف مسجد کند و مزاحم نمازگزاران نباشد مانعی ندارد، و اگر آن را از مسجد جدا کرده و محلّ کسب و کار قرار داده‌اند جایز نیست و باید آن را بازگردانند.

سؤال ۱۹۳- اگر زمینی وقف مسجد شده باشد، آیا زیرزمین و طبقات فوقانی نیز

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۸۹

حکم مسجد را دارد؟ احداث کتابخانه در آن چه حکمی دارد؟

جواب: آری حکم مسجد را دارد؛ ولی مانعی ندارد در آن کتابخانه احداث کنند؛ مشروط بر این که مزاحم نمازگزاران نباشد.

سؤال ۱۹۴- آیا از نظر شرع مقدّس اسلام، دایر کردن پایگاه مقاومت و کانون فرهنگی و ورزشی در داخل مساجد و حسینیّه‌ها جایز است؟

جواب: دایر کردن پایگاه ورزشی در مسجد صحیح نیست؛ ولی کانونهای فرهنگی و پایگاههای مقاومت در صورتی که مزاحمتی برای نمازگزاران نداشته باشد، مانعی ندارد.

سؤال ۱۹۵- مسجدی قدیمی است که جهت استفاده بهتر، قسمتی از حیاط مسجد و منزل پشت آن را جهت ساختمان جدید مسجد خریداری نموده‌اند و دو شبستان از شبستانهای آن را تبدیل به مسجد جدیدی نموده‌اند؛ چهار شبستان از شبستانهای مسجد قدیم باقیمانده است. بفرمایید خراب کردن شبستانها در رابطه با امور زیر چه حکمی دارد؟

الف) جهت حیاط مسجد. ب) جهت امور فرهنگی نظیر سالن و کتابخانه مسجد. ج) وصل آن به کوچه عام جهت پارکینگ مسجد.

جواب: باید کاری انجام دهید که به نفع مسجد و نمازگزاران باشد، و چنانچه مسجد احتیاج به حیاط یا کتابخانه دارد می‌توان از آن استفاده کرد؛ ولی نمی‌توان آن را جزء کوچه نمود.

سؤال ۱۹۶- شخصی زمینی را برای مسجد واگذار می‌کند و آن را از زمینهای خودش جدا می‌سازد، سپس مرحوم می‌شود، بعد که

زمین را مسجد می‌سازند مقداری از آن را شبستان و مقداری از آن زمین را دستشویی درست می‌کنند، ساختن دستشویی در آن زمین چه حکمی دارد؟

جواب: ساختن دستشویی در آنجا اشکال ندارد و منظور واقف، مسجد و

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۹۰

لوازم مسجد بوده است.

سؤال ۱۹۷- تشکیل و برگزاری کلاسهای آموزش قرآن، احکام، آموزش هنرهای دستی (از قبیل خیّاطی، گلدوزی) و تشکیل کلاسهای تقویت درسی در مسجد جهت جوانان، نوجوانان و نونهالان چه حکمی دارد؟

جواب: آموزش قرآن و احکام و مانند آن در مساجد بی‌اشکال است و به اهداف مسجد کمک می‌کند؛ ولی آموزش خیّاطی و امثال آن، تنها در صورتی جایز است که از ابتدای تأسیس مسجد، کلاسها در کنار مسجد برای این کار ساخته شده باشند.

سؤال ۱۹۸- مسجد جامع قدیمی در روستای ما وجود دارد که به وسیله خودیاری مردم ساخته شده است؛ ولی از آنجا که بنای درستی نداشته و کوچک بوده فرد خیّری قسمتی از شبستان را که جزء نمازخانه است خراب نموده و می‌خواهد مسجد را وسعت دهد، او تصمیم دارد یک زیرزمین از همین قسمت گرفته و در آن سالن اجتماعات فرهنگی برای جوانان بسازد، در ضمن قسمت بالای زیرزمین یعنی طبقه همکف جزء نمازخانه شبستان است، آیا در قسمت زیرزمین می‌توان سالن فرهنگی و سرویس دستشویی ساخت؟

جواب: ساختن محلّی در زیرزمین مسجد برای کارهای فرهنگی اسلامی و یا وضوخانه مانعی ندارد؛ ولی ساختن توالت در آنجا جایز نیست؛ مگر این که از ابتدای تأسیس مسجد و هنگام وقف آن چنین امری در نظر باشد.

سؤال ۱۹۹- در قریه ایزدخواست داراب مسجدی وجود دارد که در میان آن حوضی جهت وضو احداث گردیده است، اینک به علّت کثرت جمعیّت و عدم مراعات بهداشت و مانند آن، می‌خواهند حوض مذکور را بردارند و در یک گوشه مسجد وضوخانه‌ای بسازند، آیا این کار جایز است؟

جواب: اگر از بین بردن حوض به نفع مسجد و نمازگزاران است، اشکالی

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۹۱

ندارد، همچنین ساختن وضوخانه برای وضو گرفتن در گوشه‌ای از مسجد، آن هم به شرطی که در بالا آمد، مانعی ندارد.

فروش لوازم مسجد

سؤال ۲۰۰- مقداری تیرآهن، درب و پنجره و سایر وسایل، از مسجد قدیمی به جای مانده است، آیا می‌توان آنها را به فروش رسانید و خرج خود مسجد کرد؟ با توجّه به این که درب و پنجره‌ها به درد مسجد جدید نمی‌خورد.

جواب: اگر امکان دارد از عین آن در مسجد دیگر استفاده کنند، این کار مقدّم است؛ و اگر به درد مسجد دیگر نمی‌خورد، بفروشند و صرف همان مسجد اصلی کنند.

سؤال ۲۰۱- منزلی که با مسجد مقداری فاصله دارد وقف مسجد شده است، و آن را تبدیل به آشپزخانه مسجد کرده‌اند و مدّتی نیز مورد بهره‌برداری قرار گرفته است؛ ولی اکنون زمینی که در جنب مسجد است، وقف آن مسجد شده و قرار است آشپزخانه مسجد شود. آیا جایز است آشپزخانه سابق را بفروشند و پول آن را صرف آشپزخانه جدید کنند؟

جواب: اگر وقف مسجد شده، فروختن آن جایز نیست؛ بلکه می‌توانند اجاره دهند و درآمد آن را صرف آشپزخانه جدید کنند، و اگر ملک مسجد است می‌شود آن را فروخت و صرف آشپزخانه جدید کرد.

تبدیل قبرستان به مسجد

سؤال ۲۰۲- یکی از روحانیّون اصفهان، بر روی بعضی از قبور تخت فولاد، مشغول ساختن مسجد است و برای ساختن مسجد مذکور، قبور بعضی از علمای بزرگ قریه خوراسگان را نیز صاف نموده است؛ آیا نماز خواندن در چنین مسجدی صحیح است؟
استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۹۲
جواب: در صورتی می‌توان قبرستان را تبدیل به مسجد کرد که در حال حاضر به هیچ وجه اجازه دفن در آنجا ندهند و ساختن مسجد موجب نبش قبر، مخصوصاً قبور علما نشود؛ ولی نماز خواندن در آن مسجد به هر حال جایز است.

مستحبّات و مکروهات مسجد

سؤال ۲۰۳- آیا استحباب آراستگی و خوشبو نمودن، در موقع حضور در مسجد، اختصاص به آقایان دارد، یا این که خانمها نیز در این حکم مشترک هستند؟
جواب: استعمال عطر، برای خواهران در خارج از منزل، طبق روایات اشکال دارد؛ ولی زینت‌هایی که آشکار نباشد، عیبی ندارد.
سؤال ۲۰۴- اگر شخصی در مسجد بخوابد و در حال خواب جنب شود، آیا گناه کرده است؟ تکلیف او چیست؟
جواب: با توجّه به این که یقین به این مسأله از قبل نداشته، گناهی نکرده است؛ ولی خوابیدن در مسجد مکروه است.
سؤال ۲۰۵- شنیده‌ایم کسی که سیر بخورد مکروه است به مسجد برود، آیا این مطلب صحّت دارد؟ در این صورت نماز خود را در منزل بخواند، و یا این که به مسجد برود؟ وظیفه او چیست؟
جواب: آری صحّت دارد و بهتر این است که نماز را در منزل بخواند.
سؤال ۲۰۶- مکروهات مسجد به چه معناست؟
جواب: در مورد عبادات به معنای «اَقَلُّ ثَوَاباً» «۱» می‌باشد، و در مورد اصل حضور در مسجد می‌تواند به معنای کراهت واقعی باشد.

---

(۱). یعنی ثواب آن کمتر است، نه این که مورد رضایت خداوند نباشد، مثلًا اگر ثواب کسی که سیر نخورده و در مسجد نماز می‌خواند، یکصد حسنه باشد، برای نمازگزاری که سیر خورده کمتر است.
استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۹۳

مسائل دیگر مسجد

سؤال ۲۰۷- تزیین مساجد در مراسم اعیاد و تولّد حضرات معصومین (علیهم السلام) با پرچمها و عکسها و کاغذهای رنگی و مانند آن، چه حکمی دارد؟
جواب: اگر تزییناتی باشد که ذاتاً حلال است و مزاحم نمازگزاران و منافی احترام مسجد نباشد، اشکالی ندارد؛ ولی از آوردن عکس به مساجد خودداری شود.
سؤال ۲۰۸- آیا قبول هدایای پادشاهان و دولتهای همسایه- که غالباً نیّت سوئی دارند- برای مسجد جایز است؟
جواب: قبول هدایا مانعی ندارد؛ مگر این که اثر سوئی برای اسلام و مسلمین داشته باشد.
سؤال ۲۰۹- اگر کسی فرشی را بخرد و بعد از خریدن ببیند در پشت آن نوشته شده است: «وقف مسجد امام حسین (علیه السلام)» و

او نداند که این مسجد کجاست، تکلیف او چیست؟

جواب: احتیاط آن است که تحقیق کند، اگر مسجدی در آن منطقه، یا در آنجا به نام امام حسین (علیه السلام) است، تحویل آنجا بدهد و اگر نیست به یکی از مساجد دیگر بدهد.

سؤال ۲۱۰- اگر انسان سهواً خسارتی به یک قسمت از مسجد وارد کند، آیا باید حتماً خسارت را جبران کند، اگر متولّی اجازه دهد که خسارت را نپردازد چه حکمی دارد؟

جواب: باید خسارت را جبران کند؛ مگر این که متولّی یا دیگری به جای او این کار را انجام دهد.

سؤال ۲۱۱- مسجد قدیمی کوچکی در محلّه ما وجود دارد که دیگر ظرفیّت جمعیّت محله را ندارد، و صاحبان زمین‌های اطراف آن حاضر نیستند جهت توسعه

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۹۴

مسجد، از زمین خودشان چشم بپوشند، لذا مردم در مکانی دورتر، مسجد وسیعی ساخته‌اند و آن مسجد قدیمی متروک شده است؛ وظیفه مردم نسبت به مسجد متروکه چیست؟

جواب: آن مسجد را باید حفظ کنند، هرچند کمتر در آن نماز خوانده شود.

سؤال ۲۱۲- آیا رفتن به مسجد با لباس نجس، برای غیر نماز، مثل مجلس ترحیم، حرام است؟

جواب: حرام نیست؛ مگر این که سرایت به مسجد کند.

سؤال ۲۱۳- آیا کفّارات را می‌شود صرف تعمیر مسجد نمود؟

جواب: کفّارات را باید به مستحقّین داد.

سؤال ۲۱۴- اگر کسی فرش یا لوازم دیگری را از سارقی بخرد و بعد معلوم شود از اموال مسجد بوده که سارق آن را به سرقت برده است، وظیفه او چیست؟

جواب: وظیفه او این است که آن وسایل را به مسجد بازگرداند، و اگر قدرت داشته باشد می‌تواند وجه خود را از سارق بازپس بگیرد.

سؤال ۲۱۵- برگزاری مجلس ترحیم اشرار و قاچاقچیانی که در درگیری کشته شده‌اند، در مسجد چه صورتی دارد؟

جواب: اشکال دارد؛ ولی برگزاری مجلس ترحیم برای کسانی که با حدود شرعیّه، یا قصاص، یا انتحار از دنیا رفته‌اند مانعی ندارد.

سؤال ۲۱۶- آیا مشورت کردن و جلب موافقت امام جماعت و متولّی مسجد، در امور تبلیغی که در مسجد انجام می‌شود، لازم است؟ و اگر مشورت نشود و یا موافقت آنها جلب نشود، موجب هتک حرمت آنهاست؟

جواب: در صورتی که تبلیغ مناسب مسجد باشد و مزاحم نمازگزاران نباشد، مشورت لازم نیست؛ ولی بهتر است که در این امور به امام جماعت مسجد احترام بگذارند و با او مشورت شود.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۹۵

سؤال ۲۱۷- با توجّه به التقاطی فکر کردن بعضی از افراد در دانشگاه‌ها، آیا ساخت مسجد در این مکانها ضروری نیست؟

جواب: بی‌شک وجود مساجد در دانشگاهها و در همه جا بسیار مؤثّر و مفید است، و علاقه‌مندان زیادی در دانشگاهها نسبت به مسجد وجود دارد، که با ایجاد آن گسترش خواهند یافت.

سؤال ۲۱۸- آیا اعتقاد به این که، مسجد مهم‌ترین پایگاه مذهبی مسلمانان است، از ضروریّات دین است؟ کسانی که «جمع خانه» و «خانقاه» را مهم‌تر از مسجد می‌دانند، حکمشان چیست؟

جواب: آنها یا منحرفند و یا در اشتباهند، و احترام به مسجد از ضروریّات دین است. و چیزی نباید جای مسجد را بگیرد.

سؤال ۲۱۹- از نظر احکام شرع، تغییر نام مسجد چه حکمی دارد؟ مثلًا در جایی که بانی مسجد نام خود را بر آن نهاده است، می‌توان نام آن مسجد را تغییر داد؟

جواب: هرگاه مسجد به نام شخص بانی یا افرادی مانند او بوده باشد و بخواهند آن را به نام امامان معصوم (علیهم السلام)، یا شخصیّتهای معروف اسلامی تغییر بدهند، اشکالی ندارد؛ ولی بهتر آن است که نام بانی را به عنوان بنا کننده، زیر نام مسجد بنویسند تا مردم برای او طلب مغفرت کنند؛ ولی اگر بر فرض در وقف مسجد نام خاصّی شرط شده، احتیاط حفظ آن نام است.

سؤال ۲۲۰- آیا باز کردن درب مساجد، در اوقات سه‌گانهٔ نماز واجب است؟ در صورتی که خادم و هیأت امنا کوتاهی کنند، چه باید کرد؟

جواب: باید در اوقات سه‌گانه، درهای مساجد باز باشد؛ مگر در مواردی که نمازگزاری در آنجا نباشد، یا به خاطر خلوت بودن مفسده‌ای مترتّب شود.

سؤال ۲۲۱- آیا پختن غذا در ایّام سوگواری، در پشت بام مسجد، جایز است؟

جواب: اگر ضرری به مسجد نزند و مزاحم نمازگزاران و همسایگان نباشد،

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۹۶

اشکال ندارد؛ ولی غالباً مزاحم و زیان‌آور است.

سؤال ۲۲۲- آیا نمازخانه داخل هواپیما و قطار، حکم مسجد را دارد؟

جواب: چنین محلّی حکم مسجد را ندارد؛ ولی وجود آن برای مسلمانان کار بسیار خوبی است.

سؤال ۲۲۳- نماز خواندن در مساجدی که وهّابیها در بعضی از مناطق شیعه‌نشین، برای ضدیّت با شیعه می‌سازند، چه صورتی دارد؟

جواب: اگر نماز خواندن در آنجا، باعث ترویج و تقویت وهابیّت بشود اشکال دارد.

سؤال ۲۲۴- آیا ساخت مساجد، با انگیزه‌های محلّی و طیفی و یا سیاسی، در نزدیک یکدیگر جایز است؟

جواب: ساختن مساجد نزدیک یکدیگر کار خوبی نیست و باید نیازها را در نظر بگیرند، و از کشاندن اختلافات به مساجد خودداری کنند.

سؤال ۲۲۵- آیا ساخت مناره و گلدسته برای مسجد ضروری است؟

جواب: ضروری نیست؛ ولی اگر باعث شکوه مسجد شود کار خوبی است.

سؤال ۲۲۶- اعلام اشیای گمشده و یا فروش اجناس، از بلندگوی مسجد چه حکمی دارد؟

جواب: اعلام اشیای گمشده مکروه است؛ ولی استفاده از بلندگوی مسجد، برای فروش اجناس، جایز نیست.

سؤال ۲۲۷- در فارس شهری است با جمعیّتی بالغ بر ۲۷۰۰۰ نفر، که جملگی شیعه اثنا عشری بوده و در امر دیانت و ارادت به خاندان عصمت و طهارت (علیهم السلام) زبانزد خاصّ و عام می‌باشند، به همین سبب این مردم خیّر در امر بنای ساختمانهای مذهبی و فرهنگی و مانند آن به حدّی تلاش داشته و دارند که نمونه آن کم است. از آن جمله ساخت بیش از ۵۹ مسجد کوچک و بزرگ و حسینیّه در

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۹۷

سطح شهر می‌باشد که در هر خیابان و کوچه‌ای حدّ اقل یک مسجد وجود دارد.

حال سؤال این است که با توجّه به جمعیّت محدود این شهر و کثرت بناهای مذهبی، آیا شایسته و سزاوار است که افراد خیّر این شهر برای ساخت مسجد، که بیش از نیاز شهر است، اقدام یا وصیّت نمایند، یا این که اصرار بر این امر خود مصداق اسراف است؟ این در حالی است که این شهر در زمینه‌های دیگر شدیداً محتاج امکانات و فضاهای مناسب می‌باشد.

جواب: در صورتی که به مقدار کافی در آن شهر مسجد ساخته شده، مؤمنین و مؤمنات به بناهای خیر دیگر، که مورد نیاز مردم است، بپردازند که إن شاء اللّه ثوابش کمتر از مسجد نخواهد بود، یا به مناطق محروم و نیازمند توجّه کنند.

اذان و اقامه

سؤال ۲۲۸- همان گونه که مستحضرید، روایات فراوانی در فضیلت مؤذّن، و اذان گفتن وارد شده است، که تنها در کتاب شریف وسائل الشّیعه، «۱» بیش از بیست روایت آمده است، در بین این روایات، چندین روایت به این مضمون: «مؤذّنین در روز قیامت نسبت به دیگران گردن بلندتری دارند» از ائمّه معصومین (علیهم السلام) نقل شده است، منظور از این روایات چیست؟ توضیح فرمایید.

جواب: ظاهراً این روایات اشاره به گردن فرازی مؤذّنان است، و کنایه از سربلندی آنهاست.

سؤال ۲۲۹- آیا اذان رادیو و تلویزیون و مانند آن، کفایت از اذان نماز می‌کند؟

جواب: کفایت نمی‌کند، باید برای نماز اذان جداگانه گفته شود.

سؤال ۲۳۰- آیا اذان و اقامه مردان و زنان مانند هم است، یا تفاوت دارد؟

جواب: تفاوتی با هم ندارد؛ ولی اگر زن مایل باشد، می‌تواند به جای اذان

---

(۱). وسائل الشّیعه، جلد دوّم، صفحه ۶۱۳.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۹۸

کامل، تنها چهار تکبیر و شهادتین را بگوید، و به جای اقامه دو تکبیر و شهادت به وحدانیّت خداوند و نبوّت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) بدهد.

سؤال ۲۳۱- در کشور پاکستان، کتابی به نام «اصلاح الرّسوم» که نویسنده آن یکی از روحانیّون شیعه می‌باشد، چاپ شده است؛ متأسّفانه در کتاب مذکور چیزهایی نوشته شده که موجب تضعیف مکتب تشیّع می‌باشد، مثلًا در صفحه‌ای از آن نوشته شده: «همان طوری که برادران اهل سنّت در اذان «الصلوة خیر من النوم» را اضافه کردند، برادران شیعه هم در اذان جمله «اشهد ان علیّاً ولی اللّه» را اضافه نمودند؛ وقتی که این کتاب در بازار پخش شد وهّابی‌ها بیشتر از شیعه این کتاب را خریدند، و انجمن سپاه صحابه، در دادگستری مرکزی پاکستان در لاهور، با استناد به این کتاب به شیعیان گفتند: باید جمله «اشهد ان علیّاً ولی اللّه» از اذان شیعه حذف شود؛ در بیان این مسأله، جمعیّت علمای جعفریّه، به دولت پاکستان اعلام کردند که مؤلّف این کتاب شیعه نیست و نظریّات او مورد قبول شیعیان نمی‌باشد؛ چون ما در مسائل دینی به مراجع تقلید رجوع می‌کنیم و به گفته آنها عمل می‌کنیم نظر حضرتعالی را جهت ارائه به دادگستری پاکستان خواهانیم.

جواب: شهادت به ولایت امیر مؤمنان (علیه السلام) در اذان و اقامه، به عنوان تیمّن و تبرّک، و به تعبیر دیگر، به عنوان استحباب مطلق نه جزئیّت، از مسائلی است که اکثر علمای شیعه و فقهای امامیّه به آن تصریح کرده‌اند و همان گونه که علّامه محقّق، مرحوم آیة اللّه العظمی حکیم در کتاب نفیس خود «مستمسک العروه» تصریح کرده، ذکر این شهادت از شعائر ایمان، و رمز تشیّع است، و از این جهت راجح، بلکه در بعضی از موارد ممکن است جنبه وجوب و لزوم پیدا کند، این نکته نیز لازم به تذکّر است که اتّحاد و وحدت صفوف مسلمین، اعمّ از شیعه و اهل سنّت، مفهومش این نیست که شیعیان آنچه را که مقتضای مذهبشان و فتوای فقهایشان می‌باشد کنار بگذارند، همان‌گونه که مذاهب چهارگانه اهل سنّت هر

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۹۹

کدام برای خود ویژگیها و خصوصیاتی دارند که پیروان هر مذهب اصرار به حفظ آن دارند؛ به هر حال نباید وسوسه‌های ناآگاهان سبب شک و تردید شود.

سؤال ۲۳۲- در حین قرائت اذان و اقامه، و قبل از شروع به ادای فریضه نماز یومیّه، کمی خم شدن از برای احترام به نبیّ مکرّم اسلام، حضرت محمّد مصطفی (صلی الله علیه و آله) به هنگام رسیدن به جمله «اشهد ان محمّداً رسول اللّه» چه حکمی دارد؟

جواب: در مورد خم شدن به هنگام بردن نام پیامبر (صلی الله علیه و آله) اگر گاهی انجام شود و گاهی ترک شود اشکالی ندارد؛ ولی اگر همیشه این کار را بکنند و به صورت یک وظیفه مستحب یا واجب منعکس شود، درست نیست.

سؤال ۲۳۳- با توجّه به این که در اذان، حدّ اقل ۶ مرتبه دعوت به نماز می‌شود، آیا گفتن «عجّلوا بالصّلاة» که در این روزها در مساجد متداول است، بدعت نیست؟

جواب: اگر جمله «عجّلوا بالصّلاة» به قصد ورود در شرع و به صورت جزئی از اذان گفته شود اشکال دارد؛ امّا اگر منظور تأکید بیشتر در تعجیل در نماز باشد و از آن جدا گردد اشکالی ندارد.

سؤال ۲۳۴- در سمنان مسجدی هست که در آن اذان را به صورت دسته‌جمعی (حدود ۲۰۰ نفر) و به اتّفاق و با صدای بلند می‌گویند، در این رابطه چند سؤال مطرح می‌باشد.

الف) آیا چنین اذانی در طول تاریخ وجود داشته است؟

ب) آیا در زمان پیامبر (صلی الله علیه و آله) و خلفاء اذان را این‌طور می‌گفتند؟ اگر چنین بوده، به عنوان وجوب یا مستحب، یا محض تقرّب بوده است؟

ج) آیا چنین اذانی در فقه بلامانع می‌باشد؟

جواب: آنچه از روایات و تاریخ استفاده می‌شود این است که اذان به صورت انفرادی بوده است، چنانچه همین سنّت رعایت شود و دیگران آهسته به قصد

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۱۰۰

حکایت آن را تکرار کنند، اقرب به احتیاط است.

سؤال ۲۳۵- بعضی از مراجع عظام، در سقوط اذان در نماز جماعت، سماع امام را شرط می‌دانند، نظر حضرتعالی چیست؟

جواب: این مسأله در روایاتی وارد شده که امام اذان را بشنود.

سؤال ۲۳۶- آیا می‌توانیم به وقت شرعی اذان که از طرف مؤسّسه ژئوفیزیک دانشگاه تهران، ارسال شده است، اعتماد نماییم؟ در این منطقه اذان ظهر و مغرب و صبح را بر مبنای افق استخراج شده از مؤسّسه ژئوفیزیک دانشگاه تهران، که مطابق با فتوای شما مجتهدین بزرگوار می‌باشد، گفته می‌شود. بعضی از آقایان که اذان مغرب و ظهر آن را قبول دارند، در مورد اذان صبح این مطلب را قبول ندارند و می‌گویند: «اذان صبح نباید طبق این تقویم گفته شود»، در حالی که با وجود این همه روشنایی لامپها، که در سطح شهر وجود دارد، پیدا کردن سپیده صبح مشکل می‌باشد. در این مورد وظیفه ما چیست؟

جواب: همین اندازه که گمان قوی، یا اطمینان بر دخول وقت حاصل شود، کافی است؛ از هر طریقی که باشد فرقی نمی‌کند.

سؤال ۲۳۷- فردی در مسجد محلّ ما مؤذّن دائمی است، اگر دیگری از بلندگوی مسجد اذان بگوید ایشان ناراحت شده و مانع این کار می‌شود؛ آیا ایشان حقّ منع دیگران را دارد؟

جواب: همه حق دارند در مسجد اذان بگویند و کسی نمی‌تواند دیگری را منع کند؛ ولی بهتر است رعایت احترام اذان گوی راتب بشود؛ مگر این که برای او مشکلی پیش آید.

سؤال ۲۳۸- ویژگیهای یک مکبّر خوب چیست؟ آیا لازم است بالغ باشد؟

جواب: مکبّر باید به مسائل نماز آگاه و فرد ظاهر الصّلاحی باشد و بهتر است از صدای مناسبی برخوردار باشد؛ ولی لازم نیست بالغ بوده باشد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۱۰۱

سؤال ۲۳۹- آیا به بهانه مزاحمت صدای بلندگوی مسجد، می‌توان از پخش اذان جلوگیری نمود؟

جواب: اگر بلندگو صدای معتدلی داشته باشد، جلو پخش اذان را نمی‌توان گرفت؛ حتّی اذان صبح را.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۱۰۲

واجبات نماز

۱- تکبیرة الاحرام

سؤال ۲۴۰- با توجّه به این که از مسأله ۸۷۷ رساله شما، برداشتهای مختلفی شده است، و به طرق گوناگون عمل می‌شود، لطف فرمایید این مسأله را تفسیر نمایید: «مستحب است در موقع گفتن تکبیرة الاحرام و سایر تکبیرهای نماز، دستها را تا مقابل گوش بالا ببرد».

جواب: مشهور در میان فقها این است که با حرکت دستها به طرف بالا «اللّه اکبر» شروع شود و هنگامی که دست به محاذی گوش، یا صورت می‌رسد، تکبیر پایان گیرد و فتوای ما نیز همین است.

۲- قرائت

سؤال ۲۴۱- آیا قرائت سوره‌های طولانی (مثل سوره بقره) در نمازهای واجب، سبب خروج از حالت نمازگزار نمی‌شود؟ حتّی اگر هر رکعت یک ساعت طول بکشد؟

جواب: سبب خروج از حالت نمازگزار نمی‌شود، و انتخاب این سوره‌ها گاه مستحب است.

سؤال ۲۴۲- آیا خواندن سوره‌هایی از قرآن از روی آن، در نمازهای واجب یا مستحب، جایز است؟

جواب: اشکالی ندارد؛ خواه نماز واجب باشد یا مستحب.

سؤال ۲۴۳- اگر کسی در رکعت دوّم، که وظیفه‌اش قرائت حمد و سوره است، اشتباهاً تسبیحات اربعه را بگوید و هنگام دخول در رکوع متوجّه شود، تکلیفش چیست؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۱۰۳

جواب: اشکال ندارد و بهتر است دو سجده سهو به جا آورد.

سؤال ۲۴۴- جهت صحیح بودن قرائت در نماز، آیا واجب است که کسره بسم اللّه یا موارد مشابه دیگر را که عربها آن را با صدای تقریباً (ای) ادا می‌کنند، مانند آنها ادا کرد؟ و یا با صدای کسره معمولی صحیح است؟

جواب: همین اندازه که قرائت از نظر عرف عرب صحیح باشد کافی است؛ هرچند مانند لهجه آنها نباشد.

سؤال ۲۴۵- شخصی از زمان تکلیف تا چندین سال به علّت نامساعد بودن محیط خانه، هیچ یک از فرایض دینی را انجام نداده است؛ به لطف خداوند متعال توبه کرده و از دو سال پیش شروع به انجام فرایض دینی نموده است، اکنون پس از گذشت دو سال متوجّه شده که نمازش اشکال دارد؛ یعنی حمد و سوره را درست نمی‌خوانده است، اکنون در حال یادگرفتن صحیح نماز می‌باشد؛ حکم نماز و روزه سالهای گذشته و دو سال اخیرش چه می‌باشد؟

جواب: بایـد تـدریجاً نماز و روزه‌ها را قضا کند و کفّاره بدهد و اگر قادر به کفّاره نیست مطابق مسأله ۱۴۰۲ رساله توضیح المسائل ما عمل کند؛ ولی نسبت به دو سال اخیر اگر تلاش خود را کرده، امّا اشتباه نموده است نمازش صحیح است و قضا لازم ندارد.

سؤال ۲۴۶- بیماری که فقط با استفاده از پای مصنوعی، قادر به ایستادن است، وظیفه‌اش در موارد زیر چیست؟

الف) آیا برای نماز خواندن لازم است حتماً از پای مصنوعی استفاده نماید، و یا می‌تواند نشسته نماز بخواند؟

جواب: اگر عسر و حرج لازم نیاید ایستاده نماز بخواند.

ب) اگر ایستادن لازم است، تکلیف نمازهایی که در حالت نشسته خوانده چیست؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۱۰۴

جواب: چنانچه جاهل قاصر بوده نمازهای او صحیح است.

سؤال ۲۴۷- اهل تسنّن در نماز بعـد از کلمه «و لا الضّالّین» آمّین می گوینـد؛ ولی شـیعیان «الحمد لله» می گویند، به نظر می‌آید گفته آنها درست باشد، نظر شما چیست؟

جواب: در احکام شـرع نبایـد تابع ذوق و اسـتحسان بود؛ بلکه باید تابع کلمات معصومین (علیهم السـلام) باشـیم و معصومین (علیهم السلام) فرموده‌اند: «الحمد لله» بگویید و آمّین نگویید؛ چرا که نماز را باطل می کند.

سؤال ۲۴۸- اخیراً معمول شده که در نمازهای یومیّه ظهر و عصر، تنها حمد و سوره را آهسته قرائت می کنند و بقیّه اجزای نماز (مثل ذکر رکوع و سجود و تشهد و سلام) را با صدای بلند می‌خوانند، آیا این طور نماز خواندن جایز است؟

جواب: در نماز ظهر و عصر، تنها آهسته خواندن حمد و سوره واجب است و در بقیّه مختار است.

سؤال ۲۴۹- برخی از نمازگزاران «کُفُواً احد» را، با همزه و بدون واو قرائت می کنند، همچنین در سوره قدر روی «بِاذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ کُلِّ امْر سَلامٌ » ... وقف می‌نماینـد، زیرا در بعضـی از قرآنهـا روی این کلمه (سـلام) علامـت «وقف کردن بهتر است» نهـاده شـده و در بعضی روی کلمه «امر» علامت وقف دیده می‌شود، بفرمائید کدام یک صحیح است؟

جواب: احتیاط آن است که «کُفُواً احـد» را آن طور که مشـهور است با «واو» بخوانند، و در وقف آیه مزبور، روی کلمه «امر» توقّف کنند.

سؤال ۲۵۰- بـا توجّه به این که در نمـاز ظهر و عصـر، خوانـدن حمـد و سوره به صورت اخفات واجب است؛ چنانچه شخصـی برای تعلیم در حین نماز، به صورت جهر بخواند، چه حکمی دارد؟

جواب: جایز نیست و باید برای تعلیم از طرق دیگر استفاده کند.

سؤال ۲۵۱- اگر کسی در تعداد تسبیحات اربعه شک کند چه باید بکند؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۱۰۵

جواب: اگر به رکوع نرفته بنا را بر کمتر می گذارد و آن را تکمیل می کند؛ هرچند به فتوای ما یک تسبیح کافی است.

سؤال ۲۵۲- برخی از مؤمنین نمـازگزار، نمازهـای صـبح و مغرب و عشـای خـود را آهسـته می‌خواننـد و علّت آن را شـرم و حیـا و خجالت بیان می کنند، آیا شرم و حیا مجوّز آهسته خواندن این نمازها برای مردان می‌شود؟

جواب: هرگز مجوّز نیست باید بلند خواند، و این حیا، حیای جاهلانه است نه حیای عاقلانه.

سؤال ۲۵۳- لطفاً نظرتان را پیرامون قرائت قرآن، که همراه با ریا و خودنمایی باشد بیان فرمایید.

جواب: حرام است؛ ولی اگر قرآن را با صدای خوب برای تحسین شنوندگان بخواند جایز است.

۳- رکوع

سؤال ۲۵۴- تکلیف بیماری که نمی‌تواند به مقدار رکوع، در حالت رکوع باقی بماند (یعنی تنها قسمتی از ذکر را می‌تواند در حالت رکوع بگوید)، چیست؟

جواب: همان مقدار که می‌تواند بگوید؛ مثلًا یک سبحان اللّه.

سؤال ۲۵۵- آیا در نماز، به جای ذکرهایی که معمول است و در رساله‌های عملیّه نیز آمده است، می‌توان ذکرهایی را که در بعضی از احادیث وارد شده، گفت؟ مانند حدیث محمّد بن مسلم از امام صادق (علیه السلام) «۱» که مأموم بعد از این ذکر امام: «سَمِعَ اللّٰهِ لِمَنْ حَمِدَهُ»، بگوید: «رَبَّنا وَ لَکَ الْحَمْدُ».

جواب: گفتن هر گونه ذکر خداوند در نماز، به قصد ذکر مطلق جایز است.

---

(۱). وسائل الشّیعه، جلد ۴، ابواب الرّکوع، باب ۱۷، حدیث ۴. البتّه طبق این روایت، ذکر مزبور در صورتی گفته می‌شود که نماز جماعت باشد، ولی اگر به صورت فرادی نماز می‌خواند این ذکر را بگوید: «سَمِعَ اللّه لِمَن حَمِدَه الحمد للّه ربّ العالمین».

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۱۰۶

۴- سجده

سؤال ۲۵۶- در مساجد و مکانهایی که نماز جماعت برگزار می‌شود و امکان مهر گذاشتن نیست و یا این که مهر پیدا نمی‌شود، آیا می‌شود به سنگ مرمر و یا موزاییک سجده کرد؟

جواب: سجده بر سنگ مرمر در هر حال جایز است و همچنین بر موزاییک، خواه دسترسی به مهر باشد یا نه.

سؤال ۲۵۷- اگر عمداً ذکر رکوع یعنی (سُبحانَ رَبِّیَ الْعَظیمِ وَ بِحَمْدِه) را در سجده بگوییم، کفایت می‌کند؟ عکس آن چه حکمی دارد؟

جواب: بنا بر احتیاط واجب کفایت نمی‌کند.

سؤال ۲۵۸- اگر بچّه نابالغی، یکی از سوره‌هایی که سجده واجب دارد را بخواند، آیا بر شنوندگان سجده واجب می‌شود؟

جواب: آری واجب است، فرقی میان بالغ و نابالغ نمی‌کند.

سؤال ۲۵۹- اگر نمازگزار در حین انجام نماز بشنود که خواننده‌ای آیات سجده را تلاوت می‌نماید، وظیفه‌اش چیست؟

جواب: احتیاط آن است که سجده واجب را بجا آورد و برخیزد و نماز را تمام کند و بعداً اعاده کند.

سؤال ۲۶۰- یک نفر در زمان عادی (غیر از زمان حجّ) پشت سر امام جماعت اهل سنّت به نیّت فرادا نماز می‌خواند؛ ولی گاهی به چیزی سجده می‌کند که در فقه جعفری سجده بر آن جایز نیست، آیا اعاده نماز لازم است؟

جواب: در صورتی که جنبه تقیّه داشته باشد، نمازش صحیح است.

سؤال ۲۶۱- منظور از سجده کردن بر کاغذ، آیا کاغذهای سفید است، یا می‌توان بر کاغذهای رنگی و کاغذی که نوشته دارد نیز سجده کرد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۱۰۷

جواب: مانعی ندارد، بر همه اینها می‌توان سجده کرد؛ حتّی در حال اختیار.

سؤال ۲۶۲- برادران شیعه در نماز جماعت اهل سنّت نیز شرکت می‌نمایند؛ گاه دیده شده که امام جماعت در حین قرائت، آیه سجده را تلاوت می‌کند و خود و تمامی نمازگزاران به سجده می‌روند و شیعیان هم همراهی کرده به سجده می‌روند، آیا این سجده اضافی باعث بطلان نماز آنها نمی‌شود؟

جواب: احتیاط آن است که نماز را بعداً اعاده کنند.

۵- تشهّد

سؤال ۲۶۳- اگر در تشهّد نماز، صلوات این گونه خوانده شود: «اللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّد وَ آلِ مُحَمَّد وَ عَجِّلْ فَرَجَ آلِ مُحَمَّد» نماز باطل می‌شود؟

جواب: احتیاط آن است که این کار را نکنند و مطابق آنچه در رساله‌ها آمده است عمل نمایند.

قنوت نماز

سؤال ۲۶۴- در قنوت، معتبر است که نمازگزار دستها را تا مقابل صورت بلند کند؛ لطفاً بفرمایید: منظور از مقابل صورت چیست؟

جواب: منظور این است که کف دستها به سوی آسمان و خود دستها محاذی با صورت باشد.

سؤال ۲۶۵- آیا دعا کردن به غیر عربی در نماز واجب جایز است؟ شعر خواندن در قنوت نمازهای واجب و مستحب چطور است؟

جواب: دعا به غیر عربی در نماز اشکال دارد و احتیاط آن است که از شعر هم بپرهیزند.

سؤال ۲۶۶- اگر در قنوت یا سجده، برخی از فرازهای دعا را تکرار کنیم، نظیر این

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۱۰۸

که در دعای «اللّهُمَّ اجْعَلْ مَحْیایَ مَحْیا محمّد وَ آلِ محمّد وَ مَماتِی مَماتَ مُحمّد و آلِ محمّد»، فراز «مَماتِی مَماتَ مُحمّد و آلِ محمّد» را دو بار، یا بیشتر تکرار کنیم جایز است، یا اشکال دارد؟

جواب: اشکالی ندارد، همه اینها دعاست.

سؤال ۲۶۷- حقیر در نمازهای واجب و مستحبّ به اشخاص بیمار، زندانی و گرفتار دعا می‌کنم. آیا به این روش دعا کردن اشکالی در نماز ایجاد نمی‌کند، مثلًا در قنوت عرض می‌کنم: «اللّهُمَّ فُکَّ کُلَّ مَحْبُوس» یا «اللّهُمَّ فُکَّ وَلَدی احْمَدَ مِنَ السِّجْنِ» یا «اللّهُمَّ اشْفِ بِنْتِی الْمَریضَةَ»؟

جواب: دعا برای اشخاص به زبان عربی در نماز واجب و مستحب، اشکال ندارد.

مبطلات نماز

سؤال ۲۶۸- این جانب مدّتی در نماز، سوره قدر را می‌خواندم و کلمه «مَطْلَع» را به ضمّ میم خوانده‌ام؛ چون در مفاتیح من این طور نوشته بود، آیا نمازهایم درست بوده است؟

جواب: چون مقصّر نبوده‌اید نماز شما صحیح است و قضا ندارد؛ ولی بعد از این مراقب باشید.

سؤال ۲۶۹- اگر انسانی در حال نماز فراموش کند آدامس در دهان اوست (آدامسی که مزه‌ای ندارد)، آیا باید نماز را بشکند یا ادامه دهد؟ و بطور کلّی، اگر انسان در حال نماز سقّز یا آدامسی را که شیرینی آن از بین رفته در دهان داشته باشد، ولی نخورد، آیا نمازش باطل است؟

جواب: نماز باطل نیست.

سؤال ۲۷۰- آیا جواب سلام، در صورتی که به غیر زبان عربی باشد (مثلًا

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۱۰۹

انگلیسی)، واجب است؟

جواب: آری واجب است.

سؤال ۲۷۱- جواب دادن سلامی که در نامه می‌باشد چه حکمی دارد؟

جواب: احتیاط آن است که جواب داده شود.

سؤال ۲۷۲- اگر کسی وارد مسجد شود و سلام کند، و همه مشغول نماز باشند، جواب سلام بر چه کسی لازم است؟ در صورتی که هیچ کس جواب سلام را ندهد، وضعیّت نماز این عدّه چگونه خواهد بود؟

جواب: بر یکی از آنها به عنوان واجب کفایی «۱» جواب سلام لازم است و اگر هیچ کس جواب ندهد، همه معصیت کرده‌اند؛ ولی نمازشان صحیح است.

سؤال ۲۷۳- گذاشتن «ناس» «۲» در دهان، به هنگام نماز چه صورتی دارد؟

جواب: اشکال دارد، و خوردن ناس با توجّه به ضررهای فراوان آن در غیر نماز هم اشکال دارد.

سؤال ۲۷۴- ما همیشه نماز مغرب و عشا را در مسجد جامع برگزار می‌کنیم، امّا نه به جماعت (چون امام جماعت نداریم)، در حین نماز، افرادی که وارد مسجد می‌شوند «سلام» می‌کنند و چون پاسخ سلام، یک امر واجب کفایی است و شخص سلام‌کننده باید پاسخ را به گونه‌ای بشنود که آن را پاسخ خود تلقّی کند، و از طرفی در شرایطی که ما نماز را بجا می‌آوریم، اگر برای پاسخ دادن، صدایمان را بیش از حدّ معمول بلند کنیم، موجب از بین رفتن حالت روحانی نماز و تمرکز حواس در این فریضه مقدّس می‌شود، لذا اطّلاعیّه‌ای به این مضمون نوشته‌ایم: «لطفاً در صورتی که نمازگزاران در حال نمازند، سلام نکنید». امّا این امر باعث حساسیّت بعضی از مؤمنین شده است. لطفاً بفرمایید این کار چه حکمی دارد؟

---

(۱). منظور از واجب کفایی این است که اگر یک نفر آن عمل واجب را انجام بدهد، کفایت می‌کند و از بقیّه ساقط می‌شود. بر خلاف «واجب عینی» که بر تک تک مکلّفین واجب است.

(۲). «ناس» نوعی مواد مخدّر خفیف است که بیشتر در افغانستان مورد استفاده قرار می‌گیرد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۱۱۰

جواب: بسیاری از فقها گفته‌اند: «سلام کردن بر نمازگزار مکروه است «۱»»، بنابراین اطّلاعیّه مزبور بد نیست.

سؤال ۲۷۵- آیا شکّ بعد از سلام نماز مغرب، در صورتی که یک طرف شک باطل نباشد (مثل شک بین دو و چهار)، نیز از شکهایی است که نباید به آن اعتنا کرد؟

جواب: شک بعد از سلام اعتباری ندارد، به شرط این که یک طرف آن صحیح باشد.

سؤال ۲۷۶- در خارج شدن از حالت کثیرالشّک در نماز فرموده‌اند: «اگر در سه نماز پی‌درپی شک نکند از حالت کثیرالشّک خارج می‌شود» آیا باید حتماً نماز یومیّه باشد؟ یا این که اگر در سه نماز قضای پی‌درپی، یا سه نماز مستحبّی پی‌درپی نیز شک نکند، از حالت کثیرالشّک خارج می‌شود؟

جواب: معیار این است که عرفاً بگویند او دیگر کثیرالشّک نیست و مادام که این موضوع ثابت نشود حکم حالت سابق باقی است.

سؤال ۲۷۷- اگر نمازگزار در حال قیام، شک بین سه و چهار کند و بعد از شک یادش بیاید که در رکعت قبل یک سجده را فراموش کرده تکلیفش چیست؟

جواب: نماز او باطل است و باید آن را رها کرده از نو شروع کند.

سؤال ۲۷۸- اگر کسی در حال نماز شک کند نمازی که می‌خواند نماز ظهر است یا عصر، و یا مغرب است یا عشا، تکلیف چیست؟

جواب: در صورت اوّل به نیّت نماز ظهر، و در صورت دوّم به نیّت نماز مغرب، نماز را تمام می‌کند، سپس نماز بعدی را به جا

می آورد.

نماز احتیاط

سؤال ۲۷۹- اگر کسی مثلًا نماز ظهر را بخواند و شکّی بر او عارض شود که موجب

(۱). عروة الوثقی، جلد اوّل، مبطلات الصّلاة، مسأله ۲۹.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۱۱۱

نماز احتیاط بوده است؛ ولی از روی فراموشی، بدون این که نماز احتیاط را بخواند، نماز بعدی را شروع کند و در حال نماز بعدی متذکّر شود که نماز احتیاط را نخوانده است، تکلیف او چیست؟ آیا در نماز دوّم فرقی بین نماز فریضه و نافله هست؟ تفصیل مسأله را بیان فرمایید.

جواب: اگر وارد نماز نافله یا فریضه غیر مترتّبه شده است، آن را پایان می‌دهد و به آخر می‌رساند، سپس نماز اوّل را اعاده می کند، و اگر وارد فریضه مترتّبه شده و محلّ عدول نگذشته، احتیاطاً عدول می کند و نماز را تمام کرده سپس اعاده می‌نماید، و اگر محلّ عدول گذشته آن را قطع می کند و نماز اوّل را اعاده می‌نماید.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۱۱۲

نماز مسافر

کثیرالسّفر

سؤال ۲۸۰- تکلیف روزه و نماز کارمندی که محلّ کارش خارج از شهر محلّ سکونت او می‌باشد، و به ناچار هر روز بیش از چهار فرسنگ راه می‌پیماید چیست؟ آیا این شخص حکم دائم السّفر را دارد؟

جواب: حکم دائم السّفر را دارد.

سؤال ۲۸۱- کسی که قاری قرآن است و دائماً جهت قرائت به شهرهای مختلف دعوت می‌شود، تکلیف نماز و روزه‌اش چیست؟

جواب: نماز و روزه او تمام است.

سؤال ۲۸۲- استاد یا دانشجوی دانشگاه اهواز، شهرکی در ۴۵ کیلومتری اهواز مسکن اوست و هر روز در این مسیر برای تحصیل یا تدریس رفت و آمد می کند.

الف) با توجّه به این که هیچ کدام از این دو مکان وطنش نیست، نمازش چه حکمی دارد؟

جواب: نماز و روزه آنها در هر دو محل و در اثنای راه کامل است.

ب) در فرض بالا- با توجّه به این که بین وطنش و این دو محل، یعنی شهرك محلّ سکونت و اهواز که محلّ کارش است، بیش از مسافت شرعی فاصله است، اگر آخر هر هفته برای سرکشی اقوامش به وطنش برود، در بین راه نمازش چه حکمی دارد؟ اگر ابتدای حرکتش به طرف وطن از محلّ کار (اهواز) باشد، یا محلّ سکونت (شهرك) آیا در حکم تأثیری دارد؟

جواب: نماز و روزه او در بین راه در هر حال شکسته است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۱۱۳

ج) اگر در فرض بالا که رفتن به سوی وطن سفر غیر شغلی است و نماز او قصر است موقع برگشت از وطن به طرف محلّ سکونت

(شهرک) یا محلّ شغل (اهواز) آیا این سفر، سفر شغلی حساب می‌شود؟ آیا نماز او کامل است؟ و اگر در وطن ده روز بماند، آیا سفر اوّل شغلی برای کامل بودن نماز کفایت می‌کند یا از سفر دوّم نمازش کامل است؟

جواب: در راه بازگشت از وطن، احتیاطاً جمع بخواند؛ ولی اگر ده روز توقّف کرده، شکسته است.

د) اگر موقع برگشت از وطن، هنوز وقت تحصیل و تدریس نباشد، (مثلًا دانشگاه دو یا سه روز تعطیل باشد) و این فرد جهت مطالعه و آماده شدن برای تحصیل و تدریس به محلّ سکونت (شهرکی که با محلّ کار به اندازه مسافت شرعی فاصله دارد)، بیاید آیا این سفر شغلی حساب می‌شود، تا در بین راه و محلّ سکونت نمازش کامل باشد؟

جواب: در هر دو محل نماز او تمام است.

سؤال ۲۸۳- اگر کثیرالسّفر، سفر غیر شغلی بکند، آیا بعد از رجوع به سفر شغلی، در همان سفر شغلی اوّل نمازش کامل می‌شود، یا از سفر دوّم به بعد؟ و آیا اقامه ده روز در وطن و غیر وطن، در کامل خواندن نماز در سفر اوّل یا دوّم نقشی دارد؟

جواب: اگر اقامه ده روز نکند، از همان سفر اوّل نماز و روزه‌اش کامل است.

سؤال ۲۸۴- آیا کثیرالسّفر بلافاصله بعد از شروع به کار باید نمازش را کامل بخواند؟ یا بعد از گذشتن مدّتی از شروع کار که عرفاً کثیرالسّفر صدق بکند؟

جواب: بعد از چند سفر که عرفاً صدق کثیرالسّفر کند، و در چند سفر اوّل احتیاط کند.

سؤال ۲۸۵- پرستار بیمارستان که مأمور است همراه مریض به شهرستانهای همجوار اعزام شود، گاهی اتّفاق می‌افتد در یک هفته ۱۰ مورد هم اعزام می‌شود و

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۱۱۴

گاه هم ممکن است در یک هفته اصلًا اعزام نشود، نماز و روزه او به چه صورت است؟

جواب: اگر بیشتر هفته‌ها اعزام می‌شود و اعزام بطور مکرّر است، نماز و روزه او تمام است، در غیر این صورت نماز و روزه او شکسته است.

سؤال ۲۸۶- روحانیّونی که فقط در ماه مبارک رمضان، هر روز بین دو محلّ تبلیغی، که فاصله آن بیش از مسافت شرعی است، رفت و آمد می‌کنند، نماز و روزه آنها چه حکمی دارد؟ و بطور کلّی معیار کثیرالسّفر چیست؟

جواب: ظاهراً کثیرالسّفر بودن در یک ماه برای اتمام نماز و روزه کافی است.

کسانی که شغل آنها در سفر است

سؤال ۲۸۷- دانشجویی در شهری مشغول تحصیل است، بین وطنش تا آن شهر سی، یا چهل کیلومتر، یا بیشتر فاصله است، حکم نماز و روزه او را در موارد زیر بیان فرمایید.

الف) قصد دارد هر روز برای تحصیل در این مسیر تردّد بکند.

جواب: نماز و روزه‌اش کامل است.

ب) قصد دارد هفته‌ای یک بار در این مسیر تردّد بکند؛ یعنی اوّل هر هفته برای تحصیل به آن شهر می‌رود و آخر هفته به وطن خود بر می‌گردد.

جواب: نماز و روزه او در دو محل کامل است؛ ولی در اثنای راه شکسته است.

ج) این دانشجو از وطنش اعراض کرده و هنوز وطنی اختیار نکرده است و هر روز یا هر هفته بین وطن سابق و اهواز تردّد می‌کند، آیا حکم کثیرالسّفر را دارد؟

جواب: حکم کثیرالسّفر را دارد.

د) استاد یا دانشجوی مذکور، در هفته پنج روز را مثلًا در اهواز تحصیل و یا

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۱۱۵

تدریس می‌کند، و دو روز بقیّه هفته را برای ادامه تحصیل به قم می‌رود، با فرض این که نه قم وطنش است نه اهواز، حکمش چیست؟ آیا هر دو محل در حکم وطن اوست؟

جواب: اهواز در فرض بالا وطن اوست؛ ولی قم به حکم وطن او نیست.

ه-) در این فروض حکم نماز همسر و فرزند این استاد و دانشجو چیست؟ اگر آنها هم همراه پدر یا همسر در این مسافرتها باشند، حکم کثیرالسّفر را دارند؟ اگر مسأله برعکس باشد، یعنی شوهری به خاطر شغل خانمش مجبور به تردّد بین وطن و محلّ تحصیلش باشد، چه حکمی دارد؟

جواب: اگر برنامه رفت و آمد هر دو یکسان باشد، حکم آنها نیز یکسان است.

سؤال ۲۸۸- آیا حضرتعالی بین کسی که شغل او سفر است (مانند راننده) و کسی که شغل او در سفر است (مانند کارمندان، سربازان، معلّم‌ها، کارگران، طلّاب و مانند آنها) تفاوتی قائل هستید؟ و بطور کلّی حکم نماز و روزه افراد در سفر چیست؟

جواب: هیچ تفاوتی بین آنها نیست و نماز و روزه آنها کامل است.

وطن

سؤال ۲۸۹- نماز و روزه طلبه‌ای که در شهر دیگری، غیر از وطنش درس می‌خواند، و نمی‌تواند قصد ده روز کند، و هر چهارشنبه به وطن خویش بازمی‌گردد، شکسته است یا تمام؟

جواب: اگر این کار برای مدّت طولانی، مانند یک سال یا بیشتر ادامه یابد، محلّ تحصیل در حکم وطن اوست و نماز و روزه‌اش در هر دو محل تمام است.

سؤال ۲۹۰- مأموران دولتی که در خارج از وطن و مسافت شرعیّه اشتغال به کار دارند، آیا محلّ کار، وطن آنها محسوب می‌شود؟ در صورتی که نمی‌دانند چه مدّتی در آنجا می‌مانند؟ نماز آنها در ابتدای مأموریّت چه حکمی دارد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۱۱۶

جواب: اگر برای مدت طولانی (مثلًا یک سال یا بیشتر) در آن محل می‌مانند به حکم وطن آنهاست.

سؤال ۲۹۱- آیا بدون قصد توطّن امکان دارد محلّی حکم وطن را پیدا کند؟ مثلًا استاد یا طلبه‌ای ده سال است که بدون قصد توطّن مقیم اهواز یا قم شده است و مشغول تحصیل یا تدریس است؛ آیا قم یا اهواز برای فرد مذکور حکم وطن را دارد؟

جواب: چنین اقامتگاهی حکم وطن را دارد.

سؤال ۲۹۲- زنی به عقد دائم مردی که از شهرستان دیگری است درآمده، آیا قبل از آغاز زندگی مشترک، شهرستان شوهر وطن زن محسوب می‌شود؟

جواب: وطن او محسوب نمی‌شود.

مسائل دیگر نماز مسافر

سؤال ۲۹۳- نماز مسافر را چگونه نیّت کنیم؟

جواب: نیّت خاصّی ندارد، همین که نماز چهاررکعتی را دو رکعت بخوانید، نماز مسافر محسوب می‌شود؛ حتّی اگر نیّت تمام کنید

و قبل از پایان دو رکعت یادتان بیاید و نیّت را برگردانید کافی است.

سؤال ۲۹۴- دختری شوهر کرده و در شهر دیگری که بیش از چهار فرسخ شرعی از وطنش فاصله دارد، در منزل شوهرش زندگی می‌کند، زمانی که به صورت متعارف، جهت صله ارحام و دید و بازدید به دیدن پدر یا مادر و خویشان به منزل پدری مراجعه می‌کند، اگر توقّفش کمتر از ده روز باشد، نماز و روزه‌اش چگونه است؟ اگر این دختر فرضاً ملکی هم در شهر پدری داشته باشد حکم تغییر می‌کند؟

جواب: اگر دختر تصمیم دارد با شوهر خود در شهر دیگری زندگی کند و قصد بازگشت برای اقامت مستمرّ به شهر پدری ندارد، نماز و روزه‌اش شکسته است، زیرا اعراض حاصل شده است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۱۱۷

سؤال ۲۹۵- بیماری در شهرستانی غیر از وطن خود بستری است و مدّت یک ماه از بستری شدنش می‌گذرد و مشخّص نیست چه مدّت دیگر زمان درمان طول خواهد کشید، تکلیف نماز و روزه این شخص چیست؟

جواب: بعد از گذشت یک ماه نماز و روزه‌اش تمام است.

سؤال ۲۹۶- کسی که قصد سفر به قلّه‌ها و کوه‌های بلند و مرتفع را دارد، با توجّه به این که مسیر او گاهی بیش از مسافت شرعی است، اگر شهر خود را ببیند حکم نماز و روزه او چیست؟

جواب: اگر به اندازه‌ای دور شود که صدای اذان شهر را نشنود، از حد ترخّص گذشته است و اگر شرایط دیگر سفر در آن جمع باشد نماز و روزه‌اش شکسته است.

سؤال ۲۹۷- مسافت شرعی را از کجا حساب می‌کنند؟ مخصوصاً با توجّه به این که امروزه در اطراف اکثر شهرها، شهرکها یا کارخانجاتی احداث شده است، آیا آنها هم جزء شهر حساب می‌شوند؟

جواب: شهرکها و کارخانجات اطراف شهر که جدا هستند، جزء شهر محسوب نمی‌شوند.

سؤال ۲۹۸- مسافت بین دو شهر به صورت مارپیچ، ۵۰ کیلومتر و به خط مستقیم، ۲۰ کیلومتر است، حکم نماز و روزه چگونه است؟

جواب: از هر مسیری که برود حکم همان مسیر را دارد.

سؤال ۲۹۹- اگر کسی فرضاً ساعت ۸ صبح به مسافرت رفته و قرار است ساعت ۲/ ۵ بعد از ظهر به منزل برگردد، آیا این شخص نماز واجبش (یعنی ظهر و عصر) را به صورت شکسته در محلّ سفر بخواند، یا این که در ساعت ۲/ ۵ بعد از ظهر در منزل خودش کامل بخواند؟ کدام مقدّم است؟

جواب: اگر در سفر بخواند شکسته است و اگر در منزل بخواند تمام است و

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۱۱۸

نماز اوّل وقت مقدّم است.

سؤال ۳۰۰- مردی در حین سفر، نماز را با انگشتر طلا- خوانده است حکم نماز او چگونه است؟ اگر قرار است قضا نماید، آیا به همان صورت شکسته بخواند؟ با توجّه به این که حکم حرمت طلا را برای مرد می‌دانسته و عمداً با آن نماز خوانده است.

جواب: باید نماز را به صورت شکسته قضا کند.

سؤال ۳۰۱- زائرانی که در ماه مبارک رمضان به عمره مشرّف می‌شوند، اگر شب به مدینه و یا مکّه برسند، قصد اقامه عشره کرده و روزه می‌گیرند و مشکلی ندارند؛ ولی اگر در بین روز رسیدند، آیا از همان ساعتی که می‌رسند، باید ده روز را به حساب آورند، یا این که ده روز کامل مراد است و شبها به حساب نمی‌آید؟

جواب: از همان لحظه ورود حساب می‌کنند و معیار ۱۰ روز؛ است یعنی اگر ظهر روز اوّل ماه وارد شده‌اند، ظهر روز یازدهم ۱۰

روز کامل می‌شود و کافی است.

نماز استیجاری

سؤال ۳۰۲- کسی، شخصی را اجیر می‌کند تا نماز قضای پدر او را بخواند، آیا می‌تواند شرط کند که باید نماز را در مسجد بخواند؟

جواب: اگر شرط کند باید به شرط عمل شود.

سؤال ۳۰۳- شخصی برای انجام یک سال نماز و روزه مرحوم زید اجیر شده است؛ ولی زمان مشخّصی برای انجام این کار تعیین نشده است و اکنون سالها از زمان اجاره می‌گذرد و اجاره دهنده نیز فوت کرده است، آیا مستأجر مرتکب گناهی شده است؟ فعلًا وظیفه او چیست؟

جواب: مستأجر مرتکب خلاف شده است؛ ولی اکنون باید وظیفه خود را انجام دهد، و اگر دسترسی به دهندگان پول دارد، از آنها نیز احتیاطاً اجازه بگیرد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۱۱۹

سؤال ۳۰۴- برخی از فقها گرفتن اجرت بر عبادات استیجاری را مشکل می‌دانند، نظر حضرتعالی چیست؟ اگر اشکال دارد راه حل آن چیست؟

جواب: در مورد حجّ استیجاری مشکلی نیست؛ چون روایات متعددی از معصومین (علیهم السلام) در این زمینه وارد شده است؛ ولی در سایر عبادات مانند نماز و روزه خالی از اشکال نمی‌باشد؛ چون در هیچ یک از روایات اشاره‌ای به استیجار برای نماز و روزه دیده نمی‌شود؛ امّا اظهر بر حسب قواعد عامّه صحّت آن است.

نماز قضا

اشاره

سؤال ۳۰۵- تفاوت نماز قضا و روزه قضا را بیان فرمایید.

جواب: قضای نماز با قضای روزه تفاوتهایی دارد، که به برخی از آنها، بطور اختصار اشاره می‌شود.

الف) نمازهایی که زن در حال عادت ماهانه نخوانده قضا ندارد؛ امّا قضای روزه ایّام عادت، در ماه مبارک رمضان لازم است.

ب) کسی که روزه قضا دارد، جایز نیست روزه مستحبّی بگیرد؛ ولی اگر نماز قضا داشته باشد، می‌تواند نماز مستحبّی بخواند.

ج) قضای نماز را نباید طوری تأخیر انداخت که بی‌اعتنایی به آن بشود؛ ولی اگر تأخیر بیندازد کفّاره ندارد؛ امّا قضای روزه ماه مبارک رمضان را باید پیش از رسیدن ماه مبارک رمضان سال بعد انجام دهد و چنانچه به تأخیر اندازد باید هم قضا کند و هم کفّاره مُدّ طعام بدهد.

د) در نماز قضا باید از اوّل نماز نیّت داشته باشد؛ لکن این امر در روزه قضا لازم نیست، بنابراین در روزی که هیچ قصد روزه نداشته و مفطری بجا نیاورده؛ می‌تواند قبل از ظهر قصد روزه قضا بنماید.

ه‍) کسی که به خاطر مریض بودن نتواند در ماه رمضان روزه بگیرد و بعد از آن

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۱۲۰

هم به خاطر مریضی تا ماه رمضان بعد نتواند روزه را قضا کند، روزه از او ساقط است و باید کفّاره مدّ طعام بدهد؛ امّا قضای نماز

در هر صورت لازم است (ایستاده، نشسته، با وضو، با تیمّم)؛ اگر چه سالها گذشته باشد.

و) کسی که در شب ماه رمضان تفحّص کند و معتقد شود که صبح نشده و مشغول خوردن سحری شود، اگر بعداً معلوم شود که همان وقت صبح بوده و اشتباه کرده، روزه او صحیح است و قضا ندارد؛ امّا اگر پیش از وقت به گمان این که صبح شده شروع به نماز کند و در بین نماز وقت داخل نشود، باید نماز را از سر بگیرد.

ز) کسی که به قهر و غلبه چیزی در حلق او کنند و به خورد او دهند، روزه ماه مبارک رمضان او صحیح است؛ امّا اگر نماز کسی را باطل کنند باید از سر بگیرد.

ح) اگر روزه قضای ماه مبارک رمضان را بعد از ظهر بشکند کفّاره دارد؛ ولی شکستن نماز کفّاره ندارد؛ هرچند مرتکب گناه شده است (بنابر احتیاط).

سؤال ۳۰۶- اگر انسان پس از مدّتها نماز خواندن، متوجّه شود که به علّت ناآگاهی وضو را غلط انجام می‌داده، یا غسلی که بر او واجب بوده انجام نداده است، آیا باید قضای تمام نمازهایی را که با وضوی غلط، یا بدون غسل واجب خوانده است بجا آورد؟

جواب: قضای نمازها لازم است و می‌تواند تدریجاً بجا آورد، بطوری که مایه مشقّت و زحمت نشود؛ ولی قضای روزه بر او واجب نیست.

سؤال ۳۰۷- شخصی حدود ۱۴ ماه نماز قضا بر ذمّه دارد، و در بعضی از این ایّام هم مسافر بوده است؛ ولی مقدار و زمان دقیق ایّام مسافرت، به علّت گذشتن وقت معلوم نیست؛ نسبت به قضای نمازها چه وظیفه‌ای دارد؟

جواب: آن مقدار که یقین دارد در وطن بوده تمام می‌خواند و آن مقدار که یقین دارد در سفر بوده شکسته می‌خواند و در مقدار مشکوک جمع بین قصر و

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۱۲۱

اتمام می‌کند؛ یعنی به آن مقدار، هم نماز تمام و هم نماز قصر بجا می‌آورد.

سؤال ۳۰۸- کسی که با وضو، یا غسل جبیره‌ای نماز می‌خواند، آیا می‌تواند نمازهایی را که در زمان سلامتی‌اش فوت شده، در این حال قضا نماید؟

جواب: مانعی ندارد.

سؤال ۳۰۹- انسانی که تا سنّ ۲۰ سالگی نماز نخوانده و روزه نگرفته است، آیا به مجرّد توبه نمازها و روزه‌هایی که از او فوت شده ساقط می‌شود؟

جواب: باید قضای آنها را نیز بجا بیاورد، و روزه او کفّاره نیز دارد و اگر نتواند کفّاره را انجام بدهد مطابق مسأله ۱۴۰۲ توضیح المسائل ما عمل کند.

سؤال ۳۱۰- آیا قضای نمازهای نافله شب همان ثواب و پاداش ادای آن را دارد؟

جواب: شک نیست که میان ادا و قضا تفاوت است.

نماز قضای پدر و مادر

سؤال ۳۱۱- پدر و مادری نسبت به انجام فریضه نماز و روزه سهل‌انگاری دارند، یا اصلًا نمی‌خوانند، و از نظر اعتقادی، شیعه اثنا عشری هستند. این که فقها فرموده‌اند: «نماز و روزه قضای پدر و مادر بر ذمّه پسر بزرگ است» در صورتی که والدین این مسأله را بدانند و عمداً به تکالیف خود عمل ننمایند، آیا واقعاً با انجام نماز و روزه قضای پدر و مادر توسّط پسر بزرگ آنها، بریء الذّمهٔ می‌شوند؟ آیا این یک شگرد نیست و باعث سوء استفاده نمی‌شود؟ البتّه ما تابع حکم خدا هستیم که حضرتعالی مرقوم خواهید

داشت.

جواب: نماز و روزه در صورتی بر فرزند بزرگتر واجب است که به خاطر عذری ترک شده باشد نه عمداً؛ بنابراین مشکلی پیش نمی‌آید.

سؤال ۳۱۲- شخصی بر اثر سکته مغزی چند سال حواسّ درستی نداشته، به گونه‌ای که اگر به او تذکّر می‌دادند نماز را بدون شرایط می‌خواند و الّا خودش نماز

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۱۲۲

نمی‌خواند، آیا چنین فردی مانند شخص بی‌هوش است که نمازش قضا ندارد، یا نمازهای او بر پسر بزرگتر واجب است؟

جواب: در فرض مسأله نماز از او ساقط است و قضا بر عهده فرزند او نیست؛ امّا اگر عقل و شعور کافی دارد، ولی گرفتار فراموشی می‌شود احتیاط واجب آن است که فرزند بزرگتر بعد از فوت او نمازهایش را قضا کند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۱۲۳

نماز جماعت

فضیلت نماز جماعت

سؤال ۳۱۳- در مورد ارزش و اهمّیّت نماز جماعت احادیث فراوانی وارد شده است؛ طبق یکی از این روایات- که در ابتدای احکام نماز جماعت رساله حضرتعالی نیز آمده است- در شرایط خاصّی ثواب نماز جماعت نامحدود است، بنابراین کسی که در چندین نماز جماعت با شرایط مذکور شرکت کند، آیا امکان دارد ثواب نماز جماعت گناه یا گناهانی که عقوبت محدودی دارد را از بین ببرد؟

جواب: ثواب نماز جماعت بیش از آن است که تصوّر شود؛ ولی شرط از بین رفتن گناه توبه است و تنها خواندن نماز جماعت باعث از بین رفتن آثار گناه نیست.

سؤال ۳۱۴- همان گونه که در رساله و جلد اوّل استفتائات حضرتعالی آمده است، امام جماعت می‌تواند نماز خود را دو بار به جماعت بخواند، لطفاً بفرمایید که در نماز دوّم نیّت او چگونه است؟

جواب: در مرتبه دوّم نیز نیّت ادا می‌کند؛ ولی نیّت واجب نمی‌کند.

سؤال ۳۱۵- اگر امام و مأمومین قبلًا نماز خود را فرادی خوانده‌اند، آیا همان نماز را می‌توانند دوباره با جماعت اقامه نمایند؟

جواب: اگر قبلًا توجّه به امکان اقامه نماز جماعت نداشته باشند و بعداً متوجّه شوند، می‌توانند نماز را به جماعت اقامه کنند.

سؤال ۳۱۶- اگر امام جماعت نماز قضا در ذمّه‌اش باشد، آیا برای بار سوّم می‌تواند با افرادی غیر از افراد اوّل و دوّم اعاده کند؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۱۲۴

جواب: اگر نماز قضا قطعی باشد می‌تواند؛ خواه نماز قضای قطعی خودش باشد یا دیگری.

سؤال ۳۱۷- مکلّفی نمازش را به صورت فرادی خوانده، سپس نماز جماعت برپا شده است، این شخص اگر بخواهد نمازی را که خوانده دوباره به جماعت بخواند، چگونه نیّت کند؟

جواب: نیّت نماز ادای مستحب می‌کند؛ ولی توجّه داشته باشید نیّت وجوب و مستحب لازم نیست، همین اندازه که قصد قربت کند کافی است.

سؤال ۳۱۸- اگر شخص مذکور در نماز جماعت نیّت واجب بکند، نماز اوّلش را که فرادی خوانده چه حکمی پیدا می‌کند؟

جواب: نماز اوّل واجب بوده و نماز دوّم مستحب، و این اشتباه مشکلی ایجاد نمی کند.

سؤال ۳۱۹- طیّ پرسشنامه‌ای از سوی دفتر نهاد رهبری در دانشگاه فردوسی مشهد که بین دانشجویان توزیع شد، سؤالاتی در مورد نماز جماعت دانشگاه و این فریضه با شکوه طرح شده بود؛ در پاسخ‌های جمع‌آوری شده مواردی دیده می‌شود که اهمّیّت نماز جماعت و شرکت در آن در مسجد، برای خانم‌ها محلّ سؤال بود، مثلًا بعضی خانم‌ها بر این باورند که: «زنان مستحب است نماز خود را در خانه بجای آورند» یا «نماز جماعت آن قدر که برای آقایان ثواب دارد برای خانم‌ها ثواب ندارد»، این قبیل عقاید مانعی برای حضور ایشان در نماز جماعت می‌باشد. این مسأله را تشریح نموده تا رفع شبهه شود.

جواب: در شرایط فعلی برای زنان نیز مستحب است که نماز خود را در مسجد و با جماعت بخوانند و مطمئنًا ثواب زیادی دارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۱۲۵

شرایط امام جماعت

سؤال ۳۲۰- آیا کسی که نقص عضوی دارد، می‌تواند امام جماعت شود؟

جواب: چنانچه بعضی از اعضای سجده را داشته باشد و بعضی را نداشته باشد، مانعی ندارد.

سؤال ۳۲۱- در ادارات معمولًا به دلیل عدم حضور دائمی امام جماعت، یکی از کارکنان به عنوان امام، نماز را برگزار می کند، با توجّه به شرایط لازم برای امام جماعت و ویژگیهای ادارات از نظر برگزاری نماز به عنوان بخشی از اعمال روزانه، اقتدا کردن به این اشخاص که شناخت جامعی از اعتقادات، عدالت و سایر صفات آنان وجود ندارد و یا در رفتار اداری آنان سوء عدالت دیده می‌شود، چه حکمی دارد؟

جواب: در امام جماعت عدالت و اطّلاع از مسائل مورد ابتلا لازم است، و اگر دسترسی به روحانی واجد شرایط نباشد اقتدا به غیر روحانی واجد شرایط جایز است.

سؤال ۳۲۲- در نزدیکی منزل ما دو مسجد وجود دارد که امام جماعت یکی از آنها سیّد و دیگری عامّ است؛ اقامه نماز جماعت با کدام یک اولویّت دارد؟

جواب: در شرایط مساوی سادات مقدّمند.

سؤال ۳۲۳- اگر نماز امام جماعت به دلیلی باطل شود، آیا لازم است به مأمومین اطّلاع دهد؟ حکم نماز جماعت مأمومین چیست؟

جواب: یکی از مأمومین، که ظاهر الصّلاح است، را جلو می‌اندازد تا نماز را با او تمام کنند.

سؤال ۳۲۴- در مسجد محلّه ما، روزهایی که امام جماعت مسجد تشریف نمی‌آورند، چند نفر از جوانان، در گوشه‌ای از مسجد یا شبستان- نه جای همیشگی امام جماعت- نماز جماعت کوچکی برپا می‌دارند. امام جماعت ظهر اجازه این کار را

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۱۲۶

داده است؛ امّا امام جماعت شب مشروط کرده که امام جماعت باید روحانی ملبّس باشد؛ در حالی که در آن زمان هیچ روحانی ملبّسی در مسجد نیست و غالباً یکی از دوستان طلبه غیر ملبّس، امامت جماعت این جمع کوچک را بر عهده می گیرد. با این توضیحات بفرمایید:

الف) آیا با چنین شرایطی می‌شود نماز جماعت خواند؟

ب) آیا اجازه امام جماعت شرط است؟

ج) با توجّه به این که این مسجد سه امام جماعت دارد، آیا شرط یکی برای نوبت دیگری نیز نافذ است؟

د) حکم کلّی در مورد برپایی نماز جماعت غیر علنی در غیاب امام جماعت چیست؟

جواب: با توضیحاتی که در بالا ذکر شد امامت جماعت شخص مزبور اشکالی ندارد، و اجازه امام مسجد شرط نیست.

سؤال ۳۲۵- بعضی از امام جماعتها برای نماز صبح به مسجد نمی‌آیند، در این صورت آیا می‌توان یکی از مؤمنین عادل را انتخاب کرد تا نماز صبح را به جماعت اقامه کنند؟

جواب: در صورتی که دسترسی به روحانی جامع الشّرائط نباشد مانعی ندارد.

سؤال ۳۲۶- امام جماعت شدن مجروحان و معلولان در فروض زیر چه حکمی دارد؟

الف) دست امام جماعت به گونه‌ای باشد که نتواند تمام کف دست را روی زمین بگذارد.

ب) دست امام جماعت مصنوعی باشد.

ج) رکوع و سجود را به اشاره انجام دهد.

جواب: در صورت اوّل و دوّم جایز است و در صورت سوّم اشکال دارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۱۲۷

سؤال ۳۲۷- فردی خود را عادل نمی‌داند؛ ولی مردم او را عادل می‌دانند، آیا می‌تواند با پیشنهاد مردم امام جماعت شود؟ در صورتی که جواب مثبت است، آیا وظیفه دارد که به مردم عدم عدالت خویش را اعلام دارد؟

جواب: امامت او اشکالی ندارد و لزومی ندارد چیزی به مردم بگوید.

سؤال ۳۲۸- شخصی امام جماعت مسجدی بوده است، تمام امور و شرایط امامت را دارا بوده و حتّی به درجه اجتهاد هم رسیده است؛ ولی اخیراً مبتلا به مرض درد زانو (آرتروز) شده است؛ اطبّای متخصّص معالج وی می‌گویند: «به هنگام نماز، بایستی مقداری موضع سجده را بلند کند و روی آن سجده نماید»؛ ولی بقیّه موارد (حمد و سوره و رکوع و غیره) را به خوبی انجام می‌دهد. آیا اینجا از مصادیق اقتدای شخص ایستاده به نشسته است که جایز نیست؟

جواب: از نظر ما دلیلی بر عدم جواز نیست و ادلّه جماعت (و لو به اطلاق مقامی)، شامل چنین اشخاصی می‌شود؛ بنابراین اقتدا به چنین کسی جایز است.

سؤال ۳۲۹- آیا ارتکاب خلاف شأن، مُسقِط عدالت است؟

جواب: کارهای خلاف شأن مختلف است. در بعضی از موارد حرام و موجب سقوط عدالت و در بعضی موارد کراهت دارد و مسقط عدالت نیست.

سؤال ۳۳۰- آیا اجازه می‌دهید غیر از زمان حجّ، پشت سر امام جماعت سنّی نماز جماعت خوانده شود؟

جواب: هرگاه به منظور ایجاد وحدت صفوف مسلمین باشد، اشکالی ندارد و نماز صحیح است.

سؤال ۳۳۱- آیا اقتدا کردن به امام جماعتی که از میّتی تقلید ابتدایی می‌کند، در حالی که مرجع ما تقلید ابتدایی میّت را اجازه نمی‌دهد، جایز است؟

جواب: مجرّد تقلید ابتدایی از میّت برای مأمومی که این تقلید را باطل می‌داند، باعث باطل شدن نماز جماعت نمی‌شود، تا زمانی که در اعمالی که عمداً یا جهلًا

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۱۲۸

موجب بطلان نماز می‌شود، مخالفت نکند، مانعی ندارد.

سؤال ۳۳۲- شخصی از هر نظر عادل است؛ ولی مخالف انقلاب است، امامت جماعت او جایز است؟

جواب: هر کس به اسلام علاقه دارد به انقلاب اسلامی نیز علاقه دارد، بنابراین چنین کسی حتماً در اشتباه است، سعی کنید او را به صورت منطقی توجیه کنید.

احکام جماعت

سؤال ۳۳۳- در مدرسه‌ها، نماز جماعت برپا می‌شود؛ ولی بعضی از دانش‌آموزان وضو نمی‌گیرند، آیا برای نماز بقیّه اشکال دارد؟

جواب: نماز بی‌وضو صحیح نیست؛ ولی چنانچه ارتباط صفوف با امام جماعت توسّط کسانی که وضو دارند برقرار باشد کافی است، و فاصله شدن دو سه نفر از آنها مانع اتّصال نیست.

سؤال ۳۳۴- آیا کسانی که مقلّد مرجعی هستند که نماز کسی را که شغل او در سفر است شکسته می‌داند، می‌توانند به امام جماعتی که هر روز مثلًا از بابل (که تا ساری بیش از ۵۰ کیلومتر است جهت شغل اداری) به ساری می‌آید و برمی‌گردد و چون خود را کثیرالسّفر می‌داند نمازش را تمام می‌خواند، اقتدا نمایند؟

جواب: خالی از اشکال نیست.

سؤال ۳۳۵- در رساله حضرتعالی آمده است: «در رکعتهای دیگر نماز نیز باید خود را به رکوع امام برساند وگرنه جماعت اشکال دارد».

الف) کسی که به هر عنوان، مثلًا به علّت این که یک رکعت دیر رسیده و در حال خواندن حمد است، و به رکوع امام نمی‌رسد، چه باید بکند؟

جواب: چنانچه برای خواندن سوره وقت ندارد، حمد را تمام کند و در رکوع خود را به امام برساند و اگر در حال حمد امام سر برداشت، حمد را تمام کند و

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۱۲۹

سوره را بخواند و خود را به امام برساند سپس احتیاطاً نماز را اعاده کند.

ب) اگر در سایر ارکان مانند سجدتین به امام نرسد، چه حکمی پیدا می‌کند؟

جواب: هرگاه در ارکان دیگر به امام نرسیده است، احتیاط آن است که آن نمازها را نیز اعاده کند.

سؤال ۳۳۶- در رساله حضرتعالی آمده است: «کسی که یک رکعت عقب است وقتی امام تشهّد می‌خواند، احتیاط آن است که زانوها را از زمین بلند کند و دست و سینه پاها را بر زمین بگذارد و همراه او تشهّد یا ذکر بخواند و اگر تشهّد آخر است، صبر کند تا امام سلام بگوید، بعد برخیزد».

الف) آیا خواندن تشهّد یا ذکر، واجب است و اگر واجب است، باید به چه نیّتی باشد؟

جواب: خواندن تشهّد واجب نیست و به نیّت ذکر مطلق مستحب بگوید.

ب) در تشهّد، نشستن به حالت تجافی و صبر کردن تا اتمام سلام، واجب است؟

جواب: احتیاط آن است که ترک نکند.

ج) اگر سلام را در حالت تجافی بعد از تشهّد عمداً و به قصد همراهی (البتّه بدون آگاهی) گفت، چه وظیفه‌ای در قبال آن نمازها دارد؟

جواب: نماز را اعاده کند.

سؤال ۳۳۷- اگر مأموم زودتر از امام از رکوع یا سجود، سر بلند کند، اوّل اینکه اگر می‌داند که اگر به رکوع یا سجود برود، به امام نخواهد رسید چه وظیفه‌ای دارد؟ دوّم این که اگر شکّ دارد به امام خواهد رسید یا نه، چه وظیفه‌ای دارد؟

جواب: در صورت اوّل لازم نیست بازگردد و نماز او درست است، و در صورت دوّم اگر اطمینان ندارد، وارد نشود.

سؤال ۳۳۸- آیا نمازگزار می‌تواند قبل از امام جماعت، عمداً سلام نماز را بگوید؟

جواب: بهتر است بعد از او بگوید؛ ولی اگر قبلًا بگوید باطل نیست.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۱۳۰

سؤال ۳۳۹- آیا دیوار حایل بین صفوف بانوان و آقایان، قاطع صفوف نماز جماعت می‌باشد؟

جواب: در صورتی که دیوار به قدری بلند نباشد که دو محل را از هم جدا کند و در واقع همه آنها زیر یک سقف نماز بخوانند، اشکال ندارد.

سؤال ۳۴۰- بعضی از بیماران مجبورند روی تخت یا چرخ نماز بخوانند، آیا این امر موجب به هم خوردن اتّصال صفهای نماز جماعت می‌شود؟

جواب: اتّصال صفوف به هم نمی‌خورد.

سؤال ۳۴۱- آیا در بین نماز جماعت می‌توان نیّت فرادی نمود؟ و در صورت جواز، در کجای نماز می‌توان این عمل را انجام داد؟

جواب: احتیاط واجب آن است که در هیچ جای نماز بدون ضرورت نیّت فرادی نکند، خواه از اوّل قصد داشته باشد یا نه.

سؤال ۳۴۲- طلبه ای هستم که ظهرها در یک ارگان دولتی نماز جماعت برپا می کنم، عادت داشتم هر روز قبل از رفتن به محلّ نماز، در منزل وضو می گرفتم، ولی یک روز به علت کمبود وقت در منزل وضو نگرفتم، به امید آنکه در ارگان وضو بگیرم، وقتی به آن ارگان رفتم طبق عادت همیشگی که وضو داشتم وضو نگرفتم و نماز را از روی فراموشی بدون وضو با جاعت اقامه کردم و بعداً یادم آمد که نماز را بدون وضو خوانده ام، تکلیف من در این مسأله چیست؟

جواب: اعلان به مأمومین لازم نیست و نماز صحیح است، ولی نماز خودتان را باید اعاده کنید.

سؤال ۳۴۳- اگر شخصی که در صف اوّل است و با امام جماعت پنج نفر فاصله دارد، بلافاصله پس از امام جماعت نیّت کند و تکبیر بگوید و پس از آن دیگران تکبیرة الاحرام بگویند، نماز جماعت او چه حکمی دارد؟

جواب: هنگامی که صفوف جماعت آماده شد، هر کس در هر جایی از صفوف

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۱۳۱

باشد می‌تواند اقتدا کند؛ هرچند در صف آخر باشد.

سؤال ۳۴۴- چنانچه امام جماعت در نماز چهار رکعتی اشتباه کند و پس از خواندن سه رکعت خیال کند رکعت چهارم است و تشهّد و سلام بخواند، آیا بعد از اتمام نماز، خواندن یک رکعت فقط بر عهده امام جماعت است، یا بر عهده مأمومین نیز هست؟

جواب: امام بلافاصله باید بلند شود و نماز خود را ادامه دهد و اگر منافیاتی بجا آورده، نماز را از سر بگیرد و مأمومین اگر نمی‌دانستند نیز حکمشان همین است و اگر می‌دانسته‌اند و تشهّد و سلام خوانده‌اند، نمازشان باطل است.

مسائل متفرّقه نماز جماعت

سؤال ۳۴۵- اگر بین نماز جماعت و جلسه قرآن تزاحم پیش آید، کدام یک مقدّم است؟

جواب: نماز مقدّم است.

سؤال ۳۴۶- اگر شخصی به علّتی توفیق شرکت در نماز جمعه را پیدا نکند، اشکالی دارد که در نماز جماعتی که نزدیک منزلش، یا در مسیر کارش واقع می گردد، شرکت نماید؟

جواب: اشکالی ندارد؛ ولی بهتر است که در وقت نماز جمعه، نماز جماعت نخوانند؛ مگر در جایی که توانایی بر حضور در نماز جمعه نداشته باشند.

سؤال ۳۴۷- آیا متولّی وقف مسجد حقّ تعیین، یا عزل امام جماعت را دارد؟

جواب: متولّی نسبت به این امور در مساجد حقّی ندارد.

سؤال ۳۴۸- حکم برپا داشتن نماز جماعت دوّم، بعد از پایان یافتن نماز جماعت امام اصلی، در مسجد چیست؟

جواب: در صورتی که موجب اهانت به نماز جماعت اوّل نباشد، مانعی ندارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۱۳۲

سؤال ۳۴۹- آیا کسی حق دارد از اقامه نماز جماعت به امامت شخصی غیر از امام راتب مسجد جلوگیری کند؟

جواب: جایز نیست؛ مگر این که موجب اهانت به نماز جماعت اوّل شود.

سؤال ۳۵۰- اگر کسی در صحّت جماعتی شک داشته باشد (به دلیل شک در عدالت امام جماعت، یا دیگر شرایط جماعت)، آیا می‌تواند در آن جماعت شرکت کند و بعداً نماز خود را اعاده کند؟ برای حفظ وجهه امام جماعت چطور؟

جواب: اگر مفسده خاصّی نداشته باشد، اشکالی ندارد.

سؤال ۳۵۱- در فرض بالا اگر یقین به بطلان جماعت داشته باشد چطور؟

جواب: اگر موجب ترویج باطل نشود، مانعی ندارد.

سؤال ۳۵۲- اگر یک روحانی با تعویض مکان نمازش، باعث شود جماعت همراهش به چند برابر جماعت قبلی تبدیل شود، تکلیفش چیست؟

جواب: این کار برای درک ثواب بیشتر مانعی ندارد؛ بلکه مستحب است.

سؤال ۳۵۳- از نظر شرعی و قانونی، ادارات به هنگام ظهر برای برگزاری نماز جماعت چه مقدار وقت می‌توانند کار خود را تعطیل و ارباب رجوع را منتظر نگهدارند؟

جواب: بهتر این است که نماز را سریعتر انجام دهند و به کارهای مردم برسند.

سؤال ۳۵۴- مدّتی بود که هر شب توفیق شرکت در نماز جماعت را داشتم، تا این که یک شب نتوانستم به نماز بروم، به همین جهت فکر کردم که دیگران می‌گویند: چرا امشب به نماز نیامده؟ و یا اگر یک شب دیرتر می‌رفتم، فکر می‌کردم که دیگران می‌گویند: چرا دیرتر آمد؟ آیا این تفکّرات نشانگر آن است که عبادتهایم از روی ریاکاری بوده است؟

جواب: هرگاه نیّت شما برای شرکت در نماز جماعت خداست، این گونه خیالات ضرری به جماعت شما نمی‌زند؛ ولی سعی کنید این افکار را از خود دور کنید، که ممکن است منشأ مشکلاتی شود.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۱۳۳

نماز آیات

سؤال ۳۵۵- اگر زلزله‌ای واقع شود، امّا انسان وقوع آن را احساس نکند، خواه بیدار باشد یا در خواب، سپس از منبع موثّق و معتبری، مانند سازمان زلزله‌نگاری، کسب اطّلاع کند که در محل سکونت او زلزله‌ای رخ داده است؛ آیا در این صورت باید نماز آیات را بخواند؟

جواب: اگر زلزله جز به وسیله دستگاهها قابل درک نباشد نماز ندارد، و اگر قابل درک بوده امّا او نفهمیده، احتیاط آن است که نماز آیات را بخواند.

نماز جمعه

اشاره

مسأله ۳۵۶- در زمان غیبت حضرت ولی عصر (عجّل اللّه تعالی فرجه الشّریف) نماز جمعه واجب تخییری است، یعنی مکلّف می‌تواند روز جمعه به جای نماز ظهر نماز جمعه بخواند؛ ولی به هنگام تشکیل حکومت اسلامی احتیاط در انجام نماز جمعه است.

مسأله ۳۵۷- کسی که نماز جمعه را بجا آورده، واجب نیست نماز ظهر را هم بخواند.

شرایط نماز جمعه

مسأله ۳۵۸- نماز جمعه تنها توسّط مردان منعقد می‌شود؛ ولی زنان هم می‌توانند در آن شرکت کنند.

مسأله ۳۵۹- نماز جمعه باید به جماعت برگزار شود و نمی‌توان آن را بطور فرادی بجا آورد.

مسأله ۳۶۰- همه شرایطی که در نماز جماعت معتبر است، در نماز جمعه نیز لازم

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۱۳۴

است؛ مانند نبودن حائل، بالاتر نبودن جای امام، فاصله بیش از حد در میان صفوف و افراد و غیر اینها «۱».

مسأله ۳۶۱- همه شرایطی که در امام جماعت لازم است، باید در امام جمعه هم باشد؛ مانند عقل، ایمان و عدالت؛ ولی امامت زنان در نماز جمعه جایز نیست؛ هرچند در نمازهای دیگر، برای خودشان جایز باشد.

مسأله ۳۶۲- کمترین فاصله لازم بین دو نماز جمعه یک فرسخ است، بنابراین اگر فاصله کمتر باشد نماز جمعه دوّم باطل است و اگر هر دو با هم خوانده شود هر دو باطل است.

مسأله ۳۶۳- کمترین عدد لازم برای انعقاد نماز جمعه، پنج نفر است که باید یکی از آنها امام باشد؛ پس نماز جمعه با کمتر از پنج نفر واجب نیست و منعقد نمی‌شود؛ ولی اگر هفت نفر و بیشتر باشند، فضیلت نماز جمعه بیشتر خواهد بود.

مسأله ۳۶۴- در صورت وجود شرایط لازم، نماز جمعه بر ساکنین شهرها، شهرک‌ها، حاشیه‌نشینان، روستاییان، چادرنشینان و عشایر و بیابانگردهایی که روش زندگی آنها به همین صورت است واجب تخییری است.

مسأله ۳۶۵- فاقدین شرایط وجوب نماز جمعه، اگر اتّفاقاً در نماز حاضر شوند، یا با مشقّت خود را به آن برسانند، نمازشان صحیح است و نماز ظهر بر آنها واجب نیست. همچنین کسانی که با وجود باران، یا سرمای شدید، یا نداشتن پا، یا عضو دیگر، که موجب مشقّت و اسقاط تکلیف نماز جمعه است، در نماز جمعه شرکت کرده‌اند، نمازشان صحیح است و نیز نماز جمعه پسران نابالغ صحیح است؛ گرچه نمی‌توانند مکمّل عدد لازم (۵ نفر) باشند، همان گونه که نمی‌توانند به تنهایی تشکیل نماز جمعه بدهند.

---

(۱). درباره شرایط، موانع، مبطلات، خلل، شک، سهو و غیره، به فصل مربوط به نماز جماعت در توضیح المسائل ما مراجعه شود.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۱۳۵

مسأله ۳۶۶- مسافر می‌تواند در نماز جمعه شرکت کند، و در این صورت نماز ظهر از او ساقط است؛ لکن مسافرین بنابر احتیاط واجب به تنهایی (بدون شرکت غیر مسافرین) نمی‌توانند نماز جمعه تشکیل دهند؛ بلکه باید نماز ظهر بخوانند. مسافر نمی‌تواند مکمّل عدد لازم (۵ نفر) باشد؛ ولی اگر مسافرین قصد اقامه (ده روز یا بیشتر) بنمایند می‌توانند نماز جمعه تشکیل دهند.

شیرازی، ناصر مکارم، استفتاءات جدید (مکارم)، ۳ جلد، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم - ایران، دوم، ۱۴۲۷ ه ق استفتاءات جدید (مکارم)؛ ج۲، ص: ۱۳۵

مسأله ۳۶۷- زنان می‌توانند در نماز جمعه شرکت کنند و نمازشان صحیح و مجزی از نماز ظهر است؛ امّا به تنهایی (بدون شرکت مردان) نمی‌توانند نماز جمعه تشکیل دهند، همان گونه که نمی‌توانند مکمّل عدد لازم (۵ نفر) باشند بنابر احتیاط واجب.

وقت نماز جمعه

مسأله ۳۶۸- وقت نماز جمعه از اوّل ظهر است به مقداری که اذان و خطبه‌ها و نماز مطابق معمول انجام شود، و با گذشتن آن، وقت نماز جمعه پایان می‌یابد.

مسأله ۳۶۹- احتیاط واجب آن است که خطبه‌ها را قبل از اذان ظهر نخوانند؛ بلکه بعد از اذان باشد و اگر قبل از اذان شروع کنند امّا بعد از ورود وقت واجبات خطبه را بطور فشرده انجام دهند کافی است.

مسأله ۳۷۰- جایز نیست امام جمعه خطبه‌ها را آن قدر طولانی کند که وقت نماز بگذرد، و الّا باید نماز ظهر را بخواند؛ زیرا نماز جمعه در خارج از وقت آن قضا ندارد.

مسأله ۳۷۱- اگر در بین نماز جمعه وقت آن تمام شود، در صورتی که یک رکعت آن در وقت واقع شده باشد صحیح است؛ ولی احتیاط مستحب آن است که پس از اتمام آن، نماز ظهر را هم بجا آورد و اگر حتّی یک رکعت آن در وقت واقع نشده باطل است؛ هرچند احتیاط واجب آن است که آن را تمام کند، سپس نماز ظهر را بخواند.

مسأله ۳۷۲- اگر یقین دارد وقت به اندازه‌ای هست که می‌تواند حدّ اقل واجب را در

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۱۳۶

خواندن دو خطبه و دو رکعت نماز بجا آورد، بین نماز جمعه و ظهر مخیّر است. و اگر یقین دارد که به این اندازه وقت نیست باید نماز ظهر را بخواند، و اگر شک دارد، نماز جمعه صحیح است؛ ولی در صورتی که پس از نماز معلوم شود که حتّی برای یک رکعت هم وقت باقی نبوده، باید نماز ظهر را بجا آورد.

مسأله ۳۷۳- اگر مقدار وقت را می‌داند، ولی شک دارد که در این مقدار می‌تواند نماز جمعه را بجا آورد یا نه؟ جایز است نماز جمعه را شروع کند؛ پس اگر وقت برای همه نماز کافی بود، نمازش صحیح است و الّا باید نماز ظهر را بجا آورد؛ ولی احتیاط مستحب آن است که در این صورت اساساً نماز ظهر را اختیار کند.

مسأله ۳۷۴- در صورتی که نماز جمعه با عدد کامل و در وقت کافی شروع شود، ولی مأمومی به رکعت اوّل نرسیده باشد، اگر به رکعت دوّم، و لو به رکوع آن برسد و اقتدا کند نمازش صحیح است (به شرط آن که بداند وقت به اندازه‌ای هست که رکعت دوّم او هم در وقت واقع می‌شود) در این صورت دوّمین رکعت نماز خود را بطور فرادی به جا می‌آورد.

کیفیّت نماز جمعه

مسأله ۳۷۵- نماز جمعه دو رکعت است و کیفیّت آن مانند نماز صبح است؛ حمد و سوره با صدای بلند خوانده می‌شود و سزاوار است در رکعت اوّل بعد از حمد، سوره جمعه و در رکعت دوّم، سوره منافقون را قرائت نمایند.

مسأله ۳۷۶- نماز جمعه دارای دو قنوت است، قنوت اوّل قبل از رکوع رکعت اوّل و قنوت دوّم بعد از رکوع رکعت دوّم است.

مسأله ۳۷۷- نماز جمعه دارای دو خطبه است، که مانند اصل نماز واجب بوده و باید توسّط امام جمعه ایراد شود؛ بدون این دو خطبه نماز جمعه محقّق نمی‌شود.

مسأله ۳۷۸- واجب است دو خطبه را قبل از نماز جمعه بخواند و اگر اوّل نماز

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۱۳۷

جمعه را بجا آورد باطل است، و در صورتی که وقت باقی است، باید پس از ایراد خطبه‌ها مجدّداً نماز جمعه را بخواند؛ ولی اگر نسبت به حکم مسأله جاهل بوده، یا اشتباه کرده احتیاط واجب آن است که خطبه‌ها و نماز را اعاده کند.

مسأله ۳۷۹- در خطبه اوّل حمد الهی واجب است و به هر لفظی که حمد الهی محسوب شود جایز است؛ ولی احتیاط مستحب آن است که به لفظ جلاله «اللّه» باشد و پس از آن به ثنای الهی بپردازد و سپس به پیغمبر اسلام (صلی الله علیه و آله) درود فرستد، و واجب است مردم را به تقوا سفارش کند و یک سوره کوچک از قرآن را بخواند. و در خطبه دوّم نیز حمد و ثنای الهی (به صورتی که ذکر شد) و درود بر پیغمبر اسلام (صلی الله علیه و آله) واجب است. در این خطبه نیز به تقوا سفارش کند و سوره کوچکی از قرآن تلاوت نماید.

مسأله ۳۸۰- احتیاط واجب آن است که در خطبه دوّم پس از درود بر پیغمبر (صلی الله علیه و آله)، به ائمّه معصومین (علیهم السلام) نیز درود فرستد و برای مؤمنین استغفار کند. و بهتر است از خطبه‌های منسوب به امیر المؤمنین (علیه السلام) یا آنچه از ائمّه معصومین (علیهم السلام) وارد شده انتخاب کند.

مسأله ۳۸۱- شایسته است امام جمعه، خطیب و بلیغ باشد و به تناسب اوضاع زمان و مکان سخن گوید و عبارات فصیح و روان به کار برد. به حوادثی که در سراسر جهان برای مسلمین می‌گذرد، بخصوص حوادث منطقه خود، آشنا باشد. مصالح اسلام و مسلمین را تشخیص دهد، چنان شجاع باشد که در راه خدا از ملامت و نکوهش احدی بیم به خود راه ندهد. در اظهار حق و ابطال باطل بر حسب شرایط زمان و مکان صراحت داشته باشد. اموری از قبیل مواظبت در اوقات نماز، و عمل به روش صلحا و اولیای خدا را، که موجب تأثیر کلام او در مردم است، رعایت کند. اعمال او با مواعظ و وعده و وعیدهایش تطبیق نماید. از آنچه که موجب وهن او و

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۱۳۸

کلامش می‌شود، حتّی از قبیل پرگویی، شوخی و بیهوده‌گویی بپرهیزد. و همه این امور را تنها برای خداوند رعایت کند و هدفش اعراض از دنیاپرستی و ریاست‌طلبی، که سرسلسله همه گناهان است، باشد.

مسأله ۳۸۲- شایسته است امام و خطیب جمعه در خطبه نماز جمعه، مصالح دین و دنیای مسلمانان را تذکّر دهد، و مردم را در جریان مسائل زیانبار و سودمند کشورهای اسلامی و غیر اسلامی قرار دهد، و نیازهای مسلمین را در امر معاد و معاش تذکّر دهد. از امور سیاسی و اقتصادی، آنچه را که در استقلال و کیان مسلمین نقش مهمّی دارد، گوشزد کند. کیفیّت صحیح روابط آنان را با سایر ملل بیان نماید، و مردم را از دخالتهای دولتهای ستمگر و استعمارگر در امور سیاسی و اقتصادی مسلمین، که منجر به استعمار و استثمار آنها می‌شود، بر حذر دارد. خلاصه، نماز جمعه و دو خطبه آن، نظیر حجّ و مراکز تجمّع آن و نمازهای عید فطر و قربان و غیره، از سنگرهای بزرگی است که متأسّفانه مسلمانان از وظایف مهمّ خود در برابر آن غافل مانده‌اند؛ همان گونه که از سایر پایگاه‌های عظیم سیاست اسلامی گاه غافلند. اسلام آمیخته با سیاست است و کسی که در احکام قضایی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی اسلام اندکی تأمّل کند، متوجّه این معنا می‌شود. هر کس گمان کند اسلام از سیاست جداست، نه اسلام را می‌شناسد نه سیاست را.

مسأله ۳۸۳- خوب است به رجاء مطلوبیّت، امام و خطیب جمعه در زمستان و تابستان، عمّامه داشته باشد و ردایی بپوشد و خود را بیاراید، تمیزترین لباسهای خود را بپوشد و بوی خوش به کار برد، بطوری که با وقار و سکینه باشد. قبل از خطابه، هنگامی که مؤذّن اذان می‌گوید، او بر منبر نشسته باشد تا اذان به پایان برسد و خطبه را آغاز کند. هنگام صعود بر منبر خطابه، روبه‌روی مردم بایستد و سلام کند، و مردم نیز با چهره‌های خود از او استقبال کنند و به چیزی از قبیل اسلحه یا عصا تکیه کند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۱۳۹

مسأله ۳۸۴- واجب است امام جمعه شخصاً و در حال ایستاده به ایراد خطبه بپردازد. و اگر نتواند خطبه‌ها را در حال ایستاده بخواند، باید دیگری به ایراد خطبه بپردازد و امامت نماز را هم بر عهده گیرد، و اگر هیچ کس برای ایراد خطبه‌ها در حال ایستاده پیدا نشود، بنابر احتیاط واجب نماز جمعه ساقط و نماز ظهر واجب است.

مسأله ۳۸۵- جایز نیست امام جمعه، خطبه‌ها و بخصوص موعظه و توصیه به تقوا را، آهسته ادا کند؛ بلکه لازم است که در هنگام موعظه و سفارش به تقوا، صدای خود را در حدّ مقدور به نمازگزاران برساند، و در مجامع بزرگ توسّط بلندگوها به خطبه بپردازد تا تشویق و تحذیر و مسائل مهمّه به گوش همگان برسد.

مسأله ۳۸۶- احتیاط مستحب آن است که امام در حال خطبه، سخنی غیر مربوط به خطبه‌ها نگوید؛ البتّه در فاصله بین خطبه‌ها و نماز، سخن گفتن بلامانع است.

مسأله ۳۸۷- واجب است امام پس از خطبه اوّل، مقدار کمی بنشیند و سپس به خطبه دوّم بپردازد.

مسأله ۳۸۸- احتیاط واجب آن است امام و مستمعین، در حال خطبه دارای طهارت کامل (که برای نماز معتبر است) باشند.

مسأله ۳۸۹- احتیاط واجب آن است که امام جمعه در خطبه حمد الهی و درود بر پیغمبر (صلی الله علیه و آله) و ائمّه (علیهم السلام) را به زبان عربی ایراد نماید، گرچه او و مستمعین عرب نباشند؛ امّا می‌تواند در مقام وعظ و توصیه به تقوا، به زبان دیگری تکلّم نماید. و احتیاط واجب آن است که موعظه و آنچه را به مصالح مسلمین مربوط می‌شود، به زبان مستمعین ادا نماید، و اگر مستمعین مختلفند، آنها را به زبانهای مختلف تکرار کند. گرچه در صورتی که مأمومین بیش از حدّ نصاب (چهار نفر) باشند می‌تواند به زبان حدّ نصاب (چهار نفر) اکتفا نماید؛ ولی احتیاط واجب آن است که آنها را به زبان خودشان موعظه کند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۱۴۰

مسأله ۳۹۰- احتیاط واجب آن است که نمازگزاران هنگام ایراد خطبه با طهارت باشند و رو به امام بنشینند و سکوت را رعایت کنند و به خطبه‌ها گوش فرا دهند؛ ولی اگر عمداً سخن بگویند نماز جمعه آنها باطل نمی‌شود؛ هرچند کار خلاف کرده‌اند.

مسأله ۳۹۱- اذان دوّم (اذان بعد از خطبه‌های نماز جمعه) در روز جمعه بدعت و حرام است.

احکام نماز جمعه

مسأله ۳۹۲- اگر مأمومی، که رکوع رکعت اوّل امام جمعه را درک کرده، به علّت کثرت جمعیّت، یا غیر آن، نتواند در سجده‌ها با امام همراهی کند، در این صورت اگر بتواند (پس از قیام امام برای رکعت دوّم) سجده‌ها را خود بجا آورده و قبل از رکوع، یا در حین آن به امام ملحق شود نمازش را ادامه دهد؛ ولی احتیاط واجب در این صورت اعاده نماز به صورت ظهر بعد از اتمام نماز جمعه است، و الّا باید به همان حال باقی بماند تا امام به سجده‌های رکعت دوّم برسد، آنگاه دو سجده را به نیّت سجده‌های رکعت اوّل نماز خود، همراه با امام بجا آورد و سپس رکعت دوّم را فرادی بخواند و نمازش صحیح است.

مسأله ۳۹۳- اگر مأموم به قصد اتّصال به نماز، در رکوع رکعت دوّم تکبیر بگوید و به رکوع برود؛ ولی شک کند که رکوع امام را درک کرده یا نه؟ نماز جمعه او محقّق نمی‌شود، و احتیاط واجب آن است که آن نماز را به نیّت نماز ظهر به پایان برساند و سپس نماز ظهر را اعاده کند.

مسأله ۳۹۴- اگر مأمومین پس از اتمام خطبه‌ها و شروع نماز امام به عللی از اقتدا به او خودداری کنند و امام را تنها بگذارند، نماز جمعه منعقد نشده و باطل است و امام می‌تواند آن نماز را رها نموده و به نماز ظهر بپردازد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۱۴۱

مسأله ۳۹۵- اگر عدد مأمومین بیش از حدّ لازم (۴ نفر) برای نماز جمعه باشد، پراکندگی عدّه‌ای از آنها مطلقاً ضرر ندارد؛ به شرط آن که افراد باقی‌مانده از ۴ نفر کمتر نباشند.

مسأله ۳۹۶- اگر مأمومین بعد از خطبه یا در اثنای آن متفرّق شوند (بطوری که کمتر از ۵ نفر باقی بمانند) و سپس برگردند تا عدد لازم کامل شود، در صورتی که حدّ لازم خطبه محقّق شده باشد، اعاده خطبه واجب نیست، به شرط آن که موالات عرفیّه به هم

نخورده باشد و الّا اشکال دارد، و در صورتی که حدّ لازم خطبه محقّق نشده باشد، اگر علّت تفرّق انصراف مأمومین از نماز جمعه بوده، احتیاط واجب آن است که پس از بازگشت آنها، امام خطبه‌ها را از نو بخواند (و لو این که مدّت تفرّق کم باشد) و اگر علّت تفرّق و پراکندگی امری نظیر باران و غیره بوده، در این صورت اگر مدّت آن به قدری طولانی شود که عرفاً به یکپارچگی خطبه لطمه بزند، واجب است خطبه‌ها را از نو بخواند و الّا خطبه قبلی را ادامه می‌دهد و صحیح است.

مسأله ۳۹۷- اگر در جایی نماز جمعه برگزار شد، نباید در فاصله‌ای کمتر از یک فرسخی آن نماز جمعه دیگری منعقد شود، پس اگر با فاصله یک فرسخ دو نماز جمعه برگزار شود هر دو صحیح است. لازم به تذکّر است که میزان در مسافت، محلّ نماز جمعه است، نه شهری که نماز جمعه در آن تشکیل شده است؛ بنابراین در شهرهای بزرگی که طول آن چند فرسخ است، می‌توان چند نماز جمعه تشکیل داد.

مسأله ۳۹۸- احتیاط مستحب آن است که قبل از اقامه نماز جمعه، مطمئن شوند که در کمتر از حدّ مقرّر نماز جمعه دیگری، قبل از آنها و یا مقارن آنها، برگزار نشده و نمی‌شود.

مسأله ۳۹۹- اگر دو نماز جمعه در یک زمان و در فاصله کمتر از حدّ معیّن (یک فرسخ) تشکیل شود، هر دو باطل است؛ ولی اگر یکی از آنها قبلًا شروع شده است، دیگری باطل است؛ چه نمازگزاران بدانند که قبل از آنها یا بعد از آنها، نماز جمعه

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۱۴۲

دیگری در فاصله کمتر برقرار شده و یا می‌شود و چه ندانند؛ و میزان در صحّت، تقدّم در نماز است و احتیاط آن است که خطبه‌ها نیز مقدّم باشد.

مسأله ۴۰۰- اگر یقین دارند که در فاصله کمتر از حدّ لازم (یک فرسخ) نماز جمعه‌ای برپا شده، ولی شک دارند که آن نماز قبلًا برگزار شده یا نه، و یا شک دارند که آن نماز مقارن با آنها برگزار می‌شود یا نه، در هر دو صورت می‌توانند خود نماز جمعه‌ای تشکیل دهند، و همچنین است در صورتی که نسبت به اصل انعقاد نماز جمعه دیگر، اطمینان نداشته باشند.

مسأله ۴۰۱- اگر پس از پایان نماز جمعه متوجّه شوند که نماز جمعه دیگری در کمتر از حدّ مقرّر تشکیل شده و هر یک از دو گروه احتمال دهد که قبل از دیگری به اقامه جمعه پرداخته، بر هیچ یک اعاده جمعه و نیز نماز ظهر واجب نیست؛ گرچه این کار مطابق احتیاط است. ولی اگر گروه سوّمی خواسته باشند در همان محدوده، اقامه جمعه دیگری بنمایند، باید یقین داشته باشند که آن دو نماز جمعه باطل است و اگر احتمال صحّت یکی از آن دو را بدهند، نمی‌توانند اقامه جمعه دیگری بنمایند.

سؤال ۴۰۲- آیا نرسیدن به خطبه‌های نماز جمعه اشکال دارد؟

جواب: باید سعی کنند به خطبه‌های نماز برسند؛ ولی اگر نرسیدند و به نماز برسند، نماز صحیح است.

سؤال ۴۰۳- اگر کسی تمام خطبه‌های نماز جمعه را گوش نکند؛ یعنی مثلًا وسط خطبه برسد، یا این که صحبت کند بطوری که مفاهیم خطبه را آن طوری که باید بفهمد متوجّه نشود، آیا نماز جمعه او کفایت از نماز ظهر می‌کند؟

جواب: نماز جمعه او صحیح است و کفایت از ظهر می‌کند؛ هرچند کار خلافی کرده است.

سؤال ۴۰۴- در رساله عملیّه برخی از مراجع تقلید آمده است: «اگر کسی پشت

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۱۴۳

ستون بایستد هرچند از طرف راست و چپ هم اتّصال داشته باشد، نمازش اشکال دارد» در نمازهای جمعه که عدّه زیادی به این طریق نماز می‌خوانند و فقط از طرف راست یا چپ اتّصال دارند، نماز آنان چه حکمی دارد؟

جواب: کسی که پشت ستون ایستاده، اگر از طرف راست یا چپ، به واسطه مأموم دیگر به امام متّصل باشد کافی است.

سؤال ۴۰۵- معمولًا در بین خطبه‌های نماز جمعه، نمازگزاران با گفتن سه تکبیر و دادن شعارهایی، سخن امام جمعه را تأیید

می‌نمایند، و هنگام شنیدن اسم مبارک حضرت ولیّ عصر (عجّل اللّه تعالی فرجه الشّریف) قیام می‌کنند، و صلوات می‌فرستند، و موقعی که امام جمعه دعا می‌کند آمین می‌گویند، و گاهی بعضی حرکت می‌کنند و با یکدیگر حرف می‌زنند، آیا این امور نماز جمعه را باطل نمی‌کند؟

جواب: اشکال ندارد، و در فرض سؤال نماز جمعه صحیح است؛ ولی از حرف زدنی که فایده خطبه را فوت کند، اجتناب لازم است.

سؤال ۴۰۶- آیا زن بدون اجازه شوهر می‌تواند در نماز جمعه، دعای کمیل، و راه‌پیمایی‌های اسلامی، شرکت نماید؟

جواب: خروج زن از منزل در غیر واجبات (مثل تشرّف به حجّ واجب و مراجعه به دکتر)، منوط به اجازه شوهر است؛ مگر در مواردی که اگر به مجالس دینی و مساجد نرود، از اسلام دور می‌ماند و تعالیم لازمه اسلامی را فرا نمی‌گیرد و اخلاق اسلامی را ترک می‌کند، یا در آن ضعیف می‌شود. در چنین شرایطی شرکت در مراسم مزبور برای بانوان مانعی ندارد؛ هرچند شوهر راضی نباشد.

سؤال ۴۰۷- اگر در یک مکان دو نماز جمعه اقامه شود، در حالی که امام جمعه می‌داند این کار خلاف شریعت است، آیا تقصیر امام جمعه نیست که باعث اقامه این بدعت شده است، و اگر او مقصّر باشد از عدالت خارج می‌شود؟

جواب: هرگاه دو نماز جمعه در جایی بدون فاصله یک فرسخ خوانده شود،

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۱۴۴

نماز دوّم باطل است و اگر کسی عالماً و عامداً این کار را بکند، گنهکار است.

سؤال ۴۰۸- اگر در وقت خطبه‌های نماز جمعه چرت بزند، و گمان کند وضویش باطل شده و بدون تجدید وضو، نماز جمعه و عصر را با امام جمعه بخواند، آیا نمازش صحیح است؟ و اگر صحیح نبوده، وظیفه‌اش چیست؟

جواب: چنانچه یقین به باطل شدن وضو پیدا نکند، نمازش صحیح است.

مسائل متفرّقه نماز

سؤال ۴۰۹- رفت و آمد و دوستی با کسانی که نماز نمی‌خوانند چه حکمی دارد؟

جواب: دوستی با آنها، برای راهنمایی و تشویق به خواندن نماز خیلی خوب است؛ ولی اگر فایده‌ای ندارد از آنها جدا شود.

سؤال ۴۱۰- آیا نماز در هیچ حال از مسلمان ساقط نمی‌شود؟ (البتّه به استثنای ایّام عادت و ولادت برای زن) به عنوان مثال آیا در جنگ، در حال آتش‌سوزی، کسی که آب یا خاک برای وضو و تیمّم ندارد، یا در حالت تقیّه، یا کسی که فلج است و بر تخت بیمارستان بستری شده، یا کسی که با اشاره چشم هم نمی‌تواند نماز بخواند، و مانند آن نماز ساقط می‌شود؟

جواب: در هیچ حالی، جز آنچه در بالاـ در مورد زنان اشاره گردید، نماز ساقط نمی‌شود؛ منتها گاه بطور کامل خوانده می‌شود و گاه با اشارات و گاهی به صورت کوتاه و مختصر و یا حتّی با اشاره قلبی و گذراندن مفاهیم و اعمال نماز در دل انجام می‌گیرد، آری نماز در هیچ حال ترک نمی‌شود.

سؤال ۴۱۱- اگر در مسجد بین نماز خواندن و دیگر اعمال، مانند قرآن خواندن، یا دعا خواندن تزاحم شود، کدام یک مقدّم است؟

جواب: نماز مقدّم است؛ هیچ چیز در مسجد نباید مزاحم نماز شود.

سؤال ۴۱۲- اگر نماز خود را به سبب گوش دادن به صدای قرآن طولانی نماید، آیا به نماز او ضرر می‌رساند؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۱۴۵

جواب: ضرر نمی‌رساند.

سؤال ۴۱۳- مدّت شش ماه است که مرد چهل‌ساله بی‌سوادی که دارای همسر و هفت فرزند می‌باشد را به عنوان خادم به مسجدی آورده‌اند؛ اکنون معلوم شده که نماز بلد نیست و برای یادگرفتن و انجام آن رغبتی نشان نمی‌دهد، و هیأت امنا قصد اخراج او را دارند؛ ولی از آنجا که با اخراج او و قطع درآمدش، قطعاً اهل و عیال و فرزندانش دچار مضیقه شدید مالی خواهند شد، و در اجتماع سرگردان می‌شوند، و به گدایی خواهند افتاد، آیا به علّت بی‌نمازی و بی‌مبالاتی‌های دینی، او را اخراج کنیم؟ یا به خاطر اطفال صغار که ممکن است در آینده افرادی نمازخوان و متدیّن شوند او را نگهداریم؟

جواب: بهتر این است که او را از طرق مختلف، چه از طریق نصیحت و یا تهدید به اخراج، تدریجاً وادار به انجام فرایض دینی کنید؛ حتّی به او قول بدهید که اگر در این قسمت جدّی شود، مثلًا مبلغی بر حقوقش بیفزایید و از نتیجه این کار مأیوس نباشید.

سؤال ۴۱۴- تا چه حد از بیماریها و اختلالات روحی و روانی، باعث ساقط شدن تکلیف نماز و روزه می‌شود؟ تشخیص آن به عهده چه کسی است؟

جواب: در صورتی که عرفاً به او دیوانه و مجنون بگویند، و یا این که وقت نماز را نتواند تشخیص دهد، نماز از او ساقط می‌شود.

سؤال ۴۱۵- بعد از هر نماز واجب (چه به صورت فرادی و چه به صورت جماعت)، چه تعقیباتی در اولویّت است؟ در نمازهای جماعت چون غالباً در مدّتی که برای نمازهای نافله و تعقیبات خاصّ آن نماز وجود دارد، به دعاهای دیگری می‌پردازند (مثلًا دعای فرج می‌خوانند) آیا اولویّت با تعقیبات هر نماز و نافله‌های آن نماز است؟ یا با این دعاهایی که به صورت دسته جمعی خوانده می‌شود؟ تکلیف سایر نمازگزاران چیست؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۱۴۶

جواب: از تعقیبات معروف و مهم، تسبیح حضرت زهرا (علیها السلام) است که ثواب بسیار دارد، تعقیبات مشترک و خاصّ هر نماز نیز در روایات وارد شده که قسمت مهمّی از آن در کتب ادعیّه، از جمله مفاتیح الجنان، آمده است و خواندن دعاهای دسته جمعی نیز اشکالی ندارد.

سؤال ۴۱۶- اگر نمازگزار در نماز عمداً حواسّ خود را در جای دیگری ببرد، نمازش چه حکمی دارد؟

جواب: نمازش باطل نیست؛ لکن روح نماز توجّه به خداست، باید کوشش کرد حضور قلب حاصل شود.

سؤال ۴۱۷- اگر فرزند مکلّف انسان خواب باشد، آیا بیدار کردن او برای نماز صبح واجب است؟

جواب: اگر علم به رضایت او دارد، او را بیدار کند و همچنین اگر می‌داند ادامه این وضع باعث سهل‌انگاری او در امر نماز می‌شود؛ در غیر این دو صورت جایز نیست.

سؤال ۴۱۸- اگر بیدار کردن فرزند مکلّف برای نماز موجب ناراحتی او شود و از نماز زده شود، بیدار کردن او چه حکمی دارد؟

جواب: در این فرض جایز نیست؛ ولی باید تدریجاً او را توجیه کند تا رضایت به بیدار کردن بدهد.

سؤال ۴۱۹- آیا مجبور کردن مردم به نماز خواندن در ادارات و مدارس، که گاه موجب تمسخر آنان می‌شود، درست است؟

جواب: برای امر به معروف، باید از راههایی که مفید و مؤثّر است و پیامدهای منفی ندارد، استفاده کرد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۱۴۷

فصل یازدهم: احکام روزه

مبطلات روزه

۱- خوردن و آشامیدن

سؤال ۴۲۰- آیا خوردن و آشامیدن سهوی، در روزه قضا و مستحبّی موجب بطلان روزه است؟

جواب: موجب بطلان روزه نیست، مانند روزه ماه مبارک رمضان.

سؤال ۴۲۱- در سحرگاه ماه مبارک رمضان اغلب طعم و بوی بعضی از غذاها، یا خمیر دندان، برای مدّتی در دهان می‌ماند، در این موارد پس از چند بار بیرون ریختن آب دهان، اگر بازهم طعم یا بوی اینها در دهان باقی بماند تکلیف چیست؟

جواب: اگر دهان به خوبی شستشو داده شود، که اجزای غذا باقی نماند، اشکالی ندارد.

سؤال ۴۲۲- مادّه‌ای است به نام «نسوار» که از تنباکو و آهک تهیّه می‌شود، مادّه مزبور را در دهان می‌گذارند و مقداری هم سبب بی‌حالی می‌شود، استفاده از آن برای روزه‌دار چه حکمی دارد؟

جواب: شیء مزبور مطمئنّا برای روزه اشکال دارد و در غیر حال روزه نیز استفاده از آن شرعاً بدون اشکال نیست.

سؤال ۴۲۳- آیا شستشوی معده از طریق سوند معده، باعث ابطال روزه بیمار می‌شود؟ (توضیح این که شستشوی معده با مایعات از طریق سوند انجام می‌گیرد،

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۱۴۸

سپس مایع وارد شده از طریق سوند به بیرون کشیده می‌شود).

جواب: جایز نیست، مگر در حال ضرورت و در این صورت باید روزه را قضا کند.

سؤال ۴۲۴- آیا تزریق خون به بدن موجب ابطال روزه می‌شود؟

جواب: احتیاط اتمام آن روزه و قضای آن است.

سؤال ۴۲۵- در ترمیم و قالب‌گیری دندان، از موادّی استفاده می‌شود که قابل حل شدن با آب دهان است و مزه آن چشیده می‌شود، آیا برای روزه اشکال دارد؟

جواب: اگر آب دهان را بیرون بریزد اشکالی ندارد.

سؤال ۴۲۶- هنگامی که انسان روزه‌دار است، چنانچه کُنْدُر، سقّز یا آدامسی که مزه شیرینی آن رفته باشد بجود، آیا روزه او باطل است؟

جواب: با توجّه به این که اجزای آن تدریجاً جدا می‌شود، جایز نیست.

سؤال ۴۲۷- حکم روزه بیمارانی که از دارو استفاده می‌کنند، در فروض زیر چیست؟

الف) تزریق آمپول یا سرم از طریق رگ انجام می‌شود و دارو:

۱- فقط جنبه تقویتی داشته باشد.

۲- جنبه درمانی و تقویتی داشته باشد.

۳- جنبه غیر تقویتی داشته باشد.

جواب: تمام انواع تزریقات برای روزه‌دار اشکال دارد؛ مگر تزریقات موضعی، مانند آمپولهایی که برای سِر کردن عضوی می‌زنند.

ب) استفاده از قطره، در سه فرض فوق نسبت به دارو، از طریق چشم، گوش، یا بینی چه حکمی دارد؟

جواب: اگر به حلق وارد نشود، یا شک داشته باشیم، اشکالی ندارد.

ج) وارد کردن دارو از طریق سوند معده (لوله‌ای که از طریق دهان یا بینی وارد معده بیمار می‌شود) چه حکمی دارد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۱۴۹

جواب: جایز نیست؛ مگر در مواقع ضرورت که آن نیز موجب بطلان روزه است.

۲- دروغ بستن به خدا و پیامبر (صلی الله علیه و آله)

سؤال ۴۲۸- آیا حدیث شریف کسا، که منقول از عوالم العلوم شیخ عبد الله بحرانی است، معتبر است؟ اگر در حال روزه بخوانیم برای روزه اشکال دارد؟

جواب: حدیث مزبور از احادیث مشهوره است، البتّه اجمال آن به طور متواتر در کتب شیعه و اهل سنّت نقل شده است؛ ولی مفصّل و مشهور آن تنها در بعضی از کتب شیعه آمده است و مرحوم «شیخ عبد الله بحرانی» در کتاب «عوالم» آن را با سند خود، از جابر بن عبد الله انصاری، از حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) نقل کرده است؛ و چون بعضی از رجال این سند در میان بزرگان مورد گفتگو هستند بهتر این است که به قصد رجا خوانده شود، و در این صورت روزه باطل نمی‌شود «۱».

۳- رساندن غبار غلیظ به حلق

سؤال ۴۲۹- کشیدن سیگار، قلیان و چپق، در حال روزه چه حکمی دارد؟

جواب: تمام اینها اشکال دارد، و اگر عمداً انجام دهند احتیاط واجب قضای روزه است؛ بلکه استفاده از دخانیات در غیر حال روزه نیز حرام است.

۴- تنقیه کردن با مایعات

سؤال ۴۳۰- روزه بیماری که تنقیه می‌کند، امّا مایع به شکم او نمی‌رسد و فقط به نشیمنگاه او وارد می‌شود، چه حکمی دارد؟

جواب: روزه او باطل است؛ هرچند به شکم نرسد.

---

(۱). احقاق الحق، جلد دوّم، صفحه ۵۴۶.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۱۵۰

سؤال ۴۳۱- بیماری که ناچار است هر روز، یا یک روز در میان با آب خالص تنقیه کند، تکلیف روزه‌هایش چه می‌شود؟

جواب: اگر می‌تواند، این کار را در شب انجام دهد، و اگر نمی‌تواند باید روزه را قضا کند.

مکروهات روزه

سؤال ۴۳۲- حکم کشیدن دندان، یا هرگونه اعمال جرّاحی لثه و دندان که باعث خونریزی شود، در حال روزه چیست؟

جواب: مکروه است؛ ولی باطل نیست.

قضا و کفّاره روزه

سؤال ۴۳۳- اگر انسان فراموش کند که روزه قضا دارد و آن را انجام ندهد و چند روز مانده به ماه مبارک یادش بیاید، ولی نتواند قضا را بجا آورد، حکم او چیست؟

جواب: آنچه از قضای روزه مانده، بعد از ماه رمضان بجا می‌آورد و احتیاط آن است که برای هر یک روز روزه یک مدّ طعام (یعنی معادل ۷۵۰ گرم گندم) به فقیر بدهد.

سؤال ۴۳۴- شخصی سه روز روزه بدهکار می‌باشد و سه روز هم به ماه رمضان مانده است، اگر پیش از ظهر افطار کند، آیا کفّاره دارد؟ و اگر تا سال دیگر تأخیر بیندازد، چه حکمی دارد؟

جواب: اگر قبل از ظهر افطار کرده، کفّاره تأخیر دارد؛ یعنی برای هر یک روز یک مدّ طعام باید بدهد و از گناه خود استغفار کند و قضای آن را بعداً بجا آورد و اگر بعد از ظهر بوده علاوه بر آنچه گفته شد باید کفّاره افطار روزه قضا را هم بدهد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۱۵۱

سؤال ۴۳۵- آیا در مدّ طعام، که به عنوان کفّاره روزه پرداخته می‌شود، گوشت هم کفایت می‌کند؟

جواب: به تنهایی اشکال دارد.

سؤال ۴۳۶- آیا کسی که قضای روزه ماه رمضان بدهکار است، می‌تواند نذر کند و روزه بجا آورد؟ کسی که قضای روزه‌های ماه رمضانش را بجا آورده باشد، ولی کفّاره روزه ماه رمضان بدهکار است چطور؟

جواب: نذر در تمام این موارد اشکال دارد.

سؤال ۴۳۷- در ماه مبارک رمضان امتحان داشتم و چون درسها را تا آن زمان مطالعه نکرده بودم، دچار این اضطراب شدم که شاید با گرفتن روزه نتوانم در امتحان موفّق شوم؛ البتّه قبل از شروع ماه مبارک، سه روز از روزه‌های قضایم را گرفتم، ولی در آن روزها به هیچ عنوانی درس نخواندم و با این که هیکل درشتی داشتم ضعف می‌کردم (از نظر بدنی عذری ندارم) به همین جهت روزه نگرفتم؛ البتّه با تمام شدن امتحانات، باقیمانده ماه مبارک را روزه گرفتم، حکم روزه‌هایی که نگرفتم چیست؟

جواب: ترک عمدی روزه در ماه مبارک رمضان کفّاره دارد، و گناه بزرگی است؛ ولی اگر شما یقین داشته‌اید که در آن شرایط روزه بر شما واجب نیست، کفّاره ندارد.

کسانی که روزه بر آنها واجب نیست

سؤال ۴۳۸- زنی هستم ۶۳ ساله که شش بچّه به دنیا آورده‌ام، در دوران حاملگی و شیرخوارگی بچّه‌هایم (حدود ۱۲ سال) نتوانسته‌ام روزه بگیرم، پس از آن نیز تا کنون هر وقت خواستم روزه بگیرم دچار خونریزی معده شده‌ام و با توصیه پزشکان روزه نگرفته‌ام، حال تکلیف روزه‌های بنده چیست؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۱۵۲

جواب: در حال حاضر شما مکلّف به روزه نیستید و احتیاط آن است که اگر قدرت دارید برای هر روز به اندازه یک مدّ طعام (۷۵۰ گرم گندم) به شخص مستحق بدهید، همچنین برای ایّام گذشته که روزه نگرفته‌اید و تا سال بعد هم توانایی بر روزه نداشته‌اید.

سؤال ۴۳۹- دختری به سنّ بلوغ رسیده است؛ ولی به واسطه ضعف جسمی توان روزه گرفتن در ماه مبارک رمضان را ندارد و بعد از ماه رمضان هم تا سال بعد نمی‌تواند قضا کند، حکمش چیست؟

جواب: باید کفّاره مدّ طعام را بدهد؛ یعنی برای هر روز معادل ۷۵۰ گرم گندم و مانند آن به فقیر بدهد. و قضای این روزه‌ها بر او واجب نیست.

سؤال ۴۴۰- بعضی از برادران قطع نخاعی، به دستور پزشک باید هر چند ساعت مقداری مایعات بنوشند، وظیفه آنان برای روزه چیست؟

جواب: روزه از آنها ساقط است و بجای آن، در صورتی که قدرت مالی داشته باشند، برای هر روز یک مدّ طعام کفّاره می‌دهند.

سؤال ۴۴۱- فردی معتاد به تریاک است و نمی‌تواند ترک نماید، به همین علّت، نه به صورت ادا و نه به صورت قضا، توان روزه گرفتن را ندارد، آیا این فرد حکم مریض را دارد؟ یا این که باید کفّاره بدهد؟

جواب: باید احتیاطاً روزه بگیرد هر چند از آن دود به مقدار ضرورت استفاده کند و بعد هم برای هر روز یک فقیر را هم سیر نماید.

سؤال ۴۴۲- در مسأله ۱۴۵۰ توضیح المسائل فرموده‌اید: «مرد و زن پیر که روزه گرفتن برای آنها مشکل است می‌توانند روزه را

ترک کنند» لطفاً معیار و میزان پیری را معیّن فرمایید.
جواب: میزان پیری موکول به عرف است؛ یعنی توده مردم به چنین کسی پیرمرد و یا پیرزن اطلاق کنند.
استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۱۵۳
سؤال ۴۴۳- آیا بر مادری که بچّه شیر می‌دهد، روزه واجب است؟
جواب: زنانی که بچّه شیر می‌دهند خواه مادر بچّه باشند یا دایه، اگر روزه گرفتن باعث کمی شیر آنها و ناراحتی بچّه می‌شود روزه بر آنها واجب نیست، ولی برای هر روز کفّاره (یک مدّ طعام) واجب است، بعداً نیز باید روزه را قضا کنند؛ امّا اگر روزه برای خودشان ضرر داشته باشد کفّاره لازم نیست، ولی بعداً روزه‌های را که نگرفته‌اند قضا نمایند.

احکام رؤیت هلال

سؤال ۴۴۴- اگر هلال ماه شوّال دیده شود و هنوز مغرب نشده باشد، آیا می‌شود روزه را افطار کرد؟ اگر عمداً روزه را افطار کنند حکم آن چیست؟ اگر کسی دستور دهد که روزه را افطار کنید و هنوز وقت افطار نباشد، آیا بر او کفّاره خود و مردم واجب است؟
جواب: دیدن ماه شوّال به تنهایی برای افطار کافی نیست؛ بلکه باید روز تمام شود. و اگر کسی جاهل به مسأله بوده باید قضا کند، امّا کفّاره ندارد و بر کسی که دستور افطار داده کفّاره‌ای نیست؛ هرچند نباید بدون تحقیق مسأله بگوید.
سؤال ۴۴۵- در کشور پاکستان دو نفر از علمای شیعه و دو تن از اهلِ سنّت و چهار نفر از اهل حدیث (وهّابی‌ها) را برای رؤیت هلال انتخاب نموده‌اند. این کمیته از طرف دولت وقت انتخاب شده است، نه از طرف مجتهد جامع الشّرائط؛ در اواخر هر ماه، کمیته مذکور در شهر لاهور پاکستان تشکیل می‌شود و رؤیت هلال از زبان رئیس کمیته (که از اهل تسنّن است) به وسیله رادیو و تلویزیون، به اطّلاع مردم می‌رسد، آیا به مجرّد اطّلاع و اعلام رئیس این کمیته، روزه را می‌توان افطار کرد؟
جواب: هرگاه در میان آنها دو شیعه عادل بوده باشد که شهادت به رؤیت هلال ماه بدهند، شهادت آنها قبول است؛ همچنین اگر از مجموع شهادت آنها اطمینان به رؤیت هلال حاصل شود کافی است.
استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۱۵۴

مسائل متفرّقه روزه

سؤال ۴۴۶- برخی از مردم در ماه مبارک رمضان افطاریّه می‌دهند، طبق تحقیقات انجام شده این افطاریّه‌ها طبق نذر خاصّی نیست؛ یعنی اگر وضعشان خوب باشد افطاریّه می‌دهند و اگر نباشد نمی‌دهند؛ از سوی دیگر آنها شدیداً نیاز به کارهای فرهنگی و خرید لوازم فرهنگی، نظیر بلندگو و تشکیل کتابخانه و مانند آن دارند، آیا می‌توان مبالغ این افطاریّه‌ها را جمع‌آوری نموده، صرف کارهای فرهنگی خود آنها کرد؟
جواب: در صورتی که نذر نکرده باشند و صاحبان پول رضایت به این کار بدهند مانعی ندارد؛ ولی بهتر این است که سنّت افطاری تعطیل نشود و کارهای فرهنگی را نیز انجام بدهند، و اعتدال را در هر دو قسمت رعایت کنند.
سؤال ۴۴۷- شخصی به هنگام افطار، همراه دوست سنّی خود می‌باشد، آیا می‌تواند طبق وقت آنها افطار بکند؟ یا باید به وقت خودش افطار نماید؟
جواب: اگر محذوری ندارد، منتظر وقت افطار خودش باشد.
سؤال ۴۴۸- آیا مقدّمه کتاب «روزه روش نوینی برای درمان بیماری‌ها» نوشته «الکسی سوفورین» که روزه خاصّی را دستور می‌دهد و ترجمه جناب آقای «محمد جعفر امامی» است از شماست؟ اگر چنین است، این روش درمانی در این دوران چگونه است؟

جواب: همان‌گونه که در مقدّمه آن نوشته‌ایم اگر زیر نظر طبیب انجام شود، برای افرادی که استعداد و آمادگی آن را دارند می‌تواند مفید واقع شود؛ ولی توصیه ما به روزه اسلامی است، مشروط بر رعایت تعادل در خوردن افطاری و سحری؛ که اگر این مسأله رعایت شود همان منافع مهم را دارد، بدون مشکلات آن.

سؤال ۴۴۹- با توجّه به این که در مراسم حجّ عمره، در ماه مبارک رمضان، در

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۱۵۵

مسجد الحرام و مسجد النّبی (صلی الله علیه و آله) قبل از اذان مغرب، سفره افطار گسترده شده و به محض شروع اذان مغرب (که با اذان مغرب واقعی به نظر اکثر علمای امامیّه یک ربع فاصله دارد) همه شروع به افطار نموده و از دیگران نیز دعوت به افطار می‌نمایند، و در صورت عدم افطار موجب انگشت‌نما شدن و بعضاً وهن شیعه می‌شود و تقیّه مداراتی در اینجا ضروری‌تر از شرکت در نماز مغرب به نظر می‌رسد، آیا اجازه می‌فرمایید که شیعیان در هتل‌ها بمانند و هنگام مغرب در ماه مبارک در مساجد حاضر نشوند؟ یا این که حضور یافته و تقیّةً افطار نمایند؟

جواب: بهتر است برای نماز مغرب در مسجد حضور یابند و اگر به آنها اصرار بر افطار شود، می‌توانند افطار کنند و روزه آنها صحیح است.

سؤال ۴۵۰- اگر انسان افسرده باشد، نه از نوع خیلی شدید؛ بلکه از نوعی که دکترها و روانشناسان تشخیص افسردگی دهند و در این مدّت نمازش را عمداً ترک کند و روزه هم نگیرد و به خدا بدگمان شود و از رحمت او مأیوس گردد. و کشف حجاب کند، در حالی که عقلش سر جایش است و آگاه و عاقل است، حکمش چیست؟

جواب: انسان باید همیشه به خداوند قادر مهربان امیدوار باشد و آنچه را او دستور داده از نماز، روزه، حجاب، یا سایر وظایف دینی انجام دهد و از رحمت واسعه او مأیوس نباشد، که ناامیدی از گناهان کبیره است و هیچ کس حق ندارد به بهانه افسردگی وظایف شرعی خود را ترک کند؛ مگر این که بر اثر بیماری افسردگی عقل و هوش خود را از دست بدهد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۱۵۷

فصل دوازدهم: احکام اعتکاف

تعریف، فلسفه و فضیلت اعتکاف

سؤال ۴۵۱- اعتکاف را تعریف کنید. آیا در اعتکاف، توقّف در مسجد بدون قصد عبادت کافی است؟

جواب: اعتکاف عبارت است از ماندن با آداب مخصوص در مسجد به قصد قربت؛ و تنها ماندن در مسجد بدون قصد، اعتکاف محسوب نمی‌شود، و هر مسجدی نیز کافی نیست؛ بلکه باید از مساجد جامع شهر باشد.

سؤال ۴۵۲- اعتکاف چه فلسفه‌ای دارد؟ لطفاً به برخی از فضایل آن اشاره فرمایید.

جواب: اعتکاف یک برنامه مهمّ خودسازی است که انسان را در مدّت چند روز به کلّی از مظاهر مادّی دنیا جدا می‌سازد و در یک عالم روحانی و معنوی غرق می‌کند، و او را به نگریستن مجدّد به برنامه‌های اخلاقی و خودسازی و توبه از گناه و محاسبه و مراقبه وامی‌دارد، و در مجموع یک تولّد ثانوی محسوب می‌شود، و شایسته است مسلمانان از آن بهره گیرند و این سنّت اسلامی را زنده نگه دارند.

سؤال ۴۵۳- آیا سنّت اعتکاف اختصاص به شریعت مقدّسه اسلام دارد؟ یا این که در شرایع و ادیان سابق نیز وجود داشته است؟

جواب: مراسمی شبیه به اعتکاف در میان بعضی از مؤمنان به شرایع سابق بوده است و در زندگی حضرت مریم، و زکریا (علیهما

السلام) آثاری از آن دیده می‌شود.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۱۵۸

زمان اعتکاف

سؤال ۴۵۴- آیا اعتکاف در تمام ایّام سال جایز است، یا اختصاص به ماه رجب المرجّب و ماه مبارک رمضان دارد؟ اعتکاف در کدام یک از این دو ماه افضل است؟

جواب: اعتکاف در تمام ایّام سال، جز در دو روز که روزه در آن حرام است، مطلوب است؛ ولی در ماه مبارک رمضان و ماه رجب فضیلت بیشتری دارد.

مکان اعتکاف

سؤال ۴۵۵- اعتکاف در حیاط مسجد چه حکمی دارد؟

جواب: اعتکاف در شبستان و سرداب و صحن مسجد جایز است؛ مگر در مواردی که جزء مسجد نیست، یا ظاهر حال چنین باشد، و در موارد شکّ حکم مسجد بر آنها جاری نمی‌شود.

سؤال ۴۵۶- آیا اعتکاف در غیر مساجد جامع، مثل نمازخانه دانشگاه‌ها، به امید مطلوبیّت اشکال دارد؟ در صورت صحّت، آیا احکام اعتکاف، از قبیل ترک محرّمات، جاری می‌شود؟

جواب: اعتکاف باید فقط در مساجد جامع باشد؛ و منظور از مسجد جامع، مسجدی است که قشرهای مختلف شهر در آن شرکت می‌کنند، و از اعتکاف در سایر مساجد و نمازخانه‌ها خودداری شود.

سؤال ۴۵۷- اعتکاف در مساجد دانشگاههای سراسر کشور چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که گروه‌های خارج از دانشگاه هم برای اقامه نماز از جاهای مختلف به مسجد دانشگاه می‌آیند، اعتکاف در آن جایز است.

سؤال ۴۵۸- آیا می‌توان نذر کرد که در شهر خاصّی معتکف شد؟

جواب: مانعی ندارد.

سؤال ۴۵۹- اگر در شهری مسجد جامع متعدّد باشد، تکلیف چیست؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۱۵۹

جواب: در تمام مساجد جامع شهر می‌توان اعتکاف کرد.

سؤال ۴۶۰- آیا اعتکاف در زیرزمین مسجد جمکران، که از آن جهت نمازهای یومیّه و نماز آقا امام زمان (عجّل الله تعالی فرجه الشّریف) استفاده می‌شود (البتّه به صورت مرتّب نماز جماعت ندارد)، جایز است؟

جواب: اشکال ندارد.

سؤال ۴۶۱- اگر اعتکاف در زیرزمین مسجد جمکران جایز باشد، در صورتی که بین طبقه پایین و بالا درِ ورودی باشد، آیا می‌توان اعمال را در طبقه بالا و خواب و استراحت را در طبقه پایین انجام داد، یا هر دو عمل باید در یک مکان باشد؟

جواب: اشکال ندارد.

سؤال ۴۶۲- آیا در اعتکاف، وحدت مسجد شرط است؟ اگر دو مسجد به هم پیوسته و متّصل باشد چطور؟

جواب: بهتر است که تمام مدّت اعتکاف در یک مسجد باشد؛ ولی در دو مسجد متّصل به هم نیز مانعی ندارد.

سؤال ۴۶۳- اعتکاف در مکانهایی که شک داریم جزء مسجد است (مثل بام، سرداب و مقداری که به مسجد افزوده شده)، چه حکمی دارد؟

جواب: آنچه مشکوک است، حکم مسجد را ندارد و اعتکاف در آن جایز نیست؛ ولی اگر مسجد، یعنی محلّ نمازگزاران را توسعه دهند، جزء مسجد محسوب می‌شود.

سؤال ۴۶۴- اگر محلّ خاصّی از مسجد را برای اعتکاف خود معیّن نماید، آیا لازم است خود را مقیّد به آن نماید؟

جواب: متعیّن نمی‌شود.

سؤال ۴۶۵- آیا محوّطه اطراف مسجد جمکران، که به عنوان حیاط از آن استفاده می‌شود، حکم مسجد را دارد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۱۶۰

جواب: ظاهراً حیاط این مسجد جزء مسجد نیست.

سؤال ۴۶۶- آیا صرف غذا در سالن نهارخوری، که در محوّطه مسجد است، برای معتکفین جایز است؟ با توجّه به این که صرف غذا در مسجد با مشکلاتی همراه است.

جواب: پاسخ این سؤال متوقّف بر سؤال قبل است؛ ولی اگر صرف غذا در داخل شبستان‌ها ایجاد مشکلاتی کند معتکفین می‌توانند به حکم ضرورت غذا را در صحن مسجد صرف کنند.

شرایط اعتکاف

سؤال ۴۶۷- آیا در اعتکاف واجب و مستحب، قصد وجوب یا استحباب لازم است؟

جواب: لازم نیست، قصد قربت کافی است.

سؤال ۴۶۸- زمان نیّت اعتکاف چه وقت است؟ آیا می‌توان اوّل شب نیّت کرد؟

جواب: وقت نیّت از اوّل صبح است؛ ولی مانعی ندارد که نیّت در قلب از قبل بوده باشد.

سؤال ۴۶۹- اگر از روی اشتباه، برای اعتکاف واجب، نیّت استحباب نماید (یا بالعکس)، تکلیف چیست؟

جواب: اشکال ندارد.

سؤال ۴۷۰- آیا می‌توان اعتکاف را به نیابت از میّت یا حیّ انجام داد؟

جواب: آری، می‌توان انجام داد؛ ولی احتیاط این است که قصد اهدای ثواب کند.

سؤال ۴۷۱- آیا در اعتکاف زن و فرزند، اجازه شوهر و ولی لازم است؟

جواب: زن بنابر احتیاط واجب از همسرش اجازه بگیرد؛ ولی فرزندان بالغ

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۱۶۱

احتیاج به اجازه ولی ندارند.

سؤال ۴۷۲- آیا اعتکاف بچّه ممیّز صحیح است؟

جواب: اگر شرایط اعتکاف را انجام دهد صحیح است.

سؤال ۴۷۳- اگر آجر و خاک مسجد یا لباس معتکف غصبی باشد، اعتکاف چه حکمی دارد؟

جواب: غصبی بودن لباس ضرری به اعتکاف نمی‌زند؛ ولی اگر آجر یا خاک غصبی باشد، اعتکاف روی آن اشکال دارد.

سؤال ۴۷۴- انجام غسل در مسجد برای معتکف چه حکمی دارد؟ آیا بین غسل جنابت و غسل‌های مستحبّی دیگر فرقی وجود دارد؟

جواب: غسل جنابت را نمی‌توان در مسجد انجام داد؛ چون سبب توقّف در مسجد در حال جنابت است؛ ولی غسل‌های دیگر

اشکالی ندارد؛ مشروط بر این که در جایی باشد که مزاحمتی برای نمازگزاران ایجاد نکند.

سؤال ۴۷۵- آیا مسافر می‌تواند معتکف شود؟

جواب: در صورتی که قصد ده روز کند مانعی ندارد؛ در غیر این صورت اشکال دارد.

سؤال ۴۷۶- اعتکاف به واسطه نذر، عهد، قسم، شرط ضمن عقد و اجاره چه حکمی دارد؟

جواب: به واسطه نذر و عهد و قسم واجب می‌شود، و به عنوان شرط ضمن عقد یا اجاره، هرگاه به شکل استیجار باشد، ظاهراً مانعی ندارد؛ هرچند عبادات استیجاریّه غیر از حجّ در روایات اسلامی وارد نشده است.

سؤال ۴۷۷- آیا اعتکاف مستحبّی را می‌توان قطع کرد؟

جواب: در روز اوّل و دوّم می‌توان قطع کرد؛ ولی در روز سوّم جایز نیست.

سؤال ۴۷۸- آیا بیشتر از سه روز می‌توان اعتکاف کرد؟ بطوری که آن زیاده بخشی

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۱۶۲

از یک روز یا قسمتی از یک شب باشد.

جواب: اعتکاف بیش از سه روز هم جایز است؛ ولی هرگاه دو روز اضافه کند، بنابر احتیاط واجب روز سوّم را هم بر آن بیفزاید؛ ولی بخشی از یک روز یا بخشی از یک شب اشکال دارد.

سؤال ۴۷۹- منظور از روز، در اعتکاف چیست؟

جواب: مراد از اوّل طلوع فجر تا غروب آفتاب است.

سؤال ۴۸۰- آیا در تحقّق اعتکاف، سه روز ناپیوسته کافی است؟

جواب: کافی نیست.

سؤال ۴۸۱- کسی که معتکف می‌شود، آیا می‌تواند روزه‌های این سه روز را به عنوان نذر، یا استیجار، یا کفّاره حساب کند؟

جواب: لازم نیست روزه برای اعتکاف باشد؛ بلکه می‌تواند روزه ماه مبارک رمضان یا روزه قضا و مانند آن را بجا آورد؛ ولی روزه استیجاری مشکل است.

سؤال ۴۸۲- آیا در مسافرت می‌شود روزه در سفر را نذر کرد؟

جواب: اشکال دارد؛ ولی اگر نذر کرد، احتیاط آن است که به نذر خود عمل کند.

سؤال ۴۸۳- شخصی نذر کرده در ایّام البیض «۱»، در مسجد مقدّس جمکران معتکف شود، و نذر کرده در فرض مسافرت هم روزه بگیرد، آیا نذرش منعقد شده است؟ آیا اعتکاف او صحیح است؟ (هرچند مسافر باشد)

جواب: خالی از اشکال نیست؛ ولی احتیاط آن است که به این نذر عمل کند.

سؤال ۴۸۴- اگر کسی نذر کند برای حصول حاجت دنیوی یا معنوی معتکف شود، نذر او چه حکمی دارد؟

جواب: نذر اعتکاف به عنوان شکرانه قضای حوایج مانعی ندارد.

---

(۱). منظور در اینجا روزهای سیزدهم الی پانزدهم ماه رجب است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۱۶۳

سؤال ۴۸۵- اگر کسی اعتکاف یک ماه را نذر کند، آیا شب اوّل هم جزء همان ماه است؟

جواب: شب اوّل جزء نیست.

سؤال ۴۸۶- اگر اعتکاف یک ماه را نذر کند و ماه ناقص باشد، آیا تکلیف او ساقط می‌شود؟

جواب: آری ساقط می‌شود.

سؤال ۴۸۷- اگر کسی اعتکاف را نذر کند و مشغول اعتکاف شود؛ ولی در ایّام اعتکاف مریض شود، یا ضرورتی پیش آید (مثل فوت نزدیکان)، می‌تواند اعتکاف را بر هم بزند؟ و اگر بر هم بزند، کفّاره دارد؟ در اعتکاف مستحبّی چطور؟

جواب: در صورتی که ضرورتی پیش آید، می‌تواند اعتکاف را بر هم بزند و در صورتی که روز سوّم باشد باید قضا کند، همچنین اگر به عنوان نذر بوده باشد، و کفّاره ندارد.

سؤال ۴۸۸- اگر اعتکاف چهار روز را نذر کند و پیوستگی آن چهار روز را شرط ننماید و روز چهارم را بر خلاف نذرش عمل کند و از اعتکاف خارج شود، وظیفه‌اش چیست؟

جواب: باید مجدّداً اعتکاف چهار روز را بجا آورد.

سؤال ۴۸۹- اگر زمان معیّنی را برای اعتکاف نذر کند؛ ولی آن اعتکاف را به جهت فراموشی یا نافرمانی یا اضطرار ترک نماید، آیا قضا بر او واجب است؟

جواب: احتیاط واجب آن است که قضا کند.

خروج از محلّ اعتکاف

سؤال ۴۹۰- اگر کسی به جهت ضرورت از مسجد خارج شود و خروج او طولانی گردد، اعتکافش چه حکمی دارد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۱۶۴

جواب: هرگاه به قدری طولانی شود که صورت اعتکاف را محو کند، اعتکاف او باطل است.

سؤال ۴۹۱- اگر معتکف مدیون باشد و برای پرداخت دِین از مسجد خارج شود، اعتکافش چه حکمی دارد؟

جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۴۹۲- آیا معتکف می‌تواند به هنگام نیّت اعتکاف شرط کند که هر زمان خواست از اعتکاف خارج شود؟

جواب: جایز است در اعتکاف در آغاز نیّت، شرط کند که هرگاه عذر عرفی یا شرعی برای او پیدا شد، بتواند اعتکاف را بر هم بزند؛ در این صورت هر وقت عذری پیدا شد، می‌توان آن را بر هم زند؛ حتّی در روز سوّم، و کفّاره‌ای ندارد.

سؤال ۴۹۳- اگر کسی از روی فراموشی محلّ اعتکاف را ترک کند، اعتکافش چه حکمی دارد؟

جواب: خروج از مسجد عمداً موجب بطلان اعتکاف است و از روی فراموشی نیز بنابر احتیاط چنین است؛ ولی احتیاط این است که اگر روز سوّم است، ادامه دهد و اگر نذر کرده بود، بعداً قضا کند.

سؤال ۴۹۴- آیا معتکف می‌تواند برای انجام اموری مثل ادای شهادت، تشییع جنازه، نماز میّت از مسجد خارج شود؟ برای ضروریّات عرفی یا امور شرعی واجب یا مستحب چه حکمی دارد؟

جواب: برای هر کار ضروری شرعی یا عرفی، مانند رفتن به دستشویی، غسل واجب، تهیّه ضروریّات و همچنین برای گواهی دادن در دادگاه، نماز جمعه، تشییع جنازه و عیادت مریض، می‌توان از مسجد خارج شد؛ امّا برای هر کار مستحبّی جایز نیست.

سؤال ۴۹۵- شخصی قصد اعتکاف در مسجد الحرام را دارد؛ آیا می‌تواند قبل از

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۱۶۵

اذان صبح در تنعیم مُحرِم شود و بقیّه اعمال را در حال اعتکاف انجام دهد؟ با توجّه به این که محلّ سعی جزء مسجد نیست.

جواب: این مقدار اشکالی ندارد.

سؤال ۴۹۶- خارج شدن معتکف از مسجد در موارد ذیل چه حکمی دارد؟

الف) برای وضو، غسل مستحبّی و مسواک زدن.

جواب: برای وضو و غسل مستحبّی و مسواک زدن به عنوان مقدّمه وضو اشکالی ندارد.

ب) جهت تلفن زدن به خانواده و دوستان در موارد غیر ضروری و امور متعارف.

جواب: اشکال دارد.

ج) جهت دیدار با خانواده در بیرون مسجد (یعنی حیاط مسجد).

جواب: اشکال دارد؛ مگر این که حیاط مسجد جزء مسجد باشد.

کارهایی که بر معتکف حرام است

سؤال ۴۹۷- آیا هر آنچه بر محرم حرام است، بر معتکف نیز حرام می‌باشد؟

جواب: فقط قسمتی از چیزهایی که بر محرم حرام است، بر معتکف حرام می‌باشد؛ نه همه آنها.

سؤال ۴۹۸- آیا در اموری که بر معتکف حرام است، تفاوتی بین شب و روز هست؟

جواب: در این امور فرقی بین شب و روز نیست.

سؤال ۴۹۹- استشمام بوی عطر و گل، با نیّت لذّت‌جویی از بوی خوش، برای معتکف چه حکمی دارد؟

جواب: بوییدن عطریّات و بوهای خوش، هرچند به قصد لذّت نباشد، برای معتکف حرام است.

سؤال ۵۰۰- خریدوفروش در صورت ضرورت و عدم ضرورت، برای معتکف چه حکمی دارد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۱۶۶

جواب: خریدوفروش، بلکه مطلق تجارت، با نبودن ضرورت برای معتکف، بنابر احتیاط حرام است؛ ولی پرداختن به امور دنیوی، مانند خیّاطی و امثال آن، اشکالی ندارد.

سؤال ۵۰۱- آیا ممارات و مجادله در امور دنیوی و دینی، برای معتکف جایز است؟

جواب: جدال بر سر مسائل دینی یا دنیوی، به قصد غلبه کردن بر طرف مقابل و اظهار فضیلت، حرام است.

سؤال ۵۰۲- لمس و تقبیل همسر، برای معتکف جایز است؟

جواب: این امور برای معتکف حرام است، بنابر احتیاط واجب.

سؤال ۵۰۳- اگر زنی را که معتکف است، طلاق رجعی دهند، تکلیفش چیست؟ و اعتکافش چه حکمی دارد؟

جواب: اعتکافش باطل می‌شود و باید به خانه شوهر برای ادامه عدّه برود (زیرا زن در مدّت عدّه طلاق رجعی نباید از خانه شوهر خارج شود).

سؤال ۵۰۴- غیر از موارد چهارگانه‌ای که در سؤالات بالا به آن اشاره شد، چه چیزهایی بر معتکف حرام است؟

جواب: پنج چیز بر معتکف حرام است، چهار مورد آن در سؤالات قبل گذشت و مورد پنجم استمناست بنابر احتیاط، هرچند از طریق حلال باشد، مانند ملاعبه با همسر.

مبطلات اعتکاف

سؤال ۵۰۵- اگر روزه شخص معتکف باطل شود، آیا اعتکاف او هم باطل می‌شود؟

جواب: آری اعتکاف او هم باطل می‌شود.

سؤال ۵۰۶- اگر معتکف مرتکب فعل حرامی شود که روزه را باطل نمی‌کند، اعتکافش چه حکمی دارد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۱۶۷

جواب: هر کار حرامی اعتکاف را باطل نمی‌کند؛ تنها امور خاصّی اعتکاف را باطل می‌کند که در بالا آمد.

سؤال ۵۰۷- اگر اعتکاف به وسیله یکی از مبطلات و مفسدات باطل شود در صورت زیر چه حکمی دارد؟

الف) در صورتی که اعتکاف، واجب معیّن باشد.

ب) در صورتی که اعتکاف واجب غیر معیّن باشد.

ج) در صورتی که اعتکاف استحبابی باشد.

د) در هر صورت آیا قضای اعتکاف، واجب فوری است؟

جواب: هرگاه اعتکاف خود را با یکی از امور پنج‌گانه بالا باطل کند، اگر به سبب نذر بر او واجب معیّن بوده باید قضا کند، و اگر واجب غیر معیّن بوده و این امر در روز سوّم بوده، نیز باید قضا کند و اگر در روز اوّل و دوّم بوده لازم نیست. در ضمن، قضای اعتکاف واجب فوری نیست؛ بلکه وقت آن وسیع است.

سؤال ۵۰۸- اگر شخصی جای کسی را که معتکف بوده غصب کند، فرموده‌اند اعتکاف او باطل است. حال اگر جاهل یا عامد بوده و اکنون پشیمان شده و جای خود را عوض کرده، آیا اعتکاف او صحیح است؟ و در صورت عمد آیا کفّاره دارد؟

جواب: اگر جاهل به موضوع باشد، اعتکاف او صحیح است؛ ولی اگر غصب بودن را می‌دانسته و حکم اعتکاف را نمی‌دانسته، اعتکاف او صحیح نیست و توبه در اینجا مشکلی را حل نمی‌کند.

قضا و کفّاره اعتکاف

سؤال ۵۰۹- اگر شخص معتکف در اثنای اعتکاف واجب (به نذر یا مثل آن) بمیرد، آیا قضای آن بر ولیّ او واجب است؟

جواب: واجب نیست.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۱۶۸

سؤال ۵۱۰- آیا باطل کردن اعتکاف به وسیله جماع یا سایر محرّمات کفّاره دارد؟ و اگر کفّاره دارد، آیا مثل کفّاره ماه رمضان است؟

جواب: آری جماع کفّاره دارد و مانند کفّاره ماه رمضان است؛ ولی سایر مبطلات غیر جماع کفّاره ندارد.

سؤال ۵۱۱- در فرض بالا- اگر اعتکاف او در ماه رمضان همراه قضا و روزه ماه رمضان باشد و باطل شود، آیا بازهم همان کفّاره را دارد؟

جواب: در چنین فرضی دو کفّاره بر او واجب می‌شود؛ یک کفّاره برای ماه رمضان یا قضای آن و یک کفّاره برای اعتکاف.

سؤال ۵۱۲- در فرض فوق اگر نذر کند در ماه رمضان معتکف شود، سپس در ماه رمضان روزه خود را باطل کند، چند کفّاره بر او واجب است؟

جواب: سه کفّاره بر او واجب می‌شود؛ کفّاره‌ای برای ماه رمضان و کفّاره‌ای برای اعتکاف و کفّاره‌ای برای تخلّف از نذر؛ مگر این که زمان برای ادای نذر او باقی باشد که در این صورت کفّاره نذر تعلّق نخواهد گرفت.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۱۶۹

فصل سیزدهم: احکام خمس

[متعلَّق خمس]

۱- خمس منافع کسب

سؤال ۵۱۳- اگر سرمایه کسی مخمّس شود و با گذشت یک سال مالی، در اثر تورّم ناشی از افزایش حجم پول در گردش، ارزش پولی آن افزایش بیابد؛ ولی جنس عوض نشود و مقدار آن ثابت بماند آیا در اینجا ربح صدق می کند و مشمول خمس می‌شود؟

جواب: ربح در اینجا صدق می کند، زیرا نوسانات محدود و کوتاه مدّت در عرف بازار هنوز به رسمیّت شناخته نشده است و تنها در محافل علمی مورد بحث است؛ توضیح این که در بعضی از جوامع کنونی کمترین تغییر در تورّم، در محاسبات بدهی‌ها و مطالبات در عرف بازار لحاظ می‌شود، مثلًا بانکهای این کشورها هر سال، هنگامی که بهره سپرده‌ها را می‌دهند در کنار بهره، تفاوت تورّم را هم می‌پردازند، یعنی در عرف بازار آنها، محاسبه تورّم به عنوان یک اصل اقتصادی شناخته شده است؛ در این کشورها می توان تورّم را در همه دادوستدها ملحوظ داشت؛ ولی در عرف کشورهای دیگر این مسأله فقط در محافل علمی مطرح است و می‌دانیم مسائل فقهی بر محور موضوعات عرفی دور می‌زند؛ نه موضوعات خاصّ محافل علمی.

سؤال ۵۱۴- چندین سال است که مشغول ساختن منزل مسکونی می‌باشم، فقط پول زمین را یکجا پرداخته‌ام؛ ولی بقیّه کارهایش را به تدریج انجام داده‌ام، حکم خمس آن را بیان فرمایید.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۱۷۰

جواب: در صورتی که مبلغ اوّلیّه از درآمد همان سال بوده خمس ندارد؛ امّا اگر از درآمد سالهای قبل بوده خمس دارد؛ ولی بقیّه را که تدریجاً ساخته‌اید، مشمول خمس نیست.

سؤال ۵۱۵- یک منزل مسکونی ساخته‌ام که یک سوّم پول آن غیر مخمّس، و یک سوّم آن قرض مضاربه‌ای، و یک سوّم آن وام می‌باشد، آیا در صورت فروش خمس به آن تعلّق می گیرد؟

اگر آن را با زمین معامله کنم و اضافی آن را خرج خودش کنم چطور؟

اگر از پول فروش آن بلافاصله زمین خریده و اقدام به ساخت کنم چطور؟

جواب: نسبت به غیر مخمّس خمس تعلق می گیرد.

سؤال ۵۱۶- آیا پولی که به خاطر خریدن خانه، یا ازدواج، یا مانند آن نگهداری می‌شود، مشمول خمس است؟

جواب: اگر سال بر آن بگذرد خمس دارد و در موارد ضروری حاکم شرع می تواند ارفاقهایی لحاظ کند.

سؤال ۵۱۷- وقتی شوهرم فوت کرد خانه‌ای حدود هشتاد متر داشتم که آن هم در طرح خیابان بود، با کار کردن و زحمت فراوان، در حالی که سه کودک یتیم داشتم، بطور اقساط زمینی خریدم و اکنون آن زمین را به قیمت دو میلیون تومان فروخته و قصد دارم که با مقداری از این پول به زیارت حجّ بیت اللّه الحرام بروم و بقیّه را در بانک بگذارم و از سود آن زندگی خود را بگذرانم تا محتاج فرزندان و خلق روزگار نباشم، آیا به این پول خمس تعلّق می گیرد؟

جواب: اگر زمین را برای خانه مسکونی خریده‌اید و بعداً ناچار به فروش آن شدید خمس ندارد، در غیر این صورت خمس دارد؛ ولی می‌توانید با یکی از نمایندگان ما دستگردان کنید تا به شما ارفاق کند و تخفیف بدهد.

سؤال ۵۱۸- طبق فتوای امام راحل (قدّس سرّه) به قیمت منزل مسکونی خمس

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۱۷۱

تعلّق می گیرد؛ هرچند وسط سال خمسی آن را بفروشد و سال بر پول آن نگذرد، آیا برای کسانی که مقلّد معظّم له هستند؛ راه حلّی وجود دارد که از خمس آن معاف باشند و آن را در جای دیگری منزل خریداری کنند؟

جواب: در این مسأله، می‌توانند از دیگری تقلید کنند و ما معتقدیم که در فرض بالا خمس واجب نیست.

سؤال ۵۱۹- برادرم می‌خواهد یک باب منزل مسکونی برای این جانب بخرد، در حالی که یقین دارم مال ایشان مخلوط به حرام است و خمس نمی‌پردازد؛ حجّ واجب بر گردن دارد و به وظایف شرعی خود عمل نمی‌کند، آیا استفاده کردن از چنین منزلی برای بنده جایز است؟ معاشرت با چنین اشخاصی چه حکمی دارد؟

جواب: در مورد منزل باید خودتان وجوه آن را بپردازید، و اگر مخلوط به حرام است نیز طبق وظیفه‌ای که در مورد این اموال در شرع مقدّس وارد شده عمل کنید. «۱» و در مورد معاشرت، چنانچه توأم با امر به معروف و نهی از منکر و احتمال تأثیر باشد اشکالی ندارد، و اگر در اموال غیر مخمّس او تصرّف می‌کنید خمس آن را بپردازید.

سؤال ۵۲۰- آیا حقّ التّولیه متولّی، که در آخر سال بابت انجام امور تولیتی به او تعلّق می‌گیرد، مشمول خمس می‌گردد؟

جواب: آری مشمول خمس است.

سؤال ۵۲۱- چیزی را که انسان لازم دارد، مانند تمبر، پاکت و غیره، اگر برای نیاز بلند مدّت تهیّه کند و یک سال از خرید باقیمانده، یا خرید همه آنها بگذرد، در صورتی که از نظر عقلی تهیّه آن برای استفاده تدریجی معقول باشد، آیا خمس بر آنچه یک سال از خرید آن گذشته تعلّق می‌گیرد؟

جواب: احتیاط آن است که خمس آن را بدهد.

---

(۱). شرح آن در مبحث خمس حلال مخلوط به حرام خواهد آمد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۱۷۲

سؤال ۵۲۲- در گذشته از روی علاقه و بدون قصد فروش، تمبر یادگاری جمع می‌کردم، حال قصد فروش آنها را دارم، آیا بعد از فروش به پولش خمس تعلق می‌گیرد؟ و اصولًا آیا خود تمبر یادگاری خمس دارد؟

جواب: بعد از فروش، اگر تا آخر سال خمسی خرج نشود، خمس دارد.

سؤال ۵۲۳- شخصی در وسط سال خمسی به مسجد کمک می‌کند، آیا این، جزء مؤونه حساب می‌شود؟

جواب: آری، جزء مؤونه است.

سؤال ۵۲۴- مستأجرین باید مبلغی به عنوان ودیعه و سپرده به مالکین بدهند تا به آنها خانه اجاره دهند وگرنه، یا خانه را اجاره نمی‌دهند، یا مال الاجاره بیشتری طلب می‌کنند، آیا مبلغ ودیعه و سپرده که طبعاً سال بر آن می‌گذرد مشمول خمس است؟

جواب: مبلغ مذکور جزء مؤونه است و خمس ندارد؛ امّا اگر آن را بازپس گرفت و نیازی به آن نداشت احتیاط آن است که خمس آن را بدهد.

سؤال ۵۲۵- برادری از صندوق قرض الحسنه وام چهارساله‌ای دریافت می‌کند و در مدت سه سال و نیم اقساط آن را می‌پردازد، در آخر سال که حساب خود را می‌رسد حدود پنج هزار تومان پس‌انداز و مبلغ بیست هزار تومان بدهی دارد، آیا می‌تواند بدهی مزبور را کسر نماید، یا این که پنج هزار تومان مشمول خمس است؟

جواب: چنانچه اقساط وجه فعلی را پرداخته باشد، وجه موجود خمس دارد؛ ولی اگر بدهی دارد می‌تواند از آن کم کند.

سؤال ۵۲۶- پدری در طول سال گاهی برای فرزندان خود مبلغی را پس‌انداز می‌کند، در واقع این پس‌انداز را به تملیک آنها درمی‌آورد، آیا به پس‌اندازهای فوق خمس تعلّق می‌گیرد؟ در صورت تعلّق، خمس آن بر عهده ولیّ است، یا فرزندان پس از بلوغ؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۱۷۳

جواب: چنانچه به فرزندان خود بخشیده، و اگر بالغ هستند به قبض ایشان داده، احتیاطاً باید خود فرزندان خمس آن را بدهند، و اگر

نابالغ هستند و مال تا سنّ بلوغ باقی باشد، بنابر احتیاط واجب خمس به آن تعلّق می گیرد و فرزندان باید بپردازند.

سؤال ۵۲۷- دانشگاهها پولی به عنوان قرض (بورسیّه) به دانشجویان می‌دهند و بعداً به تدریج پس می گیرند، آیا این پول خمس دارد.

جواب: خمس ندارد.

سؤال ۵۲۸- اگر بعد از اتمام بافت قالی، بدون این که سال بر آن بگذرد، آن را بفروشند و به مصرفی برسانند، خمس دارد؟

جواب: هر گاه سال خمسی بر آن نگذشته، خمس ندارد.

سؤال ۵۲۹- چنانچه شغل و درآمد فرد از قالی‌بافی نباشد، بلکه قالی صرفاً جنبه کمک هزینه زندگی داشته باشد، آیا خمس دارد؟

جواب: فرقی نمی کند، اگر سال بر آن گذشته باشد خمس دارد.

سؤال ۵۳۰- افرادی که سال خمسی دارند، اگر هنگام حساب سال قالی ناتمام باشد، خمس آن را چگونه حساب کنند؟

جواب: جزء درآمد سال بعد حساب می‌شود.

سؤال ۵۳۱- زید برای احیا کردن زمین موات نهری کشیده و قسمتی از آن زمین را قبل از گذشتن سال احیا نموده است. آیا به این زمین خمس تعلّق می گیرد؟ حکم قسمت دیگر آن زمین که بعد از گذشتن سال احیا نموده چیست؟

جواب: آن قسمت که قبل از گذشتن سال احیا نموده، مشمول خمس است و بقیّه در آینده مشمول خمس می‌شود.

سؤال ۵۳۲- کسی مقداری از پول خود را به صورت مضاربه سرمایه‌گذاری کرده است، اگر سال بر این پول، که اصل سرمایه است، بگذرد و همچنان با آن معامله کند، آیا خمس دارد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۱۷۴

جواب: اگر خمس آن پول را قبلًا داده، اصل پول خمس ندارد و الّا باید خمس آن را بدهد؛ ولی منافع آن در هر حال خمس دارد.

سؤال ۵۳۳- آیا به پولی که در بانک مسکن، جهت تهیّه مسکن گذاشته می‌شود، و چندین سال می گذرد تا منزل آماده شود، خمس تعلّق می گیرد؟

جواب: اگر پول را برای این گذارده که وام بیشتر بگیرد خمس دارد، و اگر پول پیش‌پرداخت مسکن است خمس ندارد.

سؤال ۵۳۴- آیا به جوایز بانکی خمس تعلّق می گیرد؟

جواب: احتیاط واجب آن است که خمس آن را بدهند.

سؤال ۵۳۵- شخصی مبلغی را در بانک به عنوان پس‌انداز بلند مدّت ۵ ساله سرمایه‌گذاری می کند، پس از مدّتی متوجّه می‌شود که خمس آن مبلغ را نداده است. اگر بخواهد حساب را ببندد بانک سودهای متعلّقه را کسر می‌نماید و به مقدار کمی تقلیل می‌دهد، آیا این شخص باید فوراً حساب بانکی را ببندد تا مبلغ خمس را جدا کند، یا می‌تواند در انتهای پنج سال خمس اصل مال و سود آن را با هم بدهد؟ آیا می‌تواند خمس مال را از پول دیگری بپردازد تا حساب بانکی بسته نشود؟

جواب: مجاز است که خمس آن را از مال دیگری بپردازد، و اگر مال دیگری ندارد به او اجازه می‌دهیم خمس خود را تا پایان مدّت تأخیر بیندازد.

سؤال ۵۳۶- یک سال و نیم است به استخدام سازمان بهزیستی درآمده‌ام و ماهیانه ۳۰ هزار تومان حقوق می گیرم، با توجّه به این که مجرّد هستم و در خانه پدری می‌باشم، حقوق ماهیانه‌ام را در حساب کوتاه مدّت بانکی به صورت پس‌انداز جمع نموده‌ام؛ لطفاً بفرمایید:

الف) آیا به این حساب پس‌انداز خمس تعلّق می گیرد؟

جواب: آری، خمس تعلّق می گیرد؛ ولی در صورت نیاز مبرم به شما اجازه می‌دهیم خمس را به تأخیر بیندازید.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۱۷۵

ب) بهره‌ای که به این پس‌انداز تعلّق می‌گیرد، چه حکمی دارد؟

جواب: چنانچه شرط خاصّی در مورد پس‌انداز نکرده باشید و خود آنها بهره‌ای بدهند؛ اشکالی ندارد، ولی خمس به آن تعلّق می‌گیرد.

سؤال ۵۳۷- آیا به پولی که پدر و مادر به فرزندانشان، به عنوان بخشش یا هزینه تحصیل می‌دهند، با گذشت سال خمس تعلّق می‌گیرد؟

جواب: چنانچه تملیک کرده باشند و اضافه از هزینه سال باشد، بنابر احتیاط واجب خمس دارد.

سؤال ۵۳۸- این جانب در کارخانجات مخابراتی مشغول به کار می‌باشم و در وقت اضافی اقدام به طرّاحی و ساخت تعدادی ابزار نموده و از آنها درآمد خوبی به دست می‌آورم، با توجّه به این که ابزارهای فوق باید با دستگاه اجاره‌ای تکمیل شده و قطعه تولید نماید، آیا به آنها خمس تعلّق می‌گیرد؟

جواب: چنانچه با دادن خمس آنها مشکلی برای زندگی شما پیدا نشود، باید خمس آن را بدهید.

سؤال ۵۳۹- آیا هزینه‌ای که صرف تصفیه فاضلابهای خطرناك بعضی از صنایع می‌شود، از هزینه‌های تحصیل کالا محسوب شده و از پرداخت خمس معاف است؟

جواب: این هزینه‌ها جزء هزینه کالاست و خمس تنها به سود تعلّق می‌گیرد.

سؤال ۵۴۰- آقای زید احتیاج به لباس و فرش دارد، ولی پشمی را که در دسترس دارد کم است، به همین جهت چند سال پشم را جمع کرده و لباس و فرش درست می‌کند، آیا به این پشم که سال بر آن گذشته خمس تعلّق می‌گیرد؟

جواب: اگر برای لباس و مانند آن کنار گذاشته و تهیّه لباس جز از این راه میسّر نیست، خمس ندارد.

سؤال ۵۴۱- شخصی مبلغی پول جهت تشرّف به زیارت خانه خدا در بانك ودیعه گذاشته است، آیا به آن پول خمس تعلّق می‌گیرد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۱۷۶

جواب: خمس ندارد.

سؤال ۵۴۲- خانمی زمین موروثی پدری را فروخته و با پول آن جهت عزیمت به حج، خود و فرزندانش ثبت نام نموده و امسال اسامی آنان اعلام شده است، آیا در صورت گذشتن یک سال یا بیشتر بر زمین یا پول زمین، خمس به آن تعلّق می‌گیرد؟

جواب: ارث مشمول خمس نیست؛ مگر این که قیمت زمین از زمانی که مال الارث به او منتقل شده، افزایش یافته باشد که به افزایش آن خمس تعلّق می‌گیرد، اگر قبل از گذشتن سال آن را برای نام‌نویسی هزینه کرده، در این صورت چیزی بر او نیست.

سؤال ۵۴۳- آیا به سرمایه خمس تعلّق می‌گیرد؟

جواب: سرمایه خمس دارد؛ مگر این که ادای خمس سبب شود که نتواند به وسیله بقیّه، زندگی خود را اداره کند.

سؤال ۵۴۴- آیا به موادّ مصرفی مورد نیاز، مانند موادّ غذایی موجود در منزل که مقداری از آن به مصرف رسیده و مقداری از آن در انتهای سال خمسی باقی می‌ماند، خمس تعلّق می‌گیرد؟

جواب: تمام این‌ها خمس دارد، و می‌توان مبلغی بطور تخمین برای آنها در نظر گرفت، و به قیمت روز در بازار آزاد محاسبه می‌شود.

سؤال ۵۴۵- آیا به پول کسانی که خمس اموال خود را نمی‌پردازند و به مساجد و یا حسینیّه‌ها کمك می‌کنند، خمس تعلّق می‌گیرد؟

جواب: اگر در همان سال درآمد، هدیه کنند خمس ندارد، و اگر یقین دارید که آن پول غیر مخمّس است، باید خمس آن را داد و سپس مصرف کرد؛ ولی برای این که مؤمنین در زحمت نیفتند ما در این گونه موارد اجازه می‌دهیم آن خمس را در همان مسجد یا حسینیّه مصرف کنند.

سؤال ۵۴۶- آیا کسی که مالیات می‌پردازد، آن مقدار جزء خمس و زکات او حساب می‌شود؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۱۷۷

جواب: مالیات جزء خمس حساب نمی‌شود؛ بلکه مانند مال الاجاره منزل یا اجرت دکتر و کارگر است. اگر مثلًا شما کارگری را استخدام کنید که کوچه شما را تمیز کند، آیا هزینه آن از باب خمس حساب می‌شود، یا مؤونه سال شماست؟ مصارف مالیات همه از این قبیل است.

سؤال ۵۴۷- از آنجا که سیگار جزء مؤونه شرعی نیست، آیا باید خمس آن پرداخت شود؟

جواب: استعمال دخانیات و از جمله سیگار مطلقاً جایز نیست و پولی که در این راه مصرف می‌شود، جزء مؤونه زندگی نیست.

سؤال ۵۴۸- افراد مجرّد از درآمد بین سال به مرور زمان لوازم ازدواج تهیّه می‌کنند؛ چون در وقت حاجت، تمکّن تهیّه آن را ندارند، آیا این وسایل جزء مؤونه حساب می‌شود، یا خمس دارد؟

جواب: در صورتی که این کار در میان مردم رایج باشد و به صورت هزینه معمولی درآید، خمس ندارد.

سؤال ۵۴۹- در مسأله ۱۵۰۶ توضیح المسائل فرموده‌اید: «وسایل مورد نیاز که در اثنای سال می‌خرد، اگر بعداً از آنها بی‌نیاز شود، خمس ندارد»، آیا کتاب داستانی که شخص می‌خرد و یک بار می‌خواند و دیگر به درد او نمی‌خورد، خمس دارد؟

جواب: خمس ندارد.

سؤال ۵۵۰- کسی که چندین سال خمس اموالش را نداده و به یاد ندارد که هر سال چقدر پس‌انداز کرده است، چگونه باید تسویه حساب کند؟ آیا می‌توان مبلغ خمس را کنار گذاشت و بعداً پرداخت کرد، یا باید حتماً سر سال پرداخت نمود؟

جواب: آنچه مربوط به خانه و وسایل زندگی است، خمس ندارد، بقیّه را محاسبه نماید و خمس آن را بپردازد و در صورت شک با حاکم شرع مصالحه می‌کند، و پرداختن خمس از آغاز سال جایز است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۱۷۸

سؤال ۵۵۱- عالمی در شهر ماست که اموال مشمول خمس را بر مبنای پول زمان خرید محاسبه می‌نماید، آیا طریقه عمل کردن ایشان صحیح است؟

جواب: خمس بر اساس قیمت فعلی است؛ ولی اگر برای پرداخت‌کننده مشکل و سنگین باشد، می‌توان به قیمت سابق محاسبه کرد؛ مشروط بر این که هرگاه ملک را بفروشند، خمس تفاوت را بدهند.

سؤال ۵۵۲- شخصی در امرار معاش سالیانه خود به زمین مزروعی احتیاج دارد و غیر از آن زمین، منبع درآمد دیگری ندارد. به همین جهت گاو و گوسفندانی را فقط برای کود آنها نگهداری می‌کند (لازم به ذکر است زمین مذکور بدون کود، ابداً زراعت نمی‌دهد)، از شیر و پشم و موی حیوانات مذکور نیز استفاده می‌کند؛ ولی مقصود از نگهداری حیوانات همان طور که گفته شد استفاده از کود آنهاست. آیا حیوانات مذکور خمس دارد؟

جواب: حیواناتی که برای کود نگهداری می‌شود، جزء سرمایه است و خمس دارد.

۲- مال حلال مخلوط به حرام

سؤال ۵۵۳- هرگاه مالی که از راه حرام به دست آمده، در کار حلالی سرمایه‌گذاری شود و سود بدهد، آیا این سود حلال است؟

جواب: این سود نیز تابع سرمایه است و تصرّف در هر دو حرام است.

سؤال ۵۵۴- آیا از مال حلال مخلوط به حرام می‌شود به مسجد کمک کرد؟

جواب: اگر مقدارش را نمی‌داند و صاحبان آن را نمی‌شناسد، باید خمس آن را بپردازد و بعد صرف مسجد کند.

سؤال ۵۵۵- پدری که ثروتش از راه حرام به دست آمده، چنانچه جهیزیّه‌ای برای دخترش تهیّه کند، یا هدیه‌ای به او بدهد، آیا دختر می‌تواند از آن در خانه شوهر

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۱۷۹

استفاده کند؟ راه پاک کردن آن چیست؟

جواب: اگر یقین ندارد که از مال حرام است برای او اشکالی ندارد و اگر یقین دارد چنانچه مقدار حرام و صاحبانش شناخته شده نیستند، واجب است خمس آن را بپردازد، و بقیّه پاک می‌شود.

۳- گنج

سؤال ۵۵۶- منطقه‌ای وجود دارد که در آن اشیای عتیقه یافت می‌شود؛ ولی این اشیا همراه میّت دفن شده است و بیش از پانصد سال از دفن آنها می‌گذرد. آیا کندن زمین برای بیرون آوردن این گنج‌ها، با توجّه به این که احتمالًا یا قطعاً نبش قبر می‌شود و استخوانهای میّت نیز بیرون می‌آید، جایز است؟ آیا اشیای مذکور حکم گنج دارد و خمس آن واجب است؟

جواب: هرگاه- آن طور که نوشته‌اید- صدها سال بر آن گذشته، اشیای مذکور حکم گنج را دارد و خمس آنها واجب است؛ ولی اگر موجب نبش قبر مسلمان شود جایز نیست؛ مگر این که اثری از اموات باقی نباشد.

سؤال ۵۵۷- یکی از مواردی که طبق فتوای همه مراجع تقلید- ادام اللّه عزّهم- خمس آن واجب می‌باشد، گنج است؛ و معنای این سخن این است که یابنده گنج شرعاً مالک آن می‌شود، و باید خمس آن را بپردازد؛ با توجّه به این مسأله چرا دولت اسلامی این گونه گنج‌ها را به بهانه حفظ آثار باستانی و غیر آن تملّک می‌کند؟ و بر فرض جواز آیا نباید معادل قیمت آن را به یابنده گنج که شرعاً مالک است، بپردازد؟

جواب: البتّه به عنوان اوّلی گنجها با شرایطی متعلّق به صاحبان زمین، و در اراضی مباح، متعلق به یابنده آن است؛ ولی هرگاه حکومت اسلامی به خاطر مصالحی که در عناوین ثانویّه می‌گنجد لازم ببیند که گنج در اختیار بیت المال اسلام قرار گیرد، باید مطابق آن عمل شود.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۱۸۰

۴- معدن

سؤال ۵۵۸- پدری دارای شش پسر است، خرج و مخارجشان مشترک است و متعارف هم این است که تا وقتی که پدر اموال را بین آنها تقسیم نکند، مال پدر محسوب می‌شود، حالا- یکی از برادران، که کارش حفر معدن است، با چند نفر دیگر (غیر از افراد خانواده خود) به معدنی از زمین‌های عمومی دست یافته است، و پس از اخراج معدن مقداری از آن را به فروش رسانده و پولی به دست آورده و بعد از تقسیم، این پول را به خانه می‌آورد، و آن را به اسم دایی‌اش مدّتی در بانک می‌گذارد و منافعی هم به دست می‌آورد، اکنون برادران می‌خواهند تشکیل خانواده بدهند، لذا پدر تمام مایملک خود را با پول مذکور (غیر از منافع بانکی) بین فرزندان تقسیم می‌کند، سؤال این است که آیا نسبت به باقیمانده معدن پدر و برادران دیگر حق استفاده دارند؟ و نیز نسبت به منافع بانکی که در اموال تقسیم شده نبود، حق دارند؟

جواب: اگر معدن را به نیّت همه برادران و پدر استخراج کرده، باقیمانده آن و منافع شرعی پول، به همه تعلق می گیرد، و اگر به نیّت شخص خودش اخراج کرده متعلّق به خودش می‌باشد، و به هر نحو که بخواهد می توانـد میان فرزندان تقسیم کند، یا برای خودش نگهدارد.

سؤال ۵۵۹- لطفاً پیرامون معدن به سؤالات زیر پاسخ فرمایید:

الف) بـا توجّه به مالکیّت دولت اسلامی نسبت به معادن کشور، آیا کسی می‌توانـد خارج از ضوابط حکومت اسلامی، معدنی را مالک شود؟

ب) اگر کسی معدنی را مالک شد و یا به صورت موقّت بهره‌بردار آن شد، آیا می توانـد نسبت به حریم معدن ادّعایی داشته باشد؟

ج) اگر نسبت به حریم بتواند مدّعی باشد، آیا این مطلب در فرض مالکیّت او نسبت به معدن است؟ یا اعمّ از مالکیت و بهره‌برداری است؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۱۸۱

د) اگر کسی موقّتاً بهره‌بردار از معدنی شد، آیا می توانـد نسبت به حریمی که فعلًا مورد نیازش نیست، مدّعی شود؟

ه‍) با فرض مالکیّت دولت نسبت به معادن، و فرض وجود حریم برای معـدن، و لو حریمی که سالهای آتی احتمالًا مورد نیاز باشد، اگر همـان دولتِ مالک، حریمی تصوّری و احتمالی را به فرد ثالث (غیر از بهره‌بردار معـدن)، واگـذار قطعی نمایـد، آیا بهره‌بردار از معدن می توانـد نسبت به حریم تصوّری و احتمالی معدن ادّعایی داشته باشد؟

و) اگر مالـک معـدن (یعنی دولت) هیـچ گونه ادّعایی نسبت به حریم تصوّری یا واقعی معـدن نداشـته باشـد، آیا بهره‌بردار می‌تواند نسبت به هر دو قسم از حریم (تصوّری و واقعی) ادّعایی داشته باشد؟

ز) اگر بهره‌بردار از معـدن نتوانـد از معدن بهره‌برداری نمایـد؛ به دلیل این که مالک معدن (یعنی دولت) حریم واقعی معدن را به فرد ثالث واگذار نموده است، آیا شرعاً بهره‌بردار می‌تواند برای فرد ثالث ایجاد مزاحمت نمایـد؟

ح) اگر بهره‌بردار از معـدن اقدام به انفجار نمایـد و این انفجار موجب تشنّج اعصابِ افراد ساکنِ در اطراف معدن شود، از نظر شـرع مقـدّس این نـوع بهره‌برداری چه حکمی دارد؟ حکـم شـرعی متـوجّه بهره‌بردار است یـا صادرکننـده مجـوّز بهره‌برداری؟ اگر شـدّت انفجار فرضاً موجب سقط جنینی شود، چه کسی مقصّر است؟

ط) اگر بهره‌برداری از معـدن مـوجب سـلب آسـایش، آرامش و آلـوده نمـودن محیـط زیسـت شـود، آیـا شـرعاً می‌تـوان از معـدن بهره‌برداری کرد؟ اگر برای امور خیریّه و عام المنفعه باشد، چه حکمی دارد؟

ی) اگر کسـی ادّعا کنـد حقّ اسـتفاده از معـدن از نظر زمانی، بر حقّ اسـتفاده از منزل مسـکونی در اطراف معـدن تقدّم دارد. در این صورت کـدام یک بایـد از حق خود صـرف نظر کنـد؟ و یا هر یک می‌تواند از حق خود اسـتفاده کند و هیچ یک برتری بر دیگری ندارد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۱۸۲

ک) بر فرض لزوم رعـایت حریـم معـدن، ملاـک حریم واقعی است (یعنی آنچه الاـن مورد احتیـاج است) یا حریم احتمالی، که دهها سـال آینـده- بر فرض ادامه بهره‌برداری از معـدن- مورد نیـاز خواهـد بود را نیز شامـل می‌شود؟ (بـا توجّه به این که هرچه از معـدن استخراج می‌شود، مکان موادّ استخراجی به عنوان حریم عملیّات استخراج، می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد).

جواب: معدن، خواه در تملّک اشـخاص باشد یا تملّک دولت، و واگذاری خواه به صورت تملّک باشد یا بهره‌برداری، دارای حریم اسـت، و مراد از حریـم معـدن، آن مقـدار فضـا و محلّی اسـت که در عرف و عـادت معـدنچیان، برای اسـتخراج و بـارگیری و سـایر احتیاجات متعارف، مورد نیاز است.

هرگاه در قانون حکومت اسلامی حدّی برای آن معدن در نظر گرفته شده است، بر طبق آن عمل می‌شود و اگر در قانون تبیین نشده، باید با مشاوره چند نفر از معدنچیان باسابقه و متدیّن، حدّ و حدود آن تعیین گردد و مطابق آن عمل شود و واگذاری این حریم به دیگران در صورتی که از طرف مسئولان بخش معدن و مطابق مقرّرات باشد، اشکالی ندارد، در غیر این صورت جایز نیست. البتّه حریم معدن، نسبت به بهره‌برداری‌های ممکن در حال و آینده نزدیک، در نظر گرفته می‌شود و آینده دور معیار نیست. ضمناً بهره‌برداران از معدن در نحوه بهره‌برداری و انفجارات خود، باید طوری عمل کنند که مزاحمت و ضرر و زیانی برای همسایگان حاصل نشود.

سؤال ۵۶۰- قریه‌ای کوه بزرگی دارد، همه اهالی روستا گاو و گوسفند خود را در این کوه می‌چرانند، هر قسمت از کوه به گاو و گوسفندان یک محلّه اختصاص داده شده است، حال اگر کسی در چراگاه محلّه دیگر، اشیای معدنی مثل یاقوت، زمرّد و سایر اشیای قیمتی پیدا کند، آیا حلال و جایز است؟

جواب: هرگاه کسانی معادنی در آنجا پیدا کنند، متعلّق به خود آنهاست.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۱۸۳

مصرف خمس

سؤال ۵۶۱- هرگاه مالی را به سیّد غنی بدهند و معلوم نباشد که از سهم سادات است یا غیر آن، آیا سیّد غنی می‌تواند بدون تفحّص آن را بگیرد و مصرف کند؟

جواب: احتیاط آن است که تحقیق کند، اگر سهم سادات است نپذیرد.

سؤال ۵۶۲- آیا می‌توان تمام یا قسمتی از سهم مبارک امام (علیه السلام) را به صندوق خیریّه، که برای کمک به مستمندان و ایتام تأسیس شده است، پرداخت نمود؟

جواب: سهم امام (علیه السلام) در شرایط فعلی برای اقامه حوزه‌های علمیه است، که سبب بقای دین و مذهب و توجّه مردم به اسلام و برنامه‌های فرهنگی است، و در موارد استثنایی می‌توان با اجازه مرجع تقلید مقداری از آن را در سایر کارهای خیر مصرف کرد.

سؤال ۵۶۳- آیا می‌توان به خانواده شخص نیازمند غیر سیّدی که سیّد است و خرج او اداره نمی‌شود، خمس داد، تا خرج زندگی مشترک کند؟ یعنی خرج شوهر و فرزندانش نماید.

جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۵۶۴- آیا کتب معتبره انساب و نیز مشجّرات و نسب‌نامه‌هایی که در خانواده‌های سادات موجود است و نوعاً به تأیید علما رسیده، در تأیید سیادت کافی است؟

جواب: مشجّرات و نسب‌نامه‌هایی که به تأیید علمای معروف رسیده باشد، برای اثبات سیادت کافی است.

سؤال ۵۶۵- آیا ظنّ و اطمینان حاصل از طرق شرعیّه، برای اثبات سیادت کافی است (با توجّه به این که غیر از امارات ظنّیه وسیله دیگری جهت حصول قطع به موضوع مذکور نداریم)؟

جواب: ظنون قویّه و اطمینان کفایت می‌کند، و از همه بهتر شهرت به سیادت

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۱۸۴

در محل تولّد و زندگی است.

سؤال ۵۶۶- آیا شهرت کم، در حدّ ظنّ و اطمینان، برای اثبات سیادت کافی است؟ با توجّه به این که شجره‌نامه در اختیار نیست، آیا وظیفه داریم که شجره‌نامه را پیدا کنیم؟

جواب: پیدا کردن شجره‌نامه لازم نیست؛ و اگر شهرت قابل ملاحظه‌ای در محل وجود داشته باشد، کفایت می‌کند.

سؤال ۵۶۷- رؤیاهای صادقه در حدّ اطمینان یا ظن، مربوط به سیادت، و نیز ارتکازاتی که کثیری از مؤمنین بدون سابقه ذهنی یا آشنایی قبلی برایشان حاصل شده، آیا نقشی در اثبات سیادت اشخاص دارد؟

جواب: این گونه امور برای اثبات سیادت کفایت نمی‌کند.

سؤال ۵۶۸- اگر مسجد یا حسینیّه یا مدرسه‌ای، احتیاج شدیدی به کمک داشته باشد، بطوری که اگر حاصل نشود، به احتمال قوی تعطیل خواهد شد، از طرفی تحصیل اجازه مصرف وجوه شرعیّه، از مجتهد و مرجع تقلید خیلی مشکل باشد، یا بعد از مدّت طولانی حاصل شود، آیا در این حالت اجازه مصرف وجوه شرعیّه یکی از مجتهدین جامع الشّرایط، برای مقلّدین دیگر مراجع تقلید، کفایت می‌کند؟

جواب: ما به شما اجازه می‌دهیم که در این گونه موارد، که ضرورتی ایجاب می‌کند، به علمای معروف محل مراجعه کنید و با رعایت دقّت و احتیاط طبق نظر آنان عمل نمایید.

سؤال ۵۶۹- این جانب از نسل میر شاهوردی خان عبّاسی، آخرین اتابک در چهارصد سال پیش، هستم. بنا به نقل منابع تاریخی، وی خود را از فرزندان حضرت عبّاس بن علیّ بن أبی طالب (علیهما السلام) می‌دانسته و شجره‌نامه‌ای دالّ بر این مدّعا نیز در دست است.

از سوی دیگر به شهادت پیرمردان و معتمدین فامیل و غیر آنها از طوایف دیگر،

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۱۸۵

نیاکان و اجداد ما هم به نشانه سیادت شالِ سبز به کمر می‌بسته‌اند. مسائلی چون یائسگی زنان در ۶۰ سالگی و مشاهده در عالم رؤیا و امثال آن، نیز مؤیّد مطلب است؛ لکن برخی از طوایف دیگر- البتّه بدون مدرک- می‌گویند: «خاندان میر شاهوردی از نسل عبّاس بن عبد المطّلب هستند» یعنی آنها هم انتساب به هاشم بن عبد مناف را قبول دارند ولی نه از طریق عبّاس بن علیّ بن أبی طالب (علیهما السلام). با این اوصاف مستدعی است بفرمایید: آیا شرعاً آثار سیادت مترتّب می‌شود؟

جواب: چنانچه آنها در محل خودشان مشهور به سیادت باشند، خواه از نسل عبّاس بن عبد المطّلب، یا عبّاس بن علی (علیهما السلام)، آثار سیادت و انتساب به هاشم را خواهند داشت.

سؤال ۵۷۰- چرا وقتی پدر خانواده سیّد است، نام سیّد روی فرزند باقی می‌ماند، ولی اگر مادر سیّد باشد، چنین نمی‌شود؟

جواب: معمولًا نَسَب انسان در عرف از طریق پدر منشعب می‌شود، به همین جهت همیشه فامیل کودکان، مطابق فامیل پدر ثبت می‌شود، و در اسلام نسب خانواده از طریق پدر است؛ هرچند سیادت مادر نیز سبب احترام فرزند است.

مسائل متفرّقه خمس

سؤال ۵۷۱- اگر کسی شک داشته باشد که پدر یا برادر او، خمس یا زکات مالش را می‌دهد، آیا می‌تواند به صرف این که با چشم خود نمی‌بیند حمل بر صحّت کند؟ تکلیف سایر اعضای خانواده در مصرف پول و مایحتاج روزانه که به آن احتیاج دارند چیست؟

جواب: فعل او را حمل بر صحّت کنید و بگویید ان شاء اللّه به وظیفه خود عمل می‌کند، و برای شما اشکال ندارد.

سؤال ۵۷۲- مدّتی قبل خانه‌ای از شخصی خریداری شد؛ ولی مبلغی از قیمت این

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۱۸۶

خانه مانده بود؛ بعد از عقد قرارداد، شخص بنگاهی باقیمانده پول را بابت خمس قبول می‌کند و معامله تمام می‌شود و سند خانه هم طبق قرارداد به نام مشتری می‌شود؛ امّا بعد از چند ماهی شخص قبول‌کننده خمس، از عمل خود پشیمان می‌شود، آیا با پشیمانی این

شخص لازم است مبلغی را که بابت خمس قبول کرده، به او برگردانده شود؟

جواب: این پشیمانی اثری ندارد، و خمس برنمی گردد.

سؤال ۵۷۳- کسانی که توانایی پرداخت خمس را ندارند، چه باید بکنند؟

جواب: به اقساط و بطور تدریجی می‌پردازند و حاکم شرع می‌تواند با ملاحظه حال آنها تخفیفی به آنها بدهد.

سؤال ۵۷۴- آیا اشخاصی که معتقد به خمس نیستند، یا هستند و خمس نمی‌دهند (سنّی یا شیعه)، پولی که از آنها می گیریم اشکال دارد؟ و آیا خمس آن را باید بدهیم؟

جواب: اگر یقین داشته باشید که به آن پول خمس تعلّق گرفته، و طرف شیعه باشد، باید خمس آن را بدهید، و امّا اگر از اهل سنّت و یا از غیر مسلمین بگیرید، خمس دادن از آن لازم نیست.

سؤال ۵۷۵- اگر بدانیم صاحب خانه از پولی که خمس نداده غذا تهیّه نموده است، استفاده از آن چه حکمی دارد؟

جواب: اگر یقین ندارید خانه یا غذای او از پول غیر مخمّس تهیّه شده، تصرّف در آن مانعی ندارد، و اگر یقین دارید ما به شما اجازه می‌دهیم تصرّف کنید و معادل خمس آن را، که تصرّف کرده‌اید، به سادات نیازمندی بپردازید و اگر تمکّن ندارید بر ذمّه بگیرید و هر موقع توانستید بپردازید.

سؤال ۵۷۶- اگر کودک، یا سفیه، یا کسی که جنون ادواری دارد پولی به دست آورد، یا کسی پولی را به حساب او از طرف کسی واریز کند، خمس آن بر عهده چه کسی است؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۱۸۷

جواب: در مورد کودک نابالغ احتیاط آن است که خودش پس از بلوغ بپردازد، و در مورد مجنون خمس به مال او تعلّق نمی گیرد؛ ولی مجنون ادواری در آن زمانی که عاقل است باید خمسش را بپردازد، و امّا سفیه ادای خمس مالش با ولیّ اوست.

سؤال ۵۷۷- خانمی است که مقیّد به نماز می‌باشد؛ ولی همسر او گهگاه، آن هم به اجبار زن نماز می‌خواند. همچنین شوهر حساب سال ندارد؛ آیا ماندن در خانه شوهر و استفاده از خوراک و پوشاک او جایز است؟

جواب: ماندن در خانه او جایز است و می‌تواند از خوراک و پوشاک او استفاده کند و ما اجازه می‌دهیم وجوه شرعیّه آن را بر ذمّه بگیرد و هر وقت توانایی پیدا کرد بپردازد و از امر به معروف و نهی از منکر، در مورد نماز و وجوه شرعیّه، خودداری نکند.

سؤال ۵۷۸- با توجّه به این که خمس یکی از ضروریّات اسلام است و جماعت صوفیّه فقط عشریّه می‌دهند، آن هم به قطبشان، استفاده کردن از غذاها، منزل آنها، مخصوصاً نماز خواندن در منازل آنها، چه حکمی دارد؟

جواب: جایز نیست؛ مگر این که خمس آن مقداری که تصرّف می کنید بر ذمّه بگیرید و بعداً بپردازید.

سؤال ۵۷۹- آیا جایز است شخص قبل از رسیدن سال، اموال خود را به قصد فرار از خمس به همسرش، یا به شخص دیگری ببخشد؟

جواب: چنانچه واقعاً ببخشد و این مقدار بخشش در شأن او باشد خمس به او تعلّق نمی گیرد؛ ولی از فضیلتی محروم شده است.

سؤال ۵۸۰- کسی برای فرار از خمس، قبل از سال خمسی پولش را به کسی می‌بخشد تا بعد از سال خمسی آن شخص دوباره همان پول را به او ببخشد، آیا این کار باعث ساقط شدن خمس است؟

جواب: اشکال دارد و خمس ساقط نمی‌شود (بنابر احتیاط واجب).

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۱۸۸

انفال

سؤال ۵۸۱- طبق نظر حضرتعالی بریدن بی‌رویه درختان جنگل‌ها، که منابع اصلی تولید اکسیژن و ادامه حیات بشر بر کره خاکی است، و تبدیل آن مناطق به منطقه خشک چه صورتی دارد؟

جواب: الف) جنگل‌ها جزء انفال است و تصرّف در آن منوط به اجازه حکومت اسلامی است.

ب) هر کاری که موجب ضرر و زیان مسلمین، در کوتاه مدّت یا درازمدت می‌شود، جایز نیست، و لازم است مردم مسلمان در این گونه مسائل، که با محیط زیست انسان‌ها ارتباط شدید دارد، کاملًا هوشیار و مراقب باشند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۱۸۹

فصل چهاردهم: احکام زکات

اشاره

سؤال ۵۸۲- فلسفه تشریع زکات و اهداف آن را، با توجّه به آیات و روایات، بیان فرمایید.

جواب: در تفسیر نمونه، جلد ۸، ذیل آیه ۶۰ سوره توبه، مشروحاً بیان کرده‌ایم.

سؤال ۵۸۳- آیا زکات گندم و جو که با آبهای رودخانه‌ای که دولت به کشاورزان می‌فروشد مشروب می‌شود، ۱۰۱ است، یا ۲۰۱ می‌باشد؟

جواب: زکات آن ۱۰۱ است؛ مشروط بر این که آب را با پمپ و مانند آن از رودخانه نکشند و الّا ۲۰۱ است.

سؤال ۵۸۴- طبق قانون بخش تعاون جمهوری اسلامی ایران، شرکتی با سرمایه ۲۵۰ نفر از کارکنان تشکیل شده است. این شرکت طبق اساسنامه وظیفه دارد نسبت به پرداخت وام به سهامداران اقدام نماید. بر اساس اساسنامه، هیأت مدیره می‌تواند جهت تأمین بخشی از منابع مالی پرداخت وام، به انجام امور اقتصادی و خدماتی مبادرت نماید؛ در این راستا شرکت مذکور با اجاره ۱۵۰ هکتار زمین مزروعی به کاشت گندم و چغندر قند مبادرت نموده که پس از کسر هزینه‌ها سود مناسبی نیز به دست آمده است. با توجّه به تعاونی بودن شرکت و جمع‌آوری سرمایه‌های اندک و عدم تعیین محور کسب درآمد توسّط سهامداران، به سؤال ذیل پاسخ فرمایید:

آیا هیأت مدیره شرکت می‌تواند بدون اخذ اجازه از سهامداران، نسبت به کسر

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۱۹۰

زکات شرعی محصولات کشاورزی اقدام نماید؟

جواب: باید به سهامداران تذکر دهند، اگر آنها خودشان اقدام نکردند، ما به شما اجازه می‌دهیم که زکات را به صاحبانش برسانید.

سؤال ۵۸۵- به نظر حضرتعالی آیا زکات مال التّجارة واجب است؟

جواب: زکات مال التّجارة مستحب است.

اشیایی که زکات آن واجب است

سؤال ۵۸۶- آیا زکات نقدین شامل دیگر اوراق نقدیّه (پول) می‌شود؟ به بیان دیگر آیا در زکات، درهم و دینار (طلا و نقره بودن) جزء موضوع است، یا آن که تمام موضوع جنبه پولی و ارزش مبادله‌ای آن است، خواه طلا و نقره باشد، یا چیز دیگر؟

جواب: ظاهر ادلّه، انحصار زکات به طلا و نقره مسکوک است و شمول آن نسبت به اوراق نقدی و اسکناس، نیاز به الغای خصوصیّت قطعیّه دارد که قابل تأمّل است؛ زیرا اگر الغای خصوصیّت جنبه ظنّی داشته باشد در حکم استحسان و قیاس خواهد بود،

که از نظر فقهای ما مردود است.

سؤال ۵۸۷- آیا زکات منحصر به اشیای نُه‌گانه است؟ یا با توجّه به فلسفه تشریع آن، در صورت نیاز جامعه، قابل توسعه به اشیای دیگر نیز می‌باشد؟

جواب: درست است که فلسفه تشریع آن تعمیم دارد؛ ولی روایاتی داریم که صریحاً زکات را منحصر به نُه چیز می‌کند و غیر آن را نفی می‌نماید.

سؤال ۵۸۸- آیا حاکم اسلامی می‌تواند غیر از خمس و زکات واجب، پرداخت وجوه دیگری مانند مالیات را بر مردم مقرّر سازد؟

شیرازی، ناصر مکارم، استفتاءات جدید (مکارم)، ۳ جلد، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم - ایران، دوم، ۱۴۲۷ ه ق استفتاءات جدید (مکارم)؛ ج۲، ص: ۱۹۰

جواب: در صورتی که ضرورتی برای جامعه اسلامی پیش آید و هیچ راهی برای حلّ آن جز مالیات‌های جدید نباشد، حکومت اسلامی می‌تواند به مقدار لازم مالیات وضع کند، و رعایت عدالت دینی در این امر واجب است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۱۹۱

سؤال ۵۸۹- آیا تفاوتی بین دِین مؤجّل و دِین حالّ، که وام‌دهنده قدرت بر گرفتن آن را دارد؛ ولی به خاطر فرار از زکات آن را مطالبه نمی‌نماید وجود دارد؟

جواب: تفاوتی وجود ندارد؛ هیچ‌کدام مشمول زکات نیستند.

سؤال ۵۹۰- آیا به پولهایی که در بانکها به صورت قرض الحسنه، یا سپرده، یا حساب جاری گذاشته می‌شود، عنوان دین صادق است یا ودیعه؟ و در هر صورت حکم زکات آن چیست؟

جواب: حساب قرض الحسنه و حساب جاری جنبه دین دارد و به همین دلیل در تمام اوراق بانک بستانکار و بدهکار نوشته می‌شود و وام چیزی جز این نیست که عین را مصرف کنند و عوض آن را بپردازند؛ ولی سپرده، جنبه سرمایه‌گذاری برای مضاربه دارد و همان‌گونه که قبلًا گفته شد زکات در اسکناس و مانند آن نیست، هرچند احتیاط پرداختن آن است.

سؤال ۵۹۱- آیا زکات تنها به عین تعلّق می‌گیرد، یا شامل دِین نیز می‌شود؟ در صورت تعلّق به دین بر عهده چه کسی است، وام‌دهنده یا وام‌گیرنده؟

جواب: در صورتی که وام‌گیرنده مالی که زکات به آن تعلّق می‌گیرد را نزد خود برای مدّت یک سال (با اجتماع شرایط دیگر) نگاهداری کند زکات به او تعلّق می‌گیرد، نه وام‌دهنده.

سؤال ۵۹۲- آیا زکات گرفتنی است یا دادنی؟ به بیان دیگر در حکومت اسلامی که قدرت بر مطالبه زکات و دریافت آن از زکات‌دهندگان هست، آیا دولت می‌تواند مطالبه زکات نماید؟ و در صورت ممانعت، آن را با زور بگیرد؟ یا این که پرداخت زکات تکلیف شرعی زکات‌دهنده است و اگر نپردازد گناه کرده است و کسی حقّ گرفتن از او را ندارد؟

جواب: حکومت اسلامی حق دارد زکات را از مردم جمع‌آوری کند، همان‌گونه که در عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله) و امیر مؤمنان (علیه السلام) مأموران جمع‌آوری زکات به

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۱۹۲

فرمان آن حضرت به مناطق مختلف می‌رفتند و به جمع‌آوری زکات مشغول می‌شدند.

زکات فطره

سؤال ۵۹۳- آیا پرداختن زکات فطره از طرف حضرت ولیّ عصر (عجّل اللّه تعالی فرجه الشّریف) مشروع است؟
جواب: دادن فطره برای آن حضرت مفهوم صحیحی ندارد؛ بهتر آن است که برای سلامتی و تعجیل در ظهور پرنورش هر مقدار می‌خواهند صدقه بدهند.
استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۱۹۳

فصل پانزدهم: احکام حجّ

شرایط وجوب حجّ

سؤال ۵۹۴- زنی که مهریّه زیادی، که به حدّ استطاعت حجّ می‌رسد، از شوهرش طلبکار است، آیا به صرف طلب‌کاری مستطیع شده و حجّ بر او مستقرّ می‌باشد؟ و هرگاه قبل از گرفتن مهریّه از دنیا برود، آیا لازم است شخصی را به نیابت از او به حجّ بفرستند؟
جواب: هرگاه گرفتن مهریّه از شوهر برای او عیب نباشد و مشکلی در زندگانی او و شوهرش ایجاد نکند، مستطیع است و باید به حجّ برود و اگر نرفت باید ورثه او از مالش بردارند و ادا کنند.
سؤال ۵۹۵- زن جوانی از طرف شوهر، دوستان و فامیلها، در جشن عروسی دارای مقداری طلا- شده، که قیمت آن به اندازه استطاعت حجّ می‌باشد، آیا این زن مستطیع است؟ یا چون زمان زینت و آرایش او می‌باشد و خود را با آن آرایش می‌کند طلای مذکور جزء مؤونه می‌باشد؟ اگر همین طلا را بفروشد، یا برای تبدیل بطور مکرّر خریدوفروش نماید چه تکلیفی دارد؟
جواب: اگر آن مقداری که دارد جزء شئون او در مورد زینت است، مستطیع نیست.
سؤال ۵۹۶- حضرتعالی برای وجوب حَجّةُ الإسلام شرط فرموده‌اید که مکلّف عاقل باشد، آیا منظور حضرتعالی جنون دائمی است، یا جنون ادواری و گاهگاهی را نیز شامل می‌شود؟
استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۱۹۴
جواب: مراد جنون دائمی است و مجنون ادواری اگر بتواند اعمال حجّ را در حالی که عاقل باشد بجا آورد اشکال ندارد.
سؤال ۵۹۷- اگر مکلّف در بین سال از حیث مالی مستطیع شود، ولی قبل از رسیدن موسم حجّ در همان سال فوت کند، آیا حجّ بر او واجب است؟
جواب: حجّ بر او واجب نیست.
سؤال ۵۹۸- خانمی مستطیع شده و امسال نام او را اعلام نموده‌اند. نامبرده به دلیل این که نابینا شده، فرزند خود را نایب نموده است. آیا صرف نابینا شدن موجب اسقاط استطاعت است؟ ضمناً نامبرده همراه ندارد و توان مالی برای پرداخت هزینه همراه را نیز ندارد.
جواب: افراد نابینا اگر همراه نداشته باشند، معمولًا مستطیع نیستند و اگر قبلًا استطاعتی نداشته‌اند لزومی ندارد کسی را به جای خود بفرستند؛ مگر این که خودشان مایل باشند.
سؤال ۵۹۹- خانمی به دلیل استطاعت مالی و بدنی ثبت نام نموده و امسال نام او را اعلام کرده‌اند، بعد از اعلام، تصادف کرد و در چند جای بدنش شکستگی استخوان به وجود آمد، در حال حاضر توان حرکت و شستشو و طاهر کردن خود را ندارد و ممکن است این وضعیّت تا موسم حجّ ادامه یابد، سؤال این است که آیا نامبرده با همین وضع و با بدن نجس باید به حجّ برود و طواف و نماز را با همین وضع بجا آورد، یا این که باید صبر کند تا سال بعد حالش مساعد شود؟ و اگر سازمان حجّ و زیارت قول مساعد برای سال بعد نداد وظیفه‌اش چیست؟

جواب: اگر می‌تواند با همین حال به مکّه برود و طبق وظیفه شرعی خود عمل کند؛ مگر این که از رفتن عاجز باشد.

سؤال ۶۰۰- مدّتی قبل به منظور تشرّف به مکّه معظّمه ثبت نام کردم؛ ولی تا کنون موفّق به رفتن نشده‌ام، با توجّه به گذشت زمان، از لحاظ جسمانی ضعیف

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۱۹۵

شده‌ام و به همان نسبت از نظر درآمد، فعلًا امکانات مالی اجازه این کار را نمی‌دهد؛ مگر این که ملک شخص خودم را در معرض فروش قرار دهم، و چنان چه ملک را به فروش برسانم در مضیقه قرار خواهم گرفت. آیا جایز است ملکی که از آن امرار معاش می‌کنم، در معرض فروش قرار دهم؟

جواب: اگر هزینه‌های واجب حجّ را ندارید مستطیع نیستید و می‌توانید فیش حجّ خود را بفروشید و قیمت آن را مصرف کنید.

سؤال ۶۰۱- یکی از مؤمنین اهل مدینه از مسجد شجره محرم می‌شود و به قصد این که در جدّه پولی از برادرش بگیرد، تا به وسیله آن مستطیع شود، به طرف جدّه حرکت می‌کند؛ ولی برادرش پولی ندارد که به او بدهد، مدّتی برای تهیّه پول معطّل می‌شود تا این که پس از مدّتی شخصی مقداری پول به عنوان هدیه یا غیر آن به برادرش می‌دهد و او هم در اختیار این شخص می‌گذارد آیا احرام اوّلش صحیح است؟

جواب: ظاهر این است که احرامش صحیح و حجّ او کفایت از حَجّةُ الإسلام می‌کند.

حجّ نیابتی

سؤال ۶۰۲- پدر یا مادری برای حجّ ثبت نام کرده و پیش از فرا رسیدن نوبت اعزام، فوت نموده و نسبت به حجّ خود وصیّتی نکرده است؛ اکنون با توافق ورثه، یکی از فرزندان متوفّی جهت انجام حجّ نیابتی انتخاب می‌شود و این در شرایطی است که این شخص (فرزند)، استطاعت بدنی و مالی دارد و استطاعت طریقی او منحصراً با استفاده از فیش متوفّی (پدر یا مادر) حاصل می‌شود. سؤال این است که:

الف) آیا این شخص (فرزند) باید برای خود حجّ بجا آورد، یا برای پدر و مادر خود؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۱۹۶

جواب: باید برای پدر یا مادر، که صاحب فیش بوده‌اند، حج بجا آورد؛ مگر این که با ورثه توافق کند که برای پدر و مادر حجّ میقاتی خریداری کند و برای خود حجّ استطاعتی بجا آورد.

ب) اگر باید برای پدر یا مادر خود حجّ بجا آورد، چنانچه تخلّف کند و برای خودش بجا آورد، آیا حجّ او مجزی از حَجّةُ الإسلام خودش می‌باشد؟

جواب: حجّ او صحیح است ولی باید تمام پول فیش را به قیمت روز بازپس دهد، تا ورثه درباره حجّ پدر یا مادر تصمیم بگیرند.

سؤال ۶۰۳- آیا انجام یک عمره مفرده استحبابی، به نیّت خود و به نیابت تبرّعی دیگران، صحیح است؟

جواب: احتیاط آن است که آن را به نیّت خود بجا آورد و هر مقدار از ثواب آن را که می‌خواهد به دیگران هدیه کند.

عمره

سؤال ۶۰۴- هرگاه شخصی رجاءً به احرام عمره مفرده محرم شود، آیا باید در طواف، نماز طواف، سعی، تقصیر، طواف نساء و نماز طواف نساء کلمه رجاءً را در نیّت بیاورد؟ مثلًا نیّت کند: «هفت دور طواف عمره مفرده بجا می‌آورم رجاءً قربةً الی اللّه»، یا این کار لازم نیست؟

جواب: همین اندازه که نیّت رجا در ذهن او نسبت به تمام اعمال عمره وجود دارد کافی است، و لازم نیست کلمه رجا را تکرار کند.

سؤال ۶۰۵- در مواردی که فاصله بین دو عمره کمتر از یک ماه است و شخص می‌خواهد برای خودش رجاءً عمره مجدّد بجا آورد، اگر به این صورت نیّت کند: «محرم می‌شوم به احرام عمره مفرده رجاءً قربةً الی اللّه»، کافی است؟

جواب: اشکالی ندارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۱۹۷

احرام عمره مفرده

سؤال ۶۰۶- آیا زائران ایرانی بیت الله الحرام، در موسم حجّ تمتّع و یا عمره مفرده، می‌توانند از میقات حدیبیّه (که محلی است میان جدّه و مکّه) محرم شوند؟

جواب: حدیبیّه میقات عمره مفرده است (نه میقات عمره تمتّع).

سؤال ۶۰۷- برخی از زائران ایرانی در تلفّظ کلماتی مانند «لبّیکَ»، «غَیر»، «یَوم» و مانند آن فتحه را به گونه‌ای ادا می‌کنند که گاهی احساس می‌شود به کسره یا به ضمّه متمایل شده است، و در مقابل بعضی از اهل دقّت یا وسواس اظهار می‌دارند که باید فتحه کاملًا ظاهر شود و در تلفّظ گاهی چنان اشباع می‌کنند که شبیه به «الف» می‌شود، در حالی که اساتید قرائت زبان عرب و ائمّه جماعت مکّه و مدینه نیز به دقّتی که گروه دوّم لازم می‌دانند، ادا نمی‌کنند. لطفاً نظر مبارک خود را در خصوص ادای صحیح این کلمات مرقوم فرمایید.

جواب: در این گونه مسائل باید به تلفّظ اهل لسان توجّه کرد و از آنجا که اهلِ لسان فتحه را به صورت گروه دوّم نمی‌گویند، احتیاط آن است که از آن پرهیز شود و آنچه از اهل لسان بارها شنیده‌ایم، فتحه را کمی مایل به ضمّه یا کسره می‌گویند، و همان صحیح است.

سؤال ۶۰۸- یکی از کارمندان سازمان حجّ و زیارت، که بیش از یک ماه در مکّه بوده و همین مدّت از عمره قبلی او گذشته، برای کاری به جدّه می‌رود، در برگشت بدون احرام وارد مکّه شده است، وظیفه‌اش چیست؟

جواب: کار خلاف شرعی انجام داده است و باید برگردد و مُحرِم شود، و عمره مفرده بجا آورد؛ زیرا عبور از میقات و ورود به مکّه برای کسی که یک ماه از عمره او گذشته باشد بدون احرام و انجام اعمال جایز نیست.

محرّمات احرام

سؤال ۶۰۹- تزریق آمپول در حال احرام در صورتی که خون بیاید، برای

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۱۹۸

تزریق‌کننده و شخص مُحرم که به او تزریق می‌شود، چه صورتی دارد؟

جواب: حرام نیست، خواه خون بیاید یا نیاید.

سؤال ۶۱۰- شخصی در حال احرام، داخل اتوبوس غیر مسقّف در حال طیّ مسیر در روز، مجبور است برای نوشیدن آب یا آوردن آب برای دیگر زائران، به قسمت جلو اتوبوس که مسقّف است، برود. آیا گناهی کرده و کفّاره‌ای بر ذمّه او می‌آید؟

جواب: این کار جایز نیست و کفّاره دارد و کفّاره آن، یک گوسفند برای تمام مدّت احرام است؛ ولی اگر در شب باشد و وجود سقف تأثیری در حفظ از باران و سرما نداشته باشد اشکال ندارد.

سؤال ۶۱۱- آیا آقایان در حال احرام و به هنگام طیّ طریق، برای محافظت بدن از سرما، می‌توانند از پتو که حاشیه آن دوخته شده استفاده کنند و خود را بپوشانند؟

جواب: اشکالی ندارد، و حکم لباس دوخته بر آن جاری نمی‌شود.

سؤال ۶۱۲- آیا منظور از «مخیط»، دوختنی است که قطعات جدا از هم را به هم متّصل کند، یا حتّی اگر روی همین جامه احرام امروزی که یک پارچه است هم دوخت بزنند بدون این که پاره شده باشد، آن هم اشکال دارد؟

جواب: این گونه دوختن ضرری ندارد.

شرایط طواف

سؤال ۶۱۳- بعضی از بانوان هستند که برای عادت نشدن، مخصوصاً جهت اعمال حجّ، قرص می‌خورند و در این هنگام بعد از نزدیکی یا بدون نزدیکی و در حال احرام لکّه مختصری می‌بینند، این خون چه نام دارد؟ آیا ضرری به طواف و اعمال واجب آنها می‌زند؟

جواب: خون مزبور حکم استحاضه را دارد و ضرری به اعمال حج نمی‌زند و

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۱۹۹

باید مطابق استحاضه عمل کند، و با توجّه به این که فقط لکّه‌هایی دیده و ادامه نداشته جز وضو چیزی بر او نیست.

سؤال ۶۱۴- اگر بعد از تقصیر در عمره مفرده یادش بیاید که طواف را بدون طهارت انجام داده، و یا به هر علّتی طواف باطل بوده است، آیا وظیفه او تنها اعاده طواف و نماز است، یا اعاده تمام اعمال لازم است؟ ضمناً آیا پوشیدن لباس احرام، مجدّداً واجب است؟

جواب: اعاده طواف و نماز لازم است و اعاده سعی و تقصیر هم بنابر احتیاط لازم است؛ امّا پوشیدن لباس احرام لازم نیست.

سؤال ۶۱۵- شخصی عمره مفرده‌ای به نیابت از پدرش انجام داده و روز بعد به نیابت مادرش محرم می‌شود، در اثنای آن متوجّه می‌شود که در عمره اوّل، طواف و نماز آن را بدون وضو انجام داده است. وظیفه او در این صورت چیست؟

جواب: طواف و نماز عمره اوّل را اعاده می‌کند و عمره دوّم را به قصد رجا ادامه می‌دهد (توجّه داشته باشید که در یک ماه قمری بیش از یک عمره نمی‌توان انجام داد؛ مگر به قصد رجا، یعنی به امید این که مطلوب باشد، نه بطور قطعی).

سؤال ۶۱۶- شخصی در پایان یکی از دورهای طواف، آن را رها کرده و لحظه‌ای استراحت می‌کند و هنگامی که برای تکمیل آن برمی‌گردد شک می‌کند که شوط پنجم بوده یا ششم، تکلیفش چیست؟

جواب: احتیاط واجب آن است که آن طواف را رها کند و از نو شروع کند.

سؤال ۶۱۷- فقها در دورهای طواف و سعی موالات عرفیّه را معتبر دانسته‌اند، با توجّه به این مسأله؛ اگر در بین طواف و یا سعی نماز فریضه را شروع کردند و ما نیز به تبعیّت آنها نماز را در همان جا که بودیم خواندیم، در حالی که نماز در حدود ربع ساعت طول می‌کشد، آیا از همان جا طواف و سعی را ادامه داده و تکمیل نماییم، یا اعاده نیز لازم است؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۲۰۰

جواب: از همان جا که قطع کرده‌اید تکمیل نمایید و اعاده لازم نیست، خواه قبل از چهار دور باشد یا بعد از آن.

سؤال ۶۱۸- شخصی در یکی از دورهای طواف یا سعی گامهایی را در اثر فشار جمعیّت بی‌اختیار پیموده و به همان نحو ادامه داده و طواف را به پایان برده است. تکلیف او چیست؟

جواب: اگر منظور از بی‌اختیار بودن این است که در وسط جمعیّت قرار گرفته و قصد طواف دارد و جمعیّت او را پیش می‌برد، این

وضع ضرری به طواف نمی‌زند، همین اندازه که به اختیار خود در میان جمعیّت به قصد طواف قرار گیرد کافی است.

سؤال ۶۱۹- با توجّه به تعمیرات خانه کعبه، که گاهی با حصار چوبی این خانه از دید مردم مخفی می‌شود و فقط حجر الاسود قابل رؤیت است و در اطراف کعبه از محدوده طواف ظاهراً چیزی باقی نمی‌ماند، لطفاً به سؤالات زیر پاسخ دهید؟

الف) اگر مکلّف قبل از عزیمت به حجّ از این جریان اطّلاع داشته باشد و بداند که در محدوده معروف نمی‌تواند طواف کند، آیا احرامش صحیح است و در صورت صحّت آیا این مورد از موارد اضطرار شمرده می‌شود که طواف خارج از محدوده معروف صحیح می‌باشد؟

جواب: احرام و طواف در این حال صحیح است و دیدن خانه کعبه در صحّت مناسک معتبر نیست و طواف محدوده معیّنی ندارد؛ حتّی در حال اختیار؛ چه رسد به حال اضطرار.

ب) آیا طواف در اطراف کعبه با وجود حصار چوبی صحیح می‌باشد؟ چه مانع دیدن بیت الله شود و چه نشود؟

جواب: طواف در هر دو حالت صحیح است؛ همان‌گونه که در بالا اشاره شد.

ج) در صورتی که احرام و طواف در این حالت صحیح نباشد اگر کار تعمیرات

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۲۰۱

مذکور طولانی شود، آیا کسانی که قصد ورود به مکّه را دارند می‌توانند بدون احرام و انجام مناسک وارد مکّه شوند؟

جواب: بدون احرام و انجام مناسک نمی‌توان وارد مکّه شد و بر فرض که طواف را در محدوده مقام و بیت لازم بدانیم اینجا از باب ضرورت در خارج از محدوده جایز است.

سؤال ۶۲۰- اگر کسی چندین طواف مستحبّی در زمان ازدحام انجام دهد، به گونه‌ای که مزاحم طواف‌کنندگان واجب گردد، آیا ضرری به طواف‌های مستحبّی او می‌رساند؟ مخصوصاً اگر در زمان دیگر وقت برای این کار داشته باشد.

جواب: در مناسک نوشته‌ایم که احتیاط ترک طواف مستحبّی به هنگام ازدحام جمعیّت و حضور طواف‌کنندگانِ واجب است.

نماز طواف

سؤال ۶۲۱- وقتی قسمتی از زمین مسجد الحرام (به سبب خون یا بول یا مانند آن)، نجس می‌شود کارکنان مسجد الحرام اقدام به تطهیر آن با روش غیر صحیح می‌نمایند؛ در این صورت نماز بر روی آن قسمت از زمین- در صورتی که هنوز مرطوب است- چه حکمی دارد؟

جواب: احتیاط این است که در مکان دیگری نماز بخواند، و اگر یقین به نادرستی روش آنها ندارد اشکالی ندارد و جستجو لازم نیست.

سؤال ۶۲۲- آیا روحانی کاروان، که نماز طواف را به صورت فرادی خوانده، می‌تواند همان نماز را همانند نمازهای یومیه، با نیّت جماعت، برای افراد کاروان بخواند؟

جواب: دلیلی بر مشروعیّت جماعت در نماز طواف نداریم، بنابراین باید جماعت در نماز طواف را ترک کرد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۲۰۲

سؤال ۶۲۳- آیا نماز پشت مقام ابراهیم (علیه السلام) حکم تکلیفی است یا وضعی؟ و به تعبیر دیگر اگر کسی نمازش را نزدیک دیوار زمزم بخواند، آیا نمازش باطل است، یا این که فقط معصیت کرده؛ ولی نمازش صحیح است؟

جواب: خواندن نماز طواف واجب پشت مقام ابراهیم جزء شرایط است؛ ولی اگر بر اثر ازدحام نتواند نماز را پشت مقام بخواند، تا جایی که مزاحمتی برای طواف‌کنندگان نداشته باشد عقب‌تر می‌رود.

سؤال ۶۲۴- در صورتی که فردی به خاطر ازدحام نتواند نماز طواف را پشت مقام بخواند، آیا باید صبر کند؟ یا می‌تواند فوراً نمازش را در جایی که مقدور است بخواند و بعد در صورت امکان، و لو روزهای بعد، نزدیکتر اعاده نماید؟

جواب: می‌تواند در جایی که مقدور است بخواند و صبر کردن برای نزدیکتر خواندن لازم نیست.

سؤال ۶۲۵- اخیراً در یکی از روزنامه‌های عربستان، مقاله‌ای تحت عنوان «آیا جابه‌جایی مقام ابراهیم (علیه السلام) مناسب است؟» به چاپ رسیده و مطالبی در مورد لزوم جابه‌جایی مقام ابراهیم به منظور رفع مانع برای طواف کنندگان، مطرح شده است. از آنجا که معمولًا دولت عربستان برای اقدامات خود قبلًا از طُرُق مختلف زمینه‌سازی می‌کند، لذا خواهشمند است بفرمایید:

الف) چنین اقدامی از نظر شرعی چه حکمی دارد؟

جواب: جابه‌جایی مقام ابراهیم (علیه السلام) جایز نیست، و ممانعتی برای طواف‌کنندگان نیز ندارد؛ زیرا جایز است طواف در دو طرف مقام ابراهیم انجام شود؛ امّا از آنجا که مقام ابراهیم معیاری برای محلّ نماز طواف واجب است و این تغییر سبب می‌شود که معیار مزبور به هم بخورد. تغییر آن شرعاً مجاز نیست.

ب) در صورت عملی شدن این طرح، تکلیف زائران و حجّاج بیت اللّه الحرام در رابطه با طواف و نماز پشت مقام چیست؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۲۰۳

جواب: همان طور که گذشت برای مسأله طواف مشکلی ایجاد نمی‌شود؛ زیرا طواف در پشت مقام نیز جایز است. امّا اگر خدای نکرده اقدام به چنین کار خلافی کنند، زائران بیت اللّه الحرام باید محلّ تقریبی فعلی آن را برای نماز طواف واجب در نظر بگیرند و طبق آن عمل کنند.

سؤال ۶۲۶- شخصی علاقه‌مند است که قرائت قرآن و نمازهای مستحبّی و دعای توسّل را پشت مقام ابراهیم (علیه السلام) انجام دهد، در حالی که در جاهای دیگر مسجد الحرام نیز این امر ممکن است. از طرفی ازدحام جمعیّت به گونه‌ای است که برای کسانی که می‌خواهند نماز طواف واجب بخوانند کمبود جا می‌باشد، آیا این کار جایز است؟

جواب: در صورت مزاحمت این کار جایز نیست.

سعی بین صفا و مروه

سؤال ۶۲۷- با توجّه به این که در روزهای ششم و هفتم ذیحجّه، بر اثر ازدحام زیاد، مأمورین مانع می‌شوند که معذورین را با چرخ در طبقه پایین سعی دهند، آیا در این صورت می‌توان معذورین را با چرخ در طبقه دوّم و سوّم صفا و مروه سعی داد؟

جواب: باید به جای آنها نایب بگیرند، و احتیاط آن است که هم نایب بگیرند و هم از طبقه دوّم سعی کنند.

سؤال ۶۲۸- کودکی که مُحرم به احرام عمره مفرده بوده گاهی در هنگام سعی می‌دویده و گاهی به عقب بر می‌گشته و با همین وضعیّت اعمال عمره را به پایان برده است. اکنون چه وظیفه‌ای دارد؟

جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۶۲۹- آیا در رعایت موالات عرفیّه، سعی نیز مانند طواف است؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۲۰۴

جواب: استراحت و نشستن در وسط سعی برای کسی که خسته شده است جایز است؛ ولی احتیاط واجب آن است که موالات به هم نخورد.

سؤال ۶۳۰- کسی که بر چرخ سوار بوده، و از صفا به مروه و از مروه به صفا برده می‌شده به علّت خستگی مفرط در بعضی از حالات رفت و برگشت سعی خواب بوده، آیا سعی او با این وضع صحیح است؟

جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۶۳۱- اگر کسی در سعی صفا و مروه سوار بر چرخ باشد و کلّا در حال خواب سعی کند چه حکمی دارد؟

جواب: احتیاط آن است که اعاده کند.

سؤال ۶۳۲- سعی بین صفا و مروه برای زائران سالم و توانمند، با چرخ چه صورتی دارد؟

جواب: اشکال ندارد؛ افراد سالم نیز می‌توانند با چرخ یا بطور سواره سعی کنند.

سؤال ۶۳۳- چنانچه فردی نتواند سعی انجام دهد و در گرفتن چرخ هم با مشکل مواجه باشد، آیا می‌توان از او نیابت کرد و سعی را انجام داد؟

جواب: آری جایز است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۲۰۵

واجبات حجّ تمتّع

۱- احرام

سؤال ۶۳۴- آیا برای افراد ساکن مکّه، که وظیفه آنها حجّ افراد است و آن را انجام داده‌اند و قصد دارند حجّ مستحبّی تمتّع را انجام دهند، جایز است که برای عمره تمتّع از منزلشان، که از میقات به مکّه مکرّمه نزدیکتر است، مُحرم شوند، یا باید از میقات محرم شوند؟ و اساساً آیا فرقی بین آفاقی و مکّی در احرام عمره تمتّع مستحبّی هست؟

جواب: جایز است آنها از منزلشان محرم شوند؛ اگر چه احرام آنها از یکی از مواقیت پنج‌گانه نیز جایز می‌باشد.

سؤال ۶۳۵- شخصی در طریق حجّ به جدّه می‌رسد، به قصد رفتن به جُحفه برای احرام عمره تمتّع حرکت می‌کند، در جدّه به او گفته می‌شود که فقط راه مکّه باز است، در فرودگاه جدّه یک عالم شیعه را ملاقات می‌کند، از او می‌پرسد که چه کار کنم؟ ایشان می‌گوید: «چون شما نمی‌توانید به میقات بروید، می‌توانید از جدّه محرم شوید» آن شخص هم از جدّه محرم می‌شود، آیا حجّ او درست است؟

جواب: احرام از جدّه اشکال دارد؛ ولی شخص مزبور چون جاهل بوده عملش صحیح است.

۲- وقوف در مشعر

سؤال ۶۳۶- آیا برای وقوف در مشعر، یک نیّت کافی است؟ یا این که باید برای

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۲۰۶

وقوف تا طلوع فجر یک نیّت، و بعد از طلوع فجر برای وقوف تا طلوع آفتاب، نیّت دیگری نماید؟

جواب: یک نیّت کافی است.

۳- رمی جمرات

سؤال ۶۳۷- کسانی که همراه زنان و معذورین، که بعد از نیمه شب از مشعر به منی کوچ می‌نمایند، حرکت می‌کنند، آیا می‌توانند شبانه رمی جمره عقبه نمایند، یا باید صبر کنند و بعد از طلوع آفتاب، رمی نمایند؟

جواب: چنانچه بتوانند بعد از طلوع آفتاب رمی کنند، باید در روز رمی نمایند؛ وگرنه در شب جایز است.

۴- قربانی

سؤال ۶۳۸- با توجّه به این که از گوشت قربانی در منی هیچ استفاده‌ای نمی‌شود، اگر حاجی در روز عید قربان در آنجا قربانی کند، آیا این قربانی مجزی است؟

جواب: در صورتی که قربانی از بین برود به فتوای ما مجزی نیست، و مقلّدین ما نمی‌توانند به آن قناعت کنند؛ بلکه با توجّه به اسراف بودن، باید از آن خودداری کنند.

سؤال ۶۳۹- حاجی بعد از این که در روز عید قربان رمی جمره عقبه نمود، با توجّه به فتوای شما از قربانی صرف‌نظر می‌کند، آیا می‌تواند حلق یا تقصیر کند، یا تا زمانی که قربانی نکند در احرام می‌ماند؟

جواب: پول قربانی را در آنجا یا در محلّ خود کنار می‌گذارد و حلق می‌کند و از احرام بیرون می‌آید و هیچ مشکلی ندارد و شبیه کسانی است که پول دارند، ولی قربانی پیدا نمی‌شود.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۲۰۷

سؤال ۶۴۰- اگر قبل از رفتن به حجّ هماهنگ کند که قبل از ظهر عید قربان به نیابت از او قربانی بکنند و حاجی در مکّه بعد از ظهر عید قربان حلق یا تقصیر بکند، حال با توجّه به این که معمولًا روز عید قربان در عربستان یک روز جلوتر از ایران است، آیا نایب طبق روز عید قربان در ایران قربانی کند، یا طبق تقویم عربستان؟

جواب: مدار روز عید قربان عربستان است؛ ولی باید توجّه داشت که اگر می‌خواهند هماهنگ کنند، طوری هماهنگ کنند که قربانی بعد از رمی جمره عقبه، و قبل از حلق باشد.

سؤال ۶۴۱- بعضی از زائرین خانه خدا شب عید قربان تلفن زده‌اند که در روز عید گوسفندی برای ما قربانی کنید و خودشان قربانی روز عید را ترک کرده‌اند، آیا این کار صحیح بوده و مطابق با نظر جنابعالی است؟

جواب: قربانی و حجّشان صحیح است؛ ولی همان طور که گفتیم طوری هماهنگ کنند که بعد از رمی جمره عقبه و قبل از تقصیر باشد.

۵- حلق

سؤال ۶۴۲- شخصی که در حجّ مخیّر بین حلق (یعنی تراشیدن سر) و تقصیر (یعنی کوتاه کردن مو) است، حلق را انتخاب کرده و مشغول به حلق می‌شود؛ بعد از آن که مقداری از سر را حلق نموده پشیمان می‌شود و می‌خواهد حلق را قطع نموده و با تقصیر از احرام خارج شود. بفرمایید آیا در این صورت بازهم تخییر باقی است و این فرد با تقصیر از احرام خارج می‌شود، یا این که حلق متعیّن شده و باید حلق را تمام نماید؟

جواب: او مخیّر است؛ می‌تواند قسمتی از موی خود را کوتاه نماید و از احرام بیرون بیاید.

سؤال ۶۴۳- زائری اعمال رمی جمره عقبه و قربانی روز عید را انجام می‌دهد، آیا

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۲۰۸

می‌تواند حلق یا تقصیر را بعد از اذان مغرب و عشا (هنگام شب) انجام دهد؟ یا باید روز انجام دهد؟

جواب: انجام حلق یا تقصیر در شب اشکال دارد.

۶- بیتوته در منی

سؤال ۶۴۴- مدیر یکی از کاروانها، زنها را قبل از ظهر روز دوازدهم از منی خارج نموده است، وظیفه آنان که از مسأله اطّلاعی نداشته‌اند، یا اگر متوجّه مسأله بودند و نمی‌توانستند بدون مدیر و همراهان در منی بمانند چیست؟

جواب: اگر می‌توانند احتیاط آن است که به منی برگردند و بعد از ظهر کوچ کنند، و اگر نتوانند، معذور بوده‌اند و اشکالی برای حجّ آنها ندارد.

احکام مصدود و محصور

سؤال ۶۴۵- این جانب روحانی کاروانی بودم، یکی از حجّاج آن کاروان که پیر و مریض بود پس از خارج شدن از عمره تمتّع، مرض او شدیدتر شده و در بیمارستان بستری گردید؛ قبل از حرکت به عرفات جهت بردن ایشان به عرفات به مسئولین بیمارستان مراجعه نمودم، آنها گفتند: «ما مریضها را محرم نموده و به عرفات و مشعر می‌بریم، شما در منی مریض خود را تحویل بگیرید»، در منی به درمانگاه مراجعه کردم، گفتند: «حال مریض شما وخیم بود، پزشک معالج اجازه حرکت او را نداد»، پس از مراجعت از منی به بیمارستان رفتم دیدم با این که حالش وخیم است لباس احرام در تن دارد، هرچه تحقیق کردم نفهمیدم چه کسی او را محرم کرده است و آیا تلبیه گفته است یا خیر؟ با توجّه به مسأله‌ای که در باب وقوفین آمده است که از هر کس وقوفین ترک شود حجّ او تبدیل به عمره مفرده می‌شود، احتیاطاً برای انجام اعمال عمره وکالت خواستم، به زحمت گفت: «هرچه می‌خواهید بکنید و

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۲۰۹

مرا از احرام خارج نمایید»، طواف و نماز و سعی را به نیابت او انجام داده و ابلاغ کردم تا او تقصیر نموده سپس طواف نساء و نماز آن را به نیابت او انجام دادم و او را به ایران فرستادند. متأسّفانه در اواخر ماه ذیحجّه از دنیا رفت، بعداً در باب محصور به مسأله دیگری برخورد کردم مبنی بر این که: «محصور باید برای قربانی در منی نایب بگیرد» در رابطه با این واقعه جواب مسائل ذیل را مرقوم فرمایید:

الف) با توجّه به این که اگر کسی بعد از احرام و دخول حرم از دنیا برود، حجّ او مجزی است، آیا این حکم فرد مذکور را، با این که در غیر حرم با چند روز فاصله از دنیا رفته، شامل می‌شود؟

جواب: این حکم شامل چنین شخصی نمی‌شود.

ب) بر فرض عدم شمول، با توجّه به شک در صحّت احرام او، آیا می‌توان حکم به عدم محرم شدن او نمود؟

جواب: این مقدار برای اثبات احرام کافی نیست، بنابراین نمی‌توانید او را محرم حساب کنید.

ج) در این فرض آیا طواف نساء بر او واجب بوده است؟

جواب: انجام طواف نساء در این مورد موافق احتیاط است، و عمل نایب در فرض مسأله کافی است.

د) بر فرض وجوب، آیا طواف نسائی که به نیابت او، در ضمن عمره مفرده، انجام شده کفایت می‌کند؟

جواب: ظاهر این است که کفایت می‌کند.

ه-) بر فرض حکم به صحّت احرام او، آیا اعمال انجام شده مجزی است، یا این که لازم است در سال آینده به نیابت او در منی قربانی نمایند؟

جواب: قربانی لازم نیست.

و) در صورتی که قبلًا حج در ذمّه او مستقر شده باشد، آیا ورثه آن مرحوم، وظیفه‌ای دارند؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۲۱۰

جواب: اگر واجب الحجّ بوده باید برای او حجّ بجا آورند، و آنچه شما بجا آورده‌اید کافی نیست.

ز) در صورت اختلاف در فتوا، آیا باید طبق فتوای مرجع تقلید نایب در عمره مفرده، یا مرجع ورثه، و یا مرجع میّت عمل شود؟
جواب: به فتوای مرجع تقلید نایب عمل شود.

مسائل متفرّقه حجّ

سؤال ۶۴۶- این حقیر برای ادای فریضه حج از طریق آزاد مشرّف شدم، در مکّه به یک کاروان، که حجّاج آن هم از طریق آزاد مشرّف شده بودند ملحق گردیدم، چند نفر دیگر مثل بنده به آن کاروان ملحق شدند، مبلغی که با مدیر کاروان قرار گذاشتند ۵۰۰ دلار بود، ولی بنده فقط در مکّه با کاروان مزبور بودم و برای زیارت مدینه جداگانه مشرّف شدم، بعد از مراجعت از مکّه از مدیر کاروان، که از دوستان بود، سؤال کردم چه مبلغ باید بابت اقامت در مکّه به شما بدهم؟ ایشان فرمودند: «هر مقدار که مایل هستی» چندین مرتبه سؤال کردم، ایشان همین جواب را دادند، تا این که در یک مسأله شغلی بین بنده و ایشان مشاجره و درگیری واقع شد، حال ایشان می گوید: «برای چند روز اقامت در مکّه که در کاروان من بودید باید مبلغ ۸۰۰ دلار بدهید» بنده عرض کردم: «شما جهت اقامت در مکّه و مدینه از دیگران ۵۰۰ دلار گرفتید، حال من که فقط در مکّه با شما همسفر بودم باید ۸۰۰ دلار بدهم؟» لطفاً وظیفه بنده را مرقوم فرمایید که چگونه عمل کنم تا مدیون نباشم؟
جواب: باید محاسبه شود مبلغی که از دیگران می گرفته طبق نظر اهل خبره چه مقدار آن در مقابل اقامت در مکّه و چه مقدار در مقابل اقامت در مدینه قرار می گرفته، به همان نسبت بپردازید و بیش از آن بدهکار نیستید.
سؤال ۶۴۷- فردی که قبلًا حجّ واجب خود را انجام داده است، هنگام تشرّف به
استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۲۱۱
مکّه مکرّمه به قصد حجّ تمتّع استحبابی محرم به احرام عمره تمتّع می‌شود و بعد از انجام اعمال عمره تمتّع، به عللی از انجام حجّ تمتّع پشیمان می گردد؛
الف) آیا این فرد می‌تواند حجّ تمتع را انجام ندهد و به ایران مراجعه کند؟
ب) آیا او می‌تواند برای شخص دیگری نایب شود تا حجّ تمتّع برای او انجام دهد، یعنی به میقات برگردد و به نیابت از او به احرام عمره تمتّع محرم شود و بعد از انجام عمره تمتّع، حجّ تمتّع را هم به نیابت انجام دهد؟
ج) اگر اصل عمل جایز باشد و این فرد نتواند به میقاتهای معروفه عمره تمتّع برود، آیا می‌تواند از ادنی الحل، محرم شود؟
جواب: اگر مجبور نباشد بنابر احتیاط واجب باید حجّ تمتّع خود را تکمیل کند، و به سراغ نیابت از دیگری نرود.
سؤال ۶۴۸- این جانب می‌خواهم به وصیّت پدرم عمل نمایم. ایشان وصیت نموده است که به جای او به حج بروم و اعمال را انجام بدهم، آیا عمل به این وصیّت بر من واجب است؟ در صورتی که چیزی برای من به ارث نگذاشته است، و اگر واجب است آیا می‌توانم به مکّه رفته و کسی را اجیر نمایم تا به جای پدرم حجّ کند و خودم برای خودم عمل حجّ را انجام دهم؟ در ضمن آیا قربانی برای او و خودم واجب است؟
جواب: اگر هیچ مالی از خود به جا نگذاشته، بر شما واجب نیست برای او حجّ بجا بیاورید؛ و اگر خودتان مایل باشید می‌توانید کسی را در آنجا نایب بگیرید که برای او حجّ بجا آورد، و هر کدام باید یک قربانی انجام دهید.
سؤال ۶۴۹- آیا با اذان مغرب اهل تسنّن، می‌شود نماز فرادی یا جماعت خواند؟
جواب: در مورد نماز صبح و ظهر، چنانچه از اذان آنها یقین یا گمان قابل ملاحظه‌ای حاصل شود، کافی است؛ ولی در مورد نماز مغرب احتیاط آن است کمی صبر شود تا حمره زائل گردد. این در صورتی است که می‌خواهید جداگانه نماز بخوانید؛ ولی اگر با آنها نماز بخوانید کافی است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۲۱۲

سؤال ۶۵۰- شرکت در نماز جماعت اهل تسنّن بدون رعایت اتّصال صفوف، چگونه است؟

جواب: اتّصال صفوف را رعایت کنید.

سؤال ۶۵۱- با توجّه به این که در صورت استفاده از مهر یا کاغذ و یا سجّاده حصیری، موجبات انگشت‌نما شدن فراهم می‌شود، سجده بر فرش داخل حرمین و مساجد چه حکمی دارد؟

جواب: اشکالی ندارد؛ ولی در مواردی که می‌توان از سنگهای خود مسجد استفاده کرد، از آنها استفاده کنید.

سؤال ۶۵۲- با توجّه به این که در این ایّام فاصله عرفات با مکّه، کمتر از مسافت شرعی است، آیا می‌شود با احتساب ایّام عرفات و مشعر و منی قصد ده روز کرد؟

جواب: نظر به این که قصد اقامه باید در یک محل یا دو محلّ نزدیک به هم باشد (مثلًا با فاصله سه چهار کیلومتر) قصد مزبور صحیح نیست؛ ولی اگر قصد ده روز توقّف در مکّه کند و پس از گذشت ده روز به عرفات و مشعر و منی برود نمازش در همه این مکانها کامل است.

سؤال ۶۵۳- در جایی که عدّه‌ای منتظر نوبتشان برای رفتن به حجّ واجب هستند، آیا جایز است عدّه‌ای برای مرتبه دوّم یا بیشتر به حجّ رفته و جای آنها را بگیرند؟

جواب: بهتر است رعایت حال آنها را بکنند.

سؤال ۶۵۴- اگر مدیر کاروان با توجّه به این که می‌داند توقّف زائران در مدینه، یا مکّه کمتر از ده روز است، به آنها اعلام کند که ده روز می‌مانیم و آنان به اعتماد گفته او نمازشان را تمام بخوانند و روزه بگیرند؛ ولی قبل از ده روز از آنجا بروند، حکم شرعی نسبت به کار مدیر کاروان و نماز و روزه زائران چیست؟

جواب: نماز و روزه زائران صحیح است؛ ولی مدیر کاروان نباید دروغ بگوید.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۲۱۳

فصل شانزدهم: مسائل قضا

اشاره

سؤال ۶۵۵- زید و عمرو برادرند و در یک قریه سکونت داشتند، زید در قریه دیگر ملکی خریداری نموده و آن ملک را تحویل برادرش عمرو داده و ملک عمرو را تحویل گرفته است. در مدّت حیات دو برادر چون و چرایی در بین آنها نبوده است. بعد از وفات عمرو، زید به فرزندان برادرش می‌گوید: «ملک من دست پدر شما بطور امانت بوده و ملک او نیز در دست من بطور امانت است» ولی فرزندان عمرو امانت بودن هر دو را منکرند و شهودی ندارند. حکم مسأله را بیان فرمایید.

جواب: تا زید شهودی اقامه نکند سخن او پذیرفته نیست.

سؤال ۶۵۶- در فرض سؤال بالا اگر قَسَم شرعی بر اولاد عمرو لازم شود، با توجّه به این که بعضی اولاد عمرو صغیرند، چه کسی از طرف آنها قسم می‌خورد؟

جواب: بالغها قسم می‌خورند و ولیّ صغیر از طرف صغیر قسم می‌خورد.

سؤال ۶۵۷- مهدی و علی برادر ابوینی بوده‌اند، و ترکه پدرشان بین آنها بطور مساوی تقسیم شده است، سپس هر دو فوت نموده‌اند، حال بین ورثه آنها بابت یک مزرعه اختلاف است و هیچ کدام بیّنه ندارند، آیا باید زمین را بین خود بطور مساوی تقسیم

کنند؟

جواب: اگر مدرک مطمئنّی برای مالکیّت یکی از آن دو به دست نیاید، باید آن ملک را میان خود تقسیم کنند.

سؤال ۶۵۸- شخصی در حضور چند شاهد زمین خود را به دیگری منتقل می کند،

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۲۱۴

پس از چندی همان شهود ادّعا می کنند که در آن زمین حق داریم، در حالی که در زمان انتقال سند چیزی نگفته بودند، آیا ادّعای آنها پذیرفته می‌شود؟

جواب: اگر هنگام تنظیم سند بدون مانعی سکوت کرده‌اند، و بر آن عملًا رضایت داده‌اند، ادّعای بعدی آنها مسموع نیست.

سؤال ۶۵۹- شخصی با اصرار زیاد ماشین بنده را به امانت گرفته که حدّ اکثر تا ظهر روز بعد تحویل دهد، ولی متأسّفانه با ماشین بنده تصادف کرده و از بیمه یکصد و سی هزار تومان به عنوان خسارت گرفته است؛ امّا به دروغ وانمود کرده که سی هزار تومان بیشتر نگرفته است، من هم با توجّه به این مبلغ و از جهت عاطفی و اخلاقی سخت نگرفته و ماشین را که به صورت ناقص تعمیر شده بود از ایشان تحویل گرفتم؛ ولی بعداً متوجّه شدم که مبلغ واقعی یکصد و سی هزار تومان بوده است؛ حال ایشان مدّعی است آن مبلغ حلال و روزیشان می‌باشد، لطفاً بفرمایید حق با چه کسی می‌باشد (ضمناً ماشین بجای یک روز و نصف، حدود نُه روز معطّل بوده است)؟

جواب: اوّل این که تمام مبلغ بیمه متعلّق به صاحب ماشین است و دوّم این که در مقابل روزهایی که بدون اجازه ماشین را نگه داشته باید مال الاجاره آن را بپردازد.

سؤال ۶۶۰- در کتب فقهای بزرگ شیعه، در بعضی از موارد آمده است که مثلًا در یک مسأله «قول، قول فلانی است با قسم» سؤال اینجاست که آیا چون فلانی منکر است با قسم قول او معتبر است، و برابر قاعده کلّی «البیّنة علی المدّعی و الیمین علی مَنْ انْکر» باید مدّعی هم مطالبه قسم نماید؟ یا این که حکم خاصّی است و بدون مطالبه از ناحیه مدّعی و بدون در نظر گرفتن منکر و مدّعی این حکم جاری می‌شود؟

جواب: موارد مختلف است. در بعضی موارد حکم خاصّی است؛ مانند قسم

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۲۱۵

خوردن مدّعی دین بر میّت، ولی غالباً از باب «الیمین علی مَنْ انْکَر» است.

سؤال ۶۶۱- در موردی که از منزل یا مغازه‌ای سرقت صورت می گیرد و پس از شناسایی و دستگیری سارق، و اقرار وی به سرقت، یا احراز آن توسّط دادگاه، در مورد این که چه اموالی توسّط سارق به سرقت رفته است، اختلاف وجود دارد و شاکی مدّعی است، اجناس و ارقام بیشتری از وی به سرقت رفته است؛ ولی سارق اموال کمتری را اعلام نموده است. در این صورت که هیچ کدام جهت اثبات ادّعای خود دلیلی ندارند، قول کدام یک پذیرفته شده و کدام یک از طرفین باید ادّعای خود را ثابت کند؟

جواب: باید قدر مسلّم را گرفت و زاید بر آن باید اثبات شود.

سؤال ۶۶۲- اگر عدّه‌ای ادّعا کنند که پدر و مادر ما در این ملک حق داشته و ما هم حق داریم و «مدّعیٌ علیه» انکار کند و در نتیجه، منکر قسم بخورد و بر اساس آن، حکم صادر شود و ملک به منکر واگذار شود؛ ولی بعد از مدّتی بعضی از فرزندان مدّعی (یا بعضی از مدّعی‌ها) بگویند ما در آن زمان کوچک یا غایب بوده‌ایم، حکم چیست؟ آیا حقّ اقامه دعوا دارند؟

جواب: آنهایی که قبلًا ادّعایی نکردند، چنانچه ادّعایی داشته باشند، می‌توانند در حضور قاضی مدارک خود را ارائه دهند تا در میان آنها حکم کند.

رشوه

سؤال ۶۶۳- آیا فروش کالا- یا خدمت به کارکنان بانکها یا سازمانهای دولتی و عمومی توسّط ارباب رجوع یا مشتریان با اعطای تسهیلاتی نظیر تخفیف و تسریع در نوبت که به سایر مردم داده نمی‌شود چه حکمی دارد؟

جواب: قبول این تسهیلات در صورتی جایز است که نوبتی را ضایع نکنند و حقّی را باطل ننمایند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۲۱۶

سؤال ۶۶۴- شخص شروری به شخص دیگری می‌گوید: «این قدر پول بده تا تو را اذیّت نکنم» به اصطلاح باج‌خواهی می‌کند یا گاهی انسان کاری دارد که باید فلان شخص انجام دهد، می‌گوید: «این قدر بده تا زود انجام دهم و گرنه کارت را به تأخیر می‌اندازم»، یا شخصی می‌داند که مورد آزار فرد شرور واقع می‌شود و یا اگر چیزی ندهد مدّتی معطّل خواهد شد و این خود موجب خرجهای دیگر خواهد بود. در این صورت و بدون آن که شخص مورد مثال چیزی بگوید، مبلغی به او می‌پردازد، بفرمایید دادن چنین وجهی برای دهنده، رشوه محسوب می‌شود؟

جواب: دادن وجه برای رفع شرّ شرور، هرگاه راه دیگری برای خلاصی از دست او نباشد اشکالی ندارد، و همچنین برای انجام کاری که حقّ مشروع است؛ ولی گرفتن این پولها برای گیرنده جایز نیست.

سؤال ۶۶۵- نظر مبارک خود را در مورد حکم رشوه در موارد ذیل بیان فرمایید:

الف) گرفتن و دادن رشوه برای انجام کارهای اداری.

جواب: حرام است.

ب) خریدن لباس و منزل از پول رشوه.

جواب: حرام است.

ج) خوردن غذا یا پوشیدن لباسی که از پول رشوه تهیّه شده است.

جواب: جایز نیست؛ ولی باید توجّه داشت که رشوه مربوط به جایی است که حقّی را باطل و باطلی را حق کند، خواه رشوه به معنای خاص باشد که در امر قضاوت است و یا به معنای عام، ولی اگر کسی پولی در مقابل انجام کاری که وظیفه اداری اوست بگیرد این پول رشوه نامیده نمی‌شود ولی در عین حال برای گیرنده حرام است؛ زیرا پول گرفتن در برابر انجام وظیفه اداری، اکل مال به باطل محسوب می‌شود، ولی اگر در غیر وقت اداری زحمتی بکشد، بی‌آن که حقّ کسی باطل شود و اجرتی در برابر آن بگیرد اشکالی ندارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۲۱۷

حکم غیابی

سؤال ۶۶۶- آیا می‌توان در باب تعزیرات به صورت غیابی حکم صادر کرد؟

جواب: اگر ادلّه کافی وجود داشته باشد، مانعی ندارد.

سؤال ۶۶۷- در مواردی که متّهم علی رغم اخطارهای متعدّد، در جلسه محاکمه حاضر نمی‌شود، آیا می‌توان حکم غیابی صادر کرد؟ آیا چنین حکمی شرعی است؟

جواب: در صورتی که طرف حاضر نشود، صادر کردن حکم غیابی جایز است.

سؤال ۶۶۸- دادگاه انتظامیِ سردفتران و دفتریاران، به تخلّفات اداری و انتظامی آنها رسیدگی می‌کند. اگر متّهمی از هیأت رسیدگی به تخلّفات اداری مذکور، درخواست کند که در جلسه دادگاه انتظامی حاضر گردیده و جهت اثبات بی‌گناهی خود، مدارک و ادلّه

تکمیلی یا تفصیلی را حضوراً ارائه نمایـد و چنانچه سؤال جدیدی مطرح شود، پاسخگو باشد و از خود دفاع نماید. در چنین حالتی آیا دادگاه انتظامی می‌تواند بدون احضار متّهم، غیاباً مبادرت به صدور رأی نماید؟

جواب: در این گونه موارد چنانچه احتمال بدهد، دفاعیّات متّهم تأثیری در حکم دارد باید با حضور او رسیدگی شود.

اقامه دعوای مسلمانان در دادگاههای غیر اسلامی و بالعکس

سؤال ۶۶۹- آیا برای مسلمین جایز است که دعاوی خود را بر ضدّ شخص مسلمانی به محاکم غیر اسلامی ببرند؟

جواب: در روایـات معتبره وارد شـده است که تقاضـای داوری از آنها ماننـد تقاضای داوری از جِبت و طاغوت و حرام است؛ بله در صورتی که رجوع به آنها تنها راه احقاق حق باشد، مانعی ندارد.

سؤال ۶۷۰- چنانچه بنابر مصالحی دولت جمهوری اسلامی ایران ناچار به انعقاد

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۲۱۸

قراردادی بـا یـک کشور غیر اسـلامی مبنی بر مبـادله مجرمـان باشـد (به این معنا که جمهوری اسـلامی متعهّـد شود مجرمان تابع آن کشور را برای تحمّـل حبس به کشور متبوع تحویل دهـد، تا ادامه حبس در آنجا صورت گیرد و زنـدانیان تابع کشور ایران را جهت ادامه حبس در ایران تحویل بگیرد) بفرمایید.

الف) در مورد مجرمین ایرانی، بـا توجّه به صـدور احکـام حبس توسّط دادگاههای غیر اسـلامی، آیا از نظر شـرعی احکام صادره از سوی آنها برای محاکم قضایی ایران قابلیّت اجرا دارد؟

جواب: هرگاه مصلحت نظام اسـلامی در عقـد قرارداد مبادله مجرمان باشد، تحویل دادن مجرمان به آنها اشـکالی ندارد، هرچند در دادگاههای آنها محاکمه و طبق آن مجازات شوند؛ ولی احکام صادره آنها درباره مجرمین مسلمان اعتباری ندارد.

ب) در صورت عـدم قـابلیّت اجرا، آیـا اصولًـا دادگاههـای مـا مکلّف به محـاکمه مجـدّد و صـدور حکم بر اسـاس قوانین جمهوری اسلامی ایران می‌باشند؟

جواب: در حقّ اللّه طبق موازین اسلامی محاکمه می‌شوند و در حقّ النّاس مشروط به مطالبه شاکی خصوصی است.

ج) با توجّه به ضرورت انعقاد چنین قراردادی، شیوه‌ای را که مغایر موازین شرع نباشد، ارشاد فرمایید؟

جواب: هرگـاه چنین قراردادی به مصـلحت نظـام اسـلامی باشـد، بایـد مطابق آن عمل نمود و بایـد قرارداد بر اساس تحویل مجرمان باشد، نه تأیید مجازات آنها.

د) در صورت قـابلیّت اجرا، بـا توجّه به این که مجازات جرایم ارتکابی در کشور غیر اسـلامی تنها زنـدان می‌باشـد، ولی از دیـدگاه مقرّرات جمهوری اسـلامی دارای صورتهای مختلف ذیل است، تکلیف چیست؟ آیا حاکم شرع می‌تواند صورتهای ذیل را به حبس تبدیل نماید؟ (مجازاتهایی چون حدّ شرعی، دیه، حبس، تعزیر غیر

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۲۱۹

حبس، قصاص و یا جاهایی که عمل ارتکابی از دیدگاه اسلام جرم محسوب نمی‌شود).

جواب: حدود و دیات را نمی‌توان تبدیل به زندان نمود؛ ولی تعزیر قابل تبدیل است.

ه‍) در مـورد مجرمین خـارجی، در صورتی که تبعه کشور دیگر، در جمهوری اسـلامی مرتکب جرم گردیـده و هم‌اکنون مجـازات حبس را می‌گذراننـد، آیـا از نظر شـرعی، جمهوری اسـلامی می‌توانـد فرد محکوم را قبل از استیفای کامل مجازات، به کشور متبوع بسپارد تا ادامه حبس در آنجا صورت گیرد؟

جواب: اشکالی ندارد.

و) اگر یک کشور مسلمان طرف قرارداد باشد، آیا حکم مسأله تغییر می کند؟

جواب: تفاوتی نمی کند.

ز) آیا رضایت و عدم رضایت محکومین در موارد فوق تاثیر دارد.

جواب: تأثیری ندارد.

سؤال ۶۷۱- بر اساس فقه شافعی و بعضی دیگر از مذاهب اهل تسنّن، چنانچه یک نفر از اولیای دم رضایت خود را نسبت به قاتل اعلام نماید، موضوع قصاص قاتل علی رغم شکایت سایر اولیای دم منتفی می گردد و دعوا به مصالحه و یا اخذ دیه پایان خواهد یافت. چنانچه طرفین نزاع پیرو مذهب شافعی باشند، آیا در این مورد دادگاه می‌تواند بنابر مذهب شافعی بین آنها حکم نماید؟

جواب: آری می‌تواند طبق آن مذهب برای آنان حکم نماید.

قاضی تحکیم

سؤال ۶۷۲- آیا قاضی تحکیم مشروعیّت دارد؟ اگر جایز نباشد وظیفه ما، که در بعضی از کشورها زندگی می کنیم و دسترسی به قاضی منصوب نداریم، چیست؟

جواب: برای امثال شما مراجعه به قاضی تحکیم بی‌اشکال است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۲۲۰

مدارک و منابع قضا

سؤال ۶۷۳- آیا نظرات کارشناسان فنّی، که دارای شرایط شهادت نیستند، می‌تواند منشأ حکم قرار گیرد؛ و لو این که از نظر آنان علم حاصل نشود؛ یا علم قاضی بر خلاف نظریّه کارشناسان باشد؟

جواب: در فرض مسأله اعتماد بر نظر کارشناسان خالی از اشکال نیست؛ مخصوصاً اگر علم قاضی بر خلاف آن باشد.

سؤال ۶۷۴- نظر اسلام را پیرامون اعتبار اسنادی که توسّط دستگاههای مدرن تهیّه می‌شود بیان فرمایید: مانند فاکس، فیلم، عکس، نوار ضبط، تلفن گرام، زیراکس، فتوکپی، پرینتر و اسکنر کامپیوتر و مانند آن؛ کدام یک می‌تواند مستند حکم قاضی قرار گیرد و به عنوان مؤیّد تا چه حد قابل استنادند؟

جواب: معیار حصول علم از این اسباب برای قاضی است، و در مواردی که امکان جعل وجود دارد، علم حاصل نمی‌شود.

سؤال ۶۷۵- آیا قاعده «البیّنهٔ للمدّعی و الیمین علی من انکر» اختصاص به مسائل حقوقی و مالی دارد، یا در مورد مسائل کیفری مانند ایراد ضرب ساده، فحّاشی، تخریب و مانند آن نیز قابل اجراست؟

جواب: قاعده مزبور در امور کیفری نیز جایز است.

سؤال ۶۷۶- آیا قاعده «الیمین علی من انکر» در رابطه با تعزیرات نیز جاری می‌شود؟ و در صورت مثبت بودن، آیا جرایم تعزیری با نکول منکر و قسم خوردن مدّعی ثابت می‌شود؟

جواب: در حدود و تعزیرات قسم نیست، و نکول از قسم هم راه ندارد.

سؤال ۶۷۷- آیا در مقام صدور حکم، بیّنه طریق است یا موضوعیّت دارد؟ در صورتی که موضوعیّت داشته باشد، اگر با علم قاضی تعارضی پیدا کند، تکلیف چیست؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۲۲۱

جواب: بیّنه طریق است و اگر قاضی از طریق حسّی یا قریب به حسّ، یقین بر خلاف آن پیدا کند، بیّنه از درجه اعتبار ساقط می‌شود.

سؤال ۶۷۸- آيا دلايل كشف جرم و اثبات آن از نظر فقهى منحصر به شهادت، اقرار و سوگند است؟

جواب: راه چهارمى نيز وجود دارد كه آن علم قاضى است كه از مجموعه قرائن حسّى يا قريب به حس حاصل مى‌شود و دامنه وسيع و گسترده‌اى دارد كه بسيارى از طرق كشف جرم در زمان ما را شامل مى‌شود؛ ولى علم حاصل از مقدّمات نظرى و حدسيّات خالى از اشكال نيست.

سؤال ۶۷۹- آيا دلايل علمى مانند: اثر انگشت، آزمايش خون و طرق علمى و تجربى ديگر، كه امروزه در دنيا مورد استفاده جرم‌شناسان قرار مى‌گيرد، مى‌تواند به عنوان دليل شرعى براى كشف و اثبات جرم به حساب آيد؟

جواب: هرگاه اين امور سبب علم گردد قاضى مى‌تواند بر آنها تكيه كند.

سؤال ۶۸۰- لطفاً به سؤالات زير پاسخ دهيد:

الف) آيا قوام اماره به دست عرف است يا در انحصار شرع؟ به اين معنا كه اگر انحصار امارات در دست شارع باشد و عرف و عقلا هيچ‌گونه نقشى نداشته باشند، در اين صورت جايى براى راههاى علمى كشف و اثبات جرم امروزى نخواهد بود جز از طريق نقش آنها در علم قاضى آن هم اگر در علم قاضى مبناى خاصّى اتخاذ نكنيم.

ب) آيا وسايل امروزى كه براى اثبات جرم در محاكم قضايى مورد استفاده قرار مى‌گيرد اماره است؟

ج) آيا هر اماره‌اى در دادرسى حجّت است؟

جواب: معمولًا در اصول فقه، كه صحبت از امارات شرعيّه و عقلائيّه مى‌شود، مى‌گويند: «امارات عقلائيّه بايد در زمان شارع باشد و به امضاى شرع برسد و لو به عدم ردع»؛ ولى در مسأله علم قاضى كه در دنياى امروز مهمترين طريق اثبات جرم است راه بسيار باز و برنامه كاملًا روشن است.

استفتاءات جديد (مكارم)، ج۲، ص: ۲۲۲

مسائل متفرّقه قضا

سؤال ۶۸۱- چنانچه در دعوايى، چه حقوقى و چه كيفرى، قسم متوجّه طرف دعوى شود و او صغير باشد، آيا مى‌تواند قسم بخورد، يا قسم متوجّه ولىّ يا قيّم او مى‌شود؟ حال اگر از نظر شرعى بالغ باشد؛ مثلًا دختر ۱۱ ساله يا پسر ۱۵ ساله، ولى به نظر دادگاه متوجّه آثار زيانبار قسم دروغ نباشد و به جهت عدم رشد، امكان قسم دروغ كاملًا وجود داشته باشد، آيا بازهم مى‌شود ايشان را قسم داد؟ سؤال ديگر اين كه اگر كسى كه حقّ مطالبه سوگند از طرف خود را دارد صغير باشد، مى‌تواند تقاضاى قسم كند؟

جواب: در هر دو صورت انجام وظايف مربوطه به دادگاه، متوجّه قيّم و ولىّ صغير مى‌شود؛ و قسم صغير و مانند او اعتبار ندارد.

سؤال ۶۸۲- طبق مادّه ۱۵۹ قانون تعزيرات، و تبصره مادّه ۲۳ قانون مجازات اسلامى، جرايم تعزيرىِ قابل گذشت، با مطالبه صاحب حق يا قائم مقام قانونى او تحت تعقيب قرار مى‌گيرد و در صورت عفو آنها، تعقيب متوقّف مى‌شود و قاضى در اين باره مكلّف است نه مخيّر؛ ولى با تصويب مادّه ۷۳۷ قانون مجازات اسلامى در سال ۱۳۷۵ و نسخ ضمنى موادّ قبل، تعقيب جرايم تعزيرى قابل گذشت، همانند سابق، تنها با شكايت شاكى خصوصى (صاحبِ حق) صورت مى‌گيرد و در صورت گذشت شاكى خصوصى دادگاه در اعمال تخفيف مجازات و يا توقّف تعقيب مخيّر است، با توجّه به موازين فقهى، آيا بعد از گذشت شاكى خصوصى، دادگاه مكلّف به مختومه كردن پرونده است، يا مخيّر مى‌باشد؟

جواب: مخيّر بودن قاضى در صورتى است كه جُرم جنبه عمومى پيدا كند؛ يعنى مشكلى براى جامعه ايجاد نمايد، كه در اين صورت حتّى با گذشت شاكى خصوصى، قاضى مى‌تواند مجرم را به نوعى تعزير نمايد، در غير اين صورت با گذشت شاكى خصوصى بايد پرونده مختومه شود.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۲۲۳

سؤال ۶۸۳- بعضی از احکام صادره توسّط دادگاه‌ها قابل اعتراض است. چنانچه «محکومٌ علیه» اعتراضی به حکم نداشته باشد، آیا این به معنای رضایت به حکم محسوب می‌شود، تا از این جهت چنانچه حکم اشتباه باشد، قاضی دچار مسئولیّت اخروی نگردد؟

جواب: ظاهر حال رضایت به حکم صادره طبق موازین شرع است؛ ولی رضایت محکوم علیه تأثیری ندارد. اگر قاضی به وظیفه شرعی خود عمل کرده باشد، مسئول نیست.

سؤال ۶۸۴- در بعضی از موارد، نظر قانون مخالف نظر مشهور فقهای بزرگ، و یا حتّی به نظر می‌رسد مخالف اجماع می‌باشد. با توجّه به این که ما قاضی مأذون هستیم و ابتدا موظّف به اجرای قانون می‌باشیم، آیا اجرای چنین قوانینی دارای مسئولیّت اخروی است؟ و آیا در این مورد می‌توانیم به نظر مرجع خود عمل نماییم؟ از جمله این قوانین، عدم لزوم تعهّد ابتدایی در شرع مقدّس و جواز عمل به آن مطابق مادّه ۱۰ قانون مدنی، و عدم صحّت ضمّ ذمّه به ذمّه در شرع در باب ضمان و صحّت آن در قانون تجارت، و موضوع محاسبه نرخ تورّم در مهریّه که اخیراً تصویب شده، می‌باشد؛ حال چنانچه قانون در موردی ساکت بود، باید به قول مشهور عمل نمود؟ یا می‌توان نظر مرجع تقلید خود را، هرچند مخالف مشهور باشد، عمل کرد؟

جواب: در مواردی که علم به خلاف ندارید، می‌توانید به قانون جمهوری اسلامی عمل کنید؛ ضمناً مسأله ضمّ ذمّه به ذمّه در باب ضمان و همچنین گرفتن مهریّه‌های زمانهای گذشته به قیمت امروز، مورد تأیید ما نیز می‌باشد و اشکال شرعی ندارد، و تصوّر نمی‌کنم قانون شرط ابتدایی را لازم بداند.

سؤال ۶۸۵- در مواردی که قاضی باید اصحاب دعوا را امر به مصالحه نماید، آیا امر به مصالحه به نحو مطلق کافی است، یا باید کیفیّت آن را نیز خود دادگاه مشخص نماید؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۲۲۴

جواب: چنانچه طرفین بتوانند مصالحه را انجام دهند امر به نحو مطلق کافی است، وگرنه قاضی می‌تواند نحوه آن را (هرچند به صورت تخییر) به آنها پیشنهاد کند.

سؤال ۶۸۶- طرق شرعی احراز عدالت شاهد در قضاوت را ذکر فرمایید.

جواب: احراز عدالت شاهد مانند احراز سایر موضوعات است، از طریق علم و یقین، یا شیاع موجب اطمینان، یا حُسن ظاهر در برخوردها و معاشرتها که کاشف از تقوای باطنی باشد، یا شهادت دو شاهد شناخته شده بر عدالت او، حاصل می‌شود.

سؤال ۶۸۷- لطفاً نظر خود را پیرامون دو عنوان حقوقی ذیل بیان فرمایید:

الف) آثار تبعی حکم: افرادی که به حبس بالای یک سال یا جریمه نقدی بیش از دویست هزار تومان و مانند آن محکوم می‌شوند، این حکم آثاری دارد. از جمله این که این افراد حقّ استخدام شدن در ادارات دولتی و مانند آن را ندارند که اصطلاحاً این را آثار تبعی حکم می‌گویند.

ب) اعاده حیثیت: یعنی زایل شدن آثار تبعی حکم؛ مثلًا در حبسهای جنایی، بعد از گذشت ده سال از محکومیّت آثار تبعی زایل می‌شود.

جواب: آثار تبعی احکام، تابع قراردادها و مقرّرات است؛ یعنی هرگاه دولت یا هر شخص دیگری برای استخدامهای خود مقرّراتی وضع کند، کسی نمی‌تواند مانع آن گردد، و همچنین در مورد اعاده حیثیت به معنایی که در بالا گفته شد.

سؤال ۶۸۸- در صورتی که شخصی از بابت آزادی متّهمی در مراجع قضایی اقدام به تودیع وثیقه نموده باشد آیا مرجع قضایی می‌تواند پس از آزادی متّهم و احضار مجدّد او و در حالی که متّهم در اختیار مراجع قضایی باشد، به ضبط وثیقه ادامه دهد؟

جواب: اگر متّهم را بعد از احضار مجدّداً بازداشت کرده‌اند وثیقه باید به

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۲۲۵

صاحب آن برگردد؛ مگر مایل به ادامه باشد و اگر به خاطر ناقص بودن پرونده یا مانند آن، او را آزاد کرده و رسیدگی به کارش را به بعد موکول نموده‌اند مسأله دو صورت دارد: نخست این که وثیقه در مقابل احضار اوّل بوده است که در این صورت باید وثیقه را برگردانند؛ ولی اگر در برابر احضارهای مکرّر تا مختومه شدن پرونده بوده است وثیقه بر نمی‌گردد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۲۲۷

فصل هفدهم: احکام معاملات

معاملات واجب و مکروه

سؤال ۶۸۹- با توجّه به این که در فقه اسلامی تجارت بر سه قسم است (مباح، مکروه و حرام)، آیا تجارت واجب نداریم؟

جواب: کلیّه کسب‌هایی که نظام جامعه مبتنی بر آن است، واجب کفایی می‌باشد، همچنین در تمام مواردی که انجام یک واجب متوقّف بر تجارتی گردد، آن تجارت نیز به عنوان مقدّمه واجب، واجب می‌شود.

سؤال ۶۹۰- چرا کفن‌فروشی مکروه است؟ آیا این حکم شامل پارچه‌فروشهایی که شغل آنها پارچه‌فروشی است و در ضمن کفن نیز می‌فروشند، می‌شود؟

جواب: شامل آنها نمی‌شود و فلسفه کراهت کفن‌فروشی احتمالًا احساس خشنودی از کثرت مرگ‌ومیرهاست.

معاملات باطل و بخشی از کارهای حرام

۱- خریدوفروش اشیای نجس

سؤال ۶۹۱- با توجّه به این که خریدوفروش چیزهای نجس حرام است و خون یکی از نجاسات است، چرا سازمان انتقال خون، به خریدوفروش خون مبادرت می‌کند؟

جواب: خریدوفروش اشیای نجس در صورتی حرام است که فایده حلالی نداشته باشد و خون در حال حاضر، که برای نجات جان بیماران مصرف می‌شود

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۲۲۸

و دارای منافع حلالی است، خریدوفروش آن مانعی ندارد.

سؤال ۶۹۲- شخصی در کشورهای کفر، مثل آلمان و هلند، کار می‌کند و از گوشتی که ذبح شرعی نشده کباب درست می‌کند و به اهل کتاب و کسانی که ذبیحه اهل کتاب را حلال می‌دانند و مسلمانانی که بین حلال و حرام فرق نمی‌گذارند می‌فروشد، سودی که به دست می‌آورد چه حکمی دارد؟ در صورت حرمت اگر پول را مثلًا به قصد نان و سالاد که به آنها می‌دهد بگیرد چه حکمی دارد؟

جواب: می‌تواند به غیر مسلمانان و کسانی که حلال می‌دانند بفروشد؛ ولی نسبت به غیر آنها جایز نیست.

سؤال ۶۹۳- آیا عمل کسی که به اهل کتاب شراب می‌فروشد، به قصد این که من شیشه را می‌فروشم نه شراب را، صحیح است؟

جواب: جایز نیست و قصد شیشه کردن مشکل را حل نمی‌کند.

۲- موسیقی

سؤال ۶۹۴- اگر موسیقی حرام، یعنی غنا، تأثیرات مخرّبی بر فرد یا جامعه می‌گذارد، ویژگی آن تأثیرات منفی چگونه تشخیص داده می‌شود؟

جواب: البتّه و بدون شک موسیقی حرام آثار مخرّبی دارد «۱»؛ ولی حکم، تابع بروز و ظهور آنها نیست.

سؤال ۶۹۵- اساساً ملاک و مناط تشخیص موسیقی حرام با چه کسانی است؟ اگر با عرف است کدام عرف، عرف مؤمنین و متشرّعین، یا عرف موسیقی‌دانان و آهنگسازان، یا عرف کارشناسان فرهنگی جامعه، یا عرف علما و اندیشمندان، یا عرف فقها و مفتیان؟

جواب: در این گونه موارد باید به عرف عام متدیّن مراجعه کرد که تشخیص

---

(۱). شرح این مطلب را در تفسیر نمونه، جلد ۱۷، صفحه ۲۹ به بعد مطالعه فرمایید.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۲۲۹

دهند کدام آهنگ و صوت مناسب مجالس لهو و فساد است و کدام نیست. علما و فقها نیز در این گونه موارد به چنین عرفی رجوع می‌کنند.

سؤال ۶۹۶- اگر موسیقی یک هنر مبتنی بر اصول و قواعد علمی و تاریخی است، آیا بهتر نیست کارِ کارشناسی تشخیص حکم آن با افراد دیندار موسیقی‌شناس قرار گیرد و مقصود از عرف، عرف مؤمنان موسیقی‌شناس باشد؟

جواب: تشخیص حکم با مجتهد است؛ ولی تشخیص موضوع می‌تواند بر عهده کسانی که ذکر کردید باشد.

سؤال ۶۹۷- آیا بهتر نیست فقها، که نه جزء عرف محسوب می‌شوند و نه جزء کارشناسان موسیقی و نه با موضوع موسیقی آشنایی دارند، درباره مصادیق موسیقی حکم ندهند؟

جواب: بسیاری از مصادیق موسیقی حرام، طوری است که همه کس آن را درک می‌کند؛ آری بعضی از مصادیق آن، خالی از اجمال و ابهام نیست که باید به عرف متدیّن و آگاه مراجعه شود، و ممکن است فقیه در تشخیص موضوع آن آگاهی کافی نداشته باشد؛ ولی تعیین حکم با فقیه است.

سؤال ۶۹۸- موسیقی و غنا چه تغییر و تحوّل روحی و نفسانی در انسان می‌گذارد؟

جواب: غالباً سبب بیگانگی از خدا و تحریک شهوات و آلودگی به مفاسد دیگر است؛ ولی حکم تابع این امور نیست، همان‌گونه که حرمت شراب، تابع مست شدن نیست.

سؤال ۶۹۹- برخی، حالت طرب را تشبیه به حالت مستی کرده‌اند. چه دلیلی بر این تشبیه وجود دارد؟ آیا چنین حالتی را تا کنون کسی دیده است؟

جواب: از این که بسیاری از انواع غنا مانند موادّ مخدّر عمل می‌کند جای شک نیست، منتها در اینجا تخدیر از طریق گوش حاصل می‌شود.

سؤال ۷۰۰- موسیقی در صدر اسلام چه ویژگیهایی داشته است که به محض سؤال

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۲۳۰

از امام معصوم (علیه السلام) و پاسخ آن حضرت که می‌فرمودند: «هو الغناء» سؤال‌کننده قانع می‌شد؟

جواب: با توجّه به این که سؤال‌کننده، اهل لسان بوده، جواب را به راحتی درک می‌کرده است؛ ولی برای ما که اهل لسان عربی نیستیم، ممکن است مسأله کمی پیچیده شود که باید از طریق مراجعه به اهل عرف حل شود.

سؤال ۷۰۱- مبنای حرمت غنا در اسلام آیات و روایات است. در تفسیر آیات قرآن «قول زور، لهو الحدیث، قول باطل و کلام لغو»

تفسیر به غنا شده که هر یک از این تعابیر می‌بایست در چهارچوب شرایط زمانی و با منابع تاریخی و لغت معتبر تعریف شوند، آیا کلام لهوی و باطل، غنا به حساب می‌آید، یا آهنگ و لحن لهوی و باطل غناست؟

جواب: معیار در حرمت غنا، کیفیّت آهنگ است و محتوا در آن تأثیری ندارد. شرح این مطلب را در کتاب أنوار الفقاهة، کتاب مکاسب محرّمه، نوشته‌ایم. تفسیر آیات مزبور نیز در آنجا آمده است. و هر آهنگ و صدایی که مناسب مجالس لهو و فساد است حرام می‌باشد و غیر آن حلال است.

سؤال ۷۰۲- اگر لهو را به لهو باطل و غیر باطل و نیز غیر باطل را به عقلایی و غیر عقلایی تقسیم کنیم، موسیقی و غنا نیز انواعی خواهد داشت؛ تشخیص حکم هر یک با چه ملاکها و معیارهایی ممکن خواهد بود؟

جواب: معیار حرمت غنا در پاسخ سؤالات بالا ذکر شد و با مراجعه به عرف متدیّن موسیقی حرام از غیر حرام شناخته می‌شود.

سؤال ۷۰۳- دختری ۱۸ ساله هستم و در دوره پیش‌دانشگاهی مشغول به تحصیل می‌باشم. در رابطه با موسیقی سنّتی و عرفانی ایران سؤالی داشتم؛ البتّه، آن موسیقی که انسان را از حالت عادّی خارج نکند و مناسب با مجالس عیش نباشد، سؤال من این است که آیا نواختن با این نوع آلات موسیقی حرام می‌باشد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۲۳۱

جواب: کلیّه صداها و آهنگهایی که مناسب مجالس لهو و فساد است حرام و غیر آن حلال است و تشخیص آن با مراجعه به اهل عرف خواهد بود؛ و آلاتی که غالباً برای این گونه موسیقی‌ها از آن استفاده می‌شود آلات حرام است، باید از آنها پرهیز کنید.

سؤال ۷۰۴- مجالس لهو و لعب به چه نوع مجالسی گفته می‌شود؟

جواب: منظور مجالسی است که برای عیّاشی و هوسرانی و بی‌بندوباری تشکیل شده است و به تعبیر دیگر به مجالسی گفته می‌شود که در نزد عرف متشرّعه و متدیّن مجلس گناه محسوب شود، موسیقی‌های مناسب آن حرام است؛ هرچند در مجلسِ عادی نواخته شود یا به صورت فردی باشد (دقّت کنید).

سؤال ۷۰۵- آیا می‌توان در ولادت امامان معصوم (علیهم السلام) در مسجد نوار آهنگ مذهبی غیر حرام گذاشت؟

جواب: گذاشتن آهنگ مذهبی در مساجد و حسینیّه‌ها مناسب نیست. از آن اجتناب کنید.

سؤال ۷۰۶- گذاشتن نوارهایی که موجب اذیّت همسایه‌ها و مردم محل شود چه حکمی دارد؟

جواب: جایز نیست و از گناه و ایذای دیگران بایستی پرهیز کنید.

سؤال ۷۰۷- در حرمت خریدوفروش و استفاده از آلات موسیقی، آیا فرقی بین آلات مختصّه و مشترکه نیست؟

جواب: آری فرق است؛ فقط خریدوفروش آلات مختصّه، یا آلاتی که غالباً برای حرام استفاده می‌شود حرام است.

سؤال ۷۰۸- سرودهایی که با اشعار عرفانی نظیر مثنوی، حافظ و مانند آن به صورت غزل یا غیر آن در دستگاههای موسیقی ایرانی (سنّتی) توسّط مرد خوانده می‌شود و معمولًا آهنگ تندی ندارد، چگونه است؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۲۳۲

جواب: فرقی بین محتوای اشعار نیست؛ معیار آهنگ‌هایی است که در بالا به آن اشاره شد.

سؤال ۷۰۹- مورد سؤال بالا، توسّط خواننده زن چه حکمی دارد؟

جواب: خوانندگی زنان در برابر نامحرمان بدون اشکال حرام است؛ هرچند در موسیقی حرام نگنجد.

سؤال ۷۱۰- خرید، نگهداری و استفاده از وسایل موسیقی مانند کمانچه، ارگ، پیانو، ضرب و مانند آن، که معمولًا جهت موسیقی سنّتی از آن استفاده می‌شود، چه حکمی دارد؟

جواب: خریدوفروش و استفاده از اسباب و آلاتی که از آنها غالباً برای موسیقی حرام استفاده می‌شود حرام است.

سؤال ۷۱۱- یادگیری موسیقی اعم از خوانندگی یا نوازندگی توسّط فرزندانمان (نوجوانان- جوانان- دختر یا پسر) چگونه است؟

جواب: یادگیری نوع حرامش حرام است.

سؤال ۷۱۲- آیا صرف پخش برنامه یا موزیکی از صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، می‌تواند دلیل مجاز بودن آن باشد؟

جواب: پخش آهنگ از صدا و سیما، دلیل بر مجاز بودن آن نیست و خود مسئولین نیز اعتراف دارند که هنوز صدا و سیما تصفیه کامل نشده است.

سؤال ۷۱۳- در صورت امکان مختصراً در مورد اثر تخریبی موسیقی توضیحی بفرمایید، یا کتابهایی را در این مورد معرّفی بفرمایید؟

جواب: در تفسیر نمونه، ج ۱۷ از صفحه ۲۹ تا ۳۸ مباحث مفید و جامعی در این زمینه مطرح شده است.

سؤال ۷۱۴- چنانچه سلامت وضعیّت روحی شخصی، در بعضی اوقات، منوط به شنیدن و یا نواختن موسیقی حرام باشد، حکم نواختن و گوش کردن شخص فوق به این نوع موسیقی چیست؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۲۳۳

جواب: در صورتی که واقعاً درمان منحصر به فرد باشد، اشکالی ندارد و این مسأله با مراجعه به اطبّای متخصّص روشن می‌شود؛ ولی از وسوسه‌های نفس و شیطان بپرهیزید.

سؤال ۷۱۵- آیا استماع نوار خواننده‌های ترانه، که فعلًا از مواضع قبلی خود که فساد بوده، دست برداشته و توسّط وزارت ارشاد مجوّز گرفته‌اند، جایز است؟

جواب: باز تکرار می‌کنیم: کلیّه صداها و آهنگ‌هایی که مناسب مجالس لهو و فساد است حرام، و غیر آن حلال است و تشخیص آنها با مراجعه به اهل عرف عام خواهد بود و گرفتن مجوّز از وزارت ارشاد کافی نیست.

سؤال ۷۱۶- شنیدن صدای نوار ترانه که از منزل همسایگان یا در وسیله نقلیّه دیگران از قبیل تاکسی به گوش می‌رسد و مجبور به استماع آن هستیم، چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که عمداً گوش ندهید حرام نیست؛ ولی وظیفه امر به معروف و نهی از منکر را در آنجا که احتمال اثر دارد، نباید فراموش کنید.

سؤال ۷۱۷- با توجّه به این که انگیزه خواننده، انگیزه شنونده، شرایط مکانی (مجلس خاصّ)، شرایط زمانی (زمان مناسب)، در انتخاب لحن و کلام نقش دارد، حکم حرمت غنا متوجّه کدام ناحیه است؟

جواب: کراراً گفته‌ایم: کلیّه صداها و آهنگ‌هایی که مناسب مجالس لهو و فساد است حرام، و غیر آن حلال است و تشخیص آن با مراجعه به اهل عرف خواهد بود. و انگیزه‌ها و شرایط زمانی و مکانی در آن تأثیری ندارد؛ مانند حرمت شرب خمر که زمانها و مکانها در آن اثر ندارد، جز در موارد اجبار قطعی.

۳- رقص

سؤال ۷۱۸- اخیراً در یک مجلس عمومی برای آقایان، پس از اجرای سخنرانی و

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۲۳۴

برنامه‌های دیگر، چند نفر از آقایانی که ورزش بدنسازی و زیبایی اندام را تمرین کرده بودند، در مجلس حاضر شده و بدن نیمه عریان خود را به معرض دید تماشاچیان گذارده و با حرکاتی، ماهیچه‌های خود، سینه‌های بزرگ شده و سایر قسمت‌های تقویت شده را به دیگران نشان دادند. لطفاً حکم این عمل را از نظر شرع مقدّس اسلام بیان بفرمایید.

جواب: این کار شایسته مسلمانان نیست و اگر منشأ فساد گردد حرام است.

سؤال ۷۱۹- شرکت در عروسی، یا مجالس دیگر، که انسان می‌داند در آن رعایت شئونات اسلامی نمی‌شود (از قبیل اختلاط زن و مرد، رقص و پایکوبی، استفاده از نوارهای موسیقی و مانند آن)، چه حکمی دارد؟

جواب: شرکت در مجالس گناه حرام است.

۴- خریدوفروش پول، چک، سفته و ارزهای خارجی

سؤال ۷۲۰- خریدوفروش دلار و ارزهای خارجی در بازار آزاد چه حکمی دارد؟ آیا چنین کسبی حلال است؟

جواب: آنچه بر خلاف مقرّرات حکومت اسلامی و مصالح کشور در مورد این گونه معاملات است مجاز نیست.

سؤال ۷۲۱- خریدوفروش سکّه‌های طلا در بازار آزاد چه حکمی دارد؟

جواب: از جواب بالا معلوم شد.

سؤال ۷۲۲- کسی که شغل او دلّالی است و در بازار به خریدوفروش سکّه و ارز خارجی مشغول است شغل او چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که کاری بر خلاف مقررات و قوانین شرع و قوانین جاری مملکت و مصالح کشور نکند اشکالی ندارد.

سؤال ۷۲۳- خریدوفروش چک و سفته چه حکمی دارد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۲۳۵

جواب: خریدوفروش چک یا سفته‌ای که سند بدهکاری کسی می‌باشد به کمتر یا بیشتر مانعی ندارد.

سؤال ۷۲۴- آیا خریدوفروش اسکناس صحیح می‌باشد؟ در صورتی که جواب منفی است آیا احکام ربای معاملاتی در آن جاری است؟

جواب: اسکناس جزء معدودات است، و حکم ربا در خریدوفروش آن جاری نمی‌شود؛ ولی در اینجا مشکل دیگری وجود دارد و آن این که در عرف عقلا اسکناس همیشه ثمن واقع می‌شود و جنبه مثمن ندارد، هیچ کس در عرف بازار نمی‌گوید: «من ده هزار تومان پول نقد را به یازده‌هزار تومان که یک ماه دیگر تحویل بدهی، به شما فروختم» مگر کسانی که بخواهند آن را حیله فرار از ربا قرار دهند؛ یعنی در واقع نوعی وام ربوی است که نام آن را بیع می‌گذارد و این گونه حیله‌ها به فتوای ما اعتباری ندارد، تنها دو مورد استثنا در این مسأله وجود دارد:

الف) نخست خریدوفروش ارزهای مختلف که مثلًا دلار را با اسکناس مبادله کنند، که چنین معامله‌ای صحیح است.

ب) دیگر معامله نقدی اسکناسهای کوچک و بزرگ، یا نو و کهنه با تفاوت مختصر به خاطر استفاده از نو بودن اسکناس یا حجم کم پول بزرگ در مسافرت و مانند آن؛ در غیر این دو صورت اشکال دارد.

سؤال ۷۲۵- آیا احکام صرف (معامله نقدین)، مانند وجوب قبض و اقباض در مجلس معامله، در مورد پول اعتباری، یعنی اسکناس، جاری است؟

جواب: احکام مزبور در پول اعتباری جاری نیست؛ زیرا نه ادلّه نسبت به آن شمول دارد و نه پشتوانه در حال حاضر طلا و نقره مسکوک است؛ اصولًا پشتوانه در زمان ما یک امر اعتباری است.

سؤال ۷۲۶- آیا پول از مثلیّات است یا قیمیّات؟ اصولًا ملاک مثلی و قیمی چیست؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۲۳۶

جواب: بدون شک پول از مثلیّات است، و ملاک مثلی آن است که همانند آن به راحتی و وفور پیدا شود و غیر آن، قیمی است.

۵- قمار

سؤال ۷۲۷- چند تیم والیبال، یا فوتبال، یا غیر آن، مبالغی وجه نقد در بین خود جمع‌آوری نموده و پس از مسابقه آن را به تیم برنده اختصاص می‌دهند، آیا این کار جایز است؟

جواب: حرام است، و نوعی قمار محسوب می‌شود؛ ولی اصل این ورزشها بدون برد و باخت اشکالی ندارد.

سؤال ۷۲۸- جوایزی که در مسابقه‌های علمی و فرهنگی و غیره به قید قرعه به اسم افراد در می‌آید، از لحاظ شرعی چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که شرکت کنندگان پولی به حساب برگزار کنندگان مسابقه نریخته باشند اشکالی ندارد، در غیر این صورت مشکل است.

سؤال ۷۲۹- شرکت در اعانه ملّی، یا قرعه‌کشیهایی که در کشورهای خارجی انجام می‌شود (مثل بلیط بخت‌آزمایی که در سابق در ایران بود) و غالباً افراد شرکت‌کننده با میل خود شرکت نموده و پولی را پرداخت می‌نمایند، و بعضی افراد به پولهای هنگفتی می‌رسند چه حکمی دارد؟ و اگر کسی برنده شود آیا استفاده از پول آن جایز است؟

جواب: بخت‌آزمایی و مانند آن حکم قمار را دارد و اگر کسی چنین پولی را گرفته و صاحبان آن را نمی‌شناسد به فقرای مسلمان بدهد.

سؤال ۷۳۰- اگر شخصی دیگران را وادار کند که با او شرطبندی کنند و اتّفاقاً در این شرطبندی ببازد، آیا گرفتن وجه یا هر چیز مقرّر در این شرط، جایز است؟ اگر شرط در مورد مسأله علمی باشد و قرار بگذارند که هر یک از طرفهای شرط در

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۲۳۷

صورت مغلوب شدن یک کتاب برای کتابخانه مسجد بخرد، یا مقدار معیّنی پول یا چیز دیگر به کتابخانه یا به مکان عامّ المنفعه‌ای بدهد چطور؟

جواب: این برد و باختها و شرطها در هر صورت جایز نیست.

سؤال ۷۳۱- اخیراً سازمان بهزیستی اوراقی به عنوان «ارمغان بهزیستی» در معرض فروش می‌گذارد، در آن اوراق چند سؤال بهداشتی مطرح می‌نماید که اگر خریدار اوراق به آنها پاسخ صحیح بدهد، به قید قرعه جوایزی دریافت می‌نماید، در غیر این صورت وجه پرداختی به نفع دولت ضبط می‌شود، بعضی بنگاههای خصوصی نیز به همین عنوان و با توجّه به علاقه شدید جوانان به ورزش فوتبال اوراقی را در معرض فروش قرار داده و از خریداران می‌خواهند که نتیجه مسابقات بین تیمهای ورزشی را پیشگویی نمایند، و به کسانی که صحیح‌ترین پاسخ را بدهند، جایزه نقدی اعطا می‌کنند، از آنجا که شرعاً شرطبندی منع گردیده، مگر در موارد خاص، آیا موارد مذکور که اوّلی با انگیزه آموزش بهداشت و دوّمی به منظور تشویق جوانان و توجّه به ورزش و گرم نگه داشتن بازار مسابقات ورزشی صورت می‌گیرد، از مصادیق «سَبْق» تلقّی می‌گردد؟ یا به علّت برنده شدن بعضی و بازنده شدن دیگران از مصادیق شرطبندی حرام است؟

جواب: اینگونه کارها نوعی شرطبندی حرام است و جایز نیست؛ ولی در مواردی مثل بهزیستی اگر نیّت شرکت‌کنندگان کمک بلاعوض به این سازمانها بوده و نیّت شرطبندی در آن نباشد و جوایز آن صرفاً برای تشویق باشد حلال است؛ ولی ظاهراً آنچه فعلًا جریان دارد به این صورت نیست و بسیاری از مردم به شرط جایزه شرکت می‌کنند.

سؤال ۷۳۲- آیا بازی بوکس جایز است؟ مسابقات فوتبال که موجب مغلوب شدن طرف دیگر می‌شود چه حکمی دارد؟ آیا تعیین جایزه از طرفین، یا گروه، یا شخص سوّمی اشکال دارد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۲۳۸

جواب: بازی بوکس از بازیهای خطرناک است و اشکال دارد؛ ولی فوتبال و مانند آن اشکالی ندارد؛ امّا شرطبندی از سوی طرفین،

یا از طرف شخص ثالث جایز نیست؛ ولی دادن جایزه بدون قرارداد با کسی بی‌مانع است.

سؤال ۷۳۳- بازی کردن، خریدوفروش و نگهداری آلات قمار، مثل ورق پاسور، تخته نرد، بیلیارد و یا دیگر وسایل قمار، در صورتی که قصد برد و باخت در کار نباشد و فقط جهت بازی و سرگرمی باشد، چه حکمی دارد؟

جواب: بازی با آلات قمار، هرچند بدون برد و باخت باشد، اشکال دارد و خریدوفروش و نگهداری آلات قمار حرام است.

۶- شطرنج

سؤال ۷۳۴- نظر حضرتعالی درباره بازی شطرنج با دستگاه کامپیوتر چیست؟

جواب: اگر شطرنج در عرف عام از صورت قمار خارج شده باشد و به عنوان ورزش شناخته شود مانعی ندارد؛ خواه با کامپیوتر باشد یا غیر آن.

سؤال ۷۳۵- با توجّه به روایات شطرنج که از برخی حرمت و از برخی کراهت استفاده می‌شود و با توجّه به آنچه از «شیخ طوسی» (رحمه الله) در «مبسوط»، و «شافعی» در کتاب «الامّ» نقل شده که «سعید بن مسیب» و «سعید بن جبیر» که مقامشان بر همه واضح است، شطرنج را با مهارت تامّ بازی می‌کردند به سؤالات زیر پاسخ فرمایید:

الف) روایاتی نظیر «الشطرنج میسر» «۱» با توجّه به این که همه مفسّرین و لغویّین میسر را «قمار با رهن» معنا کرده‌اند، آیا به تناسب حکم و موضوع و یا انصراف، به بازی با رهن حمل نمی‌شود؟

جواب: احتیاط واجب این است که از قمار، چه با شرط و چه بی‌شرط، اجتناب شود و دلیل منحصر به روایت فوق نیست و اگر شطرنج قمار باشد بدون

(۱). وسائل الشّیعه، جلد ۱۲، ابواب ما یکتسب به، باب ۱۰۲، حدیث ۱۲ و ۱۴ و ۱۵.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۲۳۹

شرطبندی نیز اشکال دارد.

ب) آیا بازی ایشان، (سعید بن مسیّب و سعید بن جبیر) در عصر حضور و نرسیدن ردعی از امام (علیه السلام) برای ایشان، نمی‌تواند دلیل بر جواز باشد؟

جواب: وصول این خبر- به فرض صحّت آن- به محضر امام (علیه السلام) از طرق عادی ثابت نیست.

۷- مجسّمه‌سازی

سؤال ۷۳۶- ساختن مجسّمه انسان، مخصوصاً شخصیّتهای بزرگ گذشته و امروز، که جنبه تبلیغی نیز دارد، به صورت تمام اندام یا نیم‌تنه چه حکمی دارد؟

جواب: احتیاط واجب ترک آن است.

سؤال ۷۳۷- آیا ساختن مجسّمه غیر انسان از حیوانات مختلف تمام اندام یا بعضی اندام که با سر همراه باشد یا ترکیب خیالی مانند سر انسان و پیکر اسب بالدار و امثال اینها صورت شرعی دارد؟

جواب: در میان انواع مجسّمه جانداران تفاوتی نیست، حتّی جانداران خیالی.

سؤال ۷۳۸- آیا خریدوفروش مجسّمه انسان و حیوان، تمام اندام یا بعض اندام، که با سر همراه باشد جایز است؟

جواب: احتیاط واجب در ترک آن است؛ مگر در مورد اسباب‌بازی بچّه‌ها.

سؤال ۷۳۹- نقّاشى تمثال پيامبر اسلام (صلى الله عليه و آله) و يا ائمّه طاهرين (عليهم السلام) چه حكمى دارد؟

جواب: جايز است؛ ولى بايد موهن نباشد و انتساب قطعى نيز ندهند.

سؤال ۷۴۰- آيا عكس گرفتن، براى عكّاس و شخصى كه از او عكس مى گيرند، مكروه است؟

جواب: دليلى بر كراهت آن نداريم.

استفتاءات جديد (مكارم)، ج۲، ص: ۲۴۰

سؤال ۷۴۱- خريدوفروش در موارد زير چه حكمى دارد؟

الف) روغن و داروهاى روان و عطرهايى كه از كشورهاى غير مسلمان وارد مى‌شود.

ب) تيغ و ماشين خودتراش با عدم اطمينان به مصرف حرام.

ج) مجسّمه يا صابون يا چيزى كه روى آن مجسّمه دارد.

د) لوازم آرايش زنانه توسّط مرد.

ه‍) خمير ريش (اگر مصرف حلال نيز داشته باشد).

و) پيه و چربى حيوانى كه از خارج وارد مى‌شود، جهت تهيّه صابون.

ز) الكل صنعتى و سفيد با احتمال استفاده سوء برخى دريافت‌كنندگان.

جواب: جواب سؤالات فوق به شرح زير است:

الف) اشكال ندارد؛ مگر روغن‌هايى كه از چربى بدن حيوانات گرفته مى‌شود و خوراكى است.

ب) كليّه وسايلى كه منافع حلالِ قابل ملاحظه دارد، خريدوفروش آن جايز است.

ج) خريدوفروش مجسّمه اشكال دارد؛ امّا صابون و مانند آن كه روى آن مجسّمه مى‌باشد اشكال ندارد.

د) اگر مفسده خاصّى بر اين خريدوفروش مترتّب نشود، اشكالى ندارد.

ه‍) اشكالى ندارد، چون مصرف حلال هم دارد.

و) بهتر است از آن پرهيز شود.

ز) مادام كه يقين يا ظنّ قوى به سوء استفاده نباشد، اشكال ندارد.

۸- غيبت

سؤال ۷۴۲- در بين بعضى از مردم مرسوم است كه وقتى مى‌خواهند نشانى

استفتاءات جديد (مكارم)، ج۲، ص: ۲۴۱

شخصى را بدهند، مثلًا مى گويند: «همان كسى كه قدّش كوتاه است» يا «شكمش بزرگ است» و مانند اين تعبيرات؛ اگر آن فرد را ما بشناسيم و بدانيم با اين حرفها ناراحت مى‌شود، آيا غيبت محسوب مى‌شود؟

جواب: در صورتى كه اين صفات در عرف جنبه مذمّت داشته باشد جايز نيست.

سؤال ۷۴۳- در جريان تبليغات براى انتخاب رئيس جمهور و يا وكلاى مجلس، ذكر نيكى‌ها يا بدى‌هاى شخصى كه داوطلب است و يا ذكر جريانات خوب يا بد كه ايشان مسبّب آن بوده، داخل در مبحث غيبت است؟

جواب: در صورتى كه براى شناخت آنها لازم باشد و قصد هتك و اهانت نداشته باشد، مانعى ندارد.

سؤال ۷۴۴- آيا بررسى كارهاى مسئولين نظام جمهورى اسلامى در غياب آنها، با عنايت به مفاد حديث شريف «كُلُّكُمْ راعٍ وَ كُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ» «۱» از نظر شرع مقدّس اسلام، غيبت محسوب مى‌شود؟

جواب: بررسی مسائل اجتماعی و انتقادهای سازنده و مثبت از مسئولین غیبت محسوب نمی‌شود.

۹- دروغ

سؤال ۷۴۵- دروغ را تعریف بفرمایید؟ آیا از گناهان کبیره است؟

جواب: هر سخنی را که انسان بر خلاف واقع بگوید، دروغ است و از گناهان کبیره محسوب می‌شود.

سؤال ۷۴۶- آیا مواردی وجود دارد که دروغ گفتن واجب باشد؟

جواب: در مورد اصلاح ذات البین، یا نجات دادن جان مسلمان، یا امور مهمّه

---

(۱). میزان الحکمه، باب ۱۷۰۰، حدیث ۸۰۳۴.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۲۴۲

دیگر، دروغ گفتن جایز و گاهی واجب می‌شود.

سؤال ۷۴۷- آیا در این گونه موارد استفاده از راه فرار از دروغ، یعنی «توریه»، یا غیر «توریه» واجب است؟

جواب: در صورتی که از طریق توریه امکان خلاصی از دروغ باشد، احتیاط واجب آن است که از این راه استفاده کنند.

۱۰- موادّ مخدّر

سؤال ۷۴۸- تقاضا دارد فتوای آن مرجع عالیقدر را درباره مصرف موادّ مخدّر و مقدّمات آن از قبیل کشت، تولید، نگهداری، مخفی کردن، حمل، توزیع و خریدوفروش آن اعلام فرمایید؟

جواب: بدون شک استعمال موادّ مخدر یکی از گناهان کبیره است، که ادلّه مختلف شرعیّه بر حرمت قطعی آن دلالت دارد. و بر همه مسلمانان واجب است که از این موادّ پلید پرهیز و اجتناب کنند و فرزندان و بستگان و آشنایان خود را از آنها شدیداً بر حذر دارند و هر کس هر گونه کمکی به کشت، تهیّه، حمل و نقل و پخش این مواد کند مشمول مجازات الهی خواهد بود و هر گونه درآمدی از آن حاصل شود حرام و نامشروع است. همه مسلمین باید بدانند یکی از نقشه‌های خطرناک دشمنان برای نابود کردن ایمان و توان جوانان، توسعه همین موادّ مخدّر می‌باشد؛ بنابراین بر حکومت‌های اسلامی و عموم مردم فرد به فرد واجب است که با آن مبارزه کنند و ان شاء اللّه روزی بیاید که موادّ مخدّر از سرزمین کشورهای اسلامی ریشه‌کن گردد.

سؤال ۷۴۹- نظر حضرتعالی در مورد استعمال دخانیات و تریاک چیست؟ و در صورت تحریم آیا در صورت معالجه و یا صرفاً تفرّج حکم تحریم باقی است؟

جواب: همان‌گونه که گذشت استعمال موادّ مخدّر و تریاک حرام است؛ و

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۲۴۳

همچنین استعمال دخانیات دیگر نیز جایز نمی‌باشد.

۱۱- تراشیدن ریش

سؤال ۷۵۰- این جانب مردی ۳۶ ساله و دبیر هستم، هفته‌ای یکی دو بار ریشم را با ماشین که تقریباً مانند تیغ است کوتاه می‌کنم، تراشیدن ریش با توجّه به این که اگر موهای صورتم را نزنم چندین سال مرا مسن‌تر از سنّم نشان می‌دهد و این امر در روحیّه‌ام تأثیر منفی می‌گذارد، چه حکمی دارد؟

ضمناً همیشه برایم این مسأله مطرح بوده است که اگر بر اساس فتوای بعضی از مراجع تقلید احتیاط واجب در ترک این عمل است و از نظر اسلام تراشیدن ریش منع قطعی شده است، پس چرا بعضی از افرادی که حتّی اسلام‌شناس هستند و بعضاً کتابهای اسلامی زیادی نیز نوشته‌اند صورت خود را با تیغ می‌زنند؟ پس شاید این امر تحت شرایطی نهی شده است که اگر آن شرایط را رعایت کنیم این عمل خالی از اشکال باشد؛ لطفاً بر من منّت نهاده راهنمایی فرمایید.

جواب: تراشیدن ریش خلاف احتیاط است و مطمئن باشید که با گذاشتن ریش چیزی از شخصیّت شما کاسته نمی‌شود؛ بلکه قیافه شما را نورانی‌تر و روحانی‌تر می‌کند و بر محبوبیّت شما در میان افراد فهمیده می‌افزاید؛ درباره فلسفه این مطلب، کتاب مرحوم آقای حسین عبداللّهی خوروش به نام «تراش ریش از نظر بهداشت» را مطالعه فرمایید؛ ولی اگر ضرورتی پیدا شود مانعی ندارد.

سؤال ۷۵۱- حدّ ریش چه اندازه است؟ و تراشیدن قسمتی از ریش جهت زیبا کردن صورت چه حکمی دارد؟ ریشهای به اصطلاح پرفسوری نیز حرام است؟

جواب: حدّ ریش آن است که در عرف بگویند او دارای ریش است و تراشیدن دو طرف صورت، در صورتی که چانه و اطراف آن محفوظ باشد (ریشهای پرفسوری)، اشکالی ندارد.

سؤال ۷۵۲- آیا بلند کردن سبیل اشکال دارد؟ تراشیدن آن چطور؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۲۴۴

جواب: کوتاه کردن و حتّی تراشیدن سبیل مانعی ندارد و همچنین بلند بودن آن؛ به شرطی که شبیه کارهای صوفیان و بعضی فرقِ غُلات (علی اللّهی‌ها) نباشد.

سؤال ۷۵۳- تراشیدن ریش و یا ماشین کردن آن بطوری که صدق ریش نکند، چه حکمی دارد؟ آیا به واسطه مسخره کردن دیگران و یا تازه روییدن ریش به صورتِ ناموزون در افراد تازه بالغ، و یا جهت بازی در تئاتر، حکم تغییر می‌کند؟

جواب: احتیاط این است که از ریش‌تراشی مطلقاً خودداری شود؛ ولی اگر به صورتِ کم و ناموزون باشد و آن را بتراشند تا به صورتِ طبیعی درآید، اشکالی ندارد و با مسخره کردن، احکام خداوند عوض نمی‌شود، بلکه پایداری سبب می‌شود که به صورت یک فرهنگ مقبول گردد.

۱۲- ربا

سؤال ۷۵۴- گرفتن سود به واسطه حیله‌های شرعیّه چه حکمی دارد؟ آیا حیله شرعی با ضمیمه نمودن چیزی دیگر جایز است؟

جواب: اگر منظور از حیله‌های شرعی معاملات صوری بدون قصد جدّی است، مسلّماً تأثیری در حکم ربا ندارد. و غالباً در حیله‌های شرعی، طرفین قصد معامله جدی ندارند و منظورشان فقط رباست.

سؤال ۷۵۵- شخصی که شغل او مسگری است، در معاملات خود به هنگام معاوضه جنس خوب با جنس بد، چیزی اضافه می‌گرفته است، آیا چنین معامله‌ای ربا محسوب می‌شود؟ قابل ذکر است که ایشان نسبت به این مسأله جاهل بوده، بدین جهت به مجرّد این که متوجّه حرمت این عمل شده، چنین معامله‌ای را ترک کرده است. این نوع معامله حدوداً شصت سال صورت گرفته است، اکنون وظیفه آن شخص چیست؟ لازم به ذکر است که او هیچ کدام از مشتریان را نمی‌شناسد و کسانی را که می‌شناسد در قید حیات نیستند، تکلیف او چیست؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۲۴۵

جواب: احتیاط آن است که اگر توانایی دارد مبالغ مزبور را به عنوان ردّ مظالم به فقیر دهد، و اگر خودش نیازمند است از طرف ما قبول کند و به خودش ببخشد.

سؤال ۷۵۶- قبول داریم که «کل شیء مع أصله بحکم جنس واحد، و ان اختلفا فی الاسم» نتیجتاً شیر با روغن گاو از مصادیق کبرای فوق الذکر می‌باشد و نمی‌شود یک کیلو کره گاو که مثلًا دو هزار تومان ارزش دارد بدهیم و چند کیلو شیر گاو که قیمت آن مثلًا چند صد تومان می‌شود بگیریم و تا آن اندازه که به ما یاد داده‌اند این مسائل جنبه تعبّد صرف دارد، نظر حضرتعالی در این مورد چیست؟

جواب: اضافه وزن در جنس واحد جایز نیست و احتیاط در اشیایی که به یک ریشه برمی گردند، مانند روغن و پنیر و شیر، این است که با تفاوت وزن معامله نشود، بنابراین می‌توانند کره را مثلًا جداگانه بخرند و شیر را جداگانه بفروشند.

سؤال ۷۵۷- آیا شخصیّت حقیقی و حقوقی در ربا تفاوت ایجاد می‌کند؟

جواب: احتیاط واجب این است که فرقی میان این دو گذارده نشود.

سؤال ۷۵۸- آیا می‌توان دولت را در حکم پدر حساب کرد و در نتیجه ربا بین دولت و مردم جایز باشد؟

جواب: این تعبیر، یک تعبیر شاعرانه است و از نظر حکم شرع اثری ندارد.

سؤال ۷۵۹- در مسأله ۱۷۷۴ رساله توضیح المسائل فرموده‌اید: «پدر و فرزند می‌توانند به یکدیگر ربا بدهند» آیا منظور از فرزند، تنها پسر است، یا دختر هم می‌تواند از پدر ربا بگیرد؟ و از سوی دیگر آیا مادر هم می‌تواند از پسر و یا دختر و یا هر دو، ربا بگیرد، یا این حکم مخصوص پدر است؟

جواب: فرقی میان پسر و دختر نیست؛ ولی این حکم شامل مادر نمی‌شود.

۱۳- خریدوفروش حیوانات حرام گوشت

سؤال ۷۶۰- آیا فروش ماهیان و یا هر حیوان حرام گوشت (غیر از نجس العین)، جهت خوردن و یا منافع دیگر، به افرادی که اعتقاد به حلال و حرام نداشته و اصلًا

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۲۴۶

مسلمان نیستند جایز است؟

جواب: فروختن ماهیان حرام گوشت به غیر مسلمانان اشکالی ندارد، و فروختن ماهیان حرام گوشتی که منافع گسترده دیگری، مانند تغذیه طیور دارد، به مسلمانان نیز جایز است.

سؤال ۷۶۱- این جانب در صدد احداث یک واحد تولید، تکثیر و پرورش نوعی حشره خوراکی که دارای موادّ مفیدی است می‌باشم، این حشره خوراکی هم‌اکنون در کشور مکزیک تهیّه و کنسروش در بازار کشورهای دیگر به فروش می‌رسد و در آمریکا گرانترین همبرگر همین حشره در بازار به مصرف می‌رسد. البتّه حمل، تولید و زیست این حشره بر روی درختی به نام «یوکا» صورت می گیرد و هیچ‌گونه تماسّ با خاک یا مدفوع یا خون جهنده ندارد. نظر حضرتعالی در مورد تهیّه، خوردن و فروش آن چیست؟

جواب: خوردن غذایی که از این حشره تهیّه می‌شود از نظر شرع مقدّس اسلام جایز نیست؛ ولی تهیّه و فروختن آن به کسانی که آن را مجاز می‌دانند و از آن استفاده می کنند، شرعاً اشکالی ندارد.

مسائل عزاداری

سؤال ۷۶۲- شرایط افرادی که می‌توانند نقش ائمّه (علیهم السلام) را ایفا نمایند چیست؟

جواب: اگر در شبیه‌خوانی کسانی می‌خواهند در نقش آن بزرگواران ظاهر شوند، باید افراد مهذّب و پاک و خوشنامی باشند و چه

بهتر که آن بزرگواران بطور وضوح نشان داده نشوند.

سؤال ۷۶۳- آیا کسانی که در شبیه‌خوانی نقش کفّار را ایفا می‌کنند باید دارای شرایط خاصّی باشند؟ یا این که هر کس بدون قید و شرط می‌تواند در نقش کفّار باشد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۲۴۷

جواب: شرایط خاصّی برای آنها از این نظر نیست.

سؤال ۷۶۴- مرثیه‌خوانی و یا مدّاحی زنان با بلندگو، بطوری که هر شنونده‌ای را جذب می‌کند، چه صورت دارد؟

جواب: جایز نیست.

سؤال ۷۶۵- مراسم عزاداری امام حسین (علیه السلام) و سایر مجالس اسلامی در بسیاری از کشورها برپا می‌شود؛ ولی بعضی از این مراسم در این کشورها عجیب به نظر می‌رسد، از جمله زنجیرزنی و قمه‌زنی که باعث وهن اسلام و مسلمین نیز می‌شود. در این مورد به سؤالات زیر پاسخ فرمایید:

الف) بر سر و سینه زدن تا چه حدودی جایز است؟

جواب: عزاداری امام حسین (علیه السلام) از فضل قربات است؛ ولی بر مسلمانان واجب است که از هر چیزی که باعث وهن و بی‌حرمتی مسلمانان می‌شود، خودداری کنند.

ب) آیا برای مردان جایز است که در زمان عزاداری، بدنشان را برابر زنان برهنه کنند؟

جواب: احتیاط واجب آن است که مردان از این کار خودداری کنند؛ ولی مشاهده این صحنه‌ها از تلویزیون، در صورتی که مفسده خاصّی نداشته باشد، اشکالی ندارد.

ج) آیا جایز است به گونه‌ای بر سر و سینه بزنند که موجب جراحت و خونریزی شود و باعث نجس شدن خود و اطرافیان و زمین مسجد و یا حسینیّه گردد؟

جواب: لازم است به گونه‌ای باشد که منجر به جراحت و خونریزی نشود و مسجد نجس نگردد.

شیرازی، ناصر مکارم، استفتاءات جدید (مکارم)، ۳ جلد، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم - ایران، دوم، ۱۴۲۷ ه ق استفتاءات جدید (مکارم)؛ ج ۲، ص: ۲۴۷

د) آیا خونی که از بدن سینه‌زنان و عزاداران، به سبب قمه زدن و غیره، بیرون می‌آید، باعث تبرّک و شفای مریضها و زنهای عقیم و مانند آن می‌شود؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۲۴۸

جواب: این سخنان پایه و اساسی ندارد، و سزاوار است عزاداری به صورتی باشد که باعث هتك دین و مقدّسات نشود و عزاداران حسینی- علیهم رضوان اللّه و برکاته- از تفرقه و اختلاف دوری کنند و متّحد باشند.

سؤال ۷۶۶- در خصوص دسته‌جات عزاداری حضرت ابا عبد الله الحسین (علیه السلام)، مواردی رؤیت می‌شود که به نحوی مقدّمه فساد محسوب می‌شود و مردم به خاطر نگاه کردن به این دسته‌جات، مساجد را خالی گذاشته و بالطّبع اختلاط زن و مرد صورت گرفته و منجر به یک رشته مفاسد اجتماعی می‌گردد. نظر مبارك در مورد این قبیل مراسم چیست؟

جواب: مراسم عزاداری سیّد الشّهداء (علیه السلام) از بزرگترین شعائر دینی است و جلوی بسیاری از توطئه‌های دشمنان را می‌گیرد، و هرگز نباید تعطیل شود؛ ولی جلوی سوء استفاده‌ها را باید گرفت و باید به مردم گوشزد نمود که مساجد را خالی نگذارند و نماز جماعت را در مساجد به موقع فراموش نکنند، و بحمد اللّه در این سالها در مراسم عزای حسینی نماز جماعت احیا شده است.

سؤال ۷۶۷- از آنجا که احساس عزاداری اهل بیت (علیهم السلام) یک حالت روحی است و در هیچ جنبنده‌ای قابل کنترل نیست، جلوگیری از اجرای تعزیه، که نوعی عزاداری است، توسّط افراد غیر خوشنام، چه حکمی دارد؟

جواب: همان گونه که گفته شد اگر تعزیه‌خوانی مشتمل بر کار خلاف، مانند دروغ و هتک مقدّسات و مانند آن نباشد، شرعاً اشکالی ندارد.

سؤال ۷۶۸- در نسخه‌های تعزیه‌های موجود، گاهی الفاظ رکیک توسّط ایفاگر نقش معصوم (علیهم السلام) بر زبان جاری می‌شود، آیا چنین زبان حالی که دون مقام اهل بیت (علیهم السلام) امّا برازنده سپاه مخالفین است، تلفّظش مجاز است؟

جواب: باید تمام نسخه‌های موجود توسّط آگاهان بررسی شود و الفاظ رکیك و آنچه دون شأن امام است، از آن حذف گردد و به صورت معقول و متین درآید،

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۲۴۹

تا استفاده از آنها شرعاً مجاز باشد.

سؤال ۷۶۹- در اکثر مناطق حکومت‌های اسلامی (غیر از ایران) و غیر اسلامی، مردم متدیّن شیعه با مذاهب دیگر با هم زندگی می‌کنند و در ایّام محرّم، بالأخص روز عاشورا، متدیّنین مجالس سوگواری منعقد می‌کنند و نوجوانان با نوحه‌سرایی (بدون آهنگ غنا) سینه‌زنی و زنجیرزنی می‌کنند؛ در نتیجه از بدنشان گاهی خون جاری می‌شود، این حالت بر افراد و جامعه غیر شیعی اثر خوبی می‌گذارد و گاهی مایل به تشیّع هم می‌شوند، آیا در صورت حاصل شدن اثر مثبت و نتایج خوب، زنجیرزنی به شکل فوق جایز است؟

جواب: همان طور که بارها گفته‌ایم عزاداری خامس آل عبا (علیه السلام) از افضل قربات است؛ ولی نباید کاری کرد که بدن مجروح شود؛ برای بزرگداشت این شعائر از طرق بهتر استفاده کنید.

سؤال ۷۷۰- در ایّام عزاداری و شهادت ائمّه اطهار (علیهم السلام) هیأتهای عزاداری در کوچه و خیابان به عزاداری و ذکر مصایب اهل بیت عصمت و طهارت می‌پردازند و احیاناً عزاداران محترم صدماتی بر بدن خود وارد می‌کنند لطفاً بفرمایید:

الف) آیا اقامه این نوع عزاداری‌ها از نظر عقلی و شرعی بهتر است یا ترک آن؟

ب) آیا این نوع عزاداری‌ها زنده کردن شعائر الهی محسوب می‌شود، که خداوند ما را به آن دستور داده است، یا نوعی بدعت شمرده می‌شود؟

ج) در خلال این عزاداری‌ها اشعاری خوانده می‌شود که در ضمن آن مطالب اجتماعی و اعتقادی و مصالح مسلمین وجود دارد، آیا این کار اشکال شرعی دارد؟

د) آیا برای مؤمنین جایز است که به خاطر بعضی از فشارهای داخلی و خارجی، که هدفشان محو عزاداری اهل بیت (علیهم السلام) است، دست از عزاداری بردارند؟

و) آیا پدران حق دارند فرزندان را از شرکت در چنین مراسمی منع کنند؟

ه-) وظیفه علما در مقابل این هیأتهای عزاداری چیست؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۲۵۰

جواب: عزاداری سید الشّهداء، حسین بن علی (علیهما السلام)، از افضل قربات است و همچنین برپا داشتن هیأتهای عزاداری سیّار، مخصوصاً اگر مشتمل بر اشعاری باشد که مصالح اسلام و مسلمین در آن باشد و باید پدران و مادران فرزندان خود را تشویق کنند که در چنین مراسمی شرکت کنند و به وسوسه‌های دشمنان اسلام یا کسانی که اطّلاع کافی از این امور ندارند توجّه نکنند، در عین حال سعی کنند بر بدن جراحتی وارد نشود و کاری که موجب وهن مذهب است انجام ندهند. خداوند همه ما را در این راه پرفیض

موفّق دارد.

شرایط خریدار و فروشنده

سؤال ۷۷۱- پدرم پس از سکته مغزی و بستری شدن در بیمارستان، پس از دو روز بیهوشی از مرگ نجات یافته و از بیمارستان مرخّص شد. نامبرده که در حال صحّت جسمی و فکری کامل نبود بنا به توصیه یک نفر، ملک خود را بین پسر و دختر علی‌السّویه تقسیم کرد و این تقسیم به خاطر دریافت سند عادی از ثبت اسناد به صورت خریدوفروش نوشته شده، بدین گونه که فروشنده پدرم و خریدار هر یک از فرزندان هستند؛ ولی در واقع هیچ گونه مبادله‌ای صورت نگرفته و از طرف خریداران هیچ مبلغی پرداخت نشده و قبض و اقباضی صورت نگرفته است، لطفاً در این باره به پرسشهای زیر پاسخ دهید:

الف) آیا شخص مذکور با چنین حال مزاجی، که در اثر سکته مغزی قسمتی از مغزش از کار افتاده، می‌تواند شخصاً به نقل و انتقال مالی دست بزند؟

جواب: اگر این مقدار از بیماری موجب اختلال در عقل او نشده باشد، نقل و انتقالات او اشکال ندارد، و فلج شدن بدن ارتباطی به اختلال فکری ندارد.

ب) آیا تقسیم مزبور در تمام مال نافذ است، یا نسبت به ثلث مال نافذ می‌باشد؟

جواب: هرگاه واقعاً بیمار بوده و بیماری‌اش سرانجام سبب مرگ او شده،

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۲۵۱

تصرّفات او که شکل بخشش داشته باشد، تنها در یک سوّم مال نافذ است بنابر احتیاط واجب، و اگر بیمار نباشد و یا آن بیماری سبب مرگ او نشود، تصرّفات او بطور کامل جایز است؛ مشروط بر این که در صورت بخشش آن را تحویل دهد.

ج) آیا نوشتن قرارداد بیع بدون نقل و انتقال مالی و یا ردّ و بدل اسناد، صحیح است؟

جواب: اگر قرارداد معامله را بنویسند و امضا کنند و پول آن را نقداً بپردازند یا در ذمّه باشد مانعی ندارد و همچنین اگر قرائنی باشد که منظور از بیع هبه است آن هم مانعی ندارد، ولی باید ملک را تحویل طرف بدهد.

سؤال ۷۷۲- همان طور که در رساله و استفتائات جلد اوّل حضرتعالی آمده، معامله با طفل نابالغ اشکال دارد، مگر این که طرف معامله در واقع ولیّ طفل باشد، یا این که یقین به رضایت ولیّ طفل حاصل شود، حال اگر هیچ یک از دو مورد بالا محرز نشود معامله با چنین بچّه‌هایی، که در سطح جامعه فراوان هستند چه حکمی دارد؟

جواب: این گونه معاملات باطل است و باید مؤمنان از آن پرهیز کنند.

معامله نقد و نسیه

سؤال ۷۷۳- شخصی در مغازه‌ای حساب دارد و ماهیانه حسابش را به صاحب مغازه می‌پردازد، اگر صاحب مغازه مبلغی زیادتر از حسابش از ایشان بگیرد، بدون این که طرف بفهمد، چطور است؟

جواب: تفاوت قیمت فروش نقد و نسیه اشکالی ندارد، ولی باید به طرف مقابل گفته شود که جنس را نقداً به فلان قیمت و نسیه را به قیمت بیشتری می‌فروشم.

سؤال ۷۷۴- این جانب می‌خواهم منزل یا زمینی را نقداً قولنامه نمایم و به شخص دیگری به قیمت گرانتر در مقابل چک مدّت‌دار بفروشم، این معامله چه حکمی دارد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۲۵۲

جواب: اگر هر دو معامله به صورت قطعی و جدّی با شرایط انجام گیرد اشکالی ندارد.

سؤال ۷۷۵- فروش جنس قبل از تحویل گرفتن چه صورتی دارد؟

جواب: جنسی را که سلف خریده‌اند نمی‌توانند پیش از رسیدن مدّت به دیگری بفروشند؛ ولی فروختن آن بعد از رسیدن مدّت، هرچند آن را تحویل نگرفته باشند، بی‌مانع است.

سؤال ۷۷۶- در خریدوفروش و تفاوت نقد و نسیه نیاز به محاسبه قیمت بر اساس بازار می‌باشد، آیا این گونه محاسبات صحیح است؟

جواب: در صورتی که بعد از محاسبه، قیمت را یک جا حساب کنند؛ مثلًا بگویند: «نقد این مبلغ و نسیه این مبلغ» و مشتری یکی را انتخاب نماید، اشکالی ندارد.

خریدوفروش طلا و نقره

سؤال ۷۷۷- طلافروش‌ها در خریدوفروش طلا به مقداری که طلا می‌فروشند به همان مقدار در عوض، طلا به اضافه مبلغی اجرت می‌گیرند و در صورتی که معامله به صورت نسیه یا مدّت‌دار باشد مبلغ اجرت را بیشتر می‌گیرند، این گونه معامله چه صورت دارد؟

جواب: هرگاه طلا را در مقابل طلای هموزن بدهند و چیزی به عنوان اجرت بگیرند جایز نیست؛ مگر این که به صورت دو معامله جداگانه انجام شود، طلای اوّل را به قیمت معیّن بخرد و طلای ساخته دوّم را به قیمت بالاتر بفروشد.

سؤال ۷۷۸- شخصی به یکی از دوستانش مبلغی پول می‌دهد که آن را به قیمت طلاـ حساب کند. و این عمل صرفاً به لحاظ جلوگیری از احتمال تنزّل ارزش ریال بوده است؛ توضیح این که گیرنده وجه طلافروش نبوده و فاقد هرگونه طلا می‌باشد،

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۲۵۳

آیا تغییر و تبدیل صوری پول به طلا شرعاً جایز است؟

جواب: هرگاه نرخ روز طلا معلوم بوده و آن وجوه ریالی با طلا محاسبه و از او طلا خریده است بر فروشنده واجب است همان طلا را بپردازد، و اگر معامله صوری بوده اعتباری ندارد.

سؤال ۷۷۹- مادری به رحمت خدا رفته و خانه‌ای از خود به ارث گذاشته است، یکی از ورّاث قرار گذاشته که سهم دیگران را به نرخ عادلانه بخرد، حق السّهم بعضی را بطور کامل و بعضی دیگر را بطور ناقص پرداخت نموده است؛ ولی در موقع تحویل ملک و انتقال سند مالکیّت، شهرداری اعلام عقب‌نشینی نموده است، در حالی که هیچ کدام از ورّاث، اعم از خریدار و فروشنده، از عقب‌نشینی مطّلع نبوده‌اند. آیا مبیع معیوب حساب می‌شود؟

جواب: چنانچه مسأله عقب‌نشینی قبل از خرید سهام بقیّه ورثه در برنامه بوده و از آن آگاهی نداشته عیب محسوب می‌شود و خریدار می‌تواند فسخ کند.

سؤال ۷۸۰- در صورتی که مشتری تمام قیمت مبیع (کالا) را نپردازد، آیا فروشنده حقّ فسخ دارد؟ و در صورتی که در هبه معوّضه مقداری از عوض پرداخته نشود، آیا واهب حقّ فسخ دارد؟

جواب: در بیع خیار فسخ ندارد؛ ولی می‌تواند حقّ خود را مطالبه کند و همچنین در هبه معوّضه، بنا بر احتیاط واجب.

سؤال ۷۸۱- شخصی گاوی را جهت کشتن و استفاده از گوشت آن خریده و ثمن آن را نقداً پرداخت کرده است، پس از مراجعه به کشتارگاه و ذبح حیوان، دامپزشک اعلام می‌نماید که گاو مریض بوده و قابل مصرف نیست و باید سوزانده شود، با توجّه به نظریّه دامپزشک، آیا معامله صحیح می‌باشد، یا از اصل باطل بوده است؟

جواب: اگر بیماری حیوان در واقع طوری بوده که در زمان فروش، حیوان هیچ ارزشی نداشته، مثلًا قابل معالجه نبوده، در چنین

صورتی می‌تواند تمام وجه را

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۲۵۴

بازپس بگیرد، ولی اگر با علم به بیماری مخصوص، خریدارانی برای حیوان پیدا می‌شده، مشتری می‌تواند تنها تفاوت بین سالم و معیوب را بگیرد.

سؤال ۷۸۲- اگر شخصی چند سال قبل از فوت خود، شفاهاً در نزد برادران و افرادی از اقربای نسبی (بنا بر اظهار اقربای نسبی) اقرار به فروش نصف سرقفلی مغازه‌ای به شریک خود، که برادرش می‌باشد، نماید و خریدار (صاحب نصف دیگر سرقفلی) ظرف چهار سال نسبت به پرداخت ثمن اقدام ننماید و پس از سپری شدن دو سال دیگر از تاریخ فوت فروشنده، خریدار ثمن مورد معامله را به قیّم صغیر (همسر برادر متوفّایش) پرداخت نماید:

الف) آیا معامله نافذ است یا باطل بوده و نیاز به تنفیذ صغیر (ورثه) دارد؟

ب) شهادت اقربای نسبی در این خصوص اعتباری دارد؟

جواب: اگر شهود عادل باشند و متّهم نباشند شهادتشان قبول است؛ ولی تخلّف از شرایط عقد برای ورثه حقّ فسخ می‌آورد، و اگر مصلحت صغیر باشد می‌توانند بلکه لازم است فسخ کنند.

سؤال ۷۸۳- این جانبه با جهل به ارزش خانه خود، اقدام به فروش آن کردم، بنگاه معاملات در قولنامه جمله "اسقاط کلیّهء خیارات "را قید کرده و من معنا و مفهوم آن را نمی‌دانستم، بعد از امضای سند متوجّه شدم که خانه را خیلی پایین تر از قیمت و ارزش واقعی آن فروخته ام، بدین جهت انصراف خود را به خریدار اعلام و معامله را فسخ نمودم، خواهشمندم بفرمائید: آیا این جانبه حقّ فسخ معامله را دارم؟

جواب: اگر نمی‌دانسته‌اید و مغبون شده‌اید حقّ فسخ معامله را دارید؛ ولی با توجّه به این که پای سند را امضا کرده‌اید، باید ثابت کنید که نمی‌دانسته‌اید و الّا از شما پذیرفته نمی‌شود.

شرایط مجاز و غیر مجاز در معاملات

سؤال ۷۸۴- اگر پدری تمام دارایی، یا عمارت مسکونی‌اش را به فرزند خود

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۲۵۵

بفروشد، مشروط بر این که مادام الحیاة در حیطه تصرّف خودش باشد آیا جایز است؟ در صورت جواز اگر در حیات پدر، فرزند فوت کند آیا بیع به قوّت خود باقی است، یا فسخ می‌شود؟

جواب: بیع مزبور صحیح بوده و آن اموال با همان شرایط به ورثه آن مرحوم منتقل می‌شود و پدر مادام الحیاة فقط حقّ تصرّف در منافع را دارد.

سؤال ۷۸۵- لطفاً بفرمایید آیا شرایط ذیل که خریدار و فروشنده در ضمن عقد خارج لازم متعهّد گردیده‌اند، لازم‌الاجراست؟

الف) در ظرف مدّت حدّ اکثر ۸۰ روز از تاریخ این مبایعه‌نامه، در دفترخانه رسمی حاضر و سند به نام خریدار تنظیم و تحویل گردد.

ب) چنانچه بند «الف» رأس مدّت مقرّر به اجرا در نیاید شخصِ مقصِّر موظّف است بیست و پنج درصد از بهای مورد معامله را به عنوان خسارت به طرف دیگر پرداخت نماید.

ج) کشف هرگونه فساد تا تاریخ تنظیم سند و تحویل ملک مورد معامله به عهده فروشنده می‌باشد.

د) کلیّه هزینه‌ها و مخارج مربوط به انتقال سند به عهده فروشنده می‌باشد؛ مگر هزینه حقّ الثّبت که به عهده طرفین می‌باشد.

ه‍-) کلّیه خیارات، حتّی خیار غبن فاحش بل افحش، از طرفین ساقط شده است

ضمناً فروشنده متعهّد گردید که اگر در موعد مقرّر اقدام به تخلیه ننماید و یا در موعد مقرّر در بند «الف» در محضر حاضر نگردد روزانه مبلغ پانصد هزار ریال تحت عنوان خسارت به خریدار پرداخت نماید.

جواب: شرایط مزبور کلًّا صحیح و لازم الاجراست.

سؤال ۷۸۶- شخصی با اذن مالک در زمین او چهار واحد آپارتمانی احداث می‌کند، قبل از احداث آپارتمانها تعهّد می‌کند یک واحد از چهار واحد مذکور را

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۲۵۶

متری ۱۵۰۰۰ تومان در سهم مالک زمین قرار دهد، در زمان این تعهّد هنوز هیچ کدام از واحدها احداث نشده و اوصاف کمّی و کیفی آپارتمان (که تعهّد به تحویل آن شده است) نزد طرفین معلوم نبوده و طرفین از وضعیّت ظاهری بنای داخلی ساختمان و مساحت آن هیچ‌گونه اطّلاعی نداشته‌اند و نیز معیّن نبوده که کدام یک از چهار واحد آپارتمان در سهم مالک زمین قرار می‌گیرد، حال آیا (تعهّد به تحویل یک واحد آپارتمان) صحیح و لازم‌الوفاست، یا این تعهّد از مصادیق معاملات و تعهّدات غرری است؟

جواب: این تعهّد باطل است و صاحب زمین می‌تواند معامله را فسخ کند؛ مگر این که نمونه آپارتمان در نظر طرفین معلوم باشد که در این صورت معامله صحیح است.

سؤال ۷۸۷- آیا معامله زیر، با توجّه به بعضی از بندهای قولنامه که مذکور است، و با توجّه به اشکالاتی که مطرح شده، صحیح است؟

الف) طبق عبارت بند دوّم قرارداد «معامله قطعی بانک منوط به تصویب کمیسیون معاملات عمده بانک است» یعنی مفهوماً و ظاهراً عقد معلّق است. و در فقه امامیّه طبق قول مشهور، جزم در عقد معتبر است و تعلیق منافات با جزم دارد.

ب) طبق مادّه دوّم، که در بالا آمده، آیا جایز است در عقد معلّق متعاملین شرط کنند که هر دو یا یکی از آنها با ثالثی مشورت کنند، اگر آن شخص مصلحت دید، معامله باقی و الّا بر هم خورد؟

ج) به علّت نداشتن مدّت در بند دوّم قرارداد، آیا رعایت توالی ایجاب و قبول غیر ممکن است.

د) ثمن و مثمن از تاریخ تنظیم قرارداد تبادل نشده و قبض و اقباض به عمل نیامده است.

جواب: پاسخ تمام سؤالات به شرح زیر است:

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۲۵۷

بعضی از تعبیرات این قرارداد حکایت از تعلیق در انشا می‌کند که موجب بطلان این معامله است و بعضی حکایت از نوعی بیع خیاری دارد و در مجموع احراز صحّت چنین معامله‌ای میسّر نیست و اصالهٔ الفساد حاکم است؛ مگر این که بعد از موافقت بانک قبض و اقباض هرچند در ثمن یا مثمن حاصل شود، در غیر این صورت معامله مزبور اعتباری ندارد.

مسائل متفرّقه بیع

سؤال ۷۸۸- آیا احتکار از نظر شرع مقدّس اسلام حرام است یا مکروه؟

جواب: احتکار در مواردی حرام و در مواردی مکروه است.

سؤال ۷۸۹- آیا موضوع احتکار تنها منحصر به کالاهای مذکور در روایات می‌باشد، یا این که شامل تمام نیازمندیهای مردم است؟

جواب: احتیاط واجب آن است که در تمام اجناس ضروری برای زندگی مردم، احتکار ترک شود.

سؤال ۷۹۰- شخصی آرایشگاه زنانه دارد، خانمی را آرایش می‌کند، آن خانم با آن وضع خاصّ در اجتماع رفت و آمد می‌کند، با

توجّه به این مطلب، پولی که آرایشگر دریافت می‌کند چه حکمی دارد؟

جواب: آرایشگر اگر زن باشد گناهی ندارد و آنچه را که دریافت می‌کند حلال است؛ لکن آن خانم که خود را در معرض دید نامحرمان قرار می‌دهد گناهکار است.

سؤال ۷۹۱- شخصی شش دانگ یک قطعه زمین را که دارای سند ثبتی به مساحت یکصد و نود متر مربع می‌باشد خریداری نموده است، هنگام معامله شهرداری ابراز داشته که این زمین چهل متر عقب‌نشینی دارد و خریدار قبول کرده است، بعد از آن تمام شش دانگ زمین به نام خریدار در محضر سند زده شده است،

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۲۵۸

ولی در طرح تفصیلی جدید شهرداری، ۴۰ متر مربع عقب‌نشینی از بین رفته است، آیا خریدار نسبت به فروشنده چیزی بدهکار است؟

جواب: چنانچه قانون بعد از معامله عوض شده فروشنده حقّی ندارد و اگر قبلًا عوض شده و آنها نمی‌دانسته‌اند احتیاط واجب آن است که خریدار فروشنده را راضی کند.

سؤال ۷۹۲- این جانب یک طبقه از ملک خود را با شخصی قولنامه نمودم؛ ولی بعداً متوجّه شدم خریدار بهایی است، آیا از نظر شرع مقدّس اسلام این معامله جایز است؟

جواب: با شخص مزبور معامله نکنید؛ زیرا معامله با او اشکال دارد.

سؤال ۷۹۳- معامله‌ای انجام می‌شود و در یکی از بندهای قولنامه این معامله عبارت ذیل آمده است: «چنانچه فروشنده مایل به قیمت‌گذاری مجدّد باشد، قبل از انتقال سند توسّط کارشناس دادگستری، کارشناسی انجام می‌شود و ما به التّفاوت از مبلغ مورد معامله محاسبه می‌گردد و هزینه کارشناسی به عهده فروشنده است»، حکم این معامله چیست؟

جواب: با توجّه به این که معامله از نظر قیمت قطعی نشده، زیرا اجازه کارشناسی مجدّد داده شده است، معامله مزبور باطل است.

سؤال ۷۹۴- تعاونی مسکن فرهنگیان سالهاست که جهت کارمندان فرهنگی بدون مسکن و زمین به صورت اسم‌نویسی و اخذ وجهی علی الحساب و سپس اجرای قرعه‌کشی، مبادرت به فروش زمین به این کارمندان می‌نماید، اخوی این جانب که زمین و خانه‌ای نداشت نیز در سال ۱۳۷۲ با واریز مبلغ پنجاه هزار تومان اسم‌نویسی نمود، ولی در سال ۷۴ مسکنی خریداری کرد که حدود یک میلیون تومان آن را بدهکار می‌شود، سپس در سال ۱۳۷۵ به رحمت ایزدی می‌پیوندد، اکنون که این جانب به تعاونی مسکن مراجعه نمودم مرسوم چنین است که جهت تحویل زمین

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۲۵۹

باید سوگندنامه‌ای مبنی بر نداشتن خانه و یا زمین نیز کامل نمود، بنده داشتن مسکن اخوی را به مسئولین تعاونی اطّلاع داده و آنها چنین گفتند: «در هنگام اسم‌نویسی اخوی شما چنین سوگندنامه‌ای نبوده است، حال برای این که حقّ بچّه‌های آن مرحوم ضایع نشود می‌توانید با اجازه یکی از مراجع معظّم تقلید، بقیّه پول را واریز کرده و زمین را تحویل بگیرید». از حضرتعالی استدعا می‌نمایم نظر مبارک خویش را در این مورد مرقوم فرمایید.

جواب: چنانچه از نظر مسئولین تعاونی مشکلی نداشته باشد مجاز هستید این کار را بکنید؛ ولی هرگز سوگند دروغ نخورید.

سؤال ۷۹۵- شخصی باغ خود را به دیگری می‌فروشد، خریدار با تظاهر به این که متموّل و متمکّن می‌باشد بیش از نصف بهای مورد معامله را به صورت چکی که فاقد تاریخ بوده است به فروشنده تسلیم می‌دارد، سپس بین متعاملین در خصوص زمان چک اختلاف به وجود می‌آید و خریدار از تأمین وجه چک خودداری می‌نماید، حتّی پس از دو سال، که فروشنده خودش تاریخ روی چک را می‌نویسد و به بانک مراجعه می‌کند، چک به علّت نبودن وجه برگشت می‌خورد و بانک گواهی کرده که خریدار به جز

چند تومانی در این مدّت پول در حساب نداشته است.

الف) آیا چنین معامله‌ای باطل است؟

جواب: اگر زمان پرداخت چك را تعیین نكرده و لفظاً نیز توافقی بر آن نشده، معامله مزبور صحیح نیست.

ب) برای فروشنده چه حقّی از جهت رفع ضرر وجود دارد؟ آیا اصولًا چك بدون تاریخ در معاملات شرعاً ثمن محسوب می‌شود؟

جواب: چك در هر حال حواله است و معامله در صورتی صحیح است كه یا بطور نقد باشد و یا نسیه با تعیین زمان، و چك تا تاریخ آن معیّن نباشد برای معامله كفایت نمی‌كند. و اگر آگاهانه اقدام به ضرر خود كرده است قابل جبران نیست.

استفتاءات جدید (مكارم)، ج۲، ص: ۲۶۰

سؤال ۷۹۶- در مورد بیع فضولی كه فرموده‌اید: «بایع اگر بدون اجازه مبیع را به تصرّف مشتری دهد مستحقّ تعزیر است» دو نكته قابل تأمّل است:

اوّل این كه بیع ممكن است به توقّع اجازه، نه با سوء نیّت و كلاهبرداری باشد و بدیهی است كه عام، دلیل بر خاص نیست، همان طور كه در نكول منكر از یمین، به محض نكول حكم نمی‌شود؛ چون ممكن است به سبب اجلال ذات اقدس حق باشد.

دوّم این كه به قول اكثر فقها بیع رأساً هم باطل نیست. لطفاً در این دو مورد توضیح بفرمایید.

جواب: تحویل دادن اموال مردم به دیگران بدون وكالت یا بیع قطعی جایز نیست، هر كس این كار را بكند مرتكب گناه كبیره شده، هرچند به توقّع اجازه بوده باشد. و هر گناه كبیره‌ای تعزیر دارد و بیع فضولی صورت بیع است، نه حقیقت بیع. و به تعبیر دیگر، مانند جسم بی‌روح است، و اگر كسانی می‌گویند باطل نیست یعنی قابلیّت دارد كه این جسم بی‌روح با اجازه، روح پیدا كند.

سؤال ۷۹۷- شخصی زمینی را كه در آن مقداری درخت میوه و غیر میوه می‌باشد فروخته است؛ ولی در معامله، درختها ذكر نشده است، فروشنده می‌گوید: «درختها را نفروختم و خریدار عدواناً متصرّف شده است»، با توجّه به این مقدّمه بفرمایید:

الف) آیا فروش زمین، درخت‌ها را هم شامل می‌شود؟

جواب: اگر در عرف محل اشجار تابع زمین است و زمین را بدون اشجار نمی‌فروشند، آنها متعلّق به خریدار می‌باشد.

ب) آیا مالك جدید زمین می‌تواند اشجار مذكور را قطع كند؟

جواب: در فرض مذكور قطع آنها جایز است.

ج) طبق عرف آن منطقه باید درختها در معامله، ذكر شده باشد و الّا معامله شامل آنها نمی‌شود، در این صورت حكم مسأله چیست؟

جواب: عرف محل كه به وسیله افراد اهل اطّلاع و خبره شناخته می‌شود معیار اصلی است.

استفتاءات جدید (مكارم)، ج۲، ص: ۲۶۱

سؤال ۷۹۸- اگر كسی مسئول فروش وسایل بیت المال باشد و وسیله‌ای از بیت المال را بدون پرداخت پول آن بردارد و بعد از مدّتی پشیمان شود و قصد كند پول آن را به سازمان بپردازد و قبل از پرداخت قیمت، آن را هدیه دهد چه حكمی دارد؟

جواب: چنانچه مجاز بوده كه به هر كس طبق قیمت عادله بفروشد می‌تواند آن جنس را به قیمت عادله به خودش بفروشد و هنگامی كه قیمت را پرداخت، هدیه‌ای كه داده است اشكالی ندارد.

سؤال ۷۹۹- با توجّه به این كه سرمایه شركت‌های سهامی به تعدادی سهام تقسیم می‌شود و مسئولیّت صاحبان سهام، محدود به مبلغ اسمی آنهاست و از جمله حقوق صاحبان سهم عبارت است از:

الف) تقسیم منابع به نسبت تعداد سهام بین سهامداران.

ب) اداره شركت، افزایش سرمایه، انحلال و غیره بر اساس موادّ اساسنامه‌ای است كه قبلًا چگونگی آنها مشخّص شده و معمولًا بر

مبنای اکثریّت آرای سهامداران (که هر سهامداری به تعداد سهامش دارای رأی است) تصمیم‌گیری می‌نمایند.

خریدوفروش سهام این شرکت‌ها به شرح فوق چگونه است؟

جواب: چنانچه با علم و آگاهی، شرایط فوق را پذیرفته‌اند و شرکت کار مشروعی را انجام می‌دهد، مانعی دارد.

سؤال ۸۰۰- فروش یک ملک به صورت زمانی به چند نفر چه حکمی دارد؟ (مثلًا ملک یا خانه‌ای در مشهد به چهار نفر فروخته شود تا این ملک در هر فصل از سال در اختیار مالک همان فصل باشد که خودش استفاده کند یا اجاره دهد).

جواب: این کار جایز نیست؛ ولی اگر به صورت اجاره مادام العمر و در فصل معیّنی از سال یا ماه معیّنی باشد صحّت آن بعید نیست.

سؤال ۸۰۱- مدارهای ماهواره‌ای در سازمانی معیّن به کشورها اختصاص می‌یابد که بعد از واگذاری آن کشور می‌تواند ماهواره‌های خود- اعم از خودساخته، خریده،

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۲۶۲

یا استیجاری- را در آن مدارها قرار دهد. حقّ استفاده یک کشور از این مدارها به نحو مالکیّت است یا حقّ انتفاع؟

جواب: اگر این کار در عرف عقلا نوعی حقّ مالکیّت محسوب شود، هر چند این حق ناشی از توافق بین المللی باشد، خریدوفروش و اجاره یا وقف آن جایز است.

سؤال ۸۰۲- اگر شخصی مالی را به عنوان مال خودش به دیگری با سند عادی بفروشد و بعداً به جهت تعهّدی که با شخص ثالثی داشته، همان مال را با سند رسمی به شخص ثالث انتقال دهد کدام یک از دو معامله فوق شرعاً صحیح است؟

جواب: معامله اوّل صحیح و دوّمی باطل است.

سؤال ۸۰۳- شخصی چک بانکی که به نام حامل است به کاسبی می‌دهد، کاسب هم به اعتبار کلمه حامل، که شامل همه افراد است، به مبلغ چک، جنس می‌دهد و بعد که برای وصول وجه به بانک مراجعه می‌کند معلوم می‌شود که چک مزبور مسروقه است، آیا صاحب جنس می‌تواند از صاحب اصلی چک وجه را بگیرد؟

جواب: اگر چک مسروقه بوده، باید آن را به صاحبش برگرداند، و پول خود را از مشتری مطالبه کند.

سؤال ۸۰۴- فروشنده‌ای هستم که کالایم را به صورت متر مربّع می‌فروشم. چنانچه خریداری قادر به پرداخت کل، یا قسمتی از ثمن نباشد ناچار باید مبلغی گرانتر بفروشم. بدین جهت به خریدار می‌گویم: «در صورت نسیه، متر مربّعی فلان ریال در روز باید گرانتر خریداری نمایی و اگر قبل از سررسید، نسبت به پرداخت بدهی خود اقدام کنی؛ مبلغی که گران خریده‌ای به همان صورت در مدّت باقیمانده محاسبه و برگشت داده خواهد شد». چنانچه تأخیری در بدهی روی دهد، هیچ گونه وجهی بابت دیرکرد دریافت نمی‌شود، از آنجا که برخی از مشتری‌ها در این گونه خرید، احتیاط می‌نمایند. نظر مبارک خود را مرقوم فرمایید؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۲۶۳

جواب: اگر این معامله به صورت مبهم و بدون تعیین قیمت و زمان پرداخت صورت بگیرد، باطل است. تنها راه صحّت آن این است که تاریخ و زمان پرداخت، به هر مبلغ که می‌خواهند، برای معامله تعیین کنند و قرارداد طبق آن صورت گیرد، سپس بگویند اگر زودتر از آن، مبلغ را پرداختی فلان مقدار تخفیف می‌دهیم، در این صورت معامله صحیح است؛ ولی اگر مبهم بگذارند معامله صحیح نیست.

سؤال ۸۰۵- مواردی که شخص، فرش خود را با قیمت مشخّص شده جهت فروش بطور امانت به شرکتی تحویل می‌دهد و آن شرکت ممکن است فرش را بیشتر از قیمت مشخّص شده به فروش برساند، مقدار اضافه بر قیمت معیّن، حقّ صاحب مال است، یا حقّ شرکتی که فرش را فروخته است؟

جواب: در صورتی که فرش به صورت امانت باشد، قیمت اضافی متعلّق به صاحب فرش است.

سؤال ۸۰۶- فرشی که به صورت امانت و با قیمت مشخّص در اختیار یک شرکت قرار می‌گیرد، و صاحب مال شرط می‌کند که هرگونه سانحه‌ای بر عهده شرکت می‌باشد، اگر شرکت فرش را به قیمت بیشتر بفروشد، با توجّه به شرط فوق، اضافه از قیمت حقّ چه کسی است؟

جواب: در صورتی که به شکل امانت باشد مبلغ اضافی متعلّق به صاحب فرش است؛ مگر این که مسئولین شرکت هنگام امانتگذاری تصریح کنند که مبلغ اضافه از آنِ آنها می‌باشد.

سؤال ۸۰۷- بعضی از بنگاهها اجباراً مقداری از پول فروشنده را نگه می‌دارند. آیا از نظر شرعی این کار صحیح است؟

جواب: نگه داشتن پول فروشنده جایز نیست؛ مگر این که قراردادی در بین باشد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۲۶۴

سؤال ۸۰۸- آیا قولنامه سند معتبری است و مورد اختلاف را به نفع صاحب قولنامه اثبات می‌کند؟

جواب: قولنامه هرگاه به صورت بیع قطعی بوده باشد و طرفین آن را امضا کرده باشند، شرعاً و عرفاً سند معتبری محسوب می‌شود.

سؤال ۸۰۹- شخصی، که دارای ۵۰۰ هزار تومان پول نقد بوده، سکته مغزی می‌نماید و در مشاعر و حواسّ او اختلال پیش می‌آید بطوری که عملًا سفیه شرعی محسوب و محجور می‌گردد؛ همسر و یکی از فرزندان او تصمیم می‌گیرند خانه‌ای با همان پول خریداری کنند و سند رسمی آن را به نام یکی از فرزندان دیگر ثبت کنند، تا این فرزندی که در سنّ ازدواج بوده در آن سکونت نماید؛ قابل توجّه این که شخص محجور، ولیّ خاصّی ندارد و همسر و فرزندان او نیز از طرف حاکم شرع یا به حکم قانون قیّم او نیستند، و از طرف دیگر هیچ یک از همسر و دو فرزند مذکور قصد تملّک و خرید خانه برای خود نداشته و قصد قرض گرفتن پول را نیز نداشته‌اند، لطفاً بفرمایید:

الف) شرعاً چه کسی مالک آن خانه است؟

جواب: چنانچه خانه را با پول پدر گرفته‌اند و او در آن زمان محجور بوده است، معامله باطل است؛ مگر این که قیّم شرعی آن را اجازه دهد، در این صورت خانه تعلّق به پدر دارد.

ب) فرزندی که در آن منزل سکونت کرده و سند به نام اوست، مخارجی در آن منزل نموده است، اگر قرار باشد مخارج به او داده شود، باید همان مبلغی را که آن زمان خرج نموده به او داده شود؟ یا با قدرت خرید و نرخ امروز محاسبه شود؟

جواب: هزینه‌هایی که آن فرزند در آن منزل کرده از کیسه خود او رفته است و اگر چیزهای قابل انتقالی، مانند کابینت و امثال آن باشد، متعلّق به خود اوست.

سؤال ۸۱۰- پسر بچّه‌ای پنج‌ساله، مادرش را از دست می‌دهد. اموال مادر بین

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۲۶۵

تمام ورّاث تقسیم می‌گردد، شش دانگ خانه بدون استثنا در سهم این پسربچّه می‌شود و پدر بچّه خانه را بلافاصله به قیمت نازل می‌فروشد، آیا معامله فوق صحیح است؟

جواب: اگر فروش آن منزل در آن زمان و به آن قیمت، به مصلحت صغیر نبوده، معامله باطل است و باید بازگردانده شود و اگر خریدار بی‌اطّلاع بوده و خسارتی به او رسیده، فروشنده یعنی پدر باید خسارت او را هم جبران کند.

سؤال ۸۱۱- آیا ثبت نام و خریداری ماشین از شرکتهای ماشین‌سازی با شرایط ذیل جایز است؟

الف) تحویل گرفتن ماشین در شش ماه یا یک سال آینده صورت می‌گیرد.

ب) اگر از موعد مقرّر تخلّف شود، مبلغی به عنوان دیرکرد پرداخت می‌شود.

ج) قیمت ماشین در بازار آزاد در موقع تحویل از مقداری که از مشتری در موقع ثبت نام گرفته شده بیشتر است و تخفیفی هم به او

می‌دهند.

جواب: معامله مزبور به خاطر معلوم نبودن قیمت و زمان تحویل جنس باطل است و سود آن پول رباست؛ مگر این که سود به عنوان مضاربه باشد و قطعی شدن معامله در زمان تحویل صورت گیرد.

سؤال ۸۱۲- خرید، فروش، و نگهداری عکسها، مجلّات، نوار و فیلمهای مبتذل چه حکمی دارد؟

جواب: نگهداری و خریدوفروش و مشاهده عکس‌ها و مجلّات و فیلمهایی که مایه فساد است جایز نیست، و به یقین این گونه امور از دامهای استعمار برای درهم کوبیدن مقاومت دینی مسلمین، مخصوصاً نسل جوان آنهاست، باید کاملًا مراقب باشند.

سؤال ۸۱۳- آیا مسئولین صندوق قرض الحسنه می‌توانند با پولی که در صندوق است بدون گرفتن وکالت از اعضا (افرادی که پول را به عنوان قرض الحسنه به

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۲۶۶

صندوق می‌دهند) کار کنند؟ جواب در دو صورت زیر چگونه است؟

الف) سود حاصل صرف صندوق اعمّ از وام و خرید لوازم شود.

ب) سود حاصل برای عاملین بماند.

جواب: بدون اجازه گرفتن جایز نیست، و اگر در شرایط باز کردن حساب به این مسأله تصریح شده باشد که بخشی از وجوه قرض الحسنه مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد و از آن به نفع صندوق استفاده می‌شود کافی است؛ ولی به نفع اشخاص معنا ندارد.

سؤال ۸۱۴- سازمانهایی که متکفّل امر مسکن هستند قبل از ساختن خانه یا آپارتمان پول آن را از متقاضیان می‌گیرند، با توجّه به این که مسکن برای خریدار معیّن و معلوم نیست، آیا دریافت پول و پیش‌فروش کردن مسکن شرعاً صحیح است؟

جواب: چنانچه صفات و خصوصیّات خانه را که تأثیر در زیادی و کمی قیمت دارد معیّن کنند جایز است، و اگر مبهم باشد جایز نیست.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۲۶۷

فصل هجدهم: احکام شرکت

سؤال ۸۱۵- منزلی بین دو نفر مشترک بوده، یکی از شرکا بدون رضایت شریک دیگر سه دانگ خانه خود را به دیگری می‌فروشد، آیا به خاطر راضی نبودن شریک، نماز شخصی که سه دانگ خانه را خریده و در آنجا سکونت دارد باطل است؟

جواب: معامله مزبور صحیح است؛ ولی شریک حق دارد آن را فسخ کند و خودش بردارد و ثمن معامله را بپردازد. و تا تکلیف شریک روشن نشود نماز در آن جایز نیست.

سؤال ۸۱۶- یک قطعه زمین به نام پدر بنده و پدر شخصی به نام سیّد علی ثبت شده است و یک اصله خرما به صورت خودرو در این زمین روییده و مدّت چند سال است که این درخت خرما به ثمر رسیده است، سیّد علی، بدون این که زمین مذکور تقسیم شده باشد، از ثمره آن درخت بدون رضایت این جانب استفاده می‌نماید، وی مدّعی است که درخت سهم خودم می‌باشد، از نظر شرع مقدّس این درخت متعلّق به چه کسی است؟

جواب: در فرض مسأله هر دو در درخت سهم دارند و هیچ کدام بر دیگری ترجیحی ندارد.

سؤال ۸۱۷- این جانبان، مالک ۲۵٪ یک شرکت تولیدی فرش ماشینی هستیم، اعضای هیأت مدیره شرکت به علّت صدور چک بی‌محل و خیانت در امانت و سوء استفاده از اموال شرکت، تحت پیگرد قانونی بوده و فعلًا دو نفر از آنها در زندان

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۲۶۸

و دو نفر دیگر متواری هستند، اخیراً چند نفر داخل شرکت شده و اظهار می‌دارند که ما شرکت را اجاره کرده‌ایم، بدین صورت که در قبال هر تخته فرش تولید شده مبلغی پرداخت نمایند. خواهشمند است اعلام فرمایید که آیا برای ادامه کار رضایت شرعی ۲۵٪ سهامداران شرکت لازم است؟

جواب: جلب رضایت شرکا لازم است؛ مگر این که قبلًا اختیاراتی به افرادی داده باشند که از طرف کلّ سهامداران عمل کنند.

سؤال ۸۱۸- هرگاه شخصی مالک شرعی و قانونی قطعه زمینی باشد و با فرد دیگری مشاعاً در آن، اعیانی بنا کنند و مالک عرصه به علّت گرفتاری مالی بخواهد تمامی عرصه و اعیان را به شخص ثالثی بفروشد و سهم شریک در اعیانی را بپردازد، ولی شریک در اعیانی به هیچ وجه حاضر به فروش سهم خود نباشد، از نظر شرعی تکلیف چیست؟

جواب: حقّ شریک را بدون اجازه او نمی‌توان فروخت؛ ولی می‌تواند مال خود را بفروشد و نسبت به مال شریک اجاره داده شود.

سؤال ۸۱۹- در سال ۱۳۷۲ یک شرکت بازرگانی با مشارکت یک شرکت تعاونی اقدام به خرید کارخانه‌ای از کردستان عراق کردند. این معامله بر اساس رؤیت فیلم ویدئویی، که دستگاه‌های خریداری شده را نمایش داده بود، صورت گرفته است. ثمن نقداً پرداخت شده، امّا مثمن پس از حدود سه سال (یعنی در سال ۱۳۷۵) تحویل گردید. در این میان شرکت تعاونی مذکور در سال ۱۳۷۴ با تحت فشار قرار دادن خریدار، درخواست برهم زدن شرکت را نمود و سهم خود را همراه با سود به خریدار فروخت. از محضر مبارکتان تقاضامندیم بفرمایید که:

الف) آیا اصل قرارداد شرکت در ابتدای کار صحیح بوده است؟

جواب: هرگاه قرارداد شرکت با شرایط روشن و معلوم منعقد شده صحیح بوده و باید طرفین به آن پایبند باشند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۲۶۹

ب) آیا فروش سهام شرکت قبل از قبض مبیع صحیح بوده است؟

جواب: تحویل نگرفتن جنس مانع از صحّت بیع نمی‌شود، مشروط بر این که قدرت بر تسلیم، و لو در زمانی که در معامله شرط کرده‌اند، وجود داشته باشد.

سؤال ۸۲۰- یک نفر به عنوان عضو شرکتی در قبال اخذ حقوق، کارهای شرکت را انجام می‌داده، ولی چون خودش کارمند دولت بوده، فرد دیگری را به جای خود جهت پیگیری کارهای شرکت معیّن کرده است. همین فرد حدود ۳/ ۵ ماه کار کرده و شرکت همانند دیگر کارگران خود، حقوق او را پرداخته است؛ ولی فرد مزبور مبلغ هنگفتی را به خاطر جابه‌جایی از شرکت مطالبه نموده است. آیا این مطالبه را باید خودش از حقوق خودش بپردازد، یا باید از شرکت بگیرد؟

جواب: هیچ کس نمی‌تواند دیگری را به جای خودش به کاری که انجام آن را پذیرفته، قرار دهد؛ مگر این که قرارداد مشروط به مباشرت نباشد و در این صورت خودش باید حقوق آن واسطه را بپردازد.

سؤال ۸۲۱- این جانب در یک امر تجاری با سه نفر از دوستان شریک شدم. پس از مدّتی شرکت به علّت سهل‌انگاری یکی از شرکا زیان نمود و صندوق شرکت مواجه با کسری شد، من حاضر به پرداخت سهم ضرر خود می‌باشم، امّا شریک مذکور، که صندوقدار شرکت است، اظهار می‌دارد چون سایر شرکا ضرر را قبول ندارند و حاضر به پرداخت سهم خود نیستند، شما باید سهم آنها را نیز بپردازید. آیا این جانب، با توجّه به این که هیچ گونه تضمینی در مورد سایر شرکا نداده‌ام، ملزم به پرداختن سهم سایر شرکا نیز هستم؟

جواب: اگر قرارداد خاصّی نباشد همه شرکا به نسبت سهام خود باید زیان را بپردازند و کسی مسئول پرداخت زیان دیگران نیست.

سؤال ۸۲۲- شریک مذکور چند ماه پیش سه فقره چک، جمعاً به مبلغ ۳۰ میلیون تومان، جهت اخذ وام از شخصی برای کار خرید ماهی و فروش آن از این جانب

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۲۷۰

گرفت، لکن پس از مدّتی اظهار نمود که شخص وام‌دهنده حاضر به پرداخت وام نمی‌باشد؛ امّا از اعاده چکها استنکاف ورزیده و قصد دارد به عنوان جبران ضرر مندرج در سؤال قبل چکها را با اعمال فشار تبدیل به نقد نماید، آیا این کار شرعاً جایز است؟

جواب: در صورتی که طلب خاصّی ندارد، نگهداری چکها حرام است.

سؤال ۸۲۳- شخصی از شرکتهای متفرّقه سهامی خریداری می‌کند. شرکت طبق قرارداد، و زیر نظر قانون تجارت عمل می‌کند؛ ولی شرکا و اصل عمل شرکت و نوع آن نامعلوم است، آیا این مقدار جهل، به شرکت ضرری نمی‌زند؟

جواب: اگر اطّلاع کافی از کار شرکت ندارد؛ خرید سهام اشکال دارد؛ مگر این که وکالت مطلقه‌ای به مسئول آن شرکت بدهد که برای او سهامی را خریداری کند.

سؤال ۸۲۴- ۶۱ از سهم خانه، ماشین، تلفن و سرمایه آزمایشگاهی که با یک نفر شریک بوده‌ام، به مادر شوهرم تفویض شده است. بعد از این که سهم ایشان از کلّ سرمایه داده شد، آیا درآمد ماهیانه نیز به ایشان تعلّق می‌گیرد؟

جواب: اگر منظور این است که سهم او را خارج کرده‌اید، در این صورت از درآمد چیزی به او نمی‌رسد؛ ولی اگر سهم او در این اموال الآن موجود است، در درآمد نیز شریک است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۲۷۱

فصل نوزدهم: احکام صلح

سؤال ۸۲۵- یکی از طرفین مصالحه می‌داند که این صلح باعث تلف و تضییع حقّ او می‌شود؛ ولی به خاطر فشار طرف مقابل و اعمال زور از ناحیه او، یا هر کس دیگر، تن به آن مصالحه می‌دهد و ظاهراً قبول می‌کند. آیا این صلح ارزش دارد؟

جواب: مصالحه اجباری اعتباری ندارد؛ ولی اگر ظاهراً مصالحه درست بوده و بعد بخواهد ادّعای اجبار کند، پذیرفته نیست؛ مگر این که دلیل شرعی بر این امر اقامه کند.

سؤال ۸۲۶- شخصی دارای چندین فرزند است. آیا در زمان حیاتش و بدون اطّلاع بعضی از فرزندان، می‌تواند مقداری از املاکش را به بعضی دیگر از فرزندانش مصالحه کند؟

جواب: هر کس حق دارد در حال سلامت و در حال حیات خود هرگونه تصرّفی در اموال خود بنماید و به هر کس ببخشد.

سؤال ۸۲۷- شخصی در زمان حیات خویش، تمام اموال خود را با شرایط زیر به همسرش صلح نموده است.

الف) مادام الحیاة اختیار منافع آن، حتّی خیار فسخ، با شخص مصالِح باشد.

ب) بعد از فوت مصالِح، متصالح لها هزینه تجهیز و انجام وصایای او را بپردازد.

ج) متصالح لها حقّ واگذاری املاک مورد مصالحه را به غیر در زمان حیات خود ندارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۲۷۲

د) بعد از وفات متصالح لها نصف مایملک بین ورثه مصالِح تقسیم شود و نصف دیگر با اذن ورثه در خیرات و مبرّات مصرف شود. با توجّه به اجمالی که گذشت؛ آیا این صلح با شرایط مذکور صحیح است؟

جواب: خالی از اشکال نیست.

سؤال ۸۲۸- مادربزرگ پدری‌ام در سال ۱۳۶۱ فوت نموده و ترکه خود را، که شامل ۳ سهم خانه و سه سهم آب و املاک می‌باشد، طبق صلح نامه‌ای که الآن موجود است به پدربزرگم مصالحه نموده و ۳ سهم دیگر خانه را جهت مخارج پس از فوتش به فرزندانش سپرده است. مراتب مذکور انجام شده و ۳ سهم آب و املاک که حاشیه صلح‌نامه می‌باشد در زمان حیات پدربزرگم به

او مصالحه شده بود تا پس از فوت ایشان طبق سهم الارث بین فرزندان تقسیم گردد، پدر بزرگم در سال ۷۴ فوت نمود، قبل از فوت یک سهم آب و املاک که از مادربزرگم در اختیار داشت را به دو نفر از نوادگان پسری خود (به نام حسن و حسین) صلح نمود، آیا پدربزرگم اختیار داشته است که یک سهم آب و املاک مصالحه شده از مادربزرگم را به دو نفر از نوادگان خود صلح نماید؟

جواب: اگر مادربزرگ منافع آن را در حال حیات به او صلح کرده و شرط نموده که بعد از وفات او، در میان ورثه تقسیم شود، حق نداشته است عین آن را به کسی بدهد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۲۷۳

فصل بیستم: احکام اجاره

اشاره

سؤال ۸۲۹- هنگام اجاره دادن منازل مسکونی و سایر مستغلّات، رسم بر این است که مورد اجاره در مقابل مبلغی پول به عنوان ودیعه یا رهن به موجر داده می‌شود و به نسبت مقدار پول سپرده شده قسمتی از مال الاجاره، یا تمام مبلغ اجاره کسر می‌شود، آیا چنین اجاره‌ای مشروع است؟

جواب: اگر ملک را به مبلغی (هرچند مقدار آن کم باشد) اجاره بدهد، به شرط این که مبلغ معیّنی به عنوان وام (یا ودیعه و رهن که به معنای وام است) به او بدهد مانعی ندارد.

سؤال ۸۳۰- کسانی که منزلشان را به دیگری رهن می‌دهند و مبلغی می‌گیرند؛ مثلًا منزل را به مدّت یک سال به یک میلیون تومان رهن می‌دهند و در عوض، آن طرف یک سال بدون مال الاجاره در آن منزل می‌نشیند، چنین رهنی چه صورت دارد؟ اساساً ماهیّت چنین معامله‌ای چیست؟ و آیا تصرّف در مورد رهن جایز است؟

جواب: در فرض مسأله ربا و حرام است. راه صحیح این است که موجر بگوید: «این خانه را ماهی مثلًا هزار تومان به شما اجاره می‌دهم به شرطی که یکصد هزار تومان وام یا رهن به من بدهی و این وام تا پایان مدّت اجاره در نزد من باشد» مسأله رهن و اجاره به این صورت صحیح خواهد بود و ماهیّت آن همان اجاره و وام است، ضمناً خانه مزبور رهن در مقابل وام نیز هست و تصرّف در آن به شکل بالا مانعی ندارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۲۷۴

سؤال ۸۳۱- آیا امین می‌تواند شرط نماید که هرگاه مال مورد امانت با تعدّی و تفریط او تلف شود، مسئولیّتی نداشته باشد؟

جواب: در صورتی که از قبیل اجاره و مانند آن باشد اشکالی ندارد.

سؤال ۸۳۲- این جانب بموجب سند عادّی اموالی را به دیگری بطور قطعی فروخته و تحویل داده‌ام، تا در آینده رسماً در دفترخانه سند را به خریدار انتقال دهم، آیا به اموال معامله مذکور در فاصله بین فروش عادّی تا سند رسمی، شرعاً اجاره‌ای تعلق می‌گیرد؟ آیا می‌توانم اجاره‌ای طلب کنم؟

جواب: اگر در سند عادی قید نکرده‌اید، جایز نیست چیزی از او بگیرد.

سؤال ۸۳۳- قطعه زمینی جهت احداث مؤسّسه‌ای عام المنفعه از طرف موجر، در قبال مبلغ معیّنی مال الاجاره، و برای مدّت ۲۹ سال، اجاره داده شده است، در مقدّمه عقد اجاره آمده است: «در ضمن عقد خارج لازم شرایط مفصّله ذیل بین موجر و مستأجر واقع شده است، یکی از شرایط این که کلیّه تأسیسات و ساختمانهای احداثی که در زمین مورد اجاره نصب و احداث می‌گردد پس از

انقضای مدّت اجاره مجاناً و بلاعوض متعلّق به عین مستأجره می‌باشد».

سؤال این است:

الف) با توجّه به عبارت «ضـمن عقد خارج لازم شرط شده است » ... آیا تحقّق چنین شرایطی نیاز به تحقّق عقد خارج لازم دارد، یا با انعقاد قرارداد اجاره مستقر می‌شود؟

جـواب: مفهـوم این جمله آن است که عقـد خـارج و لاـزمی خوانـده شود و این شـرایط را در ضـمن آن بگنجاننـد؛ ولی اگر منظور طرفین این بوده که در عقد اجاره شرط باشد و از این جمله این مفهوم را فهمیده‌اند مانعی ندارد و نیاز به عقد خارجِ لازم نیست.

ب) با توجّه به این که ساختمان در زمان عقد از نظر کمّی و کیفی مشخّص

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۲۷۵

نبوده، آیا این شرط باطل و مبطِل عقد است، یا فقط شرط باطل است؟

جواب: شرط مزبور ظاهراً اشکالی ندارد.

ج) آیا شـرط «تملیک کلیّه تأسیسات و ساختمانهای احداثی به صورت مجّانی و در انتهای مدّت اجاره» بدون این که در زمان انعقاد قرارداد مشخّص و یا وجود خارجی داشته باشد و یا این که در مالکیّت شرط دهنده در آمده باشد صحیح است؟

جواب: تملیک بعد از پایان مدّت اجاره است، و این ابهام در شرط مانعی ندارد.

سؤال ۸۳۴- فرد یا افرادی به شخص نامه‌نگاری مراجعه می‌کنند و از او می‌خواهند که اوراق احکام و یا مدارکی را بر ایشان خوانده و تفسیر کرده و یا درباره مسأله‌ای که دارند با او صـحبت و تبادل نظر کرده و در نتیجه بدون آن که از نامه‌نگار بخواهند که نامه‌ای برایشان بنویسـد باعث اشـغال وقت نامه‌نگار می‌شونـد، آیا در چنین صورتی نامه‌نگار حق دارد در حدّ معقول و منصـفانه بابت وقتی که به شرح فوق از وی اشغال شده از ارباب رجوع وجهی را مطالبه بنماید؟

جواب: حق دارد مبلغ عادلانه‌ای بگیرد؛ مگر این که قصد مجّانی کرده باشد، یا ظاهر حال مجانی باشد.

سؤال ۸۳۵- بر اساس ماده ۲۷ قانون کار جمهوری اسـلامی ایران، حقّی تحت عنوان «حق سنوات» برای کارگران در نظر گرفته شده و به این کیفیّت تعریف شده است «به نسـبت هر سال سابقه کار، معادل یک ماه آخرین حقوق کارگر به او داده می‌شود» با اوصاف فوق، کـارگری چنـد سال پیش در حین اشـتغال به کار، به کارفرمای خود مراجعه و اظهار می‌دارد: «به لحاظ نیاز به پول تقاضا دارم حقّ سـنوات این جانب را محاسـبه و به من پرداخت نماییـد». کارفرما هم طبق ضوابط و بر اساس آخرین حقوق و مزایای وی در آن زمان «حق سنوات» وی را محاسبه و به وی پرداخت می‌کند و از وی رسید دریافت می‌دارد، لطفاً بفرمایید:

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۲۷۶

الف) آیا در فرض فوق، با پرداخت حقّ سنوات به نحو مذکور، کارفرما نسبت به کارگر بریء الذّمّه می‌شود؟

جواب: در چنین فرضی کارفرما نسبت به گذشته بریء الذّمّه می‌شود.

ب) هرگاه پس از دریافت حقّ سـنوات بازهم به کار خود ادامه دهـد و پس از چند سال با کارفرما ارتباط کاری خود را قطع نماید، آیـا از بـابت حقّ سـنوات، فقـط نسبت به سـنوات اخیر (بعـد از دریافت حقّ سـنوات قبلی) حقّ مطالبه دارد، یا می‌توانـد حقّ سـنوات دریافتی قبلی را مبلغی علی الحساب تلقّی نموده، از نو مطالبه حقّ سنوات تمام مدّت خدمت خود را بر اساس آخرین مقدار حقوق و مزایای خود بنماید؟

جواب: نسبت به سنوات گذشته حقّی ندارد؛ ولی نسبت به بعد حق دارد.

سؤال ۸۳۶- اگر کسـی دربـاره کار ساختمانی قراردادی منعقـد کنـد و پس از انجام مقـداری از کار، امروز و فردا کنـد، و کار را به تأخیر انـدازد، و هرچه اصـرار شود که دنباله کار را انجام دهـد انجام ندهـد، وظیفه ما در مورد فسخ قرارداد و مقدار کار انجام شده

چه می‌باشد؟

جواب: در فرض مسأله قرارداد را می‌توان فسخ کرد و به نسبت کاری که انجام داده است حقّ او را بدهید.

سؤال ۸۳۷- فقهای عظام درباره اجاره می‌فرمایند: «و تملک الأجرة بالعقد و یحسب تسلیمها بتسلیم العین الموجره و ان کانت علی عمل من بعده» «۱» آیا آنچه اکنون متداول است که در پایان ماه کرایه را می‌پردازند خلاف ضوابط شرعی است؟ آیا موجر حق دارد اوّل ماه، بعد از تحویل خانه کرایه را مطالبه کند؟ مثلًا در موردی که خانه را یک‌ساله یا دوساله کرایه داده، آیا می‌تواند در ابتدای اجاره کرایه یک سال یا دو سال را مطالبه نماید؟

---

(۱). یعنی: «مالک به مجرّد بستن قرارداد اجاره، مالک مال الاجاره می‌شود و هنگامی که عین مورد اجاره را تحویل داد می‌تواند اجرت را مطالبه کند و اگر برای انجام کاری باشد بعد از انجام کار».

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۲۷۷

جواب: در شرایط فعلی متعارف این است که کرایه هر ماه را در پایان آن ماه می‌پردازند و این به صورت یک شرط ضمنی درآمده است و عمل بر طبق آن اشکالی ندارد؛ مگر این که تصریح بر خلاف آن کنند و زمان معیّنی را شرط نمایند.

سؤال ۸۳۸- شخصی منزلی را برای مدّت یک سال اجاره می‌کند، پس از گذشت سه ماه در یک حادثه اتومبیل فوت می‌کند، همسر و فرزندان صغیر وی تا پایان قرارداد در منزل می‌مانند، در صورتی که وصیّت نکرده باشد، آیا بدهی ما بقی اجاره به عهده همسرش می‌باشد، یا از اصل مال برداشته می‌شود؟

جواب: بقیّه مال الاجاره مانند سایر دیون باید از اصل ترکه پرداخته شود؛ ولی منافع خانه در مدّت باقیمانده متعلّق به همه ورثه است.

سؤال ۸۳۹- تغییر اوضاع و احوال پیش‌بینی نشده در لزوم قرارداد چه تأثیری دارد؟

توضیح این که در صورتی که حوادث پیش‌بینی نشده اجرایی، اجرای یک قرارداد را سخت و مشکل کند بطوری که متعهّد را با مشقّت زیاد رو به رو نماید، ولی به حدّ قوه قاهره نرسد، آیا بروز این حوادث در عدم اجرای تعهّد تأثیر دارد؟ خواهشمند است در صورت امکان علّت آن را توضیح دهید.

مثال: اگر کسی خانه‌ای را ماهیانه به مبلغ ده هزار تومان و برای ده سال اجاره کند و در ضمن عقد شرط شود، که هزینه گرم کردن موتورخانه به عهده صاحب ملک باشد و هزینه گرم کردن در یک ماه در زمان عقد اجاره دو هزار تومان باشد، امّا بعد از دو سال مواد سوختی به قدری گران شود که هزینه گرم کردن موتورخانه به ماهی پانزده هزار تومان برسد، آیا این تغییر می‌تواند دلیل بر عدم اجرای قرارداد باشد؟

جواب: چنانچه نشانه‌های تورّم مستمر در محیط آشکار بوده و طرفین با آگاهی از این معنا، قرارداد را امضا کرده‌اند باید به آن عمل کنند؛ ولی اگر چنین تورّمی قابل پیش‌بینی نبوده، شخص مزبور ملزم نیست چنان مبلغ بالایی را

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۲۷۸

بپردازد؛ تنها مقدار متعارف بر او واجب است.

سؤال ۸۴۰- شخصی قرآن می‌خواند و اجرت می‌گیرد، این شخص بدون این که قصد شخص خاصّی را نماید شروع به قرائت قرآن می‌کند و قرآن را ختم می‌نماید، بعد از چند روز شخصی به وی مراجعه می‌کند و می‌گوید: «یک ختم قرآن برای پدرم بخوان» نامبرده می‌گوید: «یک قرآن دو سه روز پیش ختم نموده‌ام و به کسی هبه نکرده‌ام، ثواب آن را به روح پدر شما هبه می‌نمایم»، ایشان هم قبول می‌کند و اجرت آن را می‌دهد، آیا این کار صحیح است؟

جواب: این کار خالی از اشکال نیست؛ لازم است هنگامی که قرآن می‌خواند قصد شخص خاصّی را داشته باشد.

سؤال ۸۴۱- همسایه دیوار به دیوار ما خانه اضافی خود را به یکی از دبستانهای غیر انتفاعی اجاره داده است. سالهاست سر و صدای دانش‌آموزان نه تنها موجبات ناراحتی مداوم ما را فراهم آورده، بلکه باعث عارضه «میگرن» نیز جهت همسرم شده است. لازم به یادآوری است که صاحب دبستان اخیراً مدرسه‌ای سه طبقه ساخته و خود فقط از طبقه زیرین آن به عنوان مدرسه راهنمایی استفاده می‌کند و به علّت عدم نیاز، یکی از طبقات را به یک مؤسّسه زبان خارجی به عنوان رهن واگذار نموده و دبستان خود را به آنجا منتقل نمی‌کند و ما همچنان در عذاب‌های گوناگون معذّبیم. دو بار با صاحب اصلی منزل و یک بار با آقازاده ایشان صحبت کرده و مسئولیّت شرعی ناشی از این اذیّت و آزار را به آنان متذکّر گشته‌ایم؛ ولی تأثیری نداشته است. لطفاً بفرمایید تکلیف شرعی صاحب خانه و صاحب دبستان (مستأجر) چیست؟

جواب: وجود مدارس در سطح شهر اشکالی ندارد؛ زیرا لازمه زندگانی اجتماعی امروز است، و بردن مدارس به بیرون شهر نه امکان دارد، و نه مصلحت جامعه می‌باشد؛ ولی بر صاحبان مدارس لازم است که سر و صداها و مزاحمت‌ها

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۲۷۹

را به حدّ اقلّ برسانند، و اگر بیش از متعارف مزاحمت کنند می‌توان جلو آنها را گرفت و بر مسئولین لازم است که در صورت امکان مدارس را در محلّی قرار دهند که مزاحمت آن کمتر باشد.

سؤال ۸۴۲- کسی محلّی را مثلًا به مدّت یک سال به شخصی اجاره داده است؛ ولی مستأجر پس از شش ماه از تاریخ قرارداد از دنیا می‌رود، اگر در اجاره شرط مباشرت مستأجر را کرده باشند، آیا اجاره به قوت خود باقی است؟

جواب: موجر و ورثه هر کدام می‌توانند اجاره را فسخ کنند.

سؤال ۸۴۳- در طبقه دوم منزلی یک اطاق اجاره کرده‌ایم، حیاط ما و صاحب خانه مشترک است، اوّل این که در نبود صاحبخانه، آیا ما می‌توانیم در حیاط بنشینیم؟ دوّم این که وقتی ما به مسافرت می‌رویم و صاحب خانه هم نیست، آیا می‌توانیم کلید منزل را به یکی از دوستان مطمئن بدهیم تا در اطاق ما باشد؟

جواب: در مورد سکونت شخص دیگری در آنجا تابع قرارداد است، و در مورد استفاده از حیاط اگر صاحب‌خانه راضی باشد، اشکالی ندارد.

سؤال ۸۴۴- شخصی جهت کار، به یک کارگاه تولیدی مراجعه و تقاضای کار می‌کند. کارفرما شرایطی را تعیین و حقوق و مزایایی را مشخّص کرده و مدّت یک هفته هم مهلت می‌دهد که کارگر راجع به شرایط و حقوق و مزایا، مشورت و تحقیق بنماید. کارگر پس از مشورت، شرایط را قبول و به کار مشغول می‌شود و طبق قرارداد حقوق می‌گیرد، پس از گذشت یک سال قرارداد به اتمام می‌رسد و کارفرما می‌خواهد تسویه حساب کند؛ ولی کارگر به اداره کار مراجعه و شکایت می‌نماید که حقوق من در مدّت یک سال کم بوده است، کارفرما هم اظهار می‌دارد که طبق قرارداد و توافق طرفین پرداخت کرده‌ام، ولی اداره کار می‌گوید: «کارفرما باید مبلغ ۵۰ هزار تومان بابت کسری حقوق و مزایا به کارگر پرداخت نماید. و این مبلغ اجباری است». آیا گرفتن مبلغ مذکور جایز است؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۲۸۰

جواب: هرگاه با توجّه به تمام جهات طرفین توافق کردند، گرفتن اضافه اشکال دارد؛ ولی اگر طرفین به نحوی با هم مصالحه کنند بهتر است.

سرقفلی

سؤال ۸۴۵- این جانب سرقفلی یک باب مغازه قهوه‌خانه را در سال ۱۳۶۷ به مبلغ یک میلیون تومان خریداری نموده‌ام. اخیراً به علّت تغییر شغل به خواروبارفروشی، موجر اقدام به شکایت نموده و موفّق به اخذ صدور حکم تخلیه توسّط دادگاه به استناد قانون روابط موجر و مستأجر، تصویب سال ۱۳۵۶ (یعنی قبل از انقلاب) گردیده است.

مادّه ۱۴ بند ۷ این قانون می‌گوید: «در صورت صدور حکم تخلیه به دلیل تغییر شغل کمترین وجهی به صاحب سرقفلی یا حقّ کسب و پیشه تعلّق نمی‌گیرد!» آیا این حکم عادلانه است؟

جواب: اگر در موقع اجاره، شغل خاصّی در سند اجاره قید نشده باشد انتخاب شغل جدید برای شما مانعی ندارد؛ ولی اگر شغل خاصّی قید شده، شما می‌توانید به شغل اوّل بازگردید و محل و سرقفلی آن را برای خود حفظ کنید، یا به نحوی با مالک تراضی نمایید.

سؤال ۸۴۶- مغازه‌ای را سرقفلی کرده‌ام، اجاره‌اش ۳۰۰ تومان بوده است، بعد از پنج سال مالک گفت اجاره‌اش کم است، ۴۰۰ تومان نمودیم، بعد از پنج سال دیگر مبلغ اجاره را پانصد تومان نمودیم، حال بعد از پنج سال سوّم می‌گوید: «باید ماهی هزار تومان بدهید»، در صورتی که قانون می‌گوید هر سه سال ۲۰ درصد اضافه شود و یا این که کارشناس قیمت را مشخّص کند؛ ولی او نه به ۲۰ درصد قانع می‌شود و نه کارشناس می‌آورد، آیا این مبلغ برای ایشان مباح است؟

جواب: در صورتی که سرقفلی را پرداخته‌اید باید اجاره را به قیمت کارشناس

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۲۸۱

بگیرد نه به میل خود، و اگر با علم و اطّلاع طرفین از قانون ۲۰٪ اجاره منعقد شده، لازم است معیار را همان بیست درصد قرار دهند.

سؤال ۸۴۷- اگر شخصی حقیقی یا حقوقی صاحب سرقفلی مکانی باشد، و مالک شخص دیگری باشد، و مدّتی صاحب سرقفلی مستأجر آن ملک بوده است، ولی بعداً صاحب سرقفلی حقّ خود را به نفر سوّم صلح می‌کند و صاحب ملک هم به همان نفر سوّم ملک را اجاره می‌دهد؛ نفر سوّم به علّتی قرارداد با هر دو را فسخ می‌نماید، آیا از نظر شرعی صاحب اوّل سرقفلی می‌تواند بدون اجازه و اذن در آن تصرّف کند؟ و اگر تصرّف او اشکال دارد لطفاً به سؤالات زیر پاسخ دهید؟

الف) آیا تصرّف صاحب سرقفلی غاصبانه و عدوانی است؟

جواب: در صورتی که نفر سوّم حقّ فسخ داشته، با فسخ کردن سرقفلی به نفر دوّم برمی گردد و ملک به نفر اوّل (صاحب اصلی) و اگر صاحب سرقفلی بخواهد در آن تصرّف کند باید مجدّداً آن را اجاره کند.

ب) اگر تصرّف عدوانی است، آیا منافع مغصوبه باید به «اعلی القیم» اخذ شود؟

جواب: اگر قبل از اجاره مجدّد تصرّفی بنماید باید اجرت المثل را طبق عرف روز بدهد.

ج) در صورتی که تصرّف عدوانی باشد، آیا متصرّف مستحقّ تعزیرات شرعی می‌باشد؟

جواب: اگر آگاهانه تصرّف عدوانی کرده باشد مستحقّ تعزیر است.

د) در صورتی که مالک برای رسیدن به منافع مغصوبه مخارجی را متحمّل شده باشد، آیا می‌تواند از غاصب و متصرّف عدوانی اخذ نماید؟

جواب: اگر ناچار شود مخارج فوق العاده‌ای هزینه کند می‌تواند بگیرد؛ ولی هزینه‌های معمولی را نمی‌توان گرفت.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۲۸۳

فصل بیست و یکم: احکام مزارعه

سؤال ۸۴۸- در صورتی که یکی از مالکین مزرعه مشاع بدون رضایت دیگران و با مخارج خود چاهی حفر نماید، آیا این چاه

ملک حافر است، یا دیگران هم در این چاه حقّی دارند؟

جواب: ملک همه است.

سؤال ۸۴۹- قبل از انقلاب اسلامی زمین مالک در دست کشاورز بوده و آن را کشت می‌کرده است، از طرف حکومت آن زمان نَسَق زمین را به اسم آن کشاورز ثبت کرده‌اند، آیا این نَسَق‌بندی حقّی برای کشاورز ایجاد می‌کند که بعد از آن قابل نقل باشد؟

جواب: چنانچه حقّ نسق در حال حیات برای زارع و بعد از ممات برای فرزندان او جزء عرف محل باشد، از قبیل شرط ضمن العقد در قراردادهای مزارعه با زارعین محسوب می‌شود و این حق برای او و فرزندانش شرعی خواهد بود.

سؤال ۸۵۰- کشاورزی هستم که حدود چهل سال است به صورت ارباب و رعیّتی روی زمین مالک، کشاورزی نموده‌ام؛ اکنون مالک قصد گرفتن زمین را از این جانب دارد. آیا حقیر به عنوان زارعی که حدود چهل سال روی زمین او کار کرده و زمین او را حفظ کرده و هر سال مبلغی را به عنوان حقّ ارباب به او پرداخت نموده‌ام، حقّی دارم؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۲۸۴

جواب: اگر قراردادی با او در این مورد داشته باشید، حق دارید. همچنین اگر در عرف و عادت محل این باشد که برای این گونه کارگران حقّ خاصّی قائل می‌شوند و طرفین با علم و آگاهی بر این مسأله اقدام نموده‌اند، حق برای شما ثابت می‌شود (مطابق آنچه معمول محل است) در غیر این صورت حقّی ندارید؛ هرچند مستحبّ است مالک زمین، ملاحظه حال شما را بنماید.

سؤال ۸۵۱- زمین‌های کشاورزی از قدیم الأیّام بطور مزارعه در اختیار زارعین بوده و زارع هر ساله مبلغی به مالک می‌پرداخته است. آیا زارع می‌تواند این زمین را به مبلغی بیشتر به دیگران جهت زراعت یک‌ساله اجاره دهد؟

جواب: اگر صاحب زمین با مستأجر شرط مباشرت نکرده باشد، اجاره دادن آن اشکالی ندارد، و لو به زیادتر از آنچه که اجاره داده است؛ ولی احتیاط واجب آن است که کاری روی زمین انجام داده باشد، یا وسیله‌ای بر آن اضافه کند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۲۸۵

فصل بیست و دوّم: احکام مضاربه

سؤال ۸۵۲- طبق فتوای مشهور، در مضاربه سرمایه باید درهم و دینار باشد؛ آیا اسکناس می‌تواند جایگزین درهم و دینار در سرمایه‌گذاری گردد؟

جواب: در سرمایه‌گذاری مضاربه و مانند آن، درهم و دینار شرط نیست؛ بلکه از هر پولی می‌توان استفاده کرد. بعلاوه لازم نیست سرمایه‌گذاری در خصوص تجارت باشد؛ بلکه در هر کاری بی‌مانع است.

سؤال ۸۵۳- در مادّه ۵۵۵ قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران چنین آمده است:

«مضارِب باید اعمالی را که برای نوع تجارت متعارف و معمول بلد و زمان است بجا آورد؛ ولی اگر اعمالی را که بر طبق عرف بایستی به اجیر رجوع کند، خود شخصاً انجام دهد، مستحقّ اجرت آن نخواهد بود» شایان ذکر است نظرات فقها تا حدّ اطّلاع این جانب متفاوت است که به سه نمونه آن اشاره می‌شود:

الف) امام خمینی (رحمه الله) معتقدند که اگر مضارب قصد تبرّع نداشته باشد مستحقّ اجرت المثل است.

ب) صاحب شرایع (رحمه الله) قائل به عدم استحقاق اجرت المثل است.

ج) صاحب جواهر (رحمه الله) قائل به تفکیک بین قصد تبرّع و عدم تبرّع شده‌اند.

نظر حضرتعالی در این مورد چیست؟

جواب: در صورتی که قصد تبرّع داشته باشد شرعاً چیزی به او تعلّق نمی‌گیرد؛ ولی اگر قصد تبرّع نداشته باشد، با توجّه به این که

این کار طبق قرارداد وظیفه او

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۲۸۶

نیست و نیاز به اجیر دارد، می‌تواند اجرت کار را خود بگیرد.

سؤال ۸۵۴- این جانب مغازه‌دار هستم. شخصی مبلغی نزد این جانب گذاشته تا با سرمایه خود مشترکاً معامله کنم و سود سهام او را بپردازم، یکی دو سال موفّق شدم و سود او را پرداختم؛ ولی دو سال است که موفّق به محاسبه نشده‌ام، اکنون که می‌خواهم سود سالهای گذشته را بپردازم باید همان سود را بپردازم، یا این که سود سالانه وی جزء شرکت شده و باید منافع آن را نیز محاسبه کنم؟

جواب: چنانچه در پرداختن سود سهام او کوتاهی کرده‌اید باید منافع آن سود را نیز محاسبه کرده و بپردازید.

سؤال ۸۵۵- در استان چهار محال و بختیاری از قدیم الایّام رسم بر این بوده که صاحبان سرمایه چند رأس دام در اختیار فرد دیگری قرار می‌دادند، تا از آنها نگهداری کرده و در پایان سال هرچه خداوند کرامت فرماید «از نتاج و سایر عواید حاصله» بالمناصفه بین یکدیگر تقسیم نمایند، به این قرارداد عرفاً «نیمسودنامه» می‌گویند. عرف متداول بر این امر بوده که هم زمان با انعقادِ قرارداد «نیمسودنامه» سرمایه (تعداد دامها) تقویم می‌گردیده و پس از پایان مدّت نیز مجدّداً دامها تقویم می‌گردید و نخست اصل سرمایه به صاحب سرمایه مسترد و سپس مازاد بر سرمایه اوّلیه بین طرفین به نسبت مساوی تقسیم می‌گردید. با توجّه به مطالب بالا دو سؤال برای حقیر مطرح است:

الف) قرارداد بالا را با کدام یک از عقود شرعی تطبیق نماییم؟ به عبارت دیگر مقرّرات کدام یک از عقود شرعیّه را حاکم بر روابط طرفین کنیم؟

جواب: این امر شبیه عقد مضاربه است؛ زیرا به عقیده ما عقد مضاربه مخصوص امور تجاری نیست؛ بلکه کارهای تولیدی و دامداری و غیر آن را نیز شامل می‌شود و در هر حال قرارداد مزبور صحیح است؛ هرچند نام آن را مضاربه نگذاریم.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۲۸۷

ب) اگر در فرض مسأله سرمایه اوّلیّه سهواً یا عمداً تقویم نگردیده باشد، قرارداد منعقده را صحیح می‌دانید؟

جواب: قرارداد نسبت به نتایج و پشم و شیر و مانند آن به قوّت خود باقی است، و نسبت به اضافه قیمت مصالحه کنند.

سؤال ۸۵۶- دادن پول از طرف بانکها به شخصیّت‌های حقیقی یا حقوقی، برای مضاربه و گرفتن سود مشخّص از آنها چه حکمی دارد؟

جواب: چنانچه شرایط مضاربه را رعایت کنند و سود مضاربه بیش از مقدار مزبور باشد، چنین قراردادی اشکال ندارد.

سؤال ۸۵۷- این جانب مبلغ ۴۰۰ هزار تومان وجه نقد به عنوان سرمایه به شخصی داده‌ام تا در مدّت یک سال گاو خریدوفروش نماید و تمام مخارج و خدمات طبق قرارداد به عهده ایشان است، که پس از خاتمه مدّت و برداشت سرمایه، چنانچه نفعی یا ضرری باشد، بین صاحب پول و عامل بالمناصفه تقسیم شود. در این مدّت که گاوها تحویل ایشان می‌باشد، چنانچه محصولی از شیر و ماست به عمل آید، آیا جزء سود محسوب می‌شود تا نصف آن به این جانب تعلّق بگیرد؟

جواب: این مسأله تابع قرارداد شماست؛ هرگاه سخن از منافع بطور مطلق بوده، شامل شیر و مانند آن نیز می‌شود.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۲۸۹

فصل بیست و سوم: احکام حجر

فصل بیست و سوّم: احکام حجر

کسانی که حق ندارند در مال خود تصرّف کنند

سؤال ۸۵۸- لطفاً در مورد بلوغ دختران به سؤالات زیر پاسخ بفرمایید:

الف) سنّ بلوغ دختران از نظر شرعی دقیقاً چه مقدار است؟

ب) آیا برای دختر از حیث بلوغ می‌توان بین عبادات و عقود و ایقاعات تفاوتی قائل شد؟

ج) برای اجرای حدود و قصاص چطور؟

جواب: سنّ بلوغ دختران ۹ سال تمام قمری است و اگر سال شمسی را در دست دارند از طریق کامپیوتر به راحتی تبدیل به قمری می‌شود؛ ولی چنانچه از نظر نیروی جسمانی قدرت انجام بعضی از تکالیف، مانند روزه را نداشته باشند، روزه بر آنها واجب نیست و بجای هر روز کفّاره مدّ طعام می‌دهند، و در مورد عقود و ایقاعات مالی معیار تنها بلوغ نیست، بلکه رشد عقلی نیز لازم است، و در مورد حدود و قصاص همانند سایر مکلّفین با آنها رفتار خواهد شد؛ مگر این که عقل کافی که یکی از شرایط چهارگانه حدود و قصاص است نداشته باشند و در مورد ازدواج علاوه بر بلوغ و رشد عقلی، رشد جسمانی برای این امر نیز لازم است، یعنی اگر خطر افضا وجود داشته باشد جایز نیست؛ بنابراین بلوغ در چهار مرحله پیاده می‌شود.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۲۹۰

سؤال ۸۵۹- چنانچه محجور، قبل از ممنوع شدن، نذر روضه‌خوانی سالیانه به مدّت ده روز داشته باشد، آیا پس از حجر می‌تواند از اموالش برای انجام نذرش برداشت کند؟

جواب: حقّ طلبکاران مقدّم است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۲۹۱

فصل بیست و چهارم: احکام وکالت

سؤال ۸۶۰- شخصی جهت فروش اتومبیل خود به کسی وکالت با حقّ توکیل غیر می‌دهد؛ وکیل نیز وکالت را به استناد حقّ توکیل، به دیگری واگذار می‌کند و در وکالت دوّم تصریح می‌کند که: «اقدام و امضای وکیل به منزله امضای موکّل و موکّلِ موکّل، نافذ و معتبر و دارای اثرات قانونی است». حال موکّل مبادرت به عزل وکیل اوّل نموده، آیا وکیل دوّم نیز معزول شده است؟ یا این که باید مراتب عزل توسّط موکّل به وکیل دوّم مستقلّا اعلام شود؟

جواب: اگر عزل وکیل دوّم از سوی موکّل به او اعلام شده است، معزول می‌شود و الّا وکالت وکیل دوّم به قوّت خود باقی است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۲۹۳

فصل بیست و پنجم: احکام قرض و دین

اشاره

سؤال ۸۶۱- شخصی متوفّی هم خمس بدهکار است و هم دین شخصی دارد، ولی ترکه او به هر دو نمی‌رسد؛ آیا پرداخت بدهی مقدّم است، یا پرداخت خمس؟

جواب: هرگاه مالی که به آن خمس تعلّق گرفته موجود باشد باید خمس را مقدّم بدارد، و اگر آن مال موجود نیست، احتیاط واجب آن است که آن مال را میان هر دو تقسیم کند.

سؤال ۸۶۲- آیا جایز است برای وصول طلب، بدهکار را زندانی کرد؟

جواب: چنانچه راه دیگری برای وصول طلب نباشد حبس او جایز است. «۱»

سؤال ۸۶۳- نحوه پرداخت بدهی‌هایی که مربوط به سنوات قبل می‌باشد، در حالی که ارزش پول فعلًا بسیار کاسته شده، چگونه است؟ مثلًا کسی بیست سال پیش وجهی از کسی قرض گرفته که هم اکنون ۱۰۱ پول آن زمان هم ارزش ندارد. و اگر واجب است به پول امروز بپردازد، پول آن زمان با چه اشیایی مقایسه می‌شود؟

جواب: احتیاط واجب آن است که تورّم متوسّط قیمت‌ها را در نظر بگیرد و مطابق آن بپردازد و شاید از شاخص قیمت‌های معتبر بعضی از بانکها نیز بتوان استفاده کرد. و یا از طریق مصالحه طرف مقابل را راضی کند.

سؤال ۸۶۴- آیا بدهکاری که از پرداخت بدهی خود در وقت مقرّر خودداری می‌نماید و بدهی خویش را به تأخیر می‌اندازد تنها ضامن مبلغی که بدهکار بوده

---

(۱). ملحقات عروه، باب القضاء، مسأله ۴ و مبانی تکملة المنهاج، جلد ۱، صفحه ۲۴.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۲۹۴

است می‌باشد، یا ضامن کاهش ارزش پول و اتلاف مالیّت هم می‌باشد؟

جواب: بدهکار مدیون اصل پول است؛ مگر این که سالیانی فاصله شود و ارزش پول دگرگون گردد، در این صورت رعایت مقدار تورّم، یا جلب رضایت طلبکار واجب است. و این مسأله منحصر به بدهی مهریّه و مانند آن نیست؛ بلکه تمام اقسام بدهی‌ها را شامل می‌گردد؛ مگر در جایی که بدهکار بخواهد بدهی خود را بپردازد و طلبکار قبول نکند.

سؤال ۸۶۵- شخصی اموالی نزد زید دارد، فرد دیگری از همین شخص طلبکار است؛ ولی او از پرداخت بدهی خودداری می‌کند، از این رو طلبکار به زید مراجعه می‌نماید و می‌گوید: «صورت اموال او را در اختیار من بگذار، تا از طریق شرعی و قانونی بتوانم طلب خود را از او وصول کنم» آیا برای زید جایز است صورت اموال او را به طلبکار بدهد؟

جواب: باید اوّل به حاکم شرع مراجعه کنند و حاکم شرع به بدهکار اخطار نماید، اگر ترتیب اثر نداد می‌تواند صورت اموال را بگیرد و با اجازه حاکم شرع در برابر مطالباتی که دارد تقاص کند.

ربای قرضی

سؤال ۸۶۶- ملکی به صورت مشارکت خریده می‌شود و سپس یکی از شرکا سهم خود را به شریک دیگر، اجاره به شرط تملیک می‌دهد، بطوری که بعد از پرداخت تمامی اقساط (که طبعاً بیش از پولی است که شریک برای آن سهم داده بود) مورد اجاره به ملکیّت مستأجر در می‌آید، آیا می‌توان این کار را، که در بانک‌ها و یا شرکت‌ها و اشخاص حقوقی، و بعضاً توسّط اشخاص حقیقی صورت می‌گیرد، راهی شرعی برای تخلّص از ربای قرضی دانست؟

جواب: اگر قصد جدّی در اجاره به شرط تملیک بوده باشد مانعی ندارد و ربا

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۲۹۵

محسوب نمی‌شود؛ ولی اگر جنبه صوری دارد و ظاهراً برای فرار از رباست جایز نیست.

سؤال ۸۶۷- شخصی قرض ربوی گرفته و اصل آن را پرداخته است، لکن مقداری از سود آن را هنوز نپرداخته، آیا می‌تواند سود آن را نپردازد؟ و آیا می‌تواند مقدار سودی را که پرداخته به عنوان تقاص از اموال رباگیرنده بردارد؟

جواب: اگر جنبه ربا داشته (نه مضاربه) پرداختن سود جنبه شرعی ندارد، و می‌تواند از آن سرباز زند، و تقاصّ از اموال رباگیرنده با اجازه حاکم شرع جایز است.

سؤال ۸۶۸- لطفاً جواب سؤالات سه‌گانه زیر را مرقوم فرمایید:

الف) آیا در شرایط تورّمی می‌توان به میزان کمتر یا همان میزان ارزش پول از دست رفته، اضافه بر مقدار کمی پول، دریافت نمود؟ توضیح این که: قرض اسکناس، تملیک مقداری معیّن از قدرت خرید خواهد بود که باید به همان میزان مسترد گردد. به عبارتی دیگر قرض گیرنده بموجب قرارداد و قرض متعهّد به پرداخت همان میزان قدرت خرید دریافتی در سررسید قرض می‌باشد، هرچند آن میزان قدرت خرید دریافتی در مبلغ بیشتری اسکناس عینیّت خارجی یابد.

علاوه بر این وام‌دهنده در این قرارداد منفعتی کسب نکرده است تا ربا محسوب شود.

به بیان دیگر، هر زیادتی، منفعت نیست؛ یعنی افزایش مقداری اسکناس یا هر واحد پولی دیگر بدون افزایش قدرت خرید، ایجاد منفعت نخواهد بود، بلکه تساوی بین ارزش پرداختی (عوض) و ارزش دریافتی محقّق می‌سازد. بنابراین اگر کسی بخواهد مثلًا ۱۰۰۰ ریال قرض دهد. این مقدار پول در ۶ ماه دیگر برابر ۷۰۰ ریال خواهد بود، پس قرض دهنده هنگام تحویل ۳۰۰ ریال از قدرت خرید خود را نیز از

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۲۹۶

دست داده است. نتیجتاً ارزش قبلی خود را دریافت ننموده است، مگر این که ۱۳۰۰ ریال دریافت نماید تا برابر ۱۰۰۰ ریال ۶ ماه قبل گردد. آیا در چنین شرایطی سود وام مشروع است؟

جواب: اگر فاصله زمانی زیاد بوده و بدهکار در پرداخت بدهی خود کوتاهی کرده و تورّم نیز شدید باشد باید به حسابِ روز محاسبه نماید، در غیر این صورت ربا و حرام است.

مسأله مهم این است که آنچه شما نوشته‌اید مطلبی است که در محافل و در تحلیلهای اقتصاددانان مطرح است؛ ولی در عرف توده مردم و بازار مطرح نیست؛ یعنی اگر کسی چکی به دیگری بپردازد، هرچند مدّت‌دار باشد، خود را ملزم به ادای مبلغ چک می‌داند نه بیشتر؛ آری اگر روزی حساب تورّم جزء عرف مردم و بازار شود، همان طور که از بعضی از کشورها نقل می‌کنند، تحلیلی را که شما نوشته‌اید قابل قبول خواهد بود.

ب) آیا منظور از آیه ۲۷۹ سوره بقره: «وَ لَکُمْ رُءُوسُ امْوالِکُمْ» اصل قدرت خرید و ارزش حقیقی پول نیست؟

جواب: از آنچه در پاسخ سؤال قبل گفته شد، جواب آیه شریفه «وَ لَکُمْ رُءُوسُ امْوالِکُمْ» معلوم می‌شود؛ منظور آن است که سرمایه طبق عرف توده مردم بازگردانده شود.

ج) در صورتی که توجیه بالا را نپذیریم (در شرایط تورّمی) میل به قرض دادن کاهش می‌یابد؛ چرا که افراد با کاهش قدرت خرید مواجه می‌شوند. آیا به نظر شما ممکن است شارع به ضرر قرض دهنده بی‌اعتنا باشد؟ یا این که جهت تشویق و ترغیب افراد به این فعل حسنه، ضرر او را در نظر می‌گیرد؟

جواب: قرض الحسنه یک عبادت است و انگیزه الهی دارد، بنابراین باید شخص قرض دهنده تفاوت قدرت خرید را نیز بپذیرد و اگر تفاوت تورّم را

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۲۹۷

حساب کند عملی نیمه‌تجاری محسوب می‌شود.

سؤال ۸۶۹- تاجری به یک کارخانه تولیدی مبلغی را پرداخت می‌نماید که به مدّت یک سال نزد کارخانه‌دار به امانت باشد و مقرّر می‌نماید که کالای آن کارخانه را به مدّت یک سال، معادل ۵٪ از قیمت مشخّص شده کمتر، خریداری نماید و در صورتی که آن تاجر از آن کارخانه خریداری نکند در مقابل پول امانت داده شده، هیچ گونه وجهی را دریافت نکند. آیا این عمل تاجر و کارخانه‌دار شرعی است.

جواب: هرگاه در مقابل وامی که داده است قرارداد تخفیف داشته باشد، ربا و حرام است؛ ولی اگر قراردادی در میان آنها نباشد و

او مبلغ را به عنوان وام بدهد و آنها نیز به میل خود تخفیف بدهند، بی آن که قراردادی باشد، اشکالی ندارد.

احکام بدهی‌ها

سؤال ۸۷۰- برابر یک فقره قرارداد فی ما بین دو نفر، شخص اوّل مبلغ یک میلیون تومان به شخص دوّم قرض داده است و شخص دوّم متعهّد گردیده که اصل مبلغ را در روز معیّن به شخص اوّل پرداخت نماید، ولی شخص دوّم به تعهّد خود عمل ننموده است و شخص اوّل بعد از سه سال پیگیری از طریق دادگاه توانسته اصل مبلغ یک میلیون تومان را از نفر دوّم وصول نماید. در ظرف این مدّت سه سال، که نفر دوّم به تعهّد خود عمل ننموده و مبلغ مذکور در نزد او بوده، منافعی برای او داشته است و با مبلغ مذکور در سه سال پیش (بعد از اتمام روز معیّن) اتومبیلی خریده که بعد از سه سال، قیمت اتومبیل به دو میلیون تومان افزایش یافته است، آیا نفر اوّل می‌تواند منافعی که از این پول در این مدّت سه سال نصیب نفر دوّم شده است را از دادگاه مطالبه نماید، یا این که به عنوان خسارات ناشی از عدم اجرای بموقع تعهّد، از نفر دوّم چیزی طلب کند؟

جواب: منافع پول از آن وام‌گیرنده است؛ ولی اگر ضرر و زیانی به خاطر طرح

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۲۹۸

دعوی در دادگاه متوجّه طلبکار شده باشد می‌تواند از بدهکار بگیرد، همچنین اگر زمان تأخیر زیاد باشد و تورّم شدید بوده است باید مطابق مبلغ روز بپردازد.

سؤال ۸۷۱- ابرای دین، یعنی گذشتن از بدهی کسی، شبیه عقد لازم است، یا قابل بازگشت می‌باشد؟

جواب: ابراء لازم است، و قابل بازگشت نیست.

سؤال ۸۷۲- مستثنیات دین در ارتباط با شخص ورشکسته، که اموالش در توقیف طلبکار است، چیست؟

جواب: خانه و لوازم زندگی عادی و معمولی که در شأن اوست جزء مستثنیات دین می‌باشد؛ ولی داراییهای دیگر و سرمایه مطلقاً جزء مستثنیات نمی‌باشد.

سؤال ۸۷۳- مستثنیات دین در ارتباط با ضامن شخص ورشکسته چیست؟

جواب: در مستثنیات دین فرقی بین بدهکار اصلی و ضامن نیست.

سؤال ۸۷۴- شخصی در اثر گرفتاریهای بازاری در تجارت مقروض شده، و قدرت بر ادای دین ندارد، فقط یک باب خانه مسکونی که مدّت سی و پنج سال در آن ساکن است دارد، آیا طلبکار که وضع خوبی هم دارد می‌تواند این خانه را از دست بدهکار بگیرد؟ با این که شخص مدیون حاضر است تدریجاً و به اقساط دینش را ادا نماید.

جواب: خانه مسکونی در حدّ شأن را در مقابل بدهی کسی نمی‌توان از او گرفت، مگر این که خانه در مقابل طلب رهن باشد.

سؤال ۸۷۵- نظر مبارک در مستثنیات دین چیست؟ آیا تلفن، ماشین و مانند آن به هر قیمت که باشد جزء مستثنیات دین است؟

جواب: اگر در حدود شأن او باشد جزء مستثنیات است.

سؤال ۸۷۶- مستدعی است ضمن برشمردن مستثنیات دین مرقوم فرمایید، آیا کامیون و مانند آن، که تنها وسیله امرار معاش مدیون است، جزء مستثنیات دین می‌باشد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۲۹۹

جواب: اینها جزء مستثنیات دین نیست؛ ولی مرکب سواری جزء مستثنیات است.

سؤال ۸۷۷- اگر به فردی مدیون باشیم، و طلبکار به کشور دیگری مسافرت کند و محلّ او را ندانیم، با این دین چه کنیم؟ آیا کفایت می‌کند آن را در صندوق زکات مسجد بیندازیم، تا صرف مخارج مسجد گردد؟ یا آن را صدقه بدهیم؟

جواب: در صورتی که احتمال دسترسی به او را می‌دهید باید صبر کنید و تلاش نمایید تا او را پیدا کنید، و اگر مأیوس شدید از طرف او صدقه بدهید.

سؤال ۸۷۸- شخصی بدهکار است و اظهار می‌دارد توان پرداخت ندارم، لذا طلبکار می گوید: «چون امکان دارد شما تا یک سال دیگر نتوانید بدهی خود را پرداخت کنید، من به این شرط صبر می کنم که مبلغ بدهی را شما امروز به طلا تبدیل کنید» برای مثال مبلغ بدهی، امروز مساوی ۱۰ مثقال طلاست، و طبق این سخن بدهکار به هنگام پرداخت بدهی باید ۱۰ مثقال طلا بدهد، آیا این کار مشروع است؟

جواب: این عمل صحیح نیست؛ چون هم پول نسیه است و هم طلا؛ مگر این که بدهکار این مقدار طلا را تهیّه کرده و به عنوان ادای دین خود به او بدهد، سپس طلبکار آن را به او بازگرداند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۳۰۱

فصل بیست و ششم: احکام رهن

سؤال ۸۷۹- آیا در اخذ عین مرهونه، همین مقدار که در این زمان مرسوم است، یعنی سند را از طریق اداره ثبت اسناد توقیف می کنند، کافی است؟

جواب: اگر شخص گروگیرنده از این طریق بتواند عنداللّزوم طلب خود را از فروش عین مرهونه بردارد، همین مقدار که نوشته‌اید کافی است.

سؤال ۸۸۰- با توجّه به مقدّمه زیر به سؤالات بعد پاسخ دهید:

نحوه صدور احکام شرعی ممکن است به دو صورت باشد؛ یا شارع مقدّس «به عنوان شارع» حکمی صادر فرماید، یا «به عنوان یکی از عقلا» به صدور حکم اقدام نماید. احکام نیز به «اعتباری» و «تأسیسی» و «امضایی» تقسیم می‌شوند.

سیره عقلا با توجّه به زمان و مکان و پیشرفت‌های روز تغییر می‌نماید. به عنوان مثال در گذشته در باب رهن «عینیّت» شرط اساسی بود، ولی از آنجا که هدف از عقد رهن، اطمینان به وصول طلب است، امروزه سیره عقلا متحوّل شده و نه تنها عینیّت شرط نیست؛ بلکه تجّار و بانکها، اسناد تجاری را که به صورت دین می‌باشد بر هر مالی ترجیح می‌دهند؛ زیرا مزایای فراوان اسناد تجاری از قبیل سهولت، سرعت و اطمینان بر وصول، آن را بر اموال عینی برتری داده است، با توجّه به مراتب فوق، لطفاً به سؤالات زیر پاسخ فرمایید:

الف) در موردی که سیره عقلا دگرگون شود و منع خاصّی بر سیره جدید نباشد، با توجّه به آیه «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» و روایات مطلقه، آیا سیره جدید حجّیّت دارد و

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۳۰۲

فقهای عظام آن را می‌پذیرند؟ یا چون در شرع سابقه ندارد، مردود است؟

جواب: سیره باید به زمان معصومین (علیهم السلام) برسد؛ مگر این که مشمول عموم عام و یا الغای خصوصیّت از نصوص خاصّه شود که در واقع سیره نیست؛ بلکه تمسّک به عموم عام یا تنقیح مناط و الغای خصوصیّت است (دقّت کنید).

ب) در خصوص عینیّت مال مرهونه با توجّه به رویّه اکثریّت بانکها (حتّی بانکهای اسلامی) که اسناد تجاری را مانند چک و سفته به عنوان وثیقه و رهن می‌پذیرند، آیا رهن این اسناد صحیح است؟ شایان ذکر است که ممکن است این اسناد با عنوان ضمانت، تحویل ذی نفع گردد؛ ولی یقیناً رهن است؛ چون اشخاص قصد رهن و وثیقه را دارند، بعلاوه از شخص مدیون نیز چک یا سفته می گیرند و بدیهی است که کسی نمی‌تواند ضامن خود گردد.

جواب: این کار، یعنی وثیقه گرفتن اسناد تجاری که در میان عدّه‌ای معمول شده است، اشکالی ندارد، خواه رهن نامیده شود یا نامیده نشود. شاید آن موادّ قانونی که عینیّت را در رهن معتبر دانسته به خاطر عنوان رهن بوده است وگرنه اصل این گونه قراردادها هیچ گونه محذور شرعی ندارد. همچنین آنچه معمول است که بعضی از موجرین یک قطعه چک را برای تخلیه عین مستأجره در رأس مدّت، نزد موجر می‌گذارند، آن هم شرعاً اشکالی ندارد؛ هرچند نام رهن بر آن گذارده نشود.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۳۰۳

فصل بیست و هفتم: احکام ضامن شدن

سؤال ۸۸۱- شخصی مدیون است، بطوری که این دین شامل تمام اموالش می‌شود، در عین حال ضامن شخصی می‌شود؛ ولی طلبکار این مطلب را نمی‌داند و بعداً متوجّه می‌شود، آیا این ضمانت به قوّت خود باقی است و یا فسخ می‌گردد؟

جواب: در فرض مسأله طلبکار حقّ فسخ ضمانت را دارد؛ ولی اگر فسخ نکند به قوّت خود باقی است.

سؤال ۸۸۲- بنده شخصی را به عنوان کارگر به کارگاهی معرّفی کردم، متأسّفانه بعد از مدّتی مبلغی را از کارفرما سرقت نمود، با توجّه به اعتماد کارفرما به بنده، به عنوان معرِّف برای معرّفی کارگر مورد اطمینان، و این که اگر معرّفی بنده نبود این کارگر استخدام نمی‌شد، آیا بنده ضامن هستم؟

جواب: اگر شما کارگر مزبور را با زبان یا با عمل خود تضمین کرده‌اید، در برابر خسارتهایی که او وارد کرده ضامن هستید، همچنین اگر عرفاً صدق کند که شما سبب ضرر و زیان او شده‌اید؛ امّا اگر تنها به معرّفی او پرداخته‌اید و گفته‌اید تا آنجا که خبر دارید آدم درستی است، شما ضامن نیستید.

سؤال ۸۸۳- شخصی با مراجعه به دادگاه سند مالکیّت خود را به عنوان وثیقه در ضمانت یک زندانی گذاشته است؛ پس از چندی زندانی از مرخّصی اعطایی با همان ضمانت سوء استفاده نموده و فرار کرده است، آیا ضبط و فروش وثیقه مذکور شرعاً مجاز است؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۳۰۴

جواب: در صورتی که آن زندانی مدیون به دین یا دیه‌ای باشد و امید بازگشت او نرود و راهی برای وصول دین وجود نداشته باشد، می‌توان از قیمت وثیقه آن را تأمین کرد.

سؤال ۸۸۴- «زید» منزلی به «عمرو» می‌فروشد، فروشنده متعهّد می‌شود که سند مالکیّت ملک مزبور را به خریدار، به صورت رسمی، منتقل نماید و شخص ثالثی تعهّد می‌نماید که چنانچه فروشنده، سند را به نام خریدار انتقال ندهد، مبلغی به خریدار بپردازد و بابت آن، چکی به همان مبلغ، صادر و تحویل خریدار می‌دهد. حال فروشنده یا عمداً و یا به جهات دیگری که خارج از اختیار او می‌باشد از انتقال سند خودداری می‌کند.

و یا در فرض مذکور، فروشنده با توافق خریدار، متعهّد می‌شود که در مهلت مقرّر نسبت به تخلیه ملک اقدام نماید و شخص ثالثی تعهّد می‌نماید که در صورت عدم تخلیه ملک توسّط فروشنده در مدّت مقرّر، مبلغی را به خریدار بپردازد و بابت آن، چکی به کیفیّت مذکور، تحویل خریدار می‌دهد و تصادفاً فروشنده از تخلیه خودداری می‌نماید.

آیا تعهّد شخص ثالث در هر یک از دو فرض بالا، داخل در باب ضمانت می‌باشد، یا این که تعهّد مستقلّی است؟ و چنانچه تعهّد مستقلّی باشد، شرعی و الزام‌آور می‌باشد؟

جواب: ظاهراً تعهّد مزبور الزام‌آور است و ادلّه بطلان شرط ابتدایی شامل اینجا نمی‌شود.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۳۰۵

فصل بیست و هشتم: احکام کفالت

سؤال ۸۸۵- اگر عقد کفالت واقع شود، ولی در زمان احضار شخص متّهم، کفیل قدرت حاضر کردن او را نداشته باشد، آیا مسئولیّت کفیل در خصوص احضار متّهم منتفی می‌شود؟ لازم به ذکر است که صاحب جواهر در جلد ۲۶، صفحه ۲۰۲ و ۲۰۸ قول دوّم را اختیار کرده است.

جواب: در صورت عدم قدرت بر احضار متّهم مورد کفالت، احتیاط واجب آن است که حقّ مورد نزاع را بپردازد.

سؤال ۸۸۶- آیا می‌توان در عقد کفالت شرط نمود که در صورت ناتوانی کفیل از احضار شخص مورد کفالت، هیچ مسئولیّتی نداشته باشد، و در نتیجه موظّف نباشد که دین آن شخص را پرداخت نماید؟

جواب: جایز نیست، و این شرط با حقیقت کفالت سازگار نیست.

سؤال ۸۸۷- اگر کسی از شخص دیگری کفالت نماید و متّهم فرار کند، آیا کفیل را می‌توان زندانی نمود؟

جواب: اگر جانی محکوم به قصاص بوده می‌توان کفیل را زندانی نمود، تا به وسیله‌ای او را تحویل دهند.

سؤال ۸۸۸- آیا می‌توان کفیل را به خاطر معرّفی ننمودن فرد مورد کفالت حبس کرد؟ همان گونه که صاحب جواهر الکلام در جلد ۲۶، صفحه ۱۸۹ به این امر فتوا داده و آن را از «نهایه»، «سرائر»، «تحریر»، «ارشاد» و «روضه» نقل کرده است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۳۰۶

جواب: باید مهلتی به او داد تا فرد مورد کفالت را حاضر کند. اگر حاضر نکرد، جایز است او را زندانی کنند.

سؤال ۸۸۹- در صورتی که نظر حضرتعالی، موافق فتوای فوق باشد، حال اگر کفیل ممتنع را حبس کردیم، حدّ اکثر حبس چقدر است؟ اگر متّهم را معرّفی نکند، آیا تا ابد در حبس می‌ماند، یا این که مانند مادّه ۱۳۶ قانون آیین دادرسی کیفری، حدّ اکثر حبس وی یک سال است؟

جواب: در روایات اسلامی و کلمات فقها، حدّی برای این حبس تعیین نشده و ظاهر اطلاق نصوص و فتاوا دلیل بر این است که این حبس نامحدود است؛ ولی سه صورت را می‌توان از آن استثنا کرد.

الف) نخست این که ثابت شود که کفیل واقعاً از احضار مکفول عاجز و ناتوان شده است.

ب) دیگر این که حاضر شود حقّ مورد نزاع را شخصاً بپردازد.

ج) سوّم این که عناوین ثانویه‌ای ایجاب کند که او در زندان نماند.

شاید تنظیم کنندگان مادّه فوق، نظر به عناوین ثانویّه داشته‌اند؛ ولی به نظر ما راه اوّل و دوّم مقدّم است.

سؤال ۸۹۰- نظر به این که در کفالت ایجاب کفیل و حدّ اقل قبول مکفول له شرط است، در مواردی که شاکی به دادگاه مراجعه و طرح دعوا می‌کند، آیا دادگاه از باب این که امر رسیدگی به وی محوّل گردیده، مجاز است که به جای مکفول له، قبول را انجام دهد؟ (همان گونه که این مطلب از فتوای بعضی از فقها، که کفالت را در تعزیرات جایز می‌دانند، استفاده می‌گردد). و در صورتی که دادگاه مجاز است، آیا می‌تواند قبول کفالت را به پاسگاه محوّل کند؟

جواب: عقد کفالت، مانند سایر عقود، قابل انجام از طریق وکالت است؛ و معمولًا مردمی که به دادگاهها مراجعه می‌کنند وکالت در این گونه امور را به

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۳۰۷

دادگاهها، یا کسانی که از سوی دادگاه وکالت دارند می‌سپارند.

سؤال ۸۹۱- آیا در صحّت عقد کفالت، تمکّن کفیل نسبت به احضار مکفول شرط است؟ به عبارت دیگر، اگر عقد کفالتی منعقد شد و متّهم آزاد گردد و بعداً فهمیدیم در زمان انعقاد عقد کفالت، کفیل تمکّن از احضار در آینده را نداشته است. آیا در این

صورت عقد کفالت باطل و کفیل هیچ‌گونه مسئولیّتی ندارد؟ آیا تمکّن کفیل شرط تکلیفی است یا شرط وضعی؟
جواب: ظاهر این است که قدرت واقعی بر احضار مکفول شرط وضعی است نه تکلیفی؛ مانند اشتراط قدرت بر تسلیم در بیع و اجاره و سایر عقود.
استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۳۰۹

فصل بیست و نهم: احکام ودیعه

سؤال ۸۹۲- شخصی قرآنی را از کسی به امانت گرفته و اکنون صاحب قرآن فوت نموده است، تکلیف این شخص چیست؟
جواب: باید امانت را به ورثه او بازگرداند.
سؤال ۸۹۳- اگر کسی چیزی را به امانت بگیرد و بعد نیّت کند که پس ندهد، ولی مدّتی بعد توبه کند، اگر بعد از توبه آن مال تلف گردد (بدون افراط و تفریط در نگهداری)، آیا یَد او یَد امانی است؟
جواب: بعد از توبه یَد او امانی است؛ مشروط بر این که در بازگرداندن امانت در تمام مدّت کوتاهی نکرده باشد.
سؤال ۸۹۴- خانمی گردنبند طلای خود را به من سپرد تا جهت تعویض زنجیر آن، آن را به مغازه طلافروشی ببرم. از آنجا که ایشان اصرار فراوانی کرد من قبول کردم، گردنبند را در کیف دستی خود نهاده و به مغازه طلافروشی رفتم، وقتی به مغازه رسیدم متوجّه شدم گردنبند در کیف نیست، آیا من ضامن هستم؟
جواب: چنانچه شما در حفظ گردنبند سهل‌انگاری یا کوتاهی کرده‌اید ضامن هستید، در غیر این صورت ضامن نمی‌باشید و اگر شک دارید با یکدیگر مصالحه کنید.
استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۳۱۱

فصل سی‌ام: احکام نکاح

صیغه عقد

سؤال ۸۹۵- در چه صورت می‌توان صیغه را به زبان غیر عربی خواند؟
جواب: در صورتی که توانایی بر صیغه عربی نداشته باشد؛ خواه دسترسی به وکیل عربی‌دان داشته باشد یا نه.
سؤال ۸۹۶- اگر صیغه به زبان غیر عربی خوانده شود، آیا عبارتی که خوانده می‌شود، باید حتماً مطابق عبارت عربی باشد؟
جواب: همین مقدار که زن به مرد برای خواندن عقد وکالت دهد، و مرد بگوید: «این زن را برای همیشه، یا برای فلان مدّت، به فلان مبلغ مهریّه به عقد خود درآوردم» و بعد بگوید: «از سوی خودم قبول کردم»، کافی است.
سؤال ۸۹۷- مردی می‌خواهد با زنی ازدواج موقّت نماید، آیا مرد می‌تواند تمام صیغه را خودش بخواند؟
جواب: از جواب بالا معلوم شد که می‌تواند.
سؤال ۸۹۸- آیا اجرای صیغه عقد دائم، یا غیر دائم از طریق مکالمه تلفنی و امثال آن، توسّط مرد و زن، یا وکیل آن دو صحیح است؟
جواب: هرگاه شرایط رعایت شود، اشکالی ندارد.
سؤال ۸۹۹- نظر شریفتان راجع به عقد معاطاتی نکاح چیست؟ منظور این است که معیار حلّیّت در نکاح، آیا صرفاً لفظ «انکحت» و مانند آن می‌باشد، یا این که فقط

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۳۱۲

نیّت و قصد انشا و رضایت قلبی طرفین کفایت می‌کند؟ اگر ملاک روح توافق و قصد انشای طرفین است، در این فرض چه لزومی به ادای الفاظ مخصوص است؟ بویژه آن که به جای آن الفاظ مخصوص، می‌توان به وسیله حرکات نیز از قصد و رضایت طرفین مطّلع شد.

جواب: اوّل این که درست است که عقد نکاح از نظر قرارداد مانند سایر عقود است؛ ولی اجماع علمای اسلام بر این است که در نکاح باید صیغه عقد خوانده شود و روایات نیز شاهد بر اعتبار صیغه است؛ بلکه در میان عقلای اهل عرف نیز همیشه در عقد نکاح نوعی قرارداد لفظی یا کتبی وجود داشته و دارد و این نشان می‌دهد که نکاح وضعی مخصوص به خود دارد.

دوّم این که معروف در میان فقها این است که نکاح به عبادات شبیه‌تر است تا به معاملات؛ منظور این است که نکاح در شرع مقدّس قیود تعبّدی زیادی دارد که آن را شبیه به عبادات می‌کند که جنبه توقیفی دارد.

سؤال ۹۰۰- بعضی از سردفتران ازدواج به گمان این که چون لفظ «انکحت و زوّجت» گاهی بنفسه و گاهی به حروف «مِن» و «باء» متعدّی می‌شود، در جواب «أنکحت موکّلتی فلانهٔ من موکلك فلان» این طور می‌خوانند «قبلت النکاح من موکلی، و یا قبلت التزویج بموکّلی» با این که به آنها تذکّر داده می‌شود که این عبارت غلط است و باید گفته شود «قبلت النکاح یا قبلت التزویج لموکّلی» باز به اشتباه خود ادامه می‌دهند. خواهشمند است مرقوم فرمایید در صورت غلط بودن چنین صیغه‌ای، آیا عقد صحیح است؟

جواب: اجرای عقد با صیغه مزبور اشکالی ندارد؛ هرچند بهتر است که صیغه بطور صحیح‌تر، طبق موازین ادبیّات عرب خوانده شود.

شرایط عقد نکاح

سؤال ۹۰۱- آیا زن می‌تواند در موقع اجرای عقد نکاح با شوهر شرط کند که امر

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۳۱۳

تدریس یا درس خواندن را همچنان ادامه دهد و در جلسات مختلف شرکت کند؟

جواب: مانعی ندارد.

سؤال ۹۰۲- آیا شرایط نکاح باید در متن عقد ذکر شود، یا در خارج عقد؟

جواب: شرایط باید در متن عقد باشد؛ مگر این که قبلًا بر آن توافق شود و عقد را مبنی بر آن شرایط بخوانند.

سؤال ۹۰۳- اگر زنی خواسته باشد با مردی با این شرط ازدواج کند که مرد او را در طلاق دادن از طرف خود وکیل کند، آیا چنین شرطی صحیح است؟ آیا این شرط در ضمنِ عقد ازدواج هم تحقّق می‌یابد؟ یا باید در ضمن یک معامله لازم دیگری تحقّق یابد؟

جواب: این شرط می‌تواند در ضمن عقد ازدواج، یا عقد لازم دیگری باشد.

سؤال ۹۰۴- آیا زن می‌تواند حق وکالت در طلاق دادن از طرف مرد را نه برای خود، بلکه برای یک فرد ثالث، مثلًا برای پدر خود، به عنوان شرط عقد ازدواج قرار بدهد؟ آیا در این صورت نیز چنین شرطی در ضمن عقد ازدواج تحقّق می‌یابد، یا باید در ضمن معامله مستقلّ دیگری تحقّق یابد؟ و آیا زن بعد از عقد ازدواج می‌تواند حقّ وکالت در طلاق را برای خود، یا فرد ثالثی در ضمن معامله‌ای، یا مستقلًّا از شوهرش بگیرد؟

جواب: قرار دادن وکالت برای فرد ثالث در عقد ازدواج اشکال ندارد، و بعداً نیز می‌توان آن را در ضمن معامله دیگری، هرچند بعد از ازدواج باشد، قرار داد.

سؤال ۹۰۵- همان طور که امروز در ازدواجها معمول است ازدواج دوّم مرد باید با اذن و رضایت همسر اوّل باشد، آیا این شرط واجب العمل است؟ هرچند زن نتواند مرد خود را تأمین کند، یا از خواسته او سرباززند، یا از او دوری گزینند.

جواب: ازدواج دوّم مشروط به اجازه همسر اوّل نیست؛ ولی دادگاهها معمولًا به خاطر مسائلی که بر اثر ازدواج دوّم بدون قید و شرط حاصل می‌شود،

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۳۱۴

محدودیّتهایی برای آن قائل هستند.

سؤال ۹۰۶- زوجین توافق می‌نمایند که اختیار طلاق مطلقاً با زوجه باشد؛ آیا چنین شرطی منافات با مقتضای عقد دائم ندارد؟

جواب: تنها در صورت شرط وکالت زن از طرف مرد این کار صحیح است، نه شرط واگذاری طلاق به زن.

سؤال ۹۰۷- آیا مرد می‌تواند در ضمن عقد نکاح، حقّ ازدواج مجدّد را از خود سلب نماید، یا تعهّد نماید که ازدواج مجدّد نکند؟ آیا این شرط از شروط مخالف کتاب خدا می‌باشد؟

جواب: این شرط صحیح نیست؛ ولی می‌توان شرط کرد که در صورت ازدواج مجدّد، زن وکالت در طلاق خود داشته باشد.

سؤال ۹۰۸- چنانچه زوج در سند ازدواج شرط کند که ازدواج مجدّد ننماید و این شرط مطلق باشد، پس از آن برای یک روز زنی را به عقد موقّت خود درآورد، آیا در این فرض با شرط مذکور مخالفت شده است؟

جواب: اگر منظور شرط وکالت طلاق است که در عقد نامه‌های کنونی در این گونه موارد به زوجه داده می‌شود، ظاهراً شامل چنین ازدواج کوتاه مدّتی نمی‌شود.

سؤال ۹۰۹- آیا مرد در ازدواج دائم می‌تواند شرط کند که تأمین مخارج زن بطور دائم یا تا مدّتی بر عهده او نباشد؟

جواب: این شرط اشکال دارد؛ ولی زن می‌تواند نفقه خود را به او ببخشد.

سؤال ۹۱۰- اگر زن مهریّه خود را به مردش ببخشد و بگوید: «به شرط آن که تا وقتی که من زنده هستم زن دوّمی نگیری»؛ در این صورت:

الف) آیا این شرط از نظر شرعی صحیح است؟

جواب: اشکالی ندارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۳۱۵

ب) آیا در طول عمل کردن مرد به این شرط مهریّه از گردن او ساقط می‌شود؟ و اگر مرد خلاف شرط عمل کند، زن اوّل و زن دوّم نسبت به مرد چه حکمی پیدا می‌کنند؟ آیا زن دوّم حرام می‌شود؟

جواب: چنانچه مرد از این شرط تخلّف کند و ازدواج نماید ازدواجش صحیح است؛ ولی زن می‌تواند مهریّه‌اش را بازپس بگیرد، بنابراین زن دوّم حرام نیست.

سؤال ۹۱۱- شخصی جهت ازدواج از دختری خواستگاری می‌کند، خانواده عروس از اوّل با داماد شرط می‌کند که مثلًا مقدار ۵۰ من برنج، چند عدد روغن بزرگ و فلان مقدار چیزهای دیگر جهت خرج مطبخ، یا یک‌صد هزار تومان پول باید بدهد، در صورتی که داماد شرایط فوق را بپذیرد آیا عمل به آن لازم است؟

جواب: هرگاه در ضمن عقد یا قبل از آن شرط کرده باشند صحیح و لازم الاجراست و باید بپذیرد.

سؤال ۹۱۲- با توجّه به این که طبق مادّه ۱۵ بند ۳ کنوانسیون محو اشکال تبعیض علیه زنان، کلّیّه قراردادها و اسناد خصوصی که در جهت محدود کردن اختیارات و اهلیّت قانونی زنان است ملغی اعلام می‌شود، آیا زن و مرد هنگام ازدواج می‌توانند شروطی را در ضمن عقد بگنجانند که مفاد آن محدود کردن اختیارات همسر باشد؟

جواب: در بعضی از موارد می‌توان از طریق شرطی حقّ همسر را محدود کرد، مانند حقّ سکنی و امثال آن؛ امّا در مواردی که شرط بر خلاف کتاب و سنّت یا مقتضای عقد باشد جایز نیست، خلاصه موارد مختلف است.

اولیای عقد

سؤال ۹۱۳- اگر در نکاح منقطع باکره بالغه رشیده، بنا بر دخول نداشته باشد، یا زن شرط عدم دخول نماید، اذن ولی شرط است؟

جواب: اذن ولیّ در تمام موارد شرط است، بنابر احتیاط واجب.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۳۱۶

سؤال ۹۱۴- شخصی مایل به ازدواج با دختری است که خودش او را پسندیده است، امّا والدین او فرد دیگری را در نظر دارند، اگر با او ازدواج نکند شاید و یا حتماً باعث ناراحتی پدر و مادر می‌گردد. در این صورت آیا اطاعت از آنها لازم و واجب است؟

جواب: رعایت نظر پدر و مادر در این گونه مسائل واجب نیست؛ ولی اگر بتواند موافقت آنها را جلب کند بهتر است.

سؤال ۹۱۵- دختر باکره‌ای که عقل و شعور کافی دارد و به سنّ بلوغ رسیده، آیا می‌تواند بدون اذن پدر، خود را به عقد دائم و یا موقّت مردی درآورد؟

جواب: جایز نیست، بنابر احتیاط واجب.

سؤال ۹۱۶- دختر و پسری روابط نامشروع داشته‌اند، که در نتیجه منجر به حامله شدن دختر می‌شود و در هفت ماهگی به وسیله پسر سقط جنین انجام می‌شود، آیا ازدواج ایشان از نظر شرعی، با توجّه به این که پدر دختر موافق نیست، جایز است؟

جواب: در اینجا اجازه پدر شرط نیست؛ ولی بهتر است با موافقت او اقدام کنند.

سؤال ۹۱۷- می‌خواهیم دختری را به عقد موقّت درآوریم؛ ولی نمی‌دانیم پدر او راضی است یا نه؟ اگر دختر بگوید: «پدرم راضی است» حرف او قابل قبول است؟

جواب: احتیاط آن است که خودتان از پدر دختر اجازه بگیرید.

سؤال ۹۱۸- در بعضی مواقع پسران و دختران مجرّد، که رشید می‌باشند، به اتّفاق هم به حقیر مراجعه و اعلام می‌نمایند که چندین بار خانواده پسر به خانواده دختر جهت امر مقدّس ازدواج مراجعه کرده‌اند، امّا پدر دختر بدون جهت با ازدواج نامبردگان مخالفت می‌نماید، که این امر باعث افسردگی روحی دختر و پسر، که اغلب بالای سنین ۲۰ سال می‌باشند، شده و طرفین اصرار شدید جهت اجرای صیغه عقد بدون اذن ولیّ زوجه دارند و اعلام می‌کنند که در عسر و حرج خاصّی به

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۳۱۷

سر می‌برند، آیا در اینجا اذن پدر ساقط است؟

جواب: اگر شوهری که برای دختر پیدا شده شرعاً و عرفاً کفو و مناسب او باشد، پدر حقّ مخالفت ندارد؛ ولی باید تحقیق کرد که آیا پدر دلیلی برای مخالفت خود دارد یا نه؟

سؤال ۹۱۹- دختری ۲۳ ساله و دارای مدرک تحصیلی لیسانس هستم، مدت یک سال است فارغ التحصیل شده ام و به علت نیافتن شغل مناسب در خانه به سر می‌برم. از زمانی که به خاطر دارم مادرم به دلایلی، که برای هیچ فرد عاقلی قابل قبول نیست، خواستگارانم را جواب می‌کند، حتی بدون این که من یا پدرم اطّلاع داشته باشیم. در آن زمان چون مشغول به تحصیل بودم و خود نیز تمایلی به ازدواج نداشتم، این امر چندان برایم مهم نبود، ولی حالا که تصمیم به ازدواج با شخص مؤمن و متعهدی، که پسر عمّه ام نیز می‌باشد، گرفته ام مخالفت غیر منطقی و اخلاق ناسازگار مادرم برایم مشکل‌ساز شده است. جوان مورد نظر که به همراه خانواده‌اش از من خواستگاری کرده، از هر جهت مورد اطمینان و قابل قبول تمامی کسانی است که او را می‌شناسند، و از آن که پدرم تحت نفوذ مادرم می‌باشد با حرف ایشان مخالفت نمی‌کند، آیا در چنین صورتی اجازه والدین شرط است؟

جواب: در صورتی که خواستگار، از نظر دینی و جهات اجتماعی، کفو و هم‌شأن بوده باشد، مخالفت پدر ضرری ندارد و رضایت

مادر نیز شرط نمی‌باشد.

سؤال ۹۲۰- اگر پدری دختر ۲ ساله خود را به عقد پسری درآورد و دختر پس از بلوغ بگوید: «به این ازدواج راضی نیستم» حکم شرعی چنین ازدواجی چیست؟

جواب: در صورتی که ازدواج مذکور در آن زمان که صورت گرفته به مصلحت دختر بوده باید آن را بپذیرد؛ ولی اگر مصلحت او نبوده، ازدواج مزبور از اصل باطل است، و غالباً در عصر و زمان ما ازدواج دختران کوچک توسّط پدرها به مصلحت آنان نیست.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۳۱۸

سؤال ۹۲۱- اجازه پدر در ازدواج دختر تا چه حدّی لازم است؟ اگر پدر مانع ازدواج دختر شود، در حالی که دختر در اثر ترک ازدواج به گناه می‌افتد، چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که همسر مناسب شرعی و عرفی پیدا شود و پدر مخالفت کند رضایت او شرط نیست.

سؤال ۹۲۲- آیا پدر در امر ازدواج بر فرزند صغیر ولایت دارد؟

جواب: با توجّه به این که ولایت پدر منوط به مصلحت صغیر است و در عصر و زمان ما غالباً غبطه و مصالح صغیر در ازدواج نمی‌باشد، بنابراین پدران جز در موارد استثنایی حق ندارند صغیر یا صغیره را به عقد کسی درآورند.

ازدواجهای مجاز و غیر مجاز

سؤال ۹۲۳- آیا مرد می‌تواند با خواهر همسر خود ازدواج کند؟ با فرض این که همسرش بیماری داشته باشد و اجازه این ازدواج را به او بدهد.

جواب: مادام که آن خواهر در زوجیّت اوست ازدواج با خواهر دیگر حرام است؛ خواه اجازه بدهد یا ندهد.

سؤال ۹۲۴- در قضیّه جمع بین اختین در نکاح، در صورت حیات یکی، حرمت عقد و ازدواج با خواهر دیگر روشن است. حال اگر مردی به شکل صوری موقّتاً یکی را طلاق بدهد و در منزل نگهدارد و با خواهرش ازدواج نماید، آیا این کار در شرع انور جایز است؟ ضمناً بعد از طلاق سوّم در ازدواج که محلّل لازم است، آیا بین عقد دائم و موقّت تفاوتی هست؟

جواب: اگر جدّاً نیّت طلاق کند بعد از عدّه می‌تواند با خواهرش ازدواج کند و بعد از طلاق سوّم احتیاج به محلّل است؛ ولی اگر به صورت عقد موقّت باشد هرچند بار تکرار شود، محلّل لازم نیست.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۳۱۹

سؤال ۹۲۵- آیا با دختر خوانده می‌توان ازدواج کرد؟

جواب: در صورتی که رابطه نسبی و سببی نداشته باشد اشکالی ندارد.

سؤال ۹۲۶- مرد متأهّل و زن شوهرداری شدیداً به یکدیگر علاقه‌مند می‌شوند و معاشرتهای غیر شرعی نیز داشته‌اند؛ برای این که این علاقه مشروع باشد، زن از شوهر خود جدا و به عقد مرد مزبور در می‌آید، پس از هشت سال از این ماجرا، متوجّه مسأله‌ای می‌شوند که به موجب آن عقد این دو نفر جایز نبوده است؛ ولی از فرط علاقه‌ای که به یکدیگر دارند نمی‌توانند از یکدیگر جدا شوند، به گونه‌ای که تلاشهای آنان برای ترک این علاقه، به بیماری آنها منجر شده است. لطفاً بفرمایید آیا راه حلّ شرعی یا پرداخت کفّاره‌ای وجود دارد که اینها بتوانند به زندگی مشترک خود ادامه دهند؟

جواب: در صورتی که قبل از ازدواج و در زمانی که زن در عقد شوهر اوّل بوده، مرتکب زنا و آمیزش شده‌اند، آن دو بر یکدیگر حرام هستند بنابر احتیاط واجب و باید از هم جدا شوند؛ ولی اگر معاشرتهای آنان در آن زمان، در حدّ آمیزش نبوده است، ازدواجشان اشکالی ندارد.

سؤال ۹۲۷- ازدواج کردن با زنانی که اشتهار به زنا دارند، حرام است یا مکروه؟ اگر حرام نیست، آیا این گونه زنان مرتد هستند؟ آیا واجب است قبل از ازدواج از اعتقادات آنها تحقیق شود؟

جواب: این گونه زنان مرتد نیستند؛ بلکه مسلمان معصیت‌کارند و پرسش از اعتقادات قبل از ازدواج لازم نیست و امّا ازدواج با زنان مشهوره به زنا، احتیاط لازم در ترک است؛ مگر این که واقعاً توبه کنند و راه سابق را ترک نمایند.

سؤال ۹۲۸- با توجّه به این که در مبحث لعان، پس از انجام تشریفات ملاعنه، رابطه نسبی بین پدر و ارحام پدری با فرزند قطع می‌شود، آیا ازدواج فرزند با عمّه سابق خود که با لعان رابطه نسبی‌اش با این فرزند قطع شده صحیح است؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۳۲۰

جواب: ظاهراً اشکالی ندارد؛ هرچند احتیاط ترک آن است.

سؤال ۹۲۹- چند سالی است که در محافل و رسانه‌ها، از سوی اهل فنّ و علم اعلام می‌گردد که از ازدواجهای فامیلی، بخصوص ازدواج پسر عمو با دختر عمو و امثال آن، خودداری شود، در این صورت لطفاً بفرمایید:

الف) ازدواج حضرت علی (علیه السلام)، با دختر پسر عموی خویش، حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) که به سفارش و با موافقت پیامبر (صلی الله علیه و آله) واقع گردیده، چگونه توجیه می‌گردد؟ آیا صرف نظر از تمامی مسائل، این خود یک امر تبلیغی برای این گونه ازدواجها نیست؟

ب) دین اسلام که کاملترین دینهاست و درباره تمامی آداب و رفتار و اعمال انسانها حکم لازم را منظور و تبیین فرموده است، آیا در خصوص موضوع مورد سؤال، حکمی دارد؟

جواب: در بعضی از روایات اسلامی از ازدواج فامیل‌های نزدیک نهی شده و در حدیثی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می‌خوانیم که فرمود: «این کار را نکنید که مایه ناتوانی فرزند می‌شود؛» «۱» ولی هر قاعده کلّی استثنایی دارد و گاه دیده‌ایم که حاصل ازدواج فامیلی فرزندان بسیار باهوش و سالم بوده است و ازدواج آن دو بزرگوار نیز از این استثناهاست.

سؤال ۹۳۰- آیا خواهر، مادر و دختر لواطکننده بر لواط دهنده حرام می‌باشند؟ در صورت نابالغ بودن طرفین، یا شک در دخول چه حکمی دارد؟

جواب: مادر، خواهر و دختر لواطکننده بر لواط دهنده حرام نیست؛ ولی عکس آن، یعنی مادر، خواهر و دختر لواط دهنده بر لواطکننده حرام است، به شرط آن که یقین به دخول حاصل شده باشد و لواطکننده بالغ باشد.

سؤال ۹۳۱- دادن دختر به دراویش و صوفیّه و گرفتن دختر از آنان چه حکمی دارد؟

شیرازی، ناصر مکارم، استفتاءات جدید (مکارم)، ۳ جلد، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم - ایران، دوم، ۱۴۲۷ ه ق استفتاءات جدید (مکارم)؛ ج۲، ص: ۳۲۰

---

(۱). القواعد و الفوائد، جلد اوّل، صفحه ۳۸۱، قاعده ۱۴۷؛ و الحدائق النّاضرة، جلد ۲۳، صفحه ۱۸؛ و نهایة الاحکام، جلد ۳، صفحه ۱۰۶، و تذکرة الفقهاء، جلد ۲، صفحه ۵۶۹؛ و تلخیص الحبیر ابن حجر عسقلانی، جلد ۳، صفحه ۱۴۶.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۳۲۱

جواب: هرگاه توبه کنند مانعی ندارد.

سؤال ۹۳۲- با توجّه به این که طبق مادّه ۱۶ بند ۳ کنوانسیون محو اشکال تبعیض علیه زنان، ازدواج کودک غیر قانونی اعلام شده، و کودک در عرف بین المللی به کمتر از ۱۸ سال اطلاق می‌شود، ازدواج دختران کمتر از ۱۸ سال چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که بالغ شرعی باشند و نیز رشد جسمانی، و رشد کافی عقلی برای تصمیم گیری در امر ازدواج داشته باشند، مانعی ندارد.

محارم

سؤال ۹۳۳- همسر حقیر هفت سال پیش فوت نمود. پس از سر و سامان دادن فرزندانم و سپری شدن هفت سال از فقدان وی، در مشهد مقدّس تجدید فراش کردم و با خانم مؤمنه و صالحه‌ای ازدواج نمودم. مستدعی است بفرمایید آیا بنده نسبت به دختران و عروسی که دارند محرم هستم؟ و فرزندان من نسبت به ایشان چطور؟

جواب: شما نسبت به دختران همسرتان محرم هستید (البتّه بعد از عروسی و دخول با همسرتان) و امّا نسبت به عروسهای او محرم نیستید، فرزندان شما نیز نسبت به همسر جدیدتان محرم هستند.

سؤال ۹۳۴- اگر از نظر طبّی این امکان فراهم گردد که همانند سایر اعضا بتوان تخمدان یک زن را به زن دیگر پیوند نمود، در این صورت اگر زن دوّم (دریافت‌کننده پیوند) در اثر ازدواج صاحب فرزند شود، با توجّه به این که نطفه، حاصلِ لقاح سلولهای زایای مرد (اسپرم) با سلولهای زایای موجود در تخمدان (تخمک) زن اوّل است و طبیعتاً از نظر وراثت و خصوصیّات فردی و ژنتیکی، پنجاه درصد متعلّق به زن اوّل است. حال از نظر شرعی، مسأله محارم شوهر و زن اوّل و دوّم و محارم فرزند چگونه است؟ آیا رابطه محارم در مورد وابستگان به زن اوّل برقرار است، یا زن دوّم، یا هر دو؟ لطفاً نظر شرعی خود را بیان فرمایید.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۳۲۲

جواب: در صورتی که تخمدان زنی را به دیگری پیوند بزنند و جزء بدن او شود، یعنی پیوند کاملًا بگیرد، در این صورت هرچه از آن متولّد شود متعلّق به زن دوّم است، و رابطه‌ای با زن اوّل ندارد.

سؤال ۹۳۵- آیا زن پدر نسبت به فرزندان دختر و پسر شوهر خود که از زن دیگری می‌باشند محرم است؟

جواب: همه با هم محرمند.

سؤال ۹۳۶- زن و شوهری صاحب اولاد نمی‌شوند، اگر بخواهند بچّه‌ای از شیرخوارگاه اختیار کنند برای محرم شدن با مرد و زن چه راه شرعی وجود دارد؟

جواب: اگر دختر باشد و پدر آن مرد در حیات باشد می‌تواند عقد موقّت آن دختر را با اجازه حاکم شرع، برای پدر خویش بخواند تا حکم زن پدر را پیدا کند و محرم شود. و اگر خواهر آن مرد شیر داشته باشد و آن بچّه شیرخوار باشد و از شیر آن خواهر بخورد (با شرایط لازم) حکم خواهرزاده‌اش را پیدا می کند و محرم می‌شود. و در صورتی که پسر باشد راه محرمیت همان است که از شیر خواهر یا مادر آن زن فاقد فرزند بخورد تا آن زن، خاله یا خواهر رضایی آن پسر شود و محرم گردد و اگر دوران شیرخوارگی پسر بچّه گذشته باشد راهی برای محرمیّت او نیست.

سؤال ۹۳۷- چون قرار است در آینده نزدیک فرزندی را از طریق اداره بهزیستی به عنوان فرزند خوانده (پسر یا دختر) جهت سرپرستی قبول نمایم، لذا خواهشمند است نظرات خود را پیرامون سؤالات ذیل مرقوم فرمایید.

الف) با توجّه به آیه ۵ سوره احزاب، نامگذاری فرزند به نام شخصی که فرزند را جهت سرپرستی قبول می‌نماید چه حکمی دارد؟

جواب: نباید چیزی بر خلاف واقع بگوید و او را فرزند خود بنامد؛ مگر این که ضرورتی ایجاب کند.

ب) از نظر شرعی رابطه مادر و پدر با فرزند خوانده (پسر یا دختر) با توجّه به

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۳۲۳

قضیّه محرمیّت چگونه می‌باشد؟ آیا خواندن صیغه محرمیّت کفایت می کند؟

جواب: صیغه محرمیّت در اینجا معنا ندارد؛ مگر آن فرزند مثلًا دختر باشد و او را با اجازه حاکم شرع به عقد موقّت پدر آن مرد درآورند تا نسبت به آن مرد به عنوان زن پدر محرم شود، یا در صورت پسر بودن آن فرزند، شیر خواهر یا مادرزن را بخورد.

ج) اگر در آینده به خواست خداوند فرزندی از پدر و مادر متولّد گردید (پسر یا دختر)، رابطه آنها از نظر محرمیّت با فرزند خوانده چگونه خواهد بود؟

جواب: اگر طبق مسأله قبل عمل کنند و زن پدر او شود به همه فرزندان او محرم می‌شود.

سؤال ۹۳۸- از نظر مشروع و نامشروع بودن فرزند، آیا گفته نماینده بهزیستی کفایت می‌نماید؟

جواب: آری؛ برای مشروعیّت کافی است.

سؤال ۹۳۹- کسی که زن برادرش را به خاطر دین، ایمان، تقوا، حیا، حجاب و عفّتش دوست دارد و نگاهش به او مانند خواهرش باشد و او را مانند خواهرش دوست داشته باشد لطفاً بفرمایید:

الف) آیا راهی برای محرم شدن با او وجود دارد؟ حکمش چیست؟

جواب: با حسن نیّتی که آن شخص دارد باید توجّه داشته باشد که این گونه مسائل دام شیطان است و گرفتاری دنیا و آخرت دارد و در انتظار محرم شدن نباشد، و رابطه‌اش در حدود عادی باشد.

ب) دست دادن (مصافحه) با زن برادر مذکور چه حکمی دارد؟

جواب: حرام است، و این نخستین گام به سوی افتادن در دام شیطان است.

سؤال ۹۴۰- زنی دو شوهر کرده و از هرکدام یک دختر دارد، آیا پدرِ پدر (جدّ پدری) هر یک از این دخترها به دختر دیگر محرم است؟ به عبارت دیگر، آیا مرد با ربیبه فرزندش محرم است؟

جواب: محرم نیست.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۳۲۴

موارد فسخ نکاح

سؤال ۹۴۱- تعریف «برص» که سبب جواز فسخ نکاح می‌شود چیست؟

جواب: برص به معنای پیسی است و آن یک نوع بیماری پوستی است که رنگ قسمتی از پوست بدن بر اثر آن سفید می‌شود.

سؤال ۹۴۲- لطفاً «کوری» را تعریف کنید؟

جواب: کوری آن است که مطلقاً چیزی را نبیند، یا بینایی بقدری کم باشد که به حساب نیاید؛ خواه چشم ظاهراً سالم باشد یا غیر سالم.

سؤال ۹۴۳- تعریف «خصا» را بیان فرمایید؟

جواب: خصا به معنای بیرون کشیدن و بیرون آوردن بیضه‌هاست و اگر بیضه‌ها را بطوری بکوبند که از کار بیفتد آن هم در حکم خصاست.

سؤال ۹۴۴- تعریف «جَبّ» چیست؟

جواب: جبّ آن است که آلت قطع شده باشد؛ بطوری که قادر بر دخول نباشد.

سؤال ۹۴۵- پدر و مادرم به اجبار مرا به عقد شخصی درآوردند، بعد از مدّتی که با او زندگی کردم متوجّه شدم که او شیعه نیست و مانع انجام فرایض دینی‌ام می‌گردد. او به من صریحاً دستور می‌دهد: «که باید به مذهب من درآیی، در غیر این صورت تو را خواهم کشت» تکلیف مرا روشن بفرمایید تا از این گرفتاری نجات یابم.

جواب: در فرض مسأله شما می‌توانید به دادگاه شکایت کنید، اگر او از کارش دست برنداشت و حاضر به طلاق نشد، حاکم شرع می‌تواند شما را طلاق دهد. و هرگاه ازدواج شما به اجبار بوده از اوّل باطل بوده است و احتیاج به طلاق ندارد و اگر شما راضی به ازدواج شده‌اید در حالی که او خود را به عنوان شیعه معرّفی کرده و از مذهب او آگاه نبوده‌اید، حقّ فسخ دارید و نیازی به طلاق نیست.

سؤال ۹۴۶- زوجه‌ای به علّت بیماری پیسی زوج (بیماری برص که در هر دو پا و هر دو دست اوست) از تناول غذا با زوج و نیز در انجام وظایف زناشویی با او کراهت

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۳۲۵

دارد. حال با توجّه به این که بیماری زوج مسلّم و مبتنی بر گواهی پزشکی قانونی است و با عنایت به این که اقوام و خویشاوندان زوجه به لحاظ بیماری زوج محدودیّت شدیدی در رفت و آمد خود قائل شده‌اند و تقریباً قطع رابطه نموده‌اند، و حتّی مردان آنها حاضر به دست دادن با زوج نیستند، آیا چنین وضعیّتی برای زوجه «عسر و حرج» محسوب می‌شود؟

جواب: اگر ترس آنها از سرایت بیماری مزبور از نظر پزشکی بجاست و پزشکان آن را تأیید می‌کنند، عسر و حرج در فرض بالا مسلّم است.

سؤال ۹۴۷- اگر زوجه، یا بستگان زوجه در ازدواج تدلیس کنند و پس از روشن شدن مسأله، نکاح فسخ شود (بعد از نزدیکی)، آیا زوج باید مهر زن را بدهد؟ اگر قبلًا پرداخت کرده باشد، می‌تواند بازپس گیرد؟

جواب: زوج باید تمام مهر را بدهد و می‌تواند به مدلِّس رجوع کند.

سؤال ۹۴۸- شخصی، از دختری که در افغانستان است برای پسرش که در ایران ساکن است خواستگاری می‌کند، دختر راضی می‌شود؛ مشروط بر این که تعریف و توصیف‌هایی که پدر داماد از پسرش کرده مطابق با واقع باشد، پس از آن که دختر به ایران می‌آید متوجّه می‌شود که آن توصیفها کاملًا دروغ بوده و پدر داماد عکس شخص دیگری را به عنوان عکس پسرش به دختر نشان داده و پسر خودش معیوب است، آیا عقدی که قبلًا در غیاب آنها جاری شده صحیح است؟

جواب: در فرض مسأله دختر حقّ فسخ دارد.

سؤال ۹۴۹- برای ازدواج این جانب، دوشیزه‌ای را از اقارب نسبی معرّفی نمودند. علی رغم قرابت، چون از کودکی ایشان در خارج از کشور زندگی می‌کردند، هیچ نوع آشنایی قبلی از یکدیگر نداشتیم.

از آنجا که شغل این جانب پزشکی است، از ابتدای تحصیلات وحشت زیادی از انواع بیماری‌ها، بویژه بیماریهای ارثی که به فرزند منتقل می‌شود داشته‌ام. مطابق

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۳۲۶

توصیه‌های علمی، بویژه در مورد ازدواج با اقارب نسبی، پس از تفهیم موضوع بیماریها و لزوم معاینات پزشکی و شرط صحّت کامل به دوشیزه خانم که او نیز خود را پزشک معرّفی نموده، با استقبال او و خانواده‌اش، دو بار به پزشک متخصّص مراجعه نمودیم و هر دو نفر مورد معاینه پزشکی قرار گرفتیم. خوشبختانه این جانب کاملًا سالم بودم و دوشیزه خانم و مادرشان هم از بیماری خود صحبتی نکردند و پزشک متخصّص بر مبنای سلامت کامل طرفین، توصیه به اجرای عقد نمود، سپس با خیال راحت از سلامتی کامل دوشیزه خانم و فرزندان آینده، عقد ازدواج دائم را منعقد نمودیم. پس از مدّتی از وقوع عقد و قبل از عروسی و دخول، دوشیزه خانم گفتند که بیماری خاصّی داشته‌اند، ولی نمی‌خواستند قبل از عقد بگویند و نیّت داشته‌اند که پس از عقد بگویند و به پزشک مربوطه هم چیزی نگفته‌اند. با فهمیدن نوع بیماری و مراجعه دوباره به پزشکان مربوطه، معلوم شد که بیماری دوشیزه خانم معالجه ندارد و این که بیماری مذکور قابل انتقال به فرزندانش هم می‌باشد. با توجّه به مقدّمه فوق به سؤالات ذیل پاسخ فرمایید:

الف) آیا این جانب می‌توانم عقد ازدواج دائم فوق الذکر را به دلیل عدم وجود شرایط ذکر شده از قبل، مبنی بر سلامت کامل زوجه و فرزندان آتی، فسخ نمایم؟

جواب: در فرض مسأله که نوشته‌اید شرایط مفقود بوده، می‌توانید عقد را فسخ کنید و در فرض مسأله، مهر واجب نیست.

ب) خساراتی در جریان عقد، از قبیل خرید هدایا و هزینه مراسمات و نفقه و مهریّه و مانند آن به این جانب وارد شده، آیا دوشیزه خانم ضامن آن خسارتها هستند؟ والدینش که معرّف و شاهد عقد بوده و از ابتدا از بیماری فرزندشان اطّلاع کامل داشته و از شرایط این جانب مبنی بر سلامت دوشیزه خانم، مطّلع بوده و پذیرفته بودند چطور؟

جواب: کلیّه اشیا و هدایایی که به اعتقاد صحّت عقد یعنی واجد بودن شرایط

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۳۲۷

ردّ و بدل شده به صاحبش برمی‌گردد و خسارات باید جبران شود؛ ولی عفو و گذشت در این گونه موارد بهتر است.

سؤال ۹۵۰- زوجه‌ای در دوران عقد متوجّه بیماری روحی و عصبی صعب العلاجی در همسرش می‌گردد، به گونه‌ای که عوارض بیماری (شوک‌های عصبی، ضعف شدید جسمی، بی‌ثباتی شخصیّتی، نابینایی موقّت، غش و مانند آن) زندگی را برای وی مخاطره‌آمیز ساخته است. حال، نظر به ترس و نگرانی زوجه از زندگی مشترک و ضرورت درمان طولانی چندساله و نبودن عزم جدّی بر معالجه در زوج و خانواده وی، آیا زوجه در چنین شرایطی شرعاً می‌تواند درخواست طلاق نماید؟ و در صورت جدایی آیا پرداخت مهریّه و نفقه بر عهده زوج است؟

جواب: در صورتی که قبلًا زوج و کسان او اظهار داشته‌اند که از سلامت کامل برخوردار است، زوجه می‌تواند به عنوان تدلیس، نکاح را فسخ کند، در غیر این صورت هرگاه ثابت شود زندگی با آن مرد مستلزم عسر و حرج شدید است، حق دارد از حاکم شرع تقاضای طلاق کند و طلاق در این صورت جنبه خلع خواهد داشت که معمولًا با بذل مهریّه انجام می‌شود؛ مگر این که با زوج توافق دیگری شود.

سؤال ۹۵۱- هرگاه شخصی به خواستگاری دختری برود و بگوید: «من همسر و فرزندی ندارم» و دختر با این شرط آماده ازدواج با او شود و بعد از عقد معلوم شود که مرد دروغ گفته است، آیا زن حقّ فسخ دارد؟

جواب: در تمام مواردی که مرد یا زن اظهار صفاتی کنند که موجب کمال باشد و یا حتّی موجب کمال نباشد؛ ولی رضایت طرف مقابل به خاطر وجود آن صفات باشد و بعداً کشف خلاف گردد، در تمام این موارد طرفی که اغفال شده خیار فسخ دارد و می‌تواند بدون طلاق عقد نکاح را بر هم بزند.

سؤال ۹۵۲- چنانچه مردی، پس از گذشت دو سال از زندگی مشترک زناشویی،

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۳۲۸

متوجّه شود که همسرش در طول دو سال گذشته با خدعه، بیماری‌های خویش را، که فلج مثانه و اگزیما بوده و از کودکی مبتلا به آنها می‌باشد، از شوهر پنهان کرده است، در حالی که در خطبه عقد خود را از هر گونه بیماری عاری معرّفی کرده است. خواهشمند است بفرمایید که در فرض مسأله آیا مرد پس از اطّلاع از حال همسرش حقّ فسخ دارد؟

جواب: در فرض مسأله، اگر مرد بعد از اطّلاع رضایت به این ازدواج نداده حقّ فسخ دارد. و ضرر و زیانهایی را که بر او وارده شده می‌تواند از کسانی که تدلیس کرده‌اند بگیرد.

سؤال ۹۵۳- پس از ازدواج معلوم شد که در قسمتهای بالای پای زوجه آثار سوختگی قدیمی بطور ضعیف به جا مانده است و از طرفی پرده بکارت از نوع گوشتی و بسیار ضخیم است که عمل دخول بدون اقدام به عمل جرّاحی ممکن نیست؛ در حالی که در خصوص سلامتی زوجه، قبل از ازدواج هیچ مذاکره‌ای انجام نشده است، آیا این مورد از موارد فسخ است و زوجه مستحقّ مهریّه

می‌باشد؟

جواب: در صورتی که با جرّاحی معمولی مشکل حل شود و عوارض خاصّی نداشته باشد، این مقدار عیب باعث فسخ نمی‌شود.

سؤال ۹۵۴- اگر حال شوهر بعد از عقد بر خلاف آنچه ادّعا کرده بود و عقد بر مبنای آن حال و شرایط اجرا گردیده بود، ظاهر گردد، آیا بازهم طلاق و فسخ به دست شوهر است؟ و اگر زن مهریّه را گرفته و بخواهد عقد را قبل از دخول فسخ کند، حکم مهریّه چیست؟

جواب: اگر زن شرایطی را بر مرد شرط کرده باشد و مرد از آن شرایط تخلّف کند، یا در بعضی صفات زن را فریفته باشد و خلاف آن ثابت شود، زن حقّ فسخ عقد را دارد و اگر قبل از دخول فسخ کند مستحقّ مهریّه نیست.

سؤال ۹۵۵- این جانب، سعیده، یک سال قبل به عقد دائمی آقای «ح» درآمدم.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۳۲۹

مدّت ۶ ماه در منزل شوهرم زندگی کردم؛ ولی او توان عمل زناشویی ندارد، بنده بعد از ۶ ماه به منزل پدرم برگشتم و فعلًا باکره هستم و پزشک قانونی هم به عدم توانایی آمیزش جنسی شوهرم نظر داده است، لطفاً بفرمایید:

الف) در این صورت آیا بنده می‌توانم عقد را فسخ نمایم، یا نیاز به طلاق دارم؟

جواب: شما باید از این تاریخ تا یک سال مهلت بدهید، اگر همسرتان معالجه شد و توانایی بر آمیزش جنسی و دخول پیدا کرد عقد به قوّت خود باقی است. در غیر این صورت می‌توانید فسخ کنید.

ب) در صورت فسخ، مهریّه و جهیزیّه‌ام، که فعلًا در دست شوهرم می‌باشد، متعلّق به کیست؟

جواب: جهیزیّه متعلق به شماست و حق نصف مهریّه را دارید.

سؤال ۹۵۶- اگر در مدّت یک سال مهلت به فرد عنین، زوجه از تمکین خودداری کند، آیا بعد از اتمام مدّت، زوجه حق فسخ دارد، یا باید مدّت بیشتری داده شود؟

جواب: چنانچه درمان او نیاز به همبستر شدن با زوجه دارد، در صورت عدم تمکین زوجه، باید مدّت تمکین تجدید شود.

سؤال ۹۵۷- این جانبه مدّت ۲ /۵ سال است به عقد دائم فردی درآمدم که به علّت ناتوانی جنسی قادر به تصاحب بنده نبوده و هنوز هم باکره می‌باشم. در این خصوص لطفاً به سؤالات این جانبه پاسخ دهید:

الف) آیا این جانبه شرعاً مستحقّ نفقه می‌باشم؟

ب) آیا این مورد از موارد فسخ نکاح است؟

ج) به هنگام انعقاد عقد، داشتن مدرک لیسانس جزء شروط ضمن عقد بوده که پس از عقد مشخّص گردید که زوج فاقد آن مدرک است. آیا این مورد هم موجب فسخ نکاح می‌شود؟

د) آنچه از حقوق شرعیّه، اعم از مهریّه و غیره، به بنده تعلّق می‌گیرد، مشروحاً

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۳۳۰

بیان فرمایید. ضمناً شروط ضمن عقد در عقدنامه تماماً به امضای طرفین رسیده است.

جواب: در صورتی که به عیب او رضایت نداده باشید، حقّ فسخ دارید و چنانچه حکم را نمی‌دانسته‌اید و فسخ نکرده‌اید و آماده تمکین بوده‌اید، حقّ نفقه دارید و همچنین در مورد مدرک لیسانس اگر کشف خلاف شده و شما راضی نشده‌اید، حقّ فسخ دارید و در صورت جدا شدن با فسخ، هرگاه عروسی نشده باشد حق مهر ندارید.

سؤال ۹۵۸- این جانبه در سن ۲۷ سالگی با آقای «ق»، که ۵۵ ساله است، ازدواج کردم. متأسّفانه بعد از ازدواج و آمیزش نامبرده مبتلا به بیماری عنن شده، لذا بنده از دادگاه تقاضای طلاق کرده‌ام؛ ولی شوهرم نمی‌خواهد طلاق بدهد، در حالی که در سنین

جوانی هستم، آیا شرعاً می‌توانم تقاضای طلاق کنم؟ اگر شوهر طلاق ندهد وظیفه زن در این مورد چیست؟

جواب: شما باید موضوع کار خود را با حاکم شرع در میان بگذارید تا یک سال به همسر شما مهلت دهد، اگر بعد از یک سال بیماری همچنان باقی بود و بیماری او قطعی و مسلّم شد، حق دارید نکاح را فسخ کنید و مهریّه را بگیرید.

سؤال ۹۵۹- زوجه مدّعی عنین بودن زوج است، ولی زوج برای نفی ادّعای زوجه حاضر نیست اعمالی از قبیل معاینه دکترهای عدول و مجامعت با زوجه انجام دهد و نیز حاضر نیست که نفقه زوجه را بدهد، حکم شرعی چنین زوجه‌ای را بیان فرمایید.

جواب: نسبت به ترک انفاق اگر زوج اصرار داشته باشد و حاضر به انجام وظیفه شرعی نشود حاکم شرع می‌تواند زوجه را مطلّقه سازد و یا حقّ او را از زوج بگیرد و نسبت به اتّهام عنین بودن اگر این امر از ابتدای زوجیّت بوده و زوج حاضر به آزمایش نشود و بر آن اصرار ورزد باز حاکم شرع می‌تواند زوجه را مطلّقه سازد. ضمناً توجّه داشته باشید هرگاه ثابت شود زوج عنین است باید یک

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۳۳۱

سال مهلت داد، اگر بیماری او خوب نشد زوجه حقّ فسخ دارد، و می‌تواند نصف مهر خود را بگیرد.

سؤال ۹۶۰- اگر زن و شوهری قبل از ازدواج و نزدیکی، یا بعد از ازدواج و دخول، به مرض جنون ادواری مبتلا شوند، آیا حقّ فسخ نکاح را دارند؟

جواب: احتیاط آن است که به فسخ قناعت نشود، زوج از طلاق استفاده کند و زن هم، در صورت موافقت زوج، از خلع استفاده کند.

سؤال ۹۶۱- زوج در موقع ازدواج، با اشتغال زوجه (که معلّم است) در خارج از منزل، موافقت کرده و متعهّد شده که مانع ادامه کار زوجه نشود. حال بعد از گذشت چند سال از زندگی و اشتغال زوجه، مانع از ادامه کار او گشته است، و چون در سند ازدواج، ضمانتی برای تخلّف از شرط قید نشده، زوجه تقاضای طلاق خود را به علّت تخلّف از شرط، به دادگاه تقدیم نموده است. آیا این خواسته زوجه در طلاق و جدایی از شوهر برای دادگاه قابل قبول می‌باشد؟

جواب: آری، اگر شوهر تخلّف از شرط کند، زوجه می‌تواند نکاح را فسخ کند.

سؤال ۹۶۲- مواردی که قبلًا بیان می‌شد که مرد می‌تواند عقد را به هم بزند، مانند بیماری برص (ویتیلیگو)، نقص مادرزادی، افضا، موانع مقاربت (مانع استخوانی، یا پرده پوستی و مانند آن) همگی امروزه با درمان قابل رفع می‌باشد. حال چنانچه مردی پس از ازدواج متوجّه موارد مذکور گردد، آیا بازهم اختیار برهم زدن عقد را دارد؟ چنانچه نیاز به درمان باشد، آیا درمان بر عهده زن و خانواده اوست، یا بر عهده شوهر است؟

جواب: هرگاه به سهولت قابل معالجه بوده باشد و زن با هزینه خود اقدام به درمان نماید، خیار فسخ جاری نیست.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۳۳۲

احکام عقد دائم

سؤال ۹۶۳- لطفاً به سؤالات زیر، پیرامون محدوده اطاعت زن از شوهرش، پاسخ فرمایید.

الف) آیا زوجه بدون رضایت زوج حقّ خروج از منزل را دارد؟

جواب: بنابر احتیاط واجب باید اجازه بگیرد؛ مگر برای کارهای واجب شرعی یا ضروری زندگی.

ب) در صورت ترک منزل، با وجود عدم رضایت زوج و تقاضای مکرّر بازگشت و عدم تمکین مشار الیها، آیا شرایط ناشزه بر وی محقّق می‌گردد؟

جواب: چنین زنی ناشزه است.

ج) در شرایط فوق، آیا زوجه استحقاق دریافت نفقه را دارد؟

جواب: قدر مسلّم از نشوز و عدم تمکین که موجب سلب حقّ نفقه می‌شود عدم تمکین در برابر تمتّعات جنسی است. بنابراین نفقه در فرض بالا، یعنی خروج از منزل، ساقط نمی‌شود (بنا بر احتیاط واجب).

سؤال ۹۶۴- آیا زن بدون رضایت شوهر می‌تواند برای فعّالیت‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، از منزل خارج شود؟

جواب: در صورتی که منافات با حقّ زوج نداشته باشد احتمالًا بتواند؛ ولی احتیاط در ترک آن است و در صورتی که زن در عقد ازدواج چنین حقّی را برای خود قائل شده باشد اشکال ندارد.

سؤال ۹۶۵- در صورت حالّ بودن (نقد) مهریّه، زوجه غیر مدخول بها حق دارد تا گرفتن مهریّه تمکین نکند؛ امّا آیا این حق را دارد که در غیر تمکین نیز از زوج اطاعت نکند؛ مثلًا منزل خانواده خود بماند، و هرجا خواست برود و هرکار خواست انجام دهد و با این حال می‌تواند مطالبه نفقه نماید؟

جواب: باید به وظایف دیگر خود عمل کند، تنها می‌تواند تمکین را منوط به

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۳۳۳

گرفتن مهر کند، آن هم در صورتی که مهر حالّ بوده و قرائن دلیل بر تأخیر آن نبوده است.

سؤال ۹۶۶- در صورتی که مرد با رفتن زنش به دانشگاه، اداره، و هر محیط دیگری مخالف باشد، زن شرعاً چه وظیفه‌ای دارد؟

جواب: باید رضایت شوهر را جلب کند؛ مگر این که در عقد ازدواج شرط کرده باشد.

سؤال ۹۶۷- شخصی ۱۲ سال قبل به عیال خود پیشنهاد می‌کند که از تهران به شهر دیگری مهاجرت کنند؛ ولی زن حاضر به این هجرت نمی‌شود و مرد به آن شهر هجرت می‌کند. اکنون مرد به بهانه این که زن اطاعت نکرده، نه نفقه می‌دهد و نه طلاق. آیا مرد حق دارد زن را در این مدّت طولانی بلاتکلیف رها کند؟

جواب: در صورتی که در ازدواج قرارداد خاصّی برای محلّ سکونت زن نباشد، زن موظّف است در محلّ سکونت تابع مرد باشد؛ مگر این که ضرر و زیان مهمّی برای او داشته باشد.

سؤال ۹۶۸- لطفاً به سؤالات ذیل پاسخ فرمایید:

الف) اگر شوهر اجازه اتّخاذ شغلی را به همسر خود دهد، آیا بعد از طیّ مراحل خاص و اشتغال، شوهر می‌تواند بگوید: «اجازه ادامه کار را نمی‌دهم»، و یا اجازه اوّل التزام به تمام لوازم آن می‌باشد؟ در این مورد آیا تفاوتی بین کار موقّت و دائم هست؟

جواب: هرگاه زن قراردادی با اجازه شوهر نسبت به مدّتی با اداره یا مؤسّسه‌ای بسته است، آن قرارداد لازم الاجراست و شوهر حقّ ممانعت ندارد و این در صورتی است که هنگام عقد، اجازه کار بیرون زن شرط نشده باشد و الّا احتیاجی به اجازه شوهر در عقد قرارداد نیست؛ ولی در هر حال باید شئون شوهر و خانواده را رعایت کند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۳۳۴

ب) آیا بین استخدام توسّط اشخاص حقیقی یا حقوقی، خصوصا دولتی، تفاوتی وجود دارد؟

جواب: تفاوتی ندارد.

ج) آیا بین کاری که با حقّ شوهر منافات داشته باشد، با شغلی که چنین منافاتی ندارد فرقی هست؟

جواب: در فرض بالا تفاوتی نیست.

د) آیا بین شغلی که با رها کردن آن به صاحب کار و یا دیگران لطمه جدّی می‌خورد، با شغلی که چنین نیست فرقی هست؟ (مثل ممنوعیّت زن از ادامه تدریس در وسط سال تحصیلی که باعث ضرر زدن به آموزشگاه و محصّلین می گردد).

جواب: در این فرض شوهر حقّ ممانعت ندارد.

سؤال ۹۶۹- آیا اطاعت نکردن زن از شوهر در غیر مسائل واجب و مستحب حرام است؟

جواب: اطاعت زن از شوهر مربوط به حقوق زناشویی و بیرون رفتن از منزل است، در کارهای دیگر اطاعت بر او واجب نیست، هرچند بهتر است که زن و مرد در تمام مسائل با هم تفاهم داشته باشند.

سؤال ۹۷۰- چنانچه در امور عادی و مباح نظر پدر دختر و شوهر متفاوت باشد، ترجیح با کدام است؟

جواب: در فرض مسأله اطاعت هیچ کدام لازم نیست؛ مگر این که مایه اذیّت و آزار پدر گردد، که در این صورت اطاعت او واجب است.

سؤال ۹۷۱- زنی پس از فوت همسرش، با برادر شوهرش ازدواج می‌کند، آیا می‌تواند پنجشنبه‌ها برای قرائت فاتحه به مزار شوهر اوّل برود؟

جواب: با اجازه شوهر اشکال ندارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۳۳۵

سؤال ۹۷۲- آیا زنان می‌توانند بدون اجازه و رضایت همسران خویش، که افرادی مؤمن و متدیّن می‌باشند، در مسجد فعّالیت نمایند؟ بطوری که کاملًا امورات یک مسجد را به دست گیرند؛ در حالی که این عمل موجب اختلاف در بین اعضای خانواده می‌شود.

جواب: بدون اجازه همسر جایز نیست؛ ولی رفتن به مسجد برای فراگرفتن احکام و معارف دین جایز است.

سؤال ۹۷۳- زن موظّف نیست که در منزل کار کند، حتّی می‌تواند برای شیر دادن و پرورش طفل از شوهر اجرتی دریافت نماید، لکن چون در ایران رسم است که زن معمولًا کارهای خانه را انجام می‌دهد و پس از تولّد بچّه را نگهداری نموده و او را شیر می‌دهد، آیا می‌توان گفت که عقد مبتیاً علیها واقع شده و نتیجتاً زن باید کارهای معمولی خانه را انجام دهد و مزدی هم از شوهر طلبکار نیست، مگر جایی که خلاف آن ثابت شود؟

جواب: این گونه موارد عقد مبنیٌ علیه نیست تا حکم شرط ضمن العقد داشته باشد؛ ولی از آنجا که زنان و مردان در این گونه خانواده‌ها نسبت به خدمات اضافی هر دو قصد تبرّع دارند گرفتن اجرت المثل مشکل است؛ مگر در مقابل کارهایی از قبیل قالی‌بافی و شبیه آن، و یا در مواردی که از ابتدا شرط اجرت کند.

سؤال ۹۷۴- با توجّه به این که مورّخین مهریّه بزرگ بانوی اسلام، حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) را مختلف نقل کرده‌اند:

الف) یک زره جنگی به مبلغ ۴۸۰ درهم، به اضافه یک دست لباس کتانی و یک قطعه پوست گوسفند.

ب) چهارصد درهم.

ج) چهارصد مثقال نقره.

و از طرف دیگر با توجّه به روایت «جَعَلَ اللّهُ مَهْرَ فاطِمَةَ الزَّهْراء، شَفاعَةَ الْمُذْنِبینَ مِنْ

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۳۳۶

امَّةِ ابیها» «۱» که در اخبار اسلامی وارد است، آیا صرف تعیین مهریّه حضرت زهرا (علیها السلام) برای عروسان، بدون این که میزان ارزش زمان حال برآورد و معلوم شود، صحیح است؟

جواب: معروف است که مهر السّنهٔ، معادل پانصد درهم می‌باشد (هر درهم تقریباً چهارصد تومان است، که مجموعاً ۲۰۰ هزار تومان می‌شود) «۲» هرگاه در محیط زوجین این شهرت وجود داشته باشد کافی است و الّا باید تعیین کنند.

سؤال ۹۷۵- در صورت اختلاف زوجین در مقدار و وصف مهریّه، قول کدام یک ترجیح دارد و در صورتی که هیچ کدام جهت اثبات ادّعای خود دلیلی نداشته باشند، قول کدام یک مقدّم است؟

جواب: چنانچه زوج مدّعی مقدار کمتر است، قول او پذیرفته می‌شود؛ مگر این که دلیلی بر خلاف آن اقامه شود.

سؤال ۹۷۶- آیا در صورت فوت زوجه قبل از دخول، مهریّه وی نصف می گردد؟

جواب: تمام مهر را می‌برد؛ تنها طلاق است که سبب تنصیف می‌شود.

سؤال ۹۷۷- لطفاً نظر مبارک خویش را در خصوص این مسأله که اگر زوج در هنگام ازدواج جهیزیّه زوجه را از مال خودش تهیّه نماید. آیا در موقع طلاق زوجه حقّ مطالبه و استرداد چنین جهیزیّه‌ای را دارد یا خیر، بیان فرمایید.

جواب: اگر جهیزیّه را جزئی از مهر یا شرط ضمن العقد قرار دهد، نمی‌تواند بازپس بگیرد؛ ولی اگر هبه کرده قابل بازپس گرفتن است.

سؤال ۹۷۸- اگر زنی همسری اختیار کند و آن مرد را برای زن با صفات خوبی توصیف کرده باشند؛ ولی پس از عروسی مرد بگوید: «می‌خواهی نماز بخوان و نمی‌خواهی نخوان» و خود مرد نسبت به نماز بی‌اعتنا و تارك الصّلاة و نسبت به

---

(۱). احقاق الحق، جلد ۱۰، صفحه ۳۶۷.

(۲). البتّه این نرخ در زمانهای مختلف متغیّر است، قیمت مزبور مربوط به سال ۱۳۷۸ ه- ش می‌باشد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۳۳۷

قرآن و امام حسین (علیه السلام) و حضرت أبو الفضل، العیاذ باللّه، هتّاکی کند، در این صورت اگر زن بخواهد از چنین مردی جدا شود، آیا حقّ مهریّه دارد؟

جواب: با توجّه به این که فرد مذکور مرتدّ است، ازدواج با او باطل بوده و زن باید فوراً و بدون طلاق از او جدا شود و اگر بدون توجّه به این مسأله عروسی و آمیزش انجام گرفته زن می‌تواند مهر المثل را مطالبه نماید.

سؤال ۹۷۹- اگر زوج (با توجّه به معسر بودن) به حکم دادگاه، مهریّه را به صورت قسطی بپردازد، با توجّه به این که امروزه مهریّه‌ها بالاست و پرداخت قسطی آن هم سالها طول می‌کشد تا تمام شود، آیا با این حال زن به فرض باکره بودن و عدم مواقعه، حق دارد تا پایان قسط آخر تمکین نکند؟

جواب: در صورتی که قرائنی وجود داشته که این مهریّه سنگین را یک جا نمی‌توان مطالبه کرد، خودداری زن از تمکین جایز نیست، بنابراین متوقّف کردن تمکین بر پرداخت تمام مهر در این گونه موارد جایز نیست.

سؤال ۹۸۰- فقها در ازاله بکارت در اثر ارتکاب زنا، مهر المثل تعیین نموده‌اند، نحوه محاسبه مهر المثل چگونه است؟ آیا نحوه پرداخت آن مانند دیه مؤجّل است یا حالّ؟

جواب: مهر المثل مزبور حالّ است، مگر این که شخص مدیون قدرت بر پرداخت نداشته باشد، که در این صورت تقسیط می‌شود، و نحوه محاسبه آن مراجعه به عرف محل در تعیینِ مقدارِ مهریّه چنین زنی است.

سؤال ۹۸۱- زوجه از شوهر خود تمکین نموده است، ولی زوج قدرت نزدیکی با وی را، به علّت عدم قدرت جنسی، نداشته است؛ زوجه اکنون تمکین مجدّد خود را از شوهر، منوط به دریافت کلّ مهریّه می‌نماید. آیا به علّت عدم دخول، حقّ زوجه به قوّت خود باقی است، یا به صرف تسلیم، حقّ مزبور ساقط شده است؟

جواب: حقّ زوجه در گرفتن مهریّه قبل از تمکین مجدّد ثابت است؛ مشروط

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۳۳۸

بر این که مهر حالّ بوده باشد، نه بر ذمّه زوج.

سؤال ۹۸۲- در صورتی که مهریّه حالّ باشد و زوج قدرت پرداختن کلّ مهریّه را به صورت یکجا نداشته باشد و در صورت تقسیط

بتواند آن را در طول چند سال پرداخت کند، آیا دادگاه می‌تواند بدون توافق زوجه با تقسیط مهریّه، با وصول اوّلین قسط (بدون رعایت حقّ عدم تمکین زوجه) وی را مجبور به تمکین از زوج نماید؟

جواب: در صورتی که قرائنی، مانند سنگین بودن مهریّه و عدم تمکّن زوج به هنگام اجرای عقد، چنین نشان دهد که مهریّه یک جا قابل پرداخت نیست، بلکه منظور تدریجی، یا عند القدرهٔ و الاستطاعه بوده است، زن باید با گرفتن قسط اوّل تمکین کند.

سؤال ۹۸۳- به علّت شکایت همسرم، مبنی بر درخواست مهریّه، دادگاه دستور توقیف اشیای مغازه‌ام را داده است، همچنین سند مغازه‌ای که تنها منبع درآمد این جانب می‌باشد را توقیف نموده است. آیا این کار مشروع است؟ آیا مهریّه را نمی‌توان به صورت اقساط پرداخت؟

جواب: هرگاه مرد در پرداخت مهریّه به عسر و حرج بیفتد باید به صورت اقساط از او گرفت، به نحوی که حقّ زن نیز رعایت گردد.

سؤال ۹۸۴- آیا زوج می‌تواند مهریّه همسر خود را آموزش تلاوت قرآن قرار دهد؟ در صورت مثبت بودن، اگر مرد تلاش خود را انجام دهد؛ ولی زن به جهت کند ذهن بودن، یا کمبود استعداد نتواند یاد بگیرد وظیفه زوج چیست؟

جواب: آموزش قرآن می‌تواند مهریّه بوده باشد و مرد باید وظیفه خود را انجام دهد، اگر زوجه استعداد نداشت و مرد کوشش لازم را کرد دین خود را ادا کرده است.

سؤال ۹۸۵- مرسوم است که عقد را به انضمام یک جلد کلام اللّه مجید جاری می‌کنند، آیا این کار به معنای همان تعلیم قرآن، که در روایات و سنّت پیغمبر (صلی الله علیه و آله)

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۳۳۹

مطرح شده، می‌باشد و بر ذمّه مرد است که قرآن را به همسرش یاد دهد؟

جواب: قرار دادن قرآن جزء مهریّه کار خوبی است و مفهومش تهیّه یک جلد کلام اللّه مجید برای زوجه است، نه آموزش قرآن؛ ولی لازم است قیمت آن در موقع عقد تعیین شود، تا مبهم نباشد.

سؤال ۹۸۶- بطور کلّی شایستگی زنان مسلمان را به چه مهریّه‌ای می‌دانید؟ و برای دختران و پسران جوان و پدر و مادرهای آنان چه توصیه‌ای دارید؟

جواب: اخلاق اسلامی ایجاب می‌کند که مهریّه‌ها سبک باشد و اصولًا ازدواج با هزینه کم انجام گیرد، که مایه سعادت زوجین خواهد شد، و سنگین کردن بار ازدواج شرعاً مذموم و عواقب ناگوار و مسئولیّت شدید دارد.

سؤال ۹۸۷- آیا آمیزش با زوجه در دوره نامزدی نیز موجب پرداخت مهریّه کامل، در فرض طلاق، می‌گردد؟

جواب: آری موجب پرداخت مهریّه کامل می‌گردد.

سؤال ۹۸۸- آیا تعیین مهریّه در عقد دائم لازم است و بدون آن عقد باطل می‌شود؟

جواب: عقد دائم بدون مهر باطل نیست، و تبدیل به مهر المثل می‌شود.

سؤال ۹۸۹- حدّ و میزان مهریّه چقدر است؟ حدّ اقل و حدّ اکثر آن را بیان فرمایید.

جواب: مهر حدّ ثابتی ندارد؛ ولی شایسته است که از مهریّه‌های سنگین پرهیز شود که طبق برخی از روایات چنین زنانی که مهریّه سنگین دارند شوم هستند. «۱»

سؤال ۹۹۰- عقدی بدون شرط باکره بودن، ولی مبتنی بر این وصف منعقد شده است، شب زفاف، چه در اثر دخول و چه بدون دخول، بر اساس اقرار زوجه معلوم می‌شود که وی باکره نیست، در این صورت اگر مرد تقاضای فسخ نکاح نماید، آیا باید

(۱). روایات متعدّدی به این مضمون در کتاب شریف وسائل الشّیعه، جلد ۱۵، ابواب المهور، باب ۵، آمده است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۳۴۰

نصف مهر را بدهد، یا هیچ چیزی به زن تعلّق نمی‌گیرد؟

جواب: در هر صورت مرد حقّ فسخ دارد، اگر خود آن زن تدلیس کرده حقّ مهر ندارد و اگر شخص دیگری، مانند پدرش، تدلیس نموده و دخول حاصل شده حقّ مهر دارد؛ ولی مرد بعد از پرداختن مهریّه می‌تواند به کسی که تدلیس کرده رجوع کند و آن را از او بگیرد.

سؤال ۹۹۱- مهریّه خانمی حدود چهل سال قبل دو هزار تومان بوده است، این زن اخیراً از دادگاه تقاضای مهریّه‌اش را نموده است. زوج می‌گوید: «مهریّه تو دو هزار تومان است و آن را می‌دهم»، زوجه می‌گوید: «مگر در آن زمان نگفتی مهریّه یک ساعت آب، و نصف منزل» و من نیز قبول کردم، لکن به لحاظ این که مشکل ثبتی داشت انجام نشد. بدین جهت مهریّه همان مبلغ دو هزار تومان واقع شد. اکنون با توجّه به وضعیّت فعلی نظامهای اقتصادی دنیا، از جمله ایران، تکلیف چیست؟

جواب: اگر آن زن ثابت کند که مهریّه واقعی همان آب و منزل بوده حق دارد آن را بگیرد، و اگر مهریّه دو هزار تومان بوده می‌تواند معادل آن را به قیمت امروز بگیرد. و همین‌طور در سایر مطالبات هرگاه فاصله زمانی و تورّم زیاد باشد به قیمت روز محاسبه می‌شود.

سؤال ۹۹۲- هفده سال پیش به عقد دائم مردی درآمدم. حاصل این ازدواج سه فرزند است که آنها را به یاری خداوند متعال بزرگ کرده‌ام، در روز اوّل نکاح غذای روزمرّه نداشتیم؛ ولی پا به پای آن مرد کار کردم تا این که صاحب ۲۵ میلیون تومان سرمایه منقول و غیر منقول شد؛ هنگامی که وضع او خوب شد همسر دوّم اختیار کرده و بدون هیچ گونه تقصیر شرعی و عرفی مرا طلاق داد، مهریّه‌ام از آن زمان تا به حال تنزّل بسیار فاحشی داشته و به مبلغ ناچیزی درآمده است، زمانی که در خانه او کار می‌کردم شفاهاً می‌گفت حقوق تو را می‌دهم، آیا از جهت شرعی و عرفی می‌توانم حقوق ۱۷ ساله خود و بزرگ کردن سه بچّه‌ام را مطابق عرف دریافت کنم؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۳۴۱

جواب: چنانچه ارزش مهریّه نسبت به زمان گذشته تفاوت کلّی کرده باید قیمت امروز را بپردازد و اگر در مقابل خدمات شما قول داده است که جبران کند موظّف است به قولش عمل نماید.

سؤال ۹۹۳- آیا زوجه غیر مدخوله بعد از فوت زوج، مستحقّ تمام مهریّه است یا نصف آن؟

جواب: مستحقّ تمام مهر است.

سؤال ۹۹۴- شخصی که با پدرش زندگی می‌کرده، از دنیا رفته و هیچ گونه مالی از خود نداشته است، آیا مهریّه زوجه چنین فردی به عهده پدرش می‌باشد؟

جواب: مهریّه زن بر عهده شوهر است، نه پدر؛ مگر این که پدر شوهر آن را تضمین کرده باشد، یا مزد کارهای فرزندش را نداده باشد و آن مزد به اندازه مهریّه یا بیشتر از آن است.

سؤال ۹۹۵- پدر داماد قسمتی از مهریّه عروس خود را بر ذمّه می‌گیرد؛ ولی قبل از عروسی و بعد از عقد، یعنی هنگامی که می‌خواستند مهریّه را ثبت کنند، از تعهّد خود استنکاف میورزد و داماد مهر را به وجه نقد مصالحه و بر ذمّه خود می‌گیرد و عروسی واقع می‌شود، آیا عروس می‌تواند مدّعی آنچه بر ذمّه پدر شوهر بوده است بشود؟

جواب: اگر در موقع خواندن صیغه عقد بر ذمّه گرفته موظّف است بپردازد و بازگشت جایز نیست.

سؤال ۹۹۶- یکی از طلّاب بحرین هستم که با خانمی از لبنان، به مهریّه ده هزار لیره لبنانی، ازدواج شرعی و رسمی نمودم؛ ولی

متأسّفانه زندگی ما منجر به جدایی شد و نزد یکی از علما با حضور دو مرد عادل صیغه طلاق جاری و مهریّه وی پرداخت شد. امّا وی به دادگاه شکایت کرده و منکر دریافت مهریّه گردیده است و متأسّفانه من هنگام پرداخت مهریّه، شاهدی نگرفتم. حال دو سؤال دارم:

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۳۴۲

الف) آیا بر او واجب است که برای ادّعای خود قسم بخورد تا بار دیگر مهریّه را بگیرد؟ و با توجّه به این که قیمت لیره امروز با قیمت آن به هنگام عقد تفاوت دارد، آیا همان مقدار لیره ذکر شده در حین عقد را باید بدهم، یا ملاک قیمت امروز است؟

جواب: مقتضای قاعده، اقامه بیّنه توسّط مدّعی است و اگر او بیّنه نداشت، منکر باید قسم بخورد؛ بنابراین زوجه که در مورد سؤال منکر گرفتن مهریّه است باید قسم بخورد و امّا نسبت به تفاوت قیمت مهریّه، در صورتی که تفاوت فاحش باشد، ملاک قیمت زمان پرداخت مهریّه اوست.

ب) آیا زوجه در مقابل خدماتی که در مدّت زندگانی مشترک انجام داده است، چیزی طلبکار است، در حالی که در این مورد چیزی در ضمن عقد شرط نشده است؟

جواب: اگر شرط نکرده، و عرف و عادت محل بر این است که خدمات زن مجانی است، زوجه مستحقّ چیزی نیست.

احکام عقد موقّت

سؤال ۹۷۹- آیا در عقد موقّت اطاعت از شوهر بر زوجه، همچون همسر دائمی، لازم است؟ در مورد مسافرت و خروج از منزل و کار در بیرون منزل چطور؟

جواب: واجب نیست؛ مگر در جایی که مزاحم حقّ شوهر باشد.

سؤال ۹۹۸- زنی به عقد موقّت مردی درآمده و بعد از دخول، شوهرش را رها کرده و رفته است، آیا بر مرد واجب است که تمام مهریّه او را بپردازد؟

جواب: تنها آن مقدار از زمان که زن تمکین کرده مهریّه‌اش لازم است.

سؤال ۹۹۹- هنوز یک سال از مدّت عقد موقّت باقی مانده است، آیا جایز است برای چند سال دیگر عقد جاری گردد؟ یا باید مدّت مذکور تمام شود و سپس عقد مجدّد خوانده شود؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۳۴۳

جواب: باید باقیمانده مدّت از طرف مرد بخشیده شود و سپس عقد را برای مدّت مورد نظر تجدید کنند و یا مهلت دهند آن یک سال بگذرد و بعد تجدید عقد کنند، در عقد دائم بعد از عقد موقّت نیز حکم چنین است.

سؤال ۱۰۰۰- حضرتعالی در مسأله ۲۰۷۱ توضیح المسائل فرموده‌اید: «ازدواج موقّت هرچند برای لذّت بردن هم نباشد، بلکه به قصد محرم شدن نزدیکان آن دختر باشد جایز است، مشروط بر این که دختری را که به ازدواج موقّت در می‌آورند در حدّی باشد که قابل لذّت جنسی باشد، مثلًا اگر کوچک است باید وقت را به اندازه‌ای زیاد کنند که دوران آمادگی دختر را شامل شود، هرچند بعد از عقد، مدّت را ببخشند»، حال کسی به خاطر محرم شدن نزدیکان دختری که به حدّ بلوغ نرسیده، به مدّت کوتاهی صیغه عقد نکاح موقّت او را خوانده است و بعداً هم آن مدّت را می‌بخشد و آن قید که دختر در حدّی باشد که قابل لذّت جنسی باشد را در نظر نگرفته است، آیا نزدیکان آن دختر به این مرد محرم خواهند شد؟ آیا مادر آن دختر به پسران این مرد محرم خواهد بود؟ اگر نادیده گرفتن این قید در حین اجرای عقد اصلًا ایجاد محرمیّت نمی‌کند، آیا این پدر می‌تواند آن دختر را به ازدواج پسر خود درآورد؟

جواب: اگر می‌خواهند محرم بشوند احتیاط آن است که مجدّداً صیغه عقد متعه را با همان اوصافی که گفته شد بخوانند و الّا معامله محرم بودن با مادر او نکند؛ هرچند احتیاط آن است که آن دختر را برای فرزند خود نیز نگیرند.

سؤال ۱۰۰۱- اگر مرد و زنی بخواهند ازدواج موقّت کنند، آیا لازم است به محضر ازدواج و طلاق بروند تا در آنجا صیغه خوانده شود، یا این که خود مرد و زن می‌توانند شرایط همدیگر را قبول کنند و صیغه را بخوانند؟

جواب: احتیاط آن است که در این ایّام در محضر رسمی ثبت کنند؛ خواه صیغه عقد را در محضر بخوانند، یا در خارج.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۳۴۴

سؤال ۱۰۰۲- در صورتی که در ازدواج موقّت با اهل کتاب، زن بدون «مهر» نیز راضی باشد، آیا بازهم دادن مهر واجب است؟

جواب: دادن «مهر» واجب است، هرچند به این صورت گفته شود که در مذهب ما در مقابل ازدواج موقّت باید هدیّه‌ای داد.

سؤال ۱۰۰۳- در این کشور (کانادا) افرادی هستند که اصلًا دین ندارند، آیا قبل از صیغه عقد موقّت لازم است از دین زن مورد نظر تحقیق کرد؟

جواب: آری، باید تحقیق کرد.

سؤال ۱۰۰۴- اهل کتاب و اهل سنّت، به صیغه (ازدواج موقّت) عقیده ندارند. بنابراین در صورتی که زن از اهل کتاب یا اهل سنّت باشد صیغه‌ای که خوانده می‌شود، فقط لقلقه زبان است. آیا صیغه بدون اعتقاد، صحیح خواهد بود؟

جواب: اگر به خاطر اعتقاد شوهر اعلام آمادگی برای این امر کند، کافی است.

سؤال ۱۰۰۵- می‌دانیم عقد موقّت با زنی که در «عدّه» است، باطل می‌باشد. اهل کتاب اعتقاد به «عدّه» ندارند، آیا عقد موقّت با آنها، اگر در عدّه باشند، صحیح است؟

جواب: صیغه در حال «عدّه» جایز نیست.

سؤال ۱۰۰۶- آیا قبل از عقد موقّت باید تحقیق کرد که زن شوهر دارد یا نه؟

جواب: اگر خودش بگوید شوهر ندارم و در گفتارش متّهم نباشد، کافی است.

سؤال ۱۰۰۷- قبل از عقد موقّت مرد به زن نگاه و با او صحبت می‌کند، تا زمینه را برای ازدواج موقّت آماده سازد، آیا این عمل جایز است؟

جواب: این مقدار اشکال ندارد.

سؤال ۱۰۰۸- آیا مدّت ازدواج موقّت اندازه معیّن دارد؟ اگر قدر معیّنی ندارد چنانچه مدّت آن تمام عمر را در بر بگیرد، یا مدّت را بیشتر از عمر طبیعی بگذارند، بطوری که قطعاً می‌دانند آن مقدار زنده نمی‌مانند. آیا صحیح است؟

جواب: نکاح منقطع حدّ معیّنی ندارد؛ ولی اگر مدّت آن را بسیار طولانی قرار

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۳۴۵

دهند (یا حتّی بیشتر از عمر طبیعی عادی مانند ۹۹ سال باشد) احتیاط واجب آن است که احکام عقد دائم بر آن جاری کنند (البتّه در مواردی که مقرون به احتیاط است)، بنابراین مردانی که برای فرار از زیر بار رفتن وظایف عقد دائم، صیغه موقّت ۹۹ ساله جاری می‌کنند فایده‌ای برای آنها ندارد.

سؤال ۱۰۰۹- اگر زن و مردی مصمّم به ایجاد رابطه جنسی با یکدیگر باشند و فقط به دلیل گریز از عذاب وجدان (یا عذاب اخروی)، قبل از ایجاد رابطه مذکور، با وجود شرایط و نبودن موانع، صیغه عقد موقّت بخوانند، آیا عقدشان صحیح است؟ یا همچنان عملشان «فساد و فحشا» می‌باشد، چون نیّتشان چیز دیگر بوده است؟

جواب: اگر صیغه عقد را با تمام شرایط بخوانند، عملشان مشروع است.

سؤال ۱۰۱۰- آیا ازدواج موقّت به مدّت ۹۹ سال یا بالاتر، با عنایت به این که مدّت متوسّط عمر اشخاص، کمتر از این مقدار است و در واقع عملًا یک ازدواج دائم است، دارای احکام مربوط به ازدواج دائم می گردد؟

جواب: چنین ازدواج موقّتی اشکال دارد، و همان گونه که قبلًا گفته شد احتیاط آن است که احکام عقد دائم بر آن مترتّب کنند (در مواردی که مقرون به احتیاط است).

سؤال ۱۰۱۱- اگر عقدی واقع شده باشد، امّا اکنون زن مدّعی دوام و مرد مدّعی انقطاع است، این عقد از لحاظ شرعی چه حکمی دارد؟

جواب: این عقد در حکم انقطاع است و باید مادام که مدّت عقد انقطاع وجود دارد احکام زوجیّت اجرا شود و احتیاط مستحب آن است که در پایان مدّت، صیغه طلاق را نیز جاری کنند.

سؤال ۱۰۱۲- زن و مردی صیغه عقد غیر دائمی (موقّت) جاری می کنند؛ ولی مقدار، زمان و مهر را معیّن نمی کنند. بعد از آمیزش و نزدیکی می‌فهمند که این کار مشروع نبوده است. آیا این کار در حکم زناست و آنها گناهکار شناخته می‌شوند و بچّه به دنیا

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۳۴۶

آمده نامشروع است؟ آیا جایز است که پس از عقد وقت و مهر را تعیین کنند، یا این که باید دوباره صیغه را به صورت صحیح جاری کنند؟

جواب: آنچه در حال ندانستن مسأله انجام داده‌اند، زنا نبوده و بچّه حلال‌زاده است؛ ولی احتیاطاً صیغه طلاق را جاری کنند و سپس می توانند عقد موقّت نمایند، و گذشتن زمان عدّه در اینجا شرط نیست.

سؤال ۱۰۱۳- بطور کلّی نظرتان در رابطه با ازدواج موقّت چیست؟ آیا آن را راه حلّی برای جوانانی که مشکلاتی جهت ازدواج دائم دارند و از طرف دیگر می ترسند به فساد کشیده شوند می‌دانید؟

جواب: اگر با شرایط معقول و رعایت موازین شرعی انجام شود و دستاویزی برای هوسبازی هوسبازان و فساد بیشتر نشود به یقین کارساز است؛ ولی این کارِ بسیار دقیق و ظریفی است.

سؤال ۱۰۱۴- ازدواج موقّت با زنانی که معمولًا معروف به فساد هستند و یا شغل آنان روسپی گری می‌باشد، چه صورتی دارد؟ در صورت ناچاری چطور؟

جواب: در صورتی که واقعاً مشهور و معروف به فساد باشند، ازدواج با آنها اشکال دارد و اگر چنین نباشد، اشکالی ندارد.

سؤال ۱۰۱۵- آیا در عقد انقطاعی، عسر و حرج برای زوجه متصوّر است؟ در صورت اثبات، آیا می‌توان زوج را به بذل مدّت اجبار نمود؟

جواب: در صورتی که واقعاً به تشخیص حاکم شرع عسر و حرج حاصل شود، تفاوتی بین عقد انقطاعی و دائم نیست و حاکم شرع زوج را ملزم به بذل باقیمانده مدّت می کند و اگر زوج قبول نکند، حاکم شرع به عنوان ولیّ ممتنع باقیمانده مدّت را می‌بخشد و زوجه می تواند بعد از سپری شدن عدّه شوهر کند.

احکام پوشش

سؤال ۱۰۱۶- نظر حضرتعالی در مورد حدّ پوشش مردان چیست؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۳۴۷

جواب: سر و گردن و مقداری از پا و مقداری از دست و آرنج که متعارف و معمول است را می‌توانند بیرون بگذارند و استفاده از لباس‌های آستین کوتاه معمولی نیز اشکال ندارد.

سؤال ۱۰۱۷- آیا بلوز آستین کوتاه و شلوارک تا سر زانو برای مردان دوچرخه‌سوار در جادّه‌های بیرون از شهر مجاز می‌باشد؟

جواب: اگر منشأ فساد خاصّی نباشد اشکال ندارد.

سؤال ۱۰۱۸- در برخی از مراکز علمی مسائلی به وجود آمده که سبب ایجاد ذهنیّت ناخوشایند، و بدبینی به دین، و موجبات دوری جوانان از دین و مذهب را فراهم آورده است؛ مسائلی که هیچ گونه ممانعتی برای انجام آن، نه از سوی دین و نه از سوی مراجع عالیقدر تقلید، ذکر نشده است.

در دانشگاه «ع- ک» پوشیدن لباسهای آستین کوتاه برای مردان ممنوع است، و این مسأله بحث و گفتگوهایی را در پی داشته است. از آن جایی که طرح تمام گفتگوهای مطرح شده فی ما بین ما و مسئولین دانشگاه قدری مشکل است، سعی کرده‌ایم خلاصه آن را در این استفتا بگنجانیم:

دانشگاه: پوشیدن لباسهای آستین کوتاه ممنوع است.

دانشجویان: در کجای دین پوشیدن لباسهای آستین کوتاه برای مردان حرام شمرده شده است؟

دانشگاه: بعضی از مراجع تقلید حرام دانسته‌اند.

دانشجویان: کدام مرجع تقلید حرام شمرده است؟ شاید ما مقلّد ایشان نباشیم.

دانشگاه جوابی ندارد و فقط می‌گوید: شما باید مقلّد همان کسی باشید که ما هستیم.

چندی بعد یکی از روحانیّون سرشناس به دانشگاه ما تشریف آوردند، موضوع را با ایشان در میان گذاشتیم، ایشان فرمودند: هیچ مرجع تقلیدی آن را حرام نشمرده است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۳۴۸

نظر حضرتعالی در این مورد چیست؟

جواب: پوشیدن لباسهای آستین کوتاه برای مردان شرعاً حرام نیست؛ ولی مسئولین دانشگاه حق دارند مقرّراتی را طبق مصالحی که در نظر دارند برای محدوده دانشگاهها وضع کنند، مثلًا بگویند شرط ورود به دانشگاه استفاده از فلان نوع و رنگ لباس است. همان گونه که در محیطهای نظامی و انتظامی لباسهای خاصّی را شرط می‌کنند، بنابراین خوب است دانشجویان عزیز با مسئولین دانشگاهها در این گونه مسائل بطور منطقی و بدون جرّ و بحث کنار بیایند تا مشکل شرعی برای هیچ یک از دو طرف پیدا نشود.

سؤال ۱۰۱۹- پوشانیدن چهره برای زنان خوش سیما، که می‌دانند در صورتی که صورتشان پوشیده نباشد باعث گناه و انحراف جوانان می‌شوند، چه حکمی دارد؟

جواب: پوشانیدن صورت بر آنان واجب نیست؛ جوانان وظیفه دارند نگاه نکنند.

سؤال ۱۰۲۰- اگر خانمی از روی احتیاط که مبادا نپوشانیدن وجه و کفّین فسادی را باعث شود آن را بپوشاند، آیا امر مستحبّی را انجام داده است؟

جواب: عمل به احتیاط کرده است.

سؤال ۱۰۲۱- آیا حجاب از ضروریّات اسلام است؟ منکر آن و کسانی که به این دستور الهی، بویژه در جامعه اسلامی، بی‌اعتنایی می‌کنند، چه حکمی دارند؟

جواب: حجاب از ضروریّات اسلام است و تمام فِرَق مسلمین آن را واجب می‌شمرند و در قرآن مجید در آیات متعدّدی صریحاً آمده است؛ حتّی غیر مسلمانان می‌دانند چنین حکمی در اسلام وجود دارد.

سؤال ۱۰۲۲- حدود حجاب اسلامی برای بانوان چیست؟ برای این منظور، آیا پوشیدن لباس بلند و آزاد و شلوار و روسری کفایت می‌کند؟ اصولًا چه کیفیّتی در لباس و پوشش زن در برابر افراد نامحرم باید رعایت شود؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۳۴۹

جواب: برای حجاب اسلامی کافی است که تمام بدن را با لباس مناسب (بجز گردی صورت و دستها تا مچ) بپوشانند؛ ولی بی‌شک پوشیدن چادر به عنوان حجاب برتر خصوصاً در اماکن مذهبی مطلوبتر است.

سؤال ۱۰۲۳- آیا پوشیدن جوراب ضخیم بدون شلوار، با این که حجم بدن مشخّص و در بعضی موارد مهیّج است، یا پوشیدن کفشهایی که در هنگام راه رفتن صدای مهیّج دارد، جایز است؟

جواب: در صورتی که منشأ مفسده‌ای باشد، اشکال دارد.

احکام لمس

سؤال ۱۰۲۴- دست دادن با غیر مسلمان چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که جنس مخالف نباشد اشکالی ندارد، و اگر رطوبت سرایت کننده‌ای در دست باشد، احتیاطاً بعداً دستها را بشوید؛ ولی با جنس مخالف جایز نیست.

سؤال ۱۰۲۵- آیا در حکم تماسّ بدن مرد و زن نامحرم، فرقی بین مسلمان و غیر مسلمان می‌باشد؟

جواب: فرقی نیست، هر دو حرام است.

سؤال ۱۰۲۶- در منطقه جنوب رسم و عرف بر این است که گاه زن عمو دست پسر برادر شوهر خود را می‌گیرد و می‌بوسد، زن برادر و خواهر زن نیز خود را با برادر شوهر و شوهر خواهر محرم حساب می‌کنند و دست دادن، خصوصاً بوسیدن سر و دست، در هنگام بازگشت از سفر و ایّام عید و دید و بازدید، شدیداً رایج و مرسوم است. بارها به آنها تذکّر داده شده است، امّا نه تنها قبول نمی‌کنند، بلکه در مواقعی موجب ناراحتی شدید و رنجش خاطر نیز می‌گردد. اگر ممکن است راه چاره‌ای برای بنده و دیگران که به این مسأله مبتلا هستیم بیان فرمایید. اگر موجب قطع صله رحم شود چه حکمی دارد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۳۵۰

جواب: این گونه کارها حرام و خلاف شرع است و نتیجه ناآگاهی بعضی از مردم است. وظیفه شما آن است که با زبان خوش امر به معروف و نهی از منکر کنید و اگر صله رحم بدون آن میسّر نیست، صله رحم را ترک کنید.

سؤال ۱۰۲۷- تماسّ مرد با زن نامحرم در موقع پول دادن، یا مبادله شیء و یا تماسّ بدنی در معابر، یا نشستن کنار زن نامحرم در وسیله نقلیّه چه حکمی دارد؟

جواب: در موقع پول دادن و مبادله اشیا، اگر دستها با هم تماس پیدا کند حرام است؛ ولی تماسّ بدنها از روی لباس در وسایل نقلیّه یا مکانهای پرازدحام اشکالی ندارد؛ مگر مفسده خاصّی بر آن مترتّب شود.

سؤال ۱۰۲۸- بوسیدن و یا لمس کردن همجنس که موجب لذّت و یا ریبه می‌شود، چه حکمی دارد؟

جواب: جایز نیست.

احکام نگاه کردن

سؤال ۱۰۲۹- بیرون بودن مقداری از موی سر، امروزه در شهرهای بزرگ امری عادی شده است، آیا می‌توان از این جهت که این مقدار از موی سر بیرون است به آن نگاه کرد؟ (همانند برخی قبایل که معمولًا مقداری از موی سر آنها در معرض دید است).

جواب: اگر با نهی از منکر رعایت نمی‌کنند مصداق «اذا نُهینَ لا یَنْتَهینْ» هستند و نگاه کردن بدون تلذّذ و ریبه اشکالی ندارد.

سؤال ۱۰۳۰- نگاه کردن به بدن نیمه عریان زنان در فیلمهای غربی از نظر شرعی چه حکمی دارد؟ حدّ مجاز نگاه کردن به آن

چقدر است؟ آیا بین زنان مسلمان و غیر مسلمان و اهل کتاب تفاوتی وجود دارد؟ نگاه کردن زنان به بدن نیمه‌عریان مردان در مسابقات ورزشی از قبیل شنا، وزنه‌برداری و کشتی چه حکمی دارد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۳۵۱

جواب: با توجّه به این که نگاه به فیلم‌ها مشاهده مستقیم نیست، نگاه کردن به آنها مصداق نگاه به نامحرم نمی‌باشد، مگر این که منشأ فسادی گردد، که در این صورت نگاه کردن به آنها در هر دو صورت حرام است.

سؤال ۱۰۳۱- نگاه کردن به اعضای جدا شده از بدن نامحرم چه حکمی دارد؟

جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۱۰۳۲- فیلمبرداری و عکّاسی در بعضی از مجالس عروسی، که به علّت لاابالیگری مسائل محرم و نامحرم احیاناً رعایت نمی‌شود، توسّط عکّاس زن که شغلش این کار است چه حکمی دارد؟

جواب: جایز نیست.

سؤال ۱۰۳۳- استفاده هنرجویان رشته هنر از عکسها و مجلّات خارجی، که بدن زن و مرد عریان را نشان داده است، چه حکمی دارد؟ با توجّه به این که بعضی از اساتید آنها تأکید دارند که برای به دست آوردن تجربه هنری، لازم است.

جواب: جایز نیست.

سؤال ۱۰۳۴- در کتاب تفسیر نمونه در شرح آیه ۳۱ سوره نور آورده‌اید که: «از آیه استفاده می‌شود زینتهایی که در صورت و دست باشد تابع صورت و دست می‌باشد و پوشاندن آنها لازم نیست» آیا فتوای اجتهادی شما نیز چنین است؟ آیا اصلاح صورت و ابرو زینت است؟

جواب: فتوای اجتهادی ما هم همین است و اصلاح صورت و ابرو اشکالی ندارد.

سؤال ۱۰۳۵- تدریس دبیران مرد در مدارس راهنمایی و دبیرستان‌های دخترانه چه حکمی دارد؟

جواب: چنانچه مراعات تمام موازین شرعی شود و مفاسدی بر آن مترتّب نشود اشکالی ندارد، ولی به یقین استفاده از دبیران همجنس به احتیاط نزدیکتر است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۳۵۲

سؤال ۱۰۳۶- اگر انسان بداند وقتی به خیابان و بازار می‌رود نگاهش به نامحرم می‌افتد، وظیفه‌اش چیست؟

جواب: نظر و نگاه اتّفاقی حرام نیست؛ لکن عمداً نگاه نکند.

سؤال ۱۰۳۷- با توجّه به این که زنان و مردان به همدیگر نامحرم می‌باشند، آیا جایز است از مجلس مردان فیلمبرداری شود و در پشت پرده برای خواهران به صورت مستقیم و به وسیله تلویزیون مدار بسته نمایش دهند؟

جواب: در صورتی که مردان برهنه نباشند، اشکالی ندارد.

سؤال ۱۰۳۸- آیا نشان دادن زنان بد حجاب یا بی‌حجاب، به عنوان مظهر فساد رژیم سابق، حتّی با استفاده از موی مصنوعی و کلاه گیس و استفاده از چهره‌پرداز زن، در فیلمهای سینمایی تلویزیون و نمایش‌های روی صحنه مجاز است؟

جواب: برای نشان دادن مفاسد بدحجابی و بی‌حجابی راههای بی‌اشکالتر پیدا می‌شود.

سؤال ۱۰۳۹- نگاه کردن به زنهایی که رعایت حجاب شرعی نکرده و بی‌مبالات هستند، در گذرها، یا به هنگام گفتگو، یا در وسایل نقلیّه، که طبعاً نگاه انسان به آنها می‌افتد، چه حکمی دارد؟

جواب: نگاه قهری و بدون قصد اشکالی ندارد.

سؤال ۱۰۴۰- در این منطقه دیده می‌شود که بعضی از زنها یا دختر خانمها در داخل کوچه و بیرون از حیاط خود (که محلّ عبور و

مرور مردم می‌باشد) می‌نشینند و با هم صحبت می کنند، نشستن یا توقّف خانمها در داخل کوچه از نظر شرعی چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که مراعات حجاب شرعی را بنمایند و مزاحمت ایجاد نکنند، حرام نیست؛ ولی بهتر است این کار را ترک کنند.

سؤال ۱۰۴۱- گروهی از خانواده‌ها مقیّد هستند که قبل از ثبت رسمی ازدواج،

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۳۵۳

جهت محرمیّت و ارتباطات دختر باکره و پسر، عقد شرعی جاری شود. با عنایت به این که طبق قانونِ ثبت ازدواج، قبل از ثبت رسمی، عقد ممنوع است و از طرفی ثبت بدون ارتباطات و شناخت، متضمّن مشکلاتی، از جمله طلاق زودرس است که گاه حتّی در هفته‌های اوّلیّه ازدواج رخ می‌دهد، و از سوی دیگر عقد شرعی بدون ثبت رسمی هم مشکلات دیگری به وجود می‌آورد که قانونگذار نیز این معنا را مراعات و به این خاطر آن را ممنوع نموده، بنابراین خواهشمندم بفرمایید که حدود شرعی ارتباط دختر و پسری که حقیقتاً قصد ازدواج دارند تا چه میزانی است؟ اگر دیده شود بعضی از پسرها و دخترهایی که به رسم سنّتی نامزد هستند و در شهر تردّد دارند، از سوی مسئولین امر تحت تعقیب قرار می گیرند، حکم چیست؟

جواب: مرد و زنی که می‌خواهند با یکدیگر ازدواج کنند، می‌توانند به مقدار لازم در جلسه‌ای بنشینند و یکدیگر را ببینند و با یکدیگر صحبت کنند و اگر در یک جلسه مقصود حاصل نشد، می‌توانند در چند جلسه با هم بنشینند و صحبت کنند، سپس تصمیم بگیرند.

سؤال ۱۰۴۲- آیا برای عکّاس مسلمان جایز است که از چیزهای غیر اسلامی، مانند رقص، عکسبرداری کند؟

جواب: جایز نیست.

سؤال ۱۰۴۳- نگریستن به مرد نامحرم چه حکمی دارد؟ آیا می‌توان به مردانی که پیراهن آستین‌کوتاه می‌پوشند، نگاه کرد؟

جواب: هر گاه نظر از روی شهوت نباشد، اشکالی ندارد.

سؤال ۱۰۴۴- عکس گرفتن زن نزد عکّاس نامحرم، یا ظاهر کردن عکس توسّط نامحرم چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که او را نمی‌شناسد، ظاهر کردن عکس اشکالی ندارد و عکس گرفتن در صورتی جایز است که با حجاب شرعی باشد.

سؤال ۱۰۴۵- نقش بازی کردن دختران و زنان در فیلم‌های تلویزیونی و سینمایی در

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۳۵۴

کنار مردان نامحرم به عنوان همسر صوری آنان چگونه است؟ آیا در هنگام اجرای نقش مجاز به خنده و گفتگوی صمیمانه با مردی که بطور صوری نقش همسر آنها را بازی می کند، هستند؟

جواب: صحبتهای معمولی و ایفای این نقشها، اگر مفسده خاصّی بر آن مترتّب نشود و حجاب اسلامی رعایت شود، اشکالی ندارد.

سؤال ۱۰۴۶- نظر مبارک خویش را در مورد ورزشهای بانوان از قبیل دوچرخه‌سواری، اسب سواری، قایق‌رانی و دو میدانی در اماکن و معابر عمومی، که در معرض دید نامحرمان قرار دارد بیان فرمایید در ضمن بفرمایید. تماشای این نوع برنامه‌ها در تلویزیون چه حکمی دارد؟

جواب: اگر در انظار عمومی نباشد اشکالی ندارد.

سؤال ۱۰۴۷- آیا می‌توان بیماری که امکان طهارت عورتین توسّط خودش وجود ندارد، را تطهیر نمود؟

جواب: چنانچه مستلزم نگاه و لمس نباشد، یا این که به وسیله همسر انجام شود، اشکالی ندارد؛ در غیر این صورت تنها در موارد ضرورت می‌توان انجام داد.

سؤال ۱۰۴۸- نگاه کردن به عکس برهنه زنان اهل کتاب و مشرکین، بدون لذّت و شهوت و بدون آن که مقدّمه گناه شود، چه

حکمی دارد؟

جواب: اگر منظور از برهنه این است که موهای سر خود را نپوشانده باشند در فرض مسأله بالا که فسادی بر آن مترتّب نمی‌شود، اشکالی ندارد؛ امّا اگر منظور، برهنه مادرزاد و یا نیمه عریان است، جایز نیست.

سؤال ۱۰۴۹- مکالمه تلفنی بین پسر و دختر و مراوده طرفین جهت دوستی چه حکمی دارد؟ اگر این گونه امور مقدّمه‌ای برای تحقیق پیرامون ازدواج با وی باشد، آیا جایز است؟

جواب: جایز نیست؛ مگر به مقداری که برای تحقیق در ازدواج ضرورت دارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۳۵۵

نفقه

سؤال ۱۰۵۰- نفقه (خوراک، پوشاک و مسکن) فرزند تا چندسالگی بر پدر واجب است؟

جواب: هرگاه فرزند توانایی اداره کردن زندگی خویش را نداشته باشد و پدر بتواند نفقه او را بدهد بر او لازم است و سنّ خاصّی شرط نیست؛ ولی فرزند نباید در تأمین زندگی خود کوتاهی کند، اگر کوتاهی کند چیزی بر پدر نیست.

سؤال ۱۰۵۱- شوهر در عقد زوجیّت و قبل از دخول می‌گوید: «قدرت برگزاری مراسم عروسی را از لحاظ مالی ندارم»، زوجه هم می‌گوید: «فقط با رعایت شرایط و تشریفات مرسوم و عرف محل حاضرم به خانه شوهر بروم» در فرض مسأله آیا زوجه مستحقّ نفقه می‌باشد؟

جواب: اگر در عقد نکاح چنین شرطی ذکر نشده، زوجه حقّ امتناع ندارد؛ و اگر امتناع کند حقّ نفقه ندارد.

سؤال ۱۰۵۲- زنی به سبب آتش‌سوزی در منزل شوهر، در بیمارستان بستری و سپس فوت کرده است، آیا هزینه بیمارستان او بر عهده شوهرش می‌باشد؟

جواب: احتیاط واجب آن است که شوهر هزینه درمان او را بدهد.

سؤال ۱۰۵۳- شخصی برای مدّتی از طریق دادگاه زندانی شده است، سرانجام یا با حصول برائت و یا تحمّل حبس از زندان آزاد می‌شود، اگر به همسر و یا عائله تحت کفالت وی، در طول این مدّت، از طریق کمیته امداد حضرت امام (رحمه الله) و یا سایر مراجع حمایتی وجهی به عنوان نفقه داده شده باشد، یا هیچ وجهی داده نشده باشد؛ در هر دو صورت آیا عائله زندانی حقّ مطالبه نفقه معوّقه خود را خواهد داشت؟

جواب: احتیاط واجب آن است که نفقه آنها را بپردازد یا با آنها مصالحه کند.

سؤال ۱۰۵۴- آیا شخص ثالثی می‌تواند نفقه زوجه را ضمن عقد ازدواج، تعهّد نماید

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۳۵۶

و هرگاه بین این زن و شوهر راجع به نفقه اختلافی به وجود آید، نفقه زوجه را پرداخت نماید؟

جواب: مانعی ندارد که شخص ثالثی ضمانت نفقه را بنماید.

سؤال ۱۰۵۵- آیا برای همسر و فرزندان شخصی که از راه نامشروع کسب درآمد می‌کند، جایز است که از درآمد او استفاده کنند؟

جواب: اگر می‌دانند نفقه‌ای که به آنها پرداخته است از همان پول است، تصرّف در آن جایز نیست؛ مگر در حال ضرورت.

سؤال ۱۰۵۶- امام (رحمه الله) در تحریر الوسیله، جلد ۲، صفحه ۳۰۶، مسأله دوّم فرموده‌اند: «اگر زوج حقوق زن را از قبیل نفقه نپردازد ابتدا حاکم زوج را الزام می‌کند و در صورت عدم تأثیر او را تعزیر می‌نماید» در صورتی که فتوای حضرتعالی مطابق با این فتواست، آیا مراد از الزام صدور دستور قضایی است، یا صدور حکم به الزام؟

جواب: منظور این است که حاکم شرع او را مجبور می‌کند که نفقه زن را بپردازد و هرگاه ترتیب اثر ندهد او را تعزیر کند.

احکام اولاد

سؤال ۱۰۵۷- مردی به مسافرت رفته و مسافرتش بیش از یک سال به طول کشیده است. در این مدّت همسرش پسری به دنیا آورده که بعداً باعث اختلاف بین زوجین شده و بدین سبب مرد زنش را طلاق داده است. اینک آن زن از دنیا رفته و آن پسر بزرگ شده و حقّش را می‌خواهد. مرد می‌گوید: «زنم این بچّه را بعد از یک سال از مسافرتم به دنیا آورده است، او پسر من نیست؛ هرچند همسرم عفیفه و مؤمنه بوده، و از او هیچ بدی ندیده‌ام» و زن تا آخر عمرش می‌گفت: «این بچّه فرزند شوهرم است و روز قیامت حقّم را خواهم گرفت». اکنون چند سؤال مطرح است:

الف) آیا قول شوهر که می‌گوید: «چون زن بچّه را بعد از یک سال از جدایی او به

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۳۵۷

دنیا آورده است پس فرزند من نیست» قبول می‌شود؟

ب) اگر مشکوک باشد که زن بچّه را بعد از دوازده ماه از سفر زوج، یا قبل از دوازده ماه به دنیا آورده است، حکم چیست؟

ج) حکم ارث و محرمیّت این پسر نسبت به آن زن و شوهر و بچّه‌های آن دو چیست؟

د) حکم خود این پسر فی حدّ ذاته چیست؟

جواب: چنانچه تولّد بچّه از آن زن معلوم باشد و شوهر ادّعا کند که بعد از یک سال از مسافرت او بوده و دلیلی بر ادّعای خود نداشته باشد، آن بچّه متعلّق به آن زن و شوهر است و با هر دو محرم است و از هر دو ارث می‌برد؛ ولی اگر مرد بتواند با دلیل شرعی ثابت کند که بعد از یک سال از سفر او متولّد شده است فرزند او محسوب نمی‌شود.

سؤال ۱۰۵۸- دختری از طریق نامشروع باردار شده است و این حمل را به پسری نسبت می‌دهد؛ ولی آن پسر می‌گوید: «من یقین دارم قبل و بعد از من افراد دیگری نیز با او ارتباط داشته‌اند» این حمل شرعاً به کدامیک از آنها تعلّق دارد؟ مهر المثل این دختر را چه کسی باید بپردازد؟

جواب: اگر با اختیار و رضایت دختر بوده مهر المثل تعلّق نمی‌گیرد، و اگر به جبر و اکراه بوده هر کدام از آنها باید مهر المثل جداگانه‌ای بدهند؛ و در مورد فرزند اگر ثابت شود چند نفر با او زنا کرده‌اند و معلوم نشود بچّه منتسب به کدامیک است، باید با قرعه تعیین کنند.

احکام شیر دادن

سؤال ۱۰۵۹- دختری از سنّ هفت‌ماهگی به بعد، به مدّت سه ماه و بطور متفرّقه، روزی یک بار یا دو بار، از زنی شیر خورده است و در همین روزها از شیر مادر، یا از

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۳۵۸

شیر خشک، یا آب قند، نیز استفاده کرده است و بعضی مواقع در طول این سه ماه، ۷ الی ۱۰ روز اصلًا از شیر آن زن استفاده نکرده است، آیا این دختر فرزند رضاعی آن زن محسوب می‌شود؟

جواب: در فرض مسأله، با توجّه به این که گوشت و استخوان آن کودک تا حدّی به وسیله شیر آن زن روییده است، فرزند رضاعی او محسوب می‌شود.

سؤال ۱۰۶۰- خوردن شیر همسر توسّط شوهر چه حکمی دارد؟ اگر خوردن شیر از روی شهوت باشد حکمش چیست؟

جواب: در هر حال اشکال ندارد.

سؤال ۱۰۶۱- در مسأله ۲۱۳۲ توضیح المسائل حضرتعالی آمده است: «هرگاه مردی بخواهد زن برادرش به او محرم شود می‌تواند دختر شیرخواری را با اجازه ولیّ او به عقد موقّت خود درآورد و در همان حال زن برادرش آن دختر را شیر کامل دهد، بعد از آن که شیر دادن تمام شد می‌تواند مدّت عقد موقّت را به او ببخشد» به نظر می‌رسد احتیاجی به قسمت اخیر مسأله نباشد؛ زیرا معقوده به عقد موقّت با خوردن شیر کامل بر برادر حرام می‌شود و نیازی به بخشیدن مدّت ندارد؟

جواب: درست است؛ قسمت اخیر مسأله زیاد است، و در چاپهای اخیر حذف شده است.

سؤال ۱۰۶۲- با توجّه به این که هر طفل باید دو سال کامل از شیر مادر استفاده نماید، آیا شیر دادن بعد از دو سال شرعاً اشکال دارد؟

جواب: حرام نیست.

احکام حضانت

سؤال ۱۰۶۳- در مواردی که بین زوجین مفارقت حاصل می‌شود و فرزند مشترکی دارند، در خصوص حقّ حضانت پدر یا مادر نسبت به فرزند مشترک فتوای مشهور

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۳۵۹

این است که مادر در مورد فرزند دختر تا ۷ سالگی و در مورد فرزند پسر تا دو سالگی اولویّت در حضانت دارد سپس در حضانتِ پدر است. از آنجا که مادّه ۱۱۶۹ قانون مدنی با الهام از این فتوا تنظیم شده است، محاکم دادگستری نیز در موارد مطروحه در پرونده‌های جاری بر این اساس عمل می‌نمایند ولی این امر چند مشکل اجرایی در بر دارد:

الف) تعلّق عاطفی فرزندان، اعمّ از پسر و دختر، در سنین پایین به مادر بیشتر است و گرفتن پسر بچّه‌های ۲ تا هفت‌ساله از مادر، در موارد زیادی موجب اخلال در مسائل تربیتی و عاطفی آنان می‌شود.

ب) غالباً پدرهای ازدواج نکرده در نگهداری این گونه کودکان دچار مشکلات مهمّی می‌شوند و بیشتر به خاطر لجاجت، اصرار در گرفتن کودک دارند و بعد از تحویل غالباً کودک را به عمّه، یا مادربزرگ، یا یکی دیگر از اقوام می‌سپارند و خود مباشرت در حضانت ندارند.

ج) به دلیل تعلّق عاطفی شدید بین مادر و فرزند، در اغلب موارد گرفتن پسر بچّه ۳ یا ۴ ساله از مادر موجب عسر و حرج بر مادر است، در صورتی که با حضانت مادر، پدر نیز از طریق اعمال ولایت و نظارت کلّی، با بچّه‌های خود ارتباط دارد و فشاری بر وی وارد نمی‌شود.

د) نگران‌کننده‌ترین نکته این است که در مواردی که در یک خانواده بیش از یک فرزند وجود دارد، بچّه‌ها با هم مأنوس و وابسته می‌باشند و جدا کردن بچّه‌های خردسال از یکدیگر و سپردن بعضی به پدر و بعضی به مادر، فشار شدیدی بر آنان وارد می‌آورد.

از طرفی بر طبق فتاوای برخی از فقها، از جمله مرحوم آیهٔ اللّه العظمی خوئی (رحمه الله) اولویّت در حضانت تا سن ۷ سالگی، هم در دختر و هم در پسر، با مادر است و

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۳۶۰

احادیثی، از جمله روایت ایّوب بن نوح «۱»، نیز دلالت بر این مسأله دارد. نظر حضرتعالی در این مسأله چیست؟

جواب: در صورتی که مصالح فرزندان واقعاً به خطر بیفتد و گرفتار ضرر عاطفی شدیدی شوند، می‌توان حضانت را به مادر سپرد.

سؤال ۱۰۶۴- زنی هستم که چندین سال قبل، بنا به عللی همسرم مرا طلاق داد و حضانت تنها فرزندمان، که دختری خردسال بود،

نیز به من سپرده شد. با تمام مشکلات اقتصادی که جهت تأمین مخارج زندگی دخترم وجود داشت، او را بزرگ نمودم، حال که دخترم به سنّ ازدواج رسیده است، شوهر سابقم اصرار دارد که دختر را از من بگیرد. قابل ذکر است که:

۱- در طول مدّتی که از هم جدا شده‌ایم، هیچ گونه کمکی از جانب شوهر سابقم برای دخترش نرسیده است.

۲- چون دخترم در طول این مدّت پدرش را اصلًا ندیده است، شدیداً در برابر تقاضای پدرش امتناع می‌کند، با توجّه به مطالب فوق به دو سؤال زیر پاسخ فرمایید:

الف) آیا شوهرم حق دارد دختر را از من بگیرد؟

جواب: هرگاه دختر به سنّ بلوغ رسیده، نه پدر می‌تواند او را اجبار کند و نه مادر؛ بلکه نزد هر کدام میل داشته باشد، می‌تواند زندگی کند.

ب) نفقه دخترم بر عهده کیست؟ آیا می‌توانم حقوق و نفقه او را از شوهر سابقم مطالبه کنم؟

جواب: در صورتی که به میل خود نفقه او را داده‌اید، نمی‌توانید از پدر او چیزی بگیرید؛ ولی اگر پدر نفقه او را نمی‌داده و شما به این قصد نفقه او را داده‌اید که از او بگیرید، حق دارید که نفقه را مطالبه کنید.

---

(۱). وسائل الشّیعه، جلد ۱۵، ابواب احکام الاولاد، باب ۸۱، حدیث ۶ و ۷.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۳۶۱

سؤال ۱۰۶۵- آیا ولایت و حضانت زنازاده با زانی است؟

جواب: ولایت و نفقه بر عهده زانی و حضانت طبق موازین فقهی با زانی و زانیه است.

سؤال ۱۰۶۶- زنی است که شوهرش بر اثر تصادف از بین رفته و پنج فرزند از او باقی مانده است، که بعضی کبیر و بعضی صغیر هستند، این زن با میل و رضایت خود حقّ حضانت اولادش را به جدّ پدری بچّه‌ها واگذار کرده و کلّا حقّ حضانت را از خود اسقاط نموده است؛ بعد از یک سال و اندی ادّعای رجوع حقّ حضانت می‌کند، آیا حقّ رجوع دارد؟

جواب: بعد از واگذاری حقّ حضانت، حقّ بازگشت ندارد.

سؤال ۱۰۶۷- زوجه علاوه بر بذل تمام یا مقداری از مهریّه، سرپرستی بدون نفقه و یا با نفقه فرزندان دختر بالاتر از هفت سال خود را بر عهده می‌گیرد؛ ولی بعد از طلاق از نگهداری اطفال امتناع میورزد، آیا دادگاه می‌تواند زوجه را به حضانت از فرزندان دختر الزام کند، یا این که حضانت به زوج منتقل می‌شود؟

جواب: چنانچه شرعاً (از طریق مصالحه، یا شرط ضمن العقد) موظّف شده باشد، دادگاه می‌تواند زوجه را به نگهداری اطفال اجبار کند.

سؤال ۱۰۶۸- چندی پیش راجع به یک نزاع خانوادگی چند سؤال از محضرتان نمودیم که فرمودید: «در صورت احراز حرج واقعی و عدم رضایت زوج به طلاق، حاکم شرع می‌تواند ولایتاً طلاق را اجرا کند» حال پس از مذاکره مجدّد با زوج، ایشان قبول کرده است که همسرش را طلاق شرعی بدهد مشروط بر این که همسرش در محکمه مدنی کشور سوئد به صورت رسمی کلًّا از حضانت فرزندان صرف نظر کند و امر نگهداری فرزندان را به شوهر بسپارد، همسرش اظهار می‌دارد که جدایی از فرزندانم برایم بسیار مشکل و غیر قابل تحمّل است؛ لکن شوهر اصرار دارد که یا بچّه‌ها را بطور کامل در اختیار او بگذارد که بتواند آنها را به هر کشوری که

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۳۶۲

بخواهد ببرد و زن هیچ حقّی نداشته باشد و یا این که حاضر به طلاق نیستم، آیا شوهر می‌تواند امر طلاق را منوط به انصراف قانونی

همسرش از حضانت فرزندان نماید؟

جواب: در صورتی که شوهرش حقّ شرعی خود را در مورد حضانت مطالبه کند و حاضر به طلاق باشد، نمی‌توان اجباراً صیغه طلاق را جاری کرد؛ ولی می‌توان مرد را وادار کرد که به مقدار متعارف به زن، حقّ دیدن بچه‌ها را بدهد و مرد باید از این امر امتناع نکند و مسأله حضانت غیر از مسأله حقّ دیدار است.

مسائل متفرّقه ازدواج

سؤال ۱۰۶۹- آیا ازدواج واجب است؟

جواب: ازدواج از مستحبّات مؤکّد است؛ مگر در مواردی که انسان بترسد که اگر آن را ترک کند به گناه می‌افتد، که در این صورت واجب می‌شود.

سؤال ۱۰۷۰- آیا خواهر و برادر می‌توانند از عقیقه همدیگر بخورند؟

جواب: مانعی ندارد.

سؤال ۱۰۷۱- با عنایت به این که گروه زیادی از متدیّنین در خصوص امر ازدواج قبل از هرگونه مشورت و معارفه‌ای متوسّل به استخاره می‌شوند و سنّت نبوی ازدواج را به بهانه استخاره ردّ و یا به تعویق می‌اندازند و سدّی در جهت تشکیل کانون گرم، صمیمی و عاطفی زوجین جوان ایجاد می‌کنند، آیا این کار صحیح است؟

جواب: استخاره همیشه باید بعد از مطالعه جوانب مسأله و مشورت باشد، اگر فکر انسان بجایی رسید جای استخاره نیست و اگر فکر به جایی نرسید جای استخاره است.

سؤال ۱۰۷۲- اگر شخصی دختری را به عقد شرعی خود درآورد، و به دلایلی ازدواج به فسخ یا طلاق منجر شود، آیا مرد شرعاً مکلّف است این مطلب را به اطّلاع خانم

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۳۶۳

دیگری که می‌خواهد با او ازدواج کند برساند؟

جواب: ضرورتی ندارد.

سؤال ۱۰۷۳- استمنا کردن برای شخص جوانی که ۲۵ سال سن دارد و نمی‌تواند ازدواج کند، چه حکمی دارد؟

جواب: حرام است؛ باید به فکر راههای مشروع باشد.

سؤال ۱۰۷۴- اگر زنی به بهانه اختلافات خانوادگی از شوهر خود اطاعت نکند و اطرافیان او، حتّی با تهمت و دروغ گفتن به شوهر، مانع رفتن او به پیش شوهرش شوند، آیا زن و اطرافیانش گناهکارند؟

جواب: زن بدون دلیل نمی‌تواند نشوز اختیار کند و همچنین اطرافیان او بدون دلیل حق ندارند در این مسأله دخالت کنند، و اگر این کار را انجام دهند گناهکارند.

سؤال ۱۰۷۵- نظرخواهی جوانی از دختری، بدون اجازه ولی، به وسیله نامه چه حکمی دارد؟

چنانچه در ابراز علاقه و به کارگیری الفاظ در این جهت مبالغاتی شود تا در تصمیم دختر مؤثّر افتد چگونه است؟

جواب: خواستگاری اشکالی ندارد و مشروط به اجازه ولی نیست؛ مگر این که منشأ مفاسدی گردد، که در این صورت جایز نیست.

سؤال ۱۰۷۶- اگر کسی همسری را عقد نماید، آیا پدر و مادر دختر مجاز هستند زن و شوهر قانونی را از هم دور نگه دارند و نگذارند آن دو با هم به تفریح رفته و در کنار هم باشند؟

جواب: در صورتی که بر اساس عرف و عادت محل عقد انجام شده و مردم در آن محل برای فرستادن دختر همراه شوهر مادام که

عروسی نکرده‌اند رسوم و عاداتی دارند، باید طبق آن عمل شود.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۳۶۴

سؤال ۱۰۷۷- آیا ارگانهای دولتی حق دارند در زندگی زناشویی افراد تحقیق کنند، که آیا در قرارداد ازدواج و یا طلاق شبهه‌ای وجود دارد؟ و در صورت برخورد با شبهه و شک، آیا حق دارند به عنوان شکایت شبهه خود را به جاهایی بفرستند؟

جواب: آنها نباید در زندگانی خصوصی مردم تجسّس کنند.

سؤال ۱۰۷۸- استفاده از وسایلی مثل قرص، اسپری یا پماد دارویی، برای تقویت قوّه شهوانی و لذّت بردن بیشتر در هنگام آمیزش جنسی با همسر، از نظر شرعی چه حکمی دارد؟

جواب: اگر موجب ضرر و مفسده‌ای نشود مانعی ندارد.

سؤال ۱۰۷۹- چنانچه شخصی از دختری برای خودش خواستگاری کند و از طرف پدر دختر جواب مثبت بگیرد و پس از تحمّل مخارجی از قبیل مخارج جلسه خواستگاری، لباسهای نامزدی، جواهرات، سوغات و هدایا، جریان ازدواج به هم بخورد، چنانچه انصراف از طرف پدر دختر یا بالعکس از طرف داماد باشد، هر کدام چه حکمی دارد؟ آیا خواستگار می‌تواند مخارج خود را مطالبه نماید؟

جواب: هدایایی که موجود است بازپس گرفته می‌شود؛ ولی خرجهایی که شده است قابل بازپس گیری نیست؛ مگر این که قول قطعی داده باشد و بدون دلیل موجّهی اعلان انصراف کند.

سؤال ۱۰۸۰- به نظر حضرتعالی در ازدواج دو جوان بهتر است چه چیزهایی معیار باشد؟

جواب: بالاترین معیار ایمان و تقوا و اطاعت فرمان خدا و صفاتی است که موجب محبّت و سازش با یکدیگر است.

سؤال ۱۰۸۱- آیا مرد ضامن جهیزیّه همسرش می‌باشد؟ اگر شوهر فوت کرد و جهیزیّه همراه دیگر ماترکش در اختیار ورثه قرار گرفت، آیا ورّاث ضامن هستند؟ اگر در حین مطالبه، کلّ جهیزیّه یا بعضی از آن وجود نداشت و ورثه هم اظهار

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۳۶۵

بی‌اطّلاعی نمودند آیا ورثه ضامن هستند؟

جواب: اگر ثابت شود شوهر در حفظ آن کوتاهی کرده مسئول است در غیر این صورت مسئولیّت ندارد؛ و جهیزیّه زن جزء ترکه شوهر نمی‌شود و اگر ورثه بدون اجازه زوجه در آن تصرّف کنند ضامن هستند.

سؤال ۱۰۸۲- در بعضی از مناطق طبق عرف محل، در حین عقد زوجه قید می‌گردد که اجناسی به عنوان جهیزیّه از سوی زوج تهیّه و تحویل خانواده زوجه گردد و پس از تحویل به عنوان مال پدری صورت جلسه و همراه زوجه به خانه شوهر فرستاده می‌شود، بعداً در مالکیّت آن اختلاف می‌شود، با توجّه به این که از نیّت زوج در حین تهیّه و تحویل اجناس اطّلاعی نیست، آیا اجناس قید شده ملک زوجه می‌باشد یا زوج؟

جواب: در فرض مسأله مالک تمام آنها زوجه است.

سؤال ۱۰۸۳- مردی همسرش را با میل خودش به سفر حجّ تمتّع برده و بعداً به علّت عدم سازش او را طلاق داده است، بعد از مدّتی با پیشنهاد زوجه و با مهریّه «مسافرت مکّه معظّمه و سفر کربلا در صورت امکان» ازدواج کردند که این ازدواج نیز به طلاق منجر شد و در مورد مهر بین آنها اختلاف شده است، در این مورد سؤالاتی مطرح می‌باشد:

الف) چون زوج قبلًا همسرش را به سفر حجّ تمتّع برده لذا در موقع عقد مجدّد نیّت او از مسافرت مکّه معظّمه، سفر عمره بوده است، اکنون زوجه ادّعای حجّ تمتّع دارد؛ از آنجا که در عقدنامه چیزی جز کلمه مسافرت مکّه قید نگردیده وظیفه او چیست؟

جواب: می‌تواند او را به حجّ تمتع یا عمره ببرد.

ب) هزینه سفر مکّه بر چه اساس و معیاری تعیین می گردد؟

جواب: بر اساس قیمت سازمان حج و زیارت می‌باشد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۳۶۶

ج) آیا شرط امکان در این جمله: «مسافرت مکّه معظّمه و سفر کربلا- در صورت امکان» شامل مکّه و کربلا هر دو می‌شود؟ آیا مهریّه مذکور، فقط در دوران زناشویی لازم الاجرا می‌باشد یا بعد از آن هم معتبر است؟

جواب: شرط امکان در هر دو مورد است و منظور این است که موانعی بر سر این راه نباشد، و زوج در هر صورت باید به آن عمل کند، و اگر از هم جدا شدند وسایل این سفر را برای زوجه فراهم کند.

سؤال ۱۰۸۴- با توجّه به این که در حال حاضر تعداد دختران و زنان آماده ازدواج بمراتب بیشتر از پسران و مردان آماده ازدواج است و عدم توجّه به این مسأله اساسی مشکلات عدیده اخلاقی در جامعه اسلامی ایجاد می‌نماید، آیا مردانی که شرایط لازم ازدواج مجدّد را دارند، این ازدواج بر آنها واجب می‌شود؟

جواب: ارقامی که ذکر کردید چندان مطابق واقع نیست و ازدواج مجدّد بر افرادی که گفتید واجب نمی‌باشد و اگر شرایط ازدواج برای افراد مجرّد آسان بشود ظاهراً مشکل حل می‌شود.

سؤال ۱۰۸۵- شوهرم بدون اجازه من پول مرا به دخترش که از زن اوّل اوست، جهت تهیّه جهیزیّه داده است. استفاده کردن از این جهیزیّه برای آن دختر و شوهرش چه حکمی دارد؟ لازم به تذکّر است که آن دختر و شوهرش از راضی نبودن من اطّلاع ندارند. البتّه قبلًا خودم جهیزیّه برای این دختر جمع‌آوری کرده بودم، ولی الآن راضی نیستم؛ امّا شوهرم می گوید: «همان اجازه قبلی را عمل کرده‌ام و جهیزیّه را به دخترم داده‌ام».

جواب: تصرّف آن زن و شوهر در جهیزیّه‌ای که بدون رضایت شما تهیّه شده جایز نیست. و اگر قبلًا نمی‌دانسته‌اند باید بعد از اطّلاع و آگاهی تصرّف نکنند و اگر جهیزیّه‌ای با میل خودتان قبلًا داده‌اید و هنوز موجود است می‌توانید بازپس بگیرید.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۳۶۷

سؤال ۱۰۸۶- شنیده‌ام که اگر شوهری زنش را چهار ماه ترک کند از عقد او خارج می‌شود. شوهرم بعد از بچّه سوّم یک سال مرا ترک کرده، در صورتی که در یک منزل زندگی می کردیم. بعد یک بار با من نزدیکی کرده و من باردار شدم؛ لطفاً بفرمایید:

الف) آیا بچّه چهارم ما نامشروع است؟

جواب: ترک کردن بیش از چهار ماه حرام است؛ ولی موجب جدایی مرد از زن نمی‌شود، بنابراین فرزند شما مشروع است.

ب) باز دو سال مرا ترک کرده و بعداً به مدّت یک سال رابطه نزدیکی داشتیم. آیا کار ما نامشروع بوده است؟

جواب: از جواب بالا معلوم شد.

ج) ۱۸ سال است که شوهرم مرا ترک کرده است، در صورتی که زیر یک سقف زندگی می کنیم و او ۷۵ سال و من ۴۸ سال دارم، ولی من جلوی او حجاب نمی گیرم، آیا او به من نامحرم است؟

جواب: شما با هم محرم و زن و شوهر هستید و مشکلی از این جهت و از جهت عبادت ندارید.

د) من با تمام وجود کمبود شوهر را احساس می کنم و به خاطر فرزندانم طلاق نگرفته‌ام و شوهر دیگری اختیار نکردم. آیا عبادت من، مثل زن بیوه صحیح است؟

جواب: از جواب بالا معلوم شد.

ه-) من که ۲۱ سال در کنار شوهرم مانده‌ام، آیا می‌توانم مالی به عنوان غرامت از شوهرم بگیرم؟

جواب: هرگاه نفقه را گرفته‌اید، از او طلبی ندارید.

و) شوهرم قبل از من دو زن، سه دختر و سه پسر دارد و خانه آنها جداست. من خانه خود را به عنوان حقّ‌الزّحمه از شوهرم می‌خواهم، ولی ما در روستا ساکن هستیم و ساختمان ما سند رسمی ندارد او می‌خواهد وصیّتنامه بنویسد و به من

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۳۶۸

انتقال بدهد و تمام وسایل منقول و غیر منقول خود را به من ببخشد. آیا دستخطّ خودش قابل قبول است؟

جواب: آری دستخطّ خودش قابل قبول است؛ ولی توجّه داشته باشید آن را به عنوان حقّ‌الزّحمه بگیرید و دو نفر شاهد نیز پای آن را امضا کنند که کسی نتواند آن را انکار کند.

سؤال ۱۰۸۷- مردی با زنی ازدواج می‌نماید، در حالی که زن، در کرمان و مرد در یزد شاغل بوده است و هر دو با علم و اطّلاع از شغل و محلّ کار همدیگر ازدواج نموده‌اند، حال مرد می‌گوید: «چون اختیار مسکن با من است باید به یزد بیایی» و زن می‌گوید: «اگر بخواهم به یزد بیایم شغل و سابقه ده‌ساله خدمتم از دست می‌رود، تو زمانی که با من ازدواج کردی می‌دانستی که من در کرمان شاغل هستم، لذا بنای ازدواج بر کار کردن در کرمان بوده است، پس من با تو نمی‌آیم». آیا حق با مرد است یا با زن؟

جواب: اگر طرفین از وضع یکدیگر آگاه بوده‌اند و عرف و عادت محل بر پیروی زن در چنین موردی از مرد نباشد، راهی جز توافق و تراضی طرفین بر محلّ سکونت نیست.

سؤال ۱۰۸۸- در محلّی رسم است که از طرف داماد در ایّام عید گوسفندی به عنوان عیدی به منزل عروس می‌برند، این گوسفند ملک کیست؟ عروس یا پدرش یا برادرانش؟

جواب: اگر قبل از آمدن عروس به خانه شوهر هدایایی ببرند، مال عروس است.

سؤال ۱۰۸۹- زن و مردی به هنگام ازدواج مسیحی بوده‌اند، زن بعداً اسلام را قبول می‌کند، ولی مرد مسیحی می‌ماند. شوهر، زن خود را بر انجام فرائض دینی تشویق می‌کند و می‌خواهد که فرزندان او هم مسلمان بشوند. وقتی از او سؤال می‌شود که

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۳۶۹

شما چرا اسلام را قبول نمی‌کنید؟ جواب می‌دهد: هنوز وقت این امر نرسیده است، حکم این زن چیست؟

جواب: در صورتی که شوهر مسلمان نشود، زن بدون طلاق از او جدا می‌شود و عدّه نگه می‌دارد و شوهر می‌کند؛ مگر این که مرد در باطن مسلمان باشد؛ هرچند به عللی حاضر به اظهار آن نگردد.

سؤال ۱۰۹۰- همان گونه که می‌دانید روز به روز فاصله بین بلوغ جنسی و سنّ ازدواج، رو به افزایش است و اکنون به حدود ۱۲ الی ۱۳ سال رسیده است (چه در مورد دختران و چه در مورد پسران)؛ این مسأله باعث شده که روابط پنهانی و نامشروع دختران و پسران از اصلی‌ترین مشکلات جوانان به حساب آید. در این رابطه‌ها حرمت شرعی ۱۰۰٪ است و گاهی آثار و تبعات اجتماعی و روانی نیز به دنبال دارد. حال سؤال این است که با توجّه به خودداری جوانان از ازدواج (به دلیل مشکلاتی مانند تحصیل، شغل و مسکن) و سود نبخشیدن تفریحاتی مانند ورزش، و غیره و همچنین نپذیرفتن ریاضت و رهبانیّت در طیّ این دوران (و بلکه ناممکن بودن آن در بعضی اوقات) و از همه مهمتر روا نبودن سکوت در مقابل این همه خلاف شرع و اثراتی که از بُعد معنوی و عبودی بر روح و جان جوانان می‌گذارد لطفاً بفرمایید که:

آیا دعوت عمومی دختران و پسرانی که دارای روابط نامشروع هستند و به ادامه آن اصرار میورزند، با حفظ همان میزان رابطه، به ازدواج غیر دائم، با اذن ولی یا بدون اذن ولیّ، صحیح است؟ آیا این عمل اخراج از حرام به حلال است، که در برخی روایات ابواب متعه به آن اشاره شده است؟

جواب: دعوت به سوی این رابطه ظاهراً مشروع، مفاسد زیادی در بر دارد و تجربه نشان داده که غریزه سرکش جنسی هرگز آنها را در یک مرحله محدود نمی‌کند؛ بلکه غالباً به مراحل دیگر می‌کشاند که سبب مشکلات عظیم برای جامعه

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۳۷۰

می گردد. بعلاوه چون این گونه ارتباط مسئولیّت و تقیّد خاصّی همراه ندارد، در یک نفر محدود نمی‌شود و ممکن است یک فرد با چند نفر نیز رابطه برقرار کند که مفاسد آن بر کسی مخفی نیست.

بنابراین، از چنین طریقی در شرایط فعلی جامعه ما باید صرفنظر کرد و به طرق دیگر، از جمله تشویق به ازدواجهای ساده، ازدواجهایی در حدّ عقد بدون عروسی و همچنین مبارزه با عوامل تحریک‌کننده اقدام شود، که اگر این عوامل کم شود مسأله بسیار محدودتر خواهد شد. تشویق به سرگرمیهای سالم مانند ورزش و غیر آن نیز سهمی در کنترل این امر دارد، منتها باید جوانان را تشویق کرد در ورزش از لباسهای مناسب استفاده کنند، تا نتیجه معکوس ندهد.

سؤال ۱۰۹۱- اگر یکی از زوجین در غیاب زوج دیگر و در حین مکاتبه با او، از جملات و کلماتی استفاده نماید که موجب تحریک نویسنده و خواننده شود، آیا این کار جایز است؟ (منظور از نویسنده و خواننده زوجین است؛ نه بیگانه)

جواب: در صورتی که نامه آنها به دست دیگری نیفتد، اشکالی ندارد.

سؤال ۱۰۹۲- آیا ازدواج شخصی که قبلًا عمل منافی عفّت انجام داده، با دختر باکره جایز است؟ آیا اظهار این مطلب لازم است؟

جواب: ازدواج او اشکالی ندارد؛ ولی اظهار کار خلاف جایز نیست؛ همین اندازه که توبه واقعی کند، کافی است.

سؤال ۱۰۹۳- شوهرم پس از بیست سال زندگی مشترک و با داشتن دو فرزند، بدون اجازه این جانب، همسر دوّمی اختیار نموده که باعث پاشیدگی زندگی مشترکمان شده، و از آن تاریخ اصلًا رعایت عدالت را در هیچ زمینه‌ای ننموده است. یک بار که شوهرم در منزل همسر دوّمش بود به آنجا رفتم که مشاجره لفظی کوتاهی بین من و همسر دوّم او اتّفاق افتاد، بدین جهت شوهرم مرا نزد همسر دوّمش به شدّت کتک زد که منجر به خونریزی بینی گردید و از آن روز به بعد به ناچار در منزل پدرم به سر

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۳۷۱

می‌برم، زیرا در منزل خودم احساس امنیّت نمی‌کردم. اکنون همسرم شرط بازگشت به زندگی و شروع مجدّد آن را منوط به عذرخواهی از همسر دوّم می‌داند و می‌گوید: «باید از آن کتک‌کاری نیز بگذری». این امر موجب از بین رفتن غرور من نزد فامیل و فرزندانم می‌باشد، لذا خواهشمند است شرعاً تکلیف مرا در این مورد معیّن کنید.

جواب: چنانچه شما به همسر دوّم اهانت کرده‌اید وظیفه شما این است که حلّیّت بطلبید؛ ولی شوهر شما نمی‌تواند بازگشت به زندگی را مشروط به این کار کند و اگر شوهر شما، شما را زده و مجروح کرده، باید دیه بدهد یا از شما حلّیّت بطلبد و محیط امن و امانی را برای زندگی شما فراهم سازد و بدانید این گونه مشکلات جز با مدارا کردن طرفین و عفو و گذشت و رعایت اصول عدالت، حل نخواهد شد.

سؤال ۱۰۹۴- دو سال پیش تجدید فراش کردم. از زمان ازدواج مجدّد، همسر اوّلم بنا را بر بی‌حرمتی، فحّاشی و اهانتهای بسیار زننده گذاشته است. در آخرین بار همسر اوّلم پس از شکستن شیشه‌های درب ورودی منزل همسر دوّمم و ورود بعنف به منزل، با درگیری با من و فحّاشی بسیار زننده و تهدید نسبت به همسر دوّم، با من درگیر شد که بی‌اختیار او را کتک زدم (البتّه چنانچه دیه‌ای داشته باشد، مرقوم فرمایید تا بپردازم). با این توضیحات لطفاً بفرمایید که آیا عذرخواهی همسر اوّلم از همسر دوّم به خاطر تهدیدات زیاد و فحّاشی و بدگویی و گفتن کلمات بسیار زننده و موهن، که باعث تزلزل شدید زندگی من شده است، لازم است؟

جواب: اوّل این که شما باید در چنین شرایطی با نهایت خویشتن‌داری و صبر و حوصله و تحمّل مشکلات، رفتار نمایید و در بسیاری از موارد برای حفظ حیثیت خود و جلوگیری از تشنّج از حقوق خود بگذرید.

دوّم این که اگر همسر اوّل ناراحتی برای همسر دوّم ایجاد کرده (یا بالعکس)، باید از طریق عذرخواهی و طلب حلّیّت جبران کند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۳۷۲

سؤال ۱۰۹۵- با توجّه به این که قرار نامزدی تا قبل از وقوع عقد طبق قانون مدنی موجب علقه زوجیّت نمی‌باشد، لطفاً بفرمایید: رفتن دو نامزد پسر و دختر باکره، یا دو نامزد مرد و زن بیوه به تنهایی به خیابان یا خارج از شهر و یا به شهر دیگری غیر از شهر خود بمنظور تفریح و گردش جایز است؟ یا این که مشمول تعزیرند؟

جواب: مادام که عقد شرعی خوانده نشده باشد جایز نیست.

سؤال ۱۰۹۶- این جانب مدّت سه سال است که خواستگار دارم؛ ولی به علّت این که خواهر بزرگترم ازدواج نکرده، خانواده‌ام به خواستگارانم جواب ردّ می‌دهند. در حال حاضر ۲۷ سال سن دارم. آیا جایز است که بنده برای حفظ حرمت خواهرم ازدواج نکنم؟ اگر ازدواج کنم آیا در حقّ خواهرم خیانت کرده و دچار معصیت شده‌ام؟

جواب: شما شرعاً و اخلاقاً می‌توانید ازدواج کنید و خیانت و بی‌احترامی نسبت به خواهرتان نخواهد بود.

سؤال ۱۰۹۷- بعضی از دختران با سنّ بالا (۳۰ و ۳۵ سال) خود را در محدودیّتهایی از نظر ازدواج قرار می‌دهند، مثلًا می‌گویند: «فقط با سادات ازدواج می‌کنیم». آیا در چنین شرایط سنّی، دختران می‌توانند خود را در چنین محدودیّتهایی قرار بدهند، و ازدواج خود را به تأخیر بیندازند؟

جواب: این گونه محدودیّتها به مصلحت دختران نیست؛ حتّی اگر نذر کنند و آن نذر سبب مشکلاتی در زندگی آنان شود، آن نذر هم اعتباری ندارد.

سؤال ۱۰۹۸- بعضی از مؤمنین نذر می‌کنند که دختر خود را فقط به سیّد بدهند، بر اثر این محدودیّتها گاهی برخی از دختران تا سن ۳۰ سالگی، بلکه بالاتر، هنوز ازدواج نکرده‌اند. آیا چنین وضعی، ظلم به دختران و خلاف عقل و شرع به حساب نمی‌آید؟ آیا پدر و مادر از نظر دستور شرع، حق دارند که چنین محدودیّتی را در ازدواج دختر خود ایجاد کنند؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۳۷۳

جواب: پدر و مادر حق ندارند درباره دختر یا پسر خود نذر کنند، یا محدودیّتی از این نظر قائل شوند؛ حتّی اگر خود دختران هم نذر کنند و سبب بروز مشکلاتی شوند، نذرشان اعتباری ندارد.

سؤال ۱۰۹۹- آیا در ازدواج، اخذ پول گزاف اضافه بر مهریّه از داماد جایز است؟ به گونه‌ای که اگر تهیّه نشود عروسی معطّل می‌ماند، در حالی که افراد پولداری که کفو دختر نیستند بدون در نظر گرفتن رضایت دختر، با پدر و مادر او سازش کرده، پول می‌دهند و دختر را می‌گیرند؛ امّا جوان بی‌پول، و لو هم‌کفو دختر باشد، محروم می‌ماند. آیا در چنین مواردی اخذ پول جایز است؟

جواب: در ازدواج تنها پرداختن مهریّه و آنچه در عقد شرط شده لازم است و در همه حال رضایت دختر شرط است، و مهریّه و شرایط، منوط به رضایت زوج و زوجه است و زاید بر آن مشروع نیست. و سزاوار است مسلمانان در تمام این موارد از سختگیری و هزینه‌های گزاف پرهیز نمایند.

سؤال ۱۱۰۰- با توجّه به این که زن و مرد شریک زندگی یکدیگرند آیا مرد می‌تواند بدون اذن زن خود وجهی به دیگران بذل و یا کمک کند، همچنین آیا زن می‌تواند بدون اذن مرد از درآمد شوهر، و لو به صورت صدقه، به کسی بذل و بخشش کند؟

جواب: مرد و زن هر کدام اختیاردار مال خویش هستند؛ و بدون رضایت دیگری حق تصرّف در مال او ندارند.

سؤال ۱۱۰۱- آیا زوج می‌تواند طلاهایی را که برای زوجه‌اش در زمان عقد یا عروسی یا پس از آن خریده و تحویل او داده است و معلوم نیست که قصد تملیک داشته یا نه؟ و نیز وضعیّت هبه آن نامعلوم است، هرچند احتمال هبه در قبال اعمال مشروع غیر از استمتاعات زیاد است، استرداد نماید؟

جواب: ظاهر کار این است که آنها به او بخشیده شده است؛ ولی بازپس گرفتن آن مادامی که اصل آن موجود باشد جایز است؛ امّا اگر آن را تبدیل کرده شوهر

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۳۷۴

نمی‌تواند آن را بازپس بگیرد.

سؤال ۱۱۰۲- من در قم مشغول دروس حُوزوی می‌باشم، زن و فرزندانم در افغانستان تحت سرپرستی پدر و مادرم می‌باشند. می‌خواهم آنها را نزد خودم بیاورم؛ امّا پدر و مادرم از شدّت علاقه‌ای که به نوه‌هایشان دارند اجازه این کار را نمی‌دهند، وظیفه من و پدر و مادرم را بفرمایید.

جواب: شما شرعاً می‌توانید آنها را نزد خود بیاورید؛ ولی بهتر این است که سعی کنید پدر و مادر را نیز راضی کنید.

سؤال ۱۱۰۳- حکم اسلام در مورد ختنه دختران چیست؟ و مراد از ختنه دختران چه می‌باشد؟

جواب: در مورد ختنه دختران و زنان آنچه از منابع فقه و حدیث شیعه و اهل سنّت استفاده می‌شود این امور است:

الف) ختنه کردن دختران و زنان نزد علمای شیعه به اجماع و اتّفاق واجب نیست؛ ولی حکم به استحباب آن کرده‌اند. «۱»

ب) نزد علمای اهل سنّت نیز مشهور عدم وجوب است و «ابن قدامه» در «مغنی» تصریح کرده که قول اکثر اهل علم عدم وجوب است. «۲»

ج) در روایات شیعه تصریح به عدم وجوب شده است، مرحوم صاحب وسائل احادیث متعدّدی در این زمینه دارد، از جمله در خبر أبو بصیر از امام باقر (علیه السلام) نقل شده که فرمود: «امّا السنهٔ فالختان علی الرجال و لیس علی النساء» و در همان باب روایات دیگری نیز نقل می‌کند؛ در کتب حدیث عامه در مسند احمد حنبل نیز عدم وجوب آن در مورد زنان از پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نقل شده است. «۳»

د) در مورد طریقه آن در روایات تصریح شده که آن عضو مخصوص از ریشه

---

(۱). جواهر الکلام، جلد ۳۱، صفحه ۲۶۲.

(۲). مغنی ابن قدامه، جلد ۱، صفحه ۱۰۰ و ۱۰۱.

(۳). وسائل الشّیعه، جلد ۱۵، صفحه ۱۶۶، باب ۵۶، ابواب احکام اولاد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۳۷۵

برداشته نشود؛ بلکه تنها قسمت بالای آن برداشته شود؛ توضیح این که در بالای فرج قطعه گوشت کوچکی وجود دارد که ختنه مربوط به آن است. «۱»

ه‍) در حال حاضر در محیط اسلامی به این امر عمل نمی‌شود؛ زیرا به اتّفاق علمای شیعه جزء واجبات نیست و لزومی ندارد اقدام به چنین کاری کنند. «۲»

سؤال ۱۱۰۴- آیا کادو و هدایایی را که بستگان عروس، که فامیل داماد نیستند، می‌آورند تماماً متعلّق به عروس (زوجه) است؟

جواب: آری متعلّق به زوجه است؛ مگر این که بگویند متعلّق به داماد است، و یا قرائن قطعی حکایت از آن کند.

سؤال ۱۱۰۵- اگر عروس و دامادی با هم فامیل باشند، آیا کادو و هدایایی که ضمن عروسی برای ایشان می‌آورند، متعلّق به هر دوی ایشان است؟

جواب: آنچه زنانه است متعلّق به عروس و آنچه مردانه است متعلّق به داماد و بقیّه مشترک است.

سؤال ۱۱۰۶- آیا بطور کلّی و در هر صورت پس از فوت زوجه، جهیزیّه او جزء ماترک است؟

جواب: جهیزیّه، جزء ماترک زوجه است.

سؤال ۱۱۰۷- مرکز توانبخشی و نگهداری معلولین ذهنی «امید سروستان» حدود ۱۰۰ نفر از عقب‌افتادگان ذهنی و جسمی پسر بالای

۱۵ سال را بطور شبانه‌روزی، سرپرستی و نگهداری می کند، این عدّه طبیعتاً دارای غریزه جنسی بوده و چون در محیط شبانه‌روزی زندگی می کنند ممکن است در بعضی مواقع و به دور از چشم مددیاران اقدام به کارهای نامشروعی کنند. این اعمال:

الف) از نظر اسلام گناه است.

(۱). مسند احمد، جلد ۵، صفحه ۷۵.

(۲). وسائل الشّیعه، جلد ۱۲، ابواب ما یکتسب به، باب ۱۸، حدیث ۱، صفحه ۹۲.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۳۷۶

ب) باعث شیوع امراض مقاربتی می گردد.

ج) ممکن است به صورت عادت همه گیر شود.

د) خطر شیوع بیماری ایدز هم وجود دارد.

با توجّه به مشکلات ذکر شده و این که برای این گونه افراد معلول ذهنی ازدواج ممنوع می‌باشد، آیا می‌توان این گونه افراد را به طرق مختلف پزشکی، یا با اعمال جرّاحی از غریزه جنسی محروم کرد؟

جواب: محروم کردن آنها از غریزه جنسی جایز نیست؛ ولی می‌توان به وسیله داروهایی که مثلًا در غذای آنها ریخته می‌شود، یا از طرق دیگر، غریزه جنسی آنها را کم کرد تا به سراغ این امور نروند.

سؤال ۱۱۰۸- آیا در شرع مقدّس اسلام تغییر سنّ شرعی و قانونی ازدواج دختران از ۹ سال به ۱۵ سال مجاز است؟

جواب: سنّ نه سالگی سنّ تکلیف است و الزاماً سنّ ازدواج نیست.

شیرازی، ناصر مکارم، استفتاءات جدید (مکارم)، ۳ جلد، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم - ایران، دوم، ۱۴۲۷ ه ق استفتاءات جدید (مکارم)؛ ج۲، ص: ۳۷۶

توضیح این که ازدواج در صورتی جایز است که دختر رشد جسمانی کافی برای ازدواج داشته باشد و در صورتی که کارشناسان بطور خصوص یا بطور عام تأیید کنند که فلان دختر یا عموم دختران در محیط ما، در فلان سن، رشد جسمانی کافی برای ازدواج ندارند، ازدواج در چنان سنّی حرام است.

به تعبیر دیگر بلوغ به حسب ادلّه شرع چهار مرحله دارد.

الف) بلوغ به معنای سنّ تکلیف و رعایت واجب و حرام و نماز و مانند آن.

ب) بلوغ به معنای آمادگی برای روزه بطوری که مایه ضرر و زیان و بیماری پسران و دختران نشود.

ج) بلوغ برای ازدواج بطوری که دختران از نظر جسمی آمادگی کافی داشته باشند و خطر افضا و نقایص دیگری در کار نباشد.

د) بلوغ و رشد برای مسائل اقتصادی و مالی بطوری که در معاملات مغبون نشوند. از آنچه در بالا گفته شد جواب سؤال روشن شد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۳۷۷

فصل سی و یکم: احکام طلاق

شرایط طلاق

سؤال ۱۱۰۹- شخصی می‌خواهد همسر خود را که دوشیزه و غیر مدخوله می‌باشد، طلاق بدهد؛ آیا در این طلاق شرط است که

زوجه از حیض پاک باشد؟

جواب: در زوجه غیر مدخوله، خالی بودن از حیض شرط نیست.

سؤال ۱۱۱۰- آیا پسران زن و شوهر می‌توانند به عنوان شهود طلاق والدین خود باشند؟

جواب: اگر پسران او بالغ و عادل باشند، می‌توانند شهود طلاق شوند.

سؤال ۱۱۱۱- در مورد طلاق اهل تسنّن شنیده شده است که آنها، مخصوصاً شافعی‌ها، صیغه طلاق جاری نمی‌کنند؛ بلکه به صرف اراده جدایی و لفظ «تو مطلّقه‌ای» اکتفا می‌کنند، آیا صحّت دارد؟ آیا حضور شاهدین عدلین را لازم نمی‌دانند؟

جواب: طلاق اهل تسنّن اگر واجد شرایط شرعیّه، مانند شاهدین عدلین، نباشد در مورد شیعیان کفایت نمی‌کند؛ ولی درباره خودشان اگر چنین طلاقی دارند از باب قاعده الزام طلاقشان مقبول است و مشهور در میان آنان عدم اعتبار شاهدین است؛ بلکه شیخ در «خلاف» اجماع فقهای اهل سنّت را بر عدم اعتبار شاهدین ادّعا می‌کند.

سؤال ۱۱۱۲- زن و شوهری ایرانی و شیعه پس از چند سال زندگی مشترک، در

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۳۷۸

ایران از یکدیگر طلاق گرفته‌اند. سپس هر دو به استرالیا هجرت کرده و پس از ۵ سال مجدّداً با یکدیگر ازدواج می‌کنند. مُجری این ازدواج یک نفر سنّی بوده که در عرف ایرانیان مقیم «سیدنی» به عنوان وکیل ازدواج شرعی معروف بوده و هست. پس از ازدواج دوباره از یکدیگر طلاق می‌گیرند، لیکن این بار طلاق مدنی بوده (مطابق قوانین استرالیا) و طلاق شرعی انجام نشده است. سپس بعد از دو سال زن توسّط همان عاقد با مرد دیگری ازدواج نموده و اکنون باردار است. زن اخیراً مطّلع شده که طلاق استرالیایی او از شوهر اوّلش از نظر شرعی معتبر نیست و لذا ازدواج با شوهر دوّم نیز دچار اشکال است. ایشان اظهار می‌دارد مطلقاً تصوّر نمی‌کرده که طلاق دادگاه استرالیایی بدون اعتبار باشد؛ خصوصاً که وکیل فوق‌الذّکر، ازدواج مجدّد ایشان را با همسر دوّم اجرا کرده است. اکنون زن و همسر دوّمش بسیار نگرانند، حلّ مشکل آنها چگونه است؟

جواب: با توجّه به این که طلاق فاقد شرایط شرعیّه، یعنی حضور دو شاهد عادل بوده، باطل است و زن در عقد شوهر اوّل است و حتّی اگر از شوهر اوّل طلاق شرعی بگیرد، ازدواج او با شوهر دوّم مشکل است؛ مگر این که ثابت شود که ازدواج دوّم زن با شوهر اوّل باطل بوده است، در این صورت مشکلی با شوهر دوّم ندارد.

سؤال ۱۱۱۳- یکی از برادران اهل سنّت زوجه خویش را در یک جلسه و در حالت عصبانیّت سه طلاق کرده است، علمای اهل سنّت گفته‌اند: «طلاق بائن واقع شده و زوجه‌اش بر او حرام شده است و باید محلّل بگیرد». اگر آن مرد سنّی شیعه شود چه حکمی دارد؟

جواب: احتیاط واجب آن است که نسبت به آنچه در گذشته واقع شده معامله مذهب سابق را کند، یعنی احتیاطاً محلّل بگیرد.

سؤال ۱۱۱۴- شخصی زوجه مدخولٌ بهای خود را طلاق می‌دهد و تمام مهر

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۳۷۹

المسمّی را به زوجه پرداخت می‌کند، زوجه فقط نفقه ایّام عدّه را به زوجش بذل و گذشت می‌نماید، در قبال بذل نفقه ایّام عدّه، آیا طلاق خلعی می‌باشد یا رجعی؟ (در صورتی که مهریّه را خود دریافت می‌نماید).

جواب: بذل نفقه ایّام عدّه کافی نیست؛ زیرا هنوز نفقه‌ای واجب نشده است؛ بعلاوه زوجه مختلعه نفقه ندارد، نفقه مخصوص مطلّقه رجعیّه است، بنابراین طلاق مذکور رجعی است.

عدّه

سؤال ۱۱۱۵- زنی به عقد ازدواج مردی در می‌آید و سپس عروسی می‌کنند و به خانه شوهر می‌رود، مرد توان نزدیکی ندارد؛ ولی استمتاعات دیگر غیر از نزدیکی صورت گرفته است، متأسّفانه زندگی مشترک آنها منجر به طلاق می‌شود، آیا زن باید عدّه طلاق نگهدارد؟ و در صورت طلاق، آیا مهریّه زن نصف می‌شود؟ آیا زن برای ازدواج بعدی باز احتیاج به اذن پدر یا جدّ دارد؟ آیا این دختر می‌تواند خود را به عقد موقّت دیگری درآورد؟

جواب: در فرض مسأله زن عدّه ندارد و مهر او با طلاق نصف می‌شود و هنوز حکم باکره را دارد.

سؤال ۱۱۱۶- اگر شخصی زنی را برای خود عقد دائم یا موقّت نماید و تمام تمتّعات (غیر از دخول) را ببرد و بعداً او را طلاق بدهد، یا مدّتش تمام بشود، یا مدّتش را ببخشد، آیا در این صورت می‌تواند بدون رعایت عدّه طلاق، خواهر یا دختر آن زن را عقد کند؟

جواب: چنین زنی عدّه ندارد و ازدواج با خواهر یا دختر او بلامانع است.

سؤال ۱۱۱۷- شخصی زن غیر یائسه‌ای را به عقد موقّت خود به مدّت ۶ ماه درمی‌آورد و قبل از اتمام مدّت (مثلًا پس از دو ماه) مابقی مدّت را (که چهار ماه

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۳۸۰

می‌باشد) بخشیده و آن زن را به عقد دائم خود در می‌آورد؛ لطفاً بفرمایید:

الف) آیا عدّه لازم است؟

جواب: عدّه لازم نیست، هرچند دخول حاصل شده باشد.

ب) با توجّه به این که آثار عقود از زمان انعقاد عقد جاری می‌شود، چنانچه در فرض بالا، پس از بذل مدّت، زن را به عقد دائمی خود درآورد و قبل از دخول طلاق دهد، آیا در اینجا نگهداشتن عدّه بعد از طلاق لازم است؟

جواب: چنانچه زن بخواهد با دیگری ازدواج کند باید عدّه نگهدارد.

ج) اگر عدّه لازم است مدّت عده دو طُهر است یا سه طُهر؟ و به عبارتی زن باید عدّه بذل مدّت را نگه دارد، یا عده طلاق را؟

جواب: با توجّه به این که طلاق قبل از دخول بوده عدّه ندارد؛ ولی باید باقیمانده عدّه عقد موقّت را نگه دارد.

د) در فرض مسأله بالا، آیا زن مصداق غیر مدخولٌ بها در عقد دائم می‌باشد؟

جواب: نسبت به عقد دائم مصداق غیر مدخولٌ بهاست؛ ولی نسبت به عقد موقّت سابق چون مدخولٌ بها بوده عدّه او باقی است؛ هرچند بقای عدّه مزاحم ازدواج شوهر سابق نمی‌باشد؛ ولی مانع ازدواج دیگران خواهد بود.

ه-) در صورتی که جواب منفی است، دلیل آن چیست؟ آیا عنوان مدخوله‌ای که ناشی از عقد متعه می‌باشد می‌تواند در عقدی که بعداً منعقد شده و آثار خاصّ آن بر آن بار می‌شود تأثیر بگذارد؟

جواب: از جواب بالا معلوم شد.

سؤال ۱۱۱۸- عدّه زنان بدون رحم (یعنی زنی که رحمش را برداشته‌اند) چقدر است؟

جواب: زنانی که رحم ندارند و طبعاً حائض نمی‌شوند و به سن یائسگی نرسیده‌اند باید سه ماه عدّه طلاق نگه دارند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۳۸۱

سؤال ۱۱۱۹- آیا زن در صورت یقین به عدم انعقاد نطفه، می‌تواند قبل از سپری شدن ایّام عادت اقدام به ازدواج کند؟

جواب: عدّه در واقع حریم زوجیّت است و فلسفه و حکمت آن منحصر به انعقاد نطفه نیست؛ به همین دلیل اگر مرد سالها جدا از زن خود زندگی کند، یا در مسافرت باشد بعد از طلاق، عدّه بر زن مدخوله غیر یائسه واجب است.

سؤال ۱۱۲۰- امروزه از نظر پزشکی امکانات آزمایشگاهی و تجهیزاتی نظیر سونوگرافی وجود دارد که در کوتاهترین زمان می‌توان بطور قطع، یقین حاصل نمود که زنی در اثر همبستری و نزدیکی باردار شده است یا خیر؟ حال با چنین فرضی، آیا مدّت عدّه طلاق

همان است که قبلًا در احکام آورده شده، یا قابل تغییر است؟

جواب: همان گونه که قبلًا اشاره شد عدّه تنها مربوط به مسأله بارداری نیست؛ بلکه در واقع حریم زوجیّت است؛ لذا اگر زنی چند سال از شوهرش دور باشد سپس او را طلاق دهد، باید عدّه نگه دارد.

سؤال ۱۱۲۱- امروزه با استفاده از دارو (خوراکی- تزریقی)، یا به کار بردن وسایل پیشگیری پزشکی، بطور قطع می‌توان از بارداری زن جلوگیری کرد، با چنین فرضی آیا بر زنانی که از امکانات فوق استفاده می‌کنند لازم است عدّه نگه دارند؟

جواب: از جواب بالا معلوم شد.

سؤال ۱۱۲۲- در صورتی که زمان فهمیدن اشتباه در وطی به شبهه مدّتی پس از وطی باشد، آیا در این صورت نیز نگاه داشتن عدّه لازم است؟

جواب: احتیاط نگه‌داشتن عدّه است.

سؤال ۱۱۲۳- هرگاه زنی از شوهر خود بصورت خُلع طلاق گرفته باشد و قبل از پایان مدّت عدّه طلاق شوهرش از دنیا برود، آیا چنین زنی عدّه وفات نیز دارد؟

جواب: در این گونه موارد که طلاق، طلاق بائن است عدّه وفات ندارد؛ هرچند احتیاط بهتر است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۳۸۲

طلاق خُلع و مبارات

اشاره

سؤال ۱۱۲۴- زنی برای شوهرش چنین می‌نویسد: «مهرم را می‌بخشم و آنچه از شما گرفته‌ام پس می‌دهم و هر آنچه داده‌ام را می‌بخشم، به شرط این که مرا طلاق دهی» شوهر در جواب گفته است: «به این درخواست با شرایط فوق موافقت می‌کنم» حال سؤال این است که:

الف) آیا این ورقه موافقت بدوی، طلاق به حساب می‌آید؟

ب) آیا این نوشته دلالت بر وکالت ضمنی می‌کند؟

ج) اگر شخص ثالث با استناد به این ورقه صیغه طلاق را جاری کند، آیا طلاق صحیح است؟

جواب: طرفین باید به شخص ثالثی وکالت بدهند که در مقابل بذل اموال مزبور صیغه طلاق خلع را با حضور عدلین جاری کند.

سؤال ۱۱۲۵- بر مبنای توافق زوجین قرار شد زوجه علاوه بر مهریّه، مبلغی را نیز جهت طلاق خلع به شوهر بپردازد؛ ولی بعد از اجرای طلاق خلع، زوجه، یا وکیل او از دادن مال مورد توافق امتناع میورزند. زوج نیز به مجرّد امتناع زوجه از بذل مال در همان زمان، رجوع خویش را به همسر و خانواده‌اش اطّلاع می‌دهد، آیا در این فرض بعد از رجوع و احراز آن، طلاق بر هم می‌خورد؟

جواب: هرگاه عدم پرداخت به عنوان رجوع به بذل باشد زوج حق دارد رجوع کند و امّا اگر صرفاً تعلّلی در پرداخت بوده باشد زوج حقّ رجوع ندارد و ازدواج زن بعد از عدّه جایز است، و زوج می‌تواند طلب خود را از زوجه بگیرد.

سؤال ۱۱۲۶- مردی در قبال بذل مهریّه زوجه، او را طلاق داد، و در ضمن آن حضانت فرزند خردسال خود را برای همیشه به زوجه داده است، آیا بعد از گذشت ایّام عدّه و یا چند سالی که طفل هنوز صغیر است، مرد می‌تواند تقاضای استرداد طفل را بنماید؟ و اگر بتواند، آیا زن هم می‌تواند به مهر خود رجوع و آن را مطالبه نماید؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۳۸۳

جواب: با موافقت طرفین قرارداد به هم می‌خورد.

سؤال ۱۱۲۷- زوجه در طلاق خلع، که قبل از دخول صورت گرفته است، تمام مهر خود را به زوج بذل نموده است؛ آیا زوج حق دارد نصف مهر را بعد از طلاق مطالبه نماید؟

جواب: حق ندارد.

سؤال ۱۱۲۸- خانم مطلّقه به طلاق خلعی با رجوع شوهرش موافقت کرده است؛ مدّت زیادی عمل زناشویی انجام داده‌اند؛ ولی زوجه رجوع به بذل نکرده است. با توجّه به این مقدّمه به سؤالات زیر پاسخ فرمایید:

الف) آیا عمل آنها صحیح است؟

جواب: تا زن رجوع به بذل نکند زوج حق رجوع ندارد؛ ولی می‌تواند با توافق طرفین او را عقد جدید بنماید.

ب) آیا کار آنان زناست، یا وطی به شبهه محسوب می‌شود، و یا رجوع قهری حساب می‌شود؟

جواب: چون جاهل به مسأله بوده‌اند وطی به شبهه است و رجوع قهری محسوب نمی‌شود و زنا هم نیست.

ج) چنانچه بچّه‌دار شوند، کیفیّت ارث چگونه است؟ تکلیف فعلی آنان چیست؟ آیا باید از هم جدا شوند، یا نیاز به طلاق مجدّد دارند؟

جواب: اولاد ایشان ملحق به ایشان است و در جمیع احکام مانند بچّه حلال‌زاده است؛ ولی اگر از این به بعد بدون عقد جدید با هم آمیزش کنند زنا محسوب می‌شود.

د) در صورتی که بدون طلاق جدا شوند علی القاعده باید عدّه نگه دارد. آیا از وقتی که از شوهر جدا می‌شود عدّه شروع می‌شود یا بعد از توجّه؟ در صورتی که رجوع قهری حساب شود، آیا زن مالك مهریّه مبذوله می‌شود یا نه؟ در صورت

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۳۸۴

امکان تمام شقوق محتمله در این موضوع را بیان فرمایید.

جواب: به واسطه دخول مستحقّ مهر المثل می‌باشد و احتیاط واجب آن است که زن عدّه نگه دارد و اگر عدّه طلاق خلع تمام نشده بنابر احتیاط واجب باید بقیّه عدّه را بگیرد و بعداً عدّه‌ای هم برای وطی به شبهه نگه‌دارد.

سؤال ۱۱۲۹- در طلاق خلع زوجه با بذل مهریه، یا عند اللّزوم مازاد بر آن، طلاق خود را از زوج تقاضا می‌نماید. سؤال این است که:

الف) آیا بذل مهریّه و مازاد بر آن در قالب عقد هبه ضمن طلاق خلع صورت می‌گیرد؟ اصولًا تملیك زوجه نسبت به زوج در طلاق خلع از لحاظ فقهی تحت چه عنوانی از عناوین فقهیّه است؟

جواب: بذل زوجه نوعی هبه معوّضه است؛ ولی احکامی مخصوص به خود دارد.

ب) در صورتی که زوجه در طلاق خلع و در زمان عدّه به مبذول خود رجوع نماید آیا محض رجوع وی، مهریّه یا مال دیگری که توسّط زوجه بذل شده، قهراً به ملکیّت زوجه برمی‌گردد و یا برگشت مال به ملکیّت زوجه مستلزم رجوع زوج است و تا زمانی که زوج رجوع نکرده مال مبذول در ملکیّت زوج باقی است و تنها اثر رجوع زوجه به بذل این است که طلاق خلع که بائن است تبدیل به طلاق رجعی می‌شود؟

جواب: صحیح همان تعبیر اوّل است؛ یعنی به محض رجوع زوجه به بذل، مالکیّت او بازمی‌گردد.

سؤال ۱۱۳۰- چهار سال قبل از همسرم به طلاق خلع جدا شدم؛ خانم در زمان عدّه تلفن کردند و بنده را همراه تنها فرزندمان دعوت کردند، رجوع و نزدیکی انجام گرفت. بعد نشستیم و صحبت کردیم و مطالب زیر مطرح شد:

۱- ما شرعاً رجوع کردیم، ولی من محضر نمی‌آیم، برای این که اگر اداره باخبر شود بنده را اخراج می‌کند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۳۸۵

۲- حقوق خود را دیگر به شما نمی‌دهم. گفتم چه بهتر، شما هرطور بخواهی می‌توانی انجام دهید.

۳- مهریّه را که بخشیده بود طلب کرد، جواب دادم جای خود باقی است.

۴- از من خواست با برادرش صحبت کنم، که صحبت کردم و او را در جریان گذاشتم.

الف) آیا رجوع مزبور درست است؟ اگر درست نباشد من مرتکب گناه شده‌ام؟

ب) اگر رجوع درست باشد، آیا این خانم می‌تواند بدون جاری شدن صیغه طلاق با مرد دیگری ازدواج نماید؟ اگر با مرد دیگری ازدواج کرده باشد، آیا این زن نسبت به من حرام است؟

ج) اگر زن بعد از رجوع مهر خود را ببخشد، آیا رجوع درست نیست؟

جواب: اگر قبل از اتمام عدّه، زن از مهریّه‌ای که بخشیده برگردد و مرد پس از آن رجوع کند رجوع صحیح است و بدون طلاق مجدّد از هم جدا نمی‌شوند و اگر زن بدون طلاق شوهر کند به شوهر اوّل حرام نمی‌شود؛ امّا اگر بعد از تمام شدن عدّه رجوع کنند، رجوع باطل است.

سؤال ۱۱۳۱- این جانب با دختری ازدواج نمودم و بعد از ازدواج از او نفرت پیدا کردم؛ ولی از دادگاه تقاضای طلاق نکردم، امّا دختر تقاضای طلاق کرد. من به دلایل عاطفی که دختر مذکور بدبخت نشود با طلاق مخالفت کردم. با توجّه به این که قلباً هم به این امر راضی هستم و می‌خواهم او را طلاق دهم و با توجّه به این که دختر باکره است و فقط قسمت‌هایی از آلت مرد به مهبل دختر داخل شده است او را باید چه نوع طلاقی داد؟ اگر او را طلاق خلع بائن داده باشند آیا طلاق صورت گرفته است؟ آیا ایشان باید عدّه نگه دارد؟ در ضمن دختر مهریّه خود را بخشیده است.

جواب: اگر تمام حشفه داخل شده باشد عدّه لازم است، در غیر این صورت عدّه واجب نیست و دخول و عدم دخول تأثیری در نوع طلاق ندارد و امّا نوع

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۳۸۶

طلاق در صورتی که زوج مایل به طلاق نباشد، و لو به خاطر جهات عاطفی، و تنها زوجه مایل باشد طلاق خلع است و الّا طلاق مبارات است.

سؤال ۱۱۳۲- اگر در ایّام طلاق خلع، زن به مهر خود رجوع کند و زوج نتواند در یک قسط تمام مهر زوجه را پرداخت کند، یا از پرداخت مهر معسر باشد، یا بطور کلّی از پرداخت مهر امتناع کند، آیا با این اوصاف طلاق به قوّت خود باقی است، یا این که به صرف رجوع زن به مهر بدون رضایت زوج، طلاق باطل و ازدواج برقرار و مرد مکلّف به ادامه زندگی زناشویی با زوجه است؟ یا این که طلاق برقرار و زوجه بایستی جهت وصول مهر خود، به مراجع صالحه مراجعه و اقامه دعوا نماید؟

جواب: در مدّت عدّه، زن می‌تواند بذل خود را بازپس گیرد و شوهر حق ندارد امتناع کند و بعد از بازپس گرفتن طلاق رجعی می‌شود.

سؤال ۱۱۳۳- طلاقی که به درخواست زوجه و بدون موافقت زوج واقع می‌شود چه نوع طلاقی است؟ آیا قاضی دادگاه می‌تواند بدون رضایت زوج قبول بذل نماید و رأی به طلاق خلع دهد؟

جواب: در مواردی که دادگاه به خاطر تخلّفاتی از سوی زوج حقّ طلاق دارد و بازگشت و رجوع سبب تجدید مشکل می‌شود، می‌تواند طلاق خلع دهد و بذل را از طرف زوج بپذیرد.

سؤال ۱۱۳۴- شخصی خانم خود را در حضور سه نفر عامی طلاق داده، ولی صیغه را به صورت «بذلتُ» و بدون «علی» خوانده است و خانم پس از اتمام عدّه، ازدواج کرده است. حکم این طلاق چیست؟

جواب: چنانچه بقیّه صیغه را مطابق آنچه در رساله ما آمده است خوانده باشد، اشکالی ندارد؛ زیرا طلاق به هر صورت واقع شده است.

سؤال ۱۱۳۵- شخصی سنّی مذهب در کشور هند با دختری شیعه مذهب ازدواج می کند، پس از مدّتی در جایی دیگر با خواهر کوچکتر همسر خود ازدواج می کند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۳۸۷

حکم ازدواج این مرد با خواهر همسرش چگونه است؟ در صورتی که این کار حرام بوده، آیا می‌تواند پس از طلاق همسر خود، دوباره آن خواهر را به عقد دائم خود درآورد؟

همسر وی پس از این جریان از شوهر خود تقاضای طلاق خلعی دارد و ۴ سال است که مکرّراً از وی به وسیله نامه و یا تلفن این تقاضا را تکرار می‌نماید؛ ولی شوهر این زن در موعد مقرّر برای طلاق حاضر نمی‌شود، این در حالی است که در صورت تمایل زن دادگاههای هند برای وی حکم طلاق صادر خواهند کرد؛ ولی ایشان می‌خواهد حکم شرعی خود را بداند. لطفاً بیان نمایید که در صورت عدم حضور شوهر، طلاق خلعی چگونه صادر خواهد شد و تکلیف این زن چیست؟ در ضمن شوهر او طلاق و نفقه نمی‌دهد.

جواب: الف) ازدواج او با خواهر دوّم حرام و باطل بوده و اگر مسأله را می‌دانسته حدّ شرعی دارد؛ ولی اگر خواهر اوّل را طلاق شرعی بدهد، بعد از پایان عدّه او، می‌تواند با خواهر دوّم ازدواج کند.

ب) در مورد طلاق خواهر اوّل، اگر آن مرد بدون عذر شرعی نفقه او را قطع کرده و با او زندگی نمی کند، حاکم شرع یا کسی که از طرف او مجاز است به او اتمام حجّت می کند، اگر به وظیفه خود عمل نکرد می‌تواند زن را طلاق خلعی بدهد و نفقه آن مدّت را از او بگیرد، یا به جای مال خلع حساب کند.

سؤال ۱۱۳۶- لطفاً به سؤالات چهارگانه زیر پاسخ فرمایید:

الف) آیا برای مردی که طلاق رجعی یا خلعی داده، جایز است که همسر مطلّقه‌اش را در زمان عدّه، عقد موقّت کند؟

جواب: در طلاق خلع جایز است، و در طلاق رجعی در واقع رجوع به نکاح سابق است و نکاح جدیدی محسوب نمی‌شود.

ب) اگر شخص مزبور در زمان عدّه، صیغه عقد موقّت را بخواند و در زمان عدّه

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۳۸۸

آمیزش کند، آیا این عقد موقّت، رجوع محسوب می‌شود؟ در حالی که در طلاق رجعی، قصد رجوع ندارد و در طلاق خلع بدون رجوع به بذل، رجوع صحیح نیست.

جواب: در مواردی که رجوع جایز است، عقد مزبور، مصداق رجوع است و در طلاق خلع، عقد جدید محسوب می‌شود.

ج) در فرض مزبور، اگر عقد موقّت رجوع محسوب نشود، عدّه طلاق پس از انتهای مدّت عقد موقّت چه مقدار است؟

جواب: احتیاط آن است که عدّه خلع تکمیل شود، سپس عدّه عقد جدید را شروع کند.

د) اگر شوهر در فرض مسأله بالا در اثنای عدّه و حتّی بعد از تمام شدن عدّه، چندین بار آمیزش کند و زن اکنون قصد دارد با مرد دیگری ازدواج کند، عدّه‌ای که زن برای ازدواج با شوهر جدید باید نگهدارد، چه مدّت است؟

جواب: احتیاط آن است که عدّه طلاق خلع را بعد از پایان عقد موقّت تکمیل کند، سپس عدّه عقد موقّت را شروع کند.

حکمین

سؤال ۱۱۳۷- در صورتی که به علل ذیل بین زوجین اختلاف باشد، آیا تعیین حکمین لازم است؟

الف) مدّت مدیدی زوج نفقه همسر خود را پرداخت نمی‌کند و اخذ نفقه از طریق دادگاه نیز ممکن نمی‌باشد.

ب) عسر و حرج زندگی زوجه با همسر خود از نظر دادگاه ثابت شده است.

ج) طلاق از ناحیه زوجه مطالبه شده است؛ ولی زوج موافقت نمی‌کند.

د) زوج مفقود الاثر است و مدّت مقرّر از طرف دادگاه منقضی شده است.

جواب: در مسأله حکمیّت ظاهر آیه شریفه وجوب است و بسیاری از فقها نیز

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۳۸۹

از آن همین را فهمیده‌اند و دلیل بر خلاف آن نیست، بنابراین در موردی که امید اصلاح هست حدّ اقل احتیاط واجب عدم ترک آن است.

سؤال ۱۱۳۸- در مورد حکمین لطفاً به سؤال‌های زیر پاسخ دهید:

الف) در اختلاف شدید بین زوجین، آیا جایز است که از غیر بستگان خود داوری برگزینند؟

جواب: اشکال ندارد.

ب) اگر داور منتخب (که غیر از بستگان است) نسبت به زندگی زن و شوهر ناشناس، بی‌اطّلاع و حتّی بی‌ارتباط باشد انتخاب او چه حکمی دارد؟

جواب: باید او را مطّلع کنند.

ج) بر فرض که داور از غیر بستگان زوجین باشد، و زن یا شوهر نسبت به رفتارهای خلاف شرع یکدیگر اعتراض داشته باشند، آیا می‌توانند با چنین داوری مطرح کنند؟

جواب: به هر حال داور باید از آنچه دخالت در داوری دارد آگاه شود.

د) آیا داور غیر فامیل موجب مخدوش شدن حرمت خانواده‌ها نمی‌گردد؟

جواب: اگر داور فرد امینی باشد اشکال ندارد.

ه-) آیا این عمل و اقدام، منطبق با اخلاق اسلامی است؟

جواب: از جواب بالا معلوم شد.

سؤال ۱۱۳۹- این جانبه فرزانه، مدّت پنج سال است به عقد شخصی به نام اسماعیل درآمده‌ام. ایشان در این مدّت هیچ گونه سازشی با من نداشته، بلکه مرا بازیچه دست خود قرار داده است، به همین جهت در این مدّت فقط چند ماه در خانه ایشان بودم و بقیّه مدّت را در منزل پدرم، بدون هیچ گونه خرج و مخارجی، بلاتکلیف مانده‌ام. ایشان نه حاضر است با من زندگی کند و نه حاضر است مرا طلاق بدهد و مرا از حقّ شرعی‌ام محروم نموده است. شکایت هم کرده‌ام و مدّت دو سال

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۳۹۰

است که کارمان به دادگاه کشیده است؛ ولی به دلیل حیله‌بازی ایشان هنوز تکلیف مرا مشخّص نکرده‌اند. ایشان یا در دادگاه حاضر نمی‌شود و یا وقتی که حاضر می‌شود به خاطر این که مهریّه‌ام را نپردازد، می‌گوید: «من همسرم را می‌خواهم» و به محض این که از دادگاه خارج می‌شویم، همه چیز را زیر پا می‌گذارد و می‌گوید: «به هیچ وجه حاضر به زندگی با تو نیستم و تنها در صورتی که از مهریّه‌ات بگذری و جهیزیّه‌ات را نیز به من ببخشی، حاضرم تو را طلاق بدهم» لطفاً به دو سؤال زیر پاسخ فرمایید:

الف) تکلیف من چیست؟

جواب: طبق دستور قرآن یک نفر از طرف شما و یک نفر از طرف شوهرتان حَکَم می‌شود، تا درباره کار شما تصمیم بگیرند، هرگاه شوهر نه راضی به زندگی شود و نه راضی به طلاق، حاکم شرع می‌تواند شما را در مقابل بذل مختصری، طلاق خُلع بدهد و

مهریّه را از شوهرتان بگیرد.

ب) او نه حاضر به سازش و نه حاضر به طلاق بوده و با این وجود من بارها به منزل ایشان مراجعت کردم و سعی نمودم نگذارم زندگی‌ام از هم بپاشد و موجب آبروریزی شود، ولی او هیچ‌گونه اعتنایی نمی‌کند. آیا بنده در این صورت مستحقّ نفقه خواهم بود؟

جواب: در فرض مسأله بالا، شما مستحقّ نفقه خواهید بود.

مسائل متفرّقه طلاق

سؤال ۱۱۴۰- لطفاً در مورد اجرت المثل زحمات زن در منزل شوهر به سؤالات زیر پاسخ دهید:

الف) اگر طلاق به درخواست زوجه باشد، آیا استحقاق دریافت حقّ‌الزّحمه کارهایی که شرعاً به عهده وی نبوده و قصد تبرّع هم نداشته، دارد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۳۹۱

جواب: زوجه در صورتی می‌تواند اجرت کارهای خود را مطالبه کند که بگوید قصد تبرّع ندارد و زوج این کارها را از او بخواهد.

ب) اگر طلاق به درخواست زوجه نباشد، آیا استحقاق دریافت حقّ‌الزّحمه کارهایی که شرعاً به عهده وی نبوده و قصد تبرّع هم نداشته، دارد؟

جواب: مسأله طلاق چه از طرف زوج باشد و چه به خواست زوجه، هیچ ارتباطی با مسأله فوق ندارد؛ حتّی بدون طلاق نیز در فرضی که ذکر شد می‌تواند مطالبه اجرت کند.

سؤال ۱۱۴۱- یکی از شروطی که بر اساس تصویب شورای عالی قضایی در سند عقد ازدواج گنجانده شده این است که زوج بعد از عقد ازدواج در کلّیّه دارایی خود با زوجه شریک خواهد بود و در صورت قبول زوج، زوجه حق خواهد داشت در صورت طلاق نصف اموال شوهر را دریافت نماید، آیا زوجه با گرفتن نصف اموال بازهم استحقاق دریافت حقّ‌الزّحمه کارهایی را که بدون قصد تبرّع در خانه شوهر انجام داده و شرعاً به عهده وی نبوده دارد؟

جواب: ظاهر این شرط این است که جبران خدمات دوران ازدواج باشد؛ ولی شرط مزبور چون آمیخته به ابهام فراوان است، شرعاً اشکال دارد.

سؤال ۱۱۴۲- شخصی قسم می‌خورد که دیگر با زوجه‌اش همبستر نشود و حاضر به شکستن قسم هم نمی‌باشد، آیا حاکم شرع می‌تواند زوجه او را طلاق دهد؟

جواب: تا چهار ماه مهلت دارد از قسم خود برگردد و کفّاره بدهد، بعد از چهار ماه حاکم شرع او را مخیّر می‌کند که یا از قسم خود برگردد و یا طلاق دهد، اگر هیچ‌کدام را قبول نکرد او را به زندان می‌افکند و کار را بر او سخت می‌گیرد که یکی از آن دو برنامه بالا را انجام دهد و اگر این امور ممکن نباشد و زوجه به عسر و حرج بیفتد حاکم شرع می‌تواند او را طلاق دهد.

سؤال ۱۱۴۳- شخصی، زنی را عقد شرعی کرده است؛ ولی الآن می‌گوید: «من با این

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۳۹۲

خانم نه عروسی می‌کنم و نه او را طلاق می‌دهم» تمام مردم، دوستان و نزدیکان با تمام وسایل ممکنه بر وی فشار آورده‌اند تا شاید از این تصمیم منصرف شود، ولی او از این تصمیم منصرف نمی‌شود، وظیفه چیست؟

جواب: حاکم شرع با او اتمام حجّت می‌کند، اگر گوش نداد می‌تواند آن زن را مطلّقه کند تا بعد از عدّه بتواند شوهر دیگری انتخاب کند.

سؤال ۱۱۴۴- این جانبه به عنوان همسر شرعی و قانونی با آقایی ازدواج کردم و حاصل این ازدواج سه فرزند می‌باشد. در ابتدای ازدواج از این که همسرم پیرو مذهب تشیّع نبوده مطّلع نبودم، تا این که در خلال زندگی متوجّه شدم که نامبرده پیرو فرقه اسماعیلیّه می‌باشد و به مقدّسات اسلام و محترمات شیعه بی‌احترامی می‌نماید، در حالی که کلاهبرداری وی در این مورد کاملًا محرز می‌باشد. در طول زندگی از سوی شوهرم مورد شکنجه‌های فراوانی قرار گرفته‌ام که هنوز آثار شکنجه مشخّص می‌باشد، علاوه بر این وی معتاد به موادّ مخدّر است و حتّی حدود یک سال با شکنجه فراوان مرا وادار به استفاده از این موادّ افیونی می‌کرد و حتّی بچّه‌های کوچک را تحت شکنجه زیاد قرار می‌داد. به همین جهت تقاضای طلاق کردم و بر اساس رأی دادگاه، که در غیاب نامبرده صادر شد، رأی بر حکم طلاق غیابی صادر شد و طلاق صورت گرفت؛ ولی بر اثر اعتراض وی حکم طلاق غیابی مردود اعلام شده و وی حاضر به طلاق نمی‌باشد، در حالی که وی در طول این مدّت ازدواج کرده است. این جانب به مرحوم آیهٔ اللّه محمد حسین نابغ آیتی مراجعه کردم، ایشان حکم کردند که نامبرده از طایفه ملاحده است و این طایفه هرچند اظهار اسلام می‌کنند و لکن نماز و روزه و حج را به هیچ وجه قبول ندارند و پیش خودم بعضی از آنها منکر نماز (به صورتی که مسلمین انجام می‌دهند) می‌باشند، و همچنین در ماه مبارک رمضان روزه نمی‌گیرند و برای خود احکام خاصّی دارند و حج و بسیاری از واجبات دیگر را انجام نمی‌دهند، لهذا از نظر حقیر مرتد و ماندن زن در خانه آنان

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۳۹۳

حرام است، با توجّه به این که قدرت تحمّل مردی خارج از دین اسلام و شکنجه او را ندارم، از محضر مبارک استدعای صدور حکم خدایی را دارم.

جواب: در دو صورت شما می‌توانید از او جدا شوید:

اوّل این که به یقین بدانید او نماز و روزه و سایر احکام اسلام را قبول نداشته و از اصل انکار می‌کرده است که در این صورت بدون طلاق جدا می‌شوید.

دوّم این که ثابت شود شکنجه‌های طاقت‌فرسایی به شما می‌دهد و زندگی با او عسر و حرج شدید داشته باشد، در این صورت حاکم شرع یا کسانی که از طرف او مأذون هستند می‌توانند شما را طلاق دهند.

سؤال ۱۱۴۵- زوجه از خانواده مذهبی بوده و تا قبل از ازدواج چادری و با حجاب کامل بوده است، زوج بعد از ازدواج وی را وادار کرده که با مانتو و روسری، حجاب خود را حفظ کند و از چادر استفاده نکند و زوجه این موضوع را مغایر با شئونات خانوادگی خود دانسته و به این علّت تقاضای طلاق نموده است و به هیچ وجه حاضر نیست که چادر را کنار بگذارد. آیا تقاضای وی برای طلاق به این جهت برای دادگاه قابل قبول می‌باشد؟ چنانچه پاسخ منفی باشد، آیا زوجه موظّف به اجرای دستور زوج در این مورد می‌باشد؟

جواب: این امر مجوّز تقاضای طلاق نیست؛ ولی زوجه می‌تواند نظر زوج را در این مورد رعایت نکند، و زوج حقّ اجبار او را ندارد.

سؤال ۱۱۴۶- زوجه به علّت این که شوهرش وی را مجبور می‌نماید که حجاب اسلامی را رعایت ننماید و بعضاً در جلوی مهمانان نامحرم، بدون حجاب حاضر شود و یا در خارج از منزل با آرایش و بدون رعایت کامل حجاب اسلامی بیرون رود، از دادگاه تقاضای طلاق نموده است. آیا عسر و حرج زوجه در این مورد قابل قبول است؟

جواب: اگر این کار از طرف شوهر به صورت وسیع تکرار شود و زوجه را در

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۳۹۴

تنگنای شدید روحی قرار دهد، عسر و حرج ثابت است و حاکم شرع می‌تواند او را طلاق دهد.

سؤال ۱۱۴۷- من زن دوّم شوهرم می‌باشم. پس از این که زن اوّل ایشان فوت کرد من با ایشان ازدواج کردم، ایشان از زن اوّل چهار پسر و دو دختر و از من یک پسر دارد، من از داشتن شش بچّه ایشان باخبر بودم. لذا تمام اقوام با ازدواج ما مخالف بودند و مرا تحقیر می کردند.

الآن هفت سال است که من از شوهرم دور هستم و با اجازه او در یک بیمارستان عربستان سعودی مشغول پرستاری هستم. در طول هفت سال که من زحمت کشیدم و پول به دست آورده‌ام شوهرم آن را بدون اجازه من صرف جهیزیّه دخترش کرد. این بار که به هندوستان رفته بودم بر سر قضیّه پول دعوا شد و من مطالبه طلاق کردم، ولی ایشان طلاق نمی‌دهد در حالی که سنّ من با ایشان تفاوت زیاد دارد و من نمی‌توانم با ایشان زندگی کنم. آیا من حقّ طلاق یک جانبه را دارم؟

جواب: هرگاه شوهر حاضر باشد به وظایف خود طبق عقدنامه‌ای که با شما داشته عمل کند حقّ طلاق یک جانبه را ندارید، ولی اموالی را که از شما بدون اجازه برده باید بطور کامل برگرداند.

سؤال ۱۱۴۸- پسری، دختری را به عقد نکاح دائم خویش درمی‌آورد، بعد از یک ماه با همدیگر اختلاف پیدا می کنند و در نتیجه اختلاف، مدّت ۶ سال در حال عقد می‌مانند و پس از آن پسر با دختر دیگری ازدواج می کند. در ضمن جلسه‌ای در حضور ریش‌سفیدان و با تصویب آنها پسر علاوه بر اخذ مهر حاضر، با گرفتن مبلغ ۳۰۰ /۰۰۰ تومان (که مجموعاً ۷۰۰ /۰۰۰ تومان می‌شود) راضی به طلاق می‌شود، امّا در برگه صورت جلسه طلاق این شرط قید می‌شود که دختر مزبور پس از طلاق نمی‌تواند با فلان شخص ازدواج کند و دختر که صورت جلسه را امضا کرده است در آن زمان به این شرط توجّه نداشته است. این شرط از نظر شرعی چگونه است؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۳۹۵

جواب: شرط مزبور باطل است و دختر می‌تواند بعد از طلاق و مراسم آن، با هر کس که می‌خواهد ازدواج کند.

سؤال ۱۱۴۹- زوجه به علّت عدم قدرت باروری زوج و نیاز شدید به داشتن فرزند، خود را در حال عسر و حرج می‌داند، آیا با وجود این موضوع می‌توان حکم به طلاق زوجه صادر کرد؟

جواب: جایز نیست؛ مگر این که واقعاً خطر بیماری روانی زوجه را تهدید کند.

سؤال ۱۱۵۰- زن شیعه‌ای در عقد مردی سنّی بوده است، پس از چند سال زندگی مشترک مرد سنّی طبق معتقدات خود، که طلاق در حضور عدلین و سایر شرایطی که در طلاق شیعه است را معتبر نمی‌داند، زن خود را طلاق گفته است؛

الف) آیا زن وظیفه دارد طبق قاعده الزام، از آن لحظه عدّه نگه‌دارد؟

جواب: قاعده الزام شامل حال زن شیعه نمی‌شود و باید از شوهر وکالت بگیرد و مجدّداً طلاق را با شرایط آن جاری کند و اگر شوهر راضی به این کار نشود، حاکم شرع می‌تواند اجازه طلاق او را صادر کند.

ب) در صورتی که طلاق از جانب مرد سنّی طبق معتقدات خود واقع شده، نفقه دوران عدّه به عهده وی می‌باشد یا نه؟

جواب: زن حقّ نفقه دارد، خواه به عنوان عدّه طلاق باشد یا بقای زوجیّت.

ج) چون طلاق از ناحیه مرد است، آیا لازم است تمام مهریّه را پرداخت نماید؟

جواب: مهریّه در هر صورت بر عهده زوج می‌باشد، خواه طلاق بدهد یا ندهد.

د) چون به عقیده خودش سه طلاقه نموده، آیا بدون محلّل بنا بر عقیده خودش حقّ رجوع دارد؟

جواب: از نظر وظیفه شرعی زن، رجوع مانعی ندارد.

سؤال ۱۱۵۱- چنانچه برابر مقرّرات شرع و قانون برای غایب مفقود الاثر، حکم طلاق صادر گردد، زوجه باید به میزان عدّه وفات عدّه نگهدارد و هرگاه زوج قبل از

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۳۹۶

انقضـای عـدّه بـاز گردد، حقّ رجوع دارد. حال اگر زوجه مطلّقه غایب مفقود الاثر، یائسه یا غیر مـدخوله باشـد و زوج در حین عـدّه مراجعت نمایـد، آیـا بازهم زوج حقّ رجوع دارد، و یا چون یائسه، یا غیر مـدخولٌ بهاست، دیگر حقّ رجوع برای زوج نمی‌باشـد؟ به عبارت دیگر طلاق غایب مفقود الاثر مطلقاً رجعی است و لو در زن یائسه و غیر مدخولٌ بها، یا چنین نیست؟

جواب: این حکم ظاهراً شامل یائسه و غیر مدخوله نمی‌شود و حقّ رجوع ثابت نیست.

سؤال ۱۱۵۲- زیـد دختر بـالغه و بـاکره خود را نـامزد شخصـی کرده و پیش از عقـد گفته است: «اگر زن دیگری بگیری، یا به شـهر دیگری بروی خود من، که پدر دختر می‌باشم، دخترم را طلاق می‌دهم، یا ابرای مدّت می کنم، تو مرا وکیل کن» نامزد، پدر دختر را وکیل می کند و سپس عقد جاری می‌شود، ولی در ضـمن عقد او را دوباره وکیل نکرده، و سپس عروسی می کنند، تقریباً یک سال پس از عروسی، پدر به خاطر تخلّف شوهر، دخترش را ابرای مدّت یا طلاق می‌دهد، شوهر ادّعا می کند: «من او را وکیل کرده بودم، ولی بعداً او را عزل نموده‌ام» در این صورت آیا این طلاق یا ابرای مدّت صحیح است؟

جواب: وکالت به قوّت خود باقی است و اگر مرد از شرایط تخلّف کند پدر زوجه می‌تواند طلاق دهد.

سؤال ۱۱۵۳- اگر زنی در ضـمن عقـد با شوهر شـرط کند که اگر مرد قصد طلاق او را داشت باید مبلغی به زن بپردازد، آیا عمل به این شرط لازم است؟ آیا طلاق متوقّف بر پرداختن این مبلغ است؟

جواب: این شرط اشکالی ندارد و عمل به آن واجب است.

سؤال ۱۱۵۴- اگر مرتد از طلاق دادن زوجه امتناع کند، حاکم شرع می‌تواند او را طلاق دهد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۳۹۷

جواب: احتیاج به طلاق نیست، بعد از ارتداد از هم جدا می‌شوند.

سؤال ۱۱۵۵- اگر مردی شک داشته باشد که فلان خانم همسر اوست یا نه لطفاً بفرمایید:

الف) آیا می‌تواند بطور قطعی و جزمی او را طلاق دهد و اگر صحیح نیست برای فرار از این شک چگونه احتیاط کند؟

ب) بر فرض عـدم جواز طلاـق قطعی در سؤال قبل، آیا این مسأله را می‌توان به کسـی که شک در زوجیّت زنی دارد بعـد از آن که عقـد بر آن زن تمام شده است ولی زن ادّعاهایی می کند که باعث شک زوج در همسـری او شده است و با همین شک او را طلاق قطعی داده است و به شک خود اعتنایی نکرده است، مقایسه کرد.

لازم به ذکر است که آنچه باعث این سؤال شـد کلام شـیخ انصاری (رحمه الله) در مکاسب است که می‌فرماید: «اگر در امور مقوّمه شـک شود امر مشـکل می‌شود». و سـپس از شـهید اوّل نقـل کرده که ظاهراً ایشان جزم به بطلان چنین طلاقی پیـدا کرده است، نظر حضرتعالی چیست؟

جـواب: این طلاـق اگر به صورت قطعی و عَنْ جَزْم انجـام شـده است صـحیح است و اگر در زوجیّت شـک دارد طلاـق را به قصـد احتیاط جاری کند؛ و امّا کلام علّامه انصاری (رحمه الله) و بعضی دیگر از فقهای عظام- رضوان اللّه تعالی علیهم- برای اثبات بطلان این طلاق کافی نیست.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۳۹۹

فصل سی و دوّم: احکام غصب

سؤال ۱۱۵۶- یک قطعه زمین به مساحت هزار متر مربع (ملک شخصـی) داشـتم. چندی قبل به دستور شهردار منطقه، ۵۰۰ متر زمین مزبور در طرح قرار گرفته و آقـای شـهردار بـدون اطّلاع حقیر نیمه شب دیوارهای دور زمین را برداشـته است، خواسـته شـهردار این

است که نصف زمین، بدون پرداخت وجه و یا واگذاری زمین معوّض در اختیار آنها قرار گیرد، آیا در شرع مقدّس و قانون حکومت جمهوری اسلامی این کار جایز است؟

جواب: زمین‌هایی که در طرح‌های ضروری قرار می گیرد شرعاً باید قیمت آن پرداخته شود.

سؤال ۱۱۵۷- مالکی قبل از انقلاب در روستایی ساکن بوده، اوایل انقلاب زمین این مالك را مصادره کردند و به افرادی که زمین نداشتند واگذار نمودند، آیا نماز و روزه متصرّفین اشکال دارد؟

جواب: هیچ زمینی را بدون اجازه مالك شرعی نمی‌توان تصرّف کرد؛ مگر این که مالك آن را از طریق حرام به دست آورده باشد که در این صورت باید به صاحب اصلی‌اش داد و اگر شناخته نیست باید زیر نظر حاکم شرع در مصارف آن مصرف شود.

سؤال ۱۱۵۸- شخصی با مرکب غصبی به زیارت عتبات عالیات می‌رود، یا منزل غصبی برای سکونت اختیار می کند، یا به هنگام زیارت لباس غصبی بر تن می کند،

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۴۰۰

آیا با این وجود زیارت او مقبول خواهد بود؟ و اگر مثلًا برای شخصی اجیر شده باشد بریء الذّمهٔ می گردد؟

جواب: اصل زیارت او باطل نیست؛ ولی این کارهای حرام ثواب زیارت او را کم می کند، یا از بین می‌برد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۴۰۱

فصل سی و سوّم: احکام مجهول المالک و اموال گمشده

اشاره

سؤال ۱۱۵۹- فردی جنسی از من خریداری نموده و «ساعتی» در مقابل آن رهن گذاشته تا پول جنس را بیاورد، اکنون چند سال است که پول آن جنس را نیاورده و نشانی هم از او در دست نیست، حال با توجّه به این که نمی‌دانم پول جنس فروخته شده در آن زمان با پول «ساعت» برابر بوده یا تفاوت داشته، وظیفه این جانب چیست؟

جواب: شما می‌توانید ساعت را بفروشید و قدر مسلّم طلب خود را بردارید و اگر به هیچ وجه به صاحب آن دسترسی نیست، بقیّه را از طرف صاحب آن در راه خدا صدقه بدهید.

سؤال ۱۱۶۰- این جانب تحویلدار بانك هستم، در طیّ ایّام تحویلداری، روزهایی پیش می‌آید که در آخر روز مبلغی پول اضافه داریم، یا این که کسر می‌آوریم. مبالغ پول اضافی را به حساب بانك واریز می‌نماییم و مبالغ کسری را نیز باید از خودمان تأمین کنیم. آیا جایز است از پولهایی که اضافه می‌آوریم، کسری‌ها را جبران نماییم؟

جواب: شما باید طبق مقرّرات بانك و قراردادی که با آنها دارید عمل نمایید و اگر در مورد پولهایی که اضافی می‌آید قراردادی ندارید و از پیدا کردن صاحب آن مأیوس هستید می‌توانید به شخص نیازمندی بدهید و اگر خودتان نیاز دارید به اندازه پول‌هایی که کم می‌آید از آن استفاده کنید.

سؤال ۱۱۶۱- شخصی دو حلقه لاستیك ماشین دست دوّم از فردی آشنا خریداری

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۴۰۲

می کند، پس از چند روز متوجّه می‌شود که فروشنده، لاستیکهای سرقت شده را به قیمت کمتر می‌فروشد، لذا شخص خریدار مدّت یك سال است که از لاستیك‌ها به علّت مشکوك بودن استفاده نکرده است و از طرفی هم نمی‌تواند آنها را به فروشنده بازگرداند؛ چون مدّت زیادی از آن گذشته است. حال می‌خواهد از لاستیکها استفاده کند و حاضر است هر مبلغی را که دستور می‌فرمایید

بابت حلال شدن مال مذکور پرداخت نماید. خواهشمند است حکم چگونگی استفاده از آن را مرقوم فرمایید.

جواب: اگر یقین ندارد که شخص مزبور اکثر کارش فروختن لاستیکهای مسروقه است، می‌تواند از آن لاستیک استفاده کند و معامله ظاهراً صحیح است؛ ولی اگر یقین به این امر دارد، احتیاط واجب آن است که معادل قیمت لاستیک را از طرف صاحب اصلی‌اش به شخص نیازمندی صدقه بدهد، سپس می‌تواند در آن تصرّف کند.

سؤال ۱۱۶۲- برادر بنده مشغول خدمت مقدّس سربازی است. یکی از دوستان او پای خودش را با گلوله می‌زند، او را به بیمارستان می‌برند، تمام وسایلش را به برادرم تحویل می‌دهند، وقتی که او در بیمارستان بود برادرم به مرخّصی می‌رود، در حین مرخصی، آن آقا به عللی از خدمت سربازی معاف می‌شود و می‌رود، وقتی که برادرم برمی‌گردد آن آقا رفته بود و وسایل او در دست برادرم مانده است، آن وسایل چه حکمی دارد؟

جواب: تصرّف در آنها جایز نیست، بلکه باید از او جستجو کند و کلّیه آن وسایل را به صاحبش برساند و اگر از پیدا شدن او مأیوس شد به شخص نیازمندی بدهد.

سؤال ۱۱۶۳- اگر انسان پول و وسایلی پیدا کند که ارزش ریالی آن کمتر از صد تومان باشد، آیا می‌تواند آن را خرج کند؟

جواب: اگر صاحب آن را نشناسد مانعی ندارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۴۰۳

سؤال ۱۱۶۴- آیا مال پیدا شده را، در صورتی که از یافتن صاحب آن مأیوس شدیم، می‌توانیم در امورات مسجد صرف کنیم؟

جواب: می‌توانید آن را تملّک کنید و سپس به مسجد بدهید، یا به نیازمندان صدقه داده شود.

سؤال ۱۱۶۵- بنده در ادارهٔ فروش یک کارخانه تولیدی مشغول خدمت بودم، متأسفانه مورد وسوسه شیطان قرار گرفته و کاری خلاف شرع انجام دادم، به این صورت که تعداد خیلی کم و جزئی محصولات کارخانه را به بازار آزاد فروختم (البته عقیده من این بود که چون محصول کارخانه را می‌فروشم و کارخانه نیز از این لحاظ نه تنها ضرر نمی‌کند، بلکه محصولاتش براحتی به فروش می‌رود، از لحاظ شرعی اشکالی ندارد)؛ ولی الآن به این نتیجه رسیدم که این طرز فکر نیز وسوسه شیطان بود. به هر حال تصمیم دارم پولی را که از این طریق به دست آورده ام از خود دور کنم. از امام جماعت مسجد پرسیدم، گفتند ": باید خمس این مال را بدهید تا حلال شود "ولی من خودم فکر می‌کنم مالی که از راه اختلاس بدست بیاید حرام است و تصمیم دارم که تمام این مال را در راه رضای خدا خرج و صرف مستمندان کنم. آیا چنین کاری اسراف نیست؟ با توجه به این که من وضع مالی خوبی ندارم و شاید خودم نیز از جمله مستمندان باشم و اگر اسراف است چه باید کرد؟

جواب: در صورتی که به صاحبان آن پول، یعنی صاحبان کارخانه، دسترسی دارید باید حتماً به آنها برسانید و لازم نیست بگویید از چه محلّی بوده است، بلکه می‌توانید به حساب بانکی آنها واریز کنید یا به شخص ناشناسی بدهید که نزد آنها ببرد و بگوید این را یکی از بدهکاران داده است که به شما برسانم و امثال این راهها؛ ولی اگر صاحبان را نمی‌شناسید، یا بکلّی از دسترس بیرون رفته‌اند، باید تمام آن را به فقرا و نیازمندان بدهید و چنانچه خود شما از نیازمندان هستید مجاز هستید سهمی از آن را برای خودتان بردارید.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۴۰۴

سؤال ۱۱۶۶- لطفاً به سؤالات مربوط به اموال گمشده و مجهول المالک که ذیلًا خدمتتان تقدیم می‌شود پاسخ فرمایید.

الف) اگر قبل از سنّ تکلیف، حقّ‌النّاس بر گردن داشته باشیم، باید بعد از تکلیف بپردازیم؟

جواب: آری بعد از تکلیف موظّفید حقّ‌النّاس را بپردازید.

ب) اگر صاحب حق زنده نباشد، آیا می‌شود به جای او صدقه داد؟

جواب: باید به ورثه او داد و اگر ورثه او به هیچ وجه شناخته نشوند، از طرف صاحب وجه صدقه بدهید.

ج) اگر مطمئن باشیم صاحب حق (اگر از او حلالیّت بطلبیم) حتماً ما را حلال می‌کند. مثل این که بین دو برادر سالها قبل اتّفاقاتی افتاده و الآن کاملًا از هم راضی و خشنودند، آیا بازهم استحلال لازم است؟

جواب: اگر یقین داشته باشید که راضی هستند اشکالی ندارد.

د) اگر حلّیت طلبیدن از حقّی که بر گردن ما هست، موجب شرمندگی شود و بخواهیم پول آن را به آنها بدهیم، آیا می‌شود پول را بدون بیان کردن عنوان آن، به نحوی به آنها بدهیم که نفهمند؟

جواب: از هر طریق برسانید اشکال ندارد.

ه‍) مقداری از اموال پدر و مادرم را بیهوده مصرف کرده‌ام، مثلًا پول گرفته‌ام و برای تفریح بیش از اندازه با دوستان مصرف کرده‌ام و یا کتاب خریده‌ام و بدون حساب و کتاب به دوستانم هدیه داده‌ام و الآن پشیمان شده‌ام، آیا باید از اموال خودم به پدر و مادرم بدهم؟

جواب: باید حقّ آنها را بدهید یا حلالیّت بطلبید.

سؤال ۱۱۶۷- در همسایگی ما منزل نیمه‌خرابه‌ای است که سالها خالی بوده و صاحب آن مشخّص نیست و ممکن است دیگران از آن سوء استفاده کرده و در آن

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۴۰۵

مکان کارهای خلاف انجام دهند، آیا مجازیم مقداری از آن را تعمیر کرده و از آن استفاده کنیم و چنانچه صاحب آن بیاید و درخواست اجاره کند مال الاجاره‌اش را به او بدهیم و اگر بفروشد بخریم؟

جواب: بدون اجازه صاحب آن نمی‌توانید در آن تصرّف کنید و اگر بعد از جستجوی کامل از پیدا شدن صاحب آن مأیوس شوید جزء مجهول المالک بوده، اختیارش با حاکم شرع است.

سؤال ۱۱۶۸- حکم اجناس مردم که از مدّتها پیش جهت تعمیر در نزد تعمیرکار می‌باشد و برای تحویل گرفتن آن هیچ اقدامی نشده است، چیست؟

جواب: چنانچه صاحبانش را می‌شناسد باید به آنها برگرداند و اگر نمی‌شناسد، باید تحقیق کند، هرگاه از پیدا کردن صاحبانش مأیوس گردد می‌تواند آن را بفروشد و قیمت آن را به فقیر بدهد.

احکام لقیط

سؤال ۱۱۶۹- چند نفر نوزادی را که در پارچه‌ای پیچیده شده بود، در کنار دریا پیدا کردند، مردم گمان می‌کنند این نوازد حلال‌زاده نیست، آیا پرورش این نوزاد جایز است؟

جواب: نه تنها جایز، بلکه واجب است.

سؤال ۱۱۷۰- مردم گمان می‌کنند پدر و مادرش هر دو شیعه اثنا عشری هستند، آیا می‌شود این نوزاد را به دشمن اهل بیت داد تا او را پرورش دهند؟

جواب: جایز نیست.

سؤال ۱۱۷۱- نوزاد مذکور اگر حفاظت نشود ممکن است چند تن از افراد شرور او را بکشند، در چنین صورتی حفاظت از این نوزاد چه حکمی دارد؟

جواب: حفظ او واجب است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۴۰۶

سؤال ۱۱۷۲- نوازد مذکور اگر پرورش یابد و امام جماعت شود، آیا می‌توان به او اقتدا کرد؟

جواب: اگر شرایط دیگر در او جمع باشد جایز است.

سؤال ۱۱۷۳- آیا مخالفین پرورش‌دهنده این نوزاد بر حق هستند؟

جواب: از جوابهای بالا معلوم شد.

سؤال ۱۱۷۴- اگر کسی این نوازد را پرورش دهد، آیا مستحقّ اجر و ثوابی هست؟

جواب: البتّه ثواب بسیار دارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۴۰۷

فصل سی و چهارم: احکام ذبح حیوانات

چگونگی ذبح

سؤال ۱۱۷۵- آیا قطع رگهای چهارگانه در ذبح شرعی لازم است، یا تنها قطع حلقوم کافی است؟

جواب: قطع سه رگ، حلقوم و دو رگ بزرگ گردن، کافی است؛ هرچند احتیاط قطع چهار رگ می‌باشد.

سؤال ۱۱۷۶- آیا لازم است قطع رگها پشت سر هم باشد؟ به فرض لازم بودن، اگر با فاصله قطع گردد چه حکمی دارد؟

جواب: احتیاط آن است که رگها را پشت سر هم ببرند؛ البتّه مختصر فاصله مانعی ندارد.

سؤال ۱۱۷۷- اگر پس از ذبح، جوزک متّصل به بدن باشد، چه حکمی دارد؟

جواب: اگر حلقوم و دو رگ بزرگ گردن بریده شود کافی است، ولی احتیاط بریدن چهار رگ است.

سؤال ۱۱۷۸- آیا قطع گردن حیوان مورد ذبح مانند مرغ، گوسفند، گاو و مانند آن، که ضمن آن، رگهای مورد نظر در ذبح شرعی نیز بریده خواهد شد، کافی است؟

جواب: هرگاه از جلو ببرد اشکالی ندارد.

سؤال ۱۱۷۹- آیا خروج روح از بدن حیوان باید مستند به قطع رگها باشد؟ اگر گوسفندی در بلندی ذبح گردد و قبل از خروج روح از بلندی بیفتد و بمیرد، به

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۴۰۸

گونه‌ای که خروج روح مستند به افتادن از بلندی باشد، آیا این ذبیحه حلال است؟

جواب: هرگاه ذبح بطور کامل انجام گرفته است، اشکالی ندارد.

سؤال ۱۱۸۰- اگر پس از ذبح شرعی، با تفنگ و یا کارد بر قلب و مغز حیوان ضربه وارد کنند، حکم چنین ذبیحه‌ای چیست؟

جواب: در صورتی که ذبح کامل انجام شده باشد، اشکالی ندارد.

سؤال ۱۱۸۱- اگر سر حیوانی به علّتی از زیر چانه بریده شود و قبل از خروج روح دوباره محل ذبح قطع گردد، حلال است یا خیر؟

جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۱۱۸۲- آیا قطع کردن رگهای چهارگانه از پشت سر جایز است؟ اگر جواب منفی است، آیا موجب حرمت ذبیحه می‌گردد؟

جواب: این کار جایز نیست و خوردن گوشت آن اشکال دارد.

شرایط ذابح

سؤال ۱۱۸۳- آیا ذبیحه‌ای که از روی اجبار ذبح می‌شود، حلال است؟ و به تعبیر دیگر، اختیار در ذابح شرط است؟

جواب: در صورتی که شرایط ذبح در آن جمع بشود، اشکال ندارد.

سؤال ۱۱۸۴- آیا شرط است که ذابح یک نفر باشد، یا ممکن است با یک کارد، که دو دسته دارد، دو نفر در آنِ واحد، حیوان را ذبح کنند؟ در این صورت بسم اللّه یک نفر کافی است، یا هر دو باید تسمیه را بگویند؟ اگر نصف آن را یک نفر و نصف دیگر را شخص دیگر بگوید، آیا کافی است؟

جواب: اگر هر دو بسم اللّه بگویند، ذبیحه حلال است و اگر هر کدام نیمی از آن را بگوید، و یا یکی بگوید و دیگری نگوید حلال نیست.

سؤال ۱۱۸۵- ذابحی که در اسم مسلمان است و رفتارش به هیچ وجه منطبق با

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۴۰۹

دستورات اسلام نیست، یعنی حتّی شهادتین را بلد نیست، آیا ذبح او صحیح است؟

جواب: اگر به یگانگی خدا و نبوّت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) اعتقاد دارد، ذبیحه او با رعایت شرایط شرعیّه دیگر حلال است، هرچند در انجام عبادات و وظایف اسلامی مقصّر باشد.

سؤال ۱۱۸۶- ذبح کسانی که به علی‌اللّهی معروفند، چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که به یگانگی خدا و نبوّت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) معتقد باشند، ذبیحه آنها حلال است.

سؤال ۱۱۸۷- آیا ذبیحه ناصبی حلال است؟

جواب: حلال نیست.

سؤال ۱۱۸۸- آیا ذبیحه خوارج حلال است؟

جواب: حلال نیست.

سؤال ۱۱۸۹- آیا در ذابح، مرد بودن شرط است؟

جواب: شرط نیست.

سؤال ۱۱۹۰- آیا در ذابح، بلوغ شرط است؟

جواب: بلوغ شرط نیست.

سؤال ۱۱۹۱- آیا در ذابح، عقل شرط است؟

جواب: ذبح دیوانه اشکال دارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۴۱۰

شرایط ذبح

۱- اسلام

سؤال ۱۱۹۲- اگر یقین کنیم که اهل سنّت علاوه بر شرط استقبال قبله بعضی شرایط دیگر را نیز رعایت نمی‌کنند، ذبیحه آنها چه حکمی دارد؟

جواب: ذبیحه آنها برای ما حلال است.

سؤال ۱۱۹۳- ذبح افراد مسلمان غیر شیعه اثنا عشری تا چه حد مشروعیّت دارد؟

جواب: ذبح تمام مسلمانان حلال و پاک است؛ مگر ناصبی‌ها و خوارج و مانند آنها.

سؤال ۱۱۹۴- در کانالهای ماهواره‌ای دبی، که در تمام دنیا دیده می‌شود، عدّه‌ای از علمای آنها، ذبیحه اهل کتاب را حلال دانسته‌اند و ادّعا شده که، تعدادی از علمای قم از نظر خود برگشته‌اند، فتوای شما در این مورد چیست؟

جواب: ذبیحه اهل کتاب حلال نیست؛ هرچند پاک است. و در قم کسی را سراغ نداریم که آن را حلال بداند.

۲- وسیله ذبح

سؤال ۱۱۹۵- آیا آلت ذبح باید از جنس آهن باشد، یا آن که با هر چیز تیزی می‌توان ذبح کرد؛ اگر چه از پلاستیک و غیره تهیّه شود؟

جواب: آهن بودن لازم نیست و می‌توان با کاردهایی که از آهن یا استیل یا هر فلزّ دیگری ساخته شده باشد سر حیوان را برید؛ ولی اشیای تیز دیگر اشکال دارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۴۱۱

۳- قبله

سؤال ۱۱۹۶- انحراف ذبیحه از قبله تا چه مقدار بی‌اشکال است؟

جواب: به مقداری که عرفاً آن را رو به قبله بگویند کافی است.

سؤال ۱۱۹۷- اگر یک یا چند شرط از شرایط ذبح سهواً ترک گردد، آیا خوردن چنین ذبیحه‌ای حلال است؟ آیا در این جهت فرقی در شرایط وجود دارد؟

جواب: در صورتی که قبله یا نام خدا فراموش شود، ذبیحه حلال است، بقیّه اشکال دارد.

سؤال ۱۱۹۸- آیا در رو به قبله کردن حیوان، روش خاصّی وجود دارد؟ اگر جواب منفی است، بهترین روش آن که مطابق با احتیاط باشد کدام است؟

جواب: در مثل گوسفند و طیور معمولًا آنها را می‌خوابانند بطوری که سر و سینه و پاهای آن رو به قبله باشد، و در صورتی که ایستاده ذبح یا نحر کنند باید سر و دستها رو به قبله باشد.

سؤال ۱۱۹۹- گوشت مرغی که آن را در کارخانه توسّط دستگاه ذبح می‌کنند، حلال است یا حرام؟ اگر حلال است، آیا رعایت رو به قبله بودن و تکرار بسم اللّه برای هر مرغ لازم است؟ اگر کسی در بلاد کفر از مسلمانی مرغی خریداری کند، در صورت ایجاد زمینه شک، آیا لازم است از کیفیّت ذبح مرغها سؤال کند؟

جواب: ذبح با ماشین در صورتی که شرایط شرعیّه را رعایت کنند اشکالی ندارد، و رعایت رو به قبله بودن لازم است و بسم اللّه را در طول مدّتی که ماشین کار می‌کند بطور تدریجی ادامه دهد؛ هرچند چندین مرغ با یک بسم اللّه ذبح شود. و اگر ذبیحه را از دست مسلمانی بخرد که جای حمل بر صحّت دارد، تحقیق لازم نیست.

سؤال ۱۲۰۰- آیا در هنگام ذبح رو به قبله بودن ذابح نیز شرط است؟

جواب: رو به قبله بودن ذابح شرط نیست؛ ولی مستحب است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۴۱۲

۴- تسمیه (گفتن نام خدا به هنگام ذبح)

سؤال ۱۲۰۱- در ذبح با دستگاه، آیا به هنگام روشن کردن آن تسمیه لازم است، یا به هنگام قطع رگهای حیوان؟

جواب: بسم اللّه به هنگام قطع رگهای حیوان لازم است و مقارنت عرفیّه کافی است.

سؤال ۱۲۰۲- اگر دو نفر مشترکاً بسم اللّه بگویند، آیا برای ذبح کافی است؟

جواب: اگر هر کدام نیمی از نام خدا را بگویند کافی نیست، ولی اگر هر دو بگویند کافی است.

سؤال ۱۲۰۳- حکم فاصله زمانی میان بسم اللّه و ذبح چیست؟

جواب: اگر مقارنت عرفیّه باشد کافی است.

سؤال ۱۲۰۴- آیا بسم اللّه گفتن اشخاص لال که قدرت بر ادای درست سخن ندارند، کافی است؟

جواب: در صورتی که دسترسی به افراد سالم نباشد، کافی است.

سؤال ۱۲۰۵- آیا در ذبح شرعی بسم اللّه باید به زبان عربی باشد، یا به هر زبانی کافی است؟

جواب: بردن نام خدا به هر زبانی کافی است.

سؤال ۱۲۰۶- آیا در بسم اللّه قصد ذبح لازم است؟ اگر به قصد دیگر بگوید و حیوان را ذبح کند چه حکمی دارد؟

جواب: باید به قصد ذبح باشد.

سؤال ۱۲۰۷- اگر بسم اللّه را مثلًا به قصد ذبح مرغ به زبان آورد و سپس گوسفندی را ذبح کند، صحیح است؟

جواب: اشکال دارد.

سؤال ۱۲۰۸- آیا دانستن معنای بسم اللّه لازم است؟ و بر فرض جایز بودن به غیر

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۴۱۳

عربی، اگر بدون توجّه به معنای آن، مثلًا به زبان انگلیسی بگوید، آیا ذبح صحیح است؟

جواب: همین اندازه که اجمالًا بداند نام خدا را می‌برد کافی است، به هر زبانی که باشد.

سؤال ۱۲۰۹- اگر جنب یا زن حائض بسم اللّه را به قصد خواندن یکی از سوره‌های سجده بگوید، برای ذبح کافی است؟ به عبارت دیگر، آیا در ذبح تسمیه حرام کافی است؟ هرچند به نیّت ذبح باشد؟

جواب: تسمیه حرام کافی نیست؛ ولی به فتوای ما برای جنب و زن حائض تنها آیه سجده حرام است و بقیّه سوره حرام نیست؛ هرچند احتیاط مستحب در ترک آن است.

سؤال ۱۲۱۰- اگر چند ثانیه پیش از شروع به گفتن نام خدا، قطع رگها را آغاز کرده باشند، آیا ذبیحه حلال است؟

جواب: اشکال ندارد، مقارنه عرفیّه کافی است.

سؤال ۱۲۱۱- آیا ضبط مکرّر بسم اللّه در ضبط صوت و پخش آن صدا به هنگام ذبح کفایت می‌کند؟

جواب: کافی نیست.

سؤال ۱۲۱۲- آیا بسم اللّه باید بر زبان جاری شود، یا آن که بسم اللّه در قلب و دل هم کافی است؟

جواب: بسم اللّه باید بر زبان جاری شود.

سؤال ۱۲۱۳- آیا گفتن الحمد للّه، اللّه اکبر، سبحان اللّه، یا فقط گفتن اللّه، یا اذکار دیگر که مشتمل بر اللّه است، یا ترجمه یکی از اینها، مانند «خدا منزّه است» کافی است؟

جواب: کافی است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۴۱۴

۵- استقرار حیات

سؤال ۱۲۱۴- آیا در ذبیحه استقرار حیات به هنگام ذبح در ذبیحه شرط است؟

جواب: حیات مستقر به این معنا که حیوان برای مدّت قابل ملاحظه‌ای، یک روز و یا حتّی یک ساعت زنده بماند، شرط نیست، ولی حیوان باید به هنگام ذبح زنده باشد.

سؤال ۱۲۱۵- اگر پیش از ذبح، حیوان را با آمپول یا با وارد کردن شوک و یا با وسایل دیگر بی‌هوش کنند، آیا چنین ذبحی صحیح است؟ آیا با استقرار حیات منافات ندارد؟

جواب: از جواب بالا معلوم شد که استقرار حیات شرط نیست، بعلاوه بی‌هوشی منافات با استقرار حیات ندارد.

سؤال ۱۲۱۶- آیا حرکت دست و پای ذبیحه و خروج خون از آن، هر دو شرط حلّیّت ذبیحه است؟

جواب: باید بعد از ذبح، مختصر حرکتی داشته باشد و احتیاط آن است که خون به مقدار متعارف از آن خارج شود.

سؤال ۱۲۱۷- چنانچه قطع سر حیوان قبل از خروج روح اشکال داشته باشد، آیا این حکم در حیواناتی مانند گنجشک نیز جریان دارد؟

جواب: قطع سر حیوان بطور کامل قبل از خروج روح حرام نیست بلکه مکروه است.

احکام صید

سؤال ۱۲۱۸- آیا صید برای سرگرمی و خوشگذرانی جایز است؟

جواب: جایز نیست، تنها برای نیاز شخصی یا برای کسب و کار جایز است.

سؤال ۱۲۱۹- آیا در صید ماهی لازم است صیّاد، مسلمان باشد؟

جواب: لازم نیست، صید کافر هم حلال است؛ قبله و بسم اللّه نیز در آن شرط نیست.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۴۱۵

سؤال ۱۲۲۰- اگر ماهی در تور بمیرد برای حلّیّت آن کافی است، یا باید آن را از آب خارج کنند و در خارج آب بمیرد؟

جواب: هر دو حلال است.

سؤال ۱۲۲۱- ماهیانی در دریا وجود دارد، از جمله کوسه‌ماهی، که آنها را صید می‌کنند و گوشت آنها را مصرف می‌نمایند، بدن آنها پولک (فلس) دارد؛ ولی با چشم غیر مسلّح دیده نمی‌شود. حکم شرعی این گونه ماهیان چیست؟

جواب: پولک باید با چشم عادی دیده شود.

سؤال ۱۲۲۲- آیا خوردن گوشت صید لهوی حرام است؟

جواب: حرام نیست؛ ولی عمل صید کردن لهوی حرام است.

سؤال ۱۲۲۳- ملاک لهوی بودن صید چیست؟ آیا صید ماهی از باب تفریح، لهوی محسوب می‌شود؟

جواب: هرگونه صید تفریحی که مورد نیاز برای زندگی شخصی یا تجارت یا امثال آن نباشد، لهوی محسوب می‌شود.

مسائل متفرّقه ذبح

سؤال ۱۲۲۴- در موارد شک در ذبح شرعی وظیفه چیست؟ آیا اصل عدم تزکیه جریان دارد، یا اصل حلّیّت و طهارت؟

جواب: در صورتی که مسلمانی اقدام به آن کرده باشد، حکم به حلّیّت می‌شود، در غیر این صورت حرام است.

سؤال ۱۲۲۵- در ذبح با دستگاه‌های جدید که یک نفر کلید دستگاه را می‌زند و می‌رود، اگر به سبب قطع برق، دستگاه به کار

نیفتد و پس از مدّتی (با جریان پیدا کردن برق) دستگاه روشن شود و بطور اتوماتیک حیوانات آماده را ذبح کند، آیا این گونه ذبح صحیح است؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۴۱۶

جواب: در صورتی که جهات شرعیّه دیگر رعایت شود، مانعی ندارد.

سؤال ۱۲۲۶- آیا مقلّد مجتهدی که قطع رگهای چهارگانه را شرط حلّیت ذبح می‌داند، می‌تواند از ذبیحه شخصی که تنها قطع حلقوم را شرط حلّیت می‌داند، استفاده کند؟

جواب: اگر یقین داشته باشد جایز نیست؛ ولی در صورت شک، حمل بر صحّت کند.

سؤال ۱۲۲۷- شرایط حلّیت جنین در شکم حیوان مذبوح کدام است؟

جواب: باید خِلقتش کامل باشد و مو یا پشم بر بدنش روییده باشد، در این صورت با ذبح مادرش آن هم حلال و پاک است؛ ولی سزاوار است چنین حیوانی را ذبح نکنند.

سؤال ۱۲۲۸- آیا قطع سر حیوان پیش از خروج روح حرام است؟ اگر حرام است، حرمت آن تکلیفی است یا وضعی؟

جواب: حرام نیست، مکروه است.

سؤال ۱۲۲۹- طبق اعلام بعضی مؤسّسات آگاه، نوع بعضی از جانداران، کمیاب و یا رو به زوال است، به نظر مبارک حضرتعالی شکار آنها برای نگهداری و یا فروش چه صورتی دارد؟

جواب: سزاوار است برای حفظ این نعمت‌های الهی کوشش شود، و حیوانات کمیاب شکار نشود، تا نوع آنها منقرض نگردد.

سؤال ۱۲۳۰- گروهی از پرندگان در کشورهای مجاور تحت حفاظت بوده و برای پرورش آنها هزینه‌های کلانی صرف می‌شود، آیا شکار آنها در زمانی که به کشور ما مهاجرت می‌کنند جایز است؟

جواب: شکار آنها دور از انصاف اسلامی است.

سؤال ۱۲۳۱- اگر نسبت به رعایت قبله و گفتن بسم اللّه واقعاً تردید و شک وجود داشته باشد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۴۱۷

الف) آیا خوردن گوشت آن جایز است؟

ب) پول حاصل از فروش آن چه حکمی دارد؟

ج) این گوشت نجس است، یا پاک؟

جواب: باید فعل مسلم را حمل بر صحّت کرد و مادام که یقین به خلاف نداشته باشد ذبیحه آنها پاک و حلال است.

سؤال ۱۲۳۲- شکار و صید بی‌رویّه آبزیان، که موجب نابودی نسل آنها خواهد شد، از لحاظ شرعی چه حکمی دارد؟

جواب: اگر موجب ضرر و زیان جامعه گردد حرام است.

سؤال ۱۲۳۳- آیا تماسّ بدن مرطوب اهل کتاب با لاشه ذبیحه موجب نجاست آن می‌شود؟

جواب: احتیاط، اجتناب است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۴۱۹

فصل سی و پنجم: احکام خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها

سؤال ۱۲۳۴- آیا غذا خوردن و انداختن سفره در مسجد کراهت دارد؟ منظور از کراهت در اینجا چیست؟

جواب: آری کراهت دارد، و اگر مزاحم نمازگزاران باشد جایز نیست و کراهت در اینجا همان کراهت اصطلاحی است؛ یعنی کار

خوبی نیست، هرچند حرام نمی‌باشد.

سؤال ۱۲۳۵- پختن انگور، و نیز پختن یا سرخ کردن کشمش، یا خوردن آن چه حکمی دارد؟

جواب: پختن انگور اشکال دارد؛ ولی کشمش اشکال ندارد؛ مگر این که یقین حاصل شود که آب درون کشمش به جوش آمده است.

سؤال ۱۲۳۶- آیا جایز است از دنبلان (بیضه گوسفند و مانند آن) به خاطر برخورداری از هورمون، و از پودر تولیدی آن به منظور غذای ماهی برای پرورش مرغ یا ماهی استفاده کرد؟

جواب: خوردن آن برای انسان حرام است؛ ولی استفاده از آن برای تغذیه حیوانات اشکال ندارد و آن حیوان حلال است.

سؤال ۱۲۳۷- در مسأله سوّم از مسائل عمومی و مورد ابتلای آخر توضیح المسائل چاپ‌های قدیم (و مسأله ۳۱ همان بحث در چاپهای جدید) فرموده‌اید: «اگر حیوان به غیر دستور شرعی ذبح شود گوشت آن پاک، ولی خوردنش حرام است» با توجّه به

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۴۲۰

این مسأله، آیا می‌توان گوشت را از بقیه موادّ غذایی که با آن پخته شده جدا کرد و آن غذا را خورد، یا این که خوردن چنین غذایی نیز حرام است؟

جواب: اگر بطور کامل جدا شود، که عصاره گوشت نیز در آن نباشد، اشکالی ندارد.

سؤال ۱۲۳۸- همه ساله تعداد زیادی از حیوانات حرام گوشت، مانند گراز، به علّت وارد آوردن خسارت به مزارع کشاورزان، شکار می‌گردد. آیا تحویل لاشه این حیوانات به اقلیّتهای دینی، از قبیل ارامنه، و دریافت حقّ الزحمه، از بابت شکار و هزینه حمل و نقل، حلال و مطابق با دستورات شرع مقدّس اسلام می‌باشد؟

جواب: راهی که برای این امر تصوّر می‌شود، این است که شکارچیان را از اقلیّتهای دینی انتخاب کنند که هزینه شکار کردن به عهده آنها باشد و در مقابل از گوشتهای آن هرطور بخواهند استفاده کنند و صاحبان اراضی نیز می‌توانند در مقابل ورود شکارچیان به زمینهای خود حقّی دریافت کنند.

سؤال ۱۲۳۹- مدّتی است که بچه گوسفندی از سگ گله، شیر می‌خورد، آیا گوشت آن حرام است؟

جواب: حرام نیست؛ هرچند پرهیز از آن بهتر است.

سؤال ۱۲۴۰- اگر خوراک حیوانی مشروب و آبجو باشد؛ خوردن گوشت آن چه حکمی دارد؟

جواب: اشکالی ندارد؛ ولی اجتناب بهتر است.

سؤال ۱۲۴۱- برخی از عوام معتقدند: «طرف راست گوشت گرگ و خرگوش حلال و طرف چپ آن حرام است»، آیا این مسأله صحیح است؟

جواب: این مسأله به هیچ وجه صحّت ندارد و از خرافات است.

سؤال ۱۲۴۲- خواهشمند است نظر مبارک را در مورد حلّیّت یا حرمت گوشت و تخم شترمرغ برای مصارف داخلی و خارجی بیان فرمایید.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۴۲۱

جواب: گوشت و تخم شترمرغ حلال است؛ خواه برای مصارف داخلی باشد یا خارجی.

سؤال ۱۲۴۳- در کشور جمهوری اسلامی ایران مصرف سرانه سیگار، «یک نخ سیگار ده تومان برای هر نفر در روز» می‌باشد که در مجموع نسبت به جمعیت ۶۰ میلیونی کشور، معادل «۶۰۰ میلیون تومان» در هر روز دود می‌شود، قسمتی از آن از خارج وارد شده و بالاجبار در هر روز بطور مستمر مقداری از بیت المال مسلمین به صورت ارز از کشور خارج می‌شود و مصرف‌کننده سیگار، بطور

غیر مستقیم به این عمل کمک می‌کند. آیا با این وجود استعمال سیگار جایز است، یا این که مصرف‌کننده آن به بیت المال مدیون می‌شود؟ لازم به توضیح است که با این مبلغ در هر روز می‌توان یک بیمارستان مجهّز احداث کرد.

جواب: ضرر سیگار تنها منحصر به اینها نیست، سیگار زیانهای فراوانی دارد، هم زیان اقتصادی و هم زیان جسمی و روحی، به همین جهت در رساله توضیح المسائل آن را حرام دانسته‌ایم.

سؤال ۱۲۴۴- اگر کارشناسان صریحاً بگویند: «کشیدن سیگار برای سلامتی ضرر دارد» کشیدن سیگار شرعاً چه حکمی دارد؟

جواب: در فرض مسأله حرام است.

سؤال ۱۲۴۵- جوانی چند سال قبل با گاوی جماع کرده است، از آن گاو چند گوساله به وجود آمده است، آیا علاوه بر حرام بودن گوشت گاو و گوساله‌ها و لزوم از بین بردن آن، خوردن شیر آن گاو، یا فروختن لبنیّات آن نیز حرام است؟

جواب: خوردن شیر آن، و همچنین خریدوفروش لبنیّات آن جایز نیست.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۴۲۳

فصل سی و ششم: احکام نذر و عهد

سؤال ۱۲۴۶- اگر شخصی در دل نیّت نذر کند که سه روز روزه بگیرم، ولی به زبان جاری نکند، آیا این نذر صحیح است؟

جواب: نذر بدون اجرای صیغه لفظی صحیح نیست، و چیزی بر او واجب نمی‌شود.

سؤال ۱۲۴۷- شخصی نذر نموده که ۵۰۰ لیتر شیر به عزاداران حسینی بدهد و هر سال ۵۰ کیلو بر آن اضافه نماید، بعد از چند سال، الان باید ۸۰۰ لیتر شیر بدهد. حال با توجّه به حجم و تساعد سالانه آن، تهیّه، پخت، و پخش و همچنین تهیّه وسایل پخت برای این شخص مقدور نمی‌باشد. با توجّه به شرایط فوق، آیا با اجازه معظّم له می‌توان این نذر را تبدیل به نذر دیگری برای عزاداران حسینی یا فقرا نمود؟

جواب: آن مقداری را که می‌تواند در میان عزاداران پخش کند، بقیّه را اگر ممکن است سفارش کند در جاهای دیگر در مجالس عزاداری شیر بدهند. اگر آن هم ممکن نیست تبدیل به غذای دیگر کند، بنابر احتیاط واجب.

سؤال ۱۲۴۸- کسانی هستند که از اوّل دهه محرّم روضه‌های نذری دارند که باید در همین ایّام خوانده شود، و از سوی دیگر اشخاص دیگری نیز هستند که روضه‌های نذری در خصوص همین ایّام دارند که آن هم باید خوانده شود و روضه‌ها تماماً در شب خوانده می‌شود، مگر شب عاشورا که احیاناً بیشتر از یک روضه در یک مجلس

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۴۲۴

خوانده می‌شود. در اینجا روضه‌خوان چطور جمع بین این روضه‌های نذری کند؟ آیا ممکن است در یک روضه برای چند نفر نیّت داشته باشد که همه به ثواب برسند؟

جواب: معمولًا هر کس نذر جداگانه‌ای می‌کند و باید روضه جداگانه‌ای برای او خوانده شود و اگر منبری نتواند باید به دیگری واگذار کند؛ مگر این که مردم با علم و آگاهی از این مسأله نذر کنند که بطور مشترک برای آنها روضه خوانده شود، در چنین صورتی می‌تواند نیّت دو یا چند نفر را داشته باشد.

سؤال ۱۲۴۹- اگر کسی کفّارهٔ نذر و عهد بر گردن داشته باشد و توانایی روزه گرفتن و نیر درآمدی برای پرداختن کفّاره نداشته باشد، آیا باید در وصیّتنامه خود قید کند که کفّاره‌اش را بدهند؟

جواب: در صورتی که نمی‌تواند، هرچند مدّ طعام که می‌تواند به فقیر بدهد و اگر نمی‌تواند، هرچند روز که می‌تواند روزه بگیرد، و اگر نمی‌تواند، استغفار کند.

سؤال ۱۲۵۰- اگر کسی بخواهد زیارت عاشورا بخواند و به نذر خود در این رابطه عمل کند، آیا با حذف صد لعن و صد سلام و نماز زیارت و دعای علقمه، نذرش ادا می‌شود؟

جواب: اگر نذر او مطلق بوده، باید صد لعن و صد سلام را بخواند؛ ولی دعای علقمه شرط نیست؛ ولی اگر نذرش اعم بوده (اعمّ از صد لعن و صد سلام، یا یک لعن و یک سلام) در این صورت، هر دو رقم کافی است.

سؤال ۱۲۵۱- شخصی با صیغه «للّه علیّ» اموال اضافه بر نیازش را بر خود حرام کرده و نذر کرده اگر خداوند به وی اموالی بیش از نیازش عطا کند، همه را در راه خدا انفاق کند. حال که این ثروت به ایشان رسیده از نذر خود پشیمان است و می‌خواهد به نذر خود عمل نکند، آیا یک بار کفّاره کافی است، یا این که تا آخر عمر نمی‌تواند از اموال اضافی استفاده کند؟ یا هر بار که چیزی با آن پول‌های اضافی بخرد، باید کفّاره بدهد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۴۲۵

جواب: با نذر نمی‌توان حلال را بر خود حرام کرد؛ ولی اگر نذر کرده که مازاد بر شأن را در راه خدا انفاق کند باید به نذر خود عمل نماید؛ ولی اگر عمل نکرده گناه کرده و احتیاط آن است که در هر سال یک بار کفّاره شکستن نذر بدهد.

سؤال ۱۲۵۲- آیا پدر و مادر می‌توانند عهد یا نذر فرزند خود (مثلًا سه شب نماز شب خواندن در هفته) را بشکنند؟

جواب: نذر فرزند نیازی به اجازه پدر و مادر ندارد؛ مگر این که کار او مایه آزار پدر باشد، که در این صورت نذر او صحیح نیست.

سؤال ۱۲۵۳- در بعضی از روستاها مرسوم است که در دهه محرّم عَلَمی درست می‌کنند و خانه به خانه می‌گردانند و اهل روستا نذوراتی جهت این علم می‌دهند، این نذورات متعلّق به چه کسی است؟

جواب: متعلّق به مراسم عزاداری سید الشّهداء و هزینه‌های مختلف آن است.

سؤال ۱۲۵۴- در یکی از روستاهای منطقه مُغان مسجدی هست که بین مردم منطقه شهرت زیادی پیدا کرده و نذورات فراوانی به آن می‌رسد، بطوری که در عمران و آبادی مسجد، دیگر نقصی باقی نمانده و مسجد نیازی به آن ندارد و احتمال می‌رود نذورات جمع شده توسّط افرادی ناباب با عناوین مختلف حیف و میل شود، آیا حضرتعالی اجازه می‌فرمایید نذورات مسجد مذکور توسّط سازمان تبلیغات اسلامی در جهت عمران و آبادی روستای مذکور و آموزش و نشر علوم قرآنی در این منطقه محروم مرزی صرف شود؟

جواب: می‌توانند نذورات مذکور را صرف کارهای فرهنگ اسلامی در همان مسجد کنند و اگر در آن مسجد ممکن نیست صرف عمران و آبادی مساجد دیگر، یا کارهای فرهنگی آنها کنند.

سؤال ۱۲۵۵- این جانب نذر کرده‌ام هر سال در شب عاشورای امام حسین (علیه السلام) شام بدهم، به دلیل پاره‌ای از مشکلات قصد دارم از سال آینده شام را به صورت غذای

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۴۲۶

آماده بین خانواده‌ها تقسیم کنم، آیا این کار جایز است؟

جواب: اگر نذر شما مقیّد به شکل خاصّی نبوده، یا تنها نذر اطعام بوده، تغییر مزبور اشکالی ندارد؛ ولی اگر مقیّد به خانه و مسجد و سفره دسته‌جمعی و مانند آن بوده باید به همان طور عمل کنید.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۴۲۷

فصل سی و هفتم: احکام قسم خوردن

سؤال ۱۲۵۶- اگر کسی قسم بخورد که به مسجد نرود، آیا عمل کردن به این قسم لازم است و شکستن آن کفّاره دارد؟

جواب: عمل کردن به این قسم لازم نیست و شکستن آن کفّاره ندارد.

سؤال ۱۲۵۷- فردی زنی را به عقد موقّت خود درمی‌آورد، زن می‌گوید: «چون احتمال دارد حامله شوم، اجازه دخول نمی‌دهم» مرد قسم می‌خورد در صورتی که حامله شد او را به عقد دائم خویش دربیاورد. آیا این قسم واجب الوفاست؟

جواب: چنانچه به نام خدا قسم یاد کرده، عمل به این قسم واجب است.

سؤال ۱۲۵۸- لطفاً به سؤالات زیر پاسخ دهید:

الف) کفّاره قسم چه می‌باشد؟

جواب: هرگاه عمداً با قسم خود مخالفت کند، باید کفّاره بدهد؛ یعنی ده فقیر را سیر کند، یا بر آنها لباس بپوشاند، و اگر توانایی بر اینها نداشته باشد، باید سه روز روزه بگیرد.

ب) اگر بـا زبـان به یکی از سه واژه «و اللّه، بـاللّه، تاللّه» قسم یاد کرد که فلان کار را انجام ندهـد (البتّه نزد خودش، یعنی پیش خود قسم یاد کرد که فلان کار را نمی‌کنم) آیا عمل بر این قسم لازم است؟

جواب: اگر با زبان سوگند بخورد، کاری را انجام ندهد عمل به آن واجب است؛ مشروط بر این که کاری باشد که شرعاً واجب یا مستحب نباشد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۴۲۸

ج) آیا می‌تواند قسم را از گردن خود ساقط کند؟ اگر می‌تواند، چگونه؟

جواب: در صورتی که قسم با شرایطش انجام شود، ساقط کردنش ممکن نیست.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۴۲۹

فصل سی و هشتم: احکام وقف

سؤال ۱۲۵۹- شخصی چند اصله نخل وقف حضرت سید الشّهداء (علیه السلام) نموده و سالیان طولانی است که خرمای آن صرف عزاداری می‌شود، امّا هم‌اکنون واقف پیر شده و توانایی سرپرستی نخل‌ها را ندارد و امکان دارد که نخل‌ها بر اثر بی‌سرپرستی از بین برود، آیا واقف می‌تواند نخل‌ها را بفروشد و پول آن را خرج ساخت بنای حسینیّه نماید؟

جواب: لازم است آنها را به شخص امینی واگـذار کنـد تا آنها را سرپرستی نمایـد، حتّی می‌تواند از درآمد آن اجرتی برای او قرار بدهد؛ ولی فروش آن نخل‌ها جایز نیست.

سؤال ۱۲۶۰- این جانب زمینی به مساحت ۵۰۰ متر خریده‌ام که از موقوفات حضرت سید الشّهداء (علیه السلام) است و بهره آن در هر سال در مسجد جامع این محل خرج می‌شود، از آنجا که نسبت به مسائل وقف آگاه نبودم در آن زمین ساختمان ساختم، حال متوجّه شده‌ام که خریدوفروش زمین وقف جایز نیست، اکنون تکلیف من چیست؟

جواب: باید آن زمین را اجاره کنید و مال الاجاره زمین را هر ماه یا هر سال بپردازید تا مصرف موقوفه کنند و هرگاه خواستید آن را بفروشید فقط باید اعیانی را بفروشید.

سؤال ۱۲۶۱- مقداری درخت که چندین سال قبل مسلوب المنفعه شده بود، به

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۴۳۰

مستأجر داده شد، پس از احیای شرعی، سالها بطور مشاع بوده است. هم‌اکنون که شریک وقف از دنیا رفته است، ورثه او تصمیم دارند سهمیّه خود را به فروش برسانند، ولی اگر این ملک مشاع، که هم آبی است و هم دیمی، تقسیم گردد، نگهداری آن مشکل

و سودی برای وقف خامس آل عبا (علیه السلام) ندارد. آیا اجازه می‌دهید که سهم وقف به فروش برسد و معادل پول آن، ملکی که نزدیک محل باشد خریداری گردد، یا در راه دیگری صرف گردد؟

جواب: چنانچه به تأیید معتمدین محل، وقف مزبور بلااستفاده می‌شود و راهی برای حلّ مشکل به جز فروختن آن نیست، مجاز هستید آن را بفروشید و تحت نظر معتمدین، بلافاصله تبدیل به ملک مناسبی بنمایید.

سؤال ۱۲۶۲– اداره مخابرات شهر قطب‌آباد، از استان فارس، قصد دارد زمینی را خریداری کرده و در آن، ساختمانی بنا کند. حال جهت توسعه ساختمان مخابرات، اصرار بر ضمیمه کردن یا اجاره دائمی قطعه زمین مجاور که موقوفه است، دارد. و حتّی خرید زمین اصلی را منوط به این ضمیمه نموده است. حال آن که با استناد به وقفنامه، واقف زمین آن را وقف کاشتن درخت کرده تا از ثمراتش مخارج مسجد و خیرات آن مرحوم فراهم آید. لطفاً نظر مبارک را مرقوم فرمایید.

جواب: در صورتی که تصریح شده باشد که باید در آن زمین درخت کاشته شود، باید به این شرط عمل کرد؛ مگر این که زمین در جایی قرار بگیرد که عملًا امکان غرس درخت نباشد و فایده قابل ملاحظه‌ای از این راه عاید نشود، در این صورت می‌توان آن را اجاره داد.

سؤال ۱۲۶۳– این جانب به اتّفاق یکی از آشنایان، قطعه زمینی را، از چند نفر از زارعین روستایی خریداری نموده و مبالغ هنگفتی در آن خرج نمودیم، بعداً متوجّه شدیم که اراضی مذکور به صورت مشاع با اوقاف مشترک می‌باشد، وقتی از آنها مسأله را جویا شدیم، اظهار داشتند که ما مسأله را با اوقاف حل کرده‌ایم؛ ولی با

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۴۳۱

کنجکاوی زیاد پی بردیم که چنین نیست. حال با اذعان به این مطلب که خریدوفروش چنین زمینی اصلًا جایز نیست و قلباً نیز از درآمد آن اکراه داریم و خود را نیز مالک نمی‌دانیم، چه باید کرد؟

جواب: چنانچه زمین مزبور موقوفه بوده، معامله باطل است و شما حق دارید پول پرداخت شده و خساراتی که آنجا متحمّل شده‌اید را از فروشندگان بگیرید و اگر بین فروشندگان و اوقاف به صورت مشاع بوده و زمین را بطور مفروض به شما فروخته‌اند، حق دارید معامله را فسخ کنید و تمام خسارات خود را بگیرید و اگر صاحبان زمین، با اوقاف زمین را تفکیک کرده‌اند، معامله صحیح است و جایی برای فسخ نیست.

سؤال ۱۲۶۴– زارعین چهار دانگ روستای فوق‌الذّکر نیز در این معضل بزرگ مانده‌اند؛ چرا که بعضی از آنها پنج یا شش برادر هستند و به هر کدام مقدار کمی زمین تعلّق می‌گیرد؛ آنها هم نمی‌توانند سهمیّه زمین خود را به یکی از آنها بفروشند و نه مقدار کم زمین قابلیّت آن را دارد که هر کدام آن را به تنهایی کشت کنند و بعضی‌ها هم به خاطر همین مسأله زمین را رها کرده و به شهر رفته‌اند، چون راه درآمدی ندارند. آیا اداره اوقاف، اجازه دارد زمین‌های مذکور را تفکیک نماید؟

جواب: اگر مصلحت موقوفه آن است که تفکیک شود، تفکیک کردن آن مجاز است.

سؤال ۱۲۶۵– در مدرسه علمیّه واقع در طبقه فوقانی مسجدی، حدوداً ۱۸ سال است فعّالیتهایی از قبیل خیّاطی، گلدوزی، عکّاسی، قالی‌بافی، تزریقات و مانند آن به عمل می‌آید، نظر به این که طبق وقفنامه، مکان ذکر شده برای مدرسه علوم دینی وقف شده است، آیا چنین فعّالیّتهایی مشروع و استمرار آن صحیح است؟

جواب: مدرسه مزبور باید در اختیار طلّاب علوم دینی قرار بگیرد؛ مگر این که در آنجا مطلقاً طلبه‌ای نباشد و مکان مزبور بی‌فایده بماند، در این صورت

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۴۳۲

می‌توان از آن برای کارهای خیر و عام المنفعه استفاده کرد.

سؤال ۱۲۶۶- شخصی با همّت خود و کمک مردم و بعضی از مراجع محترم قم، حمّامی را پایه گذاری کرده است. او پولها را به عنوان حمّام مردانه می گرفت و پس از اتمام آن نیز بر درب حمّام و داخل آن با کاشی نوشته شد «حمّام مخصوص مردان» و بر زنان ورود به آن را حرام کرد. آیا کسی می‌تواند همیشه یا بطور موقّت آن را در اختیار خانمها قرار دهد؟ و اگر خانمها با اطّلاع از موضوع به آن حمّام بروند و غسل کنند، آیا غسل آنها صحیح است؟

جواب: در فرض مسأله حمام مخصوص مردان است و زنان نمی‌توانند از آن استفاده کنند و غسلشان در آن جایز نیست و سزاوار است برای خانمها حمّام دیگری بسازند.

سؤال ۱۲۶۷- حقیر در تهران مسجدی ساخته‌ام که دارای حوزه علمیّه نیز می‌باشد و آن را وقف کرده‌ام، شخصی در محضر امام جماعت مسجد قراردادی با خطّ خودش تنظیم کرد که از این محل به عنوان حوزه علمیّه بهره‌برداری نماید، ولی متأسّفانه پس از تعمیرات داخلی این محل را به صورت مدرسه غیر انتفاعی دایر و حدود چهار سال است که مشغول بهره‌برداری است و از هر دانش‌آموز سالانه مبلغ قابل ملاحظه‌ای شهریه دریافت می‌نماید، حکم شرعی این مسأله چیست؟

جواب: عمل بر خلاف وقف حرام است و باید از آن جلوگیری کرد و اجرت المثل استفاده‌های سابق را نیز باید بپردازد تا در مصارف موقوفه صرف شود.

سؤال ۱۲۶۸- پنج هکتار زمین در شهر محمودآباد از طرف بنیاد مستضعفان جهت گورستان به شهرداری واگذار گردید، گرچه صیغه وقف خوانده نشده، امّا چند جنازه در آن زمین دفن گردیده است. آیا می‌توانیم جهت احداث بیمارستان شهر، از یک هکتار این زمین استفاده کنیم، یا زمین مزبور را برای امر فوق اجاره کنیم؟ (با توجّه به این که در شهر بیمارستان وجود ندارد؛ امّا قبرستانهای متعدّدی موجود است).

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۴۳۳

جواب: آن مقدار از زمین مزبور که مورد نیاز برای قبرستان در حال و آینده است به حکم وقف می‌باشد و بقیّه را می‌توان در احتیاجات عمومی صرف کرد.

سؤال ۱۲۶۹- در وسط شهرستان بم زمینی حدود هزار متر مربع از حدود ۲۵ سال پیش وقف قبرستان شده است؛ امّا پس از دفن حدود ۴۰ نفر، همسایگان مانع ادامه کار شده‌اند و آن زمین همچنان معطّل مانده است. آیا زمین مزبور بر وقفیّت باقی می‌باشد؟ در صورت باقی ماندن بر وقف، آیا می‌توان آن را تبدیل به مکان عمومی دیگر (مانند مدرسه، بیمارستان، حسینیّه و غیره) کرد؟

جواب: در صورتی که زمین وقف برای قبرستان شده باشد، تنها باید در همین مورد از آن استفاده شود؛ مگر این که دفن در آن به جهاتی امکان‌پذیر نباشد که در این صورت باید بفروشند و پول آن را صرف خرید زمینی جهت قبرستان کنند و آن را وقف نمایند و چنانچه به اندازه کافی قبرستان دارند، می‌توان از آن زمین برای مسجد و حسینیّه و کتابخانه و مانند آنها استفاده کرد.

سؤال ۱۲۷۰- قبرستان قدیمی شیراز، که سالهاست هیچ میّتی در آن دفن نگردیده، مدفن عدّه زیادی از بزرگان می‌باشد و از سوی دیگر با توجّه به مخروبه بودن آن، محلّ مناسبی برای گرد آمدن افراد خلافکار و بزهکار و معتادان گردیده است. با توجّه به لزوم زیباسازی شهر و فضای گسترده این محل که اطراف آن، منازل مسکونی قرار گرفته و در داخل محدوده شهری نیز می‌باشد و با تبدیل این منطقه به فضای سبز و یا مرکز فرهنگی عام المنفعه، چهره شهر دگرگون خواهد شد. لذا مستدعی است در خصوص تغییر وضعیّت محلّ فوق‌الذّکر به گونه‌ای که به هیچ یک از قبور مؤمنین در این قبرستان بی‌احترامی نشود و تغییر هندسی شکل مقبره‌ها در شأن بزرگان مذکور باشد و این محل تبدیل به مراکز فوق گردد، نظر مبارک را امر به ابلاغ فرمایید.

جواب: در فرض مسأله هرگاه شرایطی که در بالا نوشته‌اید، دقیقاً و بدون کم و

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۴۳۴

زیاد عمل شود، تغییر وضع قبرستان به شکلی که نوشته‌اید، مانعی ندارد.

سؤال ۱۲۷۱- مطابق تبصره ۶ ماده ۹۶ قانون شهرداریها، کوچه‌ها و پیاده‌روها و خیابانها و گورستانهای عمومی ملک عمومی محسوب شده و در مالکیّت شهرداری قرار دارد؛ شهرداری به علّت متروکه شدن گورستان، مقداری از آن را طبق ضوابط قانونی به افراد واجد شرایط واگذار نموده است، با عنایت به این که دلیلی بر وقفیّت زمین گورستان نیست، بفرمایید که اراضی مذکور وقف است، یا مالکیّت شهرداری طبق قانون فوق صحیح است؟

جواب: هرگاه زمین مزبور سابقه ملکی نداشته باشد، یا احتمال موات بودن آن از روز اوّل برود حکم وقف بر آن جاری نمی‌شود؛ امّا اگر سابقه ملکیّت داشته و برای قبرستان واگذار شده است حکم وقف بر آن جاری است.

سؤال ۱۲۷۲- در روستای ما قبرستانی وجود داشته که اکنون محو شده است؛ زیرا در آن محل خانه ساخته و قبرها را ویران کرده‌اند، قبر پدربزرگ ما در آنجا بوده و حال اثری از آن نیست، آیا می‌توانیم در قبرستان جدید سنگی به عنوان یادبود بگذاریم تا مردم بر آن فاتحه قرائت کنند؟

جواب: اگر قبرستان جدید در زمین وقف قرار داده شده است نمی‌توانید این کار را کنید و اگر در زمین موات است مانعی ندارد.

سؤال ۱۲۷۳- قطعه زمینی حدود صد سال پیش جهت دفن اموات مسلمین تعیین و اموات در آن دفن شدند؛ ولی اکنون بیش از پنجاه سال است میّتی در آن دفن نمی‌شود. طبق شیاع موجود در محل و فتوای بعضی از مراجع معظّم تقلید قبرستان مورد نظر وقف می‌باشد، ولی واقف آن مشخّص نیست؛ در قسمتی از قبرستان در سالهای گذشته مدرسه احداث گردیده است، حال با توجّه به این که گورستان موقوفه متروکه گردیده و آثار قبور از بین رفته است و با عنایت به نیاز اهالی به مسجد، جهت انجام فرایض الهی، آیا اهالی می‌توانند در گورستان مذکور یک باب مسجد احداث نمایند؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۴۳۵

جواب: چنانچه آن محل برای دفن اموات در حال حاضر و در آینده قابل استفاده نیست می‌توانید از آن برای بنای مسجد استفاده نمایید؛ ولی مواظب باشید نبش قبر لازم نیاید.

سؤال ۱۲۷۴- شخصی در زمان رژیم منحوس گذشته با حضور در دفتر اسناد رسمی، بعضی از اموال مورد تنازع و اختلاف را اجباراً به نفع رهبرِ فِرقه شیخیّه در کرمان صلح و از طرف آن شخص مورد صلح را وقف کرده است. با توجّه به مراتب مذکور و این که در رژیم گذشته فِرقه یاد شده از نفوذ و اختیارات وسیعی برخوردار بوده‌اند، آیا شرعاً اعمال فوق لازم الاجرا بوده و یا این که بر طبق موازین شرعی باطل و بی‌اثر است؟

جواب: وقف بر فرقه مزبور و سران آنها صحیح نیست و اعتباری ندارد.

سؤال ۱۲۷۵- شخصی بهائی منزل خود را جهت مجالس و مراسم بهائیّت وقف نموده و از دنیا می‌رود، فرزندان وی نیز محلّ سکونت خود را ترک کرده و به شهر دیگری رفته و سپس با دنیا وداع کرده‌اند، یکی از فرزندان واقف زنده و مدّعی است که مسلمان شده است، آیا وقف صحیح است؟ یا وقف باطل و تمام اولاد، بالسّویه از آن ماترک ارث می‌برند؟ یا فقط آن که مدّعی اسلام است ارث می‌برد؟

جواب: وقف مزبور باطل بوده و اموال نامبرده تنها به وارث مسلمان او می‌رسد، و برای این که از صداقت او در ادّعای اسلام آگاه شوید باید در یکی از جراید معروف، اسلام خود را آگهی کند.

سؤال ۱۲۷۶- شخصی می‌خواهد دو میلیون تومان پول در یکی از بانکهای جمهوری اسلامی ایران به عنوان سپرده همیشگی بگذارد و اصل این پول را وقف مسجدی بنماید و از بهره بانکی آن خرج همان مسجد و روحانی مسجد و امثال آن بنماید، این کار شرعاً چه حکمی دارد؟

جواب: پول را نمی‌توان وقف کرد؛ ولی می‌توان به مسجد تملیک نمود و در

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۴۳۶

این صورت مسجد مالک آن می‌شود و درآمد مشروع آن در مصارف مذکور در بالا صرف خواهد شد.

سؤال ۱۲۷۷- اگر منزلی برای امام جماعت در طبقه فوقانی حسینیّه ساخته باشند و امام جماعت از آنجا برود، تکلیف آن منزل چیست؟

جواب: منزل تعلّق به کسی دارد که بعداً امام جماعت می‌شود.

سؤال ۱۲۷۸- آیا امام جماعت حسینیّه می‌تواند بالای حسینیّه برای خود منزل مسکونی بنا کند؟

جواب: نمی‌تواند منزل شخصی بسازد؛ ولی می‌تواند برای امام جماعتِ حسینیّه (هر کسی که باشد) بسازد.

سؤال ۱۲۷۹- اگر زمینی برای حسینیّه وقف شده باشد، آیا می‌شود بالای آن حسینیّه، مسجد ساخت؟

جواب: ساختن طبقه بالاـ و استفاده از آن برای نماز و عزاداری اشکالی ندارد؛ ولی حکم مسجد را ندارد؛ مگر این که از اوّل به همین صورت وقف شده باشد که طبقه پایین حسینیّه و طبقه بالا مسجد باشد.

سؤال ۱۲۸۰- در یکی از روستاهای شهرستان بابل حسینیّه‌ای وجود دارد که مردم خیّر به خاطر وسعت کم آن، و این که از نظر شکل ظاهری هم مناسب نمی‌باشد، مبادرت به ساختن حسینیّه‌ای جدید نموده‌اند، ناگفته نماند که حسینیّه قدیمی بین ساختمان جدید و یک حسینیه دیگر واقع شده است و مردم این محل به خاطر اعتقادی که به این محل دارند، بیم و هراس دارند که آن را خراب نمایند، نظر جنابعالی چیست؟

جواب: اگر ضرورتی ندارد آن محل را خراب نکنید و از آن برای عزاداری استفاده نمایید.

سؤال ۱۲۸۱- در شهر ما حسینیّه‌ای ساخته‌اند که برای بعضی شهروندان نزدیک و

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۴۳۷

برای بعضی دور و باعث مشقّت است، آیا می‌توان حسینیّه را به جای مناسبی منتقل کرد؟ در صورت امکان زمین حسینیّه قدیم و باقی موادّ ساختمانی آن چه حکمی دارد؟

جواب: حسینیّه اوّل باید به جای خود باقی باشد؛ هرچند همه نتوانند در آن شرکت کنند و می‌توانند حسینیّه دیگری در محلّ دیگری بسازند.

سؤال ۱۲۸۲- با توجّه به تعریف وقف، که آن را «حبس عین و تسبیل منفعت» می‌دانند، آیا می‌توان سهام شرکتهای تجاری را وقف نمود؟ به چه دلیل؟

جواب: اشکالی ندارد؛ و عموم ادلّه وقف و همچنین اطلاقات شامل این مورد می‌شود و مانعی از شمول نیست.

سؤال ۱۲۸۳- تغییر ارزش سهام تأثیری بر صحّت وقف فوق دارد؟

جواب: تأثیری ندارد.

سؤال ۱۲۸۴- ورشکستگی شرکت چه تأثیری در وقف دارد؟

جواب: مادامی که آن مؤسسه برقرار است، وقف برقرار است.

سؤال ۱۲۸۵- در سنوات گذشته بعضی از املاک، که گاهی شامل چندین روستا می‌شده، توسّط مالکین بزرگ وقف شده است، با عنایت به این که در این روستاها قبل از وقف شدن املاک، حمّام، اشجار، پل، تپه، قبرستان، مسجد و امامزاده وجود داشته که وقفنامه‌ای جهت این مورد تنظیم نشده و اگر هم بوده فعلًا در دسترس نیست. آیا متولّی موقوفات می‌تواند به استناد وقفنامه تنظیم شده، ادّعایی در خصوص اماکن موجود قبل از تنظیم وقفنامه داشته باشد؟

جواب: مساجد، حسینیّه‌ها، امامزاده، حمّام یا هر بنای وقفی دیگری که از قبل در این روستاها بوده از محدوده وقف دوّم خارج است؛ زیرا موقوفه را نمی‌توان بار دیگر وقف کرد. بنابراین وقف روستا فقط شامل زمین و تمام بناها و اشجاری می‌شود که در روستا وجود داشته و در ملك مالك بوده است؛ به استثنای موقوفات قبل.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۴۳۸

سؤال ۱۲۸۶- آیا اجاره اراضی موقوفه (وقف خاص اولاد ذکور) به مدّت ۹۰ سال برای بنای مسجد و مصلّی و حسینیّه جایز است؟ اگر صحیح است مشروط به چه شرایطی می‌باشد؟

شیرازی، ناصر مکارم، استفتاءات جدید (مکارم)، ۳ جلد، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم - ایران، دوم، ۱۴۲۷ ه ق استفتاءات جدید (مکارم)؛ ج۲، ص: ۴۳۸

جواب: اجاره‌های بلند مدّت بر خلاف مصلحت وقف است و جایز نیست، باید چند سال به چند سال تجدید شود و استفاده از آن برای مسجد و مصلّی و حسینیّه مانعی ندارد؛ هرچند جریان احکام مسجد بر آنها مشکل است.

سؤال ۱۲۸۷- عبور و مرور در خیابانهایی که حکومتها جدیداً و قدیماً احداث نموده‌اند چه حکمی دارد؟ هر چند وضع مالکیت آنها را ندانیم.

جواب: عبور و مرور و سایر استفاده‌های غیر مزاحم اشکالی ندارد.

سؤال ۱۲۸۸- موقوفه‌ای در اراك است که مصرف آن کمك به زوّار کربلای معلّی است، از آنجا که سالهاست مصرف این موقوفه معطّل مانده، آیا از باب اقرب به نظر واقف می‌توان عواید مذکور را موقّتاً به زوّار امام رضا (علیه السلام) داد؟

جواب: در شرایط کنونی مانعی ندارد.

سؤال ۱۲۸۹- نظر مبارك شما در مورد موقوفه اولاد چیست؟ آیا اولاد می‌توانند آن ملك را مجدّداً برای بعضی امور خیریّه وقف کنند؟

جواب: وقف مجدّد جایز نیست.

سؤال ۱۲۹۰- عدّه‌ای از مؤمنین خانه‌ای را در مشهد خریده و برای عزاداری و سکنای زوّار امام رضا (علیه السلام) وقف نموده‌اند؛ ولی چون خانه قدیمی است و نیاز به ساختمان جدید با هزینه زیادی دارد واقفین می‌خواهند هر کدام یك میلیون تومان یا بیشتر پول داده و چهار طبقه ساختمان بسازند، ضمناً می‌خواهند یك باب اطاق به خود و بستگانشان اختصاص بدهند که در آن ساکن شوند، آیا می‌توان یك باب اطاق را به آنها، که هزینه ساختمان را متقبّل می‌شوند، اختصاص داد؟

جواب: چنانچه آنها بخواهند به عنوان زوّار در آنجا باشند و راهی برای

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۴۳۹

تکمیل ساختمان جز از این طریق نباشد اشکالی ندارد.

سؤال ۱۲۹۱- در بعضی از روستاها املاك وقفی از قبیل باغات، زمین و آب وجود دارد که اداره اوقاف آنها را به نصف اجاره می‌دهد و مال الاجاره را هم به آن قریه‌ای که واقف، وقف مسجد آن کرده، یا نمی‌دهد یا قسمتی از آن را می‌دهد، آیا عالم و یا معتمدین می‌توانند اعتراض نمایند؟

جواب: مال موقوفه را نمی‌توان به کمتر از اجرت المثل اجاره داد، و اگر کار خلافی صورت گرفته وظیفه دیگران امر به معروف و نهی از منکر است.

سؤال ۱۲۹۲- موقوفه تحت تولیت این جانب دارای تعدادی مغازه و رقبه تجاری است، آیا گرفتن مبلغی بابت نقل و انتقال سرقفلی و

ما به التّفاوت آن در انتقالات بعدی جهت موقوفه طبق قانون عرف، شرعی است؟

جواب: اگر در زمان واگذاری موقوفه به افراد، چنین حقّی در عرف وجود داشته، حکم شرط ضمن العقد پیدا می کند و حالا که می‌خواهند سرقفلی را نقل و انتقال دهند موظّف به پرداخت آن هستند، و اگر در واگذاری موقوفه اصولًا مسأله نقل و انتقال به دیگری مطرح نبوده، گرفتن حقّی برای موقوفه به هنگام نقل و انتقال سرقفلی مانعی ندارد.

سؤال ۱۲۹۳- شش دانگ قریه سوهان طالقان وقف خاصّ اولاد ذکور سادات گردیده است، در وقفنامه حدود چهارگانه روستای مذکور مشخّص است، طبق وقفنامه کوههای روستا که جزء آن روستاست، جزء سامان (یا مرز) ذکر شده است، اکنون عدّه‌ای می گویند: «کوه‌ها جزء انفال است و واقف حقّ وقف کردن کوه‌ها را نداشته، در نتیجه در صحّت وقف تردید است»، آیا این ابهام وقف را باطل می کند؟

جواب: آنچه در عرف و عادت محل جزء حریم و نیازهای آبادی محسوب می‌شود، جزء توابع موقوفه است و زاید بر آن جزء انفال می‌باشد و اگر چیزی از انفال را زاید بر آنچه که گفته شد، جزء موقوفه قرار داده باشند، وقف باطل

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۴۴۰

نمی‌شود؛ بلکه اضافات باطل می‌شود.

سؤال ۱۲۹۴- آیا اداره اوقاف شهرستان می‌تواند از تمدید اجاره‌نامه ملك موقوفه خاص، که سالهاست در اجاره این جانب است و ممرّ درآمدم می‌باشد، بدون رضایت این جانب خودداری نماید؟

جواب: تمدید اجاره موقوفه منوط به مصلحت موقوفه است.

سؤال ۱۲۹۵- جدّ اعلای این جانب تعدادی از رقبات ملکی خود را در گذشته وقف بر تعزیه‌داری حضرت امام حسین (علیه السلام) نموده است، و در طول سالیان گذشته مقداری از رقبات موقوفه مذکور به صورت مغازه‌های تجاری احداث گردیده که اعیان احداثی مانند عرصه متعلّق به موقوفه می‌باشد، در گذشته تعدادی از مستأجرین که دارای حقّ سرقفلی در مغازه‌های فوق‌الذّکر بوده‌اند، سرقفلی خود را بدون اجازه موقوفه و متولّی به غیر منتقل نموده‌اند. در اینجا چند سؤال داریم، جواب محبّت بفرمایید.

الف) با عنایت به توضیح مذکور، آیا می‌توان جهت حفظ حقوق حقّه وقف، کسانی را که بدون اجازه مغازه‌ها را متصرّف شده‌اند و اجاره‌بهای معوّقه و حقّ نقل و انتقال را طبق قانون اوقاف پرداخت نمی‌کنند، تخلیه آن را با شرایط از پیش گفته شده از دادگاه صالحه تقاضا نمود؟

جواب: مستأجرین حق ندارند بدون اجازه سرقفلی را به دیگری واگذار کنند مگر این که در قرارداد اجاره به آنها اجازه داده شده باشد و اگر واگذار کنند متولّی حق دارد محل را تخلیه کند و به مستأجر اوّل بدهد و اگر مستأجر اوّل حاضر نیست شخصاً از آن محل استفاده کند باید با توافق متولّی به شخص ثالث داده شود.

ب) چنانچه متصرّفین غیر مجاز نسبت به پرداخت حقوق موقوفه طبق قانون (شامل اجاره‌بهای معوّقه و حقّ نقل و انتقال و سایر حقوق) آن هم به صورت عادله

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۴۴۱

روز برآیند، آیا تخلیه مورد تصرّف مجاز است؟

جواب: در فرض مسأله تخلیه جایز است؛ ولی متولّی موقوفه تنها می‌تواند حقّ و حقوق موقوفه را بردارد و زاید آن را باید به مستأجر اصلی بپردازد.

ج) آیا تحقیقاتی که کارشناس دادگستری در امر تعیین قیمت سرقفلی می‌دهد مجاز است؟

جواب: معیار عادله روز با نظر کارشناسان مورد وثوق است.

سؤال ۱۲۹۶- در جلد دوّم عروة الوثقی، کتاب وقف، فصل ۶، مسأله یک، چنین آمده است: «لا اشکال و لا خلاف فی انه یجوز للواقف ان یجعل التولیة لنفسه مادام حیّاً، او الی مدّة، مستقلًا او بالشرکة، و خلاف ابن ادریس غیر محقّق، و کذا یجوز ان یجعلها لغیره کذلک، بل یجوز ان یجعل امر التولیة بیده بان یشترط ان یکون له ان ینصب کل من یریده و کذا یجوز ان یجعل امرها بید اجنبی بان یکون هو المعین للمتولی و یجوز ان یجعل لکل متول ان ینصب متولیاً بعده »....

و حضرت آیة اللّه العظمی گلپایگانی (رحمه الله) در مسأله ۲۹۰۵ توضیح المسائلشان می‌فرمایند:

«تصرّف و دخالت در امور اوقاف مجهول التّولیه و غُیّب و قُصّر و مساجد و مدارس دینی و موقوفه و کتابخانه‌های موقوفه‌ای که متولّی مخصوص ندارد برای غیر مجتهد جامع الشّرائط، یا مأذون از طرف او حرام و خلاف شرع است».

با توجّه به مراتب بالاـ آیا متولّیان مفروض در فتوای مرحوم صاحب عروة (رحمه الله) منصوص التّولیه از طرف واقف در قبال منصوب التّولیه از طرف مجتهد جامع الشّرائط هستند؟

جواب: در صورتی که طبق شرط واقف عمل شود و افرادی به عنوان متولّی تعیین گردند و دارای صلاحیت باشند حاکم شرع یا مقام دیگری حقّ دخالت برای نصب متولّی ندارد و این مورد از قبیل منصوص التّولیه است، و کلام آیة اللّه

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۴۴۲

العظمی گلپایگانی (رحمه الله) شامل آن نمی‌شود.

سؤال ۱۲۹۷- از بیست سال قبل در شیراز مُهر نماز به مردم هدیه می‌کنم و از آنجا که مهرها رایگان است مراجعه‌کننده زیاد دارم. غالباً از منازل، کم یا زیاد، مهرهای خرد و فرسوده و بدردنخور می‌آورند و به من می‌بخشند، یا از مساجد و حسینیّه‌ها مقدار زیادی مهرهای بدردنخور برای تعویض می‌آورند و چون بازسازی مهرهای مساجد هرکدام جداگانه مقدور نبوده، غالباً با هم مخلوط می‌شود و بعد از نوسازی هرکس به اندازه احتیاج می‌برد، سربازخانه‌ها، مدارس، ادارات و نهادها هم از مازاد مهرهای مساجد و حسینیّه‌ها استفاده می‌نمایند. نظر حضرتعالی در این مورد چیست؟

جواب: مجاز هستید و مانعی ندارد؛ ولی بهتر است به آن مقدار که از مساجد و حسینیّه‌ها مهر برمی‌دارید (هرچند بطور تقریبی باشد) به آنها بازگردانید.

سؤال ۱۲۹۸- سال قبل شخصی بنده را به منزل یکی از اهالی شهر برد و گفت: این آقا قرآن خطی دارد؛ ولی خود و اهل منزلش بی‌سواد هستند و شاید چند سال باشد که این قرآن حفظ و قرائت نگردیده است، اگر شما، که دارای ذوق مطالعه و دوستدار کتاب هستید، آن را بگیرید و بخوانید ثواب دارد "بنده دیدم که قرآن، وقف اولاد می‌باشد از خریداری آن منصرف گردیدم، تا این که شب عید واسطه گفت ": چون آقا احتیاج به پول دارد، افرادی از اصفهان آمده‌اند که آن را خریداری کنند و به خارج از کشور بفرستند. "حقیر دیدم حیف می‌باشد که این قرآن به خارج برود، لذا تصمیم گرفتم آن را خریداری نموده و آن را به همراه یک قرآن خطی نفیس موروثی خودم، به آستان حضرت امام رضا علیه السلام تقدیم نمایم تا برای ایشان محفوظ و نگهداری بشود؛ چون اولاد واقف معلوم نیست که چه افرادی هستند و در کجای این مملکت می‌باشند، به منظور فوق و با وجود این که وضع مادّی بنده هم مناسب نیست، آن را به مبلغ گزافی خریداری نمودم، فقط برای آستان حضرت امام رضا (علیه السلام) تا هر وقت خداوند عالم، زیارت آن حضرت را نصیبم نمود، آن را به مشهد مقدّس ببرم. اکنون از جنابعالی استدعا دارم اجازه بفرمایید که این قرآن، تا وقتی به مشهد نرفته‌ام، بطور امانت نزد این حقیر باشد تا آن را قرائت نموده و سوره‌ای هم به روح واقف و کاتب آن هدیه بنمایم؟

جواب: اگر موقوفٌ علیهم به هیچ وجه قابل شناسایی نیستند، شما و دیگران می‌توانید آن قرآن را قرائت کنید و سپردن آن به جایی که اصلًا قرائت نمی‌شود، اشکال دارد؛ مگر این که قرآن بسیار نفیسی باشد که بیم از دست رفتن آن برود.

سؤال ۱۲۹۹- حدود ۲۵ مرتع، اعمّ از مشجّر و غیر مشجّر، در صد سال قبل توسّط مردم نور با تأیید علما و فقهای منطقه وقف شد، تا

درآمد آن در دهه عاشورا به مصرف عزاداران خامس آل عبا (علیه السلام) در محل برسد، تولیت آن نیز به عالم محل و سپس به اولاد او واگذار شد. تا زمان اجرای مادّه ۵۶ حفاظت از مراتع، طبق وقفنامه عمل می‌شد و از زمان اجرای قانون فوق در رژیم سابق، اجرای مفاد وقفنامه کاملًا تعطیل شد. پس از پیروزی انقلاب، مادّه واحده‌ای برای ابطال اسناد فروش آب و اراضی موقوفه در مجلس شورای اسلامی تصویب و مقرّر گردید اوقاف و متولّیان موقوفات با تعلیف کنندگان مراتع غیر مشجّر روابط استیجاری برقرار کنند تا درآمدهای حاصل طبق وقفنامه به مصرف برسد؛ ولی منابع طبیعی و جنگلداری مدّعی است مراتع مشجّر جزء انفال است. حال سؤال این است:

الف) آیا مراتع مشجّر کماکان وقف است یا نه؟ در صورت دوّم، اصلًا عقد باطل بوده یا انحلالی صورت گرفته است؟

جواب: در صورتی که احتمال داده شود در این مراتع در گذشته احیایی صورت گرفته، حکم وقف کماکان جاری است.

ب) مال الاجاره مراتع غیر مشجّر، که مورد تعلیف حَشَم‌داران است، در چه راهی باید مصرف شود؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۴۴۴

جواب: هرگاه در آنها نیز احتمال احیا بدهید که زمین را برای مرتع آماده کرده باشند حکم وقف بر آنها نیز جاری می‌شود و باید درآمد آن در مصارف وقف مصرف گردد.

ج) اگر بعضی از این مراتع جزء محدوده روستاها قرار گرفت، تکلیف شرعی چیست؟

جواب: هرگاه از اوّل، در محدوده روستا بوده، تعلّق به روستا دارد و می‌توان با رضایت اهل روستا آن را وقف کرد و اگر قبلًا وقف شده، سپس در محدوده روستا قرار گرفته، حکم وقف باطل نمی‌شود.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۴۴۵

فصل سی و نهم: احکام هبه

سؤال ۱۳۰۰- شخصی مقداری از اموال خود را در زمان حیاتش به نام بعضی از فرزندانش نموده است؛ ولی عایدات بعضی از آن اموال را خودش، و قسمتی دیگر را صاحبان همان اموال مصرف می‌کرده‌اند، این اموال شرعاً متعلّق به چه کسی است؟

جواب: اموالی را که در زمان حیات به اسم اشخاص کرده و تحویل داده، یا صغیر بوده‌اند و تحت تصرّف ولی آنها بوده، به خود آنها تعلّق دارد.

سؤال ۱۳۰۱- زید تمام اموال خود (خانه، زمین و متعلّقات آن) را به دست دائی‌اش داده و از وطن خود به هندوستان رفته و در آنجا سکونت اختیار کرده است، سپس تمام مایملک خود را در زمان حیات خویش با این مضمون به فردی هبه کرده است: «اگر من زنده به وطن خود برسم مایملک خودم را از فلان شخص می‌گیرم و اگر به حکم الهی زنده به وطن خود نرسم در این صورت تمام مایملک خود را به فلان شخص هبه کرده‌ام، اگر کسی در این باب دعوا کند ادّعای او باطل خواهد بود. و در این هبه اوّل خدا و رسول (صلی الله علیه و آله) و ائمّه طاهرین (علیهم السلام) گواهند، بعد از آن ۴ نفر از مؤمنین با نشانه انگشت شهادت داده‌اند» بعد از تحریر هبه‌نامه بلافاصله تمام مایملک زید از دست دایی‌اش پس گرفته شده و تحت تصرّف آن فرد قرار داده شده و تا به حال تمام مایملک وی در تصرّف اوست؛ ولی زید به حکم الهی در هندوستان وفات و در آنجا مدفون گردید. آیا این هبه‌نامه طبق شرع مقدّس اسلام نافذ است؟

جواب: فقط یک سوّم هبه‌نامه که در واقع وصیّتنامه است صحیح می‌باشد، بقیّه

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۴۴۶

به ورثه برمی‌گردد و اگر وارثی ندارد باید به حاکم شرع داده شود.

سؤال ۱۳۰۲- شخصی ادّعا می‌کند که برادرزاده‌اش تمام اموال خود را به او هبه کرده است؛ ولی او انکار می‌کند و می‌گوید: «تمام اموالی که از پدرم به ارث رسیده است را امانت گذاشته‌ام و اصلًا و ابداً به کسی نداده‌ام» آیا در صورت عادل بودن مدّعی، قول او شرعاً مسموع است؟

جواب: قول مدّعی به تنهایی کافی نیست، هرچند عادل بوده باشد؛ بلکه باید لااقل دو شاهد عادل بر ادّعای او گواهی دهند.

سؤال ۱۳۰۳- پدری مالی را به پسر نابالغ خویش هبه شرعی نموده است؛ ولی مدّتی بعد پدر، مقداری از آن زمین را می‌فروشد.

الف) آیا معامله پدر نسبت به زمین پسر نابالغ صحیح است، یا پدر ضامن می‌باشد؟

جواب: پدر بعد از هبه به پسر نابالغ خود نمی‌تواند برگردد و اگر معامله‌ای روی آن برای خودش انجام دهد باطل است و اگر برای پسر و به نفع او بوده جایز است؛ ولی پولش مال پسر است و اگر آن مال تلف شده، پدر ضامن است.

ب) اگر پسر بالغ شود آیا حقّ فسخ دارد؟ و اگر حقّ فسخ دارد، آیا پسر باید به مشتری رجوع کند و مال خودش را بگیرد، یا باید به پدرش رجوع کند؟

جواب: اگر مال موجود است پسر می‌تواند معامله را به هم بزند و از مشتری پس بگیرد، و اگر نیست می‌تواند عوض آن را از پدر بگیرد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۴۴۷

فصل چهلم: احکام شفعه

سؤال ۱۳۰۴- خانه‌ای مشترک بین دو نفر است، یکی از شرکا سهم خود را به مبلغ معیّنی به شخص ثالث می‌فروشد، شخص ثالث که خانه را خریده نه حاضر است سهمیّه شریک دیگر را بخرد و نه حاضر است سهم خود را بفروشد، نماز خواندن شخص ثالث در این خانه چگونه است؟

جواب: چنانچه خانه در میان آنها به صورت مشاع باشد شریک دوّم حق دارد معامله شخص ثالث را فسخ کند و خودش به همان قیمت بخرد و اگر از این حق استفاده نکرد حقّ شفعه ساقط می‌شود، و امّا در مورد نماز خواندن باید به رضایت دو مالک فعلی باشد.

سؤال ۱۳۰۵- حسین آقا با محمّد آقا در یک دستگاه کامیون خاور بطور مساوی شریک می‌باشند، حسین آقا بدون اطّلاع و مشورت و پیشنهاد خرید یا فروش سهام مورد شراکت خود به محمّد آقا، سهم خویش را به شخص ثالث می‌فروشد. حال با توجّه به این که محمّد آقا از خریدار، که همسایه او بوده و از خصوصیّات اخلاقی او اطّلاع دارد، احساس خطر مالی، جانی و آبرویی می‌نماید، تقاضای حقّ شفعه نسبت به خرید سهام حسین آقا (فروشنده) با همان شرایط و مبلغ مندرج در معامله نموده است؛ آیا در فرض مسأله حقّ شفعه تعلّق می‌گیرد؟

جواب: شفعه عامّ است و شامل منقول و غیر منقول هر دو می‌شود، و شریک دوّم در فرض مسأله حق دارد سهم شریک اوّل را بخرد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۴۴۸

سؤال ۱۳۰۶- برخی از شرکا برای جلوگیری از استفاده حق شفعه شریک خود حیله‌ای به شرح زیر به کار می‌برند: سهم خود را از ملک مشترک مشاع به چند برابر قیمت واقعی به مشتری می‌فروشد و با هم قرار می‌گذارند که پس از تحقّق معامله و عدم استفاده شریک از حقّ شفعه، مازاد بر قیمت واقعی را به خریدار بازگرداند، آیا این حیله مشروع است؟

جواب: این حیله مشروع نیست و معامله مزبور جدّی نمی‌باشد و باطل است و بفرض که جدّی باشد چون مشتمل بر ضرر و زیان

شریک است، باطل می‌باشد.

سؤال ۱۳۰۷- آیا حقّ شفعه در جایی که شرکا بیش از دو نفر باشند نیز جاری می‌گردد، یا این که مختصّ جایی است که فقط دو شریک باشند؟

جواب: حقّ شفعه فقط در جایی است که دو شریک بیشتر نباشد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۴۴۹

فصل چهل و یکم: احیای موات

سؤال ۱۳۰۸- در بعضی از مناطق کوهستانی از قدیم الایّام سیره چنین بوده که در فصل بهار حیوانات در چراگاه کلّا آزاد بوده‌اند؛ امّا ذخیره علف برای فصل زمستان محدود است؛ یعنی هر منطقه علفهای محدوده خویش را جمع‌آوری می‌کند. بعضی اوقات اهالی یک منطقه به حدود خود قناعت نکرده به علفهای منطقه دیگر طمع می‌کنند. آیا اهالی آن منطقه شرعاً می‌توانند از علفزارهایشان جلوگیری کنند؟

جواب: علفزارهایی که در حریم هر آبادی واقع شده تعلّق به همان آبادی دارد و می‌توانند از غیر اهل آبادی جلوگیری کنند و همچنین اگر علفزارها را تقسیم کرده و علامتگذاری کرده باشند، هر قسمت متعلّق به صاحب آن است؛ ولی با رضایت صاحب حق، تصرّف در آن مانعی ندارد.

سؤال ۱۳۰۹- در حدود ۶۰ سال قبل، زمینی مزروعی با حدود چهارگانه و سند دولتی به نام چند نفر به ثبت رسیده است، بعد از ۴۰ سال فرزندان یکی از شرکا چشمه و زمینهای موات واقع در خارج از محدوده موصوفه را احیا نموده‌اند. ۱۸ سال پس از احیای زمینهای موات، فرزندان بقیّه شرکا ادّعا می‌کنند که چون چشمه و زمین در منطقه‌ای واقع شده که تحت نام زمین مشترک است، یعنی جزء منطقه حساب می‌شود- و لو این که خارج از محدوده زمین مشترک مزروعی است- آنها هم در آن زمین و چشمه احیای شده حقّ دارند، حکم چیست؟

جواب: در صورتی که دلیل قاطعی بر این امر نداشته باشند، که آن منطقه جزء

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۴۵۰

حریم زمین مشترک است، ادّعای آنها پذیرفته نیست.

سؤال ۱۳۱۰- منازل عدّه‌ای از رزمندگان در اثر ریزش کوه نابود شده است، با صلاحدید عدّه‌ای از مسئولین دولت جمهوری اسلامی زمینی که حدود صد سال زراعت نشده و به نام یکی از درباریان زمان طاغوت بوده بین افراد واجد شرایط تقسیم شده است، و به جای ساختمان به آنها داده‌اند، آیا تملّک زمینهای مذکور مجاز است؟

جواب: اگر زمین موات بوده است کسی مالک آن می‌شود که آن را آباد کند (مثلًا خانه بسازد) و اگر سابقاً آباد بوده تعلّق به مالک سابق دارد و اجازه او لازم است؛ مگر این که او از طریق غصب بر آن مسلّط شده باشد و صاحب اصلی معلوم نباشد، که باید با اجازه حاکم شرع به نیازمندان داد.

سؤال ۱۳۱۱- آیا انسان می‌تواند مراتع و چراگاههای عمومی را احیا کند؟

جواب: در حکومت اسلامی باید از مقامات مسئول اجازه گرفته شود.

سؤال ۱۳۱۲- قطعه زمینی خریداری و به قطعات کوچکتر تقسیم شده و کوچه‌ای بن‌بست از همین زمین برای عبور و مرور در نظر گرفته شده است، در رابطه با این کوچه سؤالات زیر مطرح است:

الف) مالکین کوچه بن بست چه کسانی هستند؟

جواب: معمولًا مالک کوچه بن‌بست کسی است که درِ خانه‌اش در آن کوچه بازشده است.

ب) کسانی که فقط دیوار خانه آنها در مجاورت کوچه بن‌بست می‌باشد و محلّ عبورشان از جای دیگری است، آیا می‌توانند از کوچه بن‌بست فوق‌الذکر نیز دری برای عبور و مرور باز کنند؟

جواب: نمی‌توانند؛ مگر این که عرف محل اقتضا کند.

ج) با فرض این که مالکین کوچه بن‌بست مذکور کسانی باشند که کوچه بن‌بست

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۴۵۱

از زمین آنان افراز گردیده، آیا مالکان آن کوچه می‌توانند پنجره‌های دیگران را به آن کوچه مسدود نمایند؟

جواب: در فرض مسأله که کوچه بن‌بست از ملک بعضی از مالکین گرفته شده، اختیار آن با آنهاست.

سؤال ۱۳۱۳- آیا انسان می‌تواند راه عمومی حیوانات را، که قدمت چندین‌ساله دارد، مسدود نماید؟

جواب: اگر شارع عام بوده (نه جادّه خصوصی) مزاحمت جایز نیست.

سؤال ۱۳۱۴- در یک قریه یا شهر نهری قدیمی وجود دارد که چندین سال از آب آن برای کشاورزی استفاده می‌کردند؛ امّا الآن کسانی که در ابتدای نهر قرار دارند و آب از ملک آنها عبور می‌کند به دیگران اجازه نمی‌دهند که از آن آب استفاده کنند، آیا این کار جایز است؟

جواب: باید طبق عرف محل عمل کنند.

سؤال ۱۳۱۵- زید و بکر نهری کشیدند و آب را بین خودشان تقسیم نمودند، آیا بر فرزندان آنان لازم است بر تقسیم پدران بمانند، یا می‌توانند دوباره بین خود تقسیم نمایند؟

جواب: تقسیم مجدّد فقط با توافق طرفین جایز است.

سؤال ۱۳۱۶- مالک چشمه زراعت خود را با آب همان چشمه آبیاری می‌کرده و به همسایگان نیز اجازه داده که در ملکش جوی آب ایجاد نمایند، مدّت بیست و چند سال از آب چشمه زراعتشان را مشروب نموده‌اند، آیا اکنون مالک مذکور می‌تواند همسایگان را از رفت و آمد در ملکش، جهت سرکشی و استفاده از آب چشمه، منع نماید؟

جواب: اگر سهمی از چشمه را به آنها در مقابل چیزی بخشیده نمی‌تواند برگردد و اگر تنها با رضایت او در این مدّت استفاده می‌کرده‌اند، می‌تواند از نظر خود برگردد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۴۵۲

سؤال ۱۳۱۷- در ملک کسی چشمه‌ای ظاهر شده و جاری است، آیا کسی می‌تواند بدون رضایت مالک ملک مذکور جهت زیاد شدن آب، چشمه مذکور را تعمیق کند؟ اگر کسی این کار را کند و آب چشمه زیاد شود، آیا برای حفرکننده حقّی ایجاد می‌شود؟

جواب: چشمه متعلّق به صاحب زمین است و اگر کسی آن را توسعه دهد و آب آن زیاد شود حقّی برای او ایجاد نمی‌شود؛ مگر این که قراردادی با مالک زمین داشته باشد.

سؤال ۱۳۱۸- یک جریان طبیعی آب از چشمه‌سارهای دامنه یک کوهستان از قدیم الایّام وجود دارد، مزارع و باغاتی نیز از گذشته در اطراف مجرای آب مزبور به وجود آمده، که از همین آب مشروب می‌شده است. در سالهایی که بارندگی زیاد و مقدار آب بیش از نیاز مزارع و باغات می‌باشد مقدار آب زائد بر مصرف داخل در مسیل گردیده و پس از عبور از یک مسیر کوهستانی لم‌یزرع در فاصله ۳۰ کیلومتری به مزرعه و روستای دیگری می‌رسد که اهالی آن روستا، آن را بر آب قنات خویش اضافه نموده و از آن استفاده می‌کنند. در سالهای کم باران مقدار آب بیش از نیاز مصرفی مزارع بالادست نبوده و طبعاً آبی به روستای بعدی نمی‌رسد و همین امر مایه نزاع بین اهالی دو روستای مزبور شده که هنوز نیز ادامه دارد. مقرّرات فقهی موجود و اصل ۴۹ قانون

اساسی و قانون توزیع عادلانه آب، مصوّب سال ۱۳۶۱ مجلس شورای اسلامی، و ماده ۱۵۶ قانون مدنی، مبنی بر حقّ تقدّم مزارعی که به منبع آب نزدیکترند، ظاهراً برای رفع خصومت و قطع مایه نزاع کافی نیست. لطفاً در این موضوع به دو سؤال ذیل پاسخ فرمایید:

الف) نظر حضرتعالی در این خصوص چیست؟

جواب: چنانچه عرف محل، به تصدیق اهل اطّلاع و آگاهان آن منطقه، این بوده که آبادی‌های پایین فقط از اضافه آب، آن هم در سالهای پرآبی، استفاده کنند

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۴۵۳

بایـد در سالهایی که آب کم است، آب در اختیار آبادیهای بالا قرار گیرد؛ ولی آبادیهای بالا بایـد صرفه‌جویی‌های لازم را انجام بدهند تا اگر آب اضافی باشد به آبادیهای پایین برسد.

ب) نظر شرع مقدّس در خصوص چگونگی حقّ تقدّم استفاده از آب چشمه‌سارهای طبیعی که توسّط آبادیها و روستاهای اطراف آن چشمه‌سارها به صورت سنّتی و بدون قرارداد مدوّن مورد بهره‌برداری قرار می گیرد و موجب اختلاف می‌شود چیست؟

جواب: کسانی که قبلًا چشمه را متصرّف شده و از آن برای کشاورزی خود استفاده کرده‌اند مقدّمند، و اگر معلوم نباشد چه کسانی روز اوّل چشمه را متصرّف شده‌اند عرف محل در این موارد معیار عمل است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۴۵۵

فصل چهل و دوّم: احکام شهادت

سؤال ۱۳۱۹- چرا در اسلام شهادت (گواهی) دو زن برابر با شهادت یک مرد است؟

جواب: به تفسیر نمونه، جلد دوّم، صفحه ۴۴۴، ذیل آیه ۲۸۲ سوره بقره، مراجعه فرمایید، پاسخ روشن در آنجا آمده است.

سؤال ۱۳۲۰- شهادت افرادی که یا عادل نیستند، یا ظاهر الصّلاح نیستند و حتّی گاهی معلوم الفسق و نسبت به امور دینی بی‌مبالات هستند، چه حکمی دارد؟ آیا مورد قبول واقع می‌شود؟

جواب: شهادت اینگونه افراد باطل است، شاهد باید ظاهر الصّلاح و عادل باشد.

سؤال ۱۳۲۱- گاهی مدّعی یا منکر، برای اثبات ادّعای خود افرادی را به عنوان شاهد معرّفی می کند که با انگیزه قومی یا گروهی می‌خواهند به نفع یکی و ضرر دیگری شهادت بدهند؛ حتّی دیده شده که شخص وعده می‌دهد که اگر به نفع او شهادت بدهند، هر زمان که آنها با کسی دعوا داشتند تلافی می کند، شهادت این نوع افراد چه حکمی دارد؟

جواب: چنانچه قاضی بداند این گونه افراد با انگیزه‌های فوق شهادت می‌دهند، نمی‌تواند شهادت آنها را بپذیرد.

سؤال ۱۳۲۲- با توجّه به این که در شرع مقدّس یکی از ادلّه شهادت است و اوصاف شهود آن چنان که تصریح شده در میان مردم کم است و اگر هم به دادگاه معرّفی

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۴۵۶

شوند، دادگاه آنها را نمی‌شناسد و تزکیه نمودن آنها هم مشکل است؛ چون احوال تزکیه کنندگان نیز در نظر دادگاه مجهول است و اگر همین گونه ادامه یابد، دور لازم می‌آید و این امر برای ارباب دعاوی کار را بسیار مشکل می کند و باعث جرأت متجاوزان و بروز ناامنی در میان مردم می‌شود. سؤال اینجاست که اگر عدّه‌ای شهادت دهند که شاهد آدم درستکاری است و ظاهر خوب و قابل قبولی دارد، به حدّی که عدالت شاهد در نزد عدّه‌ای شایع باشد در صورتی که دادگاه اوصاف آن عدّه را نشناسد و فقط بداند که از هم محلّه‌های شاهد هستند و ظاهری آراسته دارند، آیا قاضی می‌تواند به این شیاع متمسّک شده و شهادت شاهد را قبول نماید؟

جواب: همان‌گونه که مسامحه در این امور صحیح نیست، سختگیری نیز درست نمی‌باشد. آنچه ذکر کردید برای اثبات دعاوی در دادگاه‌ها کافی به نظر می‌رسد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۴۵۷

فصل چهل و سوّم: احکام وصیّت

سؤال ۱۳۲۳- آیا انسان می‌تواند ثلث مالش را هنگام وصیّت در اشیای خاصّی قرار دهد؟

جواب: برای هر موردی که مشروع و مباح است می‌تواند وصیّت کند، و ثلث را در مال خاصّی که بخواهد تعیین نماید.

سؤال ۱۳۲۴- اگر کسی بخواهد همسرش پس از فوتش مادام الحیات در منزل مسکونی او سکونت داشته باشد و سایر ورثه مزاحمتی برای او ایجاد نکنند، چگونه باید وصیّت کند؟

جواب: می‌تواند منافع خانه را به عنوان ثلث به او واگذار کند و احتیاطاً از ورثه هم رضایت بگیرد، و یا این که منافع مزبور را به همسرش در برابر چیز معیّنی مصالحه کند و عوض را دریافت دارد، و از همه بهتر این که منافع خانه را به عنوان «عُمری» و «سُکنی» (یعنی اسکان همسرش در آن خانه مادام‌الحیات) به او واگذار کند، در این صورت ورثه حقّ بیرون کردن او را از خانه مادام‌العمر ندارند.

سؤال ۱۳۲۵- اگر شخصی بیش از ثلث اموالش را ثلث قرار دهد و فرزندانش هم با توجّه به باقیمانده موافقت کنند، سپس در اواخر عمرش (سه ماه قبل از فوت) وصیّتنامه‌ای تنظیم و در آن قسمتی از اموال خود را به فردی هبه نماید، حکم هبه و وصیّتنامه را بیان فرمایید:

جواب: چنانچه رضایت آنها مشروط به باقی ماندن مقدار مزبور بوده و او در

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۴۵۸

آخر عمر چیزی را ببخشد، وصیّت مازاد بر ثلث نافذ نیست.

سؤال ۱۳۲۶- چندی قبل یکی از دوستان به رحمت ایزدی پیوست، از ایشان وصیّتنامه‌ای به جای مانده که طبق آن باید ثلث دارائی‌اش صرف مخارج کفن و دفن و نماز و روزه شود و هر چه باقی ماند کار خیر انجام شود، اکنون برای ما دو سؤال پیش آمده، لطفاً جواب این دو سؤال را روشن فرمایید:

الف) ایشان مقدار نماز و روزه را معیّن نکرده است، برای اجرای وصیّت ایشان چند سال باید نماز و روزه بخریم؟

جواب: اگر مقدار ثلث زیاد است، به اندازه‌ای که احتمال می‌دهید از او نماز و روزه فوت شده، و یا عیب و اشکالی داشته استیجار کنید، و بقیّه را در کار خیر مصرف نمایید.

ب) آیا مصرف یک سوّم اموال ایشان جهت کار خیر فوریّت دارد، یا می‌توان با تأنّی و در درازمدت انجام داد؟

جواب: باید در کوتاه مدّت انجام گیرد.

ج) آیا اثاث معمول منزل، مثل ظروف و وسایل آشپزخانه، باید در محاسبه اموال بطور دقیق بیاید؟

جواب: آری، آن هم باید محاسبه شود.

سؤال ۱۳۲۷- شخصی در وصیّتنامه دوّم خود چنین می‌نویسد:

«خانه‌ای در خیابان فلان دارم، آن را به فرزندم یوسف منتقل کردم، به شرط آن که اختیار فسخ مادام الحیات با خودم باشد. و قطعه زمینی که دارای دو سند می‌باشد به دو دخترم، محبوبه و منیره، برای جهیزیّه آنها منتقل نمودم، و اختیار فسخ در این مورد نیز مادام‌الحیات با خودم می‌باشد» با توجّه به عبارات فوق، آیا این وصیّت مصداق هبه است، یا صلح تلقّی می‌شود؟ و آیا اختیار فسخ

مادام‌الحیات ضرری به صحّت آن وارد نمی کند؟

جواب: ظاهر این است که این واگذاری به صورت هبه، یا صلح بلاعوض- که

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۴۵۹

آن هم مفهوم هبه را دارد- می‌باشد، بنابراین چنانچه مورد هبه را تحویل داده، صحیح است و خیار فسخی که برای خودش قرار داده، آن هم مشکلی ندارد، امّا اگر تحویل نداده باطل است.

سؤال ۱۳۲۸- شخصی محترم و خیّر در وصیتنامه خود از بازماندگان درخواست نموده، از محلّ ثلث اموال او یک حسینیّه و یک مسجد احداث نمایند. بازماندگان حسینیّه را ساخته‌اند و اکنون در صدد احداث مسجد می‌باشند، حال با توجّه به امور زیر، آیا می‌توان به جای مسجد حسینیّه‌ای دیگر، یا یکی دو سالن به بنای امامزاده محل اضافه نمود؟

الف) منطقه از نظر مسجد اشباع می‌باشد و می‌توان گفت هر ۱۰۰ تا ۱۵۰ متر یک مسجد وجود دارد، بطوری که از بعضی مساجد فقط چند روز اوّل ماه محرم استفاده می‌شود.

ب) بازماندگان متوفّی اصرار به ساخت مسجد در محل و محدوده زندگی خود دارند.

ج) وکیل متوفّی، که مسئول اجرای وصیّتنامه می‌باشد، و نیز اطرافیان آن مرحوم با توجّه به حضور گسترده مردم در امامزاده محل به منظور زیارت و نیز برگزاری مراسم مختلف مذهبی از قبیل زیارت عاشورا، دعای ندبه، جشن اعیاد مذهبی، جشن میلاد معصومین (علیهم السلام) و جلسات قرآن و احیا و شب‌زنده‌داری لیالی قدر و عزاداری ماه محرّم الحرام و دیگر مراسم مذهبی در این امامزاده، تمایل به احداث بنایی برای رفع نیازها در این مکان مقدّس دارند.

د) زمینهای امامزاده همگی وقف می‌باشند و ساخت مسجد در این مکان چندان مناسب و ضروری نمی‌باشد.

جواب: وصیّت را نمی‌توان تغییر داد و باید مسجد ساخته شود، البتّه در محلّی که احتیاج به مسجد بیشتر است، خواه دور باشد یا نزدیک (در صورتی که جای معیّنی در وصیّتنامه تعیین نشده باشد).

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۴۶۱

فصل چهل و چهارم: احکام ارث

ارث گروه اوّل

سؤال ۱۳۲۹- خانمی دار فانی را وداع نموده است، مرحومه دارای خواهری ابوینی و نبیره پسری می‌باشد، ماترک آن مرحومه را بین خواهر مرحومه و اولاد اولادش تقسیم نموده‌اند. آیا تقسیم مذکور شرعاً صحیح است؟ در صورتی که صحیح نیست چگونه باید تقسیم کرد؟

جواب: مادام که نوه یا نبیره وجود دارد نوبت به خواهر نمی‌رسد و تمام مال باید به نوه و سپس به نبیره داده شود.

سؤال ۱۳۳۰- شخصی در امارات عربی بر اثر تصادف فوت کرده، پدر و مادر متوفّی در حال حیات بوده و متوفّی مجرّد بوده و اولاد ندارد. مدّت یک سال بعد پدرش فوت کرده و ۲۰ روز بعد از فوت پدر، دیه متوفّی وصول شده است. آیا بعد از فوت پدر، پول دیه به پدر می‌رسد یا مادر یا هر دو، در صورتی که مادر حاجب هم دارد؟ سهم الارث هر یک را بیان فرمایید.

جواب: به فرض وجود حاجب دیه به شش قسمت تقسیم می‌شود، پنج قسمت به پدر و یک قسمت به مادر تعلّق می گیرد و سهم پدر از دیه مانند سایر اموالش بین فرزندان و همسر او طبق قانون ارث تقسیم می‌شود.

سؤال ۱۳۳۱- مردی که صاحب یک زوجه و دو پسر و دو دختر است از دنیا رفته و دارای اموالی از منقول و غیر منقول است، پدر و

مادر متوفّی در قید حیاتند،

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۴۶۲

چگونگی تقسیم ماترک را ذکر نمایید. ضمناً آیا صغیر یا کبیر بودن فرزندان متوفّی تأثیری در حکم دارد؟

جواب: یک هشتم از مال به همسر داده می‌شود و یک ششم به پدر و یک ششم به مادر، باقیمانده را شش قسمت می‌کنند به هر پسر دو سهم، و به هر دختر یک سهم می‌رسد و صغیر یا کبیر بودن تأثیری ندارد.

سؤال ۱۳۳۲- خانمی در اثر تصادف با ماشین فوت شده است، ورثه او سه پسر، سه دختر و همسر و مادرش می‌باشند. با توجّه به توضیحاتی که می‌آید، به سؤالات مطرح شده پاسخ فرمایید:

۱- شوهر فعلی ایشان پدر هیچ کدام از اولاد او نیست و آن مرحومه تقریباً همه ثروت خود را قبل از این که با این شوهر ازدواج کند به دست آورده است.

۲- وارثین دیه را به متّهم (تصادف‌کننده) بخشیده‌اند و قرار شده مبلغی کمتر از دیه از او دریافت نمایند.

۳- مرحومه ثلث اموال خود را برای مصرف در مورد معیّنی وصیت کرده و شخصی را به عنوان وصی خود تعیین نموده است.

با توجّه به مقدّمه بالا سؤالاتی مطرح است:

الف) سهم هرکدام از ورثه به تفکیک چه مقدار می‌باشد؟

جواب: یک ششم اموال او به مادر و یک چهارم به شوهر و بقیّه نُه سهم می‌شود، به پسرها هر کدام دو سهم و به دخترها هر کدام یک سهم داده می‌شود.

ب) آیا مبلغی که از متّهم دریافت می‌کنند (با توجّه به این که دیه نیست) مثل مال الارث تقسیم می‌شود؟

جواب: دیه و آنچه به جای آن گرفته شود مانند مال الارث است.

ج) ثلث اموال شامل مبلغی که از متّهم دریافت می‌کنند نیز می‌شود؟

جواب: ثلث از آن نیز خارج می‌شود.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۴۶۳

سؤال ۱۳۳۳- منزلی از عموی مرحومم به مادر بزرگ این جانب به ارث رسیده است. با توجّه به این که ایشان به علّت کهولت سن، قدرت انجام کاری را ندارند و پول حاصل از فروش منزل، مورد نیاز پدر و عمّه‌هایم بود، آنها با توافق یکدیگر تصمیم گرفتند منزل را با اخذ وکالت از مادربزرگ، توسّط پدرم فروخته و مبلغ حاصل بین طرفهای ذی‌نفع تقسیم شود؛ امّا در حین انجام معامله پدرم مرحوم شد.

با توجّه به این که مادربزرگم به علّت کهولت سن در جریان ماجرای فروش قرار نداشت، عمّه‌های این جانب تصمیم گرفتند این منزل را فروخته ولی سهم پدر مرحوم این جانب را به ورثه نپردازند. و برای ورثه پدرم امکان صحبت با مادربزرگم و روشن نمودن موضوع وجود ندارد. حال آیا از نظر شرعی انجام چنین عملی (فروش منزل و تقسیم مبلغ آن) جایز است؟ آیا ورثه پدرم می‌توانند سهم خود را از این مبلغ مطالبه نمایند؟ (لازم به توضیح است که معامله تا حدّ قولنامه پیش رفته و حتّی چک‌های آن نوشته شده است).

جواب: فروش منزلی که به مادربزرگ تعلّق دارد، و تقسیم پول آن بین عموها و عمّه‌ها و پدر شما جز به رضایت مادربزرگ جایز نیست، و اگر بر اثر کهولت سن قادر به تصمیم‌گیری نمی‌باشد، باید فروش آن با اجازه حاکم شرع باشد و برای خود مادربزرگ انجام گیرد و تقسیم پول حاصل از آن، میان دیگران، تا زنده است وجهی ندارد.

سؤال ۱۳۳۴- زن و شوهری چند فرزند دارند. یکی از فرزندان آنها، که مجرّد است، فوت می‌کند و از او اموالی باقی می‌ماند، پدر

این متوفّی نیز قبل از تقسیم ارث فرزند فوت می‌کند. اگر پدر این فرزند دارای والدین باشد، آیا سهم‌الارثی که از فرزند خود دارد به والدینش می‌رسد؟

جواب: آری ارث آن پدر به والدین او و سایر فرزندان و همسرش می‌رسد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۴۶۴

ارث گروه دوّم و سوّم

سؤال ۱۳۳۵- مرحومه بانو سیّده قمر، اموال خود را به مسجد مصالحه نموده است، در حالی که وارث طبقه دوّم او (برادر و خواهر) موجودند، آیا اموال مختصر او به مسجد می‌رسد، یا ورثه او نیز حقّی دارند؟

جواب: اگر این صلح را به عنوان بعد از مرگ سفارش کرده، وصیّت محسوب می‌شود و فقط در یک سوّم اموالش مؤثّر است. و اگر صلح قطعی در حال حیات کرده و تحویل داده، کسی در آن حقّی ندارد؛ زیرا انسان تا زنده است حقّ تصمیم‌گیری در اموال خود را دارد.

سؤال ۱۳۳۶- در صورتی که ورّاث متوفّی عبارت باشند از: دختر عمو، یا پسر عموی ابوینی و دختر عمو و پسر عموی پدری، آیا در این صورت به دختر عمو و پسرعموی پدری هم ارث می‌رسد؟

جواب: در فرض مسأله دختر عمو و پسر عموی پدری ارث نمی‌برند، فقط ابوینی ارث می‌برد.

ارث زوجین

سؤال ۱۳۳۷- اگر شوهر قسمتی از ثلث اموالش را به همسرش هبه کند؛ مشروط بر این که بعد از مرگ شوهر از هشت یک خود صرف‌نظر کند، آیا زوجه می‌تواند بعد از مرگ زوج درخواست هشت یک کند؟

جواب: زوجه باید به شرطی که با او شده عمل نماید و اگر به شرط عمل ننماید هبه از سوی ورثه قابل فسخ است.

سؤال ۱۳۳۸- آیا سرقفلی زمین و مغازه قابل فروش است؟ آیا زوجه از آن ارث می‌برد؟

جواب: سرقفلی زمین و مغازه حکم زمین را ندارد و همسر از آن ارث می‌برد،

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۴۶۵

و با موافقت مالک متولّی موقوفه قابل فروش است.

سؤال ۱۳۳۹- شخصی از دنیا رفته و وارث او پدر و مادر و همسرش می‌باشند، در اینجا این سؤالات مطرح می‌شود:

الف) آیا زن علاوه بر جهیزیّه خود، مالک زیورآلات و طلاجاتی که شوهر مرحومش برای او خریده نیز می‌باشد؟

جواب: زیورآلات معمولًا ملک زن است؛ مگر این که شوهر تصریح کرده باشد که به عنوان امانت نزد اوست.

ب) آیا بدهی متوفّی از کلّ ماترک، منقول و غیر منقول، پرداخت می‌شود یا فقط از منقول داده می‌شود؟

جواب: بدهی از کلّ ماترک پرداخت می‌شود.

ج) آیا وسایل خانه، که از طرف بستگان اهدا می‌شود، مال شخص زن می‌شود، یا جزء ماترک است؟

جواب: وسایلی را که برای زن آورده‌اند مال زن می‌باشد، و وسایلی که برای مرد آورده‌اند مال اوست و اگر کسانی قصد هر دو کرده‌اند مال هر دوست.

سؤال ۱۳۴۰- شخصی در زمان حیات خود، صاحب قطعه باغی بوده است. ده سال پس از فوت نامبرده قطعه باغ مزبور در طرح ساخت و ساز شهری و در مسیر خیابان قرار گرفته است و شهرداری معادل آن، زمینی داده است، حال زمین مزبور به فروش رفته

است، با توجّه به برگ حصر وراثت که یک هشتم اموال منقول و بهای اعیانی غیر منقول سهم زن قید گردیده و سند مالکیت زوجه نیز بر این اساس تنظیم شده، آیا زوجه آن مرحوم در ثُمن (۸۱) زمین که به جای درخت باغ داده‌اند ذیحق می‌باشد، یا ثُمن بهای اعیانی زمان بعد از فوت شوهرش ملاک می‌باشد و او ذیحق نیست؟

جواب: آن زن مالک ثُمن بهای اعیانی در زمان فوت است و اگر با گذشت

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۴۶۶

زمان قیمت اعیانی بالا رفته و زمین مزبور به عنوان قیمت آن پرداخت شده است، زن در آن زمین سهیم است.

سؤال ۱۳۴۱- شخصی از دنیا رفته است. وارث او همسر و دو برادرزاده و یک خواهرزاده‌اش می‌باشند. ترکه او عبارت است از آب، ملک و رودخانه؛ لطفاً نحوه تقسیم ارث را بیان فرمایید.

جواب: همسر او از زمین چیزی نمی‌برد؛ ولی اگر ساختمان و مانند آن دارد از قیمت آنها ارث می‌برد (به مقدار یک چهارم مال)، بقیّه در میان برادرزاده‌ها و خواهرزاده تقسیم می‌شود. برادرزاده‌ها دو سهم و خواهرزاده یک سهم می‌برند، این در صورتی است که همه از یک پدر و مادر باشند، بعلاوه زن از آب رودخانه هم سهم می‌برد.

سؤال ۱۳۴۲- زنی در زمان حیات شوهر مهریّه‌اش را مطالبه نکرده است، آیا پس از فوت شوهرش می‌تواند مطالبه نماید؟ در صورتی که باید پرداخت شود، آیا در مرتبه دیون است یا خیر؟ و در صورتی که در مرتبه دیون است، آیا بر سایر دیون مقدّم است؟

جواب: مهریّه مانند سایر دیون و همردیف آنهاست و باید از اصل ترکه پرداخت شود.

سؤال ۱۳۴۳- اگر زنی که در حالت حیات مهریّه‌اش را مطالبه نکرده فوت کند، آیا ورثه این زن می‌توانند مهریّه او را از شوهر مطالبه کنند، اگر شوهر هم مرده باشد حکم مسأله چیست؟

جواب: همانطور که در بالا اشاره شد مهریّه مانند سایر دیون است و به ارث منتقل می‌شود، و ورثه می‌توانند آن را مطالبه کنند.

سؤال ۱۳۴۴- آیا زوجه از سرقفلی املاک موقوفه ارث می‌برد؟

جواب: زوجه از سرقفلی ارث می‌برد، چه در املاک موقوفه و چه در غیر موقوفه.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۴۶۷

سؤال ۱۳۴۵- هرگاه مردی از دنیا برود و ورّاث وی عبارت باشد از یک زوجه و چند فرزند صغیر و کبیر، و از متوفّی یک واحد مسکونی به عنوان ماترک باقی مانده باشد، با عنایت به این که زوجه حقّی نسبت به عین ابنیه نداشته و فقط در قیمت آن سهیم می‌باشد، آیا قبل و بعد از پرداخت حقّ زوجه، نامبرده می‌تواند به سکونت در آن منزل ادامه دهد، یا منوط به اذن سایر ورّاث می‌باشد؟

جواب: باید سایر ورثه اجازه دهند.

سؤال ۱۳۴۶- شوهر در ضمن عقد تعهّد می‌دهد که پس از عروسی و آمدن زوجه به خانه او، چند یا چندین قلم کالا و چیز دیگری به عنوان جهیزیّه، برای همسرش خریداری نماید. بعد از عروسی و قبل از این که شوهر به تعهّد خود عمل نماید همسرش فوت می‌کند. اگر سایر ورثه این زن از طریق دادگاه زوج را ملزم به انجام تعهّد نمایند، آیا خود شوهر نیز جزء ورّاث زنش می‌باشد و از جهیزیّه‌ای که می‌خرد، ارث می‌برد؟

جواب: سهم الارث دارد.

سؤال ۱۳۴۷- فردی که نظامی بوده، بر اثر جدال و نزاع خانوادگی، با پدرزنش درگیر شده است. پدر زن به طرف اسلحه داماد دست دراز کرده و قصد استفاده از اسلحه را داشته است؛ او برای این که پدر زنش دست از جدال و نزاع بردارد، ابتدا دو تیر هوایی شلیک می‌کند، سپس به علّت این که پدرزن دور نشده، بلکه با چوبدستی به طرف او و اسلحه‌اش نزدیک می‌شود، به طرف دست

پدرزنش شلیک می کند که ناگهان همسرش به حمایت از پدرش درمی‌آید و در این میان اشتباهاً کشته می‌شود. قاتل از این همسر، دارای پسری دوساله است و متوفّیه پدر و مادر هم دارد. در این مورد سهم همسر، پسر، پدر و مادر متوفّیه را بطور دقیق مشخّص نمایید.

جواب: یک ششم دیه کامله به پدر و یک ششم دیه کامله به مادر و بقیّه به

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۴۶۸

فرزند می‌رسد و چیزی از دیه به شوهر نمی‌رسد؛ خواه دیه قتل خطا باشد یا دیه قتل عمد، که گاه به جای قصاص توافق بر آن می‌شود.

حکم اموال مفقود الاثر

سؤال ۱۳۴۸- حدود چهارده سال پیش پدرم در جبهه جنگ تحمیلی مفقود الاثر گردید. علی رغم اقدامات به عمل آمده، مدرکی دالّ بر شهادت ایشان از ارگانهای مربوطه به دستمان نرسیده است؛ بلکه مدارکی شبهه اسیر شدن ایشان را ایجاد نموده است، به هر حال پدر بزرگ این جانب نیز تا چهار سال پیش در قید حیات بودند؛ مستحضرید مفقود شدن پدرم حدود ده سال جلوتر از درگذشت پدربزرگم بوده است، آیا از اموال منقول و غیر منقول پدربزرگم به پدرم و به ما چیزی تعلّق می گیرد؟ آیا بقیهٔ ورثه می‌توانند اموال به جای مانده از پدربزرگم را تقسیم کنند و سهم الارث ما را ندهند؟ وظیفه ما و بقیّه ورثه چیست؟

جواب: باید سهم پدرتان را کنار بگذارند و به دست شخص امینی بسپارند و مادام که یقین به شهادت او حاصل نشود سهم پدر شما نزد او نگهداری می‌شود، و اگر ثابت شد که بعد از وفات پدربزرگ شهید شده است سهم او به شما و سایر ورثه او می‌رسد.

سؤال ۱۳۴۹- اگر تنها وارث متوفّی یا مقتولی مفقود الاثر شده باشد، آیا چنین مقتول و یا متوفّایی در حکم بلاوارث است؟

جواب: مادام که مرگ آن وارث ثابت نشود به حکم زنده است؛ و باید ارث او را نزد فرد امینی نگه داشت.

سؤال ۱۳۵۰- برادری داشتم که در جنگ مفقود الاثر شده و تا کنون هیچ خبری از او به دست نیامده است. نامبرده، زن و یک فرزند دختر دارد و درآمد سالانه او یک صد هزار تومان می‌باشد، از آنجا که فرزند او نیاز به کمک مالی دارد، آیا می‌توان

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۴۶۹

درآمد ایشان را به فرزندش داد و یا طبق وصیّت ایشان عمل کرد؟

جواب: تا زمانی که یقین به فوت او پیدا نکرده‌اید نمی‌توانید اموال او را تقسیم کنید، ولی باید از منافع آن به کسانی که واجب النّفقه او هستند، مانند همسر و فرزندش، به مقدار نیاز بپردازید.

سؤال ۱۳۵۱- برای تقسیم میراث کسی که مفقود شده چه مقدار باید صبر کرد؟ آیا بدون فحص و جستجو ده سال و با فحص و جستجو چهار سال صبر کردن کافی است؟

جواب: باید بقدری صبر کرد تا علم به مرگ مفقود حاصل شود.

حبوه (اموال اختصاصی فرزند بزرگ)

سؤال ۱۳۵۲- آیا موتور و اتومبیل یا دوچرخه سواری و ساعت مچی به عنوان حبوه محسوب می‌شود؟

جواب: هیچ کدام از حبوه نیست.

سؤال ۱۳۵۳- پدر بزرگوارمان در اثر سکته قلبی دار فانی را وداع گفته و از وی اموال منقول و غیر منقول و یک دستگاه پیکان به جای مانده است، پدر ابتدا با پای پیاده، سپس با اسب در روستاها در مساجد و منابر به ارشاد مردم مشغول بود، با توجّه به موقعیّت

زمانی اسب را فروخت و پیکان فوق را خریداری نمود، آیا پیکان متعلّق به تمام اهل خانواده می‌باشد، یا به بنده که پسر ارشد خانواده هستم و بر حسب وظیفه شرعی باید قضای نماز و روزه‌های او را بجا آورم تعلّق می گیرد؟

جواب: مرکب جزء حبوه نیست و متعلّق به تمام ورثه می‌باشد.

سؤال ۱۳۵۴- برخی تصوّر می کنند که فلسفه حبوه برای پسر بزرگتر این است که او قضای نمازها و روزه‌های پدر را باید انجام بدهد و در واقع حبوه عوض و اجرت عبادتهای مذکور است، آیا این سخن صحیح است؟ اگر صحیح باشد، در صورتی که

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۴۷۰

پدر عبادت قضاشده‌ای نداشته باشد، آیا حبوه باید در بین تمام ورثه تقسیم شود؟

جواب: مسأله حبوه ارتباط صددرصد با مسأله قضای نماز و روزه ندارد؛ هرکدام حکم جداگانه‌ای است.

چگونگی تقسیم ارث کسانی که همزمان فوت کرده‌اند

سؤال ۱۳۵۵- داماد این جانب به همراه همسر و دو فرزندش به هنگام بازگشت از مسکو به تهران به وسیله هواپیمای نظامی، در حین عبور از فضای کشور ارمنستان هدف موشك نظامیان آن کشور قرار گرفته و از بین رفتند. وارث دامادم فقط مادرش می‌باشد و وارث دخترم، این جانب و عیالم می‌باشیم. مستدعی است درباره مهریّه و جهیزیّه دخترم، که متعلّق به حقیر و عیالم می‌باشد، و نیز در مورد اموال باقیمانده از متوفّی حکم شرعی را صادر فرمایید.

جواب: حکم اسلام در این گونه موارد چنین است: که باید اوّل فرض کنیم شوهر قبل از بقیّه فوت کرده است و اموال او را میان مادر و همسر و دو فرزندش تقسیم کنیم، سپس سهم همسرش به پدر و مادر او می‌رسد و سهم بچّه‌ها به پدربزرگ، یعنی شما، و مادربزرگ‌ها می‌رسد؛ سپس فرض می کنیم که زوجه قبلًا فوت کرده و اموال او را که شامل جهیزیّه و مهریّه و مانند آن می‌شود، میان ورثه او تقسیم می کنیم، سپس یک‌چهارم شوهر را به مادرش می‌دهیم و سهم فرزندان به پدربزرگ، یعنی شما، و مادربزرگ‌ها می‌رسد (دقّت کنید)، اگر بچّه‌ها مالی نداشته‌اند که مشکلی نیست وگرنه باید به صورت بالا میان همه ورثه تقسیم شود.

مسائل متفرّقه ارث

سؤال ۱۳۵۶- در مورد تفاوتهای زن و مرد از لحاظ ارث، که چرا اسلام سهم مرد را دو برابر سهم زن قرار داده است، توضیح بفرمایید.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۴۷۱

جواب: دلیل آن روشن است؛ زنان هنگامی که شوهر می کنند هزینه‌ای برای زندگی نمی‌پردازند و در اسلام تمام هزینه آنها بر دوش مردان است، و به تعبیر دیگر مردان هم باید هزینه زندگی خود را بپردازند و هم هزینه زندگی فرزندان و زنانشان را، و با این حال طبیعی است که سهم ارث آنها بیشتر باشد، ممکن است گفته شود بعضی از زنان شوهر نمی کنند و بعضی از مردان زن نمی گیرند، درباره آنها چطور؟ پاسخ آن نیز با توجّه به یک نکته معلوم می‌شود و آن این که قوانین الهی (بلکه تمام قانونها) هماهنگ با نوع افراد جامعه است. افراد استثنایی معیار قوانین نیستند (شرح بیشتر را در تفسیر نمونه، جلد سوّم، صفحه ۳۷۴، ذیل آیه دوازدهم سوره نساء مطالعه فرمایید).

سؤال ۱۳۵۷- آیا شرعی و انسانی است که پدری، فرزندان همسر دوّم خود را، علاوه بر تبعیض شدید عاطفی و مادّی در دوران حیات، پس از مرگ نیز از ارث محروم و همه را به فرزندان همسر اوّل ببخشد؟

جواب: کسی نمی‌تواند فرزندان خود را از ارث محروم کند؛ تنها می‌تواند نسبت به یک سوّم از اموال خود سفارش کند که آن را به هر کس می‌خواهد بدهند؛ امّا دو سوّم دیگر باید مطابق قانون ارث تقسیم گردد، اضافه بر این عدالت میان فرزندان یک اصل اسلامی است.

سؤال ۱۳۵۸- بر فرض پذیرش این مسأله که انسان مالک بدن خود می‌باشد و می‌تواند وصیّت نماید که در قبال برداشتن عضوی از بدن او برای جرّاحی وجهی در مقابل آن بگیرند، آیا این پول به وارث می‌رسد، و یا باید در امور خیریّه که ثوابش به فرد فوت شده می‌رسد، خرج و مصرف شود؟

جواب: وجه مزبور باید در کارهای خیر برای میّت صرف شود، به وارث نمی‌رسد.

سؤال ۱۳۵۹- پدرم از دنیا رفت و جز من فرزندی نداشت؛ نه از مادرم و نه از همسر

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۴۷۲

دیگرش. آن مرحوم وصیّت کرد به شرطی که نامادری من شوهر نکند، اضافه بر هشت یک ارث ببرد. بر همین اساس، توافقی صورت گرفت و ایشان پس از اخذ ارث، با زیر پا گذاشتن وصیّتنامه، ازدواج کرد. وکیل ایشان با تردستی توافقنامه را طوری تنظیم کرد که ضمن عمل به مفاد وصیّت، در تقسیم ارث نامی از وصیّتنامه برده نشد. با توجّه به مقدّمه فوق به سؤالات زیر پاسخ فرمایید:

الف) آیا عدم ذکر لفظ وصیّتنامه در توافقنامه، از طرف وکیل (که در حقیقت راه را برای ازدواج این خانم پس از گرفتن ارث باز کرده) نوعی تدلیس محسوب می‌شود؟

جواب: در صورتی که به شرط عمل نکرده و ازدواج نموده باشد، ازدواجش صحیح است؛ ولی باید مازاد بر یک هشتم را به ورثه برگرداند. (اگر هر دو همسر حیات دارند یک هشتم سهم مجموع آنهاست).

ب) آیا نامادری من با استناد به عدم ذکر لفظ وصیّتنامه در توافقنامه، می‌تواند ادّعا کند که ازدواج او و شکستن شرط پدرم پس از گرفتن ارث، اشکالی ندارد؟

جواب: باید مطابق شرط عمل کند و یا مقدار اضافه را برگرداند.

سؤال ۱۳۶۰- می‌دانیم که فرزندخواندگان ارث نمی‌برند. حال اگر زن و مردی که کودکی را به فرزندی قبول کرده‌اند، فرزندی از خود نداشته باشند، آیا بازهم فرزندخوانده ارث نمی‌برد؟.

جواب: فرزندخوانده احکام فرزند را ندارد و در هیچ حالت ارث نمی‌برد؛ ولی مرد و زنی که او را به فرزندی پذیرفته‌اند می‌توانند وصیّت کنند که مقداری از اموال آنها (حدّ اکثر تا ثلث) را به فرزندخوانده خویش بدهند، و یا در حال حیات و صحّت و سلامت، بخشی از اموال خود را به او واگذار کنند و می‌توانند حقّ فسخ را برای خود مادام الحیاة محفوظ دارند.

سؤال ۱۳۶۱- از شخصی سه فرزند دختر باقی مانده است، که هر کدام بالغه و عاقله و دارای فرزند هستند، مقداری ملک از پدرشان باقی مانده است، یکی از آنها برادر

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۴۷۳

شوهر و فرزند خود و دو نفر دیگر شوهر خویش را وکیل کرده‌اند تا ملک را تقسیم کنند، وکلا با ریسمان اندازه‌گیری و قرعه‌کشی کرده و هرکدام راضی و قانع شدند، مدّت ۲۸ سال از این تقسیم گذشت و خواهر بزرگ فوت کرد. اکنون ورثه او مدّعی هستند که مادرشان به حقّ خود نرسیده است؛ حکم شرع در این مسأله چیست؟

جواب: تقسیم به قوّت خود باقی است؛ مگر این که با دلیل قاطع شرعی ثابت شود که او در آن زمان به حقّ خود نرسیده است.

سؤال ۱۳۶۲- مخارج بیماری پدر مرحومم بر عهده چه کسی است؟

جواب: مخارج بیماری پدر بر عهده خود اوست و از ترکه برداشته می‌شود؛ مگر این که بعضی از فرزندان یا غیر آنها به میل خود

آن را پرداخته باشند.

سؤال ۱۳۶۳- در ادارات دولتی مبلغی حدود ۲۰۰ الی ۳۰۰ هزار تومان به عنوان حقّ دفن و کفن به کارمندان اختصاص می‌دهند، لطفاً در این مورد به دو سؤال زیر پاسخ دهید:

الف) آیا مبلغ مذکور، که بعد از فوت به بستگان تحویل داده می‌شود، جزء اموال میّت و ترکه او حساب می‌شود و بین همه ورّاث تقسیم می‌شود؟

ب) آیا میّت می‌تواند آن را برای شخص خاصّ یا مصرف خاصّی وصیّت کند؟

جواب: هر مقدار آن در مصرف خاص مصرف شده مشکلی ندارد و باقیمانده در حکم اموال میّت است؛ مگر این که در مقرّرات اداری ضوابط خاصّی برای آن قرار داده شده باشد.

سؤال ۱۳۶۴- در قتل خطا و شبه عمد، آیا قاتل از مورّث خود ارث می‌برد؟

جواب: ارث می‌برد.

سؤال ۱۳۶۵- آیا فرزند متولّد از تلقیح مصنوعی، اگر نطفه از یک مرد اجنبی باشد، از پدر خود ارث می‌برد؟ و آیا این فرزند از مادر، و مادر از فرزند ارث می‌برد؟

جواب: اگر نطفه از مرد اجنبی بوده باشد نه از پدر ارث می‌برد و نه از مادر؛

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۴۷۴

ولی نسبت به پدر و مادر محرم است.

سؤال ۱۳۶۶- در تجاوز به عنف، به زن تجاوز شده مهر المثل تعلّق می‌گیرد، حال اگر آن زن از دنیا رفته باشد، آیا حقّ مطالبه مهر المثل به ورثه منتقل می‌شود؟

جواب: آری به ورثه منتقل می‌شود.

سؤال ۱۳۶۷- شخصی دارای سه دختر و چهار پسر می‌باشد، که همگی قبل از فوت پدر ازدواج نموده‌اند، سه نفر از پسرها، بنا به دلایل خاصّی، ترک وطن نموده و در شهرستانها امرار معاش می‌کنند. از این پدر مقداری زمین کشاورزی، باغ، منزل مسکونی با اثاثیه، لوازم خانگی و حیوانات اهلی باقی مانده است، در هنگام فوت پدر برای این که مادر سرگردان نشود از تقسیم ارثیه خودداری شد. فرزند بزرگتر همه مایملک را تصاحب نموده و از آنها استفاده می‌کند، علاوه بر این که مقداری از زمینها را به نام خود نموده و مادر را نیز از خانه بیرون کرده است، حال که فرزندان دیگر ارثیه خود را مطالبه می‌کنند، به هیچ وجه حاضر به تقسیم ارثیه نمی‌شود و با سر و صدا و آبروریزی طفره می‌رود، حکم الهی چیست؟

جواب: مال الارث باید مطابق قانون اسلام میان همه ورثه تقسیم شود و هیچ کس حق ندارد بیش از سهم خود را بگیرد که گناه بزرگ و غیر قابل بخششی است و مالک آن نخواهد شد.

سؤال ۱۳۶۸- شوهرم مدّت دوازده سال مریض بود و امسال از دنیا رفت، شش پسر و سه دختر دارم، برای سه تن از پسرها و یکی از دخترها تشکیل خانواده داده و مخارج زیادی را برایشان متحمّل شده‌ام و هم‌اکنون سه پسر و دو دختر دیگر در منزل هستند و تقریباً یک صد و پنجاه هزار تومان بدهکاری داریم. حتّی وضعمان به جایی رسیده که شبها بچّه‌هایم گرسنه سر به بالین می‌گذارند. کلّ دارایی شوهرم یک قطعه زمین ۷۵ متری و یک ساختمان است که می‌خواهم زمین را بفروشم و بدهکاریها و وجوهات شوهرم از قبیل خمس، زکات، نماز، روزه و غیره که بر ذمّه

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۴۷۵

اوست را تدریجاً بپردازم؛ ولی بچّه‌های بزرگم مخالفت و حتّی مرا تهدید می‌کنند! حکم الهی چیست؟

جواب: باید با نظر وصی، زمین یا دیگر اموال آن مرحوم را بفروشید و تمام بدهکاریهای زمان حیات او را ادا کنید و حتّی یک روز هم تأخیر نیندازید که شرعاً جایز نیست و همچنین اگر از باب خمس و زکات بدهکاری دارد باید پرداخته شود؛ ولی هزینه‌های ازدواج بچّه‌هایی که ازدواج نکرده‌اند از سهم الارث خودشان خواهد بود؛ مگر این که دیگران رضایت دهند که از تمام مال الارث خارج شود.

سؤال ۱۳۶۹- شخصی دو همسر داشته است؛ یکی فوت شده و دوّمی در قید حیات می‌باشد؛ کیفیّت ادای مهریّه هر کدام از ترکه میّت را بیان فرمایید.

جواب: هر کدام از آن دو زن مهریّه خودشان را می‌برند، و مهریّه مانند سایر دیون است.

سؤال ۱۳۷۰- فرزند بزرگ خانواده که همراه پدر از کودکی کاسبی و کار کرده است نسبت به ارثی که مانده چه حقّی دارد؟

جواب: فرزندی که با پدر کار کرده علاوه بر سهم الارث معادل اجرت خود را از اموال او می‌برد؛ مگر این که در مقابل آن عوضی گرفته باشد، یا ثابت شود قصد تبرّع داشته است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۴۷۷

فصل چهل و پنجم: احکام امر به معروف و نهی از منکر و دفاع

اشاره

سؤال ۱۳۷۱- لطفاً به سؤالات سه‌گانه زیر پاسخ فرمایید:

الف) آیا فلسفه تشکیل حکومت اسلامی از باب امر به معروف و نهی از منکر بوده، یا فراتر از این موضوع می‌باشد؟

جواب: یکی از وظایف حکومت اسلامی امر به معروف و نهی از منکر است، امّا وظایف آن بسیار گسترده‌تر از آن می‌باشد.

ب) بر فرض مثبت بودن پاسخ، آیا نهادهای حکومتی کنونی، این منظور (امر به معروف و نهی از منکر) را برآورده می‌سازند؟

جواب: در حکومت اسلامی بخش مهمّی از این اهداف انجام می‌شود؛ ولی وظیفه مردم در این باب ساقط نمی‌گردد.

ج) در هر صورت، آیا وجود نهاد خاصّ و مستقلّی تحت این عنوان در جامعه فعلی لازم است؟

جواب: بی‌شک اگر چنین نهادی وجود داشته باشد مؤثّرتر خواهد بود و هماهنگ با آیه شریفه «وَ لْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ ...»(۱)» می‌باشد، و به هر حال وظایف حکومت در این زمینه مانع از جنبه عمومی امر به معروف و نهی از منکر نیست.

سؤال ۱۳۷۲- در مقابل زنان و دخترانی که در کوچه و بازار حجاب خود را رعایت

---

(۱). سوره آل عمران، آیه ۱۰۴.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۴۷۸

نمی‌کنند و اشخاصی که صدای موسیقی آنها در کوچه و خیابان بلند است و کسان دیگری که به عناوین مختلف فساد فی الارض می‌کنند، چه وظیفه‌ای داریم؟

جواب: وظیفه شما امر به معروف و نهی از منکر است و هرگاه مؤثّر نیفتاد باید به مقامات مسئول خبر دهید تا آنها را به وظایفشان آشنا کنند.

سؤال ۱۳۷۳- آیا از انجام کاری که حرام است و در ملأ عام و اجتماع انجام شود می‌توان جلوگیری کرد؟

جواب: نهی از منکر بر همه واجب است؛ ولی در آنجا که احتیاج به اقدامات عملی دارد باید با اجازه حاکم شرع باشد.

سؤال ۱۳۷۴- آیا تذکّر دادن به زنان بدحجاب در جامعه، از سوی برادران بسیجی جایز است؟

جواب: در صورتی که امید تأثیر باشد واجب است؛ ولی با زبان خوش و مؤدّبانه باشد تا مفسده‌ای بر آن مترتّب نشود.

سؤال ۱۳۷۵- اگر در جایی که حضور داریم بازی با پاسور انجام شود، یا پاسور به فروش برسد، آیا می‌توان جلوگیری کرد؟

جواب: در چنین موردی امر به معروف و نهی از منکر واجب است؛ ولی اقدامهای عملی، مانند گرفتن ورقها، احتیاج به اجازه حاکم شرع دارد.

سؤال ۱۳۷۶- در امر به معروف و نهی از منکر، اگر احتمال برود که به صورت دسته‌جمعی اثر می‌کند، آیا باید دسته جمعی امر به معروف کرد؟

جواب: امر به معروف به هر صورت که اثر کند واجب است؛ خواه فردی باشد یا نباشد.

سؤال ۱۳۷۷- آیا امر به معروف لسانی احتیاج به حکم یا اجازه قانونی مراجع ذی صلاح دارد؟

جواب: در آن جایی که جنبه زبانی داشته باشد احتیاج به اجازه نیست و اگر

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۴۷۹

اقدام عملی در آن باشد اجازه حاکم شرع یا مسؤولان حکومت اسلامی لازم است.

سؤال ۱۳۷۸- هرگاه نهی از منکر خود باعث عمل حرامی شود، مانند نگاه به زنان بی‌مبالات و آرایش کرده، آیا باز هم واجب است؟

جواب: باید کاری کرد که امر به معروف و نهی از منکر با این امور مخلوط نشود؛ ولی نظرهای قهری اشکال ندارد.

سؤال ۱۳۷۹- اگر آمر به معروف و ناهی از منکر، احتمال تأثیر در مخاطب ندهد، یا احتمال تأثیر آنی و زودگذر دهد، چه باید بکند؟

جواب: همان مقدار که اثر دارد، کافی است.

سؤال ۱۳۸۰- آیا می‌توان در جامعه اسلامی برای محو مظاهر فرهنگ غربی و تشبّه به بیگانگان کوشید؟

جواب: با رعایت موازین اسلامی چنین کاری نه تنها جایز، بلکه لازم است.

سؤال ۱۳۸۱- آیا برای امر به معروف همه شرایط باید وجود داشته باشد و با ساقط شدن یک شرط نمی‌توان امر به معروف کرد؟

جواب: همه شرایط شرعی باید در آن جمع شود.

سؤال ۱۳۸۲- آیا به دلیل این که جامعه در وضعیّت اقتصادی دشواری به سر می‌برد، می‌توان از فریضه امر به معروف و نهی از منکر دست کشید؟

جواب: دشواری شرایط اقتصادی ربطی به وظیفه امر به معروف و نهی از منکر ندارد.

سؤال ۱۳۸۳- با وجود شرایط فعلی و وضعیّت جامعه کنونی، آیا حضرتعالی صلاح می‌بینید که در بین بسیجیان گروههایی برای این امر تشکیل شود؟

جواب: چنانچه آموزشهای لازم را در زمینه امر به معروف و نهی از منکر و شرایط و ظرافتهای آن ببینند کار بسیار خوبی است، بلکه در شرایطی واجب است؛ ولی نباید بهانه‌ای به دست مخالفان بدهند، و رعایت ادب اسلامی را در هر

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۴۸۰

حال بنمایند.

سؤال ۱۳۸۴- آیا به انگیزه نهی از منکر می‌توان افرادی را که مرتکب منکر می‌شوند با رعایت شرایط و مراتب امر به معروف و نهی از منکر، مورد ضرب و جرح قرار داد، یا به اموال آنها خسارتی وارد کرد؟ و یا این که مراتب نهی از منکر در این حد، از وظایف

حکومت اسلامی و طبق قانون شرع است؟

جواب: امر به معروف و نهی از منکر در این حد، مربوط به حکومت اسلامی است و در حدّ تبلیغ و گفتن و نوشتن، وظیفه عموم مردم است.

سؤال ۱۳۸۵- آیا در محیط مدارس امر به معروف و نهی از منکر، با نهی مسئولین مدرسه، از دانش‌آموزان ساقط می‌شود؟

جواب: ساقط نمی‌شود؛ به شرحی که در مسائل گذشته آمد.

سؤال ۱۳۸۶- در برابر دولتهای ظالم که کوچکترین مسأله‌ای برای مسلمانان از اسرار محسوب می‌شود، اگر اشخاصی به افشای این اسرار بپردازند، چه حکمی دارند؟ آیا نسبت به این افراد هم باید مراحل امر به معروف و نهی از منکر سپری شود؟ و آیا اقدامات عملی و ضرب و جرح این اشخاص نیاز به اجازه حاکم شرع دارد؟

جواب: افشای این اسرار جایز نیست، و لازم است که این افراد را امر به معروف و نهی از منکر نمود؛ امّا اقدامات عملی نیاز به اجازه حاکم شرع دارد.

سؤال ۱۳۸۷- آیا صحبت کردن مرد با زن نامحرم جهت امر به معروف و نهی از منکر مشکلی دارد؟ اگر این عمل در اتاق یا محلّ خلوتی انجام گیرد، چگونه است؟

جواب: اشکالی ندارد؛ مگر این که مفسده‌ای بر آن مترتّب شود.

سؤال ۱۳۸۸- در شهرهای بزرگ، مانند تهران، با وجود مفاسد مختلف، انسان هر طور که فکر می‌کند می‌بیند شرایط امر به معروف و نهی از منکر موجود نیست؛ یعنی احتمال تأثیر نمی‌رود، و از طرفی در احادیث و روایات آمده است که: «در

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۴۸۱

صورت عمل ننمودن اشخاص به این دو فریضه الهی امکان نزول عذاب می‌رود» وظیفه ما را در این گونه موارد بیان فرمایید.

جواب: از تأثیر کردن امر به معروف و نهی از منکر مأیوس نشوید و بازهم ادامه دهید؛ مطمئن باشید اگر در مواردی بی‌اثر باشد، در مواردی دیگر مؤثّر خواهد بود، و با این بهانه‌ها نباید این فریضه بزرگ الهی فراموش شود.

احکام دفاع

سؤال ۱۳۸۹- حکم دفاع و مقاومت در مقابل جانی یا سارق، برای جلوگیری از تجاوز یا هتک ناموس و یا سرقت را در موارد ذیل بیان فرمایید:

الف) آنجا که احتمال آبروریزی مجنیٌ علیه در کار باشد.

جواب: باید مقاومت کرد.

ب) آنجا که احتمال قتل یا ضرب و جرح شدید مجنیٌ علیه باشد.

جواب: در مورد احتمال عقلایی قتل، حفظ نفس لازم است.

ج) آنجا که مال قابل ملاحظه‌ای مورد تعرّض باشد.

جواب: در اینگونه موارد می‌توان مقاومت کرد.

د) جایی که مقاومت منجر به قتل جانی یا سارق شود.

جواب: هیچ اشکالی ندارد.

ه‍-) در موارد عدم جواز برخورد با جانی یا سارق، تکلیف مدافع چیست؟

جواب: در مواردی که دفاع جایز است، و لو بلغ ما بلغ، خون جانی و سارق هدر می‌باشد و در غیر آن حکم سایر مسلمین را دارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۴۸۳

فصل چهل و ششم: احکام حدود

[حدود]

۱- حدّ زنا

موجبات حدّ زنا

سؤال ۱۳۹۰- مرد متأهّلی با دختری باکره، یا با زنی بیوه آمیزش نموده است. مجازات این مرد چیست؟
جواب: اگر آن مرد متأهّل بوده و همسرش نزد او و در اختیار او بوده و مانع شرعی و عرفی نداشته است، زنای او محصنه و حدّ او رجم است، و در مواردی که رجم میسّر نباشد حکم او قتل است.
سؤال ۱۳۹۱- اگر زن شوهرداری (به عقد دائمی) با فریب و نیرنگ با مرد متأهّلی ازدواج کند و دخول هم صورت بگیرد و این مرد متأهّل هم عالمانه این ازدواج را کرده باشد، آیا عمل ایشان زنا محسوب و هر دو مجازات دارند؟
جواب: در صورتی که زن نزد شوهرش زندگی می‌کرده و مرتکب این عمل شده زنای محصنه می‌باشد و حدّش اعدام است. مرد هم اگر همسر دائمی داشته و همسرش نزد او زندگی می‌کرده و مرتکب چنین عملی شده است حکم او نیز اعدام است.
سؤال ۱۳۹۲- اگر مردی که دارای زن صیغه‌ای (مدّت‌دار و لو درازمدّت) است، با زنی که دارای شوهر دائمی است زنا کند، آیا مجازات این مرد اعدام است؟
جواب: حدّ اعدام ندارد؛ بلکه حدّ او یک صد تازیانه است.
استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۴۸۴
سؤال ۱۳۹۳- زن و مردی که هر دو متأهّل بوده‌اند بر حسب پیشامدها و جور شدن امکاناتی (مثل اعتیاد شوهر و غیره) به یکدیگر نزدیک شده و در حد تقبیل و مانند آن تماس داشته‌اند، ولی عمل دخول انجام نشده است. خوشبختانه بعدا توبه کرده‌اند، حال سؤال این است که پس از طلاق زن (که محرک آن، این آشنایی نبوده)، آیا این دو مشمول حکم زنای محصنه می‌شوند و برای همیشه به هم حرام هستند.
جواب: آنها به یکدیگر حرام ابدی نیستند و حکم زنای محصنه ندارند؛ ولی باید جدّاً از آن گناه خود توبه کنند.
سؤال ۱۳۹۴- اگر کسی با زن مرده‌ای نزدیکی کند، آیا جرم زنا صورت گرفته و حدّ زنا دارد؟
جواب: آری زنا صورت گرفته و حدّ شرعی دارد.
سؤال ۱۳۹۵- آیا در جهت اثبات زنای زوجه، شهادت زوج به ضمیمه شهادت فرزندان، یا شهادت فرزندان به تنهایی کفایت می‌کند؟
جواب: شهادت آنها در صورتی که شرایط شهادت در آنها جمع باشد، کافی است؛ ولی اگر زوج جداگانه مدّعی باشد باید چهار شاهد بیاورد.
سؤال ۱۳۹۶- یکی از راههای ثبوت زنا چهار بار اقرار نزد حاکم شرع است؛ فرض کنیم مأمورین انتظامی شخصی را به اتّهام این فعل حرام در یکی از جلسات محاکمه نزد قاضی آوردند و قاضی از او پرسید: «آیا قبول داری مرتکب فعل حرام زنا شده‌ای»؟ و متّهم در پاسخ بگوید: «آری، قبول دارم».

الف) آیا بهتر است قاضی اقرار دوّم، سوّم و چهارم را در همان جلسه محاکمه از متّهم اخذ کند، یا باید این کار در جلسات متعدّدی انجام شود؟

جواب: اقرارهای چهارگانه در یک مجلس خالی از اشکال نیست؛ بعلاوه قاضی وظیفه ندارد از متّهم سؤال کند که تو این کار را کرده‌ای یا نه؟ بلکه باید

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۴۸۵

بگذارد متّهم اگر مایل است خودش اقرار کند، یا از او سؤال کند که شما را برای چه اتّهامی به اینجا آورده‌اند.

ب) آیا بهتر است که قاضی قبل از اخذ اقرار به متّهم اعلام کند که چهار بار اقرار مستوجب حدّ است، یا این که سکوت اختیار کند و سپس به نحو مقتضی تصمیم بگیرد؟

جواب: قاضی وظیفه‌ای برای تبیین این گونه مسائل در برابر متّهمین ندارد.

اقسام حد

سؤال ۱۳۹۷- آیا برای زنی که مورد تجاوز به عنف قرار گرفته، اعم از ثیّب و یا باکره، علاوه بر مجازات و یا ارش البکاره مهر المثل نیز ثابت است؟

جواب: تنها مهر المثل تعلّق می‌گیرد.

سؤال ۱۳۹۸- مردی به صورت عنف، زن شوهردار، یا زن بیوه، یا دختر باکره‌ای را چه از طریق وطی در قُبل یا دُبر، مورد تجاوز قرار می‌دهد، این زن یا دختر به همین سبب به نحوی خودکشی می‌کند، آیا زانی محکوم به قصاص است؟ یا باید دیه زانیه مکره را پرداخت نماید؟

جواب: تجاوز به عنف، حکمش اعدام است، و در اینجا قصاص نیست.

سؤال ۱۳۹۹- شخصی اقرار کرده که با دختری رابطه داشته و با وی نزدیکی نموده است؛ چون دختر حامله شده به دستور زنی به وی مشروب آلوده به سم می‌دهد تا سقط جنین کند و برای این که دختر را به خوردن آن تشویق کند خود نیز از آن مشروب می‌خورد و همان روز که در حال عادی با وی نزدیکی کرده بود بعد از بی‌اختیار شدن دختر دوباره با او نزدیکی می‌کند. دادگاه نزدیکی با دختر را در حالی که بی‌اختیار بوده زنای به عنف اعلام و حکم به اعدام متّهم صادر نموده است، استدعا دارد بفرمایید:

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۴۸۶

الف) با وجود رضایت دختر در زمان هوشیاری و با وجود اصل استصحاب، آیا نزدیکی در زمان بی‌اختیاری را می‌توان زنای به عنف تلقّی نمود؟

ب) آیا صرف اقرار به نزدیکی اقرار به زنا محسوب می‌شود؟

جواب: چنانچه ثابت نشود که آن زن نسبت به مواقعه حالت امتناع داشته است صدق زنای به عنف در فرض مسأله ثابت نیست، و اقرار به واژه «نزدیکی» اقرار صریح محسوب نمی‌شود، باید اقرار به زنا باشد تا حکم جاری شود.

سؤال ۱۴۰۰- بعضی از فقها در زنای مطاوعی دختر باکره، عقیده دارند که ارش البکاره به وی تعلّق می‌گیرد، نظر حضرتعالی چیست؟

جواب: زانیه مطاوعه حقّ مهریّه و ارش بکارت ندارد؛ مگر این که مرد او را اغفال کرده باشد که بکارت را زائل نمی‌کند.

سؤال ۱۴۰۱- کسی که قرار است به عنوان حد یا قصاص اعدام شود، اگر حدود و تعزیرات دیگری که مادون قتل است برای او ثابت شود، آیا می‌توان از آنها صرف‌نظر کرد؟ آیا در این جهت بین حقّ‌الله و حقّ‌النّاس تفاوتی وجود دارد؟

جواب: اوّل باید حدود دیگر اجرا شود و بعد حدّ قتل؛ مثلًا در مورد سارق قاتل اوّل حدّ سرقت بر او جاری می‌شود و بعد حدّ قتل، و در اینجا تفاوتی میان حقّ‌الله و حقّ‌النّاس نیست.

سؤال ۱۴۰۲- شخصی به مجازات شلّاق، حبس، تبعید، اعدام، قصاص و جزای نقدی محکوم شده است، آیا تمام این مجازات‌ها باید اجرا شود؟ اگر بایـد اجرا شود ترتیب اجرای مجازات‌های فوق چگونه است؟ اگر حبس وی ۲۰ سال باشد، آیا باید قصاص و اعدام بعد از ۲۰ سال که حبس وی تمام می‌شود اجرا شود؟ اگر شـخص حاضـر به پرداخت جزای نقدی نشد، یا قادر به پرداخت نبود، آیا باید حکم اعدام و قصاص را تا اجرای حکم جزای نقدی به تعویق بیندازیم؟

جواب: مسأله قصاص (اعدام) و شلّاق بر تبعید و حبس مقدّم است و نوبت به

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۴۸۷

آن دو نمی‌رسد و جریمه نقدی را می‌توان از اموال او برداشت.

سؤال ۱۴۰۳- آیا در عصر ما، که اجرای حدّ رجم در پاره‌ای از موارد محذورات داخلی یا خارجی دارد، می‌توان به عنوان ثانوی آن را به نوع دیگری از اعـدام تبـدیل کرد؟ در این حالت، مسأله فرار از حفیره که سبب سـقوط حـد در فرض اقرار می‌شود چه خواهد شد؟

جواب: در فرض مسأله تبـدیل رجم به نوع دیگری از اعـدام مـانعی نـدارد و مسـأله امکان فرار از حفیره الزامی نیست، یکی از طرق نجات متّهم آن است که اقرار خود را پس بگیرد.

سؤال ۱۴۰۴- مراد از پیرمرد و پیرزنی که باید شـلّاق به صورت ضـغث (یک توده چوب باریک) درباره آنها اجرا شود، چیست؟ آیا از حیث سن معیار خاصّی دارد؟ اگر ندارد، آیا قدر متیقّنی دارد؟

جواب: منظور، پیرمرد یا پیرزنی است که زدن شلّاق بر آنها قابل تحمّل نیست، یا خوف خطر دارد.

چگونگی اجرای حدّ زنا

سؤال ۱۴۰۵- شخصـی که محکوم به شـلّاق شده، حالت صـرع (غش) دارد، هر وقت او را برای اجرای شـلّاق حاضـر می‌کنیم، دچار صرع می‌شود. چه باید کرد؟

جواب: باید حد را متوقّف کرده تا از این حالت بهبودی یابد و اگر امید بهبودی نیست، باید از «ضغث و شماریخ» استفاده کرد.

سؤال ۱۴۰۶- آیـا واجب یـا جایز است که محکوم را در هنگام اجرای حکم شـلّاق بست؟ در صورتی که اجرای حکم شـلّاق بـدون بستن محکوم، امکان نداشته باشد یا متعسّر باشد، چه باید کرد؟

جواب: بستن محکوم جایز نیست؛ مگر در جایی که اجرای حکم بدون آن غیر

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۴۸۸

ممکن یا متعسّر است.

سؤال ۱۴۰۷- بـا توجّه به این که افراد از حیث قـدرت جسـمانی و تحمّل مجازاتها، مختلف هسـتند، شخصـی که مجری حکم شـلّاق می‌شود، چگونه بایـد باشـد؟ نحوه وارد کردن شـلّاق بر بـدن محکوم چگونه می‌باشـد؟ مجری باید تا چه اندازه دست خود را جهت فرو آوردن شلّاق بالا ببرد؟

جواب: بی‌شک ضارب باید تناسب را در این موضوعات در نظر بگیرد و در نحوه وارد کردن شـلّاق احتیاط آن است که دست خود را آن قدر بالا نبرد که زیر بغل پیدا شود، و مجرم را نباید برای شلّاق زدن خوابانید.

سؤال ۱۴۰۸- شـلّاق باید بر کدام یک از قسـمت‌های بدن محکوم وارد شود و بر کدام قسمت‌ها نباید وارد شود؟ آیا به یک قسمت

از بدن باید وارد شود، یا به تمام قسمت‌های بدن به صورت پراکنده و یکنواخت؟

جواب: باید شلّاق روی بدن تقسیم شود و بر محلّ واحد که سبب آسیب بیشتر می‌شود نباشد، و باید بر هیچ نقطه خطرناکی (مانند سر، صورت، عورت، قلب و مانند آن) شلّاق نزند.

سؤال ۱۴۰۹- شلّاقی که با آن حدّ یا تعزیر را اجرا می‌نمایند، از حیث ضخامت، اندازه و نوع جنس چه خصوصیّاتی باید داشته باشد؟ آیا می‌تواند از جنس چرم، پلاستیک، چوب یا سیم باشد؟ آیا می‌تواند لبه‌دار باشد، یا قطر آن باید گرد باشد؟

جواب: مسلّماً استفاده از سیم، کابل، چوب و امثال آن جایز نیست و باید از شلّاقهای متعارف و بافته باشد؛ نه زیاد قطور و نه زیاد باریک.

سؤال ۱۴۱۰- زمان اجرای شلّاق باید چه ساعتی از روز باشد؟ آیا در هر ساعتی جایز است؟

جواب: زمانی که بر اثر گرما و سرما شدّت خاصّی پیدا نکند.

سؤال ۱۴۱۱- فضایی که در آن حکم شلّاق اجرا می‌شود، چه فضایی باید باشد؟ آیا

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۴۸۹

مثلًا در زمستان می‌توان حکم شلّاق را در فضای باز، که بسیار سرد است، اجرا کرد؟

جواب: از جواب بالا معلوم شد، که در چنین فضایی اجرای حد شرعاً اشکال دارد.

سؤال ۱۴۱۲- آیا شلّاق حدّی و تعزیری را می‌توان در ملأ عام اجرا کرد؟

جواب: در مواردی که منصوص است، یا تأثیری در امر به معروف و نهی از منکر دارد، یا مجرم، متجاهر است، اظهار آن مانعی ندارد، در غیر این سه صورت، در ملأ عام انجام نگیرد.

سؤال ۱۴۱۳- محکوم به شلّاق در هنگام اجرای حکم از حیث پوشیده و عریان بودن، چگونه باید باشد؟ در مواردی که باید پوشیده باشد، مراد از پوشیده بودن چیست؟ آیا افرادی که در زمستان شلّاق می‌خورند، جایز است با لباس زمستانی باشند؟ آیا در موارد فوق بین زن و مرد، بالغ و غیر بالغ (در مواردی که تأدیب دارد)، بین تعزیرات و حدود، بعض حدود با بعض دیگر، زمستان و تابستان و ضعیف البنیه و قویّ‌البنیه فرق است؟

جواب: احتیاط آن است که افراد را مطلقاً برهنه نکنند؛ ولی نباید پوشش بقدری کلفت باشد که تأثیر شلّاق را از بین ببرد و در مورد زنان باید لباسهایشان را به آنها بپیچند که بدنشان نمایان نشود و ظاهراً در لباس فرقی از نظر ضعیف و قویّ‌البنیه نیست؛ ولی در نحوه زدن شلّاق بین آنها تفاوت است؛ یعنی باید به نسبت توان اشخاص شلّاق زد.

سؤال ۱۴۱۴- حالت محکوم در هنگام اجرای حکم شلّاق از حیث نشسته، درازکش و ایستاده بودن چگونه باید باشد؟ آیا بین زن و مرد، بالغ و غیر بالغ، تعزیرات و حدود، فرق است؟

جواب: در حدّ زنا، مرد باید ایستاده باشد و زن نشسته، و در غیر زنا نیز احتیاط آن است که همین روش رعایت شود.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۴۹۰

سؤال ۱۴۱۵- در صورتی که پس از اجرای مجازات رجم، به زعم این که مجرم به قتل رسیده، جسد وی به سردخانه منتقل شود، ولی بر حسب اتّفاق، علائم حیاتی در او مشاهده شود و پس از معالجه سلامت خود را بازیابد. بفرمایید:

الف) آیا صرف صدق عنوان رجم، و لو به قتل منجر نشود، کفایت می‌کند (تا در فرض مسأله نیازی به اجرای مجدّد حکم نباشد)؟ یا چون قتل از طریق رجم موضوعیّت دارد، باید مجدّداً حکم رجم را در مورد وی به مرحله اجرا گذاشت؟

جواب: در صورتی که مسأله از طریق شهود ثابت شده باشد، باید رجم منتهی به قتل شود و اگر از طریق اقرار بوده، قاضی می‌تواند حکم عفو صادر کند.

ب) در فرض دوّم، آیا مجرم می‌تواند دیه جراحات وارده در اثر اجرای حکم در مرتبه اوّل را مطالبه نماید؟ در صورت مثبت بودن پاسخ، پرداختن دیه به عهده کیست؟

جواب: در صورتی که رجم اوّل طبق موازین بوده و تعدّی و تفریط در آن رخ نداده و زنده بودن مرجوم بر حسب تصادف بوده باید مجدّداً رجم شود و پرداختن دیه جراحات سابقه بر کسی واجب نیست؛ ولی همان گونه که در بالا گفته شد، در صورتی که حدّ به سبب اقرار ثابت شده باشد، حاکم شرع می‌تواند او را مورد عفو قرار دهد (ضمناً توجّه داشته باشید که اجرای حدّ به صورت رجم در شرایط عصر ما در بسیاری از موارد خالی از اشکال نیست و باید به انواع دیگر قتل مبدّل شود، که شرح آن قبلًا گذشت).

سؤال ۱۴۱۶- پرده بکارت بعضی از دختران حلقوی و یا ارتجاعی است که در صورت دخول هم ازاله بکارت نمی‌شود، آیا مجازات دخول با این قبیل دختران مشمول مجازات ازاله بکارت است؟

جواب: در فرض مسأله مشمول مجازات یا دیه ازاله بکارت نیست؛ ولی احکام دیگر ثابت است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۴۹۱

سؤال ۱۴۱۷- مرد مسلمانی کراراً مرتکب زنای محصنه با زن شوهرداری شده است، لذا دادگاههای جمهوری اسلامی بر اساس شواهد، اسناد و اعترافات دو طرف و همچنین با رؤیت فیلم ویدئویی این عمل قبیح، که توسّط زانی ضبط گردیده، به این پرونده رسیدگی کرده و حکم رجم را در مورد زانی صادر نموده‌اند، با توجّه به این که تأیید حکم رجم باید به وسیله دیوان‌عالی و با طی کردن مراحل تأیید گردد.

الف) آیا همسر شرعی زانی می‌تواند به کذب ادّعا کند که در طول ایّام گذشته، که زانی اقدام به این عمل قبیح می‌نموده، از همسرش جدا بوده تا بدین وسیله احصان شوهرش برطرف شود و حدّ رجم ساقط گردد؟ البتّه همسر شرعی و قانونی او در اختیار وی بوده و مانعی برای انجام وظایف همسری وجود نداشته است.

جواب: هیچ کس نمی‌تواند از طریق دروغ و حیله مانع اجرای حدود الهی گردد.

ب) هرگونه اقدامی برای نجات این مرد از مرگ به طرق مختلف چه حکمی دارد؟

جواب: از جواب بالا معلوم شد.

سؤال ۱۴۱۸- پسری با دختری زنا کرده و دختر حامله شده است، آیا می‌توان پسر را مجبور کرد تا با آن دختر ازدواج کند؟ برای جلوگیری از ضایع شدن حقّ دختر چه باید کرد؟

جواب: هیچ کس را نمی‌توان مجبور به ازدواج کرد؛ ولی حاکم شرع می‌تواند، در صورتی که زنا از طریق اقرار ثابت شود، عفو او را مشروط به ازدواج کند و اگر ازدواج نکرد یک صد تازیانه به او بزنند.

سؤال ۱۴۱۹- مرد متأهّلی (به صورت عنف، یا با رضایت دختر) دختری را، که از نظر شرعی و قانونی بالغ است، ازاله بکارت نموده است، آیا اعلان رضایت چنین دختری بدون رضایت ولیّ، یا جدّ پدری در تخفیف مجازات مرد متجاوز مؤثّر است؟

جواب: در اجرای حد تأثیری ندارد؛ ولی نسبت به مهر المثل در فرض عنف مؤثّر است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۴۹۲

۲- حدّ لواط

سؤال ۱۴۲۰- لطفاً به سؤالات زیر پاسخ دهید:

الف) شخصی قبل از تشکیل محکمه رسمی در ستاد امر به معروف و نهی از منکر (نیروی انتظامی) در حال بازجویی به عمل شنیع لواط اقرار کرده است. قاضی مأذون با لباس مبدّل در جلسه حاضر بوده و متّهم واقف به سمت و منصب او نبوده است. آیا چنین

اقراری، اقرار نزد حاکم شرع تلقّی و مستوجب حدّ قتل است؟

جواب: ضرورتی ندارد متّهم قاضی را بشناسد، مشروط بر این که اقرار جامع الشّرایط باشد.

ب) متّهم در جلسه واحده ماجرا را نقل کرده است و در جملات فعلیّه مرجع ضمیر فاعلی خودش بوده است. آیا این گونه اقرار، اقرار مکرّر تلقّی می گردد، یا برای تکرار اقرار تعدّد جلسات و شرایط دیگر لازم است؟

جواب: تعدّد مجلس شرط است، بنابر احتیاط واجب.

ج) متّهم در محکمه منکر دخول شده و می گوید من در هنگام بازجویی فکر می کردم که عمل لواط اعم از دخول و تفخیذ است. آیا چنین اقراری مستوجب سقوط حدّ قتل است؟

جواب: در صورت احتمال اشتباه در حقّ متّهم ادّعای او پذیرفته می‌شود.

د) با توجّه به این که در فرض توبه اقرارکننده، حسب نظر فقهای عظام، حاکم شرع می‌تواند عفو یا اجرای حد نماید، آیا قاضی مأذون موظّف و مکلّف است که مراتب توبه مقرّ را به ولیّ امر یا نایب او منعکس نماید یا آن که صرفاً مختار است؟

جواب: چنانچه قاضی مأذون در قضاوت باشد خود او می‌تواند عفو نماید و اگر رعایت ضوابط ایجاب می کند، به ولیّ امر اطّلاع دهد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۴۹۳

۳- حدّ قذف

سؤال ۱۴۲۱- اگر کسی نسبت به مرده‌ای افترا ببندد، آیا حدّ قذف درباره او جاری می‌شود؟

جواب: از این نظر فرقی میان حیّ و میّت نیست؛ هر دو حدّ قذف دارد.

سؤال ۱۴۲۲- اگر کسی به انسان زنده‌ای افترا ببندد و مقذوف قبل از صدور، یا اجرای حکم بمیرد، آیا ورثه او حق دارند تقاضای صدور حکم، یا تقاضای اجرای مجازات نمایند؟

جواب: حقّ مطالبه حدّ قذف به ورثه منتقل می‌شود.

سؤال ۱۴۲۳- اگر دو نفر بر اثر شکایت متقابل محکومیّت شلّاق داشته باشند، آیا تهاتر قهری صورت می گیرد؟ مثلًا زید به عمرو فحش داده و عمرو نیز به زید، و دادگاه هر دو نفر را به ۳۰ ضربه شلّاق محکوم کرده است، آیا در مرحله اجرا این دو مجازات با تهاتر قهری کأن لم یکن محسوب و اجرا نمی‌شود؟ آیا در موارد فوق بین جرایم مشابه و جرایم غیر مشابه فرق است؟ آیا بین حدود (مانند حدّ قذف) و غیر حدود (مانند سرقت تعزیری) فرق است؟ در صورتی که زید به ۴۰ ضربه و عمرو به ۳۰ ضربه محکوم شود، آیا نسبت به ۳۰ ضربه تهاتر قهری صورت می گیرد؟ آیا تهاتر قهری در دیات و سایر مجازاتها نیز جاری می‌شود؟

جواب: تهاتر مربوط به اموال است و یک حکم عقلایی و شرعی است؛ ولی در باب حدود نیاز به دلیل دارد و اصل در اینگونه موارد عدم سقوط از طرفین است و چون تنها در باب قذف دلیل بر سقوط داریم نه موارد دیگر، تنها در مورد حدّ «قذف» حکم سقوط از طرفین جاری می‌شود؛ ولی هر دو تعزیر می‌شوند؛ امّا در سایر حدود و تعزیرات از طریق تهاتر ساقط نمی‌شود، و در مورد دیات چون بازگشت به دین مالی می کند تهاتر ثابت است.

سؤال ۱۴۲۴- این جانب در حال تحقیق پیرامون جرم توهین به مقدّسات مذهبی

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۴۹۴

در حقوق ایران به عنوان پایان‌نامه این دوره می‌باشم و با توجّه به مادّه ۵۱۳ قانون تعزیرات سال ۱۳۷۵ که مقرّر می‌دارد: «هر کس به مقدّسات اسلام و یا هر یک از انبیای عظام (علیهم السلام) یا ائمّه طاهرین (علیهم السلام) یا حضرت صدّیقه طاهره (علیها السلام)

اهانت نماید، اگر مشمول حکم ساب النّبی باشد اعدام می‌شود و در غیر این صورت به حبس از یک تا پنج سال محکوم خواهد شد» سؤال این است که آیا از جنبه فقهی توهین به مقدّسات اسلام (غیر از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و انبیای عظام یا ائمّه طاهرین (علیهم السلام) یا حضرت صدّیقه طاهره (علیها السلام)) مثلًا توهین به کعبه معظّمه یا مساجد و امثال آن می‌تواند به سبّ النّبی (صلی الله علیه و آله) منجر شود و تحت این عنوان مشمول مجازات اعدام گردد، یا باید مجازات تعزیری قسمت دوّم مادّه مزبور را مورد حکم قرار داد؟

جواب: توهین به سایر مقدّسات تعزیر دارد؛ ولی در خصوص آلوده کردن خانه کعبه به نجاست روایات متعدّدی داریم که حکم آن قتل است.

سؤال ۱۴۲۵- آیا انسان می‌تواند خود را به صفاتی که به خودی خود خوب نیستند، مثل شقیّ، کثیر الذّنوب و مانند آن معرّفی کند؟

جواب: جایز نیست.

سؤال ۱۴۲۶- آیا لقب بد گذاشتن بر کسی جایز است؟

جواب: گذاشتن القاب زشت جایز نیست.

۴- حدّ شرب خمر

سؤال ۱۴۲۷- آیا خوردن شراب به مقدار کم، در صورتی که فقط و فقط برای معالجه باشد و به هیچ وجه هدف سکر در آن نباشد و توأم با استغفار و اکراه باشد و معالجه هم بدین طریق میسّر شود، به نحوی که هیچ دارویی نتواند تا این حدّ مؤثّر باشد، و فی الواقع برای حفظ جان و بقای وجود باشد و لاغیر مجاز است؟

جواب: تنها در صورتی جایز است که ضرورت قطعی پیدا کند و داروی

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۴۹۵

منحصر به فرد باشد و جانشینی نداشته باشد، و غالباً چنین نیست.

سؤال ۱۴۲۸- نوشیدن مسکرات، بطوری که آدمی را از خود بی‌خود نکند و برای او ضرر نداشته باشد، چه حکمی دارد؟

جواب: نوشیدن مسکرات در هیچ حال جایز نیست و حدّ شرعی دارد و تفاوت حال اشخاص در آن تأثیری ندارد؛ حتّی نوشیدن یک قطره از آن هم حرام است.

سؤال ۱۴۲۹- چنانچه متّهم بعد از اقرار به شرب خمر در محضر دادگاه مدّعی شود که قبل از دستگیری از گناه خود توبه نموده است، آیا در این مورد حدّ ساقط می‌گردد، یا این که این مورد از مواردی است که می‌تواند مشمول عفو ولیّ امر قرار گیرد؟

جواب: توبه بعد از دستگیری اثری ندارد؛ ولی هرگاه سخن او حکایت از توبه فعلی او کند، حاکم شرع می‌تواند او را ببخشد، مشروط بر این که ثبوت جرم از طریق اقرار باشد.

۵- حدّ سرقت

سؤال ۱۴۳۰- آیا شروع به جرم سرقت، حقّ النّاس است که قابل گذشت باشد، یا حقّ‌الله است که قابل گذشت نمی‌باشد؟

جواب: اگر منظور از شروع این است که مثلًا وارد خانه مردم شده و قبل از سرقت دستگیر شده است، صاحبخانه می‌تواند او را ببخشد و رها کند.

سؤال ۱۴۳۱- دو پسرعموی معتاد، مواد مخدّر به خود تزریق می‌کنند، یکی از آنها فوراً می‌میرد و دیگری زنده می‌ماند، ولی شوکه می‌شود، ترس و وحشت حواس و تصمیم‌گیری را از او سلب می‌کند، مدّتی در ماشین سواری می‌ماند و بعد جسد او را در یکی از

کوچه‌های تهران به زمین می‌گذارد، ناگهان یادش می‌آید که در جیب آن

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۴۹۶

مقتول هزار دلار پول وجود دارد، آن را به قصد حفظ برمی‌دارد و بعد از گزارش و اعتراف آن را دست‌نخورده به کلانتری تحویل می‌دهد و بالاخره کلانتری نیز به پدر مقتول تحویل می‌دهد، آیا از نظر شرعی این عمل سرقت محسوب می‌شود؟

جواب: در فرض مسأله برداشتن آن پول و تحویل آن سرقت محسوب نمی‌شود.

سؤال ۱۴۳۲- پس از اجرای حدّ سرقت، عضو قطع‌شده ملک کیست؟ ملک حکومتی که مجری حدّ است، یا شخص محدود؟ در صورت دوّم آیا پیوند آن عضو با جرّاحی به شخص محدود، یا فروش آن برای پیوند به دیگری جایز است؟

جواب: عضو قطع شده متعلّق به صاحب آن است؛ ولی پیوند مجدّد آن به صاحب اصلی جایز نیست. امّا می‌تواند به دیگری، مجّانی یا در برابر قیمت، واگذار کند.

سؤال ۱۴۳۳- شخصی ۱۵ سال قبل اتومبیلی خریده و اکنون مشخّص شده که مسروقه است، طبق قانون شرع و عرف مال مسروقه به صاحب آن مرجوع می‌شود، خریدار (که احتیاج به اتومبیل دارد) چه مبلغ حق دارد از سارق بگیرد؟

جواب: صاحب پول حق دارد پول خود را از سارق بگیرد، و نظر به این که در این فاصله زمانی تورّم زیاد بوده است، می‌تواند به قیمت امروز از او بگیرد؛ یعنی نرخ متوسّط تورّم اجناس را محاسبه کند و بر آن بیفزاید.

سؤال ۱۴۳۴- آیا بین حکم سارق از مسجد و غیر مسجد تفاوتی هست؟

جواب: گناه سارق از مسجد بیشتر است؛ ولی حدّ آن دو یکسان است.

سؤال ۱۴۳۵- سرقت اطّلاعات سرّی کد شده و رمزدار، از شبکه‌های کامپیوتری و یا کامپیوترهای شخصی و کشف رمز آنها چه حکمی دارد؟ و نیز سرقت و فروش غیر مجاز شماره‌های موبایل توسّط افراد آشنا به سیستم سوئیچ آن چه حکمی دارد؟

جواب: سرقت به هر حال حرام است و اگر اطّلاعاتی باشد که جنبه مالیّت دارد

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۴۹۷

و در عرف عقلای امروز خریدوفروش می‌شود، در صورتی که شرایط حدّ سرقت در آن جمع باشد، اجرای حدّ سرقت در آن بعید نیست؛ البتّه این در مورد کسانی است که اموال آنها محترم است.

سؤال ۱۴۳۶- هرگاه شریک بدون اطّلاع و در غیاب شریک دیگر، با سوء نیّت و به قصد اضرار به شریک خود، اموال منقول شراکتی را با شکستن قفل‌ها و تخریب دیوار و سقف به صورت پنهانی به جای دیگری ببرد، آیا عمل وی سرقت محسوب می‌شود؟

جواب: اگر سوء نیّت او محرز شود که با علم و اطّلاع از حرمت این کار و به قصد سرقت چنین عملی را مرتکب شده است حدّ سرقت بر او جاری می‌شود.

سؤال ۱۴۳۷- با عنایت به نصاب در باب سرقت (که قیمت ربع دینار طلای خالص مسکوک رایج، یا ارزش آن طبق بند ۹ ماده ۱۹۸ قانون مجازات اسلامی می‌باشد) و این که در کشور تنها سکّه‌های طلا و بهار آزادی به عنوان طلای مسکوک جریان داشته و هیچ کدام آنها ۲۴ عیار خالص نمی‌باشد و همانند سایر نقود و مسکوکات رواج واقعی ندارد، آیا قیمت ربع دینار سکّه‌های طلای مسکوک غیر خالص و غیر رایج، مانند سکّه بهار آزادی فعلی که ظاهراً ۱۸ عیار می‌باشد، یا قیمت ربع دینار طلای خالص غیر مسکوک را می‌توان ملاک قرار داد؟ و اصولًا در صورت نبودن سکّه طلای مسکوک رایج خالص، آیا حدّ سرقت ساقط می‌شود؟

جواب: منظور از طلای خالص، طلای ۲۴ عیار نیست؛ بلکه همین طلاهای معمولی است که در عرف، خالص شمرده می‌شود و اگر سکّه رایج معامله پیدا نشود باید فرض کنیم که اگر این مقدار از طلا- مسکوک رایج معامله بود، چه مقدار افزایش قیمت پیدا می‌کرد و در مورد شک باید دست بالا را گرفت، و در هر حال حدّ شرعی سرقت ساقط نمی‌شود.

سؤال ۱۴۳۸- در مورد سرقتی که موجب حدّ است بفرمایید: آیا پس از شکایت

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۴۹۸

مال‌باخته و قبل از ثبوت جرم، عفو سارق توسّط مال‌باخته نسبت به اجرای حدّ تأثیر دارد؟

جواب: بعد از طرح شکایت، عفو مال‌باخته تأثیری ندارد.

سؤال ۱۴۳۹- در مواردی که سارق مورد عفو مال‌باخته قرار می‌گیرد، آیا حاکم شرع می‌تواند بنا به مصالحی حدّ را اجرا نماید؟

جواب: در صورتی که قبل از طرح شکایت او را عفو کند، حاکم شرع نمی‌تواند حدّ را اجرا کند؛ ولی اگر مصالح مهمّی ایجاب کند، تعزیر او جایز است.

سؤال ۱۴۴۰- چنانچه شخصی بدون اجازه صاحب اثر (کتاب، یا فیلم و مانند آن) منتشر شده، از محتویات آن استفاده غیر مجاز نماید، آیا می‌توان وی را به عنوان ارتکاب سرقت، تعقیب نمود؟

جواب: این مورد، احکام سرقت را ندارد؛ ولی این کار تجاوز به حقّ دیگران محسوب می‌شود و تعزیر دارد.

سؤال ۱۴۴۱- گوسفند و یا حیوان مادّه‌ای از کسی به سرقت رفته و سارق پس از چند سال دستگیر می‌شود، آیا سارق، علاوه بر اصل یا قیمت حیوان مسروقه، بایستی زاد و ولد حیوانی را که دزدیده نیز به صاحبش بدهد؟

جواب: باید زاد و ولد و تمام منافعی که از آن برده است را به صاحب اصلی برگرداند و مخارجی را که برای آن کرده نمی‌تواند کم کند.

سؤال ۱۴۴۲- در موردی که جهت اثبات موضوع سرقت ادلّه‌ای وجود نداشته باشد و شاکی از متّهم تقاضا نماید که قسم بخورد و متّهم از قسم خوردن امتناع نماید و شاکی قسم بخورد که متّهم سرقت کرده است. در این مورد علاوه بر این که متّهم باید اموال مسروقه را به شاکی تحویل دهد، آیا می‌توان حد بر او جاری کرد؟

جواب: حدود و تعزیرات با قسم ثابت نمی‌شود؛ ولی اموال ثابت می‌شود.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۴۹۹

۶- حدّ محارب

سؤال ۱۴۴۳- لطف فرموده پاسخ سؤالات زیر را مرقوم فرمایید:

الف) تعریف «محارب» و «مفسد فی الارض» را از نظر فقهی و اصطلاحی بیان فرمایید.

جواب: محارب به کسی می‌گویند که با اسلحه مردم را تهدید کند و قصد جان یا مال یا ناموس مردم را داشته باشد و در محیط اجتماع ناامنی ایجاد کند. و مفسد فی الارض کسی است که منشأ فساد گسترده‌ای در محیطی شود؛ هرچند بدون توسّل به اسلحه باشد، مانند قاچاقچیان موادّ مخدّر و کسانی که مراکز فحشا را بطور گسترده ایجاد می‌کنند.

ب) نظر حضرتعالی در خصوص تعریف «محارب» و «مفسد» در قانون مجازات اسلامی، بخش حدود، مواد ۱۸۳ الی ۱۹۶ چه می‌باشد؟ کلمه «واو» در قسمت اخیر ماده ۱۸۳ ...: « محارب و مفسد فی الارض» چه نوع واوی است، عطفی، ربطی، یا استینافی؟ در صورت اختلاف معنای میان محارب و مفسد فی الارض، نظر شما در خصوص عمل قانونگذار در مترادف آوردن آن دو معنا چیست؟

جواب: این دو با یکدیگر تفاوت دارد و مترادف نیست؛ بلکه میان آنها نسبت عموم من وجه است.

ج) در باب حدود قانون مجازات اسلامی گاه از لفظ «مفسد فی الارض» و گاه نیز از لفظ «فساد فی الارض» استفاده شده است، به نظر حضرتعالی علّت این تغییر چه می‌باشد؟ آیا مطلب خاصّی مورد نظر بوده است؟

جواب: ظاهراً در میان این دو تفاوتی نیست؛ در یک جا سخن از فاعل به میان آمده و در جای دیگر از فعل.

د) در بعضی ابواب حدود، مانند حدّ شرب خمر، آمده است که هرگاه عمل موجب

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۵۰۰

حد، تکرار گردد و حد نیز در هر مرتبه اجرا شود، در مرتبه سوّم، حدّ قتل خواهد بود (مادّه ۱۷۹ قانون مجازات اسلامی) حال این سؤال مطرح است که:

آیا حدّ قتل از باب افساد فی الارض است، یا از باب دیگر است؟

جواب: بنابر احتیاط واجب، بطوری که بسیاری از بزرگان گفته‌اند، در غیر شرب خمر قتل در مرتبه چهارم انجام می گیرد و این مسأله مربوط به عنوان «مفسد فی الارض» نیست؛ بلکه نصوص خاصّه‌ای درباره آن وارد شده است.

ه‍) آیا حدّ محارب و مفسد فی الارض از قوانین امضایی است، یا از قوانین تأسیسی اسلام می‌باشد؟

جواب: ظاهر این است که از قوانین تأسیسی است؛ ولی بطور اجمال در بعضی از قوانین عقلا نمونه‌هایی از آن دیده می‌شود.

سؤال ۱۴۴۴- در نوع کتب فقهی تعریف جامع و مانعی، که ارکان و عناصر تشکیل‌دهنده موضوع را مشخّص نماید، در مورد جرم «محاربه و افساد فی الارض» ذکر نشده است و ابهام در این مورد به قوانین مصوّب جمهوری اسلامی نیز سرایت نموده و شمول و عدم شمول این موضوع نسبت به برخی مصادیق مورد ابهام است.

از طرفی بسیاری از فقها در مورد تعریف رایج "من شهر السّیف لإخافة النّاس "در خصوص تشهیر سیف، الغای خصوصیّت نموده و ملاک محاربه را "اخافة النّاس "یا "سلب امنیّت عمومی "دانسته‌اند؛ با توجه به این نکته استدعا می‌شود نظر مبارک را در مورد شمول عنوان "محاربه "و "افساد فی الارض "در خصوص اشخاص یا باندهایی که با ارتکاب اعمالی نظیر "هواپیماربایی"،" آشوب و شرارت "،"دزدیدن کودکان خردسال "،"اسیدپاشی "و نظایر آن، که موجب ایجاد ناامنی و اضطراب در جامعه می‌شود، بیان فرمایید. به عبارت دیگر آیا شخص یا گروهی که با ارتکاب هر یک از اعمال فوق الذّکر و نظایر آن موجب وحشت و ناامنی عمومی شود، به عنوان "محارب "قابل مجازات می‌باشند؟

جواب: کسانی که به خاطر تکرار یکی از جنایات بالا- سبب ناامنی و خوف اجتماعی شوند، مصداق مفسد هستند؛ ولی عنوان محارب مشروط به کشیدن اسلحه به روی مردم است.

سؤال ۱۴۴۵- بسیاری از اوقات، مؤمنین در بین خود شخصی را پیدا می‌کنند که برای اجانب جاسوسی می‌کند و گاهی این عمل کثیف باعث ضررهای سنگینی بر مسلمانان می‌شود. آیا کشتن چنین شخصی جایز است؟

جواب: این کار جایز نیست؛ مگر این که از مصادیق «مفسد فی الارض» باشد که البتّه تشخیص این مسأله و اجرای حکم تنها بر عهده حاکم شرع است.

سؤال ۱۴۴۶- لطفاً به سؤالات زیر پاسخ دهید:

الف) در حدّ محارب، تبدیلِ «تبعید» به «حبس در تبعید» را جایز می‌دانید؟

جواب: حکم همان تبعید است، نه «حبس در تبعید» و نه «حبس»؛ مگر در جایی که تبعید مفسده‌ای دارد، یا سبب فرار مجرم می‌شود.

ب) حدّ اقل و حدّ اکثر تبعید در محاربه چند سال است؟

جواب: احتیاط آن است که کمتر از یک سال نباشد و بیش از آن دلیلی بر جواز ندارد.

سؤال ۱۴۴۷- توبه محارب در مجازات چه تأثیری دارد؟

جواب: اگر قبل از دستگیری توبه کند و اثر آن ظاهر شود مجازات او برطرف خواهد شد.

سؤال ۱۴۴۸- آیا در صدق محاربه، کشیدن سلاح شرط است، یا این که تجهیز سلاح (یعنی مسلّح بودن به سلاح آشکار) یا حمل سلاح (مسلّح بودن به سلاح مخفی) نیز از مصادیق محاربه است؟

جواب: در محاربه تجرید و تجهیز سلاح به عنوان ترسانیدن مردم شرط است.

سؤال ۱۴۴۹- فردی نقشه ربودن شخصی را به منظور اخّاذی کشیده، و شخص دوّم

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۵۰۲

سلاح و اتومبیل برای این عمل تهیّه کرده، و شخص سوّم با اسلحه اقدام به ربودن شخص مذکور نموده است، آیا بر هر سه نفر محاربه صدق می‌کند؟

جواب: فقط نفر سوّم محارب است و دو نفر دیگر به عنوان معاونت تعزیر دارند.

سؤال ۱۴۵۰- در فرض سؤال قبل، آیا بین این که اخّاذی تحقّق پیدا کرده (پول از خود شخص یا بستگان او اخذ شده باشد) یا تحقّق پیدا نکرده باشد، فرق است؟

جواب: در هر دو صورت عنوان محاربه صدق می‌کند.

۷- حدّ ارتداد

سؤال ۱۴۵۱- لطفاً حکم کسی را که با اختیار و علم به این که اگر وارد جمع مشرکین و وهّابی‌های متعصّب شود او را مجبور به کفر و ارتداد می‌کنند، با توجّه به این که بنای مرتد شدن را هم نداشته است، بیان نمایید.

جواب: ارتداد به صورت اجباری اثر ندارد، و چنین کسی مرتد محسوب نمی‌شود.

سؤال ۱۴۵۲- آیا زمان و مکان در اصل ارتداد، یا در تشدید و عدم تشدید حکم دخیل هستند؟

جواب: زمان و مکان در این مورد تأثیری ندارد.

سؤال ۱۴۵۳- اگر کسی با این که از پدر و مادر مسلمان متولّد شده نماز نخواند، بلکه به نماز و نمازگزار توهین نماید و همچنین به قرآن مجید جسارت کند، مثلًا بگوید: «آن را آتش می‌زنم» و در مورد امام حسین (علیه السلام) بگوید: «او برای این که به مقام برسد جنگیده است» و در موارد فراوان اقرار به گناهان کبیره، همچون زنا، بکند چه حکمی دارد؟

جواب: چنین کسی مرتد است و حاکم شرع حق دارد حدّ ارتداد بر او جاری کند.

شیرازی، ناصر مکارم، استفتاءات جدید (مکارم)، ۳ جلد، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم - ایران، دوم، ۱۴۲۷ ه‍ ق استفتاءات جدید (مکارم)؛ ج۲، ص: ۵۰۳

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۵۰۳

سؤال ۱۴۵۴- زندگی کردن با افراد مرتد چه حکمی دارد؟ آیا مورد تأیید اسلام است؟

جواب: حرام است؛ مگر به منظور هدایت آنها به آیین حق.

سؤال ۱۴۵۵- در مورد فرقه ضالّه بهائیّت، طرز تفکّر آنان، عقایدشان، برخورد ما با آنان و مواردی از این قبیل چه منابعی را معرّفی می‌فرمایید تا مورد مطالعه قرار گیرد؟

جواب: کتابی به نام «محاکمه و بررسی در تاریخ باب و بهاء» که منبع بسیار خوبی است نوشته شده است، از کتاب «ارمغان استعمار» نیز می‌توانید بهره بگیرید. این گروه جزء کفّار محاربند و در دامان استعمار پرورش یافته‌اند.

سؤال ۱۴۵۶- عدّه‌ای مسلمان و حتّی اهل نماز هستند؛ ولی به هنگام خشم و عصبانیّت، یا وقتی که دچار بلایی سخت می‌شوند،

عادت دارند که نعوذ باللّه به ذات اقدس الهی جسارت کنند، حکم آنها چیست؟ وظیفه دیگران در برخورد با آنها چیست؟

جواب: اگر از حال عادی بیرون می‌روند و مالك زبان خود نیستند از اسلام خارج نمی‌شوند، در غیر این صورت مرتد هستند و حاکم شرع باید حدّ مرتد بر آنها جاری کند.

سؤال ۱۴۵۷- مسلمانانی که با زبان حقایق دین را انکار می‌کنند یا حلال خدا را حرام، و حرام خدا را حلال می‌دانند، مثلًا می‌گویند: «ربا حلال است» یا می‌گویند: «قیامتی نیست و بهشت و جهنّم همین دنیاست» و ما از باطن آنها آگاهی نداریم، حکم چنین کسانی چیست؟

جواب: هرگاه ظاهر حال آنها این باشد که جدّی سخن می‌گویند، احکام ارتداد، در صورتی که سخنان آنها موجب انکار خدا یا نبوّت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) شود، بر آن مترتّب می‌شود؛ ولی اگر قرائنی هرچند ظنّی بر عدم اعتقاد آنها به

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۵۰۴

محتوای این الفاظ باشد، حکم ارتداد بر آنان جاری نمی‌شود.

سؤال ۱۴۵۸- کسی که امامان (علیهم السلام) را سبّ کند چه حکمی دارد؟ آیا سابّ، مرتد است؟ آیا بین فطری و ملّی در این مسأله فرقی هست؟

جواب: آری مرتدّ است و ظاهراً در اینجا فرقی بین فطری و ملّی نیست.

سؤال ۱۴۵۹- آیا حکم مرتد فطری، که به کشورهای خارجی عزیمت می‌کند، در آن بلاد قابل اجراست و نقض قوانین آن کشورها محسوب نمی‌گردد؟ آیا فرقی بین بلاد کفر و غیر آن هست؟

جواب: با فرار او حکم عوض نمی‌شود؛ ولی اگر نقض قوانین آن بلاد مشکل مهمّی به بار آورد اجرای آن حکم متوقّف می‌شود؛ مگر در موارد استثنایی.

سؤال ۱۴۶۰- آیا می‌توان کسی که علناً ارتدادش را نمایان کرده را بدون اذن حاکم شرع، به قتل رساند؟ آیا در این مورد فرقی بین ملّی و فطری هست؟

جواب: در هر دو صورت جایز نیست، و اجرای حدود بدون اذن حاکم شرع جایز نمی‌باشد.

سؤال ۱۴۶۱- آیا غُلات، کسانی که به آنها «علی‌اللّهی» می‌گویند، مرتدّند؟

جواب: اگر واقعاً اعتقاد به الوهیّت حضرت علی (علیه السلام) داشته باشند، کافرند؛ ولی بسیاری از غُلات فعلی ادّعای خود را توجیه می‌کنند که منجر به ادّعای الوهیّت نشود و ما اظهارات آنها را می‌پذیریم؛ مگر این که علم به خلاف آن داشته باشیم.

سؤال ۱۴۶۲- بطور اتّفاقی از عقاید منحرف شخصی (مثل انکار نماز و روزه، تحریف قرآن و مانند آن) مطّلع می‌شویم. آیا اطّلاع دادن به افرادی که با این شخص رفت و آمد دارند و از عقاید او بی‌خبرند، لازم است؟

جواب: اگر احتمال می‌دهید که خطر و ضرری برای جامعه اسلامی، یا بعضی از مسلمانان ایجاد می‌کند، خبر دهید؛ خواه خطر عقیدتی باشد یا غیر آن.

سؤال ۱۴۶۳- آیا انکار حج و نماز و روزه باعث ارتداد می‌شود؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۵۰۵

جواب: اگر انکار ضروریات اسلام توأم با علمِ به ضروری بودن باشد موجب خارج شدن از دین می‌شود و اگر توأم با علم نباشد باعث خروج از اسلام نمی‌گردد.

مسائل متفرّقه حدود

سؤال ۱۴۶۴- نظر اسلام را درباره مجازات بفرمایید، آیا مجازات هدف است یا وسیله؟

جواب: در هیچ مورد مجازات هدف اصلی نیست؛ بلکه یک وسیله بازدارنده برای مجازات شونده یا سایر مردم است. به همین جهت دستور داده شده که مجازات آشکار باشد تا اثر بازدارندگی خود را در جامعه ببخشد و نیز در مجازات تعزیری و بعضی از موارد حدود، هرگاه مجرم از طریق دیگری از گناه خودداری کند و توبه نماید، مجازات از میان می‌رود.

سؤال ۱۴۶۵- برخی معتقدند که در اسلام زندان وجود نداشته، بلکه حبس در خانه وجود دارد، آیا صحیح است؟

جواب: این سخن درست نیست، در زمان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) زندان چندان مورد نیاز نبود؛ ولی در عصر علی (علیه السلام) و همچنین در عصر خلفا زندان وجود داشت؛ زیرا جامعه اسلامی گسترش پیدا کرده بود و مجرمان افزایش یافته و گروههایی در فکر ضربه زدن به اسلام و مسلمین بودند.

سؤال ۱۴۶۶- آیا می‌توان به خاطر اجرای حدّ شرعی در مورد قطع عضو، قبل از اجرای حدّ، برای جلوگیری از احساس درد شدید و یا شوکه شدن و مانند آن، عضو مذکور را بی‌حس و یا شخص را بیهوش نمود؟

جواب: ظاهراً اشکالی ندارد.

سؤال ۱۴۶۷- لطف فرمایید سه مورد از تعارض «نصّ» با «ظاهر» در حدود را در

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۵۰۶

صورت صلاحدید مرقوم فرمایید.

جواب: در مورد حدّ سرقت ظاهر آیه قرآن این است که سارق به هر اندازه و از هرجا چیزی بدزدد باید دستش قطع شود، در حالی که نصوص می‌گوید نصاب معیّنی برای سرقت وجود دارد و شرایط متعدّد دیگر. همچنین در مورد مقدار قطع دست، آیه مطلق است؛ ولی نصوص آن را محدود به حد خاصّ (انگشتان) نموده است. مورد دیگر آیه حدّ زناست که ظاهر آیه این است که در تمام موارد، حدّ آن تازیانه است؛ در حالی که نصوص در مواردی حدّ رجم و در بعضی از موارد تبعید نیز اضافه شده است، و در بعضی از موارد قتل است، مانند زنای به عنف و زنا با محارم. در آیات ارث نیز در بسیاری از موارد در نصوص استثنائاتی وارد شده، در حالی که آیات ارث مطلق است.

سؤال ۱۴۶۸- هزینه درمان و بهبود شخصی که، در اثر اجرای حدّ یا قصاص، یکی از اعضای خود را از دست داده به عهده بیت المال است یا محکوم؟

جواب: در صورتی که شخص محکوم توانایی درمان داشته باشد بر عهده خود اوست؛ در عین حال مطابق بعضی از روایات حاکم شرع در مورد حدود می‌تواند درباره او ارفاق کرده و هزینه آن را بپردازد؛ ولی اگر تمکّن ندارد، هزینه رأساً بر عهده بیت المال است، هم در حدود و هم در قصاص.

سؤال ۱۴۶۹- در صورتی که هزینه درمان بر عهده بیت المال باشد، حکم اختصاص به معالجات اوّلیّه دارد، یا معالجات بعدی را نیز در بر می‌گیرد؟

جواب: فرقی نمی‌کند.

سؤال ۱۴۷۰- اگر مجری شلّاق، اشتباهاً بیشتر از مورد حکم شلّاق بزند، چه باید کرد؟

جواب: در صورتی که عمداً یا بر اساس سهل‌انگاری باشد قصاص می‌شود، و اگر سهواً باشد و دیه داشته باشد، دیه آن از بیت المال پرداخته می‌شود.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۵۰۷

سؤال ۱۴۷۱- در حدود و تعزیرات چه کسی باید شلّاق را اجرا کند؟ آیا در تعزیرات و حدودی که شاکی خصوصی دارد (مانند

حدّ قذف و سرقت تعزیری) شاکی خصوصی اجرا می‌کند، یا قاضی اجرای احکام، یا هر کسی را که قاضی تعیین کند؟

جواب: شلّاق اگر به عنوان حد یا تعزیر باشد، به وسیله قاضی یا کسی که از طرف قاضی، مأموریت پیدا می‌کند، انجام می‌شود؛ ولی اگر جنبه قصاص داشته باشد، صاحب حق می‌تواند، اجرا کند.

تعزیرات

سؤال ۱۴۷۲- ملاک اصلی تعزیرات در حکومت اسلامی چیست؟

جواب: هرگونه تخلّف از واجبات شرع و ارتکاب گناهان کبیره تعزیر دارد، و تعزیر منحصر به شلّاق یا زندان نیست؛ بلکه از اندرزهای دوستانه، که سبب ترک عمل گردد، شروع می‌شود تا محرومیّت موقّتی از بعضی از حقوق اجتماعی و جریمه مالی و مانند آن.

سؤال ۱۴۷۳- لطفاً این دو سؤال را جواب فرمایید:

الف) فعل حرامی که مرتکب آن تعزیر می‌شود باید چه شرایطی داشته باشد؟

جواب: تمام گناهان کبیره در صورت صلاحدید حاکم شرع تعزیر دارد.

ب) افرادی که اقدام به نگهداری و تماشای فیلمهای ویدئویی مبتذل می‌کنند (که در آن بدن عریان، یا نیمه عریان زنان، اعمال جنسی، مجالس لهو و لعب، رقص مختلط و امثال آن نشان داده می‌شود) آیا تعزیر دارند؟

جواب: آری تعزیر دارند؛ ولی توجّه دارید که تعزیر مراتبی دارد، گاه از طریق اندرز و نصیحت است و گاهی از طریق بیان تند و اعتراض شدید و گاه شلّاق و زندان و گاه جریمه مالی (اشخاص و موارد با هم متفاوت است).

سؤال ۱۴۷۴- اگر شخصی مرتکب چند جرم تعزیری شود، آیا مجموع شلّاقی که

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۵۰۸

برای چند جرم محکوم می‌شود باید از ۷۴ ضربه کمتر باشد، یا باید شلّاق هر جرم کمتر از ۷۴ ضربه باشد؟ آیا در این خصوص، بین جرایم مشابه و غیر مشابه فرق است؟ در صورتی که مجاز به صدور حکم به بیشتر از ۷۴ ضربه باشیم آیا حدّ اکثری برای آن متصوّر است؟

جواب: مجازات تعزیری هر جرم باید کمتر از حدّ مشابه آن جرم باشد، ولی مجموع مجازاتها حدّ معیّنی ندارد، امّا باید توان محکوم را در نظر گرفت که جان محکوم به خطر نیفتد (البتّه جرایم مشابه یک تعزیر دارد).

سؤال ۱۴۷۵- کسی اقدام به خودکشی نموده، ولی به نحوی از مرگ نجات می‌یابد، آیا این فرد چون فعلش مخالف با موازین اسلامی بوده، مشمول تعزیر است؟

جواب: آری در صورت مصلحت می‌توان او را تعزیر کرد.

سؤال ۱۴۷۶- آیا زوجه را می‌توان به علّت عدم تمکین در امور زوجیّت، تعزیر نمود؟

جواب: تعزیر به دست حاکم شرع است که پس از شکایت زوج مبنی بر عدم تمکین زوجه و ثبوت آن انجام می‌گیرد، زوجه نیز می‌تواند به حاکم شرع شکایت کرده و برای زوج در برابر خلافکاریهایش تقاضای مجازات کند.

سؤال ۱۴۷۷- اگر مردی با زنی ازدواج کند و وظایف شرعی و قانونی خود را عمل نکند، از نظر قانونی در رابطه با ترک انفاق مجازات حبس دارد؛ ولی آیا حاکم شرع می‌تواند در رابطه با ترک وظایف واجب زناشویی، او را تعزیر کند؟

جواب: اگر ثابت شود که مرد بدون عذر شرعی و بدون رضایت همسرش به وظایف واجب خود عمل نکرده، حاکم شرع می‌تواند او را تعزیر کند.

سؤال ۱۴۷۸- اگر مردی با داشتن عیال دائمی و بدون رضایت و موافقت او، با زنی ازدواج موقّت نماید (درازمدت، یا کوتاه مدّت)، آیا چنین مردی بر اثر شکایت همسر دائمی اوّل قابل تعقیب و تعزیر است؟ اگر زن دائمی به نحوی در دسترس مرد نبوده و یا ترک منزل نموده باشد چه حکمی دارد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۵۰۹

جواب: کار حرامی انجام نداده است؛ ولی مردان نباید ازدواج موقّت را وسیله هوسبازی خود قرار دهند.

سؤال ۱۴۷۹- اگر مستأجری ملک را بعد از پایان مدّت اجاره تخلیه ننماید، آیا می‌توان او را با تعزیر، یا حبس و مانند آن وادار به تخلیه نمود؟

جواب: در صورتی که حاکم شرع مصلحت را در تعزیر و حبس بداند مانعی ندارد؛ ضمناً مستأجر هم نباید گرفتار عسر و حرج شدید باشد، در این صورت باید ضرب الاجلی برای او تعیین کند.

سؤال ۱۴۸۰- همان طور که مستحضر هستید تعزیرات به دست حاکم است. آیا حدّ اقلّ تعزیرات یک ضربه شلّاق را هم شامل می‌شود؟

جواب: گاه ممکن است یک ضربه نیز حدّ اقلّ تعزیر باشد و همان تأثیر لازم را بگذارد.

سؤال ۱۴۸۱- مرد و زنی برای انجام عمل نامشروع در منزلی اجتماع کرده‌اند؛ ولی قبل از این که مرتکب عمل مذکور شوند دستگیر شده‌اند، آیا تعزیر می‌شوند؟

جواب: اگر هیچ‌گونه اقدامی نکرده باشند باید به نهی از منکر قناعت کرد.

سؤال ۱۴۸۲- زنی با آرایش‌زننده و حالت بدحجابی در معابر عمومی ظاهر شده و او را دستگیر کرده‌اند. لطفاً بفرمایید که:

الف) آیا می‌شود به عنوان تعزیر سر او را تراشید؟

ب) اگر مردی مرتکب فعل حرامی که مستوجب تعزیر است بشود، آیا می‌شود به عنوان تعزیر، یا علاوه بر تعزیر، سر او را تراشید؟

جواب: تراشیدن سر مطلقاً جزء تعزیرات نیست و باید راه دیگری را برای تعزیر، مانند جریمه نقدی یا زندان یا مجازات بدنی، انتخاب کرد؛ ولی در زندانها گاه برای ملاحظه مسائل امنیّتی سر متّهمین را می‌تراشند، و این مربوط به عناوین ثانویّه است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۵۱۰

سؤال ۱۴۸۳- اگر شخصی، با دست یا چیز دیگری، کاری کند که منی از او خارج شود این عمل چه حکمی دارد؟

جواب: این عمل استمنا نامیده می‌شود و حرام است و حتّی اگر بدون دست و وسایل دیگر، تنها با فکر کردن یا مشاهده بعضی از صحنه‌ها یا گوش دادن به بعضی از وسوسه‌های این و آن، این حالت به او دست دهد، مرتکب حرام شده است و تعزیر دارد.

سؤال ۱۴۸۴- افرادی که تحت تأثیر این عمل قرار می‌گیرند، چه خساراتی بر آنان وارد می‌شود؟

جواب: این عمل زیانهای بسیاری دارد؛ به تجربه ثابت شده است روی اعصاب اثر می‌گذارد، از نور چشم می‌کاهد، انسان را خمود و منزوی و گوشه‌گیر می‌کند و حتّی ممکن است سبب ناتوانی جنسی شود؛ امّا هنگامی که جوانان این عادت زشت را ترک کنند امید بهبودی می‌رود.

سؤال ۱۴۸۵- در بعضی از بیمارستان‌ها برای این که بفهمند انسان بچّه‌دار می‌شود یا نه، از مرد می‌خواهند که با عمل استمنا منی خودش را در اختیار آزمایشگاه قرار دهد، آیا این کار جایز است؟

جواب: تا ضرورتی ایجاب نکند و راه چاره منحصر به آن نباشد، جایز نیست.

سؤال ۱۴۸۶- استدعا دارد نصیحتی نموده و اشخاص مبتلا به این عمل (استمنا) را ارشاد فرمایید.

جواب: جوانان باید از دوستان و رفقای آلوده و بی‌بندوبار که غالباً سبب این آلودگیها می‌شوند بپرهیزند و از کتابهای بدآموز و

مشاهده صحنه‌های محرّک اجتناب کنند، و عواقب کسانی که گرفتار این گونه امور شده‌اند را مشاهده نمایند و فریب وسوسه‌های بعضی از نویسندگان غیر متعهّد، که ادّعا می‌کنند این عمل ضرری ندارد، را نخورند و نیروهای خداداد خود را بیهوده از دست ندهند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۵۱۱

ضمناً توجّه به عبادات و تاریخ پیشوایان اسلام و نصایح و اندرزهای آنان اثر بازدارنده مهمّی در این زمینه دارد. برای توضیحات بیشتر می‌توانید کتاب «مشکلات جنسی جوانان» را مطالعه نمایید.

سؤال ۱۴۸۷- بعد از بوسیدن یکی از دوستانم، که از روی شهوت بود، مقداری مایع بی‌رنگ و کمی چسبنده از بدنم خارج شد؛ ولی بر خلاف منی لکّه‌ای روی لباس بر جای نگذارد. حال بفرمایید.

الف) عمل من چه حکمی دارد؟

جواب: این کار حرام بوده و باید توبه کنید، و برای کسی که توبه نکرده تعزیر دارد.

ب) آیا حقیر باید غسل کنم؟

جواب: اگر رطوبت خارج شده توأم با جستن نبوده، غسل ندارد.

ج) آیا این کار باعث باطل شدن وضو یا غسل می‌شود؟

جواب: در صورتی که قبلًا از بول استبرا کرده باشید، این مایع مشکوک وضو را باطل نمی‌کند.

د) اگر از روی شهوت نباشد چه حکمی دارد؟

جواب: هرگاه از روی شهوت نباشد اشکالی ندارد، ولی با توجّه به این که این گونه کارها دام شیطان است، سزاوار است از آن پرهیز کنید.

سؤال ۱۴۸۸- گناه زنا بیشتر است یا استمنا؟

جواب: هر دو حرام است و گناه زنا بیشتر است.

سؤال ۱۴۸۹- لطف فرمایید گناه بودن یا نبودن استمنا را طبق مقتضیات حال که در آن زندگی می‌کنیم بفرمایید. به دلیل این که به اعتقاد بنده افراط در این امر حرام و گناه است؛ ولی اگر افراط نشود گناه نیست چون در جامعه کنونی، فوق‌العاده مشکل است که انسان بر هوای نفسش غلبه کند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۵۱۲

جواب: استمنا مطلقاً و بدون شک حرام است؛ امیدواریم گرفتار وسوسه‌های شیطان نشوید؛ طرق مبارزه با آن را در کتاب «مشکلات جنسی جوانان» بیان کرده‌ایم.

سؤال ۱۴۹۰- چنانچه تعزیر، علاوه بر تازیانه مصادیق دیگری داشته باشد؛ (مانند: حبس، جزای نقدی، لغو جواز کسب، ابطال گواهینامه رانندگی، محرومیّت از مشاغل دولتی، ثبت سوء سابقه و مانند آن) لطفاً بفرمایید:

الف) آیا تعبیر «التعزیر دون الحد» فقط در خصوص تازیانه رعایت می‌شود، یا شامل دیگر موارد مذکور نیز می‌شود؟

ب) در صورت شمول به موارد دیگر، ملاک «دون الحدّ» چه می‌باشد؟

جواب: تعبیر به «دون الحد» در غیر موارد حدود معنا ندارد؛ ولی واضح است که باید تعزیر تناسب عقلایی با جرم داشته باشد.

سؤال ۱۴۹۱- اگر مرد عاقل و بالغی یکی از محارم مؤنّث و یا مذکّر نسبی خود را از روی شهوت ببوسد، مجازاتش چیست؟ اگر نابالغ باشد چه حکمی دارد؟

جواب: در مورد بوسیدن فقط تعزیر است و فرقی میان محارم و غیر محارم نیست (البتّه قاضی می‌تواند در مورد محارم، تعزیر

شدیدتری قائل شود)، ولی فاعل نابالغ تعزیر ندارد؛ بلکه مقدار کمی به عنوان تأدیب تنبیه می‌شود.

سؤال ۱۴۹۲- در مجازاتهای منصوص اگر غیر از مجرم، دیگری هم زیان ببیند طبعاً از اصل قرآنی «و لا تزر وازرهٔ وزر اخری» خارج است، مثل قصاص قاتل که فرزندان او یتیم می‌شوند؛ ولی در جایی که نصّ صریح در مورد مشروعیّت آن نیست مثل حبس، که با زندانی شدن مجرم عائله‌اش بشدّت متضرّر می‌شوند در حالی که جرمی نکرده‌اند و شارع نیز این عقوبت را بطور صریح از جمله مجازاتها قرار نداده است، مخالفت آن اصل قرآنی بدون نصّ صریح چگونه توجیه می‌شود؟

جواب: حبس یکی از انواع تعزیر است، و تعزیر در موارد مقرّره ممکن است

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۵۱۳

باعث ضرر و زیان به دیگران شود، خواه به صورت شلّاق باشد یا جریمه نقدی یا جریمه مالی و این امور مانع از تعزیرات نمی‌شود، وگرنه اکثر تعزیرات باید تعطیل شود؛ چرا که غالباً زیانهایش به دیگران هم می‌رسد.

سؤال ۱۴۹۳- اثبات بعضی از جرایم، علی الخصوص جرایم ناموسی، که جامعه واکنش شدیدی نسبت به آن نشان می‌دهد، در نزد حاکم شرع مشکل است؛ چرا که شهادت چهار شاهد عادل یا اقرار چهار بار متّهم غالباً میسّر نیست. حال اگر حاکم تقریباً با توجّه به اوضاع و احوال قضیّه، ظن حاصل کند که مثلًا شخصی مرتکب یکی از جرایم مذکور گردیده و از طرفی آزادی وی به احتمال زیاد موجب درگیری و ناامنی خصوصاً در روستاها که جمعیّت کمی دارند می‌شود؛ آیا حاکم می‌تواند فقط به این جهت او را چند روزی بازداشت کند تا به قول معروف آتش فروکش کند و بعد حکم تبرئه وی را از جرم انتسابی صادر کند؟ همچنین در مواردی که درگیری دسته‌جمعی رخ می‌دهد و مقصّر مشخّص نیست، برای حفظ امنیّت جامعه و جلوگیری از درگیریهای بعدی می‌توان همه را بازداشت نمود؟

جواب: در مورد اوّل، اگر حاکم یقین پیدا کند متّهم کارهای خلاف مقدّماتی مانند خلوت با اجنبیّه یا کارهای مادون لواط و زنا انجام داده است، می‌تواند او را به عنوان تعزیر بازداشت کند و در مورد دوّم نیز همین معنا صادق است؛ یعنی اگر آنها درگیریهایی به وجود آورده و نظم اجتماعی را برهم زده‌اند و حفظ نظم اجتماعی منوط به بازداشت موقّت اینگونه اشخاص باشد، آن هم مانعی ندارد.

سؤال ۱۴۹۴- آیا در نگهداری متّهم در حبس تعزیری (با قرار بازداشت) حدّ اقلّ و اکثری هست، یا مدّت زمان به نظر حاکم شرع است؟

جواب: مدّت به نظر حاکم شرع است؛ ولی گاه مصلحت وحدت رویّه و پرهیز از بی‌نظمی قضایی ایجاب می‌کند که حدّ اقلّ و حدّ اکثر آن از طرف مقامات قضایی تعیین شود.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۵۱۵

فصل چهل و هفتم: احکام قصاص

قتل عمد و شبه عمد

سؤال ۱۴۹۵- آیا مجازات قتل عمد فقط قصاص است، یا قصاص و دیه؟

جواب: مجازات قتل عمد قصاص است؛ مگر این که طرفین راضی به دیه، یا کمتر، یا بیشتر از آن شوند.

سؤال ۱۴۹۶- آیا اشتباه در شخص، در قتل عمدی (یعنی قصد کشتن شخص «الف» را دارد، امّا به اشتباه شخص «ب» را به قتل می‌رساند) مانع عمدی بودن قتل است؟

جواب: در چنين حالتى قتل عمدى است؛ زيرا تمام شرايط و مقدّمات حاصل است و اشتباه در فرد تأثيرى در عمدى بودن قتل ندارد؛ و به تعبير ديگر، در مورد اصلِ كشتنِ شخص حاضر عمد حاصل است و خطا در تطبيق است؛ اين در صورتى است كه خون هر دو محترم باشد.

سؤال ۱۴۹۷- فرد گستاخى با ايجاد رابطه نامشروع علنى با زن شوهردارى در مدّت طولانى و بطور مكرّر، باعث برانگيخته شدن احساسات و غيرت همسر و برادر آن زن شده است؛ آنان در صدد شناختن شخص مزبور برآمده كه اتّفاقاً شخص مزبور به اميد به دام انداختن صيدى جديد و به نيّت زنا به منزل آن زن آمده و به دست شوهر و برادر آن زن گرفتار مى‌شود، على رغم اين كه قصد كشتن مشارٌ اليه نبوده، بلكه قصد، تحويل به مراجع ذى‌صلاح بوده است؛ ولى در نهايت به لحاظ شدّت ضربات وارده وى به قتل مى‌رسد حال با توجّه به اين كه (او را مهدور الدّم

استفتاءات جديد (مكارم)، ج۲، ص: ۵۱۶

مى‌دانسته‌اند و) فساد اخلاقى مقتول در موارد متعدّد و اين مورد احراز شده و مقتول نيز از شوهردار بودن آن زن، اطّلاع داشته و خود باعث اغفال و گمراهى او شده است. لطفاً به دو سؤال زير پاسخ فرماييد:

الف) آيا براى ضاربين فوق (كه شامل ۶ مرد و يك زن مى‌باشند)، ضمان خون وجود دارد؟

ب) آيا ضمان به قصاص نفس است يا ديه مقرّره؟

جواب: اگر ضربات وارده بر او ضرباتى بوده است كه به حسب عادت موجب قتل مى‌شده و يقين به مهدور الدّم بودن او نداشته‌اند قتل عمد محسوب مى‌شود و اولياى مقتول حقّ قصاص دارند و اگر بخواهند هر كدام از قاتلين را قصاص كنند بايد شش هفتم (۷۶) ديه او را بپردازند و چون بعيد است زير بار بروند، مبدّل به ديه مى‌شود. و با توجّه به اين كه آن شخص فرد بسيار آلوده‌اى بوده اگر اولياى مقتول، قاتلين را عفو كنند بسيار بجاست و هرگاه آن ضربات عادتاً موجب قتل نبوده، ولى منتهى به قتل شده، يا اين كه قاتلين يقين به مهدور الدّم بودن او داشته‌اند ديه دارد. ضمناً درست است كه آن مرد فاسق مجازات شديدى دارد، ولى تنها بايد به حكم حاكم شرع باشد.

سؤال ۱۴۹۸- شخصى عيال شرعى خود را سه طلاقه نموده است، با توجّه به اين كه زوجين پيرو مذهب شافعى بوده‌اند، طبق فتواى شوراى روحانيّت سنندج، بين آنان طلاق بائن غير رجعى محقّق شده است؛ ولى شوهر پس از طلاق همچنان با عيال سابق خود زندگى مى‌كرده است. مدّتها پس از آن شوهر سابق اين زن و برادر اين خانم مردى را به اين عنوان كه با آن زن رابطه نامشروع دارد، در ملأ عام مشتركاً به قتل رسانده‌اند. اولياى دم فقط تقاضاى قصاص برادر آن زن را به عنوان قاتل نموده‌اند، در حالى كه مقتول با اطّلاع از وقوع طلاق بين زوجين و به قصد ازدواج با زن مطلّقه، خانه‌اى براى او در سنندج تهيّه و او را در آن اسكان داده است، و برادر

استفتاءات جديد (مكارم)، ج۲، ص: ۵۱۷

آن زن نيز وعده تزويج خواهرش را به مقتول داده بوده است. بر فرض وجود رابطه نامشروع بين مقتول و زن مطلّقه، آيا شخص مقتول مهدور الدّم بوده و شوهر سابق و برادر آن زن از قصاص معاف هستند و اين عمل آنها به اعتبار انگيزه شرافتمندانه مى‌تواند دفاع مشروع تلقّى شود؟

جواب: شخص مزبور در حكم قاتل عمد يا شريك قاتل عمد مى‌باشد.

سؤال ۱۴۹۹- به تازگى ورزشى به نام «شدّ الحبل» يا طناب‌كشى رواج يافته كه شامل دو گروه است كه در هر طرف طناب يك يا چند نفر شركت مى‌كنند، اين ورزش به اين شكل است كه هر گروهى يك سمت طناب را مى‌گيرد و به سمت خود مى‌كشد. هر گروهى كه بتواند طناب را به سمت خود بكشد، برنده مسابقه است. در اين مسابقه گاهى فرد يا افرادى از هر دو گروه به زمين

می‌خورنـد که در برخی اوقات منجر به مرگ آنها می‌شود. آیا این مرگ، از قبیل خطای محض است؟ آیا دیه بر عهده تمام کسانی است که در گروه دیگر قرار دارند، یا بر عهده کسانی است که این مسابقه را برگزار می‌کنند؟ آیا این مسأله در مورد سایر ورزشـها مانند فوتبال هم جاری است؟

جواب: این قتل، شبه عمـد محسوب می‌شود و دیه بر عهده جانی است و در صورتی که جانی چند نفر باشـند، همگی باید دیه را به مقـدار سـهمشان در جنـایت بپردازنـد و در صورتی که مقـدار تـأثیر آنهـا را در جنـایت نـدانیم، به صورت مسـاوی بین آنهـا تقسـیم می‌شود.

سؤال ۱۵۰۰- شخصـی غیر وارد به کارهـای ساختمـانی خـانه‌ای بنا کرده و باعث قتل چهار نفر شـده است، کارشـناسان رسـمی نظر داده‌انـد که وی در امور ساختمـانی مـاهر نبوده و در به کـارگیری مصالـح ساختمـانی خیانت کرده است، بـدین جهت خانه مـذکور خراب شده است، این مسأله مصداق کدام قسم از قتل است؟

جواب: اگر ثـابت شود که قتـل آن عـدّه بر اثر سـهل‌انگاری و خیـانت آن بنّا بوده قتل شـبه عمـد محسوب می‌شود؛ یعنی بنّا بایـد از مالش دیه را بپردازد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۵۱۸

شرایط قصاص

سؤال ۱۵۰۱- شخصـی در سنّ دوازده سـالگی مردی را کشـته است، او را تـا به حـال که، ۲۵ ساله است، در زنـدان نگه داشـته‌اند تا بچّه‌های مقتول بزرگ شونـد و تصـمیم بگیرنـد که قاتل اعـدام شود یا دیه بگیرنـد و حکم اعـدام او هم صادر شـده است. حال اگر صبیّ جنایتش قصاص ندارد، پس چرا حکم اعدام این جوان را صادر کرده‌اند با این که کوچک بوده است؟

جواب: اوّل این که کسـی که قبـل از بلوغ مرتکب قتـل شود نه قصـاص دارد نه زنـدان؛ مگر مقـداری به عنوان تنـبیه؛ بلکه بایـد دیه مقتول را عاقله، که عبارت از پـدر و مردان خویشاونـد پـدری هسـتند، دست به دست هم بدهنـد و بپردازند و اگر بالغی مرتکب قتل شود و مقتول بچّه‌هـای صـغیر داشـته باشـد، اگر ولیّ بچه‌ها مصـلحت را در گرفتن دیه ببیننـد دیه می‌گیرد و قاتل آزاد می‌شود و اگر مصـلحت آنها را گرفتن دیه تشـخیص ندهـد بایـد انتظار بکشـند، تا صـغیرها کبیر شوند؛ ولی اگر مدت طولانی است باید قاتل را با وثیقه و کفالت لازم آزاد کنند و بعدا رسیدگی نمایند و هیچ قاضی ای حق ندارد قاتلی را برای مدّت طولانی در زندان نگه دارد.

سؤال ۱۵۰۲- قاتلی که محکوم به قصاص شـده است، توسّط شخصـی غیر از اولیای دم و بـدون اجازه آنها کشـته می‌شود. در فرض مزبور، این سؤالات مطرح است:

الف) آیـا این شـخص (قاتـل دوّم) بایـد قصـاص شود؟ در فرض قصـاص، چه کسـانی حقّ قصـاص دارنـد؟ اولیای دم مقتول اوّل، یا اولیای دم مقتول دوّم که خود محکوم به قصاص بوده است؟

ب) در صورتی که قصاص حقّ اولیای دم مقتول دوّم باشـد، حقّ القصاص اولیای دم مقتول اوّل چه می‌شود؟ آیا موضوع منتفی شده و از بین رفته است، یا این که تبدیل به دیه می‌شود؟ در فرض تبدیل به دیه، چه کسانی باید آن را بپردازند؟

جواب: با توجّه به این که قاتل مهدور الدم نیست؛ بلکه در اختیار اولیای دم

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۵۱۹

قرار می‌گیرد که اگر بخواهنـد قصـاص می‌کننـد یـا بـا توافـق طرفین دیه بگیرنـد، دیگری حقّ کشـتن او را نـدارد و اگر او را بکشـد محکوم به قصـاص یـا دیه بـا توافق طرفین می‌باشـد، و از آنجـا که قاتـل دوّم موضوع قصـاص قاتـل اول را از بین برده است، احتیاط واجب آن است که قاتـل دوّم دیه‌ای به اربـاب دم مقتـول اوّل بـپردازد؛ شـبیه مـواردی که کسـی قاتـل را فراری می‌دهـد بطوری که

دسترسی به او حاصل نمی‌شود و موضوع قصاص منتفی می‌گردد که باید شخص فراری دهنده طبق نصوص وارده دیه را بپردازد و این غیر از دیه‌ای است که قاتل دوّم برای نجات از قصاص به ولیّ دم قاتل اوّل می‌پردازد.

سؤال ۱۵۰۳- اگر کافر ذمّی عمداً مسلمانی را به قتل برساند، آیا قصاص می‌شود؟

جواب: آری؛ قصاص می‌شود.

سؤال ۱۵۰۴- مردی همسر خود را به قتل می‌رساند و اولیای دم، از جمله فرزندان مقتول، تقاضای قصاص می‌نمایند، با توجّه به این که اگر پدر فرزند خود را بکشد، قصاص نمی‌شود، آیا فرزندان می‌توانند تقاضای قصاص پدر را بنمایند؟

جواب: در فرض مسأله، فرزندان نمی‌توانند تقاضای قصاص برای پدر کنند؛ بلکه می‌توانند از او دیه بگیرند.

سؤال ۱۵۰۵- زنی به اتّهام قتل عمد مردی قصاص شده است؛ با توجّه به این که دیه مرد دو برابر دیه زن است، آیا می‌توان علاوه بر قصاص یک دوّم دیه مرد مقتول را هم مطالبه نمود؟ اگر می‌شود، نحوه وصول و مطالبه آن چگونه و بر عهده کیست؟

جواب: در مورد قصاص دیه‌ای وجود ندارد.

سؤال ۱۵۰۶- اگر مردی دو زن یا بیشتر را کشته باشد و اولیای آنان خواهان قصاص باشند، بفرمایید:

الف) آیا اولیای خواهان قصاص، باید چیزی به عنوان فاضل دیه بپردازند؟

ب) در صورت لزوم پرداخت، آیا باید هر یک از اولیای خواهان قصاص، مستقلًّا

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۵۲۰

و جداگانه نصف دیه یک مرد را بدهند، یا این که نصف دیه یک مرد، در میان اولیای خواهان تقسیم می‌شود؟ (مثلًا اگر مردی دو زن را کشته است و اولیای هر دو خواهان قصاص هستند، هر یک از اولیا باید یک چهارم دیه مرد را بدهد)؟

جواب: هرگاه اولیای هر دو زن متّفقاً و با هم خواهان قصاص باشند، چیزی به عنوان دیه به ورثه قاتل پرداخت نمی‌شود.

سؤال ۱۵۰۷- قاتل مدّعی است که در حال مستی مرتکب قتل شده و اصلًا قصد قتل نداشته است، آیا در صورت صحّتِ ادّعایِ متّهم قصاص وی منتفی می‌گردد؟

جواب: اگر مستی ثابت نشود، قصاص ثابت است و اگر مستی در حال قتل ثابت شود دو حالت دارد: نخست این که کسی بوده که در حال مستی غالباً مرتکب امثال این امور می‌شده، در اینجا نیز قصاص ثابت است؛ در غیر این صورت فقط دیه دارد.

قصاص (اطراف) اعضا

سؤال ۱۵۰۸- در مورد قصاص اطراف (اعضا) بفرمایید:

الف) آیا مجنیٌ علیه می‌تواند بخشی از قصاص را اجرا و بخش دیگر را عفو کند؟ (مثلًا جانی دست مجنیٌ علیه را از کتف قطع کرده است، مجنیٌ علیه خواهان قطع دست جانی از آرنج باشد).

جواب: اشکال دارد؛ ولی اگر دو جنایت مستقل از جانی سر زده باشد، می‌تواند یکی را عفو کند و دیگری را قصاص نماید.

ب) آیا می‌تواند برای قسمتی از جنایت طلب قصاص کرده و برای بخش دیگر دیه بگیرد؟

جواب: در جنایت عمدی دیه نیست، فقط قصاص است؛ مگر با توافق طرفین و در اینجا اگر توافق بشود مانعی ندارد، به شرط این که دو جنایت مستقل باشد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۵۲۱

ج) آیا می‌تواند برای قسمتی از جنایت طلب قصاص کرده و نسبت به بخش دیگر مصالحه کند؟

جواب: از جواب سابق روشن شد.

سؤال ۱۵۰۹- آیا ملاک در قصاص اعضا رعایت مماثلت نسبیّه است یا عرفیّه؟ معیار هر کدام چه می‌باشد؟

جواب: معیار، مراعات مماثلت نسبیه عرفیّه است؛ یعنی اگر شخص چاقی باندازه یک سانتیمتر چاقویی در بدن فردی لاغر و یا کودکی فرو کرده باشد که به اعماق بدن او رسیده باشد، در موقع قصاص باید به همان نسبت چاقو به بدن شخص جانی چاق فرو رود. در مماثلت نسبی دقّت عقلی لازم نیست؛ بلکه دقّت عرفی کافی است.

سؤال ۱۵۱۰- شخصی با مراجعه به دادگاه اظهار می‌دارد که فلانی در بین عدّه‌ای با زدن سیلی به این جانب موجب هتک حیثیت اجتماعی بنده گردیده است و تقاضای قصاص در همان جمع یا جمع مشابه را دارد، آیا قصاص سیلی به این صورت وجهه شرعی دارد؟

جواب: در قصاص این امور معتبر نیست؛ ولی حاکم می‌تواند برای هتک حیثیّت او را تعزیر کند.

سؤال ۱۵۱۱- در چه مواردی تداخل قصاص عضو در نفس صورت می‌گیرد؟ ملاک در تداخل به نظر حضرتعالی چیست؟

جواب: هرگاه کسی ضربه‌ای به دیگری وارد کند که موجب جراحت یا شکستگی منتهی به مرگ شود، فقط قصاص نفس دارد و دیه عضو در دیه نفس داخل می‌شود.

سؤال ۱۵۱۲- در موارد ذیل که جرح و قتل بطور عمد یا غیر عمد توسّط یک نفر صورت می‌پذیرد، آیا حسب مورد قصاص عضو در قصاص نفس، و دیه عضو در دیه

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۲۲

نفس، تداخل می‌کند؟ حکم را در دو صورت زیر بیان فرمایید:

الف) جرح و قتل با ضربه واحد انجام شود.

ب) جرح و قتل با دو ضربه یا بیشتر انجام شود. (در این فرض ممکن است ضربات متعدّد در زمانهای متفرّق یا متوالی انجام شود).

جواب: در صورتی که جرح سبب قتل شود، یک دیه بیشتر لازم نیست، خواه به یک ضربه باشد یا چند ضربه و در مورد قصاص نیز همین گونه است؛ یعنی قصاص نفس صورت می‌گیرد.

سؤال ۱۵۱۳- دیه یا مجازات ضرب ساده‌ای که موجب جراحت و تغییر رنگ نگردد و هیچ گونه آثاری از خود باقی نگذارد چیست؟

جواب: اگر این کار عمداً صورت گیرد قصاص دارد و اگر از روی خطا باشد قصاص ندارد و دیه‌ای نیز بر آن مترتّب نمی‌شود.

سؤال ۱۵۱۴- در قصاص طرف که تساوی جرح قصاصی با جنایت شرط است، در صورتی که به مقدار جنایت مستلزم زیادت و لیکن در فرض اکتفا به کمتر از مقدار جنایت، زیادتی پیش نیاید، آیا قصاص به میزان کمتر از جنایت جایز است، یا تساوی در هر دو جهت شرط می‌باشد؟

جواب: اگر خوف خطر باشد قصاص تبدیل به دیه می‌شود؛ ولی اگر خوف زیادت است می‌توان به کمتر قناعت کرد.

سؤال ۱۵۱۵- در قصاص طرف، آیا زن می‌تواند به جای پرداخت فاضل دیه مثلًا در قطع چهار انگشت دو انگشت مرد جانی را قطع کند؟

جواب: مانعی ندارد.

سؤال ۱۵۱۶- ضربات کبودی، سیاهی، سرخی چنانچه عمدی باشد و قصاص ممکن باشد قصاص دارد یا دیه؟

جواب: در صورتی که رعایت مطابقت ممکن شود، قصاص مانعی ندارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۲۳

سؤال ۱۵۱۷- در صورتی که قصاص در اعضا به علّت خطر جانی یا عضو و یا به علّت عدم امکان استیفا بدون زیاده و نقصان جایز

نباشد، آیا باید حکم به پرداخت دیه صادر نمود، یا باید جانی به مقدار مادون جنایت قصاص شود و نسبت به مابقی ارش بپردازد، یا این که اختیاری است و به یکی از دو شقّ اوّل می‌توان حکم صادر کرد؟

جواب: احتیاط قناعت به دیه است.

سؤال ۱۵۱۸- پدری به اتّفاق شخص دیگری فرزند خود را کشته است. آیا رضایت این پدر در جهت عدم قصاص و یا تخفیف مجازات شخص ثالث (شریک جرم او) نافذ است؟

جواب: حقّ پدر نسبت به سهم خود در عفو و قصاص ثابت است، و بیشتر از آن مربوط به او نیست.

اولیای دم

سؤال ۱۵۱۹- آیا اولیای دم می‌توانند به جای قصاص نفس، عضوی از اعضای قاتل را قطع کنند؟

جواب: جایز نیست، چنین کاری دلیل ندارد و اصل عدم جواز است.

سؤال ۱۵۲۰- آیا اولیای دم می‌توانند به جای قصاص نفس، عضوی از بدن قاتل را قطع و نسبت به مابقی مصالحه نمایند؟

جواب: جایز نیست.

سؤال ۱۵۲۱- آیا رضایت و عدم رضایت قاتل در دو حالت فوق تأثیری خواهد داشت؟

جواب: تأثیری ندارد.

سؤال ۱۵۲۲- اگر یکی از ورثه مقتولی مفقود الاثر باشد (اعم از این که از طریق مراجع صالحه حکم فوت فرضی و یا مفقود الاثر بودنش صادر شده و یا صادر نشده

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۵۲۴

باشد)، و سایر ورثه او خواستار قصاص قاتل نباشند، چنانچه بعداً این وارث پیدا شود، آیا حقّ درخواست قصاص قاتل را دارد؟

جواب: حقّ او محفوظ است.

سؤال ۱۵۲۳- آیا حمل، یعنی بچّه در شکم مادر، می‌تواند ولیّ دم واقع شود؟ در صورتی که ولیّ دم باشد، تکلیف قاتل تا کبیر شدن حمل چه می‌باشد؟

جواب: در صورتی که حمل زنده متولّد شود، آن زمان ولیّ دم خواهد بود و چنانچه قیّم او مصلحت را در اخذ دیه یا مصالحه می‌بیند، طبق آن عمل می‌کند در غیر این صورت جانی را با اخذ وثیقه کافی تا زمان بلوغ آزاد می‌کنند و اگر مصلحت ایجاب کند، قیّم حقّ قصاص فوری دارد؛ ولی معمولًا در این گونه موارد، مصلحت صغیر اخذ دیه است؛ نه قصاص.

سؤال ۱۵۲۴- اگر وارث مقتول، تنها یک دیوانه صغیر، یا دیوانه کبیر باشد، و حاکم با اذن ولیّ امر مسلمین و موافقت قیّم این دیوانه، قاتل را قصاص نکند، چنانچه این دیوانه بعداً عاقل گردد، آیا حقّ درخواست قصاص دارد؟

جواب: هرگاه ولیّ او طبق موازین شرع و مصالح وی از قصاص صرفنظر کرده، حقّ رجوع ندارد.

سؤال ۱۵۲۵- اگر بین ورثه حین الفوت مقتول یک دیوانه وجود داشته باشد و قیّم این دیوانه با موافقت حاکم و سایر ورثه خواستار قصاص قاتل نباشند و دیه بگیرند، چنانچه بعداً از این دیوانه رفع حجر شد، حقّ درخواست قصاص دارد؟

جواب: مانند مسأله سابق است.

سؤال ۱۵۲۶- در مواردی که اولیای دم تقاضای عفو قاتل را دارند و یا مطالبه دیه می‌نمایند، ولی حکومت اسلامی با توجّه به عوارض سیاسی و اجتماعی آن بخواهد قاتل را قصاص نماید آیا قصاص جایز است؟ و در صورت عدم رضایت اولیای دم، آیا دیه از بیت المال به آنان پرداخته می‌گردد؟ آیا ولیّ امر مسلمین با ولایتی که بر خودِ

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۵۲۵

«ولیّ دم» دارد می‌تواند بر خلاف وی تقاضای قصاص نماید؟

جواب: تقاضای قصاص بدون رضایت ولیّ دم جایز نیست؛ مگر این که عنوان مُفسد یا مُحارب با شرایط مخصوصش را داشته باشد.

سؤال ۱۵۲۷- شخصی به قتل رسیده و اولیای دم چهار نفر صغیر و فاقد ولیّ هستند و حاکم شرع ولیّ ایشان است. در چنین موردی، آیا قاتل باید قصاص شود، یا دیه بپردازد، یا قصاص و دیه تا زمان بلوغ و رشد اولیای دم به تأخیر می‌افتد؟

جواب: هرگاه بلوغ صغیرها نزدیک است، باید قصاص و دیه به تأخیر افتد و اگر تا بلوغشان فاصله زیادی است، باید قاتل را با وثیقه کافی و کفالت آزاد کرد تا بعد از بلوغ خودشان تصمیم بگیرند، و هرگاه مصلحت صغیر در گرفتن دیه باشد (که غالباً چنین است)، ولیّ می‌تواند دیه بگیرد، و اگر مصلحتشان در قصاص باشد ولیّ می‌تواند قصاص کند.

سؤال ۱۵۲۸- چنانچه به ادلّه ذیل، حکم در مورد شخص محکوم اجرا نشده باشد. آیا می‌توان وی را تا زمان اجرای حکم، هرچند در مدّت زمان طولانی، در حبس نگه داشت؟

الف) خودداری اولیای دم، به دلیل فقر مالی یا دلایل دیگر، از پرداخت فاضل دیه.

ب) عدم تأمین سهم اولیای صغیر شخص مقتول از طرف اولیای خواهان قصاص.

ج) عفو برخی از اولیای دم و عدم پرداخت سهم آنان به محکومٌ علیه از سوی اولیای خواهان قصاص.

د) عدم شناسایی اولیای دم یا عدم دسترسی به آنان و دستور حاکم شرع مبنی بر أخذ دیه از قاتل و ناتوانی وی از پرداخت آن.

ه‍-) مصالحه به دیه و عدم توانایی پرداخت دیه توسّط محکومٌ علیه.

و) عدم مراجعه اولیای دم به دادگاه برای تعیین تکلیف نهایی.

ز) فقدان ابزار لازم برای اجرای دقیق حکم قصاص و استنکاف مجنیٌ علیه و

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۵۲۶

اولیای دم یا افراد خبره از اجرای حکم.

ح) مورد بند (ز) در صورتی که محکومٌ علیه استطاعت پرداخت یا جلب رضایت شاکی را نداشته باشد.

جواب: محکوم به قصاص را نمی‌توان برای مدّت طولانی در زندان نگاه داشت؛ بلکه باید با اخذ وثیقه کافی او را آزاد کنند تا شرایط اجرای قصاص، یا عفو، یا تبدیل به دیه حاصل گردد؛ مگر این که آزاد کردن او پیامدهای بسیار نامطلوب اجتماعی داشته باشد که در این صورت می‌توان از بیت المال، به صاحبان حق کمک کرد تا قصاص اجرا شود.

سؤال ۱۵۲۹- در صورتی که جانی محکوم به قصاص باشد، ولی محکوم به حبس نباشد و از طرفی برای اجرای قصاص، اولیای دم حاضر یا قادر به پرداخت دیه نباشند:

الف) آیا می‌توان اولیای دم را مجبور به اخذ دیه کرد؟

جواب: در این صورت باید محکوم را با گرفتن وثیقه کافی آزاد کرد تا اولیای دم تصمیم خود را بگیرند و اجبار آنان جایز نیست.

ب) آیا می‌توان فاضل دیه را از بیت المال پرداخت و حکم را جاری کرد؟

جواب: دلیلی بر پرداخت فاضل دیه از بیت المال نداریم؛ مگر در موارد ضروری.

سؤال ۱۵۳۰- در مواردی که پس از ارتکاب قتل، قاتل محبوس می‌شود، و اولیای دم جهت تعیین تکلیف مراجعه نمی‌کنند:

الف) آیا پس از اتمام ضرب الأجل و عدم مراجعه اولیای دم می‌توان جانی را آزاد کرد؟

جواب: با گرفتن وثیقه کافی باید او را آزاد کرد تا اولیای دم تصمیم خود را بگیرند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۵۲۷

ب) در صورتی که اولیای دم به عللی تا مدّت طولانی (مثلًا چند ماه یا چند سال) از مراجعه به دادگاه معذور باشند، آیا حبس کردن جانی در این مدّت جایز است؟

جواب: همان‌گونه که در بالا گفته شد جایز نیست.

سؤال ۱۵۳۱- زن و شوهری دارای یک یا چند فرزند مجرّد هستند. خودشان (زوجین) هم والدین دارند. یکی از فرزندان آنها به قتل می‌رسد. قبل از تقاضای قصاص، یا عفو قاتل، یا توافق بر دیه یکی از زوجین فوت می‌کند. بفرمایید آیا حقّ قصاص، یا عفو، یا سهم الدّیه او به والدینش می‌رسد، یا این که هر کدام از والدین حیّ این مقتول تنها وارث اوست؟

جواب: در فرض مسأله حقّ قصاص منتقل به پدر و مادر مقتول می‌شود و اگر یکی از آنها بعد از قتل و تعلّق حقّ قصاص از دنیا برود به ورثه او، غیر از همسرش، منتقل می‌شود؛ ولی حقّ دیه به همسر نیز می‌رسد.

سؤال ۱۵۳۲- آیا ولیّ و قیّم می‌توانند به نیابت از صغار مطالبه قصاص نمایند؟

جواب: در صورتی که مصلحت صغیر در آن باشد می‌توانند و الّا حق ندارند و غالباً مصلحت صغار در اخذ دیه است.

سؤال ۱۵۳۳- شنیده‌ایم که زن در خصوص قتل عمد شوهر خود و همچنین بالعکس حقّ درخواست قصاص ندارد، آیا این مطلب در مورد مادر مقتول، و سایر ورثه مؤنّث مقتول به صرف مؤنّث بودن صدق می‌کند؟

جواب: این حکم در مورد زوجه است و شامل سایر زنان خویشاوند نمی‌شود.

سؤال ۱۵۳۴- دو برادر یا دو خواهر نابالغ یا بالغ شرعی (ولی فاقد سنّ قانونی ۱۸ سال) با هم نزاع می‌کنند، یکی از آنها دیگری را مجروح، یا مضروب می‌کند؛ مجروح یا مضروب بر ضدّ ضارب به دادگاه شکایت می‌کند و حاضر به دادن رضایت نیست، آیا رضایت پدر، و در صورت نداشتن پدر رضایت جدّ پدری، یا رضایت مادرشان که قیّم آنهاست در جهت منع تعقیب ضارب نافذ است، یا رضایت مضروب الزامی است؟

جواب: در صورتی که طرفین شرعاً بالغ هستند، رضایت خودشان معتبر است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۵۲۸

تبدیل قصاص به دیه

سؤال ۱۵۳۵- شخصی به قتل عمدی همسرش اقرار و اعتراف نموده است. ولیّ دم مادر مقتوله و یک دختر هفت‌ساله از همان شوهر است. نظر به این که تقاضای اجرای قصاص نفس از ناحیه مادر مشروط به ردّ نصف دیه یک مرد مسلمان به قاتل و تأمین و تضمین سهم صغیره می‌باشد، لذا اگر مادر مقتوله ضمن تقاضای اجرای قصاص، از ردّ نصف دیه به قاتل و نیز سهم صغیر اظهار عجز نماید، آیا قصاص قهراً به دیه تبدیل می‌گردد، یا باید ردّ و تأمین دیه از طریق بیت المال انجام شود و قصاص اجرا گردد؟ یا حقّ قصاص تا زمان توانایی ولیّ دم باقی است؟

جواب: بیت المال وظیفه‌ای برای پرداخت دیه جهت قصاص ندارد و اگر ولیّ دم مایل به اخذ دیه باشد، دیه پرداخت می‌شود و در مورد صغیر باید مصلحت را رعایت کرد. البتّه در شرایط کنونی غالباً مصلحت صغیر، گرفتن دیه است.

سؤال ۱۵۳۶- اگر قاتل اظهار نماید که من از حقّ خودم نسبت به نصف دیه گذشت می‌نمایم تا قصاص اجرا شود، آیا حقّ گذشت دارد؟ یا چون دیه در آتیه جزء مال الارث محسوب می‌گردد، حقّ گذشت ندارد؟

جواب: بخشش دیه در این گونه موارد از سوی قاتل خالی از اشکال نیست.

سؤال ۱۵۳۷- درباره قصاص نفس یا عضو بفرمایید:

الف) آیا ولیّ امر می‌تواند بر خلاف درخواست ولیّ دم، یا مجنیٌ علیه بنا به مصالحی قصاص را به دیه تبدیل نماید؟

جواب: در شرایط عادی چنین حقّی ندارد؛ مگر این که اجرای قصاص سبب مفسده مهمّی شود.

ب) چنانچه پاسخ مثبت باشد، با توجّه به این که طبق فتوای مشهور، قصاص تنها در صورت رضایت جانی به دیه تبدیل می‌شود، آیا می‌توان علی رغم درخواست جانی، قصاص را به دیه تبدیل نمود؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۵۲۹

جواب: از جواب بالا معلوم شد.

ج) در صورت مثبت بودن پاسخ، مسئول پرداخت دیه کیست؟ جانی، یا بیت المال؟

جواب: باید جانی بپردازد.

سؤال ۱۵۳۸- در کدام صورت، قصاص تبدیل به دیه می‌شود؟

جواب: در مواردی که قصاص خطرناک است و در موارد دیگری مانند جایی که جانی مردد بین دو یا چند نفر باشد و مواردی که رعایت مماثلت عادتاً امکان‌پذیر نباشد و مانند آن، قصاص تبدیل به دیه می‌شود.

قسامه

سؤال ۱۵۳۹- موارد لوث و قسامه را در زمان کنونی بیان فرمایید.

جواب: لوث در مواردی است که اماره ظنّیه نزد حاکم شرع بر صدق مدّعی قائم شود؛ مانند شهادت شاهد واحد، یا در جایی که شخصی را غرق خون ببینند و شخص مسلّحی را که بر سلاح او آثار خون است در آنجا بیابند، یا کشته‌ای را در خانه، یا محلّه‌ای که غیر از افراد خاصّی وارد نمی‌شوند، مشاهده کنند، در حالی که عداوتی بین صاحبان خانه یا محلّه و مقتول وجود داشته است و امثال آن. در چنین مواردی قاضی احکام قسامه را جاری می‌کند.

سؤال ۱۵۴۰- شخص مسلمان و شیعه اثنا عشری در نزاعی، یک مرد علی‌اللّهی (از غُلات) را به قتل رسانیده است.

الف) بفرمایید در صورتی که مورد از موارد لوث باشد، آیا اولیای مقتول، که همگی علی‌اللّهی هستند، می‌توانند اقامه قسامه کنند؟

ب) در صورت ثبوت قتل عمد، آیا قاتل موصوف در قبال مقتول نامبرده قصاص می‌شود؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۵۳۰

ج) در صورت ثبوت دیه، آیا دیه کامل مرد مسلمان باید پرداخت شود؟

جواب: غلات و کسانی که به آنها علی‌اللّهی گفته می‌شود مختلفند؛ بعضی واقعاً علی (علیه السلام) را خدا می‌دانند، یا صفات خدایی برایش قائل هستند و یا منکر ضروریات دین عن علم می‌باشند، این گروه کافرند و احکام کفّار در باب قصاص و دیات بر آنها جاری می‌شود؛ ولی عدّه بسیاری از آنها تا این حدّ غلوّ ندارند و ظاهراً در سلک مسلمین‌اند؛ هرچند خطاکارند، بنابراین باید تحقیق کنید که مورد سؤال از کدام یک از این دو دسته می‌باشند؛ در صورت اوّل احکام غیر مسلمین و در صورت دوّم احکام مسلمین بر آنها جاری می‌شود.

سؤال ۱۵۴۱- مثالهایی که در باب لوث ذکر شده، مانند شاهد واحد یا وجود عداوت، آیا تعبّداً موجب صدق لوث می‌شود، یا در صورت حصول ظن؟

جواب: در صورتی که ظنّی از آن حاصل شود حکم لوث جاری می‌شود.

سؤال ۱۵۴۲- ملاک صدق لوث، حصول ظنّ شخصی است، یا نوعی؟

جواب: ملاک، حصول ظنّ شخصی برای قاضی است؛ ولی احتیاط واجب آن است که اماره نوعیّه‌ای نیز وجود داشته باشد.

سؤال ۱۵۴۳- چنانچه قاضی ظنّ به وقوع قتل غیر عمدی توسّط متّهم داشته باشد؛ ولی مدّعی (ولیّ دم) ادّعای قتل عمد داشته و

حاضر به اقامه قسامه بر وقوع قتل عمدی می‌باشد، آیا این مورد از موارد لوث می‌باشد؟

جواب: تنها با ادّعای قتل عمد از موارد لوث نمی‌شود.

سؤال ۱۵۴۴– در صورتی که برای قاضی ظن حاصل گردد که یکی از متّهمین، قاتل (در باب قتل)، یا جارح (در باب جراحات و قطع عضو) می‌باشد، مورد از موارد لوث می‌باشد؟

جواب: ظنّ قاضی مشروط به وجود اماره است و در صورت وجود آن امارات لوث نسبت به احد المتّهمین ثابت است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۵۳۱

سؤال ۱۵۴۵– در بحث قسامه با وجود لوث، آیا اولیای دم می‌توانند با قسامه، عمدی بودن قتل را ثابت کنند و قصاص نمایند، با وجودی که متّهم منکر است؟

جواب: در قتل نفس قصاص را با قسامه می‌توان ثابت کرد.

سؤال ۱۵۴۶– در بحث قسامه، آیا زن می‌تواند به تنهایی مدّعی قتل عمد باشد و اقامه قسامه نماید؟

جواب: زن می‌تواند مدّعی باشد؛ ولی باید قسامه را از مردان انتخاب کنند.

سؤال ۱۵۴۷– آیا حصول علم به قتل در قسامه برای قاضی لازم است، یا با وجود لوث و اقامه قسامه باید حکم بدهد؟

جواب: علم قاضی در اینجا شرط نیست.

سؤال ۱۵۴۸– در صورتی که قاضی احتمال دهد که قسم‌خورندگان با مدّعی تبانی نموده‌اند، آیا می‌تواند به این احتمال توجّه نموده و قسم‌ها را کَان لم یکن تلقّی نماید؟

جواب: در فرض مسأله قاضی مأمور به ظاهر حال است؛ مگر این که علم به خلاف داشته باشد.

سؤال ۱۵۴۹– آیا با قسامه می‌توان چند نفر را که متّهم به قتل هستند قصاص نمود؟

جواب: در صورتی که شرایط قسامه جمع باشد، با ردّ فاضل دیه مانعی ندارد.

سؤال ۱۵۵۰– آیا قسامه و لوث را در غیر جراحات، قتل و قطع اعضا، مثل ایراد ضرب غیر جرحی (کبودی، سرخی، سیاه‌شدگی) نیز می‌توان اجرا نمود؟

جواب: در موارد بالا نیز قسامه جاری می‌شود.

سؤال ۱۵۵۱– آیا قسامه افرادی که مسلمان نیستند و در کشور اسلامی زندگی می‌کنند، علیه مسلمان مسموع است؟

جواب: قسامه غیر مسلمان بر ضدّ مسلمان مسموع نیست.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۵۳۲

سؤال ۱۵۵۲– اگر مقتولی در شارع عام یا در مکانهایی که محلّ رفت و آمد عمومی است به صورت مجهول الهویّه کشف شود و در مقام بررسی و تحقیقات در محاکم قضایی از جهت استناد عمل مجرمانه قتل نسبت به شخصی با وجود قرائن ظنّیه از موارد لوث تشخیص داده شود و برای مقتول ولیّ دمی شناخته نشود، اجرای قسامه با چه شخصی است؟ اگر با ولیّ امر مسلمین است به چه کیفیّت؟

جواب: حاکم شرع ولیّ او محسوب می‌شود و با وجود لوث، مورد قسامه است.

سؤال ۱۵۵۳– در یک منازعه دسته جمعی بر اثر اصابت سنگ به ناحیه سر شخصی، وی به قتل می‌رسد، علی رغم انکار متّهم، به لحاظ وجود قرائن ظنّیه شخصی، با اجرای مراسم قسامه به وسیله اولیای دم، متّهم به قصاص نفس محکوم می‌شود. به لحاظ عدم رعایت تشریفات محاکمه و دادرسی، حکم صادره در دیوان‌عالی کشور نقض می‌شود. شعبه دیگر دادگاه، دلایل موجود در پرونده را مفید علم قطعی دانسته و متّهم را به قصاص نفس محکوم می‌نماید. حکم صادره در دیوان‌عالی کشور تأیید و پس از استیذان،

حین اجرای حکم، فرزند متّهم اقرار به قتل می‌نماید و می گوید که می‌خواسته شخص دیگری را که یکی از بستگانش را به سختی مجروح کرده است، با سنگ مضروب نماید؛ ولی سنگ به مقتول که در مجاورت شخص مورد نظر بوده، برخورد کرده است. اینک با فرض این که عمل هر دو نفر (شخصی که ابتدا محکوم به قصاص شد و مُقِرّ) در صورت انتساب قتل به هر کدام، نوعاً کشنده باشد و ادّعای مقرّ مبنی بر این که قصد زدن شخص دیگری را داشته، با توجّه به اوضاع و احوال قضیّه، مقرون به صحّت باشد و با توجّه به این که اولیای دم با اعلام نظر خود مبنی بر این که قتل به وسیله اوّلی صورت پذیرفته، علی رغم اصرار دادگاه در اعلام شکایت علیه یکی از دو نفر، علیه هیچ کدام از این دو بطور منجّز اعلام شکایت ننموده بلکه اعلام داشته‌اند، از هر کدام که دادگاه او را قاتل تشخیص دهد، شاکی و تقاضای قصاص

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۵۳۳

دارند؛ حال دو سؤال مطرح است:

الف) تکلیف دادگاه در مواجهه با شکایت اولیای دم، که تعیین قاتل را به دادگاه واگذار نموده‌اند، چیست؟ آیا با اعلام نظر اولیای دم مبنی بر این که اوّلی قاتل است و اجرای مراسم قسامه، دادگاه می‌تواند به اقرار شخص دوّم که با اوضاع و احوال قضیّه مباینتی ندارد، ترتیب اثر دهد؟ آیا اقرار شخص دوّم می‌تواند به عنوان قرینه معارضی، موجب خروج موضوع (از باب لوث) نسبت به شخص اوّل گردد؟

جواب: هرگاه علم قاضی طبق موازین، حاصل شده باشد و با اقرار فرد دوّم متزلزل نشود، حکم قصاص فرد اوّل با اجازه اولیای دم ثابت است. و اگر اقرار مزبور تزلزل در علم قاضی ایجاد کند، ولی لوث در طرف شخص اوّل باشد، باید به قسامه مراجعه شود و اگر اقرار مانع لوث گردد، باید به اقرار عمل کرد.

ب) اصولًا چنانچه شخصی قصد مضروب کردن دیگری را داشته باشد و عمل وی نوعاً کشنده باشد و به لحاظ عدم مهارت یا لرزش دست و مانند آن، شخص دیگری به قتل برسد، قتل عمدی است یا خیر؟

جواب: این مسأله دو صورت دارد: صورت اوّل این که فرد دوّم بطور عادّی در معرض نبوده و بر اثر خطا، ضربه‌ای بر او وارد شده، در اینجا قتل خطاست؛ ولی اگر هر دو در کنار هم و در معرض بوده‌اند و شخص ضارب مهارتی نداشته و احتمال اصابت به هر یک از آن دو وجود داشته است، قتل عمد محسوب می‌شود.

سؤال ۱۵۵۴- در جنایت عمدی بر اطراف، قسامه چه تعداد است؟

جواب: احتیاط آن است که در اعضا به نسبت دیه عضو از دیه کامله، که قسامه آن پنجاه نفرند، محاسبه شود.

سؤال ۱۵۵۵- آیا در موقع انجام مراسم قسامه، علم قسم‌خورندگان به موضوع قسامه شرط می‌باشد؟ آیا قاضی دادگاه می‌تواند در مواردی که می‌داند تعدادی از

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۵۳۴

قسم‌خورندگان نسبت به موضوع علم و اطّلاع کافی ندارند، سوگند آنها را استماع نکند؟

جواب: آری علم آنها شرط است؛ و اگر قاضی طبق قرائن آشکاری یقین به کذب بعضی از آنها در قسم دارد، نباید به آن اعتنا کند.

سؤال ۱۵۵۶- چنانچه دو نفر متّهم به قتل یا ضرب و جرح باشند و قاضی ظنّ اجمالی به وقوع جرم توسّط یکی از آن دو نفر، لا علی التعیین، داشته باشد، و اولیای دم یا ادّعای علم تفصیلی به وقوع جرم توسّط یکی از آن دو نفر داشته و حاضر به اقامه قسامه با استناد جرم به یکی از آن دو به نحو معیّن می‌باشند، یا این که ادّعای علم اجمالی داشته و حاضر به اقامه قسامه مبنی بر استناد جرم به یکی از متّهمان بدون این که آن یک نفر را معیّن کنند می‌باشند. آیا فروض مذکور از باب لوث می‌باشد یا خیر؟ در فرض دوّم چنانچه

از مصادیق لوث باشد، با اقامه قسامه به کیفیّت مذکور، کدام یک از متّهمان محکوم می‌شوند؟

جواب: در هر دو صورت اگر مقدّمات لوث نسبت به یکی از آن دو تفصیلًا یا اجمالًا حاصل شود، می‌توان اقامه قسامه کرد. در صورت تعیین واضح است و در صورت اقامه قسامه بر احدهما، هر یک ملزم به پرداخت نصف دیه می‌باشد، و این در صورتی است که هر دو انکار کنند و قسم یاد کنند.

سؤال ۱۵۵۷- در نزاعی که بین چند نفر واقع می‌شود:

الف) اگر چندین نفر، همدیگر را مورد ضرب و جرح قرار داده باشند و به نظر دادگاه درگیری محرز باشد؛ ولی هر کدام منکر ایراد ضرب و جرح به دیگری باشد، در صورتی که هر یک از مضروبین نتواند معیّن کند که کدام جراحت را چه کسی وارد ساخته است بلکه فقط می‌تواند قسم بخورد که مثلًا این جراحتها را این اشخاص معیّن زده‌اند، آیا مورد با قسامه قابل اثبات است؟ و اگر هست، نتیجه آن چه می‌شود؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۵۳۵

جواب: مورد با قسامه اثبات می‌شود و نتیجتاً آن اشخاص در فرض سؤال، ملزَم به دیه جروح می‌شوند و چون ضارب مشخّص نیست، دیه بطور مساوی در میان آنها تقسیم می‌شود.

ب) در فرض فوق چنانچه اصل درگیری محرز نباشد و ظنّ حاصل شده باشد، حکم چه می‌شود؟

جواب: اصل درگیری باید احراز شود، یا به بیّنه، یا اقرار، یا قسامه.

ج) اگر به نظر دادگاه محرز باشد که چند نفر، شخص معیّنی را مورد ضرب و جرح قرار داده‌اند، امّا نداند که کدام جراحت را چه کسی وارد نموده است و مضروب نیز نتواند معیّن کند، حکم و نتیجه آن چه می‌شود؟

جواب: دیه میان همگی تقسیم می‌گردد.

د) محلّ قرعه در این مورد کجاست؟

جواب: موردی برای قرعه در این گونه موارد وجود ندارد.

سؤال ۱۵۵۸- چنانچه در قتل خطای محض دیه با قسامه ثابت شود؛ مسئول پرداخت آن کیست؟

جواب: دیه در این گونه موارد بر عاقله است.

سؤال ۱۵۵۹- آیا جراحتی که شرعاً برای آن ارش معیّن گردیده است، با قسامه قابل اثبات می‌باشد؟

جواب: آری ارش نیز با قسامه ثابت می‌شود.

سؤال ۱۵۶۰- آیا شکستگی‌های استخوان نیز جراحت است که با قسامه قابل اثبات باشد؟

جواب: شکستگی‌های استخوان هم مانند سایر جروح است و با قسامه ثابت می‌شود.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۵۳۶

مسائل متفرّقه قصاص

سؤال ۱۵۶۱- در مورد حقوق زنان لطفاً به دو سؤال زیر پاسخ دهید:

الف) در مورد حکم قصاص، تساوی حقوق زن و مرد در چیست؟ با توجّه به این که در حال حاضر در برخی از خانواده‌ها نان‌آور خانواده زن است؛ مثل خانواده‌هایی که مرد آن معتاد یا فوت کرده است و سرپرستی بچّه‌ها و تأمین معاش آنها نیز با مادر است، یا زن و مردهایی که هر دو شاغلند و در برخی از موارد حقوق ماهیانه زن بیشتر از مرد است، اگر مردی این زن، یا این مادر را چه به عمد، یا غیر عمد به قتل برساند، باز حکم او قصاص نیست؟ و حتماً باید برای قصاص نیمی از دیه پرداخته شود؟

جواب: کراراً گفته‌ایم احکام و قوانین الهی تابع افراد و اشخاص نیست؛ بلکه تابع نوع است؛ به این معنا که اگر مجموع مردان جامعه را با مجموع زنان مقایسه کنیم بازدهی اقتصادی مردان بمراتب بیش از زنان است؛ بنابراین مصلحت شخصی معیار نیست، بلکه مصلت نوعی باید در نظر گرفته شود. در قوانین عرفیّه نیز چنین است؛ مثلًا می گویند: برای احراز فلان مقام، شخص باید دکترا داشته باشد، در حالی که عدّه‌ای از لیسانسیه‌ها از عدّه‌ای از دکترها باسوادترند، حتّی عدّه‌ای از کسانی که اصلًا مدرکی ندارند بسیار بافضیلت‌تر از گروهی از آنها هستند که مدارک دانشگاهی دارند در این گونه موارد معیار فرد نیست؛ بلکه معیار مجموعه‌هاست.

ب) از ابتدایی‌ترین دوران زندگی، یعنی تولّد نوزاد، تا دوران بلوغ و رشد، تربیت فرزند بر عهده مادر است، پس چرا بچّه متعلّق به مرد است و اگر زنی به دلیل موجّهی از همسرش جدا شود، حتّی با وجود داشتن تمکّن مالی، حقّ سرپرستی از فرزند خود را ندارد و عواطف شدید مادری نادیده گرفته می‌شود؟

جواب: پاسخ این سؤال نیز مانند پاسخ سؤال گذشته است و در مجموع

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۵۳۷

توانایی مردان بر حمایت و رفع نیازهای اقتصادی کودکان بیش از زنان است؛ ولی اگر در مواردی ثابت شود که حضانت پدر مصالح کودک را به خطر می‌اندازد او را به مادر می‌سپارند.

سؤال ۱۵۶۲- اگر کسی دیگری را در مسجد مجروح نماید و یا به قتل برساند، مجازات او با مجازات مرتکب این کار در خارج مسجد یکی است، یا تفاوت دارد؟

جواب: مجازات یکی است؛ ولی گناهش نزد خدا سنگینتر است، همچنین مکانهای محترم دیگر.

سؤال ۱۵۶۳- کسی که قرار است کشته شود (تیرباران، حلق‌آویز و مانند آن) آیا می‌تواند با هزینه خود از پزشکی بخواهد وی را قبل از قتل بی‌حس یا بیهوش نماید، تا دردی را متحمّل نشود؟ بین حد یا قصاص نفس و اطراف فرقی وجود دارد؟

جواب: در قصاص مشکل است، ولی در حدود مانعی ندارد.

سؤال ۱۵۶۴- کسی به خطّ خود، یا طبق شهادت شهود، از کسی خواسته که به نحوی از انحا او را بکشد. آیا در این صورت قاتل وی قصاص می‌شود؟

جواب: آری قصاص می‌شود و رضایت او مانع از این کار نیست.

سؤال ۱۵۶۵- امروزه زندانیان فراوانی وجود دارند که در انتظار قصاص در حبس به سر می‌برند. این گونه زندانیان که اولیای دم به علل مختلفی قادر به تصمیم‌گیری در مورد قصاص آنها نیستند؛ بعضاً باید مدّت طولانی در حبس به سر ببرند؛ نظر حضرتعالی در این مورد چیست؟

جواب: در گذشته نیز گفته‌ایم که نگهداشتن این افراد، که در انتظار قصاص هستند، در زندانها، آن هم برای مدّتهای طولانی، که گاهی به چندین سال منتهی می‌شود، هیچ گاه در شأن نظام جمهوری اسلامی و نظام قضایی اسلام نیست. ما هیچ دلیل شرعی و فقهی برای زندانی کردن این گونه افراد از نظر شرع مقدّس

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۵۳۸

نداریم. آنها مستحقّ قصاص هستند نه مستحقّ زندان، و نگهداری آنها در زندانها، مخصوصاً برای مدّت طولانی خلاف شرع است، باید با وثیقه کافی آزاد شوند تا در مورد آنها تصمیم‌گیری شود. در این گونه مسائل که ارتباط با زندگی و حیات گروه عظیمی دارد باید بعد از مطالعه و بررسی، قاطعانه تصمیم گرفت و آن را اجرا کرد و متأسّفانه تا کنون در این امر کوتاهی شده که حقیر شاهد و ناظر بعضی موارد اسفبار آن بوده‌ام و کراراً در این باره از ما استفتا کرده‌اند و عدم مشروعیّت آن را (جز در موارد استثنایی) یادآور شده‌ایم.

سؤال ۱۵۶۶- در فرض سؤال فوق در صورتی که تأخیر به خاطر تساهل و تسامح یا صغیر بودن اولیای دم باشد چطور؟

جواب: در صورتی که انتظار قصاص به خاطر کوتاهی اولیای دم است؛ مانند عدم مراجعه، یا عدم اقدام برای پرداخت فاضل دیه و امثال آن، با داشتن تمکّن مالی، نگهداری مجرمان در زندان به هیچ وجه معقول نیست و با هیچ یک از موازین فقهی نمی‌سازد؛ بلکه باید پس از اتمام حجّت با اولیای دم، مجرم را با اخذ وثیقه کافی (و احیاناً کفیل لازم) آزاد کرد و در انتظار اقدام صاحبان حق بود. و در صورتی که انتظار قصاص به خاطر عدم توانایی اولیای دم بر پرداخت فاضل دیه و مانند آن است در این گونه موارد نه ضرورتی دارد که از بیت المال فاضل دیه را بپردازند (مگر در مواردی استثنایی که قصاص با نظم اجتماعی مسلمین ارتباط پیدا کرده باشد) و نه می‌توان مجرم را در زندان، برای مدّت طولانی، نگهداری کرد؛ بلکه باید به همان گونه که در بالا گفته شد عمل شود. و در مواردی که تأخیر حکم قصاص به خاطر این است که پای صغیر در میان است، در این گونه موارد با توجّه به این که غالباً غبطه صغیر در گرفتن دیه است نه قصاص، اولیای صغیر باید از این راه وارد شوند و در نهایت مجرم آزاد گردد و در فرض نادر که قصاص غبطه صغیر است، باید مطابق آن عمل نمود.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۵۳۹

در خاتمه نظر دست‌اندرکاران محترم را به این نکته جلب می‌کنم که درست است که در قصاص حیات است، ولی اولو الالباب باید به این نکته توجّه داشته باشند که تحمیل مجازات اضافی با توجّه به عدم مجوّز شرعی، با موازین عدل اسلامی و مسأله لزوم جمع بین الحقّین و قاعده لا ضرر و اصل برائت، جز به مقداری که دلیل بر آن قائم شده است، مسئولیّت آفرین است.

سؤال ۱۵۶۷- شخصی، دیگری را وادار و اکراه به قتل شخصی ثالث می‌کند و می‌گوید:

الف) اگر فلانی را نکشی تو را خواهم کشت! (مکرِه قدرت انجام تهدید خود را دارد و هر دو بالغ و عاقل هستند).

ب) اگر فلانی را نکشی، تو را مُثله و سپس خواهم کشت؟ (با همان فرض).

ج) اگر فلانی را نکشی تو و خانواده‌ات را خواهم کشت (با همان فرض)

در موارد فوق آیا مُکرَه می‌تواند آن عمل را انجام دهد؟

جواب: در هیچ یک از سه صورت بالا، مُکرَه حقّ کشتن بی‌گناهی را ندارد؛ هرچند خود یا خانواده‌اش کشته شوند.

سؤال ۱۵۶۸- قتلی واقع شده است؛ آیا اولیای دم باید شکایت کنند تا دادگاه مجاز به بررسی و انجام تحقیقات پیرامون قتل باشد، یا این که دادگاه از باب این که نماینده حکومت است بدون شکایت شاکی باید تحقیقات را شروع کند تا قاتل شناسایی گردد؟ لازم به ذکر است گاهی پسری، پدری را می‌کشد و دادگاه از شواهد و قرائن مطمئن است که قتلی صورت گرفته، لکن اولیای دم با این بهانه که میّت مثلًا خودکشی کرده، خواستار عدم پیگیری هستند. در چنین مواردی تکلیف چیست؟

جواب: در شرایط فعلی، حکومت برای حفظ نظام موظّف است قتل را پیگیری کند، هرچند شاکی خصوصی نداشته باشد، و حتّی در صورت عفو شاکی

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۵۴۰

خصوصی حکومت می‌تواند از تعزیر مناسب استفاده کند.

سؤال ۱۵۶۹- اگر انسان فرد دیگری را اجبار کند که شخص ثالثی را بکشد، چه کسی قصاص می‌شود؟

جواب: قصاص مربوط به قاتل است و شخص اکراه‌کننده حبس ابد دارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۵۴۱

فصل چهل و هشتم: احکام دیات

موجبات ضمان

سؤال ۱۵۷۰- اگر انسان در خانه خودش برای آشپزی، یا کار دیگری و به گمان یا اطمینان به این که به منزل همسایه سرایت نمی‌کند و با فرض این که زیاده‌روی در آن نکرده و هوا نیز طوفانی نبوده، آتش روشن کند، اگر اتّفاقاً به منزل همسایه سرایت کرد و باعث آتش‌سوزی شد ضامن است؟

جواب: ضامن است؛ ولی اگر علل قهری مانند وقوع طوفان ناگهانی یا زلزله سبب سرایت شود ضامن نیست.

سؤال ۱۵۷۱- اگر کسی ظالمانه مانع فروش متاعی شود، به مدّتی که سبب تنزّل قیمت آن در بازار گردد، آیا ضامن نقصان قیمت است؟

جواب: در صورتی که آن متاع در مسیر فروش بوده و شخص مزبور مانع شده است ضامن است.

سؤال ۱۵۷۲- اگر کارگر روزمزدی که هر روز کار می‌کند و خرج زن و بچّه‌اش را پیش می‌برد ظالمانه حبس شود، یا به هر صورتی قدرت بر کار از او سلب شود، آیا ظالم ضامن است؟

جواب: احتیاط واجب آن است که خسارت را جبران کند.

سؤال ۱۵۷۳- اگر کسی قفل انباری را بشکند، سپس سارقی از آن انبار اشیایی بدزدد، یا دزد را راهنمایی کند و محلّ انبار را به او نشان دهد، چه کسی ضامن است؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۵۴۲

جواب: در صورتی که سارق توانایی بر شکستن قفل داشته ولی دیگری آن را به جای او شکسته، سارق ضامن است؛ امّا در صورتی که خودش قادر به این کار نبوده و دیگری این راه را برای او گشوده، هر دو در ضمان شریک هستند، همچنین مسأله راهنمایی دزد بنابر احتیاط واجب.

سؤال ۱۵۷۴- همان گونه که مستحضرید، زلزله یکی از سوانح طبیعی است که هر از چندگاهی سبب تلفات انسانی و مالی فراوان در گوشه و کنار جهان می‌شود. از نظر متخصّصان امر، بهترین و مطمئن‌ترین روش کاهش عوارض ناشی از زلزله، احداث بناهای مقاوم در برابر زلزله است. به همین جهت ضوابطی برای احداث ساختمانها وضع شده است که رعایت آن در مناطق زلزله‌خیز الزامی می‌باشد. با این وجود متأسّفانه برخی از صاحبان املاک، مهندسان و پیمانکاران به این ضوابط توجّهی نمی‌کنند و باعث به هلاکت رسیدن عدّه زیادی از مردم به هنگام وقوع زلزله می‌شوند. با توجّه به مطالب فوق خواهشمند است نظر شرع انور را در موارد زیر مرقوم فرمایید:

الف) اگر صاحب ملک به جهت صرفه‌جویی در هزینه‌ها، رعایت ضوابط ساخت و ساز را از مهندس و پیمانکار نخواهد. آیا در صورت بروز زلزله، ضامن فوت ساکنان ساختمان می‌باشد؟

ب) اگر مهندس ناظر و مسئول مربوطه در شهرداری، یا پیمانکار به درخواست صاحب ملک در اعمال ضوابط کوتاهی کنند، آیا ضامن هستند؟

ج) اگر صاحب ملک اطّلاعی از ضوابط نداشته باشد و در نتیجه رعایت آنها را از مهندس و پیمانکار نخواهد، آیا قصور مهندس و پیمانکار در اعمال ضوابط موجب ضمان آنان است؟

د) اگر صاحب ملک اعمال ضوابط را از مهندس و پیمانکار بخواهد؛ ولی آنان در رعایت ضوابط کوتاهی کنند، آیا ضامن هستند؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۵۴۳

ه‍-) اگر فردی که قصد فروش ملک خود را در مناطق زلزله‌خیز دارد، بدون آگاهی یا از روی نیرنگ بگوید که در ساخت بنا رعایت ضوابط شده است، ولی نشده باشد، آیا ضامن است؟

و) آیـا جـایز اسـت کـه از روی مصلحت‌اندیشــی از اعلام خطر وقـوع زلزلـه در برخی از منـاطق ماننــد تهران، خراسـان، گیلاـن و آذربایجان، که از نظر متخصّصان خطر وقوع زلزله دارد، طفره رفت؟

جواب: چنـانچه ضوابط مربـوط به زلزله به صورت قـانون یـا مقرّرات این کشور اسـلامی درآیـد، رعـایت آن بر همه لاـزم است و کوتاهی در آن مسـئولیّت شـرعی دارد؛ خواه از سوی صاحب بنا باشـد یا مهندس ناظر و پیمانکار. و اگر کسـی این اصول را رعایت نکرده و ملـک خود را بر خلاـف آن توصـیف کنـد و بفروشـد، غشّ در معـامله و تـدلیسِ حرام کرده و قابـل تعقیب است و مخفی کردن خطرات زلزله نسبت به مناطق زلزله‌خیز و عدم راهنمایی مردم به وظایفشان در این قسمت، بر خلاف مصلحت جامعه اسلامی است و مسئولان باید به این امور اهمّیّت بدهند، و از نظر ضمان هر گاه طبق معمول عرف ساختمان را ساخته باشد ضامن نیست.

سؤال ۱۵۷۵- همان طور که مستحضرید، والدین مکلّف به حضانت از صغار و مجانین هستند. حال در صورتی که آنها در انجام امر حضانت مرتکب قصور و اهمال گردنـد و از این بابت، صـغار و مجانین خسارتی به اشـخاص ثالث وارد کننـد، آیا مسئولیّتی متوجّه والدین می گردد؟

جواب: در مواردی که ولیّ و قیّم عرفاً باید آنها را از این امور محافظت کنند، در صورت کوتاهی کردن ضامن هستند.

سؤال ۱۵۷۶- در مواردی که وظیفه نگهداری و مراقبت را اشخاصـی مانند دایه یا پرستار به عهده دارند، اگر خسارتی از جانب افراد تحت نظارت آنها، متوجّه دیگران شود، آیا مسئولیّتی متوجّه محافظ می‌شود؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۵۴۴

جواب: جواب مانند مسأله سابق است.

سؤال ۱۵۷۷- در مواردی که صـغار و مجانین مجهول الهویّه، خسارتی به دیگران وارد می‌نماینـد، خسارت وارده به چه طریق جبران می گردد؟ آیا می‌توان خسارت را از بیت المال پرداخت نمود؟

جواب: در مورد قتل نفس جبران از بیت المال بعید نیست؛ ولی در موارد دیگر جبران نمی‌شود.

سؤال ۱۵۷۸- اگر دیوار ملک موقوفه‌ای مشرف به خرابی گردد و بر اثر فروریختن دیوار، کسی کشته یا مجروح شود، در این حالت مسئول پرداخت دیه چه کسی است؟ آیا متولّی موقوفه مسئول است، یا دیه از عایدات موقوفه پرداخت می گردد؟

جواب: اگر دیوار در کنار شارع عام بوده و آثار خرابی در آن ظاهر شده و متولّی کوتاهی کرده است، متولّی ضامن است.

سؤال ۱۵۷۹- در زمـان حاضـر همین وضـعیّت در مـورد اشـخاص حقوقی (شـرکتها) وجود دارد که در پـاره‌ای موارد بـدون این که شخص خاصّ‌ی مقصّ‌ر باشد، در نتیجه فعّالیّت شـخص حقوقی قتل یا ضـرب و جرحی اتّفاق می‌افتد؛ مثل این که بر اثر شکسـتن لوله آب و ورود آن به منزل مسکونی، فردی فوت می‌نماید، در این حالت چه کسی ضامن است؟

جواب: چنانچه حادثه غیر منتظره بوده، کسـی مقصّ‌ر نیست؛ امّا اگر متصـدّیان و مدیران آن مؤسّ‌سه کوتاهی کرده باشـند، اشـخاص آنها مسئولند.

سؤال ۱۵۸۰- موتور سواری در حال حرکت است، ناگهان گوسـفندی را در وسط خیابان مشاهـده می کنـد (حال یا گوسـفند از قبل بوده یـا ناگهـان به وسـط خیابـان دویـده است) و برای اجتنـاب از برخورد بـا آن، فرمـان موتور را کـج می کنـد و در نـتیجه به زمین می‌خورد و در اثر برخورد با جدول خیابان، فوت می کند. با توجّه به این که خیابان محلّ عبور گوسـفند نیست، آیا صاحب گوسفند ضامن دیه موتورسوار است؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۵۴۵

اگر موتور سوار کودکی را در وسـط خیابان ببینـد و همین جریان پیش آیـد، حکم چیست؟ اگر کسـی چاهی را در جادّه‌ای عـدواناً حفر کند و عابری برای احتراز از سقوط در آن، به سمت دیگر حرکت کند و در نتیجه در درّه‌ای بیفتد، آیا حفرکننده ضامن است؟

جواب: در صورتی که موتورسوار بر اثر برخورد با گوسفند، سقوط می‌کرد و کشته می‌شد، دیه او بر صاحب گوسفند بود؛ به شرط این که صاحب گوسفند در حفظ گوسفند سهل‌انگاری کرده باشد و آن محل دید نداشته باشد. ولی در محلّ کلام که حادثه بر اثر فرار اشتباه‌آمیز موتورسوار به وجود آمده، باید خسارت در میان آن دو تقسیم شود، هر کدام به نسبت تأثیرشان در این حادثه. و اگر دید داشته باشد ضامن بودن صاحب گوسفند محلّ اشکال است. و امّا در مورد کودک در جایی که ولیّ او در حفظ او سهل‌انگاری کرده و به محلّی از جادّه رفته است که دید ندارد، همان حکم جاری است. در مورد چاهی که دید ندارد، حفرکننده چاه ضامن است.

سؤال ۱۵۸۱- شخصی کتابی را از کسی امانت گرفته و برای استفاده به جلسه امتحان می‌آورد، پس از استفاده آن را به «مراقب» امتحان می‌دهد تا به هر کس خواست بدهد، او نیز چنین می‌کند؛ آخرین استفاده‌کننده بعد از استفاده، کتاب را همان جا گذارده و خارج می‌شود، چه کسی ضامن است؟

جواب: در صورتی که نفر اوّل مجاز بوده به دیگران بدهد، نفر آخر که آن را در اختیار گرفته و در حفظ آن کوتاهی کرده ضامن است، و در صورتی که مجاز به این امر نبوده ضامن اصلی خودش می‌باشد.

سؤال ۱۵۸۲- اگر کسی با عرضه انبوه کالا، با بدنمایی آن، یا هر ترفند دیگری سبب کاهش بهای آن گردد آیا ضامن است؟

جواب: هر کس در مورد کالای خود می‌تواند هر تصمیمی بگیرد؛ ولی اگر

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۵۴۶

کارهایی کند که در عرف مصداق اضرار به دیگران محسوب شود جایز نیست و در بعضی از موارد ضامن نیز خواهد بود.

سؤال ۱۵۸۳- اتومبیل سواری خارج از شهر حرکت می‌کند، موتور سواری نیز از روبه‌رو و در جهت مخالف در حال حرکت است، موتور سوار بدون در نظر گرفتن فاصله اتومبیل، برای این که عرض جاده را پشت سر گذارد سریعاً جلو اتومبیل می‌پیچد، راننده غافلگیر شده و با مهارت خاصّی اتومبیل را از مسیر موتور سوار منحرف و جان موتور سوار را از مرگ حتمی نجات می‌دهد، ولی اتومبیل از کنترل وی خارج و به بیرون از جاده پرت و واژگون می‌گردد که در نتیجه راننده در اثر ضربه مغزی به حال اغما می‌افتد و توسّط افراد نوع‌دوست راهی بیمارستان می‌شود، با توجّه به این که عامل اصلی حادثه، موتور سوار فراری بوده است، آیا فقط باید راننده موتور از عهده مخارج تعمیر و غرامت اتومبیل و خسارتهای دیگر برآید؟

جواب: چنانچه راننده موتور مقصّر بوده هزینه‌ها از او گرفته می‌شود.

سؤال ۱۵۸۴- این جانب کارگر شرکت «ترمه‌باف» جهت مأموریّت با موتور شرکت به کاشان رفتم، تا ظهر بعضی از کارهای مأموریّتی را انجام دادم و مقداری از کار باقیمانده بود که ظهر شد، ظهر را تا موقعی که مغازه‌ها بازشود. به منزل یکی از برادران رفتم که متأسّفانه بچّه صاحبخانه مریض شد. او را به اورژانس بردم، موتور را درب بیمارستان خاموش کردم و سوئیچ آن را برداشتم و داخل بیمارستان شدم، یک دقیقه بیشتر طول نکشید که برگشتم متأسّفانه موتور به سرقت رفته بود، آیا خسارت آن را باید بپردازم؟

جواب: شما ضامن هستید؛ مگر این که برای این گونه استفاده‌ها اجازه گرفته باشید و در حفظ موتور نیز کوتاهی نشده باشد.

سؤال ۱۵۸۵- شخصی مدّت سه سال در یکی از گاوداریها مشغول کار بوده است، در میان گاوهای شیری یک گاو نر بوده که به مرور زمان وحشی شده و کارگر را قبل از

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۵۴۷

فروختن مورد ضرب قرار داده است. کارگر به صاحب گاو اعلام می‌کند که گاو وحشی شده لذا صاحبش گاو را می‌فروشد، بعد از ۱۵ روز گاو را دوباره برمی‌گردانند، فردای آن روز آن گاو کارگر مزبور را دوباره مورد ضرب قرار می‌دهد که دنده‌هایش

شکسته می‌شود و توسّط صاحب گاو به بیمارستان منتقل می‌گردد و بعد از سه روز در بیمارستان فوت می‌کند، صاحب گاو فردای آن روز گاو را می‌فروشد و بعداً وحشی بودن گاو را انکار می‌کند، در فرض مذکور آیا صاحب گاو در قبال این واقعه مسئولیّت دارد؟

جواب: اگر وحشی شدن و خطرناک بودن مسلّم باشد و صاحب گاو آن را برگردانده باشد ضامن است، بنابر احتیاط واجب.

سؤال ۱۵۸۶- آقای «الف» ساختمانی خریده و بر خلاف مقرّرات شهرداری بالای آن بالکنی ساخته است، به نحوی که دیوار آن به سیمهای برق شهری نزدیک و سیمها در دسترس قرار گرفته و طبق اعلام اداره برق به حریم سیمهای برق تجاوز شده است؛ سپس همین خانه را با بالکن موصوف به آقای «ب» اجاره داده است. بچّه پنج‌ساله مستأجر در بالکن مشغول بازی می‌شود، سیم برق را می‌گیرد و کشته می‌شود. پدر و مادر بچّه، صاحبخانه را مقصّر می‌دانند و صاحبخانه تخلف در ساختن بالکن را قبول دارد، امّا به لحاظ این که جریمه قانونی تخلّف خود را به شهرداری پرداخته و به لحاظ این که شهرداری و اداره برق می‌بایست تخلّف را گوشزد می‌نمودند تا در صورت لزوم بالکن را تخریب نماید و این که مستأجر می‌بایست رعایت نکات ایمنی را بنماید و به لحاظ این که مادر طفل در نگهداری او کوتاهی کرده و به لحاظ این که بچه در بازی کردن زیاده‌روی کرده و خودش را به نحو غیر عادی به سیم برق رسانیده در حالی که سیم برق در دسترس یک بچّه نبوده، لطفاً بفرمایید در این قضیّه چه کسی ضامن است؟

جواب: گرچه صاحب منزل به خاطر تخلّف از مقررات مقصّر است؛ ولی با

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۵۴۸

توجّه به این که سیم برق در فرض مسأله بطور عادی از دسترس اطفال بیرون بوده و طفل به صورت غیر عادی خود را به آن رسانده، کسی در برابر مرگ او مقصّر نیست.

سؤال ۱۵۸۷- شخصی بچّه نابالغ ۸ ساله‌ای را بدون اجازه پدر و مادرش به استخر می‌برد، این بچّه اصلًا شنا بلد نبوده و مسئولین استخر بدون این که تحقیق کنند که پدر و مادر این بچّه از آمدن فرزندشان اطّلاع دارند یا خیر، او را به استخر راه می‌دهند. اتفاقاً این بچّه غرق می‌شود. آیا کسی که این بچّه را به همراه خود به استخر برده ضامن است، یا مسئولین استخر؟ هر کدام چه مقدار؟

جواب: کسی که او را به استخر برده ضامن دیه اوست.

سؤال ۱۵۸۸- سنگی که روی جادّه بوده بطور ناگهانی از زیر چرخ اتومبیل در حال حرکت خارج شده و به ماشین دیگری، که پشت سر آن حرکت می‌کرده، برخورد نموده و اتّفاقاً موجب مرگ یکی از سرنشینان آن ماشین شده است. کارشناسان آگاه و متعهّد راهنمایی و رانندگی اتومبیل جلویی را بی‌تقصیر شناخته‌اند ضمان و مسئولیّت این حادثه بر عهده کیست؟

جواب: در فرض مسأله راننده اتومبیل جلویی در برابر این حادثه مسئول نیست.

سؤال ۱۵۸۹- آیا شوهر در مقابل جهیزیّه زن که در اثر گذشت زمان و بدون تقصیر شوهر از بین رفته است، در فرض طلاق یا فوت همسر ضامن است؟

جواب: در فرض مسأله، شوهر مکلّف به ادای خسارت نیست.

سؤال ۱۵۹۰- فرشهایی که به صورت امانت در اختیار شرکتی جهت فروش قرار می‌گیرد، اگر سوانحی از قبیل دزدی یا آتش‌سوزی رخ دهد و منجر به از بین رفتن اصل مال شود، آیا شرکت ضامن اصل مال است؟

جواب: در صورتی که شرکت در نگهداری آن کوتاهی نکرده باشد، ضامن نیست.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۵۴۹

سؤال ۱۵۹۱- در یک نزاع خانوادگی ابتدا مرد روی زن خود نفت ریخته و قصد آتش زدن وی را داشته است، ولی از این کار منصرف می‌شود؛ امّا بعداً زن خود را با روشن کردن کبریت، آتش می‌زند و این کار منتهی به فوت وی می‌گردد. آیا در این مورد

مسئوليّتى متوجّه مرد مى‌باشد؟

جواب: مرد گناه كرده و مستحقّ تعزير است؛ لكن در فرض مسأله ضامن ديه آن زن نيست.

سؤال ۱۵۹۲- كارگرى به صورت روزمزد براى ديگرى، غير از پيمانكار و يا صاحب شركت، كار شخصى مى‌كند. اگر اين كارگر در حين كار به مرگ غير طبيعى مثلًا به علّت زمين خوردن، ضربه ديدن، يا عقرب‌زدگى و مانند آن فوت كند، آيا صاحب كار ضامن ديه اوست؟

جواب: ديه بر عهده صاحب كار نيست؛ مگر آن كه قبلًا شرط كرده باشند كه ديه او در هر حال بر عهده صاحب كار باشد، يا قانون كار ايجاب كند و آنها بر اساس قانون كار قرارداد بسته باشند.

سؤال ۱۵۹۳- در نزديكى يكى از روستاها تلمبه‌خانه‌اى قرار دارد كه آب آن روستا را تأمين مى‌كند و نگهبانى و حراست آن بر عهده يكى از اهالى ده بوده است. در يكى از روزها، كه شخص نگهبان كليد موتور را به دست فرزندش داده تا آن را روشن كند، چند دختر جوان براى آوردن آب به آنجا مى‌روند كه بر اثر باران به ساختمان تلمبه‌خانه پناه مى‌برند؛ متأسّفانه بر اثر تماس لباس يكى از دختران به موتور، آن دختر جان خود را از دست مى‌دهد. فرزند آن نگهبان چون طريقه خاموش كردن موتور را نمى‌دانست، نتوانست موتور را خاموش كند و همراه دختران ديگر به بيرون فرار مى‌كند. با توجّه به اين كه مسئول تلمبه‌خانه بر اثر بى‌احتياطى و كوتاهى، كليد ساختمان را به پسرش داده و او نتوانسته موتور را خاموش كند و اين كه دختران نمى‌دانستند كه نزديك شدن به موتور خطرناك است و از ورود دختران به محل

استفتاءات جديد (مكارم)، ج۲، ص: ۵۵۰

موتور جلوگيرى نشده است، آيا نگهبان تلمبه‌خانه ضامن خون مقتوله است؟

جواب: گرچه نگهبان تلمبه‌خانه كار خلافى انجام داده، ولى مسئول خون آن دختر نيست.

سؤال ۱۵۹۴- فردى به اتّهام قتل، يا قتل‌هاى عمد محكوم به اعدام شده؛ ولى در زندان و يا در پاى چوبه دار بدون اجراى حكم به مرگ طبيعى فوت مى‌كند. آيا ديه مقتول يا مقتولين بايستى از دارايى او پرداخت شود؟

جواب: آرى، ديه به مال او تعلّق مى‌گيرد.

سؤال ۱۵۹۵- بيست سال پيش، پاسى از نيمه شب گذشته، دو نفر عابر پياده كه يك نفر از آنان ظاهراً قصد استمداد و دريافت بنزين داشته، مقطع عرضى جادّه را با عجله و بدون رعايت احتياط طى مى‌نمايند، كه متأسّفانه از بغل از ناحيه سر به شيشه يك اتومبيل سوارى برخورد و به علّت عكس العمل تصادم به وسط جادّه پرت مى‌گردد، اتومبيلى كه از سمت مخالف در حركت بوده به خارج از جادّه منحرف مى‌شود. توجّه شود كه حادثه از جلو و برخورد روبه‌رو صورت نگرفته، بلكه دقيقاً به علّت همزمانى اتومبيل سوارى و عابر، وى به شيشه جلو برخورد مى‌نمايد. راننده پس از رؤيت حادثه مى‌بيند مصدوم خون‌آلود نيست؛ ولى در تاريكى به صورت بى‌هوش بر زمين افتاده است. به اتّفاق همراه مصدوم، تصميم به حمل او مى‌گيرند، ولى راننده پس از روشن كردن ماشين، صحنه را ترك و فرار مى‌كند. پس از گذشت ساليانى، راننده حادثه در وضعيّتى قرار دارد كه عذاب وجدان و مسأله شرعى او را به احساس تكليف واداشته است و بيمار شده و چون وضعيّت بيمارى او شايد امكان حيات طولانى را براى وى ميسور نسازد و از سويى تلاش او براى يافتن مصدوم و يا كسب اطّلاع از اين كه وى، فوت كرده يا در حيات است، ميسّر نيست. تكليف شرعى او براى رفع اداى دين چيست؟ هرچند واقعه به صورت عمد نبوده و بى‌احتياطى عابر علّت حادثه بوده و فرار راننده هم جزء مصاديق تقصير يا قصور است، در صورتى

استفتاءات جديد (مكارم)، ج۲، ص: ۵۵۱

كه ديه واجب باشد، با توجّه به اين كه مقتول شناخته نشده نيست، ديه به چه كسى پرداخت مى‌شود؟

جواب: اگر مقصّر عابر پیاده بوده، دیه نـدارد، و اگر راننده به خاطر سرعت یا امور دیگر مقصّر بوده دیه دارد، و اگر هر دو مقصّر بوده‌انـد بایـد درصـد تقصیر را اجمالًا حساب کند و طبق آن از دیه بپردازد و اگر دسترسـی به آن شـخص یا ورثه او برای ادای دیه ندارد، اجازه می‌دهیم دیه را به افراد نیازمند از فامیل یا غیر فامیل بپردازد.

سؤال ۱۵۹۶- این جانب همسری داشتم که از من جدا شد؛ پس از جدایی اقدام به ازدواج مجدّد نمودم، چهار فرزند همسر اوّلم نزد این جانب و در کنار نامادری، احساس راحتی نمی‌کردنـد. حدود ۸ ماه قبل، دختر بزرگ همسر اوّل، که ۱۶ ساله می‌باشد، با کمال تأسّف نامـادری خود را به قتـل رسانیـد و موضوع توسّـط مراجع قـانونی در حـال پیگیری می‌باشـد. مراجع ذی‌صلاح انگیزه قتل را فشارهـای روحی و روانی بیان کرده‌انـد، این جانب بر سـر دوراهی در قبال قتل همسـرم و تکلیف دختر و نهایتاً احقاق حقّ فرزنـدان همسر مقتولم از نظر شرع مقدّس و وجدان درونیم می‌باشم. این جانب از یک سو ولیّ قهری فرزندان صغیر، و از طرف دیگر مدافع فرزند قاتل می‌باشم. دیگر این که با مسأله دیه مواجه بوده که پرداخت‌کننده و گیرنده دیه نیز خودم می‌باشم، هرچند از نظر مالی در مضیقه بوده و تنها مایملک این جانب یک باب منزل مسکونی می‌باشد که در حال حاضر مورد استفاده من است. لطفاً مرا راهنمایی فرمایید.

جواب: شـما نسبت به حقّ خودتان، به عنوان شوهر مقتول، می‌توانید گذشت کنید؛ ولی نسبت به حقّ صغیران، یعنی بچّه‌های مقتوله، بایـد بگذاریـد کبیر شونـد و خودشـان تصـمیم بگیرنـد؛ اگر تصـمیم بر قصاص بگیرنـد، بایـد یک چهارم دیه را بپردازنـد که ظاهراً توانایی ندارند. طبیعتاً ناچارند، دیه بگیرند. در صورتی که دختر

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۵۵۲

شما مالی از خودش داشته باشد، باید سهم دیه آنها را بدهد، در غیر این صورت بر ذمّه او می‌ماند؛ هر وقت توانایی پیدا کرد، قابل تعقیب است و اگر بچّه‌ها بعد از بلوغ و رشد عقلی کافی او را ببخشند، همه چیز تمام می‌شود.

سؤال ۱۵۹۷- یکی از علمـا با فرزنـد جوانش، که جهادگر جبهه‌های حق علیه باطل بود، هر دو در نیمه شب به دست عوامل یکی از گروهکها شـهید شدند؛ یکی را کشـتند و صحنه تصادف تصنّعی برایش ایجاد کردند و پس از قتل صدماتی بر بدنش وارد کردند و دیگری را در آب بسیار کم‌عمـق خفه کردنـد و متأسّـفانه به پرونـده‌های ایشـان رسیدگی نشـده است. اگر اولیـای دم (بـا تـوجّه به سفارش قرآن شریف مبنی بر اولویّت عفو) فقط قصاص را عفو کنند، در مورد دیه و کفّارات حکم چیست؟

جواب: هرگاه صاحبان خون از قصاص صـرفنظر کننـد، می‌توانند آن را مشـروط به دیه (یا کمتر یا بیشتر از آن) نمایند؛ ولی موافقت قاتل یا قاتلین در آن شـرط است و اگر آنها موافقت نکننـد، تنها قصاص جایز است. و اگر بطور مطلق عفو نمایند، دیه‌ای نیز نصـیب آنها نمی‌شود و در هر صورت بایـد کفّاره قتل عمـد را بپردازند، که در زمان ما دو چیز بیشتر نیست. و دیه آسیب رساندن به جسـد مقتول به خود او تعلّق می‌گیرد و باید در مصارف خیر مصرف گردد.

سؤال ۱۵۹۸- این جانب یکی از کارمندان اداره راه و ترابری اسـتان مرکزی هسـتم، ماشینی از اداره در دست این حقیر بود که برای امورات اداره از آن استفاده می‌کردم، امّا متأسّفانه در وقت اداری با یکی از همکاران به دنبال کار اداره در جادّه اراک- شازند چپ کردیم که در این حادثه همکارم صدمه سختی دید و متأسّفانه بعد از ۵۲ روز بی‌هوشی فوت کرد. کارشناس راننده را مقصّر قلمداد می‌کنـد. از طرفی ماشـین اداره، بیمه سرنشـین نداشـته است، اکنون خـانواده آن مرحوم درخواست دیه می‌کننـد. آیا می‌شود ماشـین اداره، آن هم برون شـهری، بیمه نباشـد؟ در صورتی که در روزهای اوّل بیمه ضـمانت کرده بود که من را از زنـدان آزاد کند، ولی حالا می‌گوید

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۵۵۳

بیمه نیست. آیا دیه آن مرحوم به عهده من است؟ چگونه بپردازم؟

جواب: چنانچه شما راننده بوده‌اید و تقصیر شما ثابت شود، دیه بر عهده شماست و لغزنده بودن جادّه و امثال آن مانع تعلق دیه در صورت مقصّر بودن نیست و اگر توانایی ندارید بر ذمّه شما خواهد بود که تدریجا بپردازید. و اگر معمول این است که تمام اتومبیل‌های اداره باید نسبت به سرنشین نیز بیمه باشند آنها در بیمه کردن کوتاهی نموده‌اند و شما اغفال شده‌اید، آنها نسبت به مقدار بیمه مسئولند، و اگر چنین نیست آنها مسئولیتی ندارند.

سؤال ۱۵۹۹- آیا دیه زن و مرد اهل کتاب مساوی است، یا متفاوت می‌باشد؟

جواب: دیه زن در هر حال نصف مرد است.

سؤال ۱۶۰۰- کسی در یک نزاع دسته‌جمعی فردی را عمداً و دیگری را بطور غیر عمد به قتل می‌رساند. پس از اجرای حکم قصاص او در مورد قتل عمد، بفرمایید نحوه وصول و مطالبه دیه مقتولِ غیر عمد، چگونه و به عهده کیست؟

جواب: در صورتی که قتل شبه عمد باشد، باید دیه از اموال او برداشته شود.

سؤال ۱۶۰۱- اگر مسلمانی فردی از اهل کتاب تحت ذمّه را عمداً بکشد دیه دارد یا قصاص؟

جواب: قصاص ندارد؛ مگر این که از این حکم سوء استفاده کند و چندین مرتبه دست به این کار بزند، در این صورت قصاص خواهد شد.

سؤال ۱۶۰۲- اگر کافر ذمّی مسلمانی را به صورت غیر عمد بکشد، دیه دارد یا قصاص؟ دیه چه مقدار است؟

جواب: دیه کامله دارد.

دیه اعضای بدن

اشاره

سؤال ۱۶۰۳- با توجّه به این که دیه صدمات وارده بر زن در صورتی که به ثلث دیه

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۵۵۴

کامله برسد نصف می‌شود، چنانچه جراحات و صدمات متعدّدی به زنی وارد شود، در هر یک از صورتهای زیر چه حکمی دارد:

الف) صدمات تماماً با یک ضربه و در یک لحظه وارد شده است و دیه مجموع بیش از یک سوّم دیه کامله است.

ب) هر یک از صدمات با ضربه‌ای جداگانه و لیکن در زمان واحد عرفی (نه عقلی)، که عرف آن را جنایت و حادثه واحد می‌شمارد، وارد شده باشد، اگر چه چند لحظه یا چند دقیقه هم طول بکشد.

ج) هر یک از صدمات با ضربه‌ای جداگانه و در زمانهای مختلف عرفی و با رعایت فاصله وارد شده باشد.

مستدعی است بیان فرمایید باید دیه مجموع صدمات را محاسبه کرد، تا در صورت به ثلث رسیدن نصف گردد، یا این که هر یک از صدمات بایستی جداگانه محاسبه شود؟

جواب: در صورتی که صدمات وارده بر بدن بقدری نزدیک به هم باشد که یک صدمه محسوب شود دیه آن یک جا حساب می‌شود، و اگر صدمات جداگانه است، هرچند با یک ضربه یا در زمانی واحد انجام شده باشد، مثل این که با یک ضربه دست و پای او را با هم شکسته باشد، هر یک جداگانه محسوب می‌شود، همچنین اگر در زمانهای مختلف واقع شده باشد.

سؤال ۱۶۰۴- شخصی مورد ضرب قرار گرفته است، قاضی علم اجمالی دارد که ضارب یا زید است یا عمرو، ولی متعیّناً نمی‌داند که کدام یک ضارب است، و خودشان هم اقرار نمی‌کنند، وظیفه قاضی چیست؟

جواب: چنانچه در اثر ضربه جراحت یا نقصی حاصل شده، و هر دو قسم یاد کنند که مرتکب آن نبوده‌اند، دیه بین هر دو تقسیم

می‌شود.

سؤال ۱۶۰۵- معلّم بازنشسته آموزش و پرورش هستم، به اقتضای شغلم گاهی

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۵۵

بچّه‌های مردم را تنبیه بدنی کرده‌ام و حال دسترسی به فرد فرد آنان ندارم که حلالیّت بطلبم، چگونه می‌توانم ردّ مظالم کنم؟

جواب: اگر از طرف پدران آنها مجاز بوده‌اید و در حد مشروع تنبیه انجام شده مشکلی ندارید، و اگر چنین نبوده و دسترسی به آنها ندارید چنانچه تنبیهی بوده که دیه به آن تعلّق می‌گرفته باید مقدار دیه را از طرف صاحب اصلی آن در راه خدا بدهید، و اگر در حدّ دیه نبوده برای آنها استغفار و کار خیر انجام دهید.

سؤال ۱۶۰۶- در یک منازعه دسته جمعی طرفین جراحات متعدّدی برداشته‌اند، مصدومین قادر به تعیین ضاربین نبوده، بلکه فقط می‌دانند که جروح وارده به وسیله مثلًا پنج نفر مقابل وارد گردیده است؛ در این صورت اگر تقاضای قصاص شود نحوه اثبات قضیّه چگونه است؟ در صورت تقاضای دیه چه کسانی محکوم می‌شوند؟ و راه ثبوت آن چیست؟

جواب: هرگاه ثابت شود که جنایت از آن چند نفر خارج نیست دیه در میان آنها تقسیم می‌شود و در اینجا قصاص نیست.

سؤال ۱۶۰۷- در برخی از مسائل فقهی، از جمله بحث عقیم نمودن و دیات اعضا، اشاره به فاسد شدن عضو شده است. آیا منظور از فساد عضو از بین رفتن شکل ظاهری آن است، یا منظور از بین رفتن کارایی و عملکرد عضو می‌باشد؟

جواب: فساد عضو مراتبی دارد؛ گاهی بکلّی از کار می‌افتد و گاهی درصدی از کارایی آن از بین می‌رود و هر کدام دیه یا ارش خاصّ خود را دارد.

سؤال ۱۶۰۸- شخصی بر اثر ضربه جنایتکاری مبتلا به ضربه مغزی گردیده و مدّتی بیهوش می‌شود. آیا این ضربه مغزی دیه خاصّی دارد؟

جواب: اگر نجات پیدا نکند و ضربه عمدی نبوده باشد دیه کامله دارد، و اگر نجات پیدا کند باید دید در چه قسمتهایی از بدن او نقص پیدا شده، دیه آن عضو ثابت می‌شود. و اگر نقصی پیدا نشود به خاطر ضربه مغزی ارش دارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۵۶

سؤال ۱۶۰۹- با توجّه به این که دیه فلج کردن هر عضوی که دیه معیّن دارد، دو ثلث دیه همان عضو است، آیا اگر فلج بطور کامل نباشد بلکه نسبی باشد (مثلًا چهل درصد فلج)، در این گونه موارد باید ارش تعیین نمود، یا می‌بایست به نسبت درصد اعلام شده محاسبه نمود؛ مثلًا چنانچه در یک پا چهل درصد شل نسبی ایجاد شود، می‌بایست ۵۰۰* ۳۲* ۱۰۰۴۰ دینار را محاسبه نمود، یا می‌بایست طبق نظر کارشناس ارش تعیین کرد؟

جواب: باید دیه به نسبت ضایعه و نسبت به دیه شلل محاسبه شود.

سؤال ۱۶۱۰- همان گونه که مستحضرید، بر اساس برخی روایات وارده در باب دیات، خوب شدن بعضی جراحات یا نقص عضوها (نظیر شکستگی استخوان در اعضایی که دیه مقدّره دارد) میزان دیه را تغییر می‌دهد. با توجّه به این که امروزه به خاطر پیشرفت علم پزشکی، تعداد قابل ملاحظه‌ای از جراحات و نقص عضوها، قابل درمان می‌باشد. بفرمایید:

الف) آیا تأثیر درمان در میزان دیه را، می‌توان به غیر موارد مصرّح در فقه تعمیم داد؟

جواب: در غیر موارد منصوصه تأثیری ندارد.

ب) آیا پیوند عضو مقطوع در میزان دیه تأثیر دارد یا خیر؟ مثلًا در صورتی که انگشت یا دست شخصی در اثر جنایت قطع شود، اگر به موقع اقدام گردد می‌توان عضو مقطوع را پیوند زد، حکم آن چیست؟

جواب: پیوند عضو دیه را تغییر نمی‌دهد.

سؤال ۱۶۱۱- شلیک یک گلوله، شکستگی استخوان و فلج شدن پا را به همراه داشته است؛ آیا در این مورد دیه نافذه، و شکستگی استخوان و فلج شدن توأماً باید از سوی ضارب پرداخت گردد؟

جواب: هر سه دیه باید پرداخت شود.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۵۵۷

سؤال ۱۶۱۲- در مواردی نظیر شکستگی ستون فقرات که دیه کامله دارد، طبق فتوای فقها اگر این شکستگی به گونه‌ای معالجه شود که اثری از جنایت باقی نماند، جانی باید یک صد دینار بپردازد. در این گونه موارد فعلیّت درمان و اصلاح ملاک است، یا قابلیّت آن؟ به این معنا که اگر فعلیّت ملاک باشد، از ابتدا دیه کامله به عهده جانی قرار می‌گیرد و جانی موظّف به پرداخت تمام دیه می‌باشد- که پس از اصلاح و خوب شدن، ۹۰۰ دینار به او پس داده می‌شود- یا منتظر می‌ماند که پس از معالجه، دیه مقرّره (۱۰۰ دینار) را بپردازد (اگر چه ذمّه‌اش به کلّ دیه مشغول است)؛ ولی اگر قابلیّت درمان ملاک باشد، از همان ابتدا ذمّه جانی به یک صد دینار مشغول می‌شود.

جواب: ظاهر ادلّه این مسأله فعلیّت درمان است؛ بنابراین تا درمان نشده باید دیه را بدهد.

سؤال ۱۶۱۳- مطابق مبانی فقهی، آیا می‌شود به جانبازان (مجروحین جنگ تحمیلی) دیه پرداخت نمود؟

جواب: دیه در مورد مجروحان جنگی و جانبازان از بیت المال در تاریخ اسلام سابقه ندارد؛ ولی هرگونه کوششی برای حلّ مشکلات این عزیزان بجاست.

سؤال ۱۶۱۴- برخی معتقد به پرداخت غرامت به آسیب‌دیدگان جنگ می‌باشند و مبنای غرامت را تشخیص عرف می‌دانند. نظر حضرتعالی چیست؟

جواب: غرامت مانند دیه در تاریخ جنگهای اسلامی سابقه نداشته است که از بیت المال بدهند؛ ولی زندگی آنان باید تأمین گردد.

سؤال ۱۶۱۵- از نظر فقهی، وظیفه کسانی که در جنگ شرکت نکردند (قاعدین)، در قبال این عزیزان (مجاهدین) چیست؟ آیا دولت می‌تواند با وضع قوانین از قاعدین چیزی دریافت داشته و به مصرف مجاهدین برساند؟

جواب: سزاوار است هم حکومت اسلامی و هم مردمی که در جنگ شرکت

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۵۵۸

نکرده‌اند، ولی از برکات خونهای شهیدان و تلاش جانبازان در امن و امان به سر می‌برند، برای حلّ مشکلات آنها دست به دست هم دهند و در صورت ضرورت حکومت اسلامی می‌تواند قوانینی برای این موضوع وضع کند.

سؤال ۱۶۱۶- اگر فرض بر پرداخت دیه نباشد، آیا هزینه‌های درمانی این عزیزان قابل محاسبه هست؟

جواب: هزینه‌های درمانی آنان باید از بیت المال پرداخت شود.

سؤال ۱۶۱۷- پزشکی که جهت کنترل جمعیّت و پیشگیری از حاملگی اقدام به بستن لوله‌ها می‌کند، و مراجعه‌کننده را عقیم می‌سازد و امکان بازگشت نیز غالباً وجود ندارد؛ آیا دیه‌ای به او تعلّق می‌گیرد؟

جواب: اگر به تقاضای مراجعه‌کننده بوده باشد، دیه تعلّق نمی‌گیرد، در غیر این صورت طبیب باید ارش بدهد.

سؤال ۱۶۱۸- وطی زوجه از دُبر چه حکمی دارد؟ اگر این عمل سبب ایجاد جراحت در موضع مذکور گردد، آیا دیه یا ارشی تعلّق می‌گیرد؟

جواب: این کار بدون رضایت زوجه حرام است، و با رضایت او نیز کراهت شدید دارد و اگر موجب آسیبی شود، دیه تعلّق می‌گیرد.

دیه مو

سؤال ۱۶۱۹- در کتابهای علمی نوشته شده که تمام سطح بدن را مو پوشانیده است. با توجّه به این مطلب که فقط کف دستها و پاها و روی ناخنها مو ندارد، آیا قطع هر نوع مویی که روی بدن وجود دارد، موجب پرداخت دیه است؟

جواب: اگر مانند ابروها و محاسن و موی سر، در آن جایی که انسان علاقه به نگهداشتن آن دارد بوده باشد، دیه یا ارش دارد.

سؤال ۱۶۲۰- آیا کیفیّت موی بدن در پرداخت دیه مو تأثیر دارد؟ مثلًا اگر مویی

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۵۵۹

باشد که زاید است، یا مویی باشد که ریشه‌اش ضعیف است، یا مویی باشد که به شکل مصنوعی در بدن کاشته‌اند، آیا کندن این طور موها دیه دارد؟

جواب: موهای زاید و مصنوعی دیه ندارد، هرچند کندن آن بدون اجازه صاحبش حرام است و خسارت موی مصنوعی و کشت آن را باید بدهد.

سؤال ۱۶۲۱- اگر کسی موی بدن شخص دیگری را به شکلی قطع کند که مو از ریشه قطع نشود؛ بلکه ریشه مو سالم باشد، آیا مقدار مویی که قطع شده دیه دارد؟

جواب: اگر مانند ابروها و محاسن و موی سر، در آن جایی که انسان معمولًا علاقه به نگهداشتن آنها دارد بوده باشد، ارش دارد.

دیه چشم

سؤال ۱۶۲۲- فردی در نزاع، یک چشم طرف مقابل را معیوب می‌کند؛ ولی در اثر مداوا و بستری شدن در بیمارستان، چشم او خوب می‌شود، از طرفی دادگاه بیش از دو میلیون تومان دیه مقرّر نموده است. با توجّه به این که چشم خوب شده، دریافت این دیه از لحاظ شرعی چه صورتی دارد؟

جواب: از حکمی که دادگاه داده اطّلاعی نداریم؛ امّا به هر حال هر آسیبی، هرچند بعداً معالجه شود، دیه دارد.

دیه بینی

سؤال ۱۶۲۳- لطفاً به دو سؤال ذیل پاسخ فرمایید:

الف) آیا شکستگی استخوان تیغه بینی دیه دارد یا ارش؟ اگر دیه دارد، آیا طبق شکستگی استخوان عضوی که دیه کامل دارد محاسبه می‌شود؟

ب) در تعیین ارش با توجّه به این که اکنون غلام و کنیزی جهت برآورد میزان ارش وجود ندارد، چگونه باید عمل کرد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۵۶۰

جواب: اگر بینی کاملًا ضایع شود دیه کامله دارد و اگر چنین نباشد ارش دارد و منظور از ارش آن است که مقدار درصد نقص عضو و خرابی آن در نظر گرفته شود و از مجموع کلّ دیه حساب شود. مثلًا اگر نقص عضو ۲۵٪ باشد، ۲۵ درصد دیه عضو به او پرداخته می‌شود، و مقایسه با غلام و کنیز معیار ارش نیست.

سؤال ۱۶۲۴- اگر در اثر ضربه‌ای قصبه بینی (قسمت نرم و انعطاف‌پذیر داخلی بینی که در طول استخوان بینی قرار دارد) از وسط بشکند، یا از استخوان بینی جدا شود. در صورت بهبود یافتن و یا عدم آن، دیه‌اش چگونه محاسبه می‌شود؟ آیا مشمول حکم شکستگی استخوان می‌شود؟

جواب: ظاهر این است که مشمول ارش می‌باشد.

دیه دست

سؤال ۱۶۲۵- در اثر ایراد جرح عمدی با شیء برنده از طرف متّهم، دست راست مجنیٌّ علیه از ناحیه مچ دچار جراحت از نوع متلاحمه گردیده که طبق نظر پزشک قانونی به علّت آسیب اعصاب و عروق و رباطهای دست راست در ناحیه مچ، دست شاکی به میزان ۵۰٪ دچار نقص عضو شدید حرکتی گردیده است. نحوه تعیین دیه و میزان آن چگونه خواهد بود؟

جواب: احتیاط واجب آن است که علاوه بر پرداخت دیه جراحت، دیه شلل عضو را هم به نسبتی که اهل خبره مورد وثوق خبر می‌دهند بپردازد.

سؤال ۱۶۲۶- چنانچه به دستها و پاها و یا هر یک از آن جداگانه، ضربه‌ای وارد شود که باعث از بین رفتن توانایی آن عضو در انجام وظیفه گردد، بدون آن که شکل ظاهر آن عضو تغییر کند، دیه آن چه مقدار است؟

جواب: اگر به حال شلل درآید، دیه شلل به آن تعلّق می‌گیرد.

سؤال ۱۶۲۷- اگر فردی که در شرکتی مشغول فعّالیّت است و بر اثر سانحه کاری ۵۴

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۵۶۱

از کف دست راست او قطع گردد:

الف) دیه آن چقدر است؟

ب) مقدار و نوع دیه را شخص خسارت‌دیده باید مشخّص نماید، یا شرکت خسارت دهنده؟

جواب: اگر خودش مقصِّر بوده و قراردادی با آن مؤسّسه در این زمینه نداشته، دیه ندارد؛ ولی هرگاه علّت این حادثه آن شرکت بوده یا قراردادی میان شرکت و کارگران است که حوادث ناشی از کار را جبران کنند، دیه چهار انگشت را باید بپردازد و نسبت به از بین رفتن مقداری از کف دست، مصالحه کنند، و دیه هر انگشت یک دهم (۱۰۱) دیه کامل است.

سؤال ۱۶۲۸- شخصی با قمه دست مجنیٌّ علیه را از مچ قطع کرده، به گونه‌ای که به پوست آویزان شده است؛ ولی بلافاصله او را به دکتر می‌رسانند و دکتر دست مجنیٌّ علیه را پیوند می‌زند، امّا آن دست ۷۵ درصد کارآیی خود را از دست می‌دهد، آیا بر جانی ارش لازم است، یا دیه قطع دست؟

جواب: اگر دست کاملًا جدا شده و به پوست آویزان بوده است دیه تعلّق می‌گیرد؛ هرچند بعداً پیوند زده شود و اگر جنایت عمدی باشد قصاص دارد.

سؤال ۱۶۲۹- لطفاً به دو سؤال زیر پاسخ فرمایید:

الف) پزشکی قانونی در مورد صدمات وارده بر دختر بچّه صغیری ضمن معاینه در قسمتی از نظریّه خود چنین نوشته است: «صدمه به عصب رادیال دست چپ که باعث افتادگی دست چپ شده است»، در خصوص صدمه عصب رادیال که از ناحیه بازو بوده است مبلغ هشتصد و سی و پنج هزار تومان ارش تعیین گردیده است، خواستم از حضرتعالی استفتا کنم در مورد افتادگی دست چپ که تحت کنترل شخص صدمه دیده نیست، آیا تعیین دیه لازم است یا ارش؟

جواب: در مورد دیه از کارافتادگی، دیه آن، دو ثلث دیه همان عضو است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۵۶۲

ب) در مورد صدمات وارده در دو مورد ۶۱ دیه کامل و ۱۰۰۲ دیه کامل برای صدمات وارده تعیین گردیده و جمعاً مبلغ یک میلیون و دویست و سی و پنج هزار تومان ارش تعیین گردیده است، در خصوص این که اگر دیه صدمات وارده به زن از ۳۱ دیه کامل بیشتر شود، نصف آن قابل پرداخت است. آیا در مورد ارش هم این مسأله صادق است؟

جواب: تفاوتی میان دیه و ارش در این قسمت نیست.

دیه پاها

سؤال ۱۶۳۰- پسر بچّه‌ای یازده‌ساله در اثر تصادف با ماشین مجروح گردیده است، موارد جراحت به شرح زیر می‌باشد:
الف) پوست و گوشت قسمت زیادی از ماهیچه ساق پا و ران مجروح و له گردیده است (در حدّی که گوشتهای جدا شده از پا به زمین ریخته است).
ب) کاسه زانو و مفصل هر دو قطعه‌قطعه شده است.
ج) بعضی از اعصاب و رگهای زیر زانو و ماهیچه‌ها که در سلامت و حرکت پا نقش دارند در حدّ پاره شدن رسیده است.
د) صفحه رشد که از سنین کودکی تا ۱۸ سالگی باعث قد کشیدن و رشد استخوان ساق پا و ران می‌شود از بین رفته، در نتیجه این پا کوتاه می‌ماند و پای دیگر به رشد طبیعی خود ادامه می‌دهد.
نهایتاً پس از جرّاحیهای مکرّر و پیوندهای لازم پای مصدوم کج و کوتاه و زانویش بی‌حرکت و مقداری خمیده مانده که طبق نظریّه پزشکی قانونی در مجموع و در شرایط فعلی ۶۵٪ نقص عضو (نسبت به ارزش عضوی) ایجاد شده است. خواهشمند است مقدار دیه و یا ارش را که شخص ضارب و مقصّر نسبت به موارد فوق باید بپردازد بیان فرمایید. در ضمن جهت ترمیم گوشت و پوست پای مصدوم از پای
استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۵۶۳
دیگرش گوشت و پوست برداشته و پیوند زده‌اند، آیا پای سالم هم که تکّه‌برداری شده و اثراتش باقی است ارش دارد؟
جواب: به نسبت خسارتی که بر پا وارد شده از مجموع دیه پا، ارش باید پرداخته شود و احتیاط این است که ارش نقصی که بر عضو دیگر برای ترمیم این عضو وارد می‌شود نیز پرداخته شود، به اضافه هزینه درمان.
سؤال ۱۶۳۱- اگر استخوان کشککك زانو توسّط جانی بشکند، آیا ارش دارد یا دیه؟ در صورتی که دیه داشته باشد، مقدار آن چقدر است؟
جواب: دیه آن یک صد دینار است (۷۵ مثقال طلا).

دیه دندان

سؤال ۱۶۳۲- اگر در اثر ضربه، تاج دندان دچار شکستگی شده باشد مشمول دیه کامل است؛ ولی با توجّه به این که در حال حاضر با معالجه ریشه دندان و گذاشتن تاج مصنوعی، ظاهراً درمان می‌شود، چه حکمی دارد؟

شیرازی، ناصر مکارم، استفتاءات جدید (مکارم)، ۳ جلد، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم - ایران، دوم، ۱۴۲۷ ه‍ ق استفتاءات جدید (مکارم)؛ ج۲، ص: ۵۶۳
جواب: احتیاط آن است که طرفین مصالحه به ارش کنند.
سؤال ۱۶۳۳- کشیدن دندان (چه سالم، چه معیوب و یا دندانی که بر اثر بیماری لق شده است)، دیه دارد یا خیر؟ اگر دارد، به عهده کیست؟
جواب: اگر به اجازه صاحب دندان و برای معالجه باشد دیه‌ای ندارد، ولی اگر دندان سالم را اشتباهاً بکشد، ضامن است.
سؤال ۱۶۳۴- دندانهایی به علّت بیماری لثه دچار سستی است و در اثر کوچکترین ضربه از دهان بیرون می‌افتد، اگر اصابت ضربه از سوی فردی باعث کننده شدن چنین دندانی شود، دیه به آن تعلّق می‌گیرد؟ آیا دیه این گونه دندانها به مقدار دیه دندان سالم و

طبیعی است؟

جواب: اگر دندان برای غذا خوردن و سخن گفتن قابل استفاده است، دیه

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۵۶۴

دندان صحیح به آن تعلّق می‌گیرد. در غیر این صورت نسبت به کارایی آن ارش دارد.

سؤال ۱۶۳۵- دندانهایی که در اثر ضربه سیاه می‌شوند و مشمول دیه می‌باشند، در حال حاضر با معالجه ریشه دندان و سفید کردن آن، ظاهراً شبیه دندان طبیعی می‌گردد. آیا در این صورت دیه کامله تعلّق می‌گیرد؟

جواب: دیه آن ۳۲ دیه دندان سالم است.

سؤال ۱۶۳۶- بعضی افراد بیش از ۲۸ دندان دارند. در این صورت اگر کسی ۲۸ عدد آن را عمداً از بین ببرد، آیا عدد ۲۸ موضوعیّت دارد و دیه کامل دارد، یا به نسبت دندانهای شکسته شده و دندانهای مانده دیه تعیین می‌گردد؟

جواب: چنانچه دندانهای طبیعی او بیش از ۲۸ عدد باشد احتیاط آن است که نسبت به از بین بردن ۲۸ دندان باید دیه بپردازد و نسبت به بقیّه باید از طریق حکومت و ارش اقدام شود.

دیه شکستگیها

سؤال ۱۶۳۷- در موارد ایراد صدمه بدنی غیر عمدی به مصدومی که شکستگی استخوان داشته و نهایتاً ایجاد نقص عضوی با نسبتهای مختلف، مثلًا ۲۰، ۴۰، ۹۰ درصد و مانند آن در مجنیٌّ علیه گردیده، طبق قانون دیات در مورد نقص عضو ایجاد شده مطلقاً یک پنجم دیه همان عضو منظور شده است، حال آن که در بعضی موارد نقص عضو خیلی ناچیز بوده و اختلالی در عمل آن عضو ایجاد نمی‌نماید و گاهی خیلی زیاد بوده و منجر به نقص عضوهای شدید با درصد بالا می‌گردد که باعث از کارافتادگی نسبی یا دائمی مجنیٌّ علیه می‌گردد.

آیا صلاح است که بر مبنای دیه یک عضو و بر اساس درصد نقص عضو دیه احتساب شود؟ مثلًا برای نقص عضوی ۷۰ درصدی، هفتاد درصد دیه آن عضو مقدّر

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۵۶۵

گردد؟ در صورت عدم صلاحدید جنابعالی در مورد فوق، آیا جایز می‌باشد که علاوه بر دیه مقدّر مبلغی با تشخیص حاکم شرع به عنوان ارش مازاد بر دیه (جهت ایجاد نقص عضو حاصله از شکستگی استخوان) اخذ گردد؟

جواب: چنانچه عضو مزبور مانند دست بکلّی از کار بیفتد دیه شلل، که ۳۲ دیه عضو است، دارد و اگر بطور کامل نیفتد به همان نسبت از کارافتادگی از این دیه محسوب می‌شود.

سؤال ۱۶۳۸- چنانچه در اثر ضربه، چند نقطه از یک استخوان (مانند استخوان ساق پا) دچار شکستگی شود بفرمایید:

الف) آیا هر شکستگی دیه جداگانه دارد، یا پرداخت یک دیه برای همه آنها کافی است؟

جواب: هر شکستگی دیه مستقل دارد؛ مگر آن که چنان به هم نزدیک باشد که یکی محسوب شود.

ب) در این فرض آیا ایجاد چند شکستگی در اثر یک یا چند ضربه با هم تفاوت دارد؟

جواب: تفاوتی نمی‌کند.

ج) اگر در اثر ضربه، علاوه بر شکستگی استخوان تکه‌ای از همان استخوان نیز جدا شود، آیا برای جدا شدن استخوان دیه شکستگی استخوان باید پرداخته شود، یا حکم دیگری دارد؟

جواب: برای جدا شدن قسمتی از استخوان باید ارش بپردازد.

سؤال ۱۶۳۹- با توجّه به این که در نحوه تعلّق دیه به استخوانهای پنج گانه دست و پا، که در امتداد استخوانهای انگشت قرار گرفته‌اند و اصطلاحاً به آنها «متاکارپ» گفته می‌شود، تردید وجود دارد، و همچنین در کلیّه اعضایی که دارای دیه معیّن شرعی هستند و استخوانهای متعدّد دارد این تردید موجود است، زیرا فرع فقهی

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۵۶۶

مربوط به موضوع حکم مسأله را بطور کلّی و مطلق و بدون شرح و تفصیل بیان می‌کند، و موادّ قانونی نیز چنین است که اجمالًا متن مادّه قانونی (۴۴۲ قانون مجازات اسلامی) به شرح ذیل آورده می‌شود «دیه شکستن استخوان هر عضوی که برای آن عضو دیه معیّن است خمس آن می‌باشد و اگر معالجه شود و بدون عیب گردد دیه آن ۵۴ شکستن آن است و » ... اکنون با توجّه به مراتب فوق این سؤال پیش می‌آید که در مواردی که واقعاً استخوان عضو، مثل دست و پا متعدّد است (منظور کف دست و پا می‌باشد) دیه مذکور به پنج قسمت تقسیم می‌شود، یا هر یک از آنها که بشکند، و لو این که بقیّه سالم باشند، کلّ دیه یاد شده تعلّق می گیرد؟ مثلًا در ساعد دست و ساق پا که دو استخوان «درشت‌نی و نازک‌نی» وجود دارد مسأله از چه قرار است؟

جواب: ظاهر ادلّه آن است که دیه تقسیم بر استخوانها می‌شود، بنابراین هر کدام از استخوانها بخشی از دیه را به خود اختصاص می‌دهد.

سؤال ۱۶۴۰- دیه شکستگی ستون فقرات در مواردی دیه کامله و در مواردی هم صد دینار است، حال اگر ستون فقرات با ضربه واحد و یا ضربات متعدّد در یک زمان عرفی و یا در زمانهای متفاوت، مثلًا از دو جا شکسته شود یک دیه تعلق می گیرد، یا دو دیه، یا یک دیه و ارش تعلّق می گیرد؟

جواب: ظاهر این است که هر کدام از شکستگیها دیه خود را دارد.

سؤال ۱۶۴۱- با توجّه به این که در فقه و کتب مربوطه از جمله جواهر و لمعه و تحریر الوسیله دیه قطع لحیین مشخّص شده، و در تعریف لحیین آورده‌اند «هما العظمان اللذان متلقاهما الذقن و یتصل طرف کل واحد منهما بالاذن من جانبی الوجه، و علیهما نبات الاسنان السفلی» و از طرفی در لغت فارسی و عرب، انسان دارای ۲ فک (آرواره) پایین و بالا می‌باشد، و لحیین بر اساس تعریف مذکور فقط شامل فکّ پایین می‌شود، حال در هر یک از فروض ۱- قلع ۲- شکستن فکّ بالا (قطع نظر از

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۵۶۷

دندانهای بالا) دیه مربوطه چگونه محاسبه می‌شود و آیا فرض اوّل مشمول ارش و فرض دوّم داخل در هاشمه می‌باشد؟

جواب: فکّ بالا جزئی از استخوان صورت است و چنانچه آن را بشکنند احکام شکستن استخوان بر آن جاری می‌شود؛ و کاری به لحیین ندارد.

سؤال ۱۶۴۲- در شکستگی‌های استخوان اعضای زن معیار یک پنجم دیه خود زن هست، یا دیه کامل مرد، با لحاظ این که میزان دیات اعضا متفاوت می‌باشد؟

جواب: دیه مرد و زن در این مورد یکسان است.

شجاج و جراح

سؤال ۱۶۴۳- تعاریف موارد زیر از نظر فقه چیست؟ (تا بتوان مشابه پزشکی آن را ارائه کرد):

الف) حارصه. ب) دامیه. ج) متلاحمه. د) سمحاق. ه-) موضحه. و) هاشمه. ز) مأمومه. ح) دامغه. ط) منقّله. ی) جائفه.

جواب: الف) حارصه، جراحتی است که پوست بدن را می‌شکافد و به گوشت نمی‌رسد.

ب) دامیه، آن است که علاوه بر شکافتن پوست، خون جاری شود؛ یعنی کمی در گوشت وارد گردد.

ج) متلاحمه، جراحتی است که به مقدار قابل توجّهی در گوشت فرو می‌رود؛ ولی به پوست استخوان نمی‌رسد.

د) سمحاق، ضربه‌ای است که گوشت را پاره می‌کند و به پوست نازکی که استخوان را پوشانیده است می‌رسد؛ ولی آن را پاره نمی‌کند.

ه‍) موضحه، جراحتی است که سفیدی استخوان در آن نمایان می‌شود، و پوست آن پاره می‌شود.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۵۶۸

و) هاشمه، ضربه‌ای است که استخوان را می‌شکند، خواه توأم با جراحتی باشد یا نباشد.

ز) مأمومه، ضربه‌ای است که استخوان سر را می‌شکند و به مغز سر می‌رسد؛ ولی پوسته‌ای که روی مغز قرار دارد پاره نمی‌شود.

ح) دامغه، فراتر از مأمومه است و آن ضربه‌ای است که جمجمه را شکاف می‌دهد و به مغز می‌رسد.

ط) منقّله، ضربه‌ای است که سبب جابه‌جایی استخوانها می‌شود.

ی) جائفه، جراحتی است که به جوف بدن، مانند شکم یا سینه یا پشت یا پهلوها، می‌رسد.

سؤال ۱۶۴۴- شخصی به وسیله بیل ضربه‌ای بر سر کسی زده که استخوان جمجمه را شکسته و مغز را مورد اصابت قرار داده است، پس از شش ماه طبق نظر پزشکان کمیسیون پزشکی مضروب دچار عوارض سردرد، سرگیجه، فراموشکاری و نقص عضو به میزان ده درصد شده است لطفاً در این مورد به سؤالات زیر پاسخ فرمایید:

الف) آیا این ضربه قابل قصاص است؟

جواب: این ضربه قابل قصاص نیست.

ب) اگر نباشد دیه آن که طبق نظر پزشکان «مأمومه» است و نیز عوارض و نقص عضو ده درصدی چقدر است؟

جواب: دیه این ضربه ثلث دیه قتل است و نسبت به نقص عضو دیه ندارد؛ امّا حالت فراموشکاری به مقداری که حاصل شده است، ارش دارد؛ یعنی آن را به کلّ دیه عقل و هوشیاری که دیه کامل است می‌سنجند و به همان نسبت باید دیه بپردازند.

سؤال ۱۶۴۵- آیا مورد منقّله (جراحتی که درمان آن جز با جابه‌جا کردن استخوان میسّر نمی‌باشد) فقط اختصاص به دیه جراحات سر و صورت دارد، یا در سایر

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۵۶۹

اعضای بدن هم جاری است؟

جواب: فرقی میان اعضای بدن نیست، در هر مورد پانزده درصد دیه عضو است.

سؤال ۱۶۴۶- در مورد جراحت جائفه که موجب فلج نیز می‌گردد، دادگاه باید دیه کدام یک از صدمات را تعیین نماید؟ دیه جائفه یا فلج، یا هر دو را؟

جواب: باید هر دو دیه پرداخت شود.

سؤال ۱۶۴۷- اگر یکی از جراحتهای حارصه، دامیه و مانند آن در کف دست واقع شود ارش دارد، یا نسبت به دیه دست محاسبه می‌شود؟

جواب: ظاهر این است که باید ارش داده شود.

سؤال ۱۶۴۸- همان طور که استحضار دارید دیه جراحات وارده بر سر و صورت با توجّه به نوع جراحت متفاوت است و دیه مقرّره در هر مورد در قانون مجازات اسلامی پیش‌بینی شده است؛ مثلًا دیه حارصه (خراش پوست بدون آن که خون جاری شود) یک شتر و دیه موضحه (جراحتی که از گوشت بگذرد و پوست نازک روی استخوان را کنار زده و استخوان را آشکار کند) پنج شتر، و هکذا ... با توجّه به قبول این واقعیّت که ارش زمانی تعیین می‌گردد که برای جراحت و غیره شارع مقدّس دیه‌ای پیش‌بینی نکرده

باشد، سؤال حقیر این است: در صورتی که جراحتی (از هر نوع) بر صورت کسی وارد گردد و جراحت التیام یابد، ولی اثر جراحت بر روی پوست صورت مجنیٌّ علیه باقی بماند (به نحوی که هر کس ببیند متوجّه آن اثر گردد) و از طرف دیگر نوعی نقص زیبایی ایجاد نماید، آیا در چنین حالتی حاکم شرع می‌تواند علاوه بر دیه مقرّره، ضارب را به پرداخت مبلغی به عنوان ارش (تحت عنوان نقص زیبایی) نیز محکوم نماید؟

جواب: ظاهر ادلّه شرع این است که دیه برای جبران همه این امور است و چیز اضافی لازم نیست؛ ولی اگر مجنیٌّ علیه مجبور شود هزینه‌هایی برای رفع نقایص

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۵۷۰

ظاهری متحمّل شود که در عرف آن را ضروری بدانند و این هزینه‌ها از دیه زیادتر باشد می‌تواند مقدار اضافی را نیز از جانی بگیرد، اضافه بر این اگر نقص زیبایی شدید باشد احتیاط دادن ارش است.

سؤال ۱۶۴۹- طفلی صورت طفلی دیگر را با سنگ مجروح کرده است و زخم هم بنابر تشخیص پزشک قانونی «دامیه» است و دیه هم دو شتر است. سؤال این است که آیا این دیه را ولیّ طفل می‌تواند اسقاط کند؟

جواب: ولی نمی‌تواند دیه طفل را اسقاط کند؛ مگر این که مصلحت مهمّی برای طفل داشته باشد.

سؤال ۱۶۵۰- متّهم اقرار می‌کند که یک سیلی به شاکی زده است، لکن مشخّص نیست که ضربه وارده موجب تغییر رنگ پوست شده یا خیر؟ یا تغییر ایجاد شده چه مقدار می‌باشد، در این فرض چه باید کرد؟

جواب: باید به حدّ اقل دیه که جنبه قطعی دارد قناعت شود.

سؤال ۱۶۵۱- اگر کسی به خود ضرر و زیانی وارد کند (منظور تغییر رنگ پوست و خراشیدگی آن است)، دیه آن چگونه است و چه کسی باید بپردازد؟

جواب: وارد کردن ضرر و زیان به خود دیه ندارد؛ هرچند در بسیاری از موارد گناه است.

تغلیظ دیه

سؤال ۱۶۵۲- درباره تغلیظ دیه در ماههای حرام بفرمایید:

الف) آیا تغلیظ دیه مختصّ قتل عمد است، یا شامل قتل شبه عمد و خطای محض نیز می‌شود؟

جواب: تفاوتی نمی‌کند؛ هرچند بهتر است که در دیه خطا و شبه عمد نسبت به زاید مصالحه کنند.

ب) آیا حکم مذکور مختصّ مسلمین است، یا شامل اهل کتاب نیز می‌گردد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۵۷۱

جواب: احتیاط آن است که در مورد اهل کتاب نیز دیه با تغلیظ پرداخت شود.

ج) آیا جهل قاتل به حکم یا موضوع، در تغلیظ دیه تأثیری دارد؟

جواب: تأثیری ندارد.

سؤال ۱۶۵۳- مردی، زنی را کشته است. اولیای دم برای قصاص باید اوّل نصف دیه یک مرد را به او بپردازند، حال اگر این قتل در ماه حرام اتّفاق افتاده باشد، با توجّه به حکم تغلیظ دیه، آیا باید نصف دیه یک مرد در ماه حرام را به وی بپردازند، یا نصف دیه یک مرد در غیر ماه حرام؟

جواب: باید نصف دیه عادّی معمولی یک مرد را بپردازند.

دیه جنین

سؤال ۱۶۵۴- زن حامله‌ای در اثر تصادف غیر عمدی کشته می‌شود و جنین او هم می‌میرد، آیا قاتل باید دیه هر دو را پرداخت نماید؟

جواب: آری باید دیه هر دو را بدهد.

سؤال ۱۶۵۵- در صورتی که جنین سقط شده دوقلو یا بیشتر باشد، دیه چگونه پرداخت می‌شود؟ به اندازه یک جنین، یا هر تعداد که باشد؟

جواب: به هر تعدادی که باشد دیه تعلّق می‌گیرد؛ (هر کدام یک دیه).

سؤال ۱۶۵۶- لطفاً به سؤالات زیر پاسخ فرمایید:

الف) با توجّه به پیشرفت علم طب در لقاح خارج رحمی (آی- وی- اف) چنانچه کلّ دوره ۹ ماهه قبل از تولّد در محیط آزمایشگاهی طی شود، آیا زمان حلول روح به این جنین با حلول روح به جنین در شکم مادر متفاوت است؟

جواب: باید آن آزمایشها جواب این سؤال‌ها را بدهد که آیا در چهارماهگی حسّ و حرکت که نشانه حلول روح است در جنین حاصل می‌شود یا نه؟ ممکن است یکسان یا متفاوت باشد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۵۷۲

ب) چنانچه سلّولهای مورد نیاز متعلّق به مرد و یا زن یا هر دو جهت تشکیل نطفه از بانک مربوطه، که بعضاً از افراد ناشناس تهیّه می‌شود باشد، آیا چنین جنینی حلال زاده است؟

جواب: تنها فرزندانی که از نطفه زن و شوهر عقدی حاصل می‌شوند حلال‌زاده هستند و بقیّه در حکم حلال‌زاده نیستند و ترکیب دو نطفه اجنبی جایز نیست.

ج) آیا سقط چنین جنینی دیه دارد؟

جواب: ساقط کردن آن جایز نیست.

سؤال ۱۶۵۷- خانمی بر اثر تجاوز جنسی حامله شده، و این مسأله فشار روحی سختی را بر او وارد می‌کند، آیا سقط جنین در این فرض جایز است؟

جواب: سقط جنین جایز نیست؛ مگر این که نگهداری آن جنین مایه بیماری شدید مادر و کسالت روانی او گردد، که در این صورت می‌توان به حاملگی او پایان داد؛ مشروط بر این که جنین در ماههای اوّلیه باشد.

سؤال ۱۶۵۸- دختری (نعوذ باللّه) از زنا حامله شده است، برای حفظ آبرو جنین را (که پسری ۷ ماهه بوده) با همکاری و رضایت خودش سقط کرده‌اند، دیه این جنین چه مقدار است؟ و به چه کسی می‌رسد؟

جواب: چنانچه او دارو خورده و خودش سقط کرده دیه را خودش باید بپردازد، و اگر طبیب عهده‌دار این کار بوده دیه بر عهده اوست، و دیه آن بنابر احتیاط واجب دیه بچّه حلال‌زاده است؛ اگر پسر بوده دیه کامله و اگر دختر بوده نصف دیه کامله می‌باشد. و دیه را در اینجا باید به حاکم شرع داد تا در مصالح مسلمین صرف کند و در هر صورت مرتکب گناه شده است.

سؤال ۱۶۵۹- دختری (نعوذ باللّه) از زنا حامله شده و حمل او پسری ۷ ماهه بود. برای حفظ آبرو، یک نفر از بستگان دختر به همراه مادربزرگش و یک نفر از بستگان

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۵۷۳

آن پسر، که دختر مدّعی بود حمل از طرف اوست، به همراه شخص دیگری که رانندگی ماشین آنها را بعهده داشت، آن دختر را پیش طبیب می‌برند و آن طبیب با رضایت دختر، بچه را سقط می‌کند، خواهشمندم بفرمایید شرعاً چه کسی باید دیه را بپردازد؟

همچنین مجازات آن چهار نفری که دختر را نزد طبیب بردند چیست؟

جواب: ساقط کردن ولد الزّنا جایز نیست و در فرض مسأله دیه بر عهده طبیب است و کسانی که در این کار معاونت کرده‌اند در برابر دیه مسئول نیستند؛ ولی چون معاونت در حرام کرده‌اند تعزیر می‌شوند.

عفو از دیه

سؤال ۱۶۶۰- دوستم پیشنهاد کرد با هم به شکار برویم، هوا بارانی و زمین را گرد و غبار گرفته بود. دوش به دوش هم می‌رفتیم که در بالای کوه شبحی دیده شد. دوستم محمّد گفت: «عقاب است، آن را بزن» نشانه‌گیری کردم و آن را زدم، عقاب ناپدید شد. بعد از تیراندازی در پایین کوه نشستم و محمّد رفت تا لاشه آن را بیاورد. بعد از صعود به بالای کوه، مرا صدا زد. رفتم، دیدم شخصی به نام محمّد حسین آنجا افتاده و بر اثر اصابت تیر دار فانی را وداع گفته است، مادر مقتول سهم دیه خود را به ما بخشید؛ ولی سهم همسر مقتول و دو پسرش را به حکم شرع محوّل نموده است. بعد از مدّتی مادر مقتول به وسوسه اهالی منطقه، دوباره سهم خود را ادّعا کرد.

الف) آیا مادر مقتول می‌تواند دوباره سهم خود را مطالبه کند؟

جواب: بعد از بخشیدن، حقّ بازگشت ندارد.

ب) آیا قاتل قصاص می‌شود، یا باید خونبها بدهد؟

جواب: در فرض مسأله جای قصاص نیست؛ بلکه باید دیه پرداخت شود و دیه بر عهده قاتل است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۵۷۴

ج) آیا دوستم محمّد که مرا به شکار برد و دستور تیراندازی داد، در دادن این دیه، یا خونبها شریک است؟

جواب: او مسئولیّتی ندارد و در دیه شریک نیست.

عاقله

سؤال ۱۶۶۱- عاقله چیست و در موارد پزشکی چگونه قابل تعمیم و تطبیق است؟ (مواردی که عامل، پزشک و کادر پزشکی می‌باشند و قبلًا برائت از مریض و کسان او نطلبیده‌اند).

جواب: عاقله، نزدیکان هر کس از طرف پدر می‌باشند، و شامل برادران، عموها و پسرعموها می‌شود و احتیاط این است که پدر و فرزندان شخص نیز در آن شرکت کنند، و دیه قتل خطا را در میان خود تقسیم کنند تا پرداختن آن آسان شود، و شامل هر کسی می‌شود که مرتکب قتل خطا گردد.

سؤال ۱۶۶۲- در صورت استنکاف عاقله از پرداخت دیه، آیا می‌توان عاقله را حبس کرد؟ آیا می‌توان عاقله را به عنوان متّهم دستگیر و برای آنها قرار صادر کرد تا از فرار آنها جلوگیری شود؟

جواب: دیه مانند سایر دیون است؛ اگر بدهکار توانایی دارد و حاضر به پرداخت نیست می‌توان او را زندانی کرد؛ ولی در صورت عدم توانایی باید به او مهلت داد.

سؤال ۱۶۶۳- اگر عاقله جانی دیوانه باشد، آیا می‌توان از طریق دادگاه دیه را از مال او برداشت نمود؟

جواب: جایز نیست.

سؤال ۱۶۶۴- هرگاه نابالغی متّهم به قتل عمدی، یا جرح عمدی مادون قتل و مافوق موضحه گردد، و پس از بلوغ اقرار و اعتراف نماید و با اقرار جرم او ثابت گردد،

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۷۵

آیا دیه بر عاقله است؟ یا چون اقرار نموده، بر عهده خود اوست؟ در این خصوص تعقیب قبل از بلوغ و اقرار بعد از بلوغ، یا تعقیب بعد از بلوغ و اقرار قبل از بلوغ تفاوتی در حکم ایجاد می‌کند؟ و نیز بین ممیّز و غیر ممیّز، مراهق و غیر مراهق فرق است؟

جواب: در مواردی که دیه بر عاقله است، اقرار بعد از بلوغ اثری ندارد، نه نسبت به عاقله؛ چون اقرار بر ضدّ آنهاست و نه نسبت به خودش؛ چون فرض بر این است که جنایت مزبور دیه‌اش بر او نیست؛ ولی در مواردی که دیه بر شخص جانی است (یعنی مادون الموضحه) اقرار مزبور مؤثّر است و فرقی بین ممیّز و غیر ممیّز و مراهق و غیر مراهق نیست.

نحوه پرداخت دیه

سؤال ۱۶۶۵- به سؤالات زیر پاسخ دهید:

الف) شخصی مرتکب قتل شبه عمد شده و یک سال و چند ماه است که در زندان به سر می‌برد، اختلاف بر سر این است که دیه از چه موقع حالّ می‌شود؟ از زمان وقوع جرم، یا از زمان محکومیّت در دادگاه؟

ب) آیا با گذشت نصف مدّت زمان ادای دیه، همین مقدار از دیه نیز حالّ می‌شود؟

جواب: از زمان وقوع جرم حساب می‌شود؛ ولی تا تمام مدّت اقساط نگذرد دیه حالّ نمی‌شود.

سؤال ۱۶۶۶- گرچه فتوای مشهور فقهای بزرگوار (رضوان اللّه علیهم) این است که قیمت دیه را یوم الادا محاسبه می‌نمایند، لیکن اخیراً مستنداً به نظریّه بعضی از اساتید و بزرگان عصر حاضر، شاید به دلیل برقراری یک رویّه و نظم خاص در پرداخت دیه، قیمت آن را بر مبنای روز صدور و قطعیّت حکم محاسبه می‌کنند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۷۶

حال سؤال این است که: به نظر مبارک حضرتعالی در پرداخت قیمت دیه معیار یوم الاداست، یا روز صدور حکم، یا روز وقوع حادثه؟

جواب: اگر دیه تبدیل به قیمت شود باید مطابق قیمت یوم الادا باشد؛ مگر این که طرفین توافق به غیر آن نمایند.

سؤال ۱۶۶۷- بر اساس دستور شارع مقدّس، مهلت پرداخت دیه در قتل و جراحات شبه عمد (مانند جراحات یا تلفات ناشی از تصادفات رانندگی) دو سال می‌باشد. آیا تقاضای اعسار جانی قبل از انقضای مهلت مقرّر، مسموع می‌باشد؟

جواب: قبل از مدّت مقرّر نیازی به تقاضای اعسار نیست. اگر این تقاضا مطرح شود، نسبت به بعد از آن مؤثّر خواهد بود. ضمناً در مورد دیه اعضا، در صورتی که زیاد نباشد، احتیاط واجب آن است که فوراً پرداخت شود؛ ولی اگر زیاد باشد (حدود یک سوّم دیه یا بیشتر)، زمان‌بندی فوق در آن جاری است.

سؤال ۱۶۶۸- زید در سال ۱۳۷۱ به علّت بی‌احتیاطی در رانندگی، در ماه حرام مرتکب قتل شبه عمد شده است. پرونده‌ای در دادگستری تشکیل و با آن که در همان زمان آماده رسیدگی و صدور حکم بوده، به علّت اشتباه یا سهل‌انگاری کارمندان دادگستری، بدون صدور حکم بایگانی شده است. در اثر پیگیری زید (متّهم) در سال ۱۳۷۶ پرونده پیدا شده و در سال ۱۳۷۷ از طرف دادگاه حکم به پرداخت دیه و ثلث آن صادر شده است. آیا زید (محکومٌ علیه) شرعاً بایستی دیه مقرّره را بر مبنای نرخ دو سال بعد از تاریخ فوت متوفّی بپردازد، یا به نرخ زمان بعد از صدور حکم؟

جواب: باید طبق قیمت روز بپردازد؛ ولی چنانچه مسئولان دادگستری سبب ضرر و زیان او شده‌اند، آنها ضامن تفاوت می‌باشند.

موارد پرداخت دیه از بیت المال

سؤال ۱۶۶۹- لطفاً جواب این دو سؤال را مرقوم فرمایید:

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۷۷

الف) خانواده مقتول می‌خواهد برای قصاص نصف دیه را به قاتل بدهد، در صورت عدم تمکّن اولیای دم از پرداخت این مبلغ و درخواست آنان از دستگاه قضایی، آیا می‌توان آن را از بیت المال پرداخت نمود؟

جواب: جایز نیست.

ب) مواردی که عدم قصاص، عوارض سیاسی اجتماعی داشته باشد و به نوعی حکومت باید حضور یابد، در صورت عدم تمکّن اولیای دم از پرداختن تفاوت دیه، آیا می‌توان آن را از بیت المال پرداخت نمود؟

جواب: با رضایت اولیای دم به قصاص مانعی ندارد.

سؤال ۱۶۷۰- قاتلی محکوم به پرداخت دیه شده است. پس از پرداخت قسمتی از دیه، مدّعی اعسار شده و دادگاه قاتل را معسر شناخته و بقیّه دیه را بر عهده بیت المال گذاشته است؛ سپس ولیّ دم به بیت المال مراجعه کرده و بیت المال به علّت کمبود بودجه فقط حدود نیمی از آنچه را که باید پرداخت کند، پرداخت نموده است. آیا ولیّ دم می‌تواند مجدّداً به قاتل مراجعه و بقیّه دیه را مطالبه نماید؟

جواب: اگر قاتل صاحب مالی شده است، ارباب دم می‌توانند به او رجوع کنند.

سؤال ۱۶۷۱- چنانچه در قتل غیر عمدی ناشی از تصادفات رانندگی، محکومٌ علیه پس از انقضای مهلت پرداخت دیه (دو سال) دادخواست اعسار از پرداخت دیه تقدیم دادگاه نماید و پس از بررسی توسّط محکمه اعسار وی ثابت گردد و چنین احراز گردد که نامبرده قادر به پرداخت دیه در آتیه هم نخواهد بود و از طرفی اولیای دم متوفّی چند نفر صغیر هستند که از نظر مالی در مضیقه هستند، آیا می‌توان حکم به پرداخت دیه از بیت المال کرد؟ در صورتی که نظر مبارک مثبت باشد، مستند حکم را اعلام فرمایید.

جواب: باید دیه او را بیت المال بپردازد و مدرک آن روایاتی است که تصریح

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۷۸

می‌کند «لا یبطل دم امرئ مسلم»؛ بعلاوه مورد بعضی از آن روایات خصوص مورد سؤال است.

سؤال ۱۶۷۲- چنانچه فرد محکوم به پرداخت دیه فوت نماید، و ورثه او قادر به پرداخت دیه مذکور از ترکه وی نباشند، آیا می‌توان آن را از بیت المال پرداخت نمود؟

جواب: آری دیه را باید از بیت المال پرداخت نمود.

سؤال ۱۶۷۳- بیشتر ورثه مقتول، قاتلی که بایستی اعدام شود را عفو کرده‌اند. یک یا چند نفر از ایشان نه حاضر به دادن رضایت هستند، و نه قادر به پرداخت سهم الدّیه سایر ورثه می‌باشند. آیا ورثه مصرّ به قصاص می‌توانند مبلغ لازمه را از بیت المال مطالبه کنند؟ اگر چنین امری ممکن نباشد، آیا قاتل با پرداخت و تودیع سهم الدّیه ورثه معترض، از قصاص معاف خواهد شد؟

جواب: در فرض مسأله اخذ از بیت المال دلیلی ندارد. چنانچه گروهی رضایت دهند و بقیّه امتناع کنند، قاتل را باید با وثیقه کافی آزاد کرد تا بقیّه تصمیم بگیرند.

سؤال ۱۶۷۴- درباره قتل شبه عمد اگر قاتل معسر باشد دیه از خویشان نزدیک قاتل گرفته می‌شود، با رعایت الاقرب فالاقرب، و با اعسار خویشان، نهایتاً بیت المال دیه را پرداخت می‌کند. خواهشمند است بیان فرمایید موضوع فوق منحصر به قتل است، یا شامل غیر قتل هم می‌شود؛ مثلًا کسی که ۹۰ درصد بینایی یک چشم را از دست داده، یا کلّ بینایی یک چشم را از دست داده و جانی هم معسر است و خویشان و نزدیکان او نیز معسر هستند، آیا دیه از بیت المال پرداخت می‌شود؟

جواب: در غیر قتل دلیلی بر گرفتن دیه از خویشاوندان یا بیت المال نداریم.

مسائل متفرّقه دیات

سؤال ۱۶۷۵- آیا دیه در جزای اسلامی جریمه محسوب می‌شود، یا نوعی جبران
استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۷۹
خسارت مادّی وارده از طرف جانی می‌باشد؟

جواب: ظاهر ادلّه این است که هر دو جنبه را دارد. هم جنبه جبران خسارت و هم جنبه بازدارنده؛ به همین دلیل یکی از نامهای دیه، عقل است، که به معنای بازداشتن می‌باشد.

سؤال ۱۶۷۶- شخصی محکوم به پرداخت دیه شده است و فقط مقداری از آن را داده و یا اصلًا دیه را نداده است. با توجّه به این که طبق قانون و نظر آقایان علما، دیه، دین نبوده، بلکه نوعی مجازات است، اگر این قاتل فوت کند، آیا دیه از وی ساقط می‌شود؟ اگر ساقط نمی‌شود، نحوه وصول آن چگونه و بر عهده کیست؟

جواب: دیه هم بدهی است و هم مجازات. بنابراین بعد از فوت قاتل می‌توان، مانند سایر دیون، از اموال او برداشت.

سؤال ۱۶۷۷- چرا در اسلام دیه و ارثیّه زنها نصف مردها می‌باشد؟

جواب: خون زن و مرد مؤمن هر دو محترم است؛ ولی با توجّه به این که دیه جبران خسارت مادّی است و پرواضح است که خسارت حاصله از فقدان مردان در خانواده غالباً بیشتر از خسارت حاصله از فقدان زنان است شارع مقدّس دیه مردان را دو برابر قرار داده است، و نظر به این که هزینه‌های زندگی غالباً بر دوش مردان است نه زنان، ارثیّه مردان را دو برابر قرار داده است؛ شرح بیشتر در این زمینه را در تفسیر نمونه ذیل آیه دوازدهم سوره نساء مطالعه فرمایید. «۱»

سؤال ۱۶۷۸- شخصی با مراجعه به دادگاه اعلام می‌دارد برای خرج زیدی که بر اثر ضربه به وی مجروح گردیده ۰۰۰ /۲۰۰ تومان خرج دارو و درمان نموده است، آیا مبلغ فوق را می‌توان از دیه مقرّره کسر نمود؟

جواب: هرگاه با توافق مجنیٌّ علیه این کار صورت گرفته است مانعی ندارد.

سؤال ۱۶۷۹- زن یا دختری (نعوذ باللّه) به میل خود زنا داده و زنای ایشان در ملأ

---

(۱). تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۳۷۴.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۸۰
عام افشا می‌شود. به خاطر عمل ننگین خود دست به خودکشی می‌زند. آیا دیه این زن و یا دختر به عهده زانی است؟

جواب: زانی مرتکب گناه بسیار بزرگی شده است؛ ولی دیه بر عهده او نیست.

سؤال ۱۶۸۰- کسی خودکشی نموده و علّت آن را شخص خاصّی معرّفی کرده است؛ مثلًا زنی در یادداشتی که از خود به جا گذاشته نوشته که از دست شوهرم خودکشی کرده‌ام، یا چون فلانی به من بد گفته، خودکشی نموده‌ام، آیا در چنین مواردی دیه کسی که خودکشی نموده به عهده طرف مورد ادّعای اوست؟

جواب: خودکشی کار بسیار زشتی است و اگر کسی زمینه آن را فراهم کرده باشد گناه بزرگی مرتکب شده است؛ ولی دیه‌ای ندارد.

سؤال ۱۶۸۱- آیا بر قطع جوارح میّت دیه تعلّق می‌گیرد؟

جواب: آری دیه دارد.

سؤال ۱۶۸۲- طبق مادّه ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی و کتاب دیات «دیه زن و مرد یکسان است تا وقتی که مقدار دیه به ثلث دیه

کامل برسد. در آن صورت دیه زن نصف دیه مرد است». با توجّه به این که مخارج و هزینه‌های درمانی بین زن و مرد یکسان است، بلکه در مورد زنـان بعضاً بیشتر هم می‌شود (رعایت ظرافت و زیبایی و توجّه ویژه به معالجه که در آینـده دختران و زنان تأثیر دارد) حکم شـرع چیست؟ به عبـارتی دیگر دیه زن نصف دیه کامـل مرد است؛ ولی هزینه‌هـای درمـان و جبران خسـارت وارده، مساوی و بعضاً بیشتر است. حکم شرعی چیست؟

جواب: اگر هزینه‌های ضروری بیشتر از دیه باشد، باید توسّط جانی پرداخته شود؛ خواه مرد باشد یا زن.

سؤال ۱۶۸۳- اگر دیه زن به ثلث دیه کـامله نرسـد، امّا مجموع دیه و ارش او به ثلث برسـد، آیـا بـازهم حاصـل جمع دیه و ارش او نصف می‌شود؟ یا این که این تنصیف تنها در صورتی است که دیه او به ثلث دیه کامله برسد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۵۸۱

جـواب: تفـاوتی بین دیه و ارش در این مسـأله نیست و محاسبه مجمـوع در صورتی صـحیح است که هر دو مربوط به یـک جنـایت باشد.

سؤال ۱۶۸۴- به دو سؤال زیر پیرامون ارش پاسخ فرمایید:

الف) آیا ارش مثل دیه مهلت پرداخت دارد یا خیر؟

جواب: در صورتی که مقدار آن کم باشد، مهلت ندارد؛ امّا اگر زیاد باشد اگر بیش از ثلث دیه کامله باشد، یک سوّم ارش در سال اوّل و بقیّه را اگر کمتر از ثلث است در سال دوّم می‌پردازند.

ب) اگر میزان آن به ثلث برسـد به نصـف تقلیـل می‌یابـد یـا نه؟ و آیـا اصولًـا ارش همـان دیه غیر معیّن است و طبعـاً آثـار و خواصّ گوناگون آن را دارد، یا جبران صدمه و خسارتی است نظیر خسارتهای دیگر؟

جواب: ارش دیه غیر معیّن است و غالب احکام آن را دارد و ارشِ مربوط به زن هرگاه به ثلث دیه کامله برسـد به نصف تقلیل پیـدا می کند.

سؤال ۱۶۸۵- آیا تعیین ارش با قاضـی است، یا حاکم شـرع، یا کارشـناس خبره و مورد وثوق (در شـرایط فعلی، کارشـناس پزشـکی قانونی)؟

جواب: تعیین ارش با کارشـناس مورد اعتماد و اهل خبره است که تعیین کنـد خسارت وارد بر مجنیٌّ علیه چنـد درصد بوده است. و حکم نهایی را قاضی صادر می کند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۵۸۳

فصل چهل و نهم: مسائل بانکی

سؤال ۱۶۸۶- مـاهیّت حسابهـای بـانکی از نظر اسـلام چیست؟ آیـا در بانکهـا اعتبـار و ارزش قراردادی پـول به نـام اشـخاص ثبت و جابه‌جـا می‌شـود، یـا عین اسـکناس و اجـازه در تصـرّف داده می‌شـود؟ شـکلهای مختلـف حسابهـای بـانکی (جـاری، سـپرده ثـابت، مشارکتهـای بـانکی وماننـد آن) یکسـان است یـا متفـاوت؟ حکم سودهـای علی الحسـاب که در مشارکتهای بانکی به سپرده گـذار پرداخت می‌شود چیست؟

جواب: مـاهیّت سپرده‌های حساب جاری ماهیّت قرض است؛ و مشـروط بر این است که به مجرّد مطالبه ادا شود. و ماهیّت سپرده‌های درازمـدت و کوتاه مدّت نوعی مضاربه یا سایر عقود شـرعیّه مانند آن است، و پرداخت سود علی الحساب نوعی وام است که بعد از ظهور ربح محاسبه می‌شود، و در صورت رعایت ضوابط عقود شرعیّه مانند مضاربه، سود مذکور اشکالی ندارد.

سؤال ۱۶۸۷- به نظر حضرتعالی ماهیّت پول چیست؟

جواب: پول کاغذی (النّقود الورقیّه) در آغاز شکل حواله داشته است و پشتوانه، ملك یا وثیقه‌گیرندگان حواله بوده، ولی بعداً که از شکل روز اوّل فاصله گرفت و حتّی پشتوانه نیز به فراموشی سپرده شد و جنبه مال اعتباری پیدا کرد و پشتوانه آن در حال حاضر در واقع اعتبار و قدرت حکومتهاست و بقیّه تشریفات است و با توجّه به اعتباری بودن مالیّت، مشکلی در مالیّت پول کاغذی نیست.

سؤال ۱۶۸۸- اگر پول مثلی است، آیا کاهش ارزش آن ضمان دارد؟ کاهش فاحش چطور؟ افزایش ارزش چطور؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۵۸۴

جواب: کاهش و افزایش فاحش ضمان‌آور است؛ به تعبیر صحیح‌تر چنانچه کسی به دیگری مبلغی بدهکار باشد و بعد از گذشت ۲۰ یا ۳۰ سال (در محیط ما) بخواهد آن را بپردازد به یقین پرداخت همان مبلغ ادای دین محسوب نمی‌شود و باید به قیمت روز پرداخته شود و نرخ تورّم ملاحظه گردد؛ ولی تغییرهای غیر فاحش تأثیری ندارد؛ چرا که ادای دین محسوب می‌شود.

سؤال ۱۶۸۹- در صور مختلف فوق اگر شرط ضمان شود چه حکمی دارد؟

جواب: شرط ضمان در اینجا مفهوم صحیحی ندارد؛ جز این که شرط اضافه قیمت کند که آن هم رباست. این در صورتی است که تفاوت غیر فاحش باشد؛ ولی در تفاوت فاحش چنان که گفته شد نیازی به شرط نیست و چنانچه در بالا گفته شد باید به قیمت روز محاسبه شود.

سؤال ۱۶۹۰- آیا در صورت ضمانِ کاهش ارزش پول، بین قرض، مهریّه، مضاربه، خمس و سایر دیون فرقی هست؟

جواب: با در نظر گرفتن شرایطی که قبلًا ذکر شد تفاوتی در میان اقسام بدهی‌ها نیست.

سؤال ۱۶۹۱- آیا در این مسأله بین آنجا که عامل تورّم دولت باشد، یا بازار، و بورس جهانی، تفاوتی پیش می‌آید؟ در صورتی که عامل تورّم، افزایش تقاضا یا کاهش عرضه و یا افزایش هزینه باشد چه حکمی دارد؟

جواب: تفاوتی در مسائل مذکور نیست.

سؤال ۱۶۹۲- بانکهای معمولی در سپرده‌های درازمدّت در ورقه قرارداد سپرده نوشته‌اند که: «این پول را فلانی به بانك داده است و بانك را وکیل نموده که در تجارت غیر ربوی استعمال کند و از سود حاصله به صاحب سپرده طبق قانون بانکداری بدهد» از قراین معلوم می‌شود که بانکها تجارت غیر ربایی زیاد دارند، در این صورت سود اعطایی چه حکمی دارد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۵۸۵

جواب: چنانچه به مسئولین بانك وکالت داده شود که آنها این عقود شرعیّه را رعایت کنند و آنها عمل نمایند، سود آن حلال است.

سؤال ۱۶۹۳- چندی پیش سمیناری در قم در مورد پول، اقتصاد و اسلام برگزار گردید. بحث در مورد پول کاغذی و پول با ارزش (طلا و نقره و) ... بود که پول کاغذی به عنوان ارزش قدرت خرید مردم تلقّی شد و اظهار نمودند که دولت نمی‌تواند با کاهش ارزش پول موجب کاهش سرمایه مردم گردد و بعضی نتیجه‌های مختلفی گرفتند از جمله این که:

الف) سودی که بانکها به پس‌اندازها می‌دهد، چون موجب جبران کمی از کاهش ارزش پول است، که به وسیله دولت ایجاد می‌شود، ربا نیست.

ب) به این سود که بانك می‌دهد، چون موجب جبران کمی از کاهش ارزش پول نزد مردم می‌گردد، خمس تعلّق نمی‌گیرد.

نظر حضرتعالی در دو مورد فوق چیست؟

جواب: این گونه بحث‌ها که در محافل کارشناسان اقتصادی و علمای فن مطرح می‌شود، نمی‌تواند معیار احکام شرعی گردد؛ چرا که احکام شرعی بر محور موضوعاتی که از عرف مردم گرفته می‌شود دور می‌زند، و از آنجا که در بند اوّل سود تلقّی می‌شود، ربا و حرام است (مگر این که تحت یکی از عقود شرعیّه قرار گیرد) و در بند دوّم که آن نیز سود محسوب می‌شود، خمس تعلّق

می گیرد.

سؤال ۱۶۹۴- جوایز بانکها مشمول چه عنوان فقهی می‌باشد؟

جواب: نوعی هبه بلاعوض برای ایجاد انگیزه سپرده گذاری است.

سؤال ۱۶۹۵- واریز نمودن پول به مقدار معیّن جهت قرعه کشی چه حکمی دارد؟ اگر شرط نکند که پول را به این جهت واریز می کند، بلکه داعی او این امر باشد، تغییری در حکم ایجاد خواهد شد؟ اصولًا آیا بین شرط و داعی فرقی هست؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۸۶

جواب: اگر شرط کند اشکال دارد؛ ولی اگر جنبه داعی داشته باشد اشکال ندارد، و تفاوت این دو از اینجا روشن می‌شود که شخص سپرده گذار برای خود حقّ مطالبه از بانک قائل نباشد.

سؤال ۱۶۹۶- برخی از دولتهای کشورهای اسلامی برای سرمایه گذاری در طرحهای مختلف اقدام به پخش اوراق بهادار می کنند، که قیمت هر برگه همانند اسکناس در آن درج شده است. دولت در ازای خرید این برگه بدون هیچ گونه شرط از طرفین دو امتیاز به خریدار می‌دهد، اوّل این که پول درج شده در آن برگه‌ها برای صاحبان آن محفوظ است.

دوّم این که صاحب برگه می‌تواند در قرعه کشی شرکت کند.

الف) آیا خرید این اوراق و گرفتن چنین جایزه‌ای جایز است؟

جواب: در صورتی که دولت به صورت دلخواه و بدون شرط قبلی، به قید قرعه از ملك خودش به تعدادی از صاحبان برگه جایزه بدهد، مانعی ندارد.

ب) در صورت جواز در فرض اوّل (چنانچه اکثر فقها آن را جایز دانسته‌اند) آیا خریدوفروش امتیاز دوّم، که فقط شرکت در قرعه کشی است و عرفاً یك امتیاز و حق محسوب می گردد، یعنی اسقاط حق در مقابل پول جایز است؟

جواب: خالی از اشکال نیست.

ج) در صورت جواز در مسأله اوّل، اگر قیمت آن اوراق بهادار در بازار آزاد اضافه گردد و قیمت دولتی آن همان قدر بماند که در برگه درج شده است، آیا خریدوفروش آن برگه با قیمت بالاتر جایز است؟

توضیح: چون سرمایه اوراق بهادار در طرحهای مختلف استفاده می‌شود، با توجّه به پیشرفت و توسعه طرح قیمت آن افزوده می‌شود، ولی دولت موظّف به پرداخت همان مقدار مندرج در برگه است، در حالی که در بازار آزاد قیمت آن بالاتر از قیمت مندرج می‌باشد، آیا خریدوفروش این برگه با قیمت بالاتر جایز است؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۸۷

جواب: هرگاه این اوراق بیانگر مشارکت در طرحهایی باشد و سهم خود را در آن طرحها به مبلغ بیشتر یا کمتری بفروشد مانعی ندارد.

سؤال ۱۶۹۷- دولت پاکستان اوراقی به اسم «پرائز باندز»، یعنی «اوراق جایزه»، منتشر می کند، بانک مرکزی پاکستان این اوراق را که به قیمتهای مختلف می‌باشد و شماره‌های مختلف دارد، می‌فروشد و برای تعیین برنده، بعد از مدّت معیّنی قرعه کشی می کند و به برنده جایزه‌ای می‌دهد. قیمت این اوراق همیشه ثابت می‌ماند؛ حتّی بعد از قرعه کشی. در بعضی از اوقات این اوراق در معاملات بین مردم به جای اصل اسکناس مبادله می‌شود. لطفاً با توجّه به مقدّمه فوق به سؤالات ذیل پاسخ فرمایید:

الف) آیا خرید این اوراق از دولت جایز است؟

ب) نگهداری اوراق خریداری شده چه حکمی دارد؟

ج) آیا گرفتن این اوراق به عنوان جایزه در کارهای دیگر جایز است؟

د) استفاده از این اوراق در معاملات به جای اصل اسکناس چه حکمی دارد؟

ه‍) بعد از اقدام بر خریداری، آیا گرفتن جایزه جایز است؟

و) مصرف این جایزه چه می‌باشد؟

جواب: این کار همان بخت‌آزمایی است و بخت‌آزمایی حرام و جایزه‌اش نیز حرام می‌باشد؛ ولی اگر آن اوراق با قطع نظر از جایزه مانند اسکناس دارای ارزشی بوده باشد، معامله روی آن اشکال ندارد.

سؤال ۱۶۹۸- در کشور ترکیه تورّم اقتصادی در سال به هفتاد درصد می‌رسد. با در نظر گرفتن این تورّم و نزول ارزش لیر ترکی اگر یک نفر در بانک دولتی مقداری پول به عنوان سپرده موقّت بگذارد، بانک طبق مقرّرات خود شصت درصد سود می‌دهد، آیا گرفتن این سود، در صورتی که کمتر از تورّم باشد، در مقابل تنزّل ارزش پول جایز است؟ اگر سود بیشتر از تورّم باشد چه صورت دارد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۵۸۸

جواب: هرگاه بانک اسلامی نباشد اشکالی ندارد. و اگر بانک اسلامی باشد و تورّم بقدری شدید باشد که در معاملات مدّت دار روزمرّه مردم نیز محاسبه می‌شود گرفتن مقدار تورّم اشکالی ندارد.

سؤال ۱۶۹۹- در عملیّات بانکی بدون ربا، در سیستم بانکی جمهوری اسلامی ایران، اساس کار بر معاملات مجاز و مشروع استوار است. چنانچه شخصی از بانکی تحت عنوان یکی از عقود «مشارکت، مضاربه، جعاله، فروش اقساطی و مانند آن» وجهی در قبال تضمین معتبر یا ترهین ملک و امثال آن به نام تسهیلات بانکی دریافت کند و آن وجه را در راهی غیر از آنچه با بانک قرارداد داشته مصرف کند، آیا مرتکب فعل حرامی شده، یا آن عمل حلال است؟ منافعی که از این راه به دست می‌آورد چه حکمی دارد؟ به عنوان نمونه فردی برای تعمیرات مسکن خود عقد جعاله منعقد می‌کند و وجه اعطایی را صرف خرید سهام شرکت‌ها، یا سرمایه‌گذاری در جای دیگر، یا خرید اتومبیل، یا تأمین جهیزیّه فرزند خود می‌نماید. این کار چه حکمی دارد؟

جواب: صرف کردن آن وجه در غیر مصرف قراردادی جایز نیست و منافع آن اشکال دارد.

سؤال ۱۷۰۰- در بین فامیل ما صندوق قرض الحسنه ای تشکیل یافته است که عملکرد آن بدین طریق است ": هر عضو ماهانه پانصد تومان یا بیشتر پرداخت می‌کند، هرگاه درخواست وام کند با توجّه به ماهانه‌هایی که پرداخت کرده است ۲ یا ۳ برابر آن به عنوان وام به او پرداخت می‌شود "حال با توجّه به این که ماهانه و وامها هر دو به صورت قرض مشروط است، آیا حکم ربا بر آن جاری است؟ چنانچه این کار بدون هیچ شرطی و با رضایت کامل طرفین صورت پذیرد، چه حکمی دارد؟

جواب: اگر این کار به صورت قرارداد بین آن افراد انجام شود، اشکال ربا دارد؛ تنها راه صحّت آن این است که قصد همه وام قرض الحسنه باشد؛ ولی همه

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۵۸۹

آنها اخلاقاً مقرّرات آن صندوق را رعایت کنند؛ بی آن که تعهّد شرعی یا قانونی داشته باشند. راه دیگر این است که پولها به صورت وام داده نشود؛ بلکه به صورت هبه باشد، ولی در واقع هبه معوّضه است که در مقابل این هبه، دیگران هم بموقع هبه خواهند کرد تا دوره کامل تمام شود.

سؤال ۱۷۰۱- مدّتی است در شهر مقدّس مشهد شرکتی تأسیس شده که اقدام به خرید منازل اشخاص و توسعه اطراف حرم مطهّر می‌نماید، آنها اعلان نموده‌اند که اگر فلان مبلغ سهام بخرید در آینده فلان مبلغ به شما خواهیم داد، برگهای سهام خود نیز در بازار قابل خریدوفروش است، با توجّه به این مقدّمه به سؤال‌های زیر پاسخ دهید:

الف) سودی که می‌دهند چه صورت دارد؟

جواب: چنانچه طبق عقود شرعیّه (مضاربه یا مانند آن) باشد سود پرداختی شرکت اشکالی ندارد.

ب) اگر برگه سهام در آینده ترقّی کند، اضافه مبلغ آن چگونه است؟

جواب: هرگاه سرمایه شرکت تبدیل به اموال و اعیانی شده، خریدوفروش سهام با افزایش و کاهش مانعی ندارد.

سؤال ۱۷۰۲- جریمه دیرکرد با ربا تفاوتهایی دارد؛ از جمله این که در ربا از ابتدا سود تعلّق می‌گیرد، ولی در خسارت تأخیر تأدیه پس از فرا رسیدن سررسید و عدم پرداخت این وجه سود تعلّق می‌گیرد و در واقع مجازات ظلمی است که به بدهکاران می‌شود و جبران قسمتی از خسارت وارده می‌باشد؛ چرا که تورّم در جامعه حدود ۲۰٪ است و آنچه در قانون پیش‌بینی شده ۱۲٪ می‌باشد. با توجّه به تفاوت مذکور جریمه دیرکرد چه حکمی دارد؟

جواب: جریمه دیرکرد اگر جنبه تعزیر از سوی حکومت اسلامی داشته و به صورت عادلانه باشد، جایز است. همچنین اگر در عقد جداگانه خارجِ لازمی قید

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۵۹۰

شده باشد؛ ولی اگر به معنای سود اجباری باشد، حرام است.

سؤال ۱۷۰۳- بعضی از متّهمین یا طرفین دعوا به دستور دادگاه مبالغی را به عنوان تأمین برای مدّتی در بانک به حساب دولت واریز می‌نمایند، چنانچه بانک از سوی خود سودی به این وجه سپرده شده پرداخت نماید، آیا این سود متعلّق به سپرده گذاران است، یا این که متعلّق به دولت است؟

جواب: سود متعلّق به صاحبان آن پولهاست.

سؤال ۱۷۰۴- اگر پس‌انداز را به همراه پول خمس نداده‌ای در بانک مسکن جهت گرفتن وام برای تهیّه مسکن و ازدواج و ادامه تحصیل به صورت حساب پس‌انداز قرار دهیم، این وام چه حکمی دارد؟

جواب: هرگاه وام طبق ضوابط شرعیّه باشد، اشکال ندارد؛ ولی پول غیر مخمّس را باید تخمیس کنید.

سؤال ۱۷۰۵- برخی افراد جهت گرفتن وام از بانکها نیاز به پیش‌فاکتور دارند، بانک طبق قرارداد، وجه را جهت این که وام‌گیرنده مثلًا مواد اوّلیّه خریداری نماید، به حساب صادرکننده پیش‌فاکتور واریز می‌نماید؛ ولی متقاضی، تقاضای وجه نقد از صادرکننده فاکتور می‌نماید و در حقیقت معامله صوری است، چنین وامی چه حکمی دارد؟

جواب: جایز نیست.

سؤال ۱۷۰۶- اعضای این شرکت که شغل آنها قالی‌بافی است درخواست پیش‌فاکتور وام از شرکت می‌نمایند، در حالی که شخص وام‌گیرنده، قالی نیمه تمام یا تمام شده دارد و یا در آینده مواد اوّلیّه تهیّه می‌نماید (و به نحوی در ارتباط با تولید قالی نقش دارد)؛ ولی در حاضر نیاز به پول نقد دارد. آیا پرداخت وام به صورت نقد بلامانع است؟

جواب: باید طبق قرارداد بانک عمل کند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۵۹۱

سؤال ۱۷۰۷- شرکت مزبور برای صدور پیش‌فاکتور، مبلغی را به عنوان هزینه از متقاضی می‌گیرد، آیا اشکالی دارد؟

جواب: در صورتی که پول به عنوان حق الزّحمه تنظیم پیش‌فاکتور باشد، اشکالی ندارد.

سؤال ۱۷۰۸- شرکت قالی‌بافی باید مبلغ برخی از پیش‌فاکتورها را که اشخاص از بیرون و به صورت آزاد تهیّه می‌کنند، تأیید نماید، برای این کار هزینه‌ای را از طرف می‌گیرد. حکم این مسأله چیست؟

جواب: مانعی ندارد؛ ولی در هر حال انصاف را رعایت کند.

سؤال ۱۷۰۹- افرادی به قصد گرفتن وام مسکن، مبلغی پول در بانک قرض‌الحسنه می‌گذارند؛ آیا روایت «کُلُّ قَرْض یَجُرُّ مَنْفَعَةً، فَهُوَ

ربا» شامل اینجا می‌شود؟

جواب: اگر این کار به وسیله صندوقهای قرض‌الحسنه و به نفع عموم انجام شود، اشکالی ندارد و اگر توسّط مؤسّسات انتفاعی انجام گیرد، اشکال دارد و حدیث «کل قرض یجر منفعهٔ » ... مربوط به جایی است که منفعت عاید شخص وام‌دهنده شود.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۵۹۳

فصل پنجاهم: احکام پزشکی

ضمان طبیب

سؤال ۱۷۱۰- آیا دندانپزشک می‌تواند قبل از شروع به کار به بیمار یا ولیّ او بگوید که نسبت به ضررهای احتمالی مسئولیّتی را نمی‌پذیرد؟ در صورت موافقت بیمار یا ولیّ صغیر، اگر بیمار صدمه‌ای ببیند، آیا دندانپزشک ضامن می‌باشد؟

جواب: هرگاه قبلًا برائت خود را اعلام دارد و در کار کوتاهی نکند ضامن نیست.

سؤال ۱۷۱۱- در همه درمانهای دندانپزشکی که توسّط دانشجو انجام می‌شود (وظایف آموزشی) چون کار عملی است، گاهی باعث خسارت و بعضی اوقات موجب از بین رفتن دندان یا عوارض دیگر می‌شود، در این صورت چه کسی ضامن می‌باشد؟

جواب: کسی که مباشر ایجاد نقصان است ضامن است؛ مگر این که قبلًا از طرف مقابل برائت گرفته باشد و در کارهای خود کوتاهی ننموده باشد.

سؤال ۱۷۱۲- در علم پزشکی برخی از روشهای درمانی با گذشت زمان دچار تغییراتی می‌شود، یا بکلّی ارزش خود را از دست می‌دهد، در صورتی که پزشک به علّت عدم مطالعه از اطّلاعات جدید مطّلع نشود، آیا مسئول است؟

جواب: این مسأله دو حالت دارد: حالت اوّل این است که عرف پزشکان، پزشک را در برابر فرا نگرفتن معلومات جدید مقصّر می‌شناسند، در این صورت

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۵۹۴

ضامن است. حالت دوّم آن است که فرا گرفتن آن مسائل را وظیفه طبیب نمی‌دانند؛ بلکه جزء تکامل علم محسوب می‌شود. در این صورت مسئول نیست.

سؤال ۱۷۱۳- برخی از افراد عادی (که در مسائل پزشکی تخصّصی ندارند) در امر پزشکی دخالت و قرص، آمپول یا دارویی را برای مریض توصیه می‌نمایند. در صورتی که این امر منجر به مرگ یا آسیب جسمی شود، آیا آنها ضامن هستند؟

جواب: کار خلافی کرده و مجازات دارد، ولی ضامن دیه طرف نیست؛ مگر این که شخصاً دارو را به او تزریق کرده یا خورانده باشد.

سؤال ۱۷۱۴- در مراکز آموزشی، درمانی و پزشکی دولتی دستیاران، بویژه در سالهای نخست، باید با حضور و راهنمایی اساتید خود، اقدام به عمل جرّاحی نمایند. در صورتی که دستیار با اجازه استاد خود، یا به این امید که استاد می‌گوید: «شما کار را شروع کنید، من هم می‌رسم» (ولی استاد حاضر نمی‌شود)، به تنهایی یا با همراهی سایر دستیاران، عمل جرّاحی را به پایان برساند و آسیبی به بیمار وارد شود که ناشی از عدم حضور استاد است، مسئول کیست؟

جواب: دستیار مسئول است؛ مگر این که تخلّف استاد از قول خود سبب این مشکل شده باشد که در این صورت نیز دستیار مقصّر است؛ ولی می‌تواند خسارتی را که پرداخته از استاد که او را مغرور ساخته بگیرد.

سؤال ۱۷۱۵- آیا اقدامات پزشکی طبیب در غیر رشته تخصّصی خود که آگاهی لازم را در آن ندارد، و باعث تشدید بیماری یا

بروز عارضه‌ای جدید در بیمار می‌شود یا منجر به فوت بیمار می گردد، موجب ضمان است؟

جواب: آری، موجب ضمان است.

سؤال ۱۷۱۶- در صورتی که بیمار یا ولیّ او به پزشکی که در کارش متخصّص و داناست، اجازه معالجه دهد، آیا در صورت مرگ بیمار، پزشک ضامن است؟

جواب: در صورتی که پزشک از پیامدهای احتمالی برائت بجوید و در کار

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۵۹۵

خود، کوتاهی و سهل‌انگاری نکرده باشد ضامن نیست.

سؤال ۱۷۱۷- چنانچه پزشک معالج، عمداً یا سهواً در مداوای بیمار یا مجروحی که مسئولیّت درمان وی را پذیرفته است، کوتاهی ورزد و در نتیجه آن شخص در اثر سرایت بیماری و یا جرح سابق، صدمه دیده و یا تلف شود، آیا طبیب مسئولیّت خواهد داشت؟

جواب: در صورتی که مریض در شرایط خطرناکی باشد و اولیای مریض او را به طبیب بسپارند که از او مراقبت کند و طرفین یا خصوص طبیب بداند که اگر از بیمار غفلت کند، خطری بیمار را تهدید می کند، چنانچه طبیب این مسئولیّت را پذیرفته باشد، و از انجام وظیفه تخلّف نماید، در برابر نتیجه آن مسئول است و اگر عمداً و به قصد زیان رساندن به مریض این کار را کرده باشد، قتل عمد، یا جرح عمد محسوب می‌شود و در غیر این صورت، شبه عمد است.

سؤال ۱۷۱۸- معالجات دندانپزشکی ممکن است با شکست یا کوتاهی عمر دندان همراه شود، لطفاً بفرمایید:

الف) اگر دندانپزشک سعی کافی و دقّت لازم را نموده باشد، ولی در حین معالجه ضررهایی به دندان و دهان برسد، چه حکمی دارد؟

جواب: هرگاه این گونه ضررها طبیعی باشد و معمولًا در غالب موارد رخ می‌دهد، ضامن نیست، در غیر این صورت اگر از مریض برائت نگرفته باشد، ضامن است.

ب) اگر بعد از معالجه، با وجود دقّت کافی در معالجه، عوارضی برای بیمار به وجود آید چطور؟

جواب: مانند مسأله سابق است.

ج) در هر حال آیا اتمام حجّت با بیمار قبل از معالجه لازم است؟

جواب: برای این که مشکلی برای طبیب پیش نیاید، بهتر است که در هر حال از

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۵۹۶

بیمار برائت بگیرد.

سؤال ۱۷۱۹- غالباً و بویژه در درمانگاههای دولتی به بیماران توصیه می‌شود که فلان دندان قابل معالجه می‌باشد و همه اصرار بر نکشیدن آن می‌نمایند؛ آیا کشیدن دندان در این حالت برای پزشک ضمانت دارد؟ اگر به خاطر وضع اقتصادی یا عدم بینش فرهنگی انجام شود، ضمان شرعی دارد؟

جواب: در صورتی که دندان خراب است و بعضی به علل مختلف ترجیح می‌دهند آن را بکشند و طبیب توجیه لازم را نموده، ولی بیمار اصرار در کشیدن آن دارد اشکالی ندارد.

سؤال ۱۷۲۰- اگر تزریق آمپول منجر به عارضه، یا فوت شود، آیا تزریق‌کننده در موارد ذیل ضامن است؟

الف) اشتباه در تجویز پزشک باشد.

ب) تزریق‌کننده مجوّز بهداری دارد؛ امّا قواعد تزریقات را رعایت نکرده باشد.

ج) تزریق‌کننده مجوّز بهداری دارد، و قواعد تزریقات را نیز رعایت کرده باشد.

د) تزریق‌کننده مجوز بهداری ندارد.

جواب: در مورد اوّل پزشک ضامن است. در مورد دوّم تزریق‌کننده ضامن است. در مورد سوّم چنانچه مرگ یا عارضه ناشی از خطای تزریق‌کننده باشد ضامن است؛ مگر این که قبلًا بطور خصوصی یا بطور عام از بیماران خود برائت گرفته باشد و اگر به خاطر عیب و علّت غیر عادی در بیمار بوده، ضامن نیست. و در مورد چهارم تزریق‌کننده ضامن است.

سؤال ۱۷۲۱- اگر خون گرفتن منجر به عارضه گردد، چه حکمی بر آن مترتّب است؟

جواب: مانند مسأله سابق است.

سؤال ۱۷۲۲- با توجّه به این که تجویز دارو (به استثنای داروهای بدون نسخه) به عهده پزشک است نه داروساز، اگر بیماری به حال اضطرار به داروساز مراجعه کند و

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۹۷

داروساز، دارویی در اختیار وی قرار ندهد، آیا در صورت بروز نقص جسمی، جرح یا فوت بیمار، داروساز مقصّر است؟

جواب: ضامن نیست؛ هرچند در بعضی از صور مسأله مرتکب گناه شده است.

معاینات پزشکی

سؤال ۱۷۲۳- در صورت وجود پزشک زن و مرد به تعداد کافی، آیا ملاک مراجعه بیماران، همجنس بودن پزشک است یا حاذق بودن؟

جواب: در صورتی که در عدم مراجعه به حاذق‌تر، بیم خطر و ضرر باشد، باید حاذق‌تر را مقدّم بشمرد و اگر بیم ضرر و خطری نباشد معیار همجنس بودن است. (البتّه در مواردی که معاینات بدنی لازم است).

سؤال ۱۷۲۴- تعیین حاذق بودن طبیب به عهده چه مرجعی است؟ بیمار یا مراجع دیگر؟

جواب: بدیهی است حاذق بودن را تنها اهل خبره می‌توانند تشخیص دهند.

سؤال ۱۷۲۵- آیا می‌توان بیماران را به مراجعه به پزشک همجنس، حتّی با ادّعای اضطرار و مجوّز شرعی، ملزم کرد؟

جواب: در صورتی که بیمار خود را ناگزیر از مراجعه به غیر همجنس ببیند مراجعه به غیر همجنس مجاز است.

سؤال ۱۷۲۶- لمس و نظر به بیماران غیر همجنس تا چه سنّی جایز است؟

جواب: مادامی که ممیّز نباشند، لمس و نظر جایز است و هنگامی که به حدّ تمییز رسیدند نگاه کردن قبل از بلوغ، اگر مفسده خاصّی نداشته باشد، اشکالی ندارد.

سؤال ۱۷۲۷- آیا پزشک می‌تواند از معاینه بیمار غیر همجنس، که به او مراجعه کرده است، خودداری کند؟

جواب: در صورتی که بیمار بتواند به وسیله طبیب همجنس، مشکل خود را

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۹۸

حل نماید، باید به او مراجعه کند.

سؤال ۱۷۲۸- آیا ضیق امکانات مکانی، لوازم، کارکنان و وقت بیمار، جزء موارد اضطرار است؟

جواب: اضطرار یک امر عرفی است، هرگاه تشخیص داده شود راه منحصر به پزشک جنس مخالف است، یا اگر منحصر نیست عسر و حرج دارد، مصداق ضرورت محسوب می‌شود.

سؤال ۱۷۲۹- آیا معطّل شدن بیمار جهت دریافت خدمات درمانی، اضطرار شمرده می‌شود؟

جواب: از جواب بالا معلوم شد.

سؤال ۱۷۳۰- آیا مراجعه زن به پزشک مرد، در صورتی که بتوانـد پزشک زن بیابـد، جایز است (با توجّه به این که معمولًا پزشـکان مرد به دلیل سابقه زیادتر از مهارت بیشتری برخوردار بوده و در امر طبابت از بانوان پزشک موفّق‌تر و حاذق‌تر هسـتند)؟ فرض سؤال در جایی است که از او معاینه جسمی به عمل می‌آید.

جواب: در صورتی جایز است که تفاوت آگاهی آن دو در حـدّی باشـد که بیم آن برود پزشک زن موفّق به معالجه نشود و بیماری ادامه یابد یا تشدید شود یا بهبودی به تأخیر افتد.

سؤال ۱۷۳۱- از آنجـا که صـدور جواز دفن اجسـاد منوط به معـاینه توسّط پزشـکی قانونی می‌باشـد و از آنجا که در مرکز پزشـکی قانونی بعضـی از اسـتانها به دلیل کمبود امکانات، معاینه متوفّیات توسّط پزشک مرد صورت می‌گیرد. آیا از نظر شرعی یک پزشک مرد مجاز به معاینه جسد زن می‌باشد؟ توضیح آن که معاینه جسد منوط به عریان بودن کامل آن می‌باشد.

جواب: این امر شرعاً جایز نیست؛ باید تلاش کنند پزشک قانونی زن برای زنان تعیین شود.

سؤال ۱۷۳۲- در کارهای مربوط به زایمان، دانشجویان زن (اعمّ از پزشکی و

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۵۹۹

مامایی) به حدّ کفایت تربیت شده‌اند. آیا لزومی برای حضور مردان در بخشهای زایمان که موجب نظر یا تماس با بدن زن می‌شود، وجود دارد؟

جواب: در صورت وجود زنان لایق، حضور مردان در این موارد جایز نیست.

سؤال ۱۷۳۳- هرگاه گرفتن نبض و فشار خون به راحتی از روی پارچه یا دستکش امکان‌پذیر باشد، آیا برهنه کردن جایز است؟

جواب: در فرض مسأله حرام است.

سؤال ۱۷۳۴- آموزش‌هایی که همراه لمس و نظر به نامحرم است و به احتمال این که در آینـده حفظ جان فردی منوط به آن باشـد، چه حکمی دارد؟

جواب: هرگاه مقصود یادگرفتن و تکمیل اطّلاعات طبّی برای نجات جان مسـلمانان بوده باشـد و بدون این کار، آن مقصود حاصـل نشود جایز است.

سؤال ۱۷۳۵- لطفاً نظر خود را در مورد نگاه کردن در موارد زیر بیان فرمایید:

الف) در صورتی که انسـان احتمـال زیـادی بدهـد که در طیّ دوره آموزش، بیمار خانم وجود نخواهـد داشت، یا این که اگر وجود داشته باشد شرایط آموزش مهیّا نخواهد شد؛ در هر دو صورت فوت این فرصت موجب نقصان سطح علمی او خواهد شد، یا این که یادگیری بهتر را از دست می‌دهد.

جواب: در صورتی که نگاه کردن مقدّمه انحصاری برای تکمیل علم طب جهت نجات جان مسـلمانان بوده باشد، به مقدار ضرورت جایز است.

ب) همان فرض بالا، در صورتی که انسان بداند عدم اطّلاع و مهارت کافی به کوتاهی و قصور در درمان بیمار خواهد انجامید.

جواب: در موارد ضرورت اشکالی ندارد.

سؤال ۱۷۳۶- آیـا نگـاه مستقیم به عورت بیمـار، برای یادگیری مسأله مهمّ پزشـکی و یا برای درمان جایز است؟ با فرض این که در حال حاضر در محیطهای آموزشی از طریق نگاه مستقیم به عورت بیمار آموزش داده می‌شود و شرایط و مقدّماتی برای

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۶۰۰

نگاه غیر مستقیم فراهم نشده است.

جواب: اگر راهی جز نگاه مستقیم نداشته باشد به مقدار ضرورت جایز است.

سؤال ۱۷۳۷- مراجعه بیمار به پزشک غیر همجنس در هر یک از دو حالت زیر چه صورتی دارد؟
الف) در صورتی که فقط نیاز به نگاه به غیر وجه و کفّین باشد.
ب) در صورتی که علاوه بر نگاه، نیاز به لمس و سایر معاینات نیز باشد.
جواب: مادام که دسترسی به پزشک همجنس است به غیر همجنس مراجعه ننماید؛ مگر در موارد ضرورت یا جایی که همجنس توانایی کافی ندارد.
سؤال ۱۷۳۸- در صورتی که در یک مریض بنا به ادلّه‌ای (همچون خلق فرزندان ناقص الخلقه، داشتن بیماریها، زمینه‌ای که باعث خطر جانی برای زوجه گردد) طبق تشخیص طبیب جلوگیری از حاملگی لازم باشد، و از طرفی بهترین روش پیشنهادی اطبا نیز مستلزم لمس یا نظر است. آیا این مورد از مصادیق اضطرار است؟
جواب: آری از مصادیق اضطرار است.

پیوند اعضا

سؤال ۱۷۳۹- گرفتن اعضا از کسانی که به دلایلی غیر از قصاص محکوم به اعدام می‌شوند، با اجازه و رضایت خود متّهم، در بیمارستان و اطاق عمل برای پیوند به افراد مسلمان نیازمند و نجات جان آنان، چه حکمی دارد؟ به عبارت دیگر در مواردی که شرع مقدّس و قانون نوع اعدام را مشخّص ننموده، اعضایی از آنها برداشته شود به شکلی که با این کار (برداشتن عضو مثل قلب، ریه، کبد و مانند آن) متّهم فوت خواهد کرد، که این کار نوعی اعدام تلقی خواهد شد، آیا این کار جایز است؟
جواب: دلیلی بر جواز این نوع اعدام نیست.
استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۶۰۱
سؤال ۱۷۴۰- اگر بگوییم که افراد می‌توانند وصیّت نمایند که جسدشان یا قطعاتی از اعضای بدن آنها، برای نجات جان بیماران نیازمند و یا بالا بردن دانش پزشکی دانشجویان و اساتید در اختیار قرار گیرد، آیا می‌توان در قبال آن پولی تعیین نمود تا در مصرفی که در وصیّتنامه آمده صرف شود؟
جواب: اشکالی ندارد.
سؤال ۱۷۴۱- در مواردی که عضو پیوندی برای نجات جان مسلمانی ضروری باشد و یا عدم استفاده از آن سلامت مسلمان دیگری را به خطر اندازد، آیا کسب اجازه جهت برداشت آن از اولیای میّت یا از خود میّت در حال حیات لازم است؟
جواب: الزامی نیست؛ ولی بهتر است کسب اجازه شود.
سؤال ۱۷۴۲- آیا در مورد اعضای پیوندی که بر روی آن عملیّات آماده‌سازی انجام می‌گیرد، دریافت هزینه آماده‌سازی آن از بیمار، جایز است؟
جواب: اشکالی ندارد.
سؤال ۱۷۴۳- خریدوفروش موادّی که از اعضای پیوندی انسان استخراج می‌گردد نظیر پروتئین، فاکتور تحریک‌کننده استخوان‌سازی و نظایر آن چه حکمی دارد؟
جواب: جایز است؛ هرچند بهتر است پول را در مقابل اعمالی که روی آن مواد انجام می‌دهند، بگیرند.
سؤال ۱۷۴۴- آیا استفاده از اعضای پیوندی تهیّه شده در کشور ما، برای مسلمانان دیگر کشورهای اسلامی جایز است؟
جواب: اشکالی ندارد.
سؤال ۱۷۴۵- در صورتی که در اثر وقوع بیماری لاعلاج و پیشرونده از نظر پزشکان مرگ حتمی قریب‌الوقوع باشد، آیا می‌توان از

اعضای بدن بیمار نظیر قلب، کلیه و کبد برای پیوند به بیماران و نجات جان آنان استفاده کرد؟
جواب: جایز نیست؛ مگر در مورد مرگ مغزی که بطور قطع قابل بازگشت نیست.
استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۶۰۲

سؤال ۱۷۴۶- با توجّه به قوانین اسلامی در رابطه با اصالت روح، آیا پیوند مغزی در جمجمه انسان دیگری امکان دارد؟ به عبارت دیگر آیا جسم پیوند زده شده با مغز پیوندی، هویّت شخصیّتی خود را از دست داده و روح شخص پیوند خورده به شخص پیوند زده شده انتقال می‌یابد؟
جواب: در حال حاضر این مسأله به عنوان یک فرضیّه مطرح است؛ ولی عملًا کاری انجام نگرفته است تا بتوان درباره آن بحث کرد؛ اگر چنین امری انجام گیرد، باید دید فرد مزبور با مغز جدید، شخصیّت فرد اوّل را نشان می‌دهد یا دوّم را و یا شخص ثالثی خواهد شد، تا احکام آنها تبیین گردد.

سؤال ۱۷۴۷- آیا بر پزشکی که قادر بر پیوند اعضای مختلف می‌باشد واجب است با این کار جان انسانی را نجات دهد؟
جواب: در صورتی که بتواند او را از مرگ نجات دهد، واجب است.

سؤال ۱۷۴۸- امروزه علم پزشکی بسیار پیشرفت نموده است و پزشکان می‌توانند بعضی از اعضای فردی را که بطور طبیعی فوت کرده، و حتّی ضربان قلب او نیز از کار افتاده، به بیمارانی که در خطر مرگ هستند و یا زندگانی پرمشقّت و رنج‌آوری دارند پیوند زنند (مانند کلیه، استخوان، کبد، چشم و) ... آیا این عمل جایز است؟
جواب: در فرض مسأله اشکالی ندارد.

سؤال ۱۷۴۹- در مورد محکومین به اعدام یا حبسهای طولانی، آیا قاضی یا حاکم شرع می‌تواند به لحاظ مصلحت، تخفیف کیفر محکوم را موکول به اهدای عضوی برای نجات مسلمانی از بیماری یا مرگ نماید؟
جواب: هرگاه محکوم راضی به این امر باشد و ضرر مهمّی برای او نداشته باشد، جایز است؛ ولی هرگاه انعکاس خارجی این امر، نامطلوب و دستاویزی برای دشمنان اسلام گردد باید از آن پرهیز کرد.
استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۶۰۳

کالبدشکافی و تشریح

سؤال ۱۷۵۰- یکی از وظایف پزشکی قانونی تشخیص و تعیین علّت تامّه مرگ امواتی می‌باشد که بنا به دلایلی از جمله بیم وقوع و یا وقوع جنایت، باید علّت تامّه مرگ آنان برای محاکم قضایی روشن گردد و در اکثر موارد تشخیص و تعیین دقیق علّت فوت، فقط با کالبدشکافی مقدور می‌باشد و با این اقدام است که خیلی از جنایات به وقوع پیوسته کشف گردیده و از پایمال شدن خون بناحق ریخته مقتولین جلوگیری به عمل می‌آید. حال با عنایت به مطالب فوق، نظر مبارک خویش را در خصوص مسائل زیر مرقوم فرمایید:
الف) با توجّه به این که انجام عمل کالبد شکافی راهی است برای کشف حقیقت و احقاق حقّ اولیای دم، آیا انجام این عمل شرعاً جایز است؟
ب) بر فرض جایز بودن، آیا رضایت اولیای دم برای انجام عمل کالبد شکافی شرعاً لازم است؟ در صورتی که شرط باشد، اگر بعضی از اولیای دم راضی و بعضی ناراضی باشند، شرعاً چه حکمی دارد؟
ج) آیا برای انجام عمل کالبد شکافی، تشخیص پزشکی قانونی می‌تواند جواز شرعی باشد، یا علاوه بر آن درخواست مقام قضایی نیز در این خصوص لازم است؟

د) با فرض شرط بودن رضایت اولیای دم در جواز شرعی انجام کالبدشکافی، آیا در صورت درخواست مقام قضایی بازهم رضایت اولیای دم شرط است؟

جواب: چون شارع مقدّس راضـی به هدر رفتن و پایمال شدن خون مسـلمان نیست، در این گونه موارد بر حاکم شرع لازم است امر به کالبدشکافی کند تا مشکل حل شود. و در این صورت بر متخصّص این امر جایز بلکه واجب است اطاعت کند و در چنین فرضی بر ورثه نیز لازم است رضایت دهند.

سؤال ۱۷۵۱- کالبدشکافی در مرگهای مشکوک برای تشخیص جرم چه حکمی دارد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۶۰۴

جواب: در صورتی که کشف جرم برای احقاق حق و یا دفع فساد و نزاعی باشد کالبدشکافی اشکال ندارد.

سؤال ۱۷۵۲- تشریح جسد مردان برای دانشجویان پزشکی دختر چه حکمی دارد؟ تشریح جسد بانوان برای دانشجویان پزشکی مرد چطور؟

جواب: مادام که ضرورت قطعی نباشد جایز نیست.

سؤال ۱۷۵۳- در مواردی که تشـریح بدن مسـلمان به خاطر ضرورتها جایز است، آیا اجازه او قبل از مرگ، یا اجازه اولیای او بعد از مرگ ضرورت دارد؟

جواب: جایز است؛ هرچند خودش قبل از مرگ اجازه نداده باشد و احتیاط آن است که از اولیای میّت نیز اجازه بگیرند.

تلقیح مصنوعی

سؤال ۱۷۵۴- اگر مردی عقیم باشد، ولی زن او سالم و قدرت باروری داشـته باشد، اگر اسپرم مرد دیگری در آزمایشـگاه با تخمک زن مذکور ترکیب شود و آنگاه این نطفه ترکیب یافته یا جنین در رحم زن نهاده شود، لطفاً بفرمایید:

الف) آیا این کار جایز است؟

جواب: جایز نیست.

ب) آیا این امر زنا محسوب می‌شود؟

جواب: زنا نیست؛ ولی از جهاتی شبیه زناست.

ج) آیا مشخّص بودن یا ناشناس بودن دهنده اسپرم در حکم مسأله تأثیر دارد؟

جواب: هیچ تأثیری ندارد.

د) رابطه شرعی کودک با شوهر زن از لحاظ ارث، محرمیّت و نکاح چگونه خواهد بود؟

جواب: رابطه‌ای با او ندارد؛ جز این که فرزند طبیعی همسر اوست و با او محرم است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۶۰۵

ه-) رابطه شرعی کودک با مرد صاحب اسپرم از نظر ارث، محرمیّت و نکاح چگونه می‌باشد؟

جواب: به منزله فرزند نامشروع اوست که محرم است؛ ولی از یکدیگر ارث نمی‌برند.

سؤال ۱۷۵۵- در مواردی زن عقیم بوده و دارای تخمک بارور نیست ولی شوهر قدرت باروری داشـته و خواستار بچّه می‌باشد، اگر اسپرم مرد گرفته شود و بـا تخمـک زن دیگری در آزمایشـگاه ترکیب شود، آنگـاه این نطفه ترکیب یافته یا جنین در رحم زن ثالثی نهاده شود و در آنجا رشد نموده و متولّد شود، لطفاً بفرمایید:

الف) آیا این امر جایز است؟

جواب: ترکیب نطفه آن مرد با تخمک زن اجنبی جایز نیست؛ مگر این که آن زن بی‌شوهر باشد و او را به عقد موقّت خود درآورد و از تخمک او استفاده کند.

ب) رابطه شرعی این کودک از نظر نسب مادری، محرمیّت، نکاح و ارث با همسرِ مرد (که هیچ نقشی در تولّد کودک نداشته) چگونه است؟

جواب: هیچ رابطه‌ای با او ندارد، جز این که فرزند شوهر اوست و با او محرم است.

سؤال ۱۷۵۶– در موردی که زن دارای تخمک سالم می‌باشد، امّا رحم قدرت نگهداری و پرورش جنین را ندارد، اگر اسپرم شوهر با تخمک زن در آزمایشگاه ترکیب شود و سپس این نطفه ترکیب شده یا جنین حاصله در آزمایشگاه به رحم زن دیگری منتقل شود، لطفاً بفرمایید:

الف) آیا این امر جایز می‌باشد؟

جواب: این کار ذاتاً جایز است، امّا چون معمولًا موجب نظر و لمس حرام است، تنها در موارد ضرورت جایز است.

ب) آیا اجازه صاحب رحم لازم است؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۶۰۶

جواب: آری لازم است.

ج) آیا زنی که نطفه ترکیب شده یا جنین در رحم او قرار می‌گیرد، می‌تواند جهت انجام این عمل درخواست اجرتی نماید؟

جواب: مانعی ندارد.

ه–) رابطه شرعی کودک متولّد شده، از نظر نسب مادری، با صاحب رحم و زن صاحب تخمک چگونه است؟

جواب: زن صاحب تخمک مادر اوست و زن صاحب رحم به منزله مادر رضاعی می‌باشد و به او محرم است.

و) رابطه شرعی این کودک از نظر نسب، ارث، محرمیّت و نکاح با شوهر زن صاحب رحم چگونه است؟

جواب: فقط نسبت به او محرم است.

سؤال ۱۷۵۷– تلقیح اسپرم و تخمک زن و شوهر شرعی در خارج از بدن و جایگزینی آن در رحم همان زن چه حکمی دارد؟ آیا کودک حاصل حلال‌زاده است؟

جواب: این کار ذاتاً اشکالی ندارد؛ ولی چون معمولًا مستلزم نظر و لمس حرام است، تنها در صورت ضرورت جایز می‌باشد. (منظور از ضرورت این است که مثلًا اگر این کار انجام نشود زندگی زناشویی آن مرد و زن مختل می‌شود و یا زن گرفتار بیماری می‌شود). و در هر حال فرزند مذکور حلال‌زاده است.

سؤال ۱۷۵۸– تلقیح اسپرم و تخمک زن و شوهر شرعی و رشد جنین در محیط غیر انسانی چه حکمی دارد؟ آیا کودک حاصل از این عمل حلال‌زاده است؟

جواب: اشکالی ندارد به همان شروطی که در بالا گفته شد و فرزند مذکور حلال‌زاده است.

سؤال ۱۷۵۹– هشت سال است ازدواج کرده ام، ولی بچه دار نمی‌شوم و مشکل از ناحیه شوهرم است، هیچ امیدی به بچه دار شدن من نیست آیا می‌توان از نطفهء مردی دیگر استفاده کرد؟ به صورتی که دو طرف همدیگر را نبینند و اسپرم مرد را در مطبّ دکتر به زن تزریق کنند. در ضمن شنیده‌ام که گفته‌اند این عمل چون برای جلوگیری از طلاق است و دو طرف همدیگر را نمی‌بینند، اشکالی ندارد و مانند خونی است که از شخصی گرفته و به شخص دیگری تزریق می‌کنند، و لهذا از نظر شرعی حلال است. آیا چنین چیزی صحّت دارد؟

جواب: این کار گناه دارد و جایز نیست؛ مگر این که شما از شوهرتان طلاق بگیرید و بعد از گذشتن عدّه به عقد موقّت مثلًا یک

روزه مردی درآیید، هرچند او را هرگز ندیده و نبینید و نطفه آن مرد را در مطبّ دکتر گرفته و به شما تزریق کنند و بعد از تولّد فرزند مجدّداً به عقد شوهرتان درآیید. در غیر این صورت جایز نیست.

سؤال ۱۷۶۰- اسپرم زوج با رضایت او و به طریق اصول پزشکی گرفته شده تا به زوجه خود او تلقیح مصنوعی شود؛ امّا قبل از این که این تلقیح انجام گیرد، زوج می‌میرد و پس از فوت او این عمل صورت می‌گیرد و فرزندی به دنیا می‌آید. آیا فرزند متولّد شده، فرزند مشروع همان زوج متوفّی است و از او ارث می‌برد؟

جواب: این کار مجاز نبوده است؛ ولی چنانچه نمی‌دانستند، فرزند مزبور حلال‌زاده است و احکام محرمیّت را دارد و از مادر ارث می‌برد، ولی از پدر ارث نمی‌برد.

سؤال ۱۷۶۱- تعدادی از زن و شوهرها به دلایل طبّی، بچّه‌دار شدنشان بطور طبیعی مشکل بوده و لازم است که از روشهای درمانی مختلف برای کمک به آنها استفاده شود. یکی از این روشها، لقاح خارج از رحمی می‌باشد؛ به این معنا که تخمک را از زوجه و نطفه را از شوهرش گرفته و آنها را با هم مخلوط می‌نماییم. از اختلاط و امتزاج تخمک و نطفه، جنین حاصل می‌شود، سپس این جنین به رحم زوجه منتقل می‌شود تا حاملگی و بعد زایمان صورت گیرد. لازم به تذکّر است که

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۶۰۸

جنین‌ها هنگام انتقال به رحم، فقط ۲۴ تا ۴۸ ساعت از زمان لقاحشان گذشته و دارای ۴ الی ۸ سلول می‌باشند. گاهی از اوقات، تعداد جنین‌های حاصل از نطفه زن و شوهر بیش از حدّ نیاز است که در این صورت اضافه بر نیاز منجمد شده و پس از زایمان زن با رضایت زوجین، جنین‌ها از رده خارج و دور ریخته می‌شود. از طرف دیگر، تعدادی از زوجها وجود دارند که به دلایل طبّی، به هیچ وجه صاحب فرزند نمی‌شوند؛ امّا برای برخی از آنها، این امکان از نظر طبّی وجود دارد که جنین‌های مازاد دسته اوّل را در صورت عدم نیاز زوجین، به رحم آنان انتقال داد. سؤالاتی که در این زمینه مطرح می‌شود عبارتند از:

الف) انتقال این جنین‌های بارور نشده به رحم زن ثالث از نظر شرعی چگونه است؟

جواب: این کار ذاتاً مانع شرعی ندارد؛ ولی چون مستلزم لمس و نظر حرام است تنها در صورت ضرورت جایز است.

ب) در صورت عدم نیاز زوجین به جنین خود، آیا موافقت آنها برای هدیه جنین به غیر لازم است؟

جواب: آری، لازم است.

ج) آیا والدین صاحب جنین می‌توانند در ازای اهدای جنین خود وجهی دریافت نمایند؟

جواب: بهتر این است که چیزی نگیرند.

د) آیا ارائه مشخّصات اهدا کنندگان جنین به دریافت‌کنندگان و برعکس، لازم است؟

جواب: نظر به این که فرزند مزبور تعلّق به صاحبان اصلی نطفه دارد، لازم است هویّت آنها ثبت شود و به اطّلاع برسد.

ه‍) در صورتی که فرزند پسر باشد، آیا این پسر با زنی که در رحم او بزرگ شده، محرم است؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۶۰۹

جواب: آری، محرم است.

و) در صورت دختر بودن فرزند، آیا با شوهر مادر جانشین (زنی که در رحم او بزرگ شده)، محرم است؟

جواب: آری، محرم است.

ز) والدین فرزند حاصل چه کسانی هستند؟

جواب: پدر و مادر او صاحبان نطفه‌اند، هرچند به زن ثالث نیز محرم می‌باشد.

ح) تکلیف ارث این بچّه‌ها پس از تولّد چگونه است؟

جواب: فقط از صاحبان نطفه ارث می‌برند.

ط) در صورت موافقت قبلی والدین صاحب جنین (صاحب نطفه و تخمک) در اهدای جنین خود، آیا می‌توانند پس از تولّد نوزاد و یا سالها بعد، از شخص ثالث مدّعی استرداد طفل شوند؟

جواب: احتیاط آن است که با رضایت مادرِ جانشین، بچّه را بگیرند.

سؤال ۱۷۶۲- آیا مادر جانشین (زن پذیرای جنین) مستحقّ دریافت نفقه یا اجرت المثل تا زمان تولّد جنین، از صاحب نطفه و پدر جنین می‌باشد؟ و آیا این کار نوعی اجاره اعضا (اجاره رحم) تلقّی می گردد؟ یا مشمول عقد دیگری است؟

جواب: این موضوع تابع قرارداد است، و اگر قراردادی ندارند و جنبه رایگان نداشته حقّ اجرت المثل دارد و عمل مزبور نوعی اجاره است، نه اجاره اعضا؛ بلکه اجیر شدن برای پرورش جنین.

جلوگیری از بارداری

سؤال ۱۷۶۳- با توجّه به مادّه «۱۴ بند ب» و ماده «۱۶ بند ه-» کنوانسیون «محو کلّیه اشکال تبعیض علیه زنان» که حقّ تصمیم گیری در مورد تعداد فرزندان، فواصل بارداری و تنظیم خانواده را برای زنان مطرح می کند، آیا زن بدون رضایت همسرش

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۶۱۰

می تواند اقدام به بستن لوله رحم، استفاده از داروها و روشهای ضد بارداری و تنظیم فواصل بارداری کند؟

جواب: این کار جایز نیست؛ مگر این که خطر قابل ملاحظه‌ای سلامت زن را تهدید کند.

سؤال ۱۷۶۴- کاندوم (قرار دادن روکش نازک پلاستیکی در حین مقاربت) از وسایل جلوگیری از حاملگی است، استفاده از آن چگونه است؟ آیا رضایت همسر شرط است؟

جواب: استفاده از آن جایز است و رضایت همسر شرط نیست؛ ولی بدون اجازه او کراهت دارد.

سؤال ۱۷۶۵- آیا مصرف قرصهای ضد حاملگی جهت پیشگیری از بارداری بلامانع است؟

جواب: در صورتی که ضرر قابل ملاحظه‌ای نداشته باشد و همسر راضی باشد، مانعی ندارد.

سؤال ۱۷۶۶- داروهای تزریقی وجود دارد که از طریق عضلانی تزریق می‌شود و برای مدّت معیّنی اثرات ضدّ حاملگی دارد. حکم استفاده از این موادّ جهت جلوگیری از بارداری چیست؟

جواب: در صورتی که ضرر قابل ملاحظه‌ای نداشته باشد و همسر راضی باشد، مانعی ندارد.

سؤال ۱۷۶۷- کپسولهایی به نام «نورپلانت» وجود دارد که در زیر پوست کاشته می‌شود (بیشتر در قسمت‌های خارجی فوقانی بازو کشت می‌شود) و این یکی از روشهای جلوگیری از بارداری است. آیا شرعاً این عمل جایز است؟

جواب: مانند جواب سابق است.

سؤال ۱۷۶۸- قرار دادن «نورپلانت» توسّط پزشک زن که فقط سطح خارجی بازو را

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۶۱۱

مشاهده می کند، چه حکمی دارد؟ آیا در صورت پوشیدن دستکش توسّط طبیب و پوشش کامل زن، به جز محلّ عمل (حدود چند سانتیمتر روی بازو)، پزشک مرد می‌تواند به این کار اقدام کند؟

جواب: در صورت ضرورت اشکال ندارد.

سؤال ۱۷۶۹- حکم عزل (که مرد هنگام آمیزش، نطفه خود را خارج از رحم بریزد) چیست؟ آیا رضایت زن شرط است؟

جواب: اشکال ندارد، ولی مکروه است؛ مگر در مواردی که ضرورتی باشد و رضایت زوجه شرط نیست، مگر در آمیزش واجب که

در هر چهار ماه واجب است که عزل در آن اشکال دارد.

سؤال ۱۷۷۰- در تعیین موارد اضطرار، در صورتی که پزشکان متخصّص زنان و زایمان در مورد حاملگی به خانمی اعلام خطر کنند، (خطرات جانی و جسمی و مشکلات احتمالی برای جنین) آیا کفایت می کند؟

جواب: هرگاه پزشکان مزبور در کار خود حاذق و از نظر صداقت و تعهّد مورد تأییدند، تشخیص آنها در مورد انواع جلوگیری‌هایی که در بالا ذکر شد، کافی است.

سؤال ۱۷۷۱- بستن لوله‌های رحم باعث قطع دائم حاملگی در خانمها می‌شود و در شرایط ایده‌آل شانس برگشت، با عمل جرّاحی مجدّد، حدوداً ۵۰٪ است. این عمل چه حکمی دارد؟

جواب: در غیر حال ضرورت، اشکال دارد.

سؤال ۱۷۷۲- جهت بستن لوله‌های رحم، (TL)حین عمل، هیچ الزامی بر مشاهده عورت خانمها وجود ندارد و عمل از طریق شکم صورت می گیرد. آیا انجام عمل توسّط پزشک زن مانعی ندارد؟ (با توجّه به این که لمس و نظر در ناحیه شکم صورت می گیرد.)

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۶۱۲

جواب: از نظر لمس و نظر مشکل نیست.

سؤال ۱۷۷۳- خانمی است که به علّت دیگری تحت عمل جرّاحی قرار گرفته و شکم بیمار بازشده است. با توجّه به باز بودن شکم، بستن لوله‌ها چه حکمی دارد؟ آیا باز مسأله لمس و نظر مطرح می‌شود یا خیر؟ در صورتی که پزشک مرد مسئول جرّاحی مشکل اوّلیّه بیمار باشد چطور؟

جواب: لمس و نظر باید به مقدار ضرورت باشد و بیش از آن مجاز نیست. علاوه بر آن که احراز شرایط فوق و رضایت بیمار و همسرش نیز لازم است.

سؤال ۱۷۷۴- در صورتی که شکم زن بیمار توسّط دستیار زن بازشود، آیا پزشک مرد می‌تواند با دستکش، به عمل بستن لوله‌ها بپردازد، با توجّه به این که نظر به پوست ظاهر شکم صورت نمی گیرد و بیشتر داخل شکم مشاهده می گردد؟

جواب: تنها در موارد ضرورت جایز است.

سؤال ۱۷۷۵- «IUD» برای جلوگیری از حاملگی در زنان استفاده می‌شود. این وسیله بایستی از طریق مهبل در داخل رحم گذارده شود و غالباً متخصّصین زن می‌توانند مبادرت به این کار نمایند؛ ولی زنان کافی در تمام مراکز بهداشتی- درمانی و یا بیمارستانها، برای این کار آموزش داده نشده‌اند. آیا حرام نیست مرد این کار را انجام دهد؟ در صورتی که این کار توسّط زن صورت گیرد، آیا مشاهده توسّط دانشجویان پزشکی پسر به منظور یادگیری اشکال دارد؟

جواب: این کار جز در موارد ضرورت جایز نیست و اگر ضرورتی باشد، مادام که دسترسی به جنس موافق است، مراجعه به جنس مخالف جایز نیست.

سؤال ۱۷۷۶- در صورت ضرورت کنترل بارداری در زن و شوهر خاصّی، و عدم موفقیّت آنها در رعایت مناسب سایر روشها، بستن لوله‌ها چه حکمی دارد؟ آیا از موارد اضطرار است؟

جواب: در صورتی که خطری از ناحیه بارداری متوجّه مادر باشد مانعی ندارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۶۱۳

سؤال ۱۷۷۷- آیا جواز شرعی برای وازکتومی (یعنی بستن لوله‌ها) جهت کنترل موالید و جلوگیری از رشد غیر متعارف جمعیّت، عنوان ثانوی داشته و با از بین رفتن ضرورت قابل لغو است؟

جواب: در صورتی که ضرورت فردی یا اجتماعی، طبق تشخیص متخصّصان مورد اعتماد اقتضا کند مانعی ندارد، در غیر این

صورت جایز نیست.

سؤال ۱۷۷۸- جهت بستن لوله‌های رحمی TL، روش «لاپاراسکوپی» می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد (یعنی با برشهای حدود نیم تا یک‌سانتیمتری از روی شکم این عمل انجام می‌شود) حکم این روش ذاتاً چیست؟

جواب: چنانچه این روش مانند سایر روشها سبب عقیم شدن باشد جایز نیست؛ مگر در موارد ضرورت.

سؤال ۱۷۷۹- در سؤال فوق با توجّه به پوشیده بودن بدن بیمار و فرستادن وسایل «لاپاراسکوپی» از منفذهای نیم تا یک‌سانتیمتری به داخل شکم بیمار و عدم لزوم لمس و نظر، آیا پزشک مرد می‌تواند به این عمل اقدام کند (با توجّه به آماده کردن محیط عمل تا پوشش کامل، توسّط خانمها)؟

جواب: اگر لمس و نظر لازم نیاید، از این جهت مشکلی نیست.

سؤال ۱۷۸۰- در کل، با توجّه به سؤالات مطروحه، در صورتی که حضرتعالی ارشاد و نظر خاصّی دارید، لطفاً جهت استفاده پزشکان بفرمایید.

جواب: توصیه حقیر این است که باید در مسأله کنترل موالید، مانند همه مسائل اجتماعی، از افراط و تفریط پرهیز کرد و تنها مسائل کوتاه مدّت را در نظر نگیرند و به واقعیّت توجّه کنند؛ نه شعارها.

تغییر جنسیّت

سؤال ۱۷۸۱- مردی به علّت این که در گذشته علاقه زیادی به بازی با دختران

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۶۱۴

داشته، و به جهت این که صاحب فرزندی در زندگی مشترک خود نگردیده و به خاطر لجبازی در برخی مسائل با دوستانش تصمیم به تغییر جنسیّت می‌گیرد.

وی بدون اطّلاع خانواده‌اش قریب به شش ماه داروهای هورمونی زنانه مصرف نموده و جهت محکم نمودن تصمیم خویش با روانشناسی مشاوره نموده است. ابتدا با طرح مسائلی دروغ در خانواده، از قبیل این که به گفته پزشکان «قلب من زنانه است» و مانند آن، قصد آماده‌سازی زمینه این کار را داشته است، پس از مدّتی با اغفال خانواده‌اش موفّق می‌شود خانمش را طلاق بدهد و در گام بعدی برای اوّلین بار لباس زنانه می‌پوشد و با آراستن شکل ظاهری خویش به شکل زنان به منزلشان می‌آید که با عکس العمل تند والدین روبه‌رو می‌شود، ولی نه تنها عقب‌نشینی نمی‌کند، بلکه تهدید می‌نماید که اگر به آرزویش نرسد انتحار خواهد کرد. و بالاخره تغییر جنسیّت داده و با تغییر نام خود با مردی ازدواج می‌کند. حکم این مسأله چیست؟

جواب: چنانچه قبلًا هم گفته‌ایم تغییر جنسیّت دو صورت دارد:

گاهی صرفا ظاهری و صوری است؛ یعنی اثری از آلت جنس مخالف نیست، بلکه فقط یک جرّاحی صوری انجام می‌گیرد و چیزی شبیه آلت جنس مخالف ظاهر می‌گردد؛ این کار حرام است و باید بشدّت از آن پرهیز نمود. و اگر ازدواجی بر اساس آن صورت گیرد حرام و باطل است و حدّ شرعی دارد.

ولی گاه واقعی است، یعنی با جرّاحی کردن عضو تناسلی مخالف ظاهر می‌گردد، این کار ذاتاً جایز است و محذور شرعی ندارد، مخصوصاً در مواردی که آثار جنس مخالف در او باشد؛ امّا چون این جرّاحی نیاز به لمس و نظر دارد، تنها در موارد ضرورت جایز است.

سؤال ۱۷۸۲- اگر زن و شوهر با هم در یک زمان تغییر جنسیّت دهند، حکم ازدواج قبلی آنها چیست؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۶۱۵

جواب: اگر تغییر حقیقی باشد زوجیّت بلافاصله فسخ می‌شود و می‌توانند مجدّداً عقد ازدواج در شکل جدید بخوانند؛ ولی احتیاط آن است زمان عدّه بگذرد.

شبیه‌سازی

سؤال ۱۷۸۳- شبیه‌سازی تحت چه شرایطی جایز می‌باشد؟ توضیح این که از طریق موادّی از پوست خود زن باعث ایجاد جنینی در او بشویم، که این جنین از هر جهت شبیه به خود او می‌باشد. این کار برای اوّلین مرتبه در انگلستان نسبت به گوسفند انجام شده است، آیا این عمل جایز است؟

جواب: این عمل از نظر شرعی خالی از اشکال نیست و مفاسد زیادی بر آن مترتّب می‌شود، به همین جهت حتّی افرادی که پایبند به دین و شریعتی نیستند به خاطر مفاسد اجتماعی آن به مخالفت با آن پرداخته‌اند.

سؤال ۱۷۸۴- با توجّه به پیشرفت علم پزشکی و ژنتیک و موفقیّت انسان در تولید غیر جنسی گوسفند، موش و مانند آن و قابلیّت اجرای این عمل در تولید غیر جنسی انسان و ترمیم اعضا لطفاً بفرمایید:

الف) آیا انجام چنین عملی (تولید انسان کامل از طریق شبیه‌سازی) شرعاً صحیح است؟

جواب: همان گونه که قبلًا هم اشاره کرده‌ایم این کار ممکن است ذاتاً اشکالی نداشته باشد؛ ولی با توجّه به عوارض نامطلوب فراوان اجتماعی و اخلاقی که بر آن مترتّب می‌شود، شرعاً مجاز نیست؛ بعلاوه، اگر مستلزم نظر و لمس حرام به هنگام کشت سلّول مشابه در رحم انسان گردد، از این نظر نیز اشکال دیگری متوجّه می‌شود.

ب) آیا ساخت اعضا و پیوند آن به انسان، شرعاً صحیح است؟

جواب: اشکالی ندارد؛ مشروط بر این که مستلزم کار حرام خاصّی نبوده باشد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۶۱۶

ج) با فرض اجرای چنین عملی در خارج از ممالک اسلامی و پیدایش چنین موجودی، آیا این موجود می‌تواند به دین اسلام مشرّف شود؟

جواب: تشرّف چنین انسانی به دین اسلام بی‌مانع است.

د) آیا می‌توان با چنین موجودی معاشرت و معامله نمود؟

جواب: اشکالی ندارد؛ انسانی است همانند سایر انسانها.

ه-) ازدواج با چنین موجودی چه حکمی دارد؟

جواب: ازدواج و نکاح او با هر کس جز محارم، یعنی کسی که سلّول از او گرفته شده یا در رحم او پیوند زده شده، بی‌مانع است.

و) آیا می‌توان از چنین انسانی ارث برد؟

جواب: چنین انسانی از کسی ارث نمی‌برد و ارث او به امام می‌رسد؛ همانند فرزندان رضاعی که محرم هستند ولی ارث نمی‌برند و بستگان نیز از آنها ارث نمی‌برند.

ز) آیا او می‌تواند ازدواج کند؟

جواب: آری، از این نظر فرقی با سایر انسانها ندارد.

مسائل متفرّقه پزشکی

سؤال ۱۷۸۵- بعضی از افراد برای کمک به درمان بیمارانی که نیاز به فرآورده‌های خونی یا اعضای بدن دارند، حاضر می‌شوند که

خون یا مثلًا کلیه یا چشم خود را بفروشند، خریدوفروش این اعضا چه حکمی دارد؟

جواب: فروختن خون و کلیه در صورتی که خطری برای دهنده ایجاد نکند اشکالی ندارد؛ ولی بهتر آن است که پول را در مقابل اجازه برداشتن کلیه یا گرفتن خون بگیرند؛ ولی در مورد چشم مطلقاً جایز نیست.

سؤال ۱۷۸۶- آیا تعیین ضرورت به عهده عرف است، یا شخص مکلّف، یا افراد صاحب‌نظر و اهل خبره؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۶۱۷

جواب: موارد مختلف است؛ در امور ساده بسته به نظر عرف و در موارد پیچیده بسته به نظر اهل خبره است.

سؤال ۱۷۸۷- آیا در موردی که احتمال ضرورت می‌رود، می‌توان معامله ضرورت نمود؟

جواب: احتمال ضرورت کافی نیست، باید ضرورت ثابت شود؛ ولی در موارد خطر، خوف خطر کافی است و یقین به خطر لازم نیست.

سؤال ۱۷۸۸- چنانچه بنابر ضرورت در آموزش پزشکی لازم شود دانشجو یا پزشک نامحرم، بیمار را معاینه یا درمانی که ملازم لمس و نظر می‌باشد نماید، آیا اجازه بیمار یا بستگان وی لازم است؟

جواب: هرگاه آموزش ضروری منحصر به آن مورد باشد رضایت طرف لازم نیست؛ ولی اگر موارد دیگری برای آموزش پیدا شود که طرف مقابل رضایت می‌دهد نمی‌توان از مواردی که راضی نیستند استفاده کرد.

سؤال ۱۷۸۹- اهدا و انتقال خون از غیر مسلمان به مسلمان، مرد به زن و بالعکس چه حکمی دارد؟

جواب: اشکالی ندارد؛ مگر این که بیم انتقال بیماری برود.

سؤال ۱۷۹۰- آیا انسان می‌تواند خون خود را به زوجه‌اش بدهد؟

جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۱۷۹۱- آیا جرّاحی غددی که در بدن قرار دارد (حتّی اگر ضرری برای شخص نداشته باشد)، یا جرّاحیهای مختلف که جهت زیبایی انجام می‌شود، جایز است؟

جواب: در حدّ معقول و منطقی جایز است. (حکم زیباسازی را مشروحاً در جلد اوّل استفتائات سؤال ۱۵۶۳ بیان کرده‌ایم).

سؤال ۱۷۹۲- برخی از خانم‌های حامله که می‌توانند به وضع طبیعی زایمان کنند، اصرار دارند سزارین شوند تا درد کمتری را تحمّل کنند. در این زمینه حکم چیست؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۶۱۸

جواب: اگر این کار جنبه عقلایی داشته باشد اشکالی ندارد.

شیرازی، ناصر مکارم، استفتاءات جدید (مکارم)، ۳ جلد، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم - ایران، دوم، ۱۴۲۷ ه ق استفتاءات جدید (مکارم)؛ ج۲، ص: ۶۱۸

سؤال ۱۷۹۳- بسیاری از احکام شرع در مسائل پزشکی مشروط به عدم لمس و نظر جنس مخالف شده است، آیا منظور از لمس، لمس مستقیم پوست با بدن بیمار است، یا در صورتی که دست پزشک با پوششهایی نظیر دستکش طبّی پوشیده باشد، لمس محسوب نمی‌شود؟

جواب: در صورتی که بدن مستقیماً تماس پیدا نکند، برای نیازهای پزشکی اشکالی ندارد.

سؤال ۱۷۹۴- این جانب از علاقه‌مندان به طبّ اسلامی و سنّتی می‌باشم. نیازی به توضیح نیست که جوامع روایی ما سرشار از توصیه‌های حکیمانه در زمینه مسائل بهداشتی و درمانی است (برای مثال توصیه‌های عدیده و مؤکّدی در باب حجامت وجود دارد)

که عمل و تمسّک بدین گنجینه گرانبها، گذشته از اجر اخروی که در بر دارد، می‌تواند منشأ خیر و برکت برای جامعه اسلامی و مسلمانان بلکه تمام بشریّت گردد؛ زیرا نظر به هزینه‌های گزاف درمان به شیوه امروزی و در بعضی اوقات تبعات منفی پزشکی کنونی که ناشی از وارداتی بودن صرف این شیوه است، عمل به دستورات دین مبین اسلام به دلیل هماهنگی آن با روح و جان انسان علی رغم سادگی این فرامین در مرحله اجرا، می‌تواند ضامن سلامت روحی و جسمی جامعه و در بعد سیاسی، اجتماعی موجب استقلال و بی‌نیازی مملکت اسلامی گردد.

از سوی دیگر در مجامع علمی امروز، اثبات یک مدّعا منوط به داشتن پشتوانه محکم تحقیقاتی و بررسی آماری منطبق با شیوه‌های پژوهشی استاندارد می‌باشد. لذا با توجّه به موارد فوق‌الذّکر خواهشمند است نظر خود را در مورد مسائل ذیل بیان فرمایید:

الف) انجام تحقیق و پژوهش پیرامون حجامت و فصد (و سایر موضوعات پزشکی مشابه که در روایات موجود می‌باشد) مطابق با استانداردهای علمی

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۶۱۹

بین المللی و بررسی آماری نتایج حاصل از آن از نظر شرعی چه وجهی دارد؟

جواب: این گونه پژوهش‌ها بسیار خوب و موجب سربلندی اسلام و مسلمین است؛ ولی باید موازین شرعی در موارد عوارض جانبی آن رعایت شود.

ب) با توجّه به اثرات مثبت ناشی از به کارگیری توصیه‌های بهداشتی و درمانی دین مبین اسلام و نیز اثری که می‌تواند در خودکفایی و قطع وابستگی از بیگانگان داشته باشد، به نظر حضرتعالی ضرورت تحقیق پیرامون این موضوعات به منظور کاربردی کردن آنها در سطح جامعه تا چه حدّی است؟

جواب: بی‌شک انجام این کار مفید و سودمند، بلکه در بعضی از موارد لازم و ضروری است.

سؤال ۱۷۹۵- آیا دندانپزشک می‌تواند مبلغ و زمان درمان را با بیمار مشخص کند؟ اگر این مقاطعه بر خلاف تعرفه‌های وزارت بهداشت باشد، چگونه است؟

جواب: مقاطعه با روشن شدن شرایط اشکالی ندارد؛ ولی تخلّف از مقرّرات جمهوری اسلامی مجاز نیست.

سؤال ۱۷۹۶- آیا دندانپزشک می‌تواند برای درمان افراد غیر عادّی (افراد حسّاس، بچّه‌ها و مانند آن) با توجّه به وقت بیشتری که صرف درمان می‌کند، مبلغ زیادتری مطالبه نماید؟

جواب: اگر واقعاً وضع بیمار غیر عادّی است، قرارداد مخصوص مانعی ندارد؛ ولی در هر حال انصاف را رعایت کند.

سؤال ۱۷۹۷- استفاده از دفترچه بیمه دیگران چگونه است؟ آیا تحقیق و تفحّص توسّط پزشک لازم می‌باشد؟

جواب: هرگونه استفاده از دفترچه بیمه بر خلاف مقرّرات و قرارداد شرعاً مجاز نیست؛ ولی برای طبیب، تفحّص لازم نیست.

سؤال ۱۷۹۸- تحویل دارو در مطب طبق مقرّرات ممنوع می‌باشد، آیا دندانپزشک

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۶۲۰

می‌تواند با توجّه به این که تهیّه دارو برای بیمار باعث عسر و حرج می‌گردد، دارو تجویز و تحویل نماید؟

جواب: در موارد ضرورت مانعی ندارد.

سؤال ۱۷۹۹- آیا آزمایش اسپرم، که با استمنا حاصل می‌شود و برای ازدواج در بعضی از موارد لازم می‌باشد، جایز است؟

جواب: گرفتن اسپرم برای آزمایش از طریق استمنا تنها در صورت ضرورت جایز است.

سؤال ۱۸۰۰- پزشکی یقین دارد که عمل جرّاحی روی فلان بیمار تأثیری در زنده ماندن او ندارد، بطوری که بیمار چه عمل شود و چه عمل نشود بیش از مدّت کوتاهی زنده نخواهد ماند. آیا بنا به اصرار همراهان بیمار یا مسئولین بیمارستان جایز است اقدام به

جرّاحی نماید؟

جواب: در صورتی که بیمار راضی باشد و اطّلاع کافی به او داده شود، مانعی ندارد.

پایان

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۶۲۱

نگاهی گذرا بر زندگی پربرکت مرجع عظیم الشّأن حضرت آیهٔ اللّه العظمی مکارم شیرازی «دام ظلّه»

۱- آغاز پربرکت

حضرت آیهٔ اللّه العظمی مکارم شیرازی در سال ۱۳۴۵ هجری قمری در شهر شیراز در میان یک خانواده مذهبی که به فضایل نفسانی و مکارم اخلاقی معروفند دیده به جهان گشود. معظّم له تحصیلات ابتدایی و دبیرستانی خود را در شیراز به پایان رسانید. هوش و حافظه قوی و استعداد ممتاز، وی را در محیط مدرسه در ردیف شاگردان بسیار ممتاز قرار داده بود.

۲- حیات علمی

با این که هیچ یک از افراد خانواده معظّم له در کسوت روحانیّت نبود، تنها عشق شدید به معارف اسلامی (طیّ حوادث جالبی) سرانجام ایشان را به این رشته پرافتخار کشانید. معظّم له در حدود ۱۴ سالگی رسماً دروس دینی را در «مدرسه آقا بابا خان شیراز» آغاز کرد و در مدّت اندکی نیازهای خود را از علوم: صرف، نحو، منطق، معانی، بیان و بدیع به پایان رسانید. سپس توجّه خود را به رشته فقه و اصول معطوف ساخت و به خاطر نبوغ فوق‌العاده‌ای که داشت، مجموع دروس مقدّماتی و سطح متوسّط و عالی را در مدّتی نزدیک به چهار سال! به پایان رساند. در همین سالها گروهی از طلّاب حوزه علمیّه شیراز را نیز با تدریس خود بهره‌مند

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۶۲۲

می‌ساخت، و گاه در یک روز- علاوه بر درسهایی که خود می‌خواند- هشت جلسه تدریس داشت!

ایشان در ۱۸ سالگی از شیراز وارد حوزه علمیّه قم شدند و قریب پنج سال از جلسات علمی و درس اساتید بزرگ آن زمان مانند حضرت آیهٔ اللّه العظمی بروجردی و آیات بزرگ دیگر رضوان اللّه علیهم بهره گرفتند.

۳- هجرت در جوانی

معظّم له برای آشنایی با نظرات و افکار اساتید بزرگ یکی از حوزه‌های عظیم شیعه در سال ۱۳۶۹ ه- ق وارد حوزه علمیّه نجف اشرف گردیدند و در آنجا در دروس اساتید عالی مقام و بزرگی همچون آیات عظام آقای حکیم، خویی، سید عبد الهادی شیرازی و اساتید برجسته دیگر- قدّس اللّه اسرارهم- شرکت جستند.

۴- رسم دیرینه حوزه

معظّم له در سن ۲۴ سالگی به اخذ درجه اجتهاد مطلق از محضر دو نفر از آیات بزرگ نجف نائل شدند.

۵- رجعتی پس از هجرت

معظّم له در ماه شعبان سال ۱۳۳۰ هجری شمسی به ایران بازگشت و در شهر مقدّس قم که آن روز مشتاق رجال علمی بود مأوا

گزید و در جمعی که باید بعداً اثری بس عظیم بوجود آورند وارد شد.

۶- حوزه‌ای دیگر، درسی دیگر

حضرت آیهٔ اللّه العظمی مکارم شیرازی بعد از بازگشت به ایران به تدریس سطوح عالی و
استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۶۲۳
سپس خارج «اصول» و «فقه» پرداختند و قریب ۵۵ سال است که حوزه گرم درس خارج ایشان مورد استقبال طلّاب و فضلاست؛ بسیاری از کتب مهمّ فقهی را تدریس کرده و به رشته تحریر درآورده‌اند. در حال حاضر حوزه درس خارج ایشان یکی از پرجمعیّت‌ترین دروس حوزه‌های علمیّه شیعه است و قریب به دو هزار نفر از طلّاب و فضلای عالیقدر از محضر ایشان استفاده می‌کنند. ایشان از آغاز دوران جوانی به تألیف کتاب در رشته‌های مختلف عقاید و معارف اسلامی و مسأله ولایت و سپس تفسیر و فقه و اصول پرداختند، و یکی از مؤلّفان بزرگ جهان اسلام محسوب می‌شوند.

۷- حیات سیاسی

معظّم له در انقلاب اسلامی حضور فعّال داشتند و به همین دلیل چند بار به زندان طاغوت افتادند و به سه شهر «چابهار»، «مهاباد» و «انارک» تبعید شدند، در تدوین قانون اساسی در خبرگان اوّل نیز نقش مؤثّری داشتند.

۸- خدمات ارزنده معظّم له

در رژیم طاغوت احساس می‌شد که حوزه علمیّه قم نیازمند یک نشریه عمومی است تا بتواند با نشریات گمراه‌کننده‌ای که بدبختانه تعداد آنها نیز کم نبود مبارزه نماید.
معظّم له با همکاری جمعی از دانشمندان برای انتشار نشریّه ماهانه «مکتب اسلام» که با کمک بزرگان حوزه علمیّه قم تأسیس شده بود، همکاری نمود. این نشریّه در جهان شیعه بی‌سابقه بود و شاید از نظر وسعت انتشار- در میان مجلّات علمی و دینی- در تمام جهان اسلام، جزء درجه اوّلها بود.

۹- مجموعه تألیفات و آثار

از معظّم له حدود یکصد و سی و دو جلد کتاب منتشر شده که بعضی از آنها بیش از سی بار
استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۶۲۴
تجدید چاپ گردیده است و بعضی به بیش از ده زبان زنده دنیا ترجمه شده و در کشورهای مختلف انتشار یافته است که به اسامی آنها اشاره می‌شود:

۱- ترجمه شیوا و روان قرآن مجید

۲- تا ۲۸ تفسیر نمونه (فارسی، عربی، اردو، انگلیسی و ترکی)

۲۹- تا ۳۸ تفسیر موضوعی پیام قرآن (عربی و فارسی)

۳۹ و ۴۰- ترجمه تفسیر المیزان

۴۱ و ۴۲ و ۴۳- اخلاق در قرآن

۴۴- فیلسوف‌نماها

۴۵- مدیریت و فرماندهی در اسلام

۴۶- زهرا، برترین بانوی جهان

۴۷- زندگی در پرتو اخلاق

۴۸- جلوه حق

۴۹- عود ارواح و ارتباط با ارواح

۵۰- پرسشها و پاسخهای مذهبی

۵۱- خطوط اصلی اقتصاد اسلامی

۵۲- انگیزه گرایش به مذاهب

۵۳- خدا را چگونه بشناسیم؟

۵۴- آفریدگار جهان

۵۵- رهبران بزرگ و مسئولیّتهای بزرگتر

۵۶- قرآن و آخرین پیامبر

۵۷- معاد و جهان پس از مرگ

۵۸- عقیده یک مسلمان

۵۹- مهدی انقلابی بزرگ

۶۰- ارزشهای فراموش شده

۶۱- پایان عمر مارکسیسم

۶۲- آخرین فرضیه‌های تکامل

۶۳- آیین ما (ترجمه اصل الشّیعه)

۶۴- پنجاه درس اصول عقاید برای جوانان (فارسی، عربی، انگلیسی، چینی و فرانسه)

۶۵- سرگرمیهای خطرناک

۶۶- نماز مکتب عالی تربیت

۶۷- معراج، شقّ القمر، نماز در قطبین

۶۸- معمّای هستی

۶۹- فلسفه شهادت

۷۰- اسرار عقب‌ماندگی شرق

۷۱- چهره اسلام در یک بررسی کوتاه

۷۲- در جستجوی خدا

۷۳- مشکلات جنسی جوانان

۷۴- آنچه از اسلام باید بدانیم (اسلام در یک نگاه)

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۶۲۵

۷۵- بحثی درباره ماتریالیسم و کمونیسم

۷۶- قرآن و حدیث

۷۷- تقلید یا تحقیق

۷۸- خمس پشتوانه استقلال بیت المال

۷۹- مسأله انتظار

۸۰- تفسیر به رأی

۸۱- تقیّه سپری برای مبارزه عمیقتر

۸۲- این مسائل برای همه جوانان مطرح است

۸۳- اسلام و آزادی بردگان

۸۴- یکصد و پنجاه درس زندگی (فارسی و انگلیسی)

۸۵- شیوه همسرداری در خانواده نمونه

۸۶- طرح حکومت اسلامی

۸۷- رساله مقدمه وحی یا...

۸۸- التقاط و التقاطیها

۸۹- مناظرات تاریخی امام رضا (علیه السلام)

۹۰ و ۹۱- اخلاق اسلامی در نهج البلاغه

۹۲- رساله توضیح المسائل (فارسی، عربی، اردو، ترکی، انگلیسی، چینی)

۹۳- رساله احکام جوانان

۹۴- رساله احکام بانوان

۹۵- مناسک حج (فارسی- عربی)

۹۶ و ۹۷- استفتائات جدید (فارسی و عربی)

۹۸ و ۹۹ و ۱۰۰- انوار هدایت

۱۰۱- تعلیقات علی عروهٔ الوثقی

۱۰۲ و ۱۰۳- القواعد الفقهیّه

۱۰۴- انوار الفقاهه (کتاب التّجارهٔ- مکاسب محرمه)

۱۰۵- انوار الفقاهه (کتاب البیع- ولایت فقیه و حکومت اسلامی)

۱۰۶- انوار الفقاهه (کتاب الخمس و الانفال)

۱۰۷- انوار الفقاهه (کتاب الحدود و التّعزیرات)

۱۰۸- أنوار الفقاههٔ (کتاب النکاح ج ۱)

۱۰۹ و ۱۱۰ و ۱۱۱- انوار الاصول (مشتمل بر تقریرات درس خارج اصول)

۱۱۲ و ۱۱۳ و ۱۱۴- پیام امام (علیه السلام) (شرح نهج البلاغه) (عربی)

۱۱۵- ربا و بانکداری اسلامی (فارسی و عربی)

۱۱۶- بررسی طُرُق فرار از ربا

۱۱۷- مثالهای زیبای قرآن (فارسی و عربی)

۱۱۸- یادآوری‌های ماندگار

۱۱۹- جامعه سالم در پرتو اخلاق

۱۲۰- بحوثٌ فقهیّه هامّة (مسائل مهمّ فقهی به زبان عربی)

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۶۲۶

۱۲۱- حکم الأضحیه

۱۲۲- عمره مفرده

۱۲۳- حج بانوان

۱۲۴- مناسک جامع حج

۱۲۵- حکومت جهانی مهدی

۱۲۶- جوانان را دریابید

۱۲۷- ۱۱۰ سرمشق از سخنان حضرت علی (علیه السلام)

۱۲۸- چند نکته مهم درباره رؤیت هلال (به زبان عربی)

۱۲۹- حیله‌های شرعی و چاره‌جویی‌های صحیح

۱۳۰- آیات ولایت (عربی)

۱۳۱- مفاتیح نوین

۱۳۲- تعزیر و گسترده آن

وفّقه اللّه لمرضاته و ایّده اللّه بتأییداته

ناشر

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۲، ص: ۶۲۷

آدرس و شماره تلفن‌های

دفاتر حضرت آیهٔ اللّه العظمی مکارم شیرازی (مدّ ظلّه)

جهت پاسخگوئی به مسائل شرعی

۱- قم: ابتدای خیابان شهدا تلفن: ۷۷۴۳۱۲۰، ۱۳- ۷۷۴۳۱۱۰ فاکس: ۷۷۴۳۱۱۴

۲- شیراز: خیابان قاآنی کهنه، کوی رحمت تلفن: ۲۳۰۳۱۲۱، فاکس: ۲۳۰۷۴۲۱

۳- تهران: خیابان ۱۷ شهریور، ابتدای بزرگراه شهید محلاتی، ضلع جنوبی، پلاک ۲۹ تلفن: ۷۵۰۹۶۹۷، ۲ - ۷۵۱۲۲۴۱، فاکس: ۷۶۳۸۸۸۸

۴- اراک: ابتدای خیابان محسنی تلفکس: ۲۲۴۲۴۷۰، تلفن: ۲۲۲۴۴۱۵

۵- مشهد: چهارراه شهدا، خیابان آزادی، آزادی ۶ فاکس: ۲۲۵۴۹۷۰ تلفن: ۲۲۵۶۱۶۸- ۲۲۲۷۸۷۹

۶- اصفهان: چهارراه شکرشکن، خیابان احمدآباد، خیابان شهید توانا، پلاک ۱۰۵ تلفن: ۲۲۵۳۶۰۰، تلفکس: ۲۲۶۵۲۰۵

۷- کرج: بلوار امامزاده حسن، بین گلستان سوم و چهارم.

تلفن: ۲۲۴۳۹۳۸، تلفکس: ۲۲۳۱۰۳۳

اینترنت: www. makarem. ir

E- mail: makarem@ makarem. ir

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹